




# حلیۃ المتقین

ترجمہ آیتہ العظمیٰ مکارم شیرازی رحمۃ اللہ علیہا



کردآوری: ابو القاسم علیان نزلکی دارمغانی

سرشناسه: مجلسی: محمدباقر بن محمد تقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ ق.

عنوان و پدیدآور: حلیة المتقین / علامه مجلسی؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان نژادی

مشخصات نشر: قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۸۲۷ص.

شابک: ۱-۱۷۳-۵۳۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: اخلاق شیعه

موضوع: احادیث اخلاقی

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: اسلام - آداب و رسوم و زندگی مذهبی

شناسه افزوده (شخص): علیان نژادی، ابوالقاسم، مصحح.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸۳م/۶۵/۲۴۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

## حلیة المتقین

تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول

صفحه و قطع: ۸۲۷ صفحه / وزیری

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۱-۱۷۳-۵۳۳-۹۶۴-۹۷۸



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۳۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

www.imamalipub.ir

قیمت: ۱۵/۰۰۰ تومان



الله أكبر





## فهرست مطالب

۴۱	مقدمه حضرت آية الله العظمى مكارم شيرازى (مدظله)
۴۵	ضرورت ويرايش و تحقيق كتاب حلية المتقين
۴۷	نكاتى درباره كارهاى انجام شده
۴۹	نگاهى گذرا به زندگى علامه مجلسى <small>رحمته الله</small>
۴۹	ولادت و خاندان
۵۰	دوران تحصيل
۵۰	اساتيد و شيوخ اجازة
۵۱	جانشينى پدر
۵۱	شاگردان و راويان
۵۲	تأليفات
۵۳	حلية المتقين
۵۳	علامه در سفر
۵۴	علامه مجلسى و سياست
۵۵	علامه از منظر اهل نظر
۵۶	وفات علامه مجلسى <small>رحمته الله</small>
۵۹	مقدمه علامه مجلسى

### فصل اول: آداب پوشيدن لباس و كفش / ۶۳

۶۵	فضيلت آراستن
۶۵	اظهار نعمت هاى پروردگار
۶۶	خود را براى خودى ها بيارايد
۶۶	لباس خوب از مال حلال
۶۷	لباس زيرين و رويين
۶۸	آراسته بودن در بيرون خانه
۶۸	فلسفه سختى هاى دنيا

۶۹	لباس‌های حرام
۷۰	لباس ابریشمین
۷۰	زیورآلات طلا و نقره
۷۱	بهترین لباس
۷۱	لباس پنبه‌ای و پشمین
۷۳	لباس کتان و خز
۷۳	رنگ لباس
۷۴	لباس سفید و زرد
۷۴	لباس قرمز و کبود
۷۵	لباس سبز سیر و سیاه
۷۶	برخی آداب لباس پوشیدن
۷۸	حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران
۷۹	عمامه بستن و کلاه پوشیدن
۷۹	عمامه بر سر گذاشتن
۸۱	کلاه پوشیدن
۸۱	آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)
۸۲	آداب لباس نو بردن و پوشیدن
۸۲	دعاهای هنگام بردن و پوشیدن لباس نو
۸۴	پوشیدن لباس نو و رهایی یافتن از آفات
۸۴	شکرانه پوشیدن لباس نو
۸۵	دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس
۸۵	هیچ‌گاه به طور کامل برهنه نشوید
۸۵	ویژگی‌های پوشش بانوان
۸۶	اسراف در پوشش
۸۶	پاکیزگی و نظافت لباس
۸۷	وصله زدن به لباس
۸۷	رنگ کفش و ویژگی‌های دیگر آن
۸۸	اهمیت پوشیدن کفش
۸۸	چه کفشی بپوشیم
۹۰	آداب پوشیدن کفش
۹۱	استراحت دادن به پاها
۹۱	دعای پوشیدن کفش

### فصل دوم: زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان / ۹۳

۹۵	فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن
۹۵	استحباب انگشتر در دست راست کردن
۹۷	انگشتر در کدام دست کنیم
۹۷	انگشتر در کدام انگشت نکنیم
۹۷	دعای انگشتر در دست کردن
۹۸	<b>جنس انگشتر</b>
۹۸	چگونگی انگشتر
۹۸	انگشترهای نامناسب
۹۹	<b>فضیلت عقیق</b>
۹۹	اهمیت عقیق در دست کردن
۱۰۰	آثار و خواص عقیق در دست کردن
۱۰۳	<b>فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد</b>
۱۰۳	انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی
۱۰۴	انگشتر زمرد و راحتی و توانگری
۱۰۴	انگشتر زبرجد در دست کردن
۱۰۴	<b>فضیلت فیروزه و جزع یمانی</b>
۱۰۴	خواص انگشتر فیروزه
۱۰۵	خواص انگشتر جزع یمانی
۱۰۶	<b>فضیلت دُر نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین‌ها</b>
۱۰۸	<b>نقش نگین</b>
۱۰۸	اهمیت نقش نگین انگشتر
۱۰۸	نقش نگین انگشتر پیامبران
۱۱۰	نقش نگین انگشتر امامان علیهم‌السلام
۱۱۴	آثار و خواص نقش نگین
۱۱۷	<b>پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان</b>
۱۱۷	زیور کودکان
۱۱۷	زیور زنان
۱۱۸	آراستن دیگر چیزها با طلا
۱۱۹	<b>آداب سرمه کشیدن</b>
۱۱۹	اهمیت سرمه کشیدن

۱۲۰	دعای هنگام سر مه کشیدن
۱۲۰	آثار و فواید سر مه کشیدن
۱۲۱	<b>آداب نگاه کردن در آینه</b>
۱۲۲	اهمیت و فواید نگاه کردن در آینه
۱۲۲	دعاهای هنگام نگاه کردن در آینه
۱۲۴	<b>رنگ کردن موها</b>
۱۲۴	اهمیت رنگ کردن با حنا
۱۲۵	فواید و آثار رنگ کردن
۱۲۵	فلسفه رنگ کردن
۱۲۷	<b>چگونگی و آثار رنگ کردن</b>

### فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن / ۱۲۹

۱۳۱	<b>ظرف خوردن و آشامیدن</b>
۱۳۲	غذاهای مجاز و افراط در غذا
۱۳۳	شریک کردن دیگران در غذای خود
۱۳۳	از غذای حلال نمی پرسند
۱۳۴	غذا خوردن در حال سیری
۱۳۵	کم خوری و سلامت تن
۱۳۷	کمترین اسراف در غذا خوردن
۱۳۷	<b>بارهای از آداب و اوقات غذا خوردن</b>
۱۳۸	وعده های غذایی
۱۳۹	غذای داغ نخورید
۱۴۰	در غذا فوت نکنید
۱۴۰	از جلوی خود شروع به خوردن کنید
۱۴۱	روش غذا خوردن پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴۱	بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن
۱۴۲	سفارشات امام حسن <small>علیه السلام</small> در مورد غذا خوردن
۱۴۳	<b>سایر آداب غذا خوردن</b>
۱۴۳	تنها غذا خوردن
۱۴۴	سهم نیازمندان از غذاها
۱۴۴	موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن



۱۴۶	سیره پیامبر اعظم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> در غذا خوردن
۱۴۷	آداب غذا خوردن
۱۴۷	شستن دست‌ها پیش از غذا خوردن
۱۴۸	شستن دست‌ها پس از غذا خوردن
۱۴۹	شستن دهان پس از غذا خوردن
۱۴۹	کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن
۱۴۹	با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟
۱۵۳	دعای سفره و آثار آن
۱۵۳	آغاز و انجام غذا با نام و حمد خدا
۱۵۴	آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله»
۱۵۵	آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن
۱۵۶	دعای سفره حضرت رسول <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small> و ائمه اطهار <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
۱۵۸	آداب پس از غذا خوردن
۱۵۸	غذاهای ریخته شده اطراف سفره
۱۵۹	حرمت نان و آثار کفران نعمت
۱۶۰	خوابیدن بعد از غذا
۱۶۰	ترک خدمت کردن به احترام غذا
۱۶۰	در فضیلت برخی غذاها
۱۶۰	مواد غذایی
۱۶۴	گوشت و انواع آن
۱۷۰	غذاهای گوشتی
۱۷۱	غذاهای غیر گوشتی
۱۷۳	لبنیات
۱۷۵	دیگر مواد غذایی
۱۷۷	دعای پس از خوردن و آشامیدن
۱۷۸	سبزی‌ها و میوه‌ها و دیگر خوراکی‌ها
۱۷۸	سبزی‌ها
۱۸۵	میوه‌ها
۱۹۳	آداب میوه خوردن
۱۹۴	حبوبات
۱۹۶	خوردن خاک و گِل

۱۹۷	فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن
۱۹۷	میهمان‌داری و فضیلت آن
۱۹۸	قبول کردن دعوت مؤمنین
۱۹۹	ولیمه و میهمانی دادن
۱۹۹	بی دعوت به میهمانی رفتن
۱۹۹	آداب پذیرایی از میهمان
۲۰۰	وظایف میزبان
۲۰۰	میهمان سرزده و دعوت نشده
۲۰۱	به خدمت گرفتن میهمان
۲۰۱	وظایف میزبان در سر سفره
۲۰۲	استقبال و بدرقه میهمان
۲۰۲	وظایف میهمان
۲۰۳	اندازه میهمانی
۲۰۳	<b>فضیلت خلال کردن و آداب آن</b>
۲۰۳	فضیلت و فایده خلال کردن
۲۰۴	چوب خلال
۲۰۵	آداب خلال کردن
۲۰۵	<b>فضیلت نوشیدن آب و انواع آن</b>
۲۰۵	فضیلت نوشیدن آب و خواص آن
۲۰۶	آب‌هایی که نوشیدن آن سفارش شده
۲۰۶	آب زمزم
۲۰۷	آب فرات
۲۰۸	آب باران و آب ناودان کعبه
۲۰۸	آب خنک
۲۰۹	آب جوشیده
۲۰۹	آب‌هایی که نوشیدن آن مذموم است
۲۱۰	فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب
۲۱۰	<b>آداب خوردن آب</b>
۲۱۰	طرز نوشیدن آب
۲۱۰	آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته
۲۱۱	چگونگی آب خوردن

۲۱۲	ظرف آب
۲۱۲	دعاهای قبل و بعد از نوشیدن آب
۲۱۲	ابتدا به نام خدا و انتها به حمد او
۲۱۴	سلام بر حسین شهید
۲۱۴	دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب
۲۱۴	مقدار نوشیدن آب

### فصل چهارم: ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان / ۲۱۷

۲۱۹	فضیلت ازدواج کردن و نهی از رهبانیت
۲۱۹	ازدواج و دینداری
۲۲۰	ترک ازدواج برای مسائل مالی
۲۲۰	دوست داشتن همسر
۲۲۱	لزوم آمیزش با همسر
۲۲۱	رهبانیت ممنوع
۲۲۲	صفات پسندیده و ناپسند زنان
۲۲۲	اهمیت همسر
۲۲۴	معیارهای معنوی همسر خوب
۲۲۵	معیارهای جسمی همسر شایسته
۲۲۶	بهترین و بدترین زنان
۲۲۷	زنی که از کارکنان خداست
۲۲۸	آداب خواستگاری و زمان مناسب آن
۲۲۸	خواستگاری
۲۲۸	زمان عقد و زفاف
۲۲۹	ولیمه ازدواج
۲۲۹	خواندن خطبه عقد
۲۳۰	آداب زفاف و آمیزش
۲۳۱	اوقات مکروه آمیزش
۲۳۱	شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع
۲۳۱	آمیزش در اول و وسط و آخر ماه
۲۳۲	آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب
۲۳۲	آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب

۲۳۳	..... اوقات حرام آمیزش
۲۳۳	..... اوقات مستحب آمیزش
۲۳۴	..... مکان‌هایی که آمیزش در آن مکروه است
۲۳۵	..... کارهای مکروه به هنگام آمیزش
۲۳۶	..... حالت‌های مکروه به هنگام آمیزش
۲۳۷	..... آداب پیش از آمیزش
۲۳۸	..... آداب عروسی
۲۳۹	..... آمیزش در حَمَام یا بدون روانداز
۲۳۹	..... <b>دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش</b>
۲۳۹	..... آداب شب زفاف
۲۴۱	..... چگونگی شیطان شریک نطفه می‌شود
۲۴۲	..... دعای هنگام آمیزش
۲۴۳	..... <b>حقوق زن و شوهر بر یکدیگر</b>
۲۴۳	..... حقوق شوهر بر زن
۲۴۴	..... حقوق زن بر شوهر
۲۴۵	..... <b>دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن</b>
۲۴۵	..... فرزندان در کلام معصومان <small>علیهم‌السلام</small>
۲۴۵	..... اهمیت و تعداد فرزند
۲۴۶	..... تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین
۲۴۶	..... پاداش زحمات پدر و مادر
۲۴۷	..... ثواب دوران بارداری و شیردهی
۲۴۷	..... دختر یا پسر
۲۴۸	..... دعا برای فرزنددار شدن
۲۴۸	..... دعاهای مخصوص
۲۴۹	..... استغفار
۲۵۱	..... تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد
۲۵۲	..... نماز مخصوص، اذان و نام علی
۲۵۳	..... <b>احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن</b>
۲۵۳	..... پیش از زایمان
۲۵۳	..... هنگام زایمان
۲۵۶	..... پس از وضع حمل

۲۵۶	غذای مادر.....
۲۵۶	تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد.....
۲۵۷	برداشتن کام طفل.....
۲۵۸	قطره ریختن در بینی، اذان و اقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد.....
۲۵۹	نامگذاری.....
۲۵۹	نام‌های نیک.....
۲۶۱	نام‌های نامناسب.....
۲۶۱	<b>عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن</b> .....
۲۶۱	عقیقه.....
۲۶۲	اهمیت عقیقه.....
۲۶۲	فلسفه و زمان عقیقه.....
۲۶۲	عقیقه برای بزرگسالان.....
۲۶۳	صدقه یا قربانی به جای عقیقه.....
۲۶۳	عقیقه کودک هفت روزه.....
۲۶۳	شرایط عقیقه.....
۲۶۴	دعای هنگام ذبح گوسفند.....
۲۶۶	حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله.....
۲۶۶	آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه.....
۲۶۷	چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟.....
۲۶۷	تراشیدن موی سر نوزاد.....
۲۶۷	<b>ختنه کردن</b> .....
۲۶۷	زمان ختنه کردن.....
۲۶۸	فلسفه ختنه کردن.....
۲۶۸	دعای ختنه کردن، تکرار ختنه و احکام ترک ختنه.....
۲۶۹	<b>آداب شیر دادن و تربیت فرزند</b> .....
۲۷۰	آداب شیر دادن.....
۲۷۱	شیرهای ممنوع.....
۲۷۱	حدّ اقل مدّت شیردهی.....
۲۷۱	تعلیم و تربیت فرزند.....
۲۷۱	اهمیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت.....
۲۷۲	آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند.....

۲۷۳	..... رختخواب مستقل و نظافت شبانه
۲۷۳	..... اجتناب کردن از خرافات
۲۷۴	..... حقوق فرزند بر والدین
۲۷۷	..... نفقه فرزندان
۲۷۸	..... چگونه آرامش پیدا کنیم
۲۷۸	..... سنّ نامحرم شدن دختران و پسران
۲۷۹	..... شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی
۲۷۹	..... رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان
۲۸۰	..... بخشی از حقوق والدین
۲۸۰	..... احترام به والدین
۲۸۰	..... احسان و نیکی به والدین
۲۸۱	..... نیکی به مادر و حق پدر
۲۸۲	..... پرداخت هزینه‌های والدین
۲۸۲	..... عاق والدین
۲۸۳	..... آثار و پاداش احسان به والدین
۲۸۴	..... مجازات بی حرمتی به والدین

#### **فصل پنجم: مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر / ۲۸۷**

۲۸۹	..... مسواک زدن
۲۸۹	..... فضیلت مسواک زدن
۲۸۹	..... سنّت پیامبران
۲۹۰	..... سفارش جبرئیل
۲۹۰	..... مسواک و نماز
۲۹۱	..... سرزنش ترک‌کننده مسواک
۲۹۱	..... فلسفه مسواک زدن
۲۹۲	..... آثار و فواید مسواک زدن
۲۹۲	..... زمان و مکان مسواک زدن
۲۹۳	..... چگونگی مسواک زدن
۲۹۳	..... ترک کردن مسواک
۲۹۴	..... تراشیدن موی سر
۲۹۴	..... اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن

۲۹۴	..... زمان تراشیدن موی سر و آداب آن
۲۹۵	..... آداب نگهداری موی سر
۲۹۶	..... آداب نگهداری موی سر مردان
۲۹۶	..... آداب نگهداری موی سر زنان
۲۹۷	..... فضیلت تراشیدن سیبیل
۲۹۷	..... فلسفه تراشیدن سیبیل و فواید آن
۲۹۷	..... وقت و مقدار گرفتن شارب
۲۹۸	..... دعای هنگام گرفتن شارب
۲۹۸	..... آداب ریش گذاشتن
۲۹۸	..... درازای ریش
۲۹۹	..... چگونگی اصلاح ریش
۳۰۰	..... محاسن سبب زیبایی است
۳۰۰	..... مجازات تراشیدن ریش
۳۰۰	..... فضیلت موی سفید
۳۰۰	..... نخستین موی سفید و فلسفه آن
۳۰۱	..... فایده موی سفید و حکم کندن آن
۳۰۲	..... بازی کردن با ریش و کندن موی بینی
۳۰۳	..... فضیلت ناخن گرفتن
۳۰۴	..... آداب و اوقات ناخن گرفتن
۳۰۴	..... زمان ناخن گرفتن
۳۰۴	..... روز جمعه
۳۰۵	..... روز پنجشنبه
۳۰۶	..... سایر روزهای هفته
۳۰۷	..... چگونه ناخن بگیریم؟
۳۰۸	..... دعای هنگام ناخن گرفتن
۳۰۸	..... دفن مو و ناخن
۳۰۹	..... فضیلت شانه کردن موی سر و صورت
۳۱۰	..... آداب و اوقات شانه کردن
۳۱۰	..... وقت شانه کردن
۳۱۰	..... چگونگی شانه کردن
۳۱۱	..... دعای هنگام شانه کردن

## فصل ششم: آداب استفاده از بوی خوش و گل‌ها و کرم‌ها و روغن‌ها / ۳۱۳

۳۱۵	.....	سبب پیدایش بوهای خوش در زمین
۳۱۶	.....	فضیلت بوی خوش و آداب آن
۳۱۶	.....	فضیلت بوی خوش
۳۱۷	.....	وقت استفاده از بوی خوش
۳۱۸	.....	بوی خوش برای زنان
۳۱۸	.....	فواید بوی خوش
۳۱۹	.....	کراهت ردّ عطریات
۳۲۰	.....	فضیلت مشک و عنبر و زعفران
۳۲۰	.....	مشک
۳۲۱	.....	فضیلت عنبر و زعفران و عود
۳۲۱	.....	خلوق
۳۲۲	.....	فضیلت غالبه
۳۲۳	.....	فضیلت و آداب روغن زدن
۳۲۳	.....	زمان روغن زدن
۳۲۳	.....	فواید روغن زدن
۳۲۴	.....	آداب روغن زدن
۳۲۵	.....	روغن بنفشه
۳۲۵	.....	فضیلت روغن بنفشه
۳۲۵	.....	فواید روغن بنفشه
۳۲۶	.....	روغن بان و زنبق
۳۲۶	.....	فضیلت روغن بان
۳۲۷	.....	فضیلت روغن زنبق
۳۲۸	.....	فواید سایر روغن‌ها
۳۲۸	.....	روغن زیتون و گل خیری
۳۲۸	.....	روغن کنجد
۳۲۸	.....	بخور و انواع و آداب آن
۳۲۸	.....	فضیلت بخور
۳۲۹	.....	بخور با عود
۳۳۰	.....	آداب و دعای بخور دادن
۳۳۱	.....	فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل‌ها



۳۳۱	.....	خواصّ گلاب
۳۳۱	.....	گل نرگس و گل مورد
۳۳۲	.....	گل سرخ
۳۳۳	.....	گل مَرزنگوش
۳۳۳	.....	آداب بوییدن گل

### فصل هفتم: نظافت شخصی / ۳۳۵

۳۳۷	.....	فضیلت حَمّام کردن
۳۳۷	.....	اهمّیت حَمّام رفتن
۳۳۷	.....	فواید حَمّام کردن
۳۳۸	.....	آداب ورود و خروج و دعاهاى حَمّام
۳۳۸	.....	وقت حَمّام رفتن
۳۳۹	.....	پوشش عورتین
۳۳۹	.....	شستن پا به هنگام خروج از حَمّام
۳۴۰	.....	پوشش سر
۳۴۰	.....	دعاها و اذکار حَمّام رفتن
۳۴۱	.....	بایدها و نبایدهای حَمّام
۳۴۱	.....	نبایدها
۳۴۳	.....	کارهای مجاز
۳۴۳	.....	فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد
۳۴۳	.....	شستن و خوشبو کردن بدن
۳۴۴	.....	شستن لباس
۳۴۴	.....	درمان کچلی
۳۴۵	.....	فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی
۳۴۵	.....	فواید شست و شو با گل خطمی
۳۴۵	.....	شست و شوی سر با سدر
۳۴۶	.....	فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)
۳۴۶	.....	اهمّیت و فواید دارو کشیدن
۳۴۷	.....	فلسفه دارو کشیدن
۳۴۸	.....	ازاله کردن موی زیر بغل
۳۴۸	.....	وقت دارو کشیدن

۳۵۰	دعاهای هنگام دارو کشیدن
۳۵۱	وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن
۳۵۱	اوقات مناسب و نامناسب
۳۵۲	دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته
۳۵۲	روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو
۳۵۳	فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
۳۵۴	آداب غسل جمعه و دیگر غسل‌ها
۳۵۴	غسل‌های واجب
۳۵۵	غسل‌های مستحب
۳۵۵	اول: غسل‌های زمانی
۳۵۶	غسل جمعه
۳۵۷	غسل شب‌های فرد ماه رمضان
۳۵۸	غسل شب‌های دهه آخر ماه رمضان
۳۵۸	غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر
۳۵۹	غسل هشتم و نهم ماه ذوالحجّه
۳۵۹	و اول و وسط و آخر ماه رجب
۳۵۹	غسل روز مبعث
۳۵۹	غسل شب نیمه شعبان
۳۵۹	غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه)
۳۶۰	غسل روز مباحله (۲۴ ذوالحجّه)
۳۶۰	غسل روز دحو الأرض (۲۵ ذوالقعدة)
۳۶۰	غسل روز نوروز
۳۶۰	دوم: غسل‌های مستحب مکانی
۳۶۱	سوم: غسل‌های مستحب مربوط به برخی اعمال

### فصل هشتم: آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه / ۳۶۵

۳۶۷	اوقات خوابیدن
۳۶۷	خواب بین الطلوعین
۳۶۹	خواب قیلولة
۳۷۰	وضو گرفتن قبل از خواب
۳۷۰	فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب

۳۷۰	شب زنده داری سالانه
۳۷۲	<b>مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب</b>
۳۷۲	مکان‌هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد
۳۷۳	اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد
۳۷۳	رفتن به حاجتگاه پیش از خواب
۳۷۳	<b>دیگر آداب خوابیدن</b>
۳۷۴	<b>آداب و دعا‌های قبل از خواب</b>
۳۷۴	از حضرت رسول اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>
۳۷۵	از حضرت امیرالمؤمنین <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۷۷	از امام سجّاد <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۷۷	از امام باقر <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۷۹	از امام صادق <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۸۲	از امام رضا <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>
۳۸۲	<b>برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن</b>
۳۸۲	راه‌های برطرف کردن ترس به هنگام خواب
۳۸۲	دعاها و ذکرهای خاص
۳۸۴	فصد (رگ زدن) و پرداخت زکات
۳۸۴	دعا برای محتمل نشدن و برطرف کردن بی‌خوابی
۳۸۵	دعای برطرف کردن خواب‌های پریشان
۳۸۶	<b>دعا برای بی‌خوابی و بیدار شدن آخر شب</b>
۳۸۶	چگونه به وقت بیدار شویم؟
۳۸۷	برطرف کردن بی‌خوابی
۳۸۸	<b>نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن</b>
۳۸۸	چگونه اموات را در خواب ببینیم؟
۳۸۹	ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن
۳۹۰	آداب پس از بیدار شدن
۳۹۱	<b>سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب</b>
۳۹۱	اقسام خواب دیدن
۳۹۲	خواب راست
۳۹۳	سرّ خواب‌های خوب و خواب‌های پریشان
۳۹۵	خواب خود را به کسی نگویند

۳۹۵	برای خوابتان تعبیر خوب کنید
۳۹۵	تعبیر خواب حضرت رسول ﷺ
۳۹۶	تعبیر خواب امام صادق <small>علیه السلام</small>
۳۹۸	تعبیر خواب امام رضا <small>علیه السلام</small>
۳۹۸	تحقیقی در مورد حقیقت خواب و رؤیا
۴۰۳	آداب بیداری و مذمت پر خوابی
۴۰۳	عواقب پر خوابی
۴۰۵	بیداری های مذموم
۴۰۵	کسانی که خواب ندارند
۴۰۶	رو به آفتاب خوابیدن و نشستن
۴۰۷	آداب حاجتگاه رفتن
۴۰۷	آداب تخلیه
۴۰۹	مکروهات استنجا (تطهیر)
۴۱۱	حاجتگاه و آداب آن
۴۱۲	مستحبات تخلی
۴۱۳	مکروهات تخلی

#### فصل نهم: آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری ها / ۴۱۵

۴۱۷	ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن
۴۱۷	پاداش بیماری
۴۱۹	تب
۴۲۰	فلسفه بلاها
۴۲۲	آداب حجامت
۴۲۲	اهمیت حجامت
۴۲۲	زمان مناسب برای حجامت
۴۲۵	اوقات نامناسب
۴۲۷	محل حجامت
۴۲۸	آداب حجامت
۴۲۸	آداب قبل از حجامت
۴۲۸	آداب هنگام حجامت
۴۲۹	آداب پس از حجامت

۴۳۰	..... فواید حجامت
۴۳۲	..... سفارشات طبّی ائمّه <small>علیهم السلام</small> و حکم رجوع به اطّبا
۴۳۲	..... ضرورت اقدام برای درمان
۴۳۲	..... چه کسی شفا می دهد؟
۴۳۲	..... مراجعه به طبیب غیر مسلمان
۴۳۳	..... زمان مراجعه به طبیب
۴۳۳	..... مصرف دارو به مقدار ضرورت
۴۳۴	..... پرهیز و امساک
۴۳۵	..... انواع معالجات
۴۳۵	..... معالجه با آب، غسل، شیر، باران و مهر زنان
۴۳۶	..... معالجه با صدقه
۴۳۶	..... معالجه با پیشگیری و آمیزش
۴۳۷	..... معالجه با حقنه (اماله)
۴۳۷	..... معالجه با حجامت و حمام رفتن
۴۳۷	..... معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن
۴۳۸	..... معالجه با مسهل و داغ کردن
۴۳۸	..... چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد
۴۳۸	..... دستوره‌های طبّی نه گانه
۴۴۰	..... <b>معالجه انواع تب و تعویذها</b>
۴۴۰	..... روش‌های مادی درمان تب
۴۴۰	..... آب سرد و سیب
۴۴۱	..... قندآب
۴۴۲	..... آب باران و بنفشه
۴۴۲	..... سنجد و کباب
۴۴۲	..... برنج
۴۴۳	..... معالجه تب
۴۴۳	..... معجون و پالوده مخصوص
۴۴۳	..... روش‌های معنوی درمان تب
۴۴۴	..... آب آیه الکرسی و یاد اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۴۴	..... هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یا الله
۴۴۵	..... اذان و اقامه و سوره حمد

۴۴۵	صدقه و دعاهاى مخصوص
۴۴۸	تعویذ تب
۴۵۱	نشانه‌هاى فشار خون
۴۵۱	دعاى عیادت از بیمار
۴۵۱	<b>دعاهاى جامع همهٔ دردها و داروهاى ترکیبى</b>
۴۵۱	دعاهاى جامع، یا دعادرمانى
۴۵۳	درمان بیماری‌هاى مختلف با داروهای گیاهی
۴۵۳	درمان سردى، عقرب‌زدگى و مارزدگى
۴۵۵	درمان فالج، لقوه، سردى معده و تنگى نفس
۴۵۵	درمان درد طحال، پهلوى راست و چپ و اسهال
۴۵۶	درمان بهق، پیسى، خوره و دیوانگى، نفخ شکم و دیر هضم شدن غذا
۴۵۷	درمان سردرد و سردى سر
۴۵۸	درمان زکام
۴۵۸	<b>معالجهٔ انواع بیماری‌هاى سر</b>
۴۵۸	درمان سردرد
۴۶۰	درمان درد شقیقه و گوش
۴۶۱	درمان اختلالات مغزى و بیماری صرع
۴۶۱	<b>درمان بیماری‌هاى چشم و گوش و دندان</b>
۴۶۱	معالجهٔ چشم درد
۴۶۱	معالجه با آیات قرآن
۴۶۲	معالجه با دعا
۴۶۳	درمان نابینایى و شب‌کورى
۴۶۴	درمان چشم درد با دارو
۴۶۷	معالجهٔ گوش
۴۶۷	درمان گوش درد با قرآن
۴۶۸	درمان گوش درد با داروى گیاهى
۴۶۹	معالجهٔ دندان
۴۶۹	درمان دندان با قرآن
۴۷۰	درمانى دیگر
۴۷۱	درمان دندان درد با دارو
۴۷۲	<b>معالجهٔ برخی از بیماری‌هاى پوستى</b>

۴۷۲	درمان پیسی
۴۷۳	درمان خوره (جدام)
۴۷۵	درمان بهق
۴۷۵	درمان زگیل
۴۷۶	درمان دمل و طاعون
۴۷۷	درمان خنازیر و ورم
۴۷۸	درمان غده
۴۷۸	<b>معالجه بیماری‌های داخلی</b>
۴۷۸	درمان بیماری‌های شکم
۴۷۸	معالجه درد شکم
۴۷۹	معالجه ناراحتی شکم
۴۸۰	درمان درد سینه
۴۸۱	درمان درد طحال
۴۸۲	درمان زخم جگر و بیماری‌های معده
۴۸۲	درمان اسهال
۴۸۳	درمان قولنج
۴۸۴	درمان درد باسن
۴۸۵	درمان درد پشت
۴۸۶	درمان سرفه و سل و دردهای درونی
۴۸۷	<b>معالجه درد مفاصل، بیماری‌های مثانه و دیگر امراض</b>
۴۸۸	درمان بلغم
۴۸۹	درمان لقوه
۴۹۰	درمان بادهای بدن و درد مفاصل
۴۹۱	درمان درد پا
۴۹۱	درمان درد ران و زانو
۴۹۲	درمان درد ساق و مثانه
۴۹۳	درمان حبس ادرار و بی اختیاری ادرار
۴۹۳	درمان طبّی یبوست مزاج و عرق النسا
۴۹۴	<b>دعا برای چاره‌جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها</b>
۴۹۴	دعا برای از بین بردن چشم زخم

۴۹۵	.....	تعویذ برای از بین بردن سحر
۴۹۷	.....	دور کردن خیالات فاسد و وسوسه‌های شیطان و آرزوهای طولانی
۴۹۸	.....	از بین بردن ترس از تنهایی
۴۹۸	.....	گشودن کسی که او را بسته‌اند
۵۰۰	.....	فرو بردن خشم
۵۰۱	.....	دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه
۵۰۱	.....	دعا برای چاره‌جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر
۵۰۳	.....	دعا برای رسیدن به حج
۵۰۳	.....	دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران
۵۰۴	.....	دعا برای دور کردن ضرر گزندگان
۵۰۵	.....	دعا برای دور کردن حشرات موذی
۵۰۵	.....	دعای یافتن گمشده
۵۰۶	.....	حکم تعویذ همراه جنب و حائض
۵۰۷	.....	تعویذهای نامناسب
۵۰۷	.....	<b>فواید تربت امام حسین <small>علیه السلام</small> و خواص برخی داروها</b>
۵۰۷	.....	تربت امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۰۷	.....	محدوده تربت و دعای هنگام برداشتن آن
۵۰۹	.....	فواید و خواص تربت
۵۰۹	.....	تربت، شفای هر درد
۵۱۰	.....	تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس
۵۱۱	.....	مقدار خوردن تربت
۵۱۱	.....	تسبیح تربت
۵۱۱	.....	شرط اثربخشی تربت
۵۱۲	.....	اموری که از آثار تربت می‌کاهد
۵۱۲	.....	آداب استفاده از تربت
۵۱۴	.....	خرید و فروش تربت
۵۱۴	.....	تربت گذاشتن در کفن
۵۱۴	.....	خواص برخی خوراکی‌ها و گیاهان
۵۱۴	.....	عَنَاب
۵۱۵	.....	سیاهدانه
۵۱۵	.....	اسفند



۵۱۶	انجیر.....
۵۱۶	کُنْدَر و هلیله زرد.....
۵۱۷	خرغه و کرفس.....
۵۱۷	بادروج و کاهو و سداب.....
۵۱۸	اسفرزه و سنا و کاسنی.....
۵۱۸	نمک و سرکه و اُشنان.....
۵۱۹	زنیان و گردو و آبشم.....
۵۱۹	زنیان و آبشم و سیاهدانه.....
۵۲۰	عسل.....

### فصل دهم: آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان / ۵۲۱

۵۲۳	حقوق خویشاوندان و خادمان.....
۵۲۳	اهمّیت صلّه رحم و فواید آن در دنیا.....
۵۲۴	فواید صلّه رحم برای آخرت.....
۵۲۶	حقّ صلّه رحم.....
۵۲۶	رعایت حقوق خادمان.....
۵۲۷	حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبیله.....
۵۲۷	رعایت حقوق همسایگان.....
۵۲۷	اهمّیت حقّ همسایه.....
۵۲۷	حقوق همسایه و حدود همسایگی.....
۵۲۸	بدترین بلاها.....
۵۲۹	زیان‌های همسایه‌آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه.....
۵۲۹	حقوق یتیمان.....
۵۲۹	سرپرستی یتیمان.....
۵۳۰	یتیم‌نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت.....
۵۳۱	مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان.....
۵۳۲	حقوق قبیله و عشیره.....
۵۳۳	أخوّت و صداقت.....
۵۳۳	أخوّت و برادری.....
۵۳۳	اهمّیت أخوّت.....
۵۳۴	انواع و آثار أخوّت.....

۵۳۵	..... حقوق و پاداش اخوت
۵۳۵	..... دوستی
۵۳۵	..... اهمیت دوستی
۵۳۶	..... معیارهای دوستی
۵۳۷	..... مراتب و حقوق دوستی
۵۳۸	..... حد دوستی و مقدار توقع از دوست
۵۳۹	..... حرمت دوستان پدر و محبت بیجا
۵۳۹	..... حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم
۵۳۹	..... اهمیت حق مؤمن
۵۴۰	..... حق مؤمن بر مؤمن
۵۴۱	..... حق مسلمان بر مسلمان
۵۴۳	..... برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران
۵۴۳	..... برآوردن حاجت مؤمن
۵۴۳	..... اهمیت برآوردن حاجت
۵۴۴	..... پاداش دنیوی برآوردن حاجت
۵۴۵	..... پاداش اخروی برآوردن حاجت
۵۴۸	..... پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران
۵۴۹	..... مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان
۵۵۰	..... چگونگی رفتار با مردم
۵۵۱	..... شاد کردن دیگران
۵۵۱	..... اهمیت شاد کردن مؤمن
۵۵۱	..... پاداش شاد کردن مؤمنان
۵۵۳	..... دیدار مؤمن و عیادت از بیماران
۵۵۳	..... دیدار مؤمن
۵۵۳	..... اهمیت دیدار مؤمن
۵۵۴	..... پاداش دیدار مؤمن
۵۵۵	..... آثار دیدار مؤمن
۵۵۶	..... عیادت بیماران
۵۵۶	..... اعلان بیماری و اجازه ملاقات
۵۵۶	..... آداب عیادت از بیمار
۵۵۷	..... پاداش عیادت از بیمار

۵۵۸	اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک‌ها به مؤمنان
۵۵۸	اطعام کردن مؤمنان
۵۵۸	اهمیت اطعام کردن
۵۵۹	پاداش‌های دنیوی اطعام کردن
۵۶۰	پاداش‌های آخروی اطعام کردن
۵۶۰	مجازات ترک اطعام کردن
۵۶۱	سیراب کردن
۵۶۱	پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی‌خانمان‌ها
۵۶۲	برطرف کردن مانع سر راه مردم
۵۶۲	هدیه دادن
۵۶۳	حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان
۵۶۳	فقرا و نیازمندان
۵۶۳	حقیقت فقر
۵۶۳	طرز رفتار با نیازمندان
۵۶۴	وضعیت فقرا در جهان آخرت
۵۶۵	پاداش صبر بر فقر و مجازات بی‌حرمتی به نیازمندان
۵۶۶	بنده مؤمن
۵۶۶	مقام مؤمن
۵۶۷	چرا مؤمن را مؤمن گویند
۵۶۷	ترسانیدن مسلمان و دشنام دادن مؤمن
۵۶۷	مجازات تحقیر کردن مؤمن
۵۶۸	مجازات آزار دادن مؤمن
۵۶۹	مجازات ترک کردن یاری مؤمن
۵۷۰	پاداش گرامی داشتن مؤمن
۵۷۲	مجازات نپذیرفتن دیدارکننده
۵۷۳	احترام به بزرگسالان
۵۷۳	کمک به نابینایان و ناشنوایان
۵۷۴	مبتلایان به بیماری‌های سخت
۵۷۴	به اهل بلا زیاد نگاه نکنید
۵۷۵	اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان
۵۷۵	آداب رفتار با مبتلایان به خوره

۵۷۶	رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان
۵۷۶	غیبت
۵۷۶	ماهیت غیبت
۵۷۷	غیبت را ترک کنید
۵۷۸	مجازات غیبت‌کننده
۵۷۹	آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن
۵۸۰	استثنائات غیبت
۵۸۱	حفظ الغیب
۵۸۱	برادر مؤمن را تصدیق کن
۵۸۲	سرزنش کردن و شماتت مؤمن
۵۸۲	تهمت زدن و گمان بد بردن
۵۸۳	سخن چینی
۵۸۳	قهر و آشتی
۵۸۴	آداب رفتار با ظالمان
۵۸۴	وضعیت حاکمان ظالم
۵۸۵	جایگاه حاکمان عادل
۵۸۵	کیفیت رفتار با حاکمان
۵۸۵	اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او
۵۸۶	تحریک کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی
۵۸۶	بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن
۵۸۷	به در خانه ظالم نرو
۵۸۸	همکاری با ظالمین
۵۸۹	جبران کردن همکاری با ظالم
۵۹۰	منازعه با حاکم و استفاده از اموال وی
۵۹۱	نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او
۵۹۱	مجازات‌ها و پیماندها
۵۹۱	مجازات مدح یا راهنمایی ظالم
۵۹۲	مجازات درخواست از حاکم ظالم
۵۹۲	گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم
۵۹۳	مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور
۵۹۴	مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن

۵۹۵	..... مجازات جبّاران
۵۹۵	..... مجازات ظالمان
۵۹۶	..... <b>آداب معاشرت با کافران و مخالفان</b>
۵۹۶	..... معاشرت با کافران
۵۹۷	..... معاشرت کردن با مخالفان
۵۹۹	..... <b>حقوق مردگان بر زندگان</b>
۵۹۹	..... وظیفه محتضر
۶۰۱	..... وصیت کردن نیکو
۶۰۴	..... دعای محتضر در حال احتضار
۶۰۴	..... وظیفه اطرافیان محتضر
۶۰۵	..... محتضری که جان کندش دشوار است
۶۰۵	..... دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید
۶۰۶	..... تلقین
۶۰۶	..... تلقین لا إله إلا الله
۶۰۶	..... تلقین کلمات فرج
۶۰۷	..... تلقین شهادتین و اقرار به ائمه:
۶۰۸	..... تلقین دعای خاص
۶۰۹	..... پس از مرگ
۶۰۹	..... آداب تشییع جنازه
۶۰۹	..... خیردار کردن مؤمنان
۶۰۹	..... ثواب حضور در تشییع جنازه
۶۱۱	..... آداب شرکت جستن در تشییع جنازه
۶۱۱	..... دعای هنگام دیدن جنازه
۶۱۲	..... آداب غسل دادن میت
۶۱۳	..... کفن کردن میت
۶۱۳	..... نماز خواندن بر میت
۶۱۳	..... آثار شهادت دادن برای میت
۶۱۴	..... آداب دفن کردن میت
۶۱۵	..... تسلی دادن صاحبان عزا
۶۱۵	..... زیارت اهل قبور
۶۱۵	..... مردگان خیردار و شاد می شوند
۶۱۶	..... ثواب زیارت اهل قبور

## فصل یازدهم: آداب مجالس / ۶۱۹

۶۲۱	..... فضیلت سلام کردن و آداب آن
۶۲۱	..... اهمیت سلام کردن
۶۲۲	..... حکم سلام کردن و پاسخ آن
۶۲۲	..... به چنین کسانی سلام نکنید
۶۲۳	..... آداب سلام کردن
۶۲۵	..... سلام رخصت
۶۲۶	..... پاداش سلام کردن
۶۲۶	..... <b>فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن</b>
۶۲۶	..... اهمیت مصافحه کردن
۶۲۷	..... آداب مصافحه کردن
۶۲۷	..... آثار دنیوی مصافحه کردن
۶۲۸	..... پاداش آخروی مصافحه کردن
۶۲۹	..... معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)
۶۳۱	..... روبوسی کردن
۶۳۲	..... <b>آداب نشستن در مجالس</b>
۶۳۲	..... رفتن به مجلسی بدون دعوت
۶۳۳	..... آداب ورود به مجلس و نشستن
۶۳۴	..... جایگاه صدر مجلس
۶۳۴	..... آداب و روش های نشستن
۶۳۶	..... <b>آداب ملاقات میزبان با میهمان</b>
۶۳۶	..... اهمیت میهمان داری
۶۳۷	..... وظایف میزبان
۶۳۷	..... گرامیداشت بزرگسالان
۶۳۸	..... رد احسان ممنوع
۶۳۸	..... پاداش پذیرایی از مؤمن
۶۳۹	..... <b>مجالس مناسب و همنشینان شایسته</b>
۶۳۹	..... همنشینی
۶۳۹	..... اهمیت همنشین
۶۴۰	..... همنشینان خوب
۶۴۰	..... هر که عیب تو را گوید

۶۴۰	همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند
۶۴۱	همنشینی با اهل دین و معرفت
۶۴۲	همنشینان بد
۶۴۲	اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان
۶۴۲	زینت دهنده گناه و انسان های بد
۶۴۳	توانگران خدانشناس
۶۴۳	فاجر و پست
۶۴۴	دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم
۶۴۵	بی وفا، ناسپاس، رازدار، قدرشناس علم
۶۴۵	همنشینان پدر
۶۴۵	حدّ همنشینی و حقّ آن
۶۴۶	مجالس خوب و بد
۶۴۶	مجالس شایسته
۶۴۶	مجالس ناشایست
۶۴۷	<b>آداب عطسه زدن</b>
۶۴۷	اهمّیت عطسه زدن و فلسفه آن
۶۴۸	آداب عطسه زدن
۶۴۸	ذکر عطسه کننده
۶۴۹	ذکر شنونده عطسه
۶۵۰	پاسخ عطسه کننده
۶۵۱	تکرار عطسه
۶۵۱	حدیث جامع آداب عطسه
۶۵۲	مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن
۶۵۲	آداب سخن گفتن
۶۵۲	رازداری مجالس
۶۵۳	مزاح و شوخی کردن
۶۵۳	اهمّیت شوخی کردن
۶۵۳	شوخی های ناروا
۶۵۴	خنده های ناروا
۶۵۵	قهقهه زدن
۶۵۶	<b>آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر</b>

۶۵۶	اهمیت همنشینی نیکو
۶۵۷	حقّ مصاحبت
۶۵۷	پرسش از نام و قبیله
۶۵۷	ترک مجادله و فراموش کردن کینه
۶۵۸	رفتار نیکو با همنشین
۶۵۸	روش‌های همنشینی نیکو
۶۵۹	فواید و آثار همنشینی نیکو
۶۶۰	اظهار محبت کردن و رعایت عدالت
۶۶۰	همنشینان بد
۶۶۱	این‌گونه سخن نگو
۶۶۱	<b>فضیلت یاد خدا در مجالس</b>
۶۶۱	اهمیت یاد خدا
۶۶۲	یاد خدا در همه جا
۶۶۲	ذکر پایان مجالس
۶۶۳	حسرت ترک کردن ذکر خدا
۶۶۴	<b>رفتار حضرت رسول ﷺ و ائمه علیهم السلام در مجالس</b>
۶۶۴	اهمیت ذکر محمد و آل محمد
۶۶۵	فواید ذکر محمد و آل محمد ﷺ
۶۶۶	همکاران فرشتگان و همکاران شیطان
۶۶۷	تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام
۶۶۸	<b>مشورت و آداب آن</b>
۶۶۸	اهمیت مشورت
۶۶۸	با چه کسانی مشورت کنیم
۶۶۹	وظیفه مشاور
۶۷۰	فایده مشورت
۶۷۰	کسانی که نباید با آنها مشورت کرد
۶۷۱	<b>نامه‌نگاری</b>
۶۷۱	اهمیت نوشتن نامه
۶۷۱	آداب نامه‌نگاری
۶۷۲	جواب نامه و روش‌های از بین بردن نامه



**فصل دوازدهم: آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه / ۶۷۵**

۶۷۷	خانه گشاده
۶۷۷	خانه وسیع
۶۷۸	خانه کوچک و تنگ
۶۷۹	مذمت خانه به خانه شدن
۶۷۹	مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه
۶۷۹	ساختن بنای اضافه بر نیاز
۶۷۹	مجازات کسب پول حرام
۶۸۰	بناهای گران قیمت و خانه های ریایی
۶۸۰	ساختن سقف های بلند
۶۸۱	مجسمه سازی و کشیدن نقاشی
۶۸۲	مجسمه سازی
۶۸۲	نقاشی های ممنوع
۶۸۲	نقاشی های مجاز
۶۸۳	<b>آداب فرش کردن خانه</b>
۶۸۳	فرشی که بدان نیاز است
۶۸۳	فرش جهیزیه همسران
۶۸۴	چگونگی فرش
۶۸۴	فرش حضرات معصومین <small>علیهم السلام</small>
۶۸۴	فرش ابریشم و فرش های دارای نقش
۶۸۵	<b>آداب عبادت کردن در خانه</b>
۶۸۵	محل ویژه عبادت
۶۸۶	فلسفه عبادت در خانه
۶۸۷	<b>نگهداری حیوانات در خانه</b>
۶۸۷	فضیلت نگهداری کبوتر
۶۸۸	فواید نگهداری کبوتر
۶۸۹	نگهداری خروس
۶۹۰	<b>اهمیت دامداری</b>
۶۹۲	<b>نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر</b>
۶۹۲	پرندگان
۶۹۲	فاخته

۶۹۲	پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه
۶۹۴	هدهد و چکاوک
۶۹۴	طاوس
۶۹۵	گنجشک
۶۹۵	وقت شکار پرندگان
۶۹۵	کشتن، آتش زدن و شکنجه حیوانات
۶۹۶	<b>نگهداری سگ در خانه</b>
۶۹۶	کراهت و مجازات نگهداری سگ
۶۹۷	موارد مجاز نگهداری سگ
۶۹۸	چیزهایی که حیوانات می فهمند و ما نمی فهمیم
۶۹۸	<b>آداب خانه خریدن</b>
۶۹۸	ولیمه خریدن و ساختن خانه
۶۹۸	آداب چراغ افروختن
۷۰۰	<b>سایر آداب خانه</b>
۷۰۰	مکروهات
۷۰۰	سکونت در خانه بی در و پرده
۷۰۰	تنها خوابیدن
۷۰۰	نگهداری خاکروبه و دستمال آلوده در خانه
۷۰۱	نگاه کردن به خانه همسایه
۷۰۲	مستحبات خانه داری
۷۰۲	جاروب کردن
۷۰۲	پاک کردن تار عنکبوت ها
۷۰۲	بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان
۷۰۳	<b>آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه</b>
۷۰۳	آداب وارد شدن به خانه
۷۰۴	دعای هنگام بیرون رفتن از خانه
۷۰۵	فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه
۷۰۷	طلب حاجت کردن

### فصل سیزدهم: آداب پیاده روی، سواری، تجارت، زراعت / ۷۰۹

۷۱۱	سوار شدن چهارپایان
-----	--------------------

۷۱۱	آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
۷۱۳	آداب زین کردن و لجام زدن
۷۱۳	دعاها و آداب سواری
۷۱۳	ادعیه هنگام سوار شدن
۷۱۴	آداب سواری
۷۱۵	آداب پیاده‌روی
۷۱۵	چگونه باید راه رفت؟
۷۱۶	آداب راه رفتن
۷۱۷	سفارش‌های جامع امام صادق <small>علیه السلام</small>
۷۱۷	بهترین اموال
۷۱۸	آداب خریداری و نگهداری حیوانات
۷۱۹	بخشی از احوالات و اقسام حیوانات
۷۱۹	سر تنوع و جدایی حیوانات
۷۱۹	حیوانات و تسبیح خدا
۷۲۰	فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن
۷۲۰	تجارت و کار و تلاش کردن
۷۲۰	ارزش و فضیلت تجارت
۷۲۱	تجارت کردن یا عبادت کردن
۷۲۱	سربار مردم نشوید
۷۲۲	طلب کردن دنیا یا آخرت
۷۲۲	استفاده نکردن از بیت‌المال
۷۲۳	توانگری
۷۲۳	وقت تجارت
۷۲۳	کسب روزی حلال
۷۲۴	روزی‌رسان خداست
۷۲۵	آداب تجارت
۷۲۵	فراگیری احکام تجارت و اهمّیت آن
۷۲۶	کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد
۷۲۷	آداب تجارت
۷۲۸	دعای هنگام وارد شدن به بازار
۷۳۰	خواندن دعا در بازار

۷۳۱	..... دعای هنگام خرید و پس از آن
۷۳۳	..... با چنین کسانی معامله نکنید
۷۳۴	..... برخی معاملات مکروه
۷۳۴	..... درآمد و اجرت معلّم قرآن
۷۳۵	..... خرید و فروش و دستمزد کتابت قرآن
۷۳۵	..... فضیلت زراعت و درختکاری
۷۳۵	..... ارزش و فضیلت زراعت
۷۳۷	..... فضیلت درختکاری
۷۳۸	..... باغ و باغداری
۷۳۸	..... آداب زراعت و درختکاری
۷۳۸	..... آداب زراعت
۷۳۹	..... آداب درختکاری
۷۳۹	..... دعای هنگام درختکاری
۷۴۰	..... بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر
۷۴۰	..... فلسفه درختان بدون میوه و درمان میوه‌های کرم‌زده
۷۴۱	..... بریدن درخت

#### فصل چهاردهم: آداب سفر / ۷۴۳

۷۴۵	..... سفر کردن، روزها و ساعت‌های خوب و بد
۷۴۵	..... هدف از سفر کردن
۷۴۵	..... سفر کردن به مقدار ضرورت
۷۴۶	..... روزهای نیک برای سفر کردن
۷۴۷	..... روزهای نامیمون برای سفر کردن
۷۴۸	..... اموری که نحوست‌های سفر را از بین می‌برد
۷۴۸	..... صدقه دادن
۷۴۹	..... خواندن دعا به هنگام سفر
۷۵۱	..... کتاب‌های نجوم را بسوزان
۷۵۱	..... آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر
۷۵۱	..... غسل کردن پیش از سفر
۷۵۲	..... نماز خواندن پیش از سفر
۷۵۴	..... دعا خواندن پیش از رفتن به سفر

۷۵۸	.....	<b>دعای سفر</b>
۷۵۹	.....	همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین <small>علیه السلام</small> در سفر
۷۶۰	.....	انگشتر به دست کردن در سفر
۷۶۱	.....	خواندن سوره عبس در سفر
۷۶۱	.....	به همراه بردن تعویذ در سفر
۷۶۲	.....	وسایل سفر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و سفارشات لقمان
۷۶۲	.....	<b>توشه سفر</b>
۷۶۲	.....	اهمیت به همراه بردن توشه سفر
۷۶۳	.....	توشه لازم برای سفر
۷۶۳	.....	اعتدال و میانه روی در هزینه های سفر
۷۶۴	.....	مراقبت از توشه سفر
۷۶۴	.....	<b>آداب معاشرت با همسفر</b>
۷۶۴	.....	آداب سفر
۷۶۴	.....	تنها سفر نکن
۷۶۵	.....	حق همسفر
۷۶۵	.....	هزینه های سفر
۷۶۶	.....	همسفران
۷۶۶	.....	اهمیت و تعداد همسفر
۷۶۶	.....	ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر
۷۶۸	.....	<b>سایر آداب سفر</b>
۷۶۸	.....	سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران
۷۷۰	.....	مرورت در سفر و حضر
۷۷۱	.....	کمک کردن به مسافران
۷۷۱	.....	توشه سفر
۷۷۲	.....	همراهی با همسفران
۷۷۲	.....	<b>آداب راه رفتن و فرود آمدن</b>
۷۷۲	.....	آداب پیاده روی در سفر
۷۷۳	.....	آداب فرود آمدن
۷۷۳	.....	مدارا کردن با مرکب
۷۷۴	.....	<b>دعاهای مسیر راه و منازل</b>
۷۷۴	.....	دعاهای اذکار سفر

۷۷۶	دعای ایمنی از دشمنان و دزدان
۷۷۷	دعای منازل بین راه
۷۸۰	دعا به هنگام رسیدن به مقصد
۷۸۰	<b>آداب سفرهای دریایی و عبور از پل ها</b>
۷۸۰	سفر دریا
۷۸۰	حکم سفرهای دریایی
۷۸۱	آداب و دعای سوار شدن کشتی
۷۸۳	دعا به هنگام ترس از غرق شدن
۷۸۴	ذکر و دعای عبور کردن از پل
۷۸۴	<b>آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر</b>
۷۸۴	خواندن دعای سفر
۷۸۵	مشایعت کردن و استقبال از مسافر
۷۸۶	سوغاتی آوردن و آداب پس از سفر
۷۸۷	<b>آداب اسب سواری و تیراندازی</b>
۷۸۷	مسابقات
۷۸۷	اسب سواری
۷۸۷	تیراندازی
۷۸۸	شتر سواری
۷۸۸	کشتی
۷۸۹	دفاع و جهاد
۷۹۲	تحقیقی در مورد مسابقات اسب سواری و تیراندازی
۷۹۲	جایزه دهندگان و جایزه گیرندگان
۷۹۳	شرایط مسابقه اسب سواری
۷۹۴	نام اسب های مسابقه
۷۹۴	شرایط تیراندازی
۷۹۶	اقسام نشانه گیری
۷۹۷	خاتمه:
۷۹۷	برخی آداب متفرقه و فواید سودمند
۷۹۹	آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن <b>إن شاء الله</b>
۸۰۰	علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه
۸۰۰	عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه

۸۰۰	عوامل فقر و غنی
۸۰۱	اشعار ممدوح و مذموم
۸۰۲	مجازات لواط در دنیا و آخرت
۸۰۳	پندهای امام صادق <small>علیه السلام</small>
۸۰۳	برترین‌ها از دیدگاه پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۸۰۵	محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت
۸۰۶	مساحقه (همجنس‌بازی زنان) و عقوبت شدید آن
۸۰۶	مسلمانان کافر!
۸۰۶	مست همچون بت پرست است
۸۰۶	موسیقی و قمار
۸۰۸	مناهی النبی <small>صلی الله علیه و آله</small> (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)
۸۱۹	فهرست منابع





مقدمه حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله)

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به کتاب ارزشمند حلیة المتّقین

علامه عالیقدر مجلسی رحمته الله

از افتخارات شیعه در اختیار داشتن گنجینه‌ای پربار از احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و روایات اهل بیت علیهم السلام است که آن هم عموماً منتهی به روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شود.<sup>۱</sup>

در همه ابواب علوم اسلامی اعم از عبادات، معاملات، سیاسات، عرفان و اخلاق اسلامی - بحمدالله - دست پری از روایات معصومین علیهم السلام داریم، در حالی که دیگران از این نظر بسیار در تنگنا قرار دارند تا آنجا که معروف است «ابوحنیفه» در تمام ابواب فقه به بیش از هفده حدیث از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست نیافت.<sup>۲</sup>

این سخن خواه حقیقت باشد یا مبالغه، نشان از تهی بودن دست کسانی دارد که از مکتب اهل بیت علیهم السلام فاصله گرفته و به «حدیث ثقلین» پشت کرده‌اند.

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۱۷۹ به بعد، باب ۴.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۷۹۶.

و می توان گفت یکی از عوامل پناه بردن به «قیاس» و «استحسان» و «ظنون غیر معتبر»، همین دست‌مایه ناچیز روایی است.

از کسانی که از گنجینه علوم محمد و آل محمد علیهم‌السلام بهره کافی و وافی برده‌اند، علامه مجلسی است که عالم بزرگ روزگار خود و دارای ابتکارات فراوان در علوم اسلامی، به‌ویژه «علم الحدیث» بود.

کتاب بحارالأنوار او که اقیانوسی عظیم از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است، دلیل روشن این معناست. درست است که اراده علامه مجلسی بر این بوده که در این کتاب تمام احادیث را اعم از صحیح و ضعیف، گرد آورد و نقادی آن را به کتاب‌های دیگرش واگذارد، هر چه هست دائرةالمعارف عجیب و پرارزشی است.

نشانه اهتمام علامه مجلسی رحمته‌الله به اسناد روایات در کتاب ارزشمندش مرآة العقول آشکار می‌شود که موشکافی و دقت بسیار فوق‌العاده در نقادی احادیث کتاب کافی - آن کتاب بسیار پراهمیت - به خرج داده است.

✱

به هر حال، این مرد بزرگ و پرمایه و مؤید به تأییدات الهی و آگاه به نیازهای مختلف پیروان این مکتب، کتاب‌های گوناگون هر کدام را برای هدف خاصی و یا صحیح‌تر، پر کردن خلأ معینی نگاشته است.

از جمله همین کتاب پربار حلیة المتقین است که با زبان فارسی روان و ساده عصر خود، آداب زندگی را در تمام زمینه‌ها از دیدگاه اسلام و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام در چهارده باب به رشته تحریر درآورده و در هر باب هر چه را مناسب و باارزش یافته ذکر کرده است؛ به گونه‌ای که تمام زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی انسان را پوشش می‌دهد.

ولی چون با گذشت زمان (حدود چهارصد سال)، ادبیات فارسی و نیازها

تغيير یافته، لازم بود ويرايش دقيقى در آن صورت گيرد و پاره‌اى از مسائل را كه در زمان ما خارج از محدوده نيازهاى مردم است کنار گذاشته شود و كتاب مزبور، با حفظ اصالت محتوا، در لباس تازه‌اى عرضه شود كه همگان از آن بهره ببرند.

\*

اينجانب مدت‌ها پيش اين نياز را احساس کرده بودم تا اينكه تصميم گرفتم انجام دادن آن را بر عهده دانشمند محترم حجة الاسلام والمسلمين آقاى حاج شيخ ابوالقاسم عليان نژادى كه عالمى خوش ذوق و پركار و هوشيار است بگذارم و ايشان با صرف وقت فراوان - بحمدالله - اين كار را به سامان رساند. اميدوارم روح مقدس علامه مجلسى - رضوان الله تعالى عليه - از اين كار خشنود باشد و همگان توفيق يابند از زحمات آن مرد بزرگ بهره‌مند شوند. درود خداوند بر روان پاكش باد.

والحمد لله رب العالمين

اول ربيع الثانى ۱۴۳۳

ناصر مكارم شيرازى



## ضرورت ویرایش و تحقیق کتاب حلیة المتّقین

هر چند از قبل با این کتاب نفیس آشنایی داشتم، امّا هر چه مطالعاتم درباره آن بیشتر شد و کار تحقیق و بررسی روایات کتاب جلوتر می‌رفت، اهمّیت و ارزش مطالب کتاب و مقام علمی نویسنده عالیقدر آن بر من روشن‌تر می‌شد. با مطالعه این کتاب انسان درمی‌یابد که در هر موضوعی به‌طور جامع سخن رفته است و این دلیل بر احاطه و وسیع علامه مجلسی بر روایات ائمّه اهل بیت علیهم‌السلام است.

موضوع این کتاب چندان ارزشمند و کاربردی است که بر همه خانواده‌ها لازم و ضروری است این کتاب را در کنار قرآن مجید، نهج البلاغه، مفاتیح الجنان و رساله توضیح المسائل قرار دهند و هر از چندی از آن بهره ببرند. در اهمّیت این کتاب همین بس است که علامه بحر العلوم رحمته‌الله<sup>۱</sup> گفته: ای کاش ثواب تمام تألیفات من در دیوان علامه مجلسی نوشته شود و در برابر آن، ثواب یکی از کتاب‌های فارسی او (مانند همین کتاب حلیة المتّقین) که

---

۱. مهدی بن المرتضی بن محمّد الحسینی البروجردی، معروف به علامه بحر العلوم، در یکی از شب‌های جمعه ماه شوّال سال ۱۱۵۵ هـ. ق در کربلای معلّی دیده به جهان گشود و در سال ۱۲۱۲ در نجف اشرف رخت از جهان بریست و در جوار شیخ طوسی رحمته‌الله آرام گرفت. از جمله کتاب‌های وی می‌توان به دوره سه جلدی مصابیح در فقه، فوائد رجالیه، الفوائد فی الاصول اشاره کرد. شرح بیشتر را در اعیان الشیعه، (ج ۱۰، ص ۱۵۸ به بعد) مطالعه فرمایید.

ترجمه احادیث ائمه اهل بیت علیهم السلام است و در دسترس همگان قرار دارد، در نامه عمل من نوشته شود.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر با توجه به گذشت ۳۵۲ سال از تألیف این کتاب گرانسنگ و تغییر و تحولات فراوانی که از جهات مختلف در زندگی بشر ایجاد شده است نیاز به بازنگری در کتاب مزبور احساس می‌شد.

نکته دیگر اینکه جلسات استفتاء مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی - مدظله - که این حقیر توفیق شرکت در آن را دارم، تنها پاسخگوی پرسش‌های فقهی نیست، بلکه به شبهه‌هایی که برای پرسشگران در مسائل مختلف به وجود می‌آید در این جلسات پاسخ داده می‌شود.

افزون بر این، اگر احساس شود شبهه یا مشکلی فراگیر شده است، اقدام عملی وسیع نظیر تألیف کتاب یا کتاب‌ها در آن زمینه، نامه‌نگاری با مسئولین ذی‌ربط، طرح آن مسائل و راهکارهای آن در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها و دادن بیانیه و رهنمود به رسانه‌ها و جز آن انجام می‌شود.

در این میان برخی احادیث کتاب ارزشمند حلیة المتقین برای بعضی از مردم سؤال‌برانگیز بود و نامه‌های مختلفی در مورد آن به جلسه استفتاء معظّم له می‌رسید و ایشان پاسخ می‌دادند تا اینکه در یکی از جلسات، حضرت استاد فرمودند: «ای کاش کتاب حلیة المتقین بازنگری می‌شد». بنده برای این کار اعلام آمادگی کردم و پس از موافقت استاد، با توکل بر خداوند متعال و استعانت از ذات پاکش در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۳ کار را شروع کردم و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۳۰ به پایان رسید، سپس تمام کتاب را با اصلاحات انجام شده به نظر استاد رساندم و راهنمایی‌ها و ارشادات معظّم له را به کار بستم، آن‌گاه کتاب را برای ویرایش فنی به دست ویراستار محترم جناب حجة الاسلام احمد علی بابائی سپردم

۱. فوائد الرضویة، ج ۲، ص ۶۶۹.

وایشان افزون بر ویرایش متن، برخی ترجمه‌ها را با متن روایت تطبیق و آن را اصلاح کردند و اکنون این کتاب با مزایای ذیل در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

### نکاتی درباره کارهای انجام شده

هرچند در مورد کتاب حلیۃ المتّقین، پیش از این کارهای متعددی از سوی نویسندگان محترم صورت گرفته، اما ندیدیم در حدّ وسیع که شرح آن خواهد آمد، کسی روی این کتاب ارزشمند کار کرده باشد.

کارهایی که انجام گرفته را می‌توان در ده بند به شرح زیر بیان کرد:

۱. تبدیل نثر کتاب به نثر روز (با حفظ اصالت کتاب).
۲. حذف احادیثی که در عصر ما محلّ ابتلا نیست.
۳. نوشتن آدرس آیات قرآن و منابع روایات معصومان علیهم‌السلام و مدرک دیگر مطالبی که علامه بزرگوار مجلسی از جای دیگر نقل کرده است.
۴. شرح و توضیح روایاتی که در ابتدای نظر با هم تعارض دارد.
۵. ترجمه آیات و دعاها.
۶. موضوع‌بندی روایات هر فصل در زیر شاخه‌های محدودتر و انتخاب عنوان‌ها و تیترهای مناسب و آموزنده برای آن.
۷. تقطیع برخی روایات طولانی که مشتمل بر موضوعات مختلف بود و قرار دادن هر قسمت در جایگاه خاصّ خود.
۸. ویرایش کامل و گسترده.
۹. تطبیق برخی روایات با متن اصلی و اصلاح و ترجمه آن بر اساس متن اصلی.

۱۰. شرح و توضیح کلماتی که نیاز به توضیح داشته، در پاورقی کتاب.

امید است این خدمت مورد رضای درگاه خداوند متعال قرار گیرد و مایه

خشنودی روح نویسنده عالی مقام کتاب حلیة المتقین را فراهم کند.  
 در پایان از همه کسانی که به نوعی در تکمیل این کار نقش داشته‌اند، به ویژه  
 حجج اسلام آقایان عبدالمجید شفقّت، سیدمحمدجواد بنی سعید، وحید  
 علیان‌نژاد و بعضی اعضای خانواده تشکر می‌کنم و برای همه آنها خیر دنیا  
 و آخرت را آرزو دارم.  
 خدایا، توفیق مطالعه آثار اهل بیت علیهم‌السلام و به کار بستن دستورهای آن بزرگواران  
 را به همه ما عطا فرما!

آمین یا ربّ العالمین  
 قم - حوزه مقدّسه علمیّه  
 ابوالقاسم علیان‌نژادی  
 ۱۳۹۰/۱۱/۱۰



## نگاهی گذرا به زندگی علامه مجلسی رحمته الله علیه

### ولادت و خاندان

نام او محمد باقر و پدرش محمد تقی و جدش مقصود علی است. مادرش از نزدیکان شیخ عبدالله بن جابر عاملی و دختر صدرالدین محمد عاشوری است که خود از پرورش یافتگان خاندان علم و فضیلت بود.<sup>۱</sup> وی که به علامه مجلسی شهرت یافته،<sup>۲</sup> در سال ۱۰۳۷ (و به گفته برخی سال ۱۰۳۸ و به گفته علامه سید محسن امین در سال ۱۰۲۷) دیده به جهان گشود.<sup>۳</sup> محمد باقر آخرین فرزند پسر خانواده بود. پدرش در سال ۱۰۷۰، یعنی ۶۷ سالگی، از دنیا رفت.<sup>۴</sup> برادر بزرگ او مولا عزیز الله در سال ۱۱۵۹ و برادر دوم وی مولا عبدالله در سال ۱۰۸۴ دار فانی را وداع گفتند.<sup>۵</sup>

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. در مورد شهرت یافتن محمد باقر و پدرش محمد تقی به صفت «مجلسی»، در شرح حال پدرش آمده است که وی به ذوق و قریحه شعرا شهرت داشت و به «مجلسی» تخلص می‌کرد؛ گویی از همین رو، مجلسی نام گرفته بود. (گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۱۸).

۳. بحار الأنوار، ج ۰، ص ۶۲.

۴. همان، ص ۶۶.

۵. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۲.

خداوند به علامه مجلسی چهار پسر و پنج دختر عنایت فرمود. نام پسرانش محمد صادق و محمد رضا و میرزا جعفر و میرزا عبدالله است.<sup>۱</sup>

### دوران تحصیل

وی از چهار سالگی نزد پدر درس خواند و در دوران تحصیل در درس بیش از بیست استاد شرکت جست که در فصل بعد به آن اشاره می‌کنیم. او در اندک زمانی بر علم صرف و نحو و معانی و بیان و لغت و ریاضیات و تاریخ و فلسفه و حدیث و رجال و درایه و اصول و فقه و کلام، احاطه کامل یافت.<sup>۲</sup>

وی در چهارده سالگی از فیلسوف بزرگ اسلام، ملاصدرا، اجازه روایت گرفت.

### اساتید و شیوخ اجازه

علامه مجلسی سال‌ها نزد علمای بزرگ درس خواند و شاگردی کرد و از بعضی از آنها اجازه نقل روایت گرفت که از جمله می‌توان به دانشمندان زیر اشاره کرد:

۱. شیخ المحدثین محمد بن الحسن الحرّ العاملی، نویسنده کتاب ارزشمند وسائل الشیعه.
۲. عالم فاضل و محدث عارف، فیض کاشانی، نویسنده کتاب‌های وافیه و تفسیر صافی و مفاتیح الشرایع.
۳. پدر بزرگوارش، عالم گرانسنگ علامه محمد تقی مجلسی، نویسنده کتاب

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳۵.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰.

ارزشمند روضة المتقين.

۴. فیلسوف نامدار ملاًصدرا.

۵. ملاً صالح مازندرانی، شارح اصول کافی.<sup>۱</sup>

### جانشینی پدر

علامه مجلسی در مدرسه ملاًعبدالله اقامه نماز و تدریس می کرد و پس از رحلت پدر بزرگوارش در مسجد جامع اصفهان این دو کار مهم را ادامه داد. سید نعمت الله جزایری رحمته الله علیه که از نامورترین شاگردان اوست، درباره علامه مجلسی رحمته الله علیه می گوید:

با آنکه جوان بود چنان در علوم تتبع کرده بود که کسی از علمای زمانش به آن پایه نرسیده بود. هنگامی که در مسجد جامع اصفهان به مردم پند می داد هیچ کس را فصیح تر و خوش کلام تر از او نیافتم. حدیثی که شب مطالعه می کردم چون صبح از او می شنیدم چنان بیان می کرد که گویی هرگز آن را نشنیده‌ام.<sup>۲</sup>

### شاگردان و راویان

جمعی از بزرگان و علمای شیعه در محضر علامه مجلسی رحمته الله علیه شاگردی کرده، یا از وی روایت نقل کرده‌اند.

در مجلس درس او، بنابر نقلی، هزار تن یا بیشتر شرکت می کرده‌اند که علامه نوری در کتاب فیض قدس نام آنها را ذکر کرده و در جلد صفر بحار الأنوار نام پنجاه تن از شاگردانش آمده است که به ذکر پنج تن از آنان بسنده می کنیم:

۱. صدرالدین سید علی خان شیرازی، شارح کتاب صحیفه سجّادیه.

۱. بحار الأنوار، ج ۰، ص ۵۲-۵۵.

۲. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. آغا میرزا عبدالله بن عیسی بن محمد صالح مشهور به آفندی، نویسنده کتاب ریاض العلماء و صحیفه ثالثه.
۳. محمد بن علی الأردبیلی مؤلف کتاب جامع الزواة.
۴. میرزا محمد مشهدی صاحب تفسیر کنز العرفان.
۵. محدث نبیل، سید نعمت الله جزایری.<sup>۱</sup>

### تألیفات

علامه مجلسی رحمته الله از بزرگترین نویسندگان جهان اسلام است. وی کتاب‌های فراوانی در علوم مختلف به عربی و فارسی به رشته تحریر درآورده که معروف‌ترین و مهم‌ترین و ارزشمندترین آنها کتاب بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار است و می‌توان آن را بزرگترین موسوعه حدیثی شیعه، بلکه جهان اسلام شمرد.

نیز از ایشان سیزده کتاب به زبان عربی به ثبت رسیده که علاوه بر بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار می‌توان به مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول اشاره کرد که از کتاب‌های مشهور است.

نخستین کتابی که این مرد بزرگ نگاشته، رساله الأوزان نام دارد که آن هم به زبان عربی است.

کتاب تاریخ تشیع اصفهان، مجموع کتاب‌های علامه مجلسی را بالغ بر ۲۴۵ جلد شمرده است.<sup>۲</sup>

تعداد کتاب‌هایی که علامه مجلسی به زبان فارسی نوشته است تا پنجاه و سه جلد نوشته‌اند؛ البته برخی معتقدند تعداد تألیفات فارسی او بیش از اینهاست.

۱. بحارالأنوار، ج ۰، ص ۵۶-۶۱.

۲. تاریخ تشیع اصفهان، ص ۳۷۰.

از جمله کتاب‌های فارسی ایشان می‌توان به عین الحیاة، حیاة القلوب، زاد المعاد، حلیة المتّقین و حقّ الیقین اشاره کرد؛ حقّ الیقین، آخرین کتاب علامه مجلسی رحمته الله است.<sup>۱</sup>

### حلیة المتّقین

حلیة المتّقین از کتاب‌های بسیار ارزشمند و پرمفعت علامه مجلسی است که احتمالاً بیش از سایر کتاب‌هایش چاپ و منتشر شده است. علامه آقا بزرگ تهرانی معتقد است که علامه مجلسی در ۲۶ ذوالحجّه سال ۱۰۸۱، در ۴۴ سالگی، تألیف این کتاب ارزشمند را به پایان رساند و این کتاب به زبان هندی و عربی نیز ترجمه شده است.<sup>۲</sup>

سید مقبول احمد دهلوی، کتاب حلیة المتّقین را به زبان اردو ترجمه کرد و نام آن را تهذیب الإسلام نهاد.<sup>۳</sup> و شیخ خلیل رزق عاملی و علی عبدالحسین شبستری نیز آن را تعریب کردند.<sup>۴</sup>

گزیده حلیة المتّقین به نام مختصر الأبواب فی السنن والآداب، به وسیله حاج شیخ عبّاس قمی<sup>۵</sup>، و چکیده آن به نام آداب الشریعه به وسیله ملا محمد باقر فشارکی اصفهانی تنظیم شده است.<sup>۶</sup>

### علامه در سفر

علامه هیچ‌گاه قلم را حتی در سفر از خود جدا نمی‌کرد و جلد بیست و دوم

۱. بحار الأنوار، ج ۰، ص ۴۶.

۲. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۷، ص ۸۳.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۰۸.

۴. مجله مبلغان، شماره ۱۲۴، ص ۱۶۰ به بعد.

۵. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۱.

بحارالأنوار را پس از مراجعت از سفر حج در نجف اشرف تألیف کرد و در بازگشت از سفر خراسان در بین راه، ترجمه خطبه امام رضا علیه السلام و رساله وجیزه رجب را نگاشت.

در روزهایی که این محدث شهیر به منظور زیارت در مشهد مقدس به سر می‌برد، جمعی از علما و فضلا و طلاب برای استفاده از دانش او تقاضای درس حدیث کردند و او چهل حدیث (اربعون حدیث) را نگاشت. هنگامی که شرح اربعین را به انجام رساند یکی از فضلاء اهل سنت بعد از دیدن کتاب از راه انصاف و محبت گفت:

گمان می‌کردم پایه علمی علامه مجلسی منحصر به ترجمه کتاب عربی به فارسی است تا آن که کتاب السماء و العالم بحار و شرح اربعین او را دیدم، دانستم علامه مجلسی دانایی است که مافوق او در علم متصور نیست.<sup>۱</sup>

#### علامه مجلسی و سیاست

علامه پس از درگذشت ملا محمدباقر سبزواری در سال ۱۰۹۰ هـ.ق، به منصب «شیخ الاسلام» دست یافت<sup>۲</sup> و در این مسند خدمات بسیاری در زمینه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی به ایران و تشیع کرد. بزرگترین کار علامه مجلسی علیه السلام در صحنه سیاست که به نفع مکتب تشیع منتهی شد، مبارزه با صوفیان بود. علامه در دوایر دولتی و نیز نظام‌های مختلف اداری از قدرت آنها کاست. او در خصوص این گروه که فقط در اصفهان بیست و یک تکیه و خانقاه و زاویه داشتند، در رساله اعتقادات می‌نویسد:

اینک اجمالاً برای شما می‌نویسم و بیان می‌کنم چیزهایی را که برای خودم از

۱. گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۶۱، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

اصول مذهب به وسیله اخبار کثیره و متواتره ظاهر شده، تا گمراه نشوید و به خدعه‌ها و فریب‌ها و غرورهای صوفیه فریب داده نشوید و حجت خدا را بر شما تمام می‌کنم.<sup>۱</sup>

علامه علاوه بر صوفیان، کشیشان دربار، بیگانگان، نمایندگان مؤسسات و شرکت‌های غربی به مبارزه با بت پرستان پرداخت. روزی به وی خبر دادند که بت پرستان در شهر اصفهان در خانه‌ای بتی قرار داده و برای نیایش آن بت به آن خانه می‌روند. وی بعد از تحقیق و آگاهی از محل بت، فتوای خراب کردن آن را صادر کرد.<sup>۲</sup>

### علامه از منظر اهل نظر

دانشمندان مطالب ارزشمندی در مورد شخصیت علامه مجلسی گفته‌اند که به منظور رعایت اختصار به سه نمونه آن بسنده می‌کنیم:

۱. محدث شهیر شیخ حرّ عاملی رحمته الله شخصیت آن عالم بزرگوار را چنین وصف کرده است:

آقا محمد باقر مجلسی عالم فاضل، محقق ماهر، علامه مدقق، اندیشمند فقیه، متکلم برجسته، محدث مورد اعتماد، دربردارنده محاسن و فضائل، استاد جلیل‌القدر و عظیم‌الشان، دارای تألیفات بسیار و سودمند است. بحار الأنوار فی أخبار الأئمة الأطهار، جلاء العیون، حیاة القلوب، عین الحیاة، مشکاة الأنوار و حلیة المتّقین از جمله آثار اوست.<sup>۳</sup>

۲. علامه سید محسن امین رحمته الله می‌گوید:

۱. ترجمه رساله اعتقادات علامه مجلسی، ص ۷۸، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲. روضات الجنّات، ج ۲، ص ۷۹، به نقل از گلشن ابرار، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

ملاً محمّد باقر اصفهانی معروف به مجلسی ثانی، فرزند ملاً محمّد تقی (مجلسی اول)، از عالمان موفقی است که در عالم اسلام کسی به درجه توفیقات ایشان نایل نگشته است. خدمات علامه به مذهب تشیع در آن پایه است که عالم متعصب اهل سنت، عبدالعزیز دهلوی صاحب التحفة الاثنی عشریة فی الردّ علی الامامیة گفته است: اگر شیعیان را مجلسی مذهب بنامند جا دارد، زیرا این مرد در رونق این مذهب نقش بسزایی داشته است.<sup>۱</sup>

۳. معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی رضی الله عنه، همکاری علامه مجلسی با سلاطین عصر را برای کنترل زمامداران دانسته، می فرماید:  
مرحوم مجلسی که در دستگاه صفویّه بود، صفویّه را آخوند کرد؛ نه خودش را صفویّه کرد؛ آنها را کشاند توی مدرسه و توی علم و توی دانش و اینها، تا آن اندازه‌ای که البتّه توانستند.<sup>۲</sup>

#### وفات علامه مجلسی رحمته الله

طبق آنچه در کتاب وقایع الأیام و لؤلؤة آمده، علامه مجلسی در روز ۲۷ ماه رمضان سال ۱۱۱۱ در ۷۳ سالگی از دنیا رفت.<sup>۳</sup>  
علامه سید محسن امین معتقد است که علامه مجلسی در ۱۰۲۷ متولد شد و در سال ۱۱۱۰ رحلت یافت؛ بنابراین، عمر شریفشان ۸۳ سال بوده است.<sup>۴</sup>  
شاعر در مورد تاریخ وفاتش چنین گفته است:

۱. امل الآمل، ج ۲، ص ۲۴۸، شماره ۷۳۳.

۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۰، ص ۶۲. البتّه نویسنده کتاب الروضات از کتاب حدائق المقرّبین نقل کرده که تاریخ درگذشت ایشان ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ بوده است.

۴. اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۸۲.



ماه رمضان چو بیست و هفتش کم شد

تاریخ وفات باقر اعلم شد

پیکر پاک علامه مجلسی در مقبره‌ای که پدرش و جمعی دیگر از علمای

بزرگ مدفون بودند آرام گرفت، تا قبرستان عتیق اصفهان به نور این بزرگان

منور شود.

عاش سعیداً ومات سعیداً

وسوف یبعث إن شاء الله سعیداً



## مقدمه علامه مجلسی

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پیامبران و رسولانش را به زیباترین چیزی که متقین خود را به آن می‌آریند، آراست و گل سرسبد برگزیدگانش حضرت محمد ﷺ را به منظور تکمیل اخلاق مؤمنین مبعوث کرد و برترین خصلت‌های اخلاقی پیامبران را در اوصیا و امامان انتخاب شده، به اكمال رساند. پس صلوات و درود خداوند به تعداد نفس‌های تسبیح‌کنندگان از همه ملائکه و تمامی انسان‌ها بر محمد و اوصیایش باد و نفرین خدا به قدری که تمام آسمان‌ها و زمین‌ها را پُر کند بر دشمنان محمد و آل محمد ﷺ.<sup>۱</sup>

از آنجا که مهم‌ترین امتیاز انسان بر سایر موجودات، آراستگی وی به اخلاق پسندیده و استفاده از آداب و خلق و خوی نیکوست و به مقتضای حدیث نورانی پیامبر اعظم ﷺ که فرمود: **بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ**<sup>۲</sup>، تمام خلق و خویهای نیکو و اخلاق پسندیده در آیین اسلام جمع شده است. و چون بخشی از مکارم اخلاق را در کتاب عین الحیاة ذکر کرده‌ام، بدین رو جمعی از دوستان راه سعادت و علاقه‌مندان به پیروی از اهل بیت رسالت از اینجانب درخواست

۱. متن مزبور خطبه علامه مجلسی به زبان عربی است که ترجمه شده.

۲. ترجمه: «مبعوث شدم تا اصول اخلاقی را کامل کنم». بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰؛ میزان الحکمة، ج ۳، باب ۱۱۷۶، ح ۵۴۵۷.

کردند که کتابی در مورد آداب اسلامی که با اسناد معتبر از حضرات معصومین علیهم السلام به من رسیده، گردآوری کنم و برای این که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند به فارسی باشد. پس، علی رغم کمبود وقت و اشتغالات فراوان، چون اجابت این دعوت را لازم و انجام دادن آن را حقی بر گردن خود می دانستم، و به امید آنکه مصداق حدیث شریف [نبوی]: **أَلَدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ**<sup>۱</sup> شوم، کتابی را که پیش روی شما خوانندگان محترم است، در چهارده فصل و یک خاتمه نوشتم:

فصل اول: آداب لباس پوشیدن.

فصل دوم: آداب پوشیدن زیورآلات و سر مه کشیدن و رنگ کردن و نگاه کردن در آینه.

فصل سوم: آداب خوردن و آشامیدن.

فصل چهارم: فضیلت ازدواج و آداب آمیزش و معاشرت با زنان و چگونگی تربیت فرزندان و رفتار با آنها.

فصل پنجم: آداب مسواک زدن و ناخن گرفتن و کوتاه کردن شارب و اصلاح سر و صورت و شانه کردن و مانند آن.

فصل ششم: آداب استعمال بوی خوش و بوییدن گل خوش و روغن مالیدن.

فصل هفتم: آداب حمام رفتن و دارو کشیدن و مانند آن.

فصل هشتم: آداب خوابیدن و بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه.

فصل نهم: آداب حجامت کردن و تنقیه و ذکر برخی دعاها و حرزها و خواص برخی داروها و چگونگی معالجه برخی بیماریها.

۱. ترجمه: «هر که دیگران را به کارهای خیر راهنمایی کند، همانند انجام دهنده آن است». بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۱۹، ح ۲۰؛ میزان الحکمة، ج ۳، باب ۱۱۷۶، ح ۵۴۵۷.

فصل دهم: آداب معاشرت با مؤمنین و حقوق و اصناف مؤمنان.  
فصل یازدهم: آداب مجالس و سلام و عطسه و مصافحه و معانقه کردن و مانند آن.

فصل دوازدهم: آداب وارد شدن به خانه و بیرون رفتن از آن.  
فصل سیزدهم: آداب سوار شدن و راه رفتن و به بازار رفتن و تجارت و زراعت کردن و نگهداری حیوانات.

فصل چهاردهم: آداب سفر.

خاتمه: بیان برخی فواید (و روایات) متفرقه.

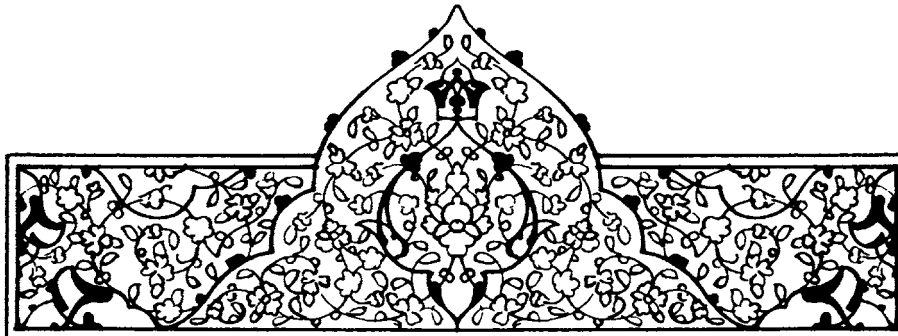
و هر فصل دوازده بخش دارد.

این کتاب را «حلیة المتّقین» نامیدم، به امید آنکه خوانندگان این کتاب ارزشمند و عمل‌کنندگان به روایاتش، نویسنده را از دعای خیر فراموش نکنند.

والله الموفّق والمعین

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی





فصل اول:

## آداب پوشیدن لباس و کفش

۱. فضیلت آراستن
۲. لباس‌های حرام
۳. بهترین لباس
۴. رنگ لباس
۵. برخی آداب لباس پوشیدن
۶. حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران
۷. عمامه بستن و کلاه پوشیدن
۸. آداب پوشیدن پاجامه
۹. آداب لباس نو بریدن و پوشیدن
۱۰. دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس
۱۱. رنگ کفش و ویژگی‌های آن
۱۲. آداب پوشیدن کفش





## ۱] فضیلت آراستن

(مقدمه:) از احادیث معتبر و فراوان استفاده می‌شود که پوشیدن لباس تمیز و خوب و آراستن و زینت کردن مناسب خویش، در صورتی که هزینه آن از راه حلال به دست آمده و در شأن انسان باشد، مستحب و موجب خشنودی پروردگار عالمیان است. اما اگر از راه حلال ممکن نباشد باید به قدر امکان بسنده کرد، تا زیاده‌خواهی‌های پوشاک مانع بندگی و عبادت نشود و چنانچه خداوند متعال درهای روزی را بر کسی گشود، هم خود او از آن به شایستگی بهره برد و هم دیگران را در آن سهیم کند و اگر بر او تنگ گرفت، قناعت پیشه سازد و خود را به حرام و حتی اموال مشتبّه آلوده نکند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

### اظهار نعمت‌های پروردگار

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده خود دهد و آثار آن نعمت بر آن بنده آشکار شود، او ذاکر (و شاکر) نعمت پروردگار و دوست خداوند نامیده می‌شود، اما اگر آثار نعمت در (گفتار و کردار) او ظاهر نشود، دشمن خدا و تکذیب‌کننده نعمت پروردگار شمرده خواهد شد.»<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه خداوند نعمتی به بنده‌اش کرامت کند،

---

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۳۸، ج ۲؛ میزان الحکمة، ج ۱۰، باب ۳۹۱۱، ح ۲۰۴۳۱.

دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند».<sup>۱</sup>

۳. نیز در سخنی فرمود: «خداوند متعال زینت و اظهار و ابراز نعمت را دوست دارد و از ترک زینت و اظهار فقر و بدحالی بیزار است. دوست دارد آثار نعمت را در بنده‌اش ببیند. (مثل اینکه) لباس خود را خوشبو سازد، از منزلش به خوبی نگهداری کند، خانه‌اش را جاروب کرده، آن را تمیز نگاه دارد و حتی روشن کردن خانه پیش از غروب آفتاب<sup>۲</sup>، فقر را زایل می‌کند و بر روزی می‌افزاید».<sup>۳</sup>

### خود را برای خودی‌ها بیاراید

از امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «همان‌گونه که به هنگام ملاقات با غریبه‌ها خود را می‌آرایید تا شما را در بهترین حال ببینند، برای برادران مؤمن نیز خود را بیاراید».<sup>۴</sup>

### لباس خوب از مال حلال

یوسف بن ابراهیم، از راویان حدیث، می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم در حالی که لباس‌هایی خوب (از خز)<sup>۵</sup> پوشیده بودم. پرسیدم: نظر تان در مورد این لباس‌ها چیست؟ فرمود: اشکالی ندارد زیرا امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت از همین لباس بر تن داشت و هنگامی که حضرت علی علیه السلام به عبدالله بن عباس

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۳، ح ۱ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۲. البته این بخش از روایت مربوط به زمان‌های گذشته است که مردم از نعمت برق محروم بودند و لازم بود پیش از تاریکی هوا وسایل روشن‌کننده را آماده سازند.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۴۱؛ میزان الحکمة، ج ۱۰، باب ۳۹۱۱، ح ۲۰۴۳۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۳۹، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۵. خز، پوست حیواناتی است که موهایی بلند و نرم و لطیف و پرپشت دارند. برخی حیوانات غیر اهلی نیز خز دارند. چنین حیواناتی در زمان‌های گذشته فراوان بود ولی امروزه بر اثر صید بی‌رویه، کمیاب یا نایاب است.

مأموریت داد تا با خوارج نهروان مذاکره کند، بهترین لباس‌ها را پوشید و با بهترین عطرها خود را خوشبو ساخت و بر بهترین اسبان سوار شد و رو به آنها رفت. خوارج چون او را در آن حال دیدند، گفتند: تو از بهترین مردمانی، پس چرا لباس جبّاران بر تن داری و بر مرکب آنان سوار شده‌ای؟ ابن عبّاس آیه زیر را تلاوت کرد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»: «بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟»<sup>۱</sup> (و آنها جوابی در برابر او نداشتند).

سپس امام صادق علیه السلام به یوسف بن ابراهیم فرمود: لباس‌های خوب و ارزشمند بپوش و خود را پیرایش کن که خداوند زیباست و زیبایی‌ها را دوست می‌دارد؛ البته مشروط بر آنکه از راه حلال به دست آمده باشد (و در حدّ اسراف نباشد).<sup>۲</sup>

### لباس زیرین و رویین

در روایتی معتبر آمده است که روزی سفیان ثوری از سران متصوّفه به مسجد الحرام رفت. امام صادق علیه السلام را دید که در گوشه‌ای از مسجد نشسته و لباس‌هایی زیبا و ارزشمند بر تن دارد. با خود گفت: به خدا سوگند باید به نزدش بروم و او را به خاطر این لباس‌ها سرزنش کنم. سپس خدمت حضرت رسید و با سخنی اعتراض‌آمیز عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، به خدا قسم پیامبر و هیچ‌یک از پدرانیت چنین لباسی پوشیده‌اند.

امام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزگاری زندگی می‌کرد که عموم مردم در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند (و به همین علت چنین لباس‌هایی

۱. سوره اعراف، آیه ۳۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۲۵.

نمی پوشید)، اما امروز وضعیّت مالی شان بهتر است و سزاوارترین مردم به استفاده از نعمت های پروردگار، انسان های نیکوکار و پرهیزگاران هستند». سپس آیه ۳۲ سوره اعراف را که در روایت پیشین گذشت، تلاوت کرد. آن گاه فرمود: «ما سزاوارترین مردم برای استفاده از نعمت های پروردگار هستیم». و در ادامه فرمود: «ای ثوری، این جامه رویین را که می بینی برای (حفظ آبرو در برابر) مردم پوشیده ام»، سپس دامن لباس را بالا زد و لباس زیرین را که لباس بسیار ساده و کم ارزش بود به وی نشان داد و فرمود: «این لباس را برای خود پوشیده ام». بعد حضرت لباس رویین سفیان ثوری را بالا زد و او لباس زیبا و ارزشمندی در زیر و لباس ساده و کم ارزشی روی آن پوشیده بود! حضرت فرمود: «ثوری، لباس زیرین را برای لذت نفس و لباس رویین را برای فریب دادن مردم پوشیده ای».<sup>۱</sup>

### آراسته بودن در بیرون خانه

در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس<sup>۲</sup> می نشست و در خانه لباس گشاد می پوشید، اما در بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می شد.<sup>۳</sup>

### فلسفه سختی های دنیا

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر اثر علاقه ای که به برخی بندگان دارد، دنیا را بر آنها تنگ گرفته و محبت دنیا را از دل آنها برداشته است. از این رو آنان بر تنگی خوردنی ها و آشامیدنی ها

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۴۴.

۲. گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ های مختلف می بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۷.

و سختی های دنیا شکیبایی ورزیده و به جهان آخرت و آنچه از کرامت ابدی که نزد خداست مشتاق و راغب‌اند و جان خود را در راه رضای خدایشان بر کف گرفته و سرانجام به شهادت می‌رسند و هنگام کوچیدن به جهان دیگر، خداوند از آنان خشنود است. چنین بندگان نیک می‌دانند که مر دامنگیر همه می‌شود (و باید دنیا و هر آنچه را در آن است بگذارند و بگذرند)؛ به همین علت، به فکر تهیه زاد و توشه برای جهان دیگرند. آنها به فکر گردآوری طلا و نقره نیستند، لباس های ساده می‌پوشند و بیش از ضرورت و نیاز غذا نمی‌خورند و اضافه بر آن را در راه خدا هزینه می‌کنند، تا توشه آخرتشان باشد. آنان برای جلب رضای خدا، با انسان‌های خوب دست دوستی داده و با دشمنان خدا قطع رابطه می‌کنند. این بندگان خوب خدا، چراغ‌های هدایت و غرق در نعمت‌های جهان آخرتند.<sup>۱</sup> یادآوری: بسیاری از روایات مناسب این فصل را در کتاب عین‌الحیة آورده‌ام.<sup>۲</sup>

## ۲ | لباس‌های حرام

(مقدمه:) برخی لباس‌هایی که پوشیدن آن حرام است به شرح زیر است:  
 (اول:) پوشیدن لباس‌هایی که از ابریشم خالص است و همچنین لباس‌های طلا باف (و هر آنچه زینت طلا دارد)، بر مردان حرام است. و نیز احتیاط آن است که عرقچین و کیف دستی و چیزهای کوچکی که نمی‌توان با آن عورت را پوشاند از ابریشم خالص نباشد. همان‌گونه که احتیاط آن است که اجزای لباس، حتی نوارهایی را که در حاشیه لباس می‌دوزند از ابریشم خالص نباشد. و چنانچه کسانی بخواهند لباس حریر بپوشند، بهترین راه آن است که چیزی با ابریشم مخلوط کنند؛ به هر نسبتی که باشد ولی سزاوار است نسبت آن ده به یک یا بیشتر

۱. معانی الأخبار، ص ۱۹۹؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۵۱.

۲. عین‌الحیة، ص ۲۸۶، لمعة ششم.

باشد. و اگر مجموع تار یا مجموع پود<sup>۱</sup> آن غیر ابریشم باشد بهتر است. و سزاوار است که ولی، پسران نابالغ خود را از پوشیدن لباس های ابریشمین و طلا باف منع کند.

(دوم:) لباس هایی که از پوست حیوان مرده تهیه شده، هر چند آن را دباغی کرده باشند.

(سوم:) لباس هایی که از پوست حیوانات حرام گوشت تهیه شده، هر چند حیوان را به طریق شرعی ذبح کرده باشند. حتی اگر یک تار موی حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در لباس یا بدن نمازگزار باشد حرام است. (در این زمینه به روایات زیر توجه کنید:)

### لباس ابریشمین

۱. در روایت معتبری آمده است که رسول خدا ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن و لباس ابریشمین نپوش که این هر دو، زینت و پوشش تو در بهشت است».<sup>۲</sup>
۲. و در سخنی دیگر، به آن حضرت فرمود: «لباس ابریشمین نپوش که اگر بپوشی، خداوند پوست تو را به آتش می سوزاند».<sup>۳</sup>

### زیورآلات طلا و نقره

۱. در حدیث است که از امام صادق رضی الله عنه پرسیدند: آیا بر مرد جایز است خانواده اش را با زیورآلات طلا بیاراید؟ حضرت فرمود: «برای زنان و دختران

۱. نخ های عمودی پارچه «تار» و نخ های افقی آن «پود» نامیده می شود.

۲. خصال، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۴۸، ح ۸.

۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۴۸، باب ۵۷، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۷۷۴.

اشکال ندارد، ولی برای پسران جایز نیست»<sup>۱</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام فرزندان (دختر) و همسران خود را به زیورآلات طلا و نقره می آراست و می فرمود: اشکالی ندارد»<sup>۲</sup>.

### ۳ بهترین لباس

(مقدمه:) بهترین لباس آن است که از پنبه بافته شده باشد و بعد از آن کتان است و کراهت دارد همواره لباس پشمین بپوشند، امّا پوشیدن آن در برخی اوقات به منظور حفاظت از سرما و صرفه جویی در هزینه و مانند آن خوب است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید:)

#### لباس پنبه‌ای و پشمین

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «لباس های پنبه‌ای بپوشید که پوشش حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ما اهل بیت است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم لباسی را که از مو یا پشم تهیه شده بود جز در موارد ضرورت نمی پوشید»<sup>۳</sup>.

۲. امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود: «لباسی که از مو یا پشم بافته شده، جز در موارد ضرورت نپوشید»<sup>۴</sup>.

۳. حسین بن کثیر می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که پیراهنی گشاد بر تن داشت و جامه پشمینه‌ای بر روی آن پوشیده بود. عرض کردم: فدایت شوم، مردم

۱. سرائر، ج ۳، ص ۶۳۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۱. هدف اسلام از این کار، مبارزه با تجمل پرستی و خوی اشرافیگری است.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۳۹، ح ۴۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۳، ح ۵۵۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۱؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۳، ح ۵۵۱.

از پوشیدن لباس پشمین خودداری می‌ورزند شما چرا می‌پوشید؟ حضرت فرمود: «پدرم امام باقر و پدرش امام سجّاد علیهما السلام چنین لباسی می‌پوشیدند و هرگاه به نماز می‌ایستادند گشادترین (و ساده‌ترین) لباس‌های خود را می‌پوشیدند و ما به پیروی از آنان چنین می‌کنیم».<sup>۱</sup>

۴. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «چند کار را تا پایان عمر ترک نخواهم کرد تا پس از من سنت شود: هم‌غذا شدن با مستخدمان در حال نشسته بر روی زمین، سوار شدن بر مرکب ساده، پوشیدن شیر از حیوان با دستان خود، سلام کردن بر کودکان، پوشیدن لباس پشمین».<sup>۲</sup>

(سؤال: در برخی روایات، پوشیدن لباس پشمین مکروه شمرده شده و طبق برخی روایات دیگر، برخی امامان معصوم آن را می‌پوشیدند. چگونه این روایات با هم سازگار است؟

(جواب: اگر از لباس پشمی برای همیشه و به منظور خودنمایی و جلوه‌گری استفاده شود کار مذموم و ناپسندی است، اما اگر به منظور قناعت در هزینه‌های زندگی، یا تواضع و فروتنی، یا حفاظت از سرما پوشیده شود اشکال ندارد. روایت زیر پاسخ بالا را تأیید می‌کند. توجه فرمایید:

۵. طبق آنچه ابوذر غفاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده، آن حضرت فرمودند: «در آخرالزمان گروهی در تابستان و زمستان لباس‌های پشمی می‌پوشند، به گمان آنکه با این کار بر دیگران فضیلت و برتری خواهند داشت. ملائکه آسمان‌ها و زمین آنها را لعنت می‌کنند».<sup>۳</sup> (و شاید نامیدن آنها به صوفیه به علت پوشیدن همین لباس‌های پشمی بوده که عرب به آن صوف می‌گوید. در ضمن لباس پشمی بر دو گونه

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۴.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۴۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۵.

۳. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۷۱.



است: بخشی از آن نرم و لطیف که غالباً اشراف می پوشیدند و بخشی دیگر، خشن و درشت که زاهدان واقعی و گاهی ریاکاران می پوشیدند.

### لباس کتان و خز

۱. در حدیثی آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پوشش پیامبران لباس کتان بوده است».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «لباس کتان انسان را فربه (و دارای تناسب اندام) می کند».<sup>۲</sup>
۳. در روایت دیگری می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام برای خرید لباس خز<sup>۳</sup> هزار یا هزار و پانصد درهم می پرداخت و آن را در زمستان می پوشید و هنگام فصل بهار آن را فروخته، قیمتش را به فقرا صدقه می دادند.<sup>۴</sup>

### ۴ رنگ لباس

(مقدمه: بهترین رنگ برای لباس، سفید و سپس زرد، بعد سبز و پس از آن قرمز کم رنگ (صورتی) است. و پوشیدن لباس به رنگ کبود و عدسی و قرمز پررنگ، به ویژه هنگام نماز کراهت دارد. و پوشیدن لباس سیاه در همه حال کراهت شدید دارد؛ البتّه عمامه و عبا و کفش سیاه<sup>۵</sup> از این حکم مستثناست، هر چند که عبا و عمامه سیاه نباشد بهتر است. (به روایاتی در این زمینه توجه کنید:)

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، باب کتان، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، باب کتان، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷، باب ۱۶، ح ۱.

۳. خز را پیشتر تفسیر کردیم.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶، و دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۵۵۲.

۵. و نیز عبا و چادر زنان.

## لباس سفید وزرد

۱. در احادیثی معتبر از حضرت رسول ﷺ نقل شده است که فرمود: «لباس سفید بپوشید که نیکوترین و پاکیزه‌ترین رنگ‌هاست. و مردگان خود را با کفن سفید دفن کنید».<sup>۱</sup>
۲. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت علی علیه السلام در بیشتر اوقات، لباس سفید می‌پوشید.<sup>۲</sup>
۳. حفص مؤذن می‌گوید: امام صادق علیه السلام را در مسجد پیامبر در بین قبر و منبر در حال نماز دیدم. آن حضرت لباسی زرد همچون رنگ به بر تن داشت.<sup>۳</sup>
۴. زراره می‌گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و عبایی زردرنگ از خز پوشیده بود.<sup>۴</sup>

## لباس قرمز و کبود

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حاکم بن عیینه خدمت امام باقر علیه السلام رسید. حضرت لباس سرخ تیره که با گل کافشه<sup>۵</sup> رنگ شده بود بر تن داشت. به حکم فرمود: نظر تو در مورد این لباس چیست؟ عرض کرد: چه گویم در مورد لباسی که اگر جوانان شوخ بپوشند ما آن را عیب می‌دانیم. حضرت فرمود: «چه کسی زینت الهی را بر بندگانش حرام کرده است؟» سپس فرمود: «چون تازه دامادم چنین لباسی پوشیده‌ام».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۴۵، ح ۱ و ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۱.

۲. قرب الإسناد، ص ۱۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۵۲، ح ۱۰؛ قرب الإسناد، ص ۳۰، ح ۳۷.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۵۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۴.

۵. گیاهی است با برگ‌های بیضی شکل و گل‌های زرد رنگ که گل‌های آن را پس از خشک کردن نرم می‌کنند و روی نان می‌ریزند و گاه به جای زعفران به کار می‌برند (فرهنگ عمید).

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵.

۲. در روایت دیگری آمده است که پوشیدن لباس قرمز تیره، جز برای تازه داماد، کراهت دارد.<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «جبرئیل در روز آخر ماه رمضان بعد از نماز عصر بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد. چون به آسمان رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را خواند که با شوهرت نزد من آید. هنگامی که خدمت حضرت رسیدند علی علیه السلام را در جانب راست و فاطمه علیها السلام را در جانب چپ خود نشانید و دست آنها را گرفت و بر دامان خویش نهاد. سپس فرمود: دوست دارید آنچه را که جبرئیل به من گفت به شما بگویم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. فرمود: جبرئیل گفت: در روز قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خداوند دو لباس بر من می پوشاند که یکی به رنگ سبز و دیگری سرخ همچون رنگ گل است و تو ای علی، در جانب راست عرش خواهی بود و بر تو نیز دو لباس همانند لباس های من می پوشاند». راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم رنگ سرخ را نمی پسندند. امام فرمود: «هنگامی که خداوند حضرت عیسی را به آسمان برد، آن حضرت دو لباس به همین رنگ بر تن داشت».<sup>۲</sup>
۴. در روایتی معتبر آمده است که یونس می گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که لباسی گشاد و بلند و کبودرنگ بر تن داشت.<sup>۳</sup>

### لباس سبز سیر و سیاه

۱. محمد بن علی می گوید: امام هفتم علیه السلام را در لباس عدسی رنگ دیدم.<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۴۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۶۰، ح ۱۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۴۸، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۶.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۴۸، ح ۱۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۹، ح ۹.

۲. ابوالعلا می گوید: حضرت صادق علیه السلام را در حال احرام با بُردِ یمنی سبزرنگ دیدم.<sup>۱</sup>
۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: با کلاه سیاه نماز بخوانم؟ فرمود: «لباس سیاه لباس اهل جهنم است با آن نماز نخوان».<sup>۲</sup>
۴. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «لباس سیاه کراهت دارد، مگر در سه چیز: عبا و عمامه و کفش».<sup>۳</sup>

### ۵ | برخی آداب لباس پوشیدن

(مقدمه): پیراهن‌های دراز و بلند پوشیدن و آستین پیراهن را بلند کردن و لباس را برای تکبیر بر روی زمین کشیدن، مکروه و ناپسند است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت امیر مؤمنان علیه السلام به بازار رفت و با یک دینار (اشرفی) سه قطعه لباس خرید: پیراهنی که بلندای آن تا نزدیک بند پا بود، لنگی که طول آن تا نیمه ساق پا بود، ازاری که از جلو تا روی سینه‌ها و از عقب تا پایین تر از کمر را می پوشاند. حضرت پس از خرید، دست به آسمان بلند کرد و پیوسته خدا را بر این نعمت شکر می کرد تا به خانه بازگشت».<sup>۴</sup>
۲. و در حدیثی دیگر فرمود: «آنچه از بلندای پیراهن از قوزک پا می‌گذرد در آتش جهنم است».<sup>۵</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۵، ح ۹۷۸.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۲۷.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۴۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۳.

گفتنی است که چادر زنان در میان عرب، نوعی عبا محسوب می‌شود.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۹.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبرش فرمود: **«وَتِيَابَكَ فَطَهِّرْ»**؛ و لباست را پاکیزه دار. <sup>۱</sup> لباس‌های پیامبر صلی الله علیه و آله پاک و پاکیزه بود، منظور خدا این بود که پیراهنت را کوتاه کن تا آلوده نشود». <sup>۲</sup>

و در روایت دیگری آمده است که آن را بالا بزن تا به زمین کشیده نشود. <sup>۳</sup>

۴. در روایت حسنه‌ای از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مردی از بنی تمیم چنین وصیت کرد: مبادا پیراهن و لنگ خود را بلند و دراز کنی که نشانه تکبر است و خداوند متکبران را دوست نمی‌دارد». <sup>۴</sup>

۵. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام هرگاه پیراهن می‌پوشید آستین آن را می‌کشید و آنچه را که از سر انگشتانش می‌گذشت می‌برید. <sup>۵</sup>

۶. در حدیث آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود: هر که از روی تکبر، جامه‌اش را بر زمین بکشد خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی‌کند. و ازار مرد تا نیمه ساق پاست؛ البته تا بند پا هم جایز است، اما افزون بر آن در آتش است». <sup>۶</sup>

(یادآوری: به‌طور کلی همواره باید اهداف پوشش لباس را در نظر داشته باشیم و مطابق آن، لباس‌های خود را تهیه کنیم.

هدف از پوشیدن لباس سه چیز است:

نخست حفظ تن از سرما و گرما و صدمات احتمالی ناشی از برخورد با موانع طبیعی و غیر طبیعی؛ این هدف مربوط به جسم انسان است.

هدف دیگر، حفظ حرمت و کرامت انسانی در برابر دیدگان دیگر انسان‌هاست، زیرا

۱. سوره مدثر، آیه ۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۵۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۵۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۵۷، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۱.

۶. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۰.

اگر آدمی به صورت برهنه، همچون حیوانات، در برابر هموعان خود حاضر شود، از چشم آنان می‌افتد و حرمتش شکسته و کرامتش لگه‌دار می‌شود؛ این هدف مربوط به روح انسان است.

و هدف سوم، کمک به حفظ پاکدامنی و عفت هموعان در سطح جامعه و حتی خانواده است که این هدف بر خلاف دو هدف اول، مربوط به دیگران است؛ بنابراین، آنچه به هنگام تهیه لباس مهم است رعایت سه هدف مزبور است؛ از این رو لباس‌های تنگ و چسبان هر چند تمام بدن را بپوشاند، پسندیده نیست زیرا نه مایه آرامش جسم انسان است و نه روح و نه افراد جامعه.

همان‌گونه که لباس‌های آستین کوتاه که بیش از حد متعارف، آستین آن کوتاه است در انظار عمومی پسندیده نیست.

مختصر اینکه، لباس‌های واجد اهداف سه‌گانه بالا مورد تأیید اسلام است و آنچه فاقد آن سه هدف، یا برخی از آنها باشد در اسلام سفارش نشده است.

## ۶ حرمت پوشیدن لباس مخصوص زنان یا کافران

(مقدمه: پوشیدن لباس ویژه بانوان، مانند روسری، مقنعه، چادر و برخی از لباس‌های زیر، بر مردان حرام است. چنانکه بر بانوان حرام است پوشیدن لباس‌های مخصوص مردان، مانند قبا، عمامه و دیگر لباس‌های ویژه آنان. و بر مرد وزن جایز نیست پوشیدن لباس‌های مخصوص کافران. (به دو روایت در این زمینه توجه کنید:)

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست زنان شبیه مردان شوند، زیرا رسول خدا زانی را که شبیه به مردان می‌شوند و مردانی را که شبیه به زنان می‌شوند نفرین کرده است»<sup>۱</sup>.

۱. خصال، ج ۲، ص ۳۷۴؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۶.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال به پیامبری از پیامبرانش فرمود: به مؤمنین بگو: لباس‌های مخصوص دشمنان مرا را نپوشید و از غذای آنان نخورید و خود را شبیه آنان نکنید، وگرنه شما هم دشمن من خواهید بود».<sup>۱</sup>

## ۷ عمامه بستن و کلاه پوشیدن

(مقدمه:) به دو روش می‌توان عمامه بست: بر سر و زانو. بستن عمامه بر روی سر مستحب است، چنانکه تحت الحنک<sup>۲</sup> نهادن برای عمامه هم مستحب است.<sup>۳</sup> شهید اول رحمته الله اعتقاد دارد که ایستاده عمامه پیچیدن مستحب است.<sup>۴</sup> (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید)

### عمامه بر سر گذاشتن

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عمامه بر سر پیچد و تحت الحنک<sup>۵</sup> نبندد و به درد بی‌درمانی مبتلا شود، کسی را جز خودش سرزنش نکند».<sup>۶</sup>

۲. و در روایتی دیگر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با دست (مبارک) خود بر سر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام عمامه بست. یک

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۷۶۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۳۲۵.

۲. پیچی از عمامه که از زیر چانه می‌گذرانند و روی شانه می‌اندازند.

۳. روایات مربوط به استحباب تحت الحنک فراوان است، ولی ظاهراً همه آنها مربوط به تمام حالات است و در خصوص حال نماز، فقط یک روایت داریم که آن هم ضعیف است. رک: اصول کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، باب العمائم.

۴. دروس، ج ۱، ص ۱۵۲.

۵. باید توجه داشت که «تحت الحنک» در گذشته در همه حال معمول بود، ولی اکنون متعارف نیست و گاه ممکن است لباس شهرت به شمار آید.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۶۱، باب العمائم، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۹۱، ح ۱.

طرف عمامه را از پیش صورت و طرف دیگر آن را چهار انگشت کوتاه‌تر، از پشت سر آویخت، سپس به علی علیه السلام فرمود: برو! رفت و فرمود: بیا! آمد و بعد فرمود: به خدا قسم، تاج ملائکه و فرشتگان چنین است.<sup>۱</sup>

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمامه را بر سر بست و یک طرف آن را به جلو و طرف دیگر آن را به پشت سر انداخت. چنانکه جبرئیل (در هیاتی که در برابر پیامبر آشکار می‌شد) نیز به این صورت عمامه می‌بست.»<sup>۲</sup>

۴. و از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشتگان در جنگ بدر عمامه‌های سفید بر سر داشتند.»<sup>۳</sup>

۵. در کتاب فقه الرضا خواندن این دعا به هنگام گذاشتن عمامه بر سر سفارش شده است: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْ ذِكْرِي وَاعْلِ شَأْنِي وَاعِزَّنِي بِعِزَّتِكَ وَأَكْرِمْ نِي بِكَرَمِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّحْنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ.<sup>۴</sup>

۶. در کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام گذاشتن عمامه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ وَتَوَجَّحْنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلِّدْنِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي<sup>۵</sup> و افزوده است که عمامه را باید در حال ایستاده پیچید.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۱، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۶۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۹.

۴. ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، ذکر مرا بالا بر و رتبه‌ام را بلندگردان و مرا در پیشگاه خود و در میان مخلوقات گرامی بدار. بار خدایا، تاج کرامت و عزت و پذیرش (اعمال) را بر سرم نه.» فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۷۷، ح ۸.

۵. ترجمه: «خدایا، مرا به نشانه ایمان نشانه‌گذار و تاج کرامت بر سرم نه و بند اسلام و ایمان بر گردنم افکن و آن را از گردنم بیرون میاور.»

۶. مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰.



## کلاه پوشیدن

در حدیث است که حضرت رسول ﷺ کلاه‌های متعددی داشت که بر سر می‌نهاد.<sup>۱</sup>

علما پوشیدن کلاه‌های دراز و بلند را که به آن «بُرطُل» گویند و یهودیان بر سر می‌گذاشتند، مکروه شمرده‌اند.<sup>۲</sup> و از برخی روایات استفاده می‌شود که شکستن پایین کلاه و برگردانیدن آن مکروه است.<sup>۳</sup>

## ۸ آداب پوشیدن پاجامه (شلوار راحتی)

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که زمین به سبب دیدن عورت تو به من شکایت می‌کند، میان زمین و عورت خود حجابی قرار ده تا زمین ناراحت نباشد»<sup>۴</sup>، سپس حضرت ابراهیم پاجامه را اختراع کرد و پوشید.<sup>۵</sup>

۲. در کتاب جامع بزنی روایت شده است که هر که پاجامه را ایستاده بپوشد، تا سه روز حاجتش برآورده نشود.<sup>۶</sup>

۳. از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن پاجامه در حال ایستاده، موجب اندوه است».<sup>۷</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۵.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰ (با اندکی تفاوت).

۳. بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۴۵، ح ۶۲.

۴. گفتنی است که عرب‌ها زیر پیراهن بلند (دشداشه) پاجامه نمی‌پوشیدند. اکنون هم کم‌و بیش برخی عرب‌ها چنین می‌کنند. روایت مزبور ناظر به پوشش پاجامه برای چنین کسانی است، زیرا در حرکات و حالات مختلف، ممکن است قسمت‌هایی از بدن انسان نمایان شود.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۷۷، ح ۳.

۶. السرائر، ج ۳، ص ۵۸۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۷، ابواب احکام الملایس، باب ۶۸، ح ۵.

۷. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملایس، باب ۶۸، ح ۲. (شاید به این خاطر که گاه ممکن است خطرهایی پیش آید).

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «پاجامه را ایستاده و رو به قبله و رو به انسان دیگری نپوشید».<sup>۱</sup>
۵. و در سخنی دیگر فرمود: «پیامبران پیراهن را پیش از پاجامه می پوشیدند».<sup>۲</sup>
۶. در کتاب فقه الرضا آمده است: پاجامه را ایستاده نپوشید که موجب هلاکت و زردآب و غم و درد می شود، بلکه نشسته بپوشید و در وقت پوشیدن این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَلَا تَهْتِكْنِي فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَأَعْفُ فَرْجِي وَلَا تَخْلَعْ عَنِّي زِينَةَ الْإِيمَانِ.<sup>۳</sup>
۷. کتاب مکارم الأخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که به هنگام پوشیدن پاجامه این دعا خوانده شود: اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَعْفُ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذَلِكَ نَصِيْبًا وَلَا لَهُ إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا فَيُضْنَعُ لِي الْمَكَائِدَ وَيُهَيَّبَنِي لِزَتِكَابِ الْمَحَارِمِ.<sup>۴</sup>

## ۹ آداب لباس نو بریدن و پوشیدن

### دعاهای هنگام بریدن و پوشیدن لباس نو

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که لباس نو ببرد و ظرفی را پر از آب کند و سی و شش مرتبه سوره قدر بر آن بخواند و هر مرتبه که به آیه ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ﴾ می رسد اندکی از آب را آرام بر پارچه بپاشد، سپس دو

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۴.  
 ۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۶، ابواب احکام الملابس، باب ۶۸، ح ۳.  
 ۳. ترجمه: «به نام خدا، پروردگارا، عیوبم را ببوشان و در روز قیامت مرا رسوا مگردان و مرا پاکدامن قرار ده و زینت ایمان را از من سلب نفرما». فقه الرضا، ص ۳۹۵، باب الزیة والزینة؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۱۳، باب ۴۴، ح ۱.  
 ۴. ترجمه: «بار خدایا، عیوبم را ببوشان و هراسم را برطرف کن و مرا پاکدامن قرار ده و از برای شیطان در آن بهره‌ای و برای رسیدن به آن راهی قرار مده، تا برای من حیلها سازد و برگناهان تحریکام کند». مکارم الأخلاق، ص ۱۰۱.

رکعت نماز بخواند و دعا کند و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُصَلِّي فِيهِ لِرَبِّي**<sup>۱</sup> و آن‌گاه خدا را شکر کند، پیوسته در وفور نعمت باشد تا آن لباس کهنه شود.<sup>۲</sup>

۲. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام، خواندن این دعا را به هنگام پوشیدن لباس نو سفارش کرد: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقَى وَبَرَكَهٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءً شُكْرٍ نِعْمَتِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ**.<sup>۳</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که در ظرفی نو آب کند و بر آن سی و دو مرتبه سوره قدر بخواند و بر لباس نو بپاشد، با پوشیدن آن لباس همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تاری از آن لباس باقی باشد».<sup>۴</sup>

۴. در روایتی معتبر آمده است که: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: به هنگام پوشیدن لباس نو این دعا را بخوان: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ اللِّبَاسِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَهٍ، أَسْعَى فِيهَا لِمَرْضَاتِكَ وَأَعْمُرُ فِيهَا مَسَاجِدَكَ**».<sup>۵</sup> سپس فرمود: «ای علی، هر که این دعا را بخواند سپس لباس نو را بپوشد، خداوند او را می‌آمرزد».<sup>۶</sup>

۱. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که چیزی (لباسی) روزی‌ام کرد که با آن بتوانم خود را در میان مردم زینت کنم و با آن خود را بپوشانم و در آن برای پروردگارم نماز بگذارم».

۲. ثواب الأعمال، ص ۴۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۹.

۳. ترجمه: «پروردگارا، این لباس نو را لباس میمنت و پرهیزگاری و برکت قرار ده. بار خدایا، پرستش نیکو و انجام دادن دستورها و ادای شکر نعمت را در این لباس روزی‌ام کن. حمد و سپاس مخصوص خدایی است که لباسی به من عنایت کرد که خود را با آن بپوشانم و در میان مردم خود را زینت کنم».<sup>کافی، ج ۶، ص ۴۵۸، ح ۱.</sup>

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۱، ابواب احکام الملابس، باب ۲۶، ح ۲.

۵. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که بر اندام من لباسی پوشاند که با آن در میان مردم خود را می‌آرایم. خدایا، آن را مایه برکت قرار ده تا در آن به سوی خشنودیت حرکت کنم و در مساجد حضور یابم».

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۵۸، ح ۲.

۵. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته است هر که لباس نو می پوشد دست بر آن بکشد و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ أَتَزِينُ بِهِ بَيْنَهُمْ**».<sup>۱</sup>

۶. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام هرگاه می خواست لباس نو بپوشد، لباس ها را در طرف راست خود می نهاد و پس از پوشیدن لباس، ظرفی آب می طلبید و هر یک از سوره های توحید و کافرون و آیه الکرسی<sup>۲</sup> را ده مرتبه بر آن می خواند، سپس آب را بر لباس می پاشید و می فرمود: «هر که چنین کند، همواره در وفور نعمت باشد تا وقتی که تار نخی از آن لباس باقی باشد».<sup>۳</sup>

### پوشیدن لباس نو و رهایی یافتن از آفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام پوشیدن لباس نو **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»** بگو، تا از آفت ها نجات یابی. و چیزی را که بسیار دوست داری فراوان یاد نکن که تو را در هم می شکند و اگر با کسی کاری داشتی در غیابش به او دشنام نده که در دلش اثر می کند».<sup>۴</sup>

### شکرانه پوشیدن لباس نو

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «هرگاه خداوند لباس نو نصیب کسی کند، شایسته است وضو بگیرد و دو رکعت نماز (شکر) بگزارد و در هر رکعت سوره حمد و آیه الکرسی و سوره های توحید

۱. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لباسی بر اندام من پوشاند که به وسیله آن عیبوم را پنهان کنم و با آن خود را در میان مردم زینت و آرایش دهم». کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۳.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۵۹، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۷۳، ابواب احکام الملابس، باب ۲۷، ح ۴.

و قدر بخواند، سپس از خداوندی که تن او را پوشانده و در میان مردم زینتش داده، تشکر کند و حمد و ستایش او را به جا آورد و بسیار ذکر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید. هر که چنین کند، در آن لباس معصیت نکند. و پروردگار به عدد هر نخ‌ی که در آن لباس است، فرشته‌ای می‌آفریند که خداوند را به پاکی یاد کند و برای او استغفار کند و بر او ترحم کند.<sup>۱</sup>

## ۱۰ دیگر آداب پوشیدن و بیرون آوردن لباس

هیچ‌گاه به طور کامل برهنه نشوید

۱. در حدیث است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از برهنه شدن (به طور کامل) در روز و شب نهی کردند.<sup>۲</sup>
۲. از حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت شده است که فرمود: «هرگاه مردی (کاملاً) عریان شود، شیطان به او نظر کرده و طمع می‌کند که او را به گناه بکشاند». و نیز فرمود: «هنگامی که انسان در جمعی نشسته، سزاوار نیست که ران‌های خود را برهنه سازد».<sup>۳</sup>
۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه لباس خود را از تن بیرون می‌آورید، بسم الله بگویید».<sup>۴</sup>

## ویژگی‌های پوشش بانوان

۱. از امام صادق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت شده است که فرمود: «برای زن مسلمان شایسته نیست که روسری یا پیراهن بدن‌نما بپوشد».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۵۹؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۶.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۵، باب ۶۷، ح ۱.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸۱، باب ۲۱، ح ۲.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عرض مقنعه حضرت فاطمه علیها السلام به قدری بود که تا نصف بازوی آن حضرت می‌رسید و زنان باید چنین کنند».<sup>۱</sup>

### اسراف در پوشش

۱. در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمترین حدّ اسراف آن است که لباس داخل و بیرون از خانه یکی باشد».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر کسی ده پیراهن داشته باشد اسراف است؟ فرمود: «نه، بلکه به منظور حفاظت از لباس این کار بهتر است؛ اسراف آن است که جامه نگاه‌داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی».<sup>۳</sup> (و این برای آن است که پیراهن‌ها دوام بیشتری پیدا می‌کند).

### پاکیزگی و نظافت لباس

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن لباس نو، دشمن را منکوب می‌کند».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر لباسی که می‌پوشید باید پاکیزه باشد».<sup>۵</sup>

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست‌وشوی لباس،

۱. مکارم الأخلاق، ص ۹۳.

۲. زیرا لباس بیرون منزل معمولاً قیمت بیشتری دارد و اگر در داخل منزل همان پوشیده شود هزینه لباس انسان سنگین خواهد شد. کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۱ و ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

۴. همان، ص ۱۰۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۶، باب ۶، ح ۳.

اندوه را می‌زداید و موجب قبولی نماز می‌شود».<sup>۱</sup>  
 ۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کوتاه کردن پیراهن (های بلند)، سبب راحتی پوشیدن و دوام آن می‌شود».<sup>۲</sup>

### وصله زدن به لباس

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن قدر بر لباس خود وصله زدم که از وصله‌کننده آن خجالت کشیدم».<sup>۳</sup>  
 ۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که یقه پیراهنش را وصله کند و کفش خود را پینه زند و آنچه برای خانه‌اش خریده با دست خود به خانه ببرد، از تکبر و خودبرتربینی در امان می‌ماند».<sup>۴</sup>  
 ۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید دید حضرت یقه لباسش را وصله زده، با تعجب به حضرت نگاه کرد. حضرت فرمود: «چرا تعجب می‌کنی؟» گفت: از وصله لباس شما شگفت زده شدم. کتابی در پیش روی حضرت بود، به او فرمود: «این جملات را بخوان». نوشته بود: هر که حیا ندارد ایمان ندارد و کسی که به اندازه خرج نمی‌کند سرمایه‌ای برایش نمی‌ماند و هر که جامه کهنه ندارد لباس نو نخواهد داشت.<sup>۵</sup>

### ۱۱ رنگ کفش و ویژگی‌های دیگر آن

(مقدمه:) بهترین رنگ برای نعلین و دیگر کفش‌ها، رنگ زرد است و سپس

۱. خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.
۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۰۳.
۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۳۴۶. این در زمانی است که مردم مشکلات مادی دارند.
۴. خصال، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۶۸.
۵. کافی، ج ۶، ص ۴۶۰، ح ۳.

سفید. و بهترین رنگ برای چکمه، رنگ سیاه است. رنگ قرمز در سفر سفارش شده، ولی در وطن کراهت دارد. و در مورد نعلین سفارش شده است که جلو و عقبش بلند و قسمت میانی آن کوتاه و تهی باشد و تمام آن بر زمین نجسند و غیر آن کراهت دارد؛ ظاهراً کفش نیز همین حکم را دارد. و (پوشیدن) کفش سرپایی (در بیرون از منزل) مکروه است. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

### اهمیت پوشیدن کفش

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «پوشیدن کفش خوب، تن را از بلاها حفظ کرده، به انسان کمک می‌کند که وضو و نمازش را به صورت کامل به جا آورد».<sup>۱</sup>
۲. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «هر که دوست دارد عمرش طولانی شود، باید چهار کار کند: صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد، کفش خوب بپوشد، لباس سبک بپوشد، کمتر آمیزش جنسی کند».<sup>۲</sup>

### چه کفشی بپوشیم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن نعل هموار و صاف که همه‌اش بر روی زمین برسد، پوشش یهودیان است».<sup>۳</sup>  
و روایات فراوانی در مذمت چنین کفشی وارد شده است.<sup>۴</sup>
۲. در احادیث معتبر آمده است: «کفش سیاه نپوشید که: چشم را ضعیف می‌کند، از قدرت شهوت می‌کاهد، موجب اندوه می‌شود. و کفش زرد بپوشید که:

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۲.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱، باب ۳۲، ح ۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۶۳، ح ۶.

۴. برخی از این روایات در وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۲، باب ۳۳، باب کیفیت النعل، آمده است.



- چشم را جلا می دهد، بر قدرت شهوت می افزاید، اندوه را برطرف می سازد و پوشش پیامبران است.<sup>۱</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پوشیدن کفش سیاه موجب غرور و تکبر است».<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که کفش زرد رنگ بپوشد، تا وقتی در پای اوست در شادی و سرور باشد زیرا خداوند متعال در وصف گاو بنی اسرائیل می فرماید: ﴿صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ﴾».<sup>۳</sup>
۵. سدیر صراف می گوید: با کفشی سفید رنگ خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. حضرت فرمود: آیا دانسته چنین رنگی را انتخاب کرده ای؟ سپس فرمود: «هر که کفشی سفید از بازار بخرد کهنه نمی شود، مگر اینکه از جایی که گمان نمی برد مالی به او می رسد». سدیر می گوید: هنوز آن کفش سفید کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی که گمان نداشتم به دستم رسید.<sup>۴</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که کفش سفید یا زرد رنگ بپوشد، مال و فرزندان نصیب او شود».<sup>۵</sup>
۷. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن چکمه بر نور چشم می افزاید».<sup>۶</sup>
۸. و در روایتی دیگر فرمود: «مداومت بر پوشیدن چکمه، انسان را از مر بد

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۵، مکارم الأخلاق، ص ۱۲۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۶۵، دنباله حدیث ۱ و ۴ با کمی تفاوت؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۳۸، ح ۱ و ۲ و ۳.

۳. ترجمه: «گاوی باشد زرد یکدست که بینندگان را شاد و مسرور سازد». سوره بقره، آیه ۶۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۷، باب ۴۰، ح ۲ و ۴.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۶۵؛ ثواب الأعمال، ص ۴۳.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۸، باب ۴۰، ح ۵.

۷. کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۱.

و بیماری سل می‌رهند».<sup>۱</sup>

۹. در حدیث است که داوود رقی می‌گوید: امام صادق علیه السلام را در سفر دیدم که چکمه سرخی پوشیده بود. پرسیدم: این چکمه سرخ چیست؟ فرمود: «این کفش را برای سفر گرفته‌ام و برای گِل و باران خوب است، اما در وطن هیچ رنگی بهتر از سیاه نیست».<sup>۲</sup>

۱۰. و در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت ابراهیم علیه السلام اول کسی بود که نعلین<sup>۳</sup> پوشید».<sup>۴</sup>

## ۱۲] آداب پوشیدن کفش

۱. در روایاتی معتبر که از امام باقر و امام صادق علیه السلام نقل شده است، سفارش کرده‌اند به هنگام پوشیدن کفش از پای راست و بیرون آوردن آن از پای چپ آغاز شود.

و نیز فرموده‌اند: «هر که یک پا در کفش کند و پای دیگرش برهنه باشد و با این حال راه رود، شیطان بر او دست می‌یابد».<sup>۵</sup>

۲. در حدیث است که عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: همراه امام صادق علیه السلام به جایی می‌رفتیم، بند کفش امام پاره شد. من بند دیگری که همراه داشتم درآوردم و جایگزین بند پاره کردم. حضرت که در این هنگام دست بر شانه من نهاده بود، فرمود: «هر کس کفش مؤمنی را اصلاح (و مشکل او را حل) کند، هنگامی که از قبر بیرون آید خداوند او را بر شتر پرسرعت سوار کند تا در بهشت را بکوبد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۲ و ۳ و ص ۴۶۷، ح ۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۸، باب ۴۱، ح ۱ و ۲ و ۳.

۲. محاسن، ص ۳۷۸، ح ۵؛ کافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۴.

۳. «نعلین» کفشی است که پشت ندارد و روی پا را به‌طور کامل نمی‌پوشاند.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۱، باب ۳۲، ح ۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۶۷، ح ۱-۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۰، باب ۴۳، ح ۱-۴ و باب ۴۴، ح ۴-۱.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۴، باب ۳۵، ح ۱.

۳. در حدیث است که یعقوب سراج می‌گوید: در سفری در خدمت امام صادق علیه السلام بودم. بند کفش حضرت پاره شد و به اجبار با پای برهنه به راه خود ادامه داد. عبدالله بن ابی یعفور بند کفش خود را درآورد و به حضرت داد، اما آن حضرت قبول نکرد و فرمود: «هر که گرفتار مشکلی شده، سزاوار است که بر مشکل خود صبر کند».<sup>۱</sup>

### استراحت دادن به پاها

۱. در حدیث است که عبدالرحمن بن ابی عبدالله می‌گوید: همراه امام صادق علیه السلام به دیدن کسی رفتم. چون حضرت بر او وارد شد (گویا جمعی با کفش نشسته بودند)، کفش خود را از پا بیرون آورد و فرمود: «کفش‌هایتان را بیرون آورید که این کار موجب استراحت پا می‌شود».<sup>۲</sup>

### دعای پوشیدن کفش

۱. در کتاب مکارم الأخلاق<sup>۳</sup> به نقل از کتاب نجات آمده است: کفش را نشسته بپوش و در وقت پوشیدن آن بگو: بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ عِ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَتَبَتُّهُمَا عَلَيَّ الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.<sup>۴</sup>  
و در وقت بیرون آوردن، ایستاده کفش‌ها را درآور و بگو: بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَقْبَىٰ بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَى اللَّهُمَّ تَبَتُّهُمَا عَلَيَّ صِرَاطِكَ وَلَا تَزِلَّهُمَا

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۲۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۶۴، ح ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵، باب ۳۷، ح ۱.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۲۳؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۶۳.

۴. ترجمه: «به نام خدا. پروردگارا، بر محمد و خاندان پاکش درود بفرست و گام‌هایم را در دنیا و جهان آخرت استوار گردان و در روزی که همه قدم‌ها می‌لغزند، آنها را بر پل صراط محکم و ثابت گردان».

عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ.<sup>۱</sup>

۲. در کتاب فقه الرضا<sup>۲</sup> آمده است: هرگاه بخواهی کفش یا چکمه بپوشی از پای راست شروع کن و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ وَطِّئِ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَيَّ الْإِيمَانَ وَلَا تُزِلْهُمَا يَوْمَ زَلْزَلَةِ الْأَقْدَامِ اللَّهُمَّ وَقِنِي مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْأَذَى.<sup>۳</sup>

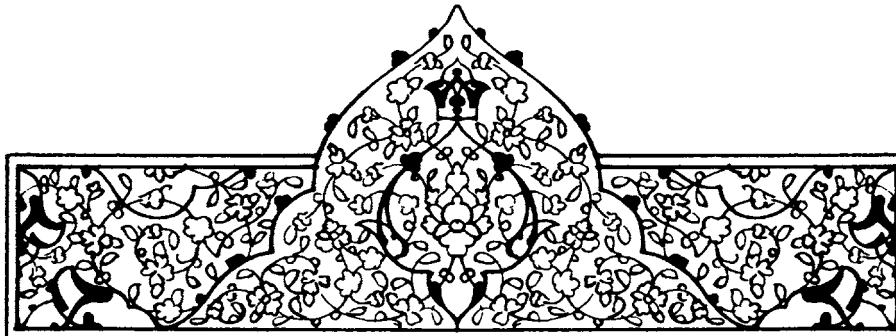
و هنگام بیرون آوردن کفش از پای چپ شروع کن و بگو: اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّي حُلَّةَ الْإِيمَانِ.<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «به نام خدا. حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که نعمتی به من داد تا بتوانم با آن پاهایم را از آزار و اذیت حفظ کنم. بار خدایا، پاهایم را بر صراط خود پایدار کن و از راه راست خود نلغزان.»

۲. فقه الرضا، ص ۳۹۷ و ۳۹۸.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم) و حمد و ستایش مخصوص خداست. بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. بار خدایا! قدم‌های مرا در دنیا و آخرت ثابت گردان، و در پیمودن راه ایمان پایدارشان کن، و در روزی که قدم‌ها می‌لغزد آنها را ملغزان. خدایا! مرا از تمام آسیب‌ها و آفات و آزارها حفظ کن.»

۴. ترجمه: «خدایا، هر اندوهی را از من برطرف کن و جامه ایمان را از تنم بیرون مکن.»



## فصل دوم:

# زیورآلات و نوع زینت مردان و زنان

۱. فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن
۲. جنس انگشتر
۳. فضیلت عقیق
۴. فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد
۵. فضیلت فیروزه و جزع یمانی
۶. فضیلت درّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین‌ها
۷. نقش نگین
۸. پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان
۹. آداب سرمه کشیدن
۱۰. آداب نگاه کردن در آئینه
۱۱. رنگ کردن موها
۱۲. چگونگی و آثار رنگ کردن



## ۱ فضیلت انگشتر به دست کردن و آداب آن

(مقدمه:) تأکید شده است که مردان و زنان انگشتر را در دست راست کنند. هر چند در برخی روایات، انگشتر در دست چپ کردن هم تجویز شده است. و اگر نقش نگین یا خود نگین، شریف و باعظمت باشد باید به هنگام تطهیر کردن در حاجتگاه، آن را بیرون آورد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

### استحباب انگشتر در دست راست کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد».<sup>۱</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله انگشتر را در دست راست می کرد.<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که سلمان فارسی - که رضوان خدا بر او باد - می گوید: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی، انگشتر را در دست راست کن تا از مقربان باشی. حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ای رسول خدا، مقربان کیانند؟ فرمود: جبرئیل و میکائیل. علی علیه السلام پرسید: چه انگشتری در دست کنم؟ فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۶۳، ح ۲۶۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۷، ح ۴ و ۶.

عقیق سرخ، زیرا عقیق سرخ بر یگانگی خدا و پیامبری من و امامت و وصایت تو و امامت یازده فرزند از تو و استحقاق دوستان تو به بهشت و اختصاص جنت الفردوس به شیعیان تو اقرار کرده است»<sup>۱</sup>.

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر در دست راست کردن از سنت پیامبران است»<sup>۲</sup>.

۵. در روایتی معتبر آمده است که از امام هفتم علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت علی علیه السلام انگشتر را در دست راست می‌کرد؟ فرمود: «زیرا آن حضرت در روز قیامت پیشوای اصحاب یمین است که نامه‌هایشان را به دست راستشان می‌دهند. افزون بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین می‌کرد. افزون بر آنکه این کار نشانه‌ای برای شیعیان است که بدین سبب و به پنج عمل زیر بر دیگران امتیاز دارند: مراقبت کردن بر وقت نمازهای پنجگانه، پرداختن زکات اموال (و وجوهات شرعیّه)، تقسیم کردن اموال و امکانات خود با برادران مؤمن، امر به معروف و نیکی‌ها کردن، نهی از منکر و زشتی‌ها کردن»<sup>۳</sup>.

۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: هر که انگشتر در دست راست کند و هدفش از این کار، پیروی از تو و سنت تو باشد، چنانچه او را در قیامت سرگردان بینم دستش را گرفته و به تو و امیر مؤمنان می‌رسانم»<sup>۴</sup>.

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۸۰، ح ۱.

۲. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۸۹، باب ۳۰، ح ۷، به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. البته از برخی روایات هم استفاده می‌شود که انگشتر به دست چپ کردن اشکال ندارد.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۸، باب ۱۲۷، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۶، باب ۴۹، ح ۳.

۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۰۳.



### انگشتر در کدام دست کنیم

در حدیثی معتبر آمده که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «اگر بخواهی انگشتر را در دست راست کن و اگر دوست داری در دست چپ، تفاوتی ندارد».<sup>۱</sup>  
ولی از برخی روایات استفاده می‌شود که هر کس انگشتری در دست چپ کند که نام خداوند بر آن نقش بسته، برای تطهیر کردن در حاجتگاه آن را به دست دیگر کند».<sup>۲</sup>

### انگشتر در کدام انگشت نکنیم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت از اینکه انگشتر را در انگشت شهادت یا انگشت میانی کند نهی فرمود».<sup>۳</sup>  
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر را به بند پایین انگشت برسانید».<sup>۴</sup>  
۳. شیخ صدوق از ابو سعید آدمی روایت کرده است: انگشتر به سر انگشتان کردن از کارهای قوم لوط است.<sup>۵</sup>

### دعای انگشتر در دست کردن

در کتاب فقه الرضا آمده است که هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: **اللَّهُمَّ سُمِّنِي بِسِيمَاءِ الْإِيمَانِ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ اجْعَلْ عَاقِبَتِي إِلَى خَيْرٍ، إِنَّكَ**

۱. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۵، باب ۴۸، ح ۶.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۰۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۵۹، ح ۱ و ۲.

۴. خصال، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۲، ذیل روایت شماره ۷.

۵. خصال، ج ۱، ص ۲۳۷، ادامه حدیث ۱۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۲، ذیل روایت ۷.

أَنْتَ الْعَزِيزُ الْأَكْرَمُ.<sup>۱</sup>

سید بن طاووس سفارش کرده است که به هنگام انگشتر در دست کردن این دعا را بخوانید: اللَّهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِمَاءِ الْإِيمَانِ وَ تَوَجِّحْنِي بِتَاجِ الْكِرَامَةِ وَ قَلِّدْنِي حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي.<sup>۲</sup>

## ۲ جنس انگشتر

(مقدمه): انگشتر نقره در دست کردن مستحب و انگشتر طلا بر مردان حرام است. و انگشتر ساخته شده از آهن و برنج (برنز) و فولاد برای مردان و زنان کراهت دارد. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

## چگونگی انگشتر

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «انگشتر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از نقره بود».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «انگشتر حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از نقره بود، نگین نداشت و بر آن جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نقش بسته بود».<sup>۴</sup>

## انگشترهای نامناسب

۱. در چندین روایت معتبر آمده است که حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به علی عَلِيٌّ

۱. ترجمه: «پروردگارا، بر من نشان ایمان بگذار و برایم به نیکی پایان ده و عاقبتم را ختم به خیر کن، زیرا تو عزیز و کریم هستی». فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۴، ح ۲۵.

۲. ترجمه: «بار خدایا، بر من نشان ایمان بگذار و تاج کرامت بر سرم نه و ریسمان اسلام بر گردنم افکن و بند ایمان را از گردنم برمدار». الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۹۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۳، باب ۴۶، ح ۱ و ۲.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۸۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴، باب ۴۶، ح ۵.

- فرمود: «انگشتر طلا در دست نکن که زینت تو در آخرت است».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتری جز نقره در دست نکنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دستی که انگشتری از جنس آهن در آن باشد آلوده است».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند دستی را که انگشتر آهنی در آن باشد پاک نخواهد کرد».<sup>۳</sup>
۴. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به هنگام نماز، انگشتر آهنی در دست نکنید و در هیچ حال، انگشتر برنز نپوشید».<sup>۴</sup>

### ۳ فضیلت عقیق

#### اهمیت عقیق در دست کردن

۱. در حدیثی از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «انگشتر عقیق با خود داشته باشید زیرا عقیق، نخستین کوهی است که به یگانگی خداوند و رسالت من و امامت علی بن ابی طالب اقرار کرد».<sup>۵</sup>
۲. در حدیثی معتبر آمده است که بشیر دهان می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم چه نگینی بر انگشترم بنشانم؟
- فرمود: «چرا از عقیق سرخ و زرد و سفید غافل؟ اینها سه کوه هستند در بهشت؛ عقیق سرخ نام کوهی است که مُشرف بر خانه رسول صلی الله علیه و آله است. کوه عقیق زرد مُشرف بر خانه فاطمه زهرا علیها السلام و عقیق سفید مُشرف بر خانه حضرت

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۶۸، ح ۶؛ خصال، ج ۲، ص ۴۰۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۷۷۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۸۵؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۲۵۲، ح ۱۶ و ج ۷۶، ص ۳۳۱.

۵. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۰۰؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۰، ح ۳۲۴.

علی علیه السلام است و همهٔ اینها یک خانه است. و از زیر هر کوهی نهری جاری است که آب آن از برف سردتر و از شیر سفیدتر است و هر سه نهر از کوثر سرچشمه می‌گیرد و به یک جا می‌ریزد. و جز آل محمد و شیعیانش از این نهرها نمی‌نوشند. این سه کوه (همواره) تسبیح و تقدیس و تمجید پروردگار کرده و برای محبان آل محمد آمرزش می‌طلبند. پس هر کس از شیعیان آل محمد یکی از این عقیق‌ها را در دست داشته باشد، جز نیکی و وسعت روزی و سلامتی از بلاها و امان از شرّ پادشاهان و هر آنچه انسان از آن بیم دارد، به او نرسد.<sup>۱</sup>

۳. در حدیث است که ربیعة الرأی می‌گوید: انگشتر عقیقی در دست امام سجّاد دیدم، پرسیدم: این چه نگینی است؟ فرمود: «این عقیق رومی است».<sup>۲</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دستی که در آن انگشتر عقیق باشد، از تمام دست‌هایی که به آسمان بلند می‌شود در نزد پروردگار محبوب‌تر است».<sup>۳</sup>

۵. آن حضرت در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در دست کردن مستحب است».<sup>۴</sup>

### آثار و خواصّ عقیق در دست کردن

۱. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در کوه طور به هنگام مناجات با خداوند نگاهی به زمین کرد، خداوند عقیق را از نور صورت او آفرید، سپس فرمود: به ذاتم قسم، دستی را که انگشتر عقیق در آن

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۱، باب ۵۲، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۴ و ۵.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۹؛ عدّة الدّاعی، ص ۱۱۸.

۴. ثواب الأعمال، ص ۲۰۹، ح ۱۱؛ عدّة الدّاعی، ص ۱۱۹.

- باشد عذاب نمی‌کنم، مشروط بر اینکه به ولایت علی بن ابی طالب اقرار داشته باشد.<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نماز (جماعت) کسی که انگشتر عقیق در دست دارد، نسبت به نماز جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشد چهل درجه برتری دارد.»<sup>۲</sup>
۳. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز با انگشتر عقیق، بسیار بهتر از نماز بدون آن است.»<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق در سفر، پیام‌آور امنیت است.»<sup>۴</sup>
۵. در حدیث است که کسی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از اینکه دزد در بین راه اموالش را برده بود شکایت کرد. حضرت فرمود: «چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که انسان را از بدی نگاه می‌دارد؟»<sup>۵</sup>
۶. در روایتی آمده است که حاکمی حکم جلب شخص بیگناهی را صادر کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق به او برسانید» این کار را کردند و گزندی به او نرسید.<sup>۶</sup>
۷. در حدیث است که مردی را از مقابل چشمان مبارک امام باقر علیه السلام عبور دادند که بسی تازیانه بر بدنش زده بودند. حضرت فرمود: «انگشتر عقیق او کجاست؟ اگر همراهش بود شلاق نمی‌خورد.»<sup>۷</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۰۹، ح ۱۱؛ عده الداعی، ص ۱۱۹.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۸۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۹۷، باب ۳۴، ح ۱. در مستدرک الوسائل به جای چهل، عدد هفتاد ذکر شده و در هیچ‌یک از این دو کتاب، سخنی از نماز جماعت نیست.

۳. عده الداعی، ص ۱۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳، باب ۵۳، ح ۱۰.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۵؛ الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۳۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۸.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.

۷. ثواب الأعمال، ص ۲۰۷، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۲، باب ۵۳، ح ۴.

۸. سلیمان اعمش می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم کسی را که تازیانه خورده بود از قصر منصور عباسی بیرون آوردند. حضرت فرمود: «سلیمان، بین نگین انگشترش چیست؟» عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، نگین آن عقیق نیست. فرمود: «ای سلیمان، اگر عقیق بود تازیانه‌اش نمی‌زدند». عرض کردم: شرح بیشتری در مورد عقیق بفرمایید. فرمود: «نگین عقیق از قطع شدن دست انسان جلوگیری می‌کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق از خون انسان محافظت می‌کند». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «خداوند دوست دارد دستی را که به سوی او برای دعا بلند می‌شود انگشتر عقیق در آن باشد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «تعجب می‌کنم دستی که انگشتر عقیق در آن باشد، چطور از دینار و درهم خالی شود».

عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انگشتر عقیق انسان را از هر بلایی نگاه می‌دارد». عرض کردم: دیگر چه؟ فرمود: «انسان را از فقر نگاه می‌دارد». عرض کردم: اجازه می‌فرمایید این حدیث را به نقل از جدّت امام حسین علیه السلام از پدرش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل کنم؟ فرمود: «مانعی ندارد».<sup>۱</sup>

۹. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق، فقر و ناداری را برطرف و نفاق و دورویی را زایل می‌کند».<sup>۲</sup>

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس قرعه بزند در حالی که انگشتر عقیق در دست دارد، شانس بیشتری خواهد داشت».<sup>۳</sup>

۱۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «انگشتر عقیق در دست کنید که میمون و مبارک است و امید می‌رود که دارنده آن، عاقبت به خیر شود».<sup>۴</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۸۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۳، باب ۵۳، ح ۱۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۱۰.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۳.

۱۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس انگشتر عقیق به دست کند، پریشان خاطر نگردد و بی شک عاقبت به خیر می شود».<sup>۱</sup>
۱۳. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس انگشتر عقیق در دست داشته باشد، حاجتش برآورده می شود».<sup>۲</sup>
۱۴. در حدیثی دیگر فرمود: «انگشتر عقیق به دست کنید، زیرا تا زمانی که در دست است اندوهی به صاحبش نمی رسد».<sup>۳</sup>
۱۵. در حدیث است که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام چهار انگشتر در دست می کردند: انگشتر یاقوت برای شرافت و زینتش، فیروزه برای نصرت و یاری اش، حدید چینی برای قوتش، عقیق برای حرز و دفع دشمنان و بلاها.<sup>۴</sup>

#### ۴ فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد

##### انگشتر یاقوت و رفع فقر و پریشانی

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «انگشتر یاقوت پریشانی را زایل می کند».<sup>۵</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر یاقوت در دست داشتن سنت است».<sup>۶</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۷، ح ۱.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۰، ح ۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۹، باب ۵۱، ح ۴ و ۵.  
 ۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۷، ح ۱۸۰؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۰، باب ۵۱، ح ۷.  
 ۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۵۷، باب ۱۲۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۶.  
 ۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.  
 ۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۴، باب ۵۴، ح ۲.  
 ۷. مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۴، باب ۵۴، ح ۱ و ۳ و ۴. البته در روایات و وسائل الشیعه، کلمه «زرد» وجود ندارد.

### انگشتر زمرد و راحتی و توانگری

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرد به دست کردن چنان سهولت و آسانی به دنبال خواهد داشت که هیچ سختی در آن نباشد».<sup>۱</sup>
۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر زمرد در دست داشتن، فقر را به توانگری مبدل می‌سازد».<sup>۲</sup>

### انگشتر زبرجد در دست کردن

- در حدیثی می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در دست کردن انگشتر زبرجد، چنان سهولت و آسانی به دنبال دارد که هیچ سختی در آن نباشد».<sup>۳</sup>

## ۵ فضیلت فیروزه و جزع<sup>۴</sup> یمانی

### خواص انگشتر فیروزه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که انگشتر فیروزه در دست کند، فقیر نمی‌شود».<sup>۵</sup>
۲. در حدیث است که حسن بن علی بن مهران می‌گوید: خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم، آن حضرت انگشتری در دست داشت که نگینش فیروزه و نقش آن «الله المملک» بود. به انگشترش خیره شدم. امام فرمود: «به چه نگاه می‌کنی؟» عرض کردم: امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز انگشتر فیروزه‌ای داشته که نقش آن «الله المملک»

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۵، باب ۵۵، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، ح ۳؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

۴. «جزع» مهره یمانی، سنگی است سیاه و سفید دارای خال‌های سفید و زرد و سرخ و سیاه، که در معدن عقیق یافت می‌شود (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۲، باب الفیروز، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۰۹، باب التختیم بالفیروز، ح ۱.



بوده، امام فرمود: «آن را می‌شناسی؟» عرض کردم: نه. فرمود: «این همان انگشتر است که جبرئیل آن را از بهشت برای رسول خدا هدیه آورد و حضرت رسول ﷺ آن را به حضرت علیؑ بخشید».<sup>۱</sup>

۳. علی بن محمد صیمری می‌گوید: با دختر جعفر بن محمود کاتب<sup>۲</sup> ازدواج کردم و او را بسیار دوست می‌داشتم، لیکن فرزندی از او به دنیا نیامد. خدمت امام هشتم ﷺ رسیدم و مشکل را گفتم. حضرت تبسمی کرد و فرمود: «انگشتر فیروزه‌ای تهیه و آیه شریفه ﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۳</sup> را بر آن نقش کن تا مشکل حل شود. به فرمایش حضرت عمل کردم و یک سال نگذشت که از آن زن، پسری نصیب شد».<sup>۴</sup>

۴. از حضرت رسول اعظم ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال می‌فرماید: شرم می‌کنم از دستی که انگشتر فیروزه در آن است و برای دعا به سوی من بلند می‌شود، آن را ناامید برگردانم».<sup>۵</sup>

### خواص انگشتر جزع یمانی

۱. از حضرت امیر المؤمنین علیؑ روایت شده است که فرمود: «انگشتر جزع یمانی در دست کنید که شیاطین سرکش را دور می‌سازد».<sup>۶</sup>
۲. در روایتی از امام رضاؑ نقل شده است که حضرت علیؑ فرمود:

۱. مکارم الأخلاق، ص ۸۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۵، باب ۵۶، ح ۱.

۲. جعفر بن محمود الکاتب در دمشق مصاحب و همنشین متوکل عباسی بود و در سال ۲۸۴ هـ ق وزیر المستعین و سپس وزیر المعتز بالله شد و در سال ۲۸۶ هـ ق از دنیا رفت (مختصر تاریخ دمشق، ج ۶، ص ۹۵).

۳. ترجمه: «پروردگارا، مراتبها مگذار و فرزند برومندی به من عطا کن و توبه‌ترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۴. امالی طوسی، ص ۸۴، ح ۳۰؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۶، باب ۵۶، ح ۴.

۵. عدّة الذّاعی، ص ۱۱۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۶، باب ۵۶، ح ۵.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۱، باب الجزع الیمانی، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰، ح ۱.

«رسول خدا ﷺ با ما نماز خواند، در حالی که انگشتر یمانی در دست داشت. پس از نماز، انگشترش را به من داد و فرمود: این انگشتر را در دست کن و با آن نماز بخوان که نماز در جزع یمانی برابر با هفتاد نماز است. و این انگشتر تسبیح و استغفار می‌کند و ثوابش برای صاحبش نوشته می‌شود»<sup>۱</sup>.

## ۶ فضیلت دُرّ نجف و حدید چینی و بلور و دیگر نگین‌ها

۱. در حدیث است که مفضل بن عمر می‌گوید: روزی خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، در حالی که انگشتر فیروزه‌ای در دست داشتم. حضرت فرمود: «ای مفضل، فیروزه دورکننده دردها از دیدگان مؤمنان است. دوست دارم هر مؤمن پنج انگشتر در دست داشته باشد:

انگشتر یاقوت که فاخرترین همه است.

انگشتر عقیق که خالص‌ترین نوع انگشتر برای جلب رضایت خدا و اهل بیت است.

انگشتر فیروزه که نور چشم را زیاد و سینه را گشاده و بر قوت دل می‌افزاید و اگر کسی که در پی انجام دادن کاری است آن را در دست کند به هدف می‌رسد.

انگشتر حدید چینی که دوست ندارم همیشه آن را در دست کند ولی بد نیست هنگامی که به دیدن کسی می‌رود که از شر او می‌ترسد آن را در دست کند تا از شر او در امان باشد. افزون بر اینکه این نگین، شیاطین را از انسان دور می‌کند و برای همین دوست دارم که مؤمن آن را داشته باشد.

دُرّی که خداوند آن را در نجف اشرف ظاهر می‌سازد چرا که هر کس آن را در

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۷، باب ۵۷، ح ۲.

دست کند در مقابل هر بار که به آن نگاه کند، خداوند ثواب زیارت حج یا عمره در نامه عمل او می‌نویسد که ثوابش ثواب پیامبران و صالحان باشد. و اگر خدا بر شیعیان ما رحم نمی‌کرد، هر نگین آن به قیمت گرانی خرید و فروش می‌شد. لیکن آن را ارزان کرده تا ثروتمند و فقیر بتوانند از آن استفاده کنند.<sup>۱</sup>

۲. ابوطاهر می‌گوید: این حدیث را برای امام حسن عسکری علیه السلام نقل کردم. حضرت فرمود: «این حدیث جدم حضرت صادق علیه السلام است». عرض کردم: چرا شما هیچ انگشتری را بر عقیق سرخ ترجیح نمی‌دهید؟ فرمود: «فضایل فراوانی در مورد آن وارد شده است؛ جدم (امام محمد تقی علیه السلام) فرمود: اول کسی که انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم علیه السلام بود. او دید که در عرش نوشته شده است: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي، مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي، أَيَّدْتُهُ بِأَخِيهِ عَلِيِّ وَنَصَرْتُهُ»<sup>۲</sup> تا آخر نام‌های پنجگانه آل عبا» پس چون حضرت را از بهشت راندند و به زمین آمد و به آن نام‌های پنجگانه به خداوند توسل جست و خداوند به برکت آن نام‌ها او را بخشود، حضرت انگشتری از نقره ساخت، نگینش را عقیق سرخ قرار داد و نام‌های پنجگانه مزبور را بر آن حک کرد و آن انگشتر را در دست راست خود نمود و از آن پس، انگشتر عقیق در دست راست کردن سنتی شد که پرهیزگاران از فرزندانش به آن عمل کردند.<sup>۳</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگین بلور، نگین نیک و خوبی است».<sup>۴</sup>

۱. تهذیب، ج ۶، ص ۴۲، ح ۷۵؛ فرحة الغری، ص ۸۶ و ۸۷.

۲. ترجمه: «منم آن خدای یگانه‌ای که جز من خدایی نیست، محمد برگزیده من از میان مخلوقات است، او را به وسیله برادرش علی علیه السلام تأیید کرده و یاری‌اش نمودم».

۳. فرحة الغری، ص ۸۷-۸۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۲، باب الجزع الیمانی، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۰ و ۲۱۱.

## ۷ نقش نگین

## اهمیت نقش نگین انگشتر

۱. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقل مردان را در سه چیز می‌توان آزمود: بلندی ریش، نقش انگشتر، کنیه آنها».<sup>۲</sup>
۲. در حدیث است که حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام پرسید: آیا کسی که نقش نگین انگشترش «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است جایز است با آن حال خود را تطهیر کند؟ حضرت فرمود: «این کار را برای او خوب نمی‌دانم».<sup>۳</sup>
۳. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور دادند مسلمانان شکل حیوانات را بر نگین انگشتر خود حک نکنند.<sup>۴</sup>

## نقش نگین انگشتر پیامبران

۱. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین انگشتر حضرت آدم علیه السلام «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود که از بهشت همراه خود آورده بود».<sup>۵</sup>
۲. در حدیث است هنگامی که حضرت نوح سوار بر کشتی شد خداوند به او وحی کرد: «هرگاه از غرق شدن ترسیدی هزار مرتبه «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگو، سپس دعا کن تا تو و مؤمنین را از غرق شدن نجات دهم». کشتی حرکت کرد، باد تندی وزیدن گرفت، حضرت نوح از غرق شدن ترسید و فرصت پیدا نکرد هزار مرتبه

۱. اشاره به اینکه اگر نقش نگین‌اش پرمعنا باشد و کنیه خوب انتخاب کند و ریش او بیش از حد بلند نباشد، دلیل بر عقلانیت اوست.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲؛ سفینه البحار، ج ۷، ص ۵۸۴.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ امالی صدوق، ص ۴۵۷، ح ۵.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۴۴۳، ح ۵۶۶۷؛ امالی صدوق، ص ۴۲۶، ح ۱.

۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، پس به زبان سریانی گفت: «هَلُو لِيَا أَلْفَا يَا مارا ثَقْنُ» سپس طوفان فرو نشست و کشتی به حرکت خود ادامه داد. آن‌گاه با خود گفت: «سخنی که خداوند مرا با آن نجات داد سزاوار است همیشه همراه من باشد». از این رو، جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْفَ مَرَّةٍ يَا رَبِّ أَصْلِحْني»<sup>۱</sup> را به زبان عربی بر نگین انگشتر خویش حک کرد.<sup>۲</sup>

۳. در حدیث است هنگامی که نمرودیان ابراهیم عليه السلام را در کَفَّة منجنيق<sup>۳</sup> نهاده تا در آتش افکنند، جبرئیل به خشم آمد. خداوند از جبرئیل پرسید: چه چیز تو را خشمگین ساخته است؟ عرض کرد: پروردگارا، ابراهیم خلیل (دوست) تو است چطور دشمن مشترکمان را بر وی که تنها یکتاپرست است مسلط فرموده‌ای؟ خداوند فرمود: ساکت باش، کسی در امور عجله می‌کند که همچون تو بنده است. من هر زمان اراده کنم او را از کام خطر نجات می‌دهم. جبرئیل خیالش راحت شد و به جانب ابراهیم رفت. از او پرسید: آیا در این هنگامه خطر حاجتی داری؟ حضرت فرمود: با تو کاری ندارم و از تو حاجتی نمی‌طلبم. پس از آن خداوند متعال انگشتری برای آن حضرت فرستاد که جملات زیر بر نگین آن نقش بسته بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَسْتَدْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ»<sup>۴</sup>، سپس به او وحی کرد: «این انگشتر را در دست کن تا آتش را بر تو سرد و سالم گردانم».<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «هزار بار لا اله الا الله وگفتن یارب اصلحنی (پروردگارا کار مرا سامان بخش)».

۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۹، ح ۹.

۳. «منجنيق» آلتی است که در جنگهای قدیم برای پرتاب کردن سنگ یا گلوله‌های آتش به کار می‌رفت... در عربی منجلیق نیز می‌گویند. و در فارسی منجنیک هم گفته شده است. (فرهنگ عمید)

۴. ترجمه: «خدایی جز الله نیست، محمد رسول اوست، هیچ پناهگاه و قدرتی جز به ذات خداوند نیست، اموراتم را به خدا واگذار کردم، تکیه‌گاهم خداست و او برای من بس است».

۵. همان؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.

- نقش نگین انگشتر حضرت موسی علیه السلام دو جمله برگرفته از تورات بود: «إِصْبِرْ تُوجِزُ أُصْدَقُ تَنْجِحُ» (صبر کن تا پاداشت دهند و راستگو باش تا نجات یابی).<sup>۱</sup>
۵. نقش نگین انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام این جمله بود: «سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ بِكَلِمَاتِهِ» (منزه است خداوندی که جن را با کلماتش مسخر و تحت فرمان گرفت).<sup>۲</sup>
۶. در حدیث است که نقش نگین انگشتر حضرت مسیح دو جمله برگرفته از انجیل بود: «طُوبَى لِعَبْدٍ ذُكِرَ اللَّهُ مِنْ أَجَلِهِ وَ وَيْلٌ لِعَبْدٍ نُسِيَ اللَّهُ مِنْ أَجَلِهِ» (خوشا به حال بنده‌ای که منشأ یاد خداست و بدبا به حال بنده‌ای که سبب فراموشی یاد خداست).<sup>۳</sup>
۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه و آله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود».<sup>۴</sup>
۸. در حدیث است که عبدالله بن سنان گوید: حضرت صادق علیه السلام انگشتر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به من نشان داد. نگین انگشتر آن حضرت سیاه و جمله «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» در دو سطر بر آن حک شده بود.<sup>۵</sup>
۹. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین رسول خدا صلی الله علیه و آله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بود».<sup>۶</sup>

#### نقش نگین انگشتر امامان علیهم السلام

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت علی علیه السلام «اللَّهُ الْمَلِكُ» بود».<sup>۷</sup>

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.  
 ۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.  
 ۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۱، باب ۶۲، ح ۹.  
 ۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.  
 ۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۴، ح ۷؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۹۴، باب ۴۷، ح ۲.  
 ۶. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۹، باب ۶۲، ح ۱.  
 ۷. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۸۹.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انگشتر حضرت امیر مؤمنان علیه السلام از نقره و نقش آن «نِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ» بود.<sup>۱</sup>
۳. در برخی روایات نیز نقش آن «الْمُلْكُ لِلَّهِ» ذکر شده است.<sup>۲</sup>
۴. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام انگشتری از حدید چینی صاف داشت که جملات زیر در هفت سطر بر آن نقش بسته بود و آن را هنگام جنگ‌ها و کارهای سخت به دست می‌کرد:
- أَعْدَدْتُ لِكُلِّ هَوًى «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَ لِكُلِّ كَرْبٍ «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ نَازِلَةٍ «حَسْبِيَ اللَّهُ» وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَبِيرَةٍ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ قَادِحٍ «مَا شَاءَ اللَّهُ» وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ مُتَّجِدَةٍ «الْحَمْدُ لِلَّهِ» مَا بَعَلِي بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ فَمِنْ اللَّهِ.<sup>۳</sup>
۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «العِزَّةُ لِلَّهِ» بود.<sup>۴</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسن علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود.<sup>۵</sup>
۷. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود.<sup>۶</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۹۰.

۲. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، باب ۶۲، ح ۹.

۳. ترجمه: «برای هر ترسی ذکر «لا اله الا الله» و برای هر اندوهی ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» و برای هر مصیبتی که نازل می‌شود ذکر «حسبی الله» و برای هر گناه بزرگی ذکر «استغفر الله» و برای هر اندوه زینباری ذکر «ما شاء الله» و برای هر نعمت تازه‌ای ذکر «الحمد لله» را آماده کرده‌ام؛ هر نعمتی که به علی ابن ابی طالب رسیده از ناحیه خداست.» مکارم الأخلاق، ص ۹۱.

۴. علامه مجلسی مطابق آنچه در بحار الأنوار، (ج ۴۳، ص ۱۹) نقل کرده، معتقد است که نقش نگین حضرت فاطمه علیه السلام «أمن المتوكلون» بوده است.

۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۱۲، باب ۶۲، ح ۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۶۰، ح ۱.

۷. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۰۸، باب ۶۰، ح ۱.

۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام حسین علیه السلام «إِنَّ اللَّهَ بِالْبَالِغِ أَمْرِهِ» بود».<sup>۱</sup>
۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: نقش نگین امام علی بن الحسین علیهما السلام «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ» بود.<sup>۲</sup>
۱۰. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام زین العابدین، همچون پدر بزرگوارش، «إِنَّ اللَّهَ بِالْبَالِغِ أَمْرِهِ» بود».<sup>۳</sup>
۱۱. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام سجّاد علیه السلام، جمله «خَزِيٌّ وَشَقِيٌّ قَاتِلُ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ» بود».<sup>۴</sup>
۱۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین پدرم «الْعِزَّةُ لِلَّهِ» بود».<sup>۵</sup>
۱۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام همچون جدش امام حسین علیه السلام، «إِنَّ اللَّهَ بِالْبَالِغِ أَمْرِهِ» بود».<sup>۶</sup>
۱۴. در حدیثی دیگر فرمود: «نقش نگین امام باقر علیه السلام جمله «ظَنِّي بِاللَّهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِيِّ الْمُؤْتَمَنِّ وَبِالْوَصِيِّ ذِي الْمَنَنِ وَبِالْحُسَيْنِ وَالْحَسَنِ» بود».<sup>۷</sup>
۱۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا کراهت دارد که انسان در نگین انگشترش غیر از نام خود و پدرش، چیز دیگری حک کند؟ فرمود:

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۶؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۱.

۶. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۷. ترجمه: «گمانم به خداوند و پیامبر امین‌اش و جانشین پربرکت پیامبرش و به امام حسن و امام حسین علیهما السلام، خوب و نیکوست». عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷، ح ۱۵، مکارم الأخلاق، ص ۹۲.



- نقش نگین انگشتر من، جمله «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» است.<sup>۱</sup>
۱۶. در حدیثی معتبر آمده است که نقش نگین امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فَقِنِي شَرَّ خَلْقِكَ» بوده است.<sup>۲</sup>
۱۷. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین انگشتر امام جعفر صادق علیه السلام «أَنْتَ تَقْتِي فَأَعْصِمْنِي مِنَ النَّاسِ» بوده است.<sup>۳</sup>
۱۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین انگشتر امام صادق علیه السلام جمله «اللَّهُ وَلِيِّي وَعِصْمَتِي مِنْ خَلْقِي» بود.<sup>۴</sup>
۱۹. اسماعیل بن موسی می گوید: انگشتر امام صادق علیه السلام به طور کامل از نقره بود و بر نگین آن، جمله «يَا تَقْتِي قِنِي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ» نقش بسته بود.<sup>۵</sup>
۲۰. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نقش نگین حضرت کاظم علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود و در زیر آن گل و در بالایش هلالی نیز نقش بسته بود.<sup>۶</sup>
۲۱. در حدیث است که حسین بن خالد می گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: «نقش نگین امام کاظم علیه السلام «حَسْبِيَ اللَّهُ» بود». حسین بن خالد ادامه می دهد: سپس امام رضا علیه السلام دست مبارک را دراز کرد و انگشتر پدرش را که در دست داشت به من نشان داد.<sup>۷</sup>
۲۲. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که نقش نگین امام رضا علیه السلام، جمله «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بود.<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۳، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۵۹۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۴.

۴. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۹۱.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۴، مکارم الأخلاق، ص ۹۰.

۷. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۰۶.

۸. کافی، ج ۶، ص ۴۷۳، ح ۵.

## آثار و خواصّ نقش نگین

۱. سیّد بن طاووس به نقل از قاسم بن العلا از صافی، خادم امام هادی علیه السلام چنین نقل می‌کند: از امام محمّد نقی علیه السلام اجازه گرفتم که به زیارت جدّش امام رضا علیه السلام (در خراسان) بروم. حضرت فرمود: «انگشتی با نگین عقیق زرد که جمله «ما شاء الله لا قوة الا بالله، استغفر الله» بر آن نقش بسته و بر روی دیگر نگین، نام‌های محمّد و علی حک شده باشد همراه داشته باش، زیرا اگر چنین انگشتی با خود ببری از شرّ دزدان و راهزنان در امان خواهی بود و برای سلامتی ات مؤثر و از دین تو حفاظت می‌کند».

صافی خادم می‌گوید: از خدمت حضرت بیرون شدم و انگشتی که وصف فرمودند تهیه کردم و برای خداحافظی نزد آن حضرت رفتم. پس از خداحافظی، مقداری از آن حضرت دور شدم، مرا صدا زد، خدمتشان رسیدم، فرمودند: «لازم است انگشت فیروزه نیز همراه داشته باشی، زیرا در بین راه طوس و نیشابور، شیری سدّ راه تو و کاروان همراهت می‌شود. انگشت فیروزه را به شیر نشان بده و بگو مولایم می‌گوید: از جلوی راه ما دور شو! بر یک روی نگین فیروزه جمله «الله المملک» و بر روی دیگر آن جمله «المملک لله الواحد القهار» را حک کن، چرا که نقش نگین حضرت علی علیه السلام «الله المملک» بود و چون خلافت آن حضرت برگشت، جمله «المملک لله الواحد القهار» را بر نگین انگشترش که از فیروزه بود حک کرد. و چنین نگینی انسان را از حیوانات درنده در امان می‌دارد و موجب پیروزی در جنگ‌ها می‌شود».

صافی خادم می‌گوید: به سفر رفتم. به خدا سوگند، در همان مکانی که

---

→ نقش نگین امام جواد علیه السلام «نعم القادر الله» (سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۵۴) و نقش نگین امام هادی علیه السلام «حفظ العهود من اخلاق المعبود» (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۱۷) و نقش نگین امام حسن عسکری علیه السلام «انّ الله شهيد» (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸) بود.

گفتنی است که برخی از آن بزرگواران، دو یا چند انگشت با نقش‌ها و نگین‌های متفاوت داشتند.

حضرت فرموده بود شیری بر سر راه ما ظاهر شد. به فرمایش حضرت عمل کردم و شیر بازگشت. هنگامی که از سفر برگشتم آنچه بر من گذشته بود خدمت حضرت گزارش دادم. حضرت فرمود: «مطلبی را نقل نکردی، می خواهی من بگویم؟» عرض کردم: شاید فراموش کرده باشم. حضرت فرمود: «شبی که در طوس نزدیک ضریح مطهر امام رضا علیه السلام خوابیده بودی، گروهی از جنیان به زیارت قبر آن حضرت می رفتند. آن نگین را در دست تو دیدند و نقش آن را خواندند، آن را از دست تو درآوردند، نزد بیماری که همراه داشتند بردند و آن را در آبی شسته، آب را به بیمار خود نوشاندند و بیمارشان شفا پیدا کرد. سپس انگشتر را بازگردانده و آن را در دست چپ شما کردند، در حالی که شما آن را در دست راست خود کرده بودید. هنگامی که از خواب برخاستی، از این مطلب تعجب کردی ولی علت آن را نفهمیدی و بر بالین خود یاقوتی یافتی و آن را برداشتی که اکنون همراه تو است، آن هدیه جنیان است که برای تو آورده اند. آن را به بازار ببر که به هشتاد اشرفی از تو خواهند خرید».

صافی خادم می گوید: آن را به بازار بردم و به فرمایش حضرت به هشتاد دینار فروختم.<sup>۱</sup>

۲. سید بن طاووس می گوید: در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: می ترسم دشمنانم خشم حاکم شهرمان را علیه من برافروزند و در نتیجه جانم به خطر افتد. حضرت فرمود: انگشتری که نگین آن حدید چینی باشد تهیه کن و بر روی نگین آن سه جمله در سه سطر حک کن: در سطر اول «أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ» و در سطر دوم «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ» و در سطر سوم «أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ» و در زیر نگین نیز سه جمله به ترتیب زیر حک کن: «آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكُتِبَ»، «إِنِّي وَاثِقٌ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً» و آن را هنگامی که حاجتی

۱. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۴ و ۳۵.

داری و از دشمن ترسان هستی در دست کن که حاجات تو برآورده و ترس تو به آرامش و امنیت تبدیل می‌شود. و اگر آن انگشتر را در دست زنی که زایمان بر او سخت شده کنید، به خواست خدا به زودی وضع حمل می‌کند. همچنین اثر چشم زخم را از بین می‌برد. اما مراقب باش که نجاست و چربی به نگین آن نرسد و آن را همراه خود به حمام و حاجتگاه نبر و آن را به خوبی حفظ کن که از اسرار خداست. و شما شیعیان که از دشمنان خود ترسان هستید لازم است همواره این انگشتر را همراه داشته باشید و آن را از دشمنان خود پنهان سازید و آن را جز به کسانی که به آنها اعتماد دارید تعلیم ندهید». راوی می‌گوید: من تجربه کردم و آثار آن را دیدم.<sup>۱</sup>

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که شب را به صبح برساند در حالی که انگشتر عقیق در دست راست داشته باشد و پیش از آنکه نگاهش به کسی بیفتد نگین آن را به سمت کف دست بچرخاند و در حالی که به آن نگاه می‌کند سوره قدر را تا آخر بخواند، سپس بگوید: «أَمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ أَمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِيَتِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ أَوْلِيهِمْ وَ آخِرِهِمْ»<sup>۲</sup> خداوند دو جهان او را از شر آنچه در زمین و آسمان است در آن روز نگه می‌دارد و تا شب در حمایت پروردگار باشد».<sup>۳</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آیه‌ای از قرآن بر نگین انگشتر خود حک کند آمرزیده می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۷ و ۳۸.

۲. ترجمه: «به خداوند یگانه‌ای که همتا ندارد ایمان آوردم و به جبت و طاغوت کافر شدم و به پنهان و آشکار آل محمد و ظاهر و باطنشان و اول و آخرشان ایمان آوردم».

۳. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۳۹؛ عدّة الدّاعی، ص ۱۱۸.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۹۱.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که انگشتری از عقیق بسازد و جمله «مُحَمَّدُ نَبِيُّ اللَّهِ وَعَلِيُّ وَلِيُّ اللَّهِ» را بر نگین آن حک کند، خداوند او را از مر بد حفظ می کند و جز بر دین حق نمی میرد».<sup>۱</sup>
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که جمله «ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله» را بر نگین انگشترش حک کند از فقر در امان خواهد بود».<sup>۲</sup>

## ۸ پوشیدن طلا و نقره برای زنان و کودکان

### زیور کودکان

۱. در روایتی معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می توان بر پسران نابالغ زیور و طلا پوشاند؟ حضرت فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام زنان و کودکان (دختر) خویش را به زیور طلا و نقره سفارش می کرد».<sup>۳</sup>
۲. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق در پاسخ به این پرسش فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام به زنان و فرزندان (دختر) خویش اجازه می داد از زیور طلا و نقره استفاده کنند».<sup>۴</sup>

### زیور زنان

۱. نیز در روایتی معتبر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا زنان می توانند زیورآلات طلا و نقره بپوشند؟ حضرت فرمود: «اشکال ندارد».<sup>۵</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۰۸، ح ۸.

۲. همان، ص ۲۱۴، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۲؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۵۸۴.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۳.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنان همواره زیور (طلا) می پوشیده اند».<sup>۱</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست زن بدون زینت باشد، هر چند به گردنبندی (ساده) که بر گردن بیاویزد. و شایسته نیست دستش بدون رنگ باشد».<sup>۲</sup>

### آراستن دیگر چیزها با طلا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «زینت کردن قرآن‌ها و شمشیرها به طلا و نقره، اشکال ندارد».<sup>۳</sup>
۲. نیز در روایتی معتبر آمده است: «جایز است دندان‌ها را با طلا به یکدیگر ببندند».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام در وصف شمشیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «سر غلاف شمشیر آن حضرت و دسته‌اش از نقره بود. و بر روی غلاف، حلقه‌هایی از نقره وجود داشت. وزره آن حضرت سه حلقه نقره از جلو و دو حلقه در قسمت پشت سر داشت».<sup>۵</sup>
۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ذوالفقار را که جبرئیل از آسمان برای رسول خدا آورد، با نقره تزیین شده بود».<sup>۶</sup>
۵. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «زینت کردن شمشیر با

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۸.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۹۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۷.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۹۵.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۴.

۶. کافی، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۵؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۰، ح ۱۹۵.

طلا و نقره، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۶. در روایتی دیگر فرمود: «زیور شمشیر حضرت رسول ﷺ از نقره بود، هم دسته‌اش و هم سر دسته‌اش».<sup>۲</sup>

۷. در حدیثی معتبر آمده است که فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا در خانه می‌توان کرسی‌ای که با طلا زینت شده، نگه داشت؟ حضرت فرمود: «اگر از طلا باشد جایز نیست، اما چنانچه آب طلا داده باشند اشکال ندارد».<sup>۳</sup>  
(یادآوری: سزاوار است مردان مطلقاً از طلا برای زینت استفاده نکنند؛ هر چند در شمشیر و قرآن باشد (و آنچه در بالا آمد مسأله جواز بود، نه استحباب).

## ۹ آداب سرمه کشیدن

### اهمیت سرمه کشیدن

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سرمه بکشد».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حسن بن جهم می‌گوید: امام رضا علیه السلام میل و سرمه‌دانی به من داد و فرمود: این (یادگاری) از امام کاظم علیه السلام است، با آن سرمه بکش».<sup>۵</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن در شب برای چشم سودمند و در روز زینت است».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۵، ح ۵.

۲. همان، ح ۶.

۳. همان، ص ۴۷۶، ح ۱۰.

۴. ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۲.

۶. همان، ح ۳.

۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «رسول خدا ﷺ سرمه سنگ به چشم می کشید و در وقت خواب به پشت می خوابید».<sup>۱</sup>
۵. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ پیش از خواب، سرمه می کشید؛ چهار میل بر چشم راست و سه میل بر چشم چپ.<sup>۲</sup>
۶. از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «هر که سرمه می کشد تعداد سرمه کشیدن را فرد قرار دهد؛ هر چند این کار واجب نیست».<sup>۳</sup>

### دعای هنگام سرمه کشیدن

۱. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه بخواهی سرمه بکشی میل را به دست راست بگیر و در سرمه دان بزن و بسم الله بگو و هنگامی که میل را بر چشم می کشی بگو: **اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصْرِي وَ اجْعَلْ فِيهِ نُوراً أَبْصُرُ بِهِ حَقَّكَ وَ اهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَ ارْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي.**<sup>۴</sup>
۲. در کتاب مکارم الأخلاق خواندن این دعا به هنگام سرمه کشیدن روایت شده است: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي.**<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۱.

۲. همان، ص ۴۹۵، ح ۱۲.

۳. همان، ص ۴۹۴، ح ۹.

۴. ترجمه: «بار خدایا، دیده ام را روشن گردان و در آن نوری قرار ده که به حق تو بینا باشم و مرا به راه حق رهنمون ساز و به راه راست ارشاد کن. بار خدایا، دنیا و آخرتم را بر من روشن فرما». فقه الرضا، ص ۳۹۷.

۵. ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که در دیده ام روشنایی و در دین ام بینایی و در دلم یقین و در کارم اخلاص و در بدنم سلامتی و به روزی ام وسعت بخشی و تا وقتی زنده ام توفیق سپاسگزاری عنایت فرمایی». مکارم الأخلاق، ص ۴۷.



### آثار و فواید سرمه کشیدن

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز سیمای انسان را نورانی می‌کند: نگاه کردن به چهرهٔ انسان‌های خوش‌چهره، نگاه کردن به آب جاری، نگاه کردن به سبزه‌زار و سرمه کشیدن به هنگام خواب».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «سرمه کشیدن به هنگام خواب، از آب آوردن چشم جلوگیری می‌کند».<sup>۲</sup>
۳. و در گفته‌ای دیگر فرمود: «هر که هر شب از سرمهٔ سنگ بدون مُشک استفاده کند، هرگز چشمش آب سیاه نمی‌آورد».<sup>۳</sup>
- در روایتی معتبر آمده است که سرمه کشیدن دهان را شیرین می‌کند.<sup>۴</sup>
۴. در روایتی معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «استفاده از سرمهٔ سنگ، دهان را خوشبو و مژگان را محکم می‌کند».<sup>۵</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرمه کشیدن، موی مژگان را می‌رویاند و بینایی را قوی می‌کند و بر طولانی شدن سجده کمک می‌نماید».<sup>۶</sup>
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «سرمهٔ سنگ چشم را جلا می‌دهد و موی مژه را می‌رویاند و آب ریختن چشم را شفا می‌دهد».<sup>۷</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۲.

۲. ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳، مکارم الأخلاق، ص ۴۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴.

۶. همان، ح ۶.

۷. همان، ح ۷.

## ۱۰ آداب نگاه کردن در آئینه

### اهمیت و فواید نگاه کردن در آئینه

۱. در حدیثی معتبر آمده که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: «خداوند عالمیان بهشت را واجب می‌کند بر جوانی که بسی در آئینه نگاه کند و حمد (و شکر) خدا بسیار گوید. و (نیز) بر کسی که خداوند او را به صورت نیکو آفرید و او را معیوب نگردانید»<sup>۱</sup>.

۲. در برخی روایات آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را در آئینه نگاه می‌کرد و بر موی سر و صورتش شانه می‌زد. و خویش را برای هنگام روبه‌رو شدن با اصحاب یا همسرانش می‌آراست و می‌فرمود: «خداوند دوست می‌دارد بنده‌اش هنگام ملاقات با برادران مؤمن، خود را بیاراید»<sup>۲</sup>.

### دعاهای هنگام نگاه کردن در آئینه

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه در آئینه نگاه کنی بگو: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي وَ صَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي وَ زَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي وَ أَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ**»<sup>۳</sup>.

۲. در کتاب فقه الرضا آمده است که: «هرگاه بخواهی در آئینه نگاه کنی، آئینه را به دست چپ بگیر و بسم الله بگو و هنگامی که در آن نگاه کردی دست راست را بر پیش سر بگذار و بر صورت بکش و محاسن خود را به دست راست بگیر و در آئینه نگاه کن و بگو: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي بَشْرًا سَوِيًّا وَ زَيَّنَّنِي وَ لَمْ يَشْنِنِي**

۱. ثواب الأعمال، ص ۴۴، ح ۱.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

۳. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که مرا آفرید و چهره‌ای زیبا و خلقتی نیکو به من بخشید و آنچه را که در دیگران زشت است در من نیکو گردانید و مرا به نعمت اسلام گرامی داشت». مکارم الأخلاق، ص ۶۹ به نقل از امام صادق علیه السلام.

وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ مَنْ عَلَيَّ بِالإِسْلَامِ وَ رَضِيَهُ لِي دِينًا، سپس آيينه را بر زمين بگذار و بگو: اَللّٰهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمِكَ وَ اجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ»<sup>۲</sup>.

۳. در حديث ديگري آمده است: «آيينه را به دست چپ بگير و هنگامي كه چهرهات را در آن ديدى بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَحْسَنَ وَ أَكْمَلَ خَلْقِي وَ حَسَّنَ خُلُقِي وَ خَلَقَنِي خَلْقًا سَوِيًّا وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي زَيَّنَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي اَللّٰهُمَّ كَمَا أَحْسَنْتَ خَلْقِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَسِّنْ خُلُقِي وَ تَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ زَيِّنِي فِي عُيُونِ خَلْقِكَ وَ جَمِّلْنِي فِي عُيُونِ بَرِيَّتِكَ وَ ارْزُقْنِي الْقَبُولَ وَ الْمَهَابَةَ وَ الرَّأْفَةَ وَ الرَّحْمَةَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۳</sup>.

۴. در حديث است كه حضرت رسول ﷺ به امير مؤمنان علي عليه السلام فرمود: «يا علي، هرگاه در آيينه نظر كنى بگو: اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي وَ ارْزُقْنِي»<sup>۴</sup>.

۱. ترجمه: «سياس مخصوص خداوندی است که مرا بشری سالم و کامل آفرید و مرا آراسته ساخت و خوار نگردانید و بر بسیاری از مخلوقاتش برتری داد و به (گرویدنم به) اسلام بر من منت نهاد و خشنود شد که اسلام دین من باشد».

۲. ترجمه: «بار خدایا، نعمتهایی را که بر ما ارزانی داشتی تغییر نده و ما را نسبت به نعمت‌هایت از شکرگزاران و یادکنندگان قرار ده». فقه الرضا، ص ۳۹۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۹.

۳. ترجمه: «سياس ویژه خداوندی است که مرا نیکو و کامل آفرید و اخلاق مرا خوب و نیکو گرداند و مرا مخلوقی سالم و کامل آفرید و ستمکار و بدبخت قرارم نداد و عیوبی که در بعضی مردم است در من قرار نداد. بار خدایا، همچنان که آفرینش مرا نیکو گردانیدی بر محمد و خاندان محمد ﷺ درود بفرست و اخلاق مرا نیز نیکو گردان و نعمتت را بر من تمام کن و مرا در چشم مردم نیکو (و با آبرو) گردان و در دیدگاه دیگران مرا زیبا قرار ده و پذیرش و هیبت و مهربانی و رحمت را روزی‌ام گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان». الامان من اخطار الاسفار و الا زمان، ص ۲۴.

۴. ترجمه: «بار خدایا، همان گونه که آفرینش مرا نیکو قرار دادی، اخلاق و روزی‌ام را نیکو گردان». مکارم الأخلاق، ص ۶۹.

## ۱۱) رنگ کردن موها

(مقدمه: رنگ کردن موی سر و صورت برای مردان و موی سر برای زنان، مستحب مؤکد است. (به روایات زیر توجه کنید:)

### اهمیت رنگ کردن با حنا

۱. در احادیثی معتبر آمده است که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «چهار چیز از سنت‌های پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن، رنگ کردن با حنا».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رنگ کردن موی سر و صورت مستحب است؟ حضرت فرمود: «آری، (ولی) حضرت امیر مؤمنان علیه السلام خضاب نمی‌کرد، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: یا علی، محاسن تو از خون سر تو خضاب خواهد شد. پس حضرت علی در انتظار آن خضاب بود».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که حضرت امام حسین علیه السلام و حضرت امام باقر علیه السلام خضاب می‌کردند.<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام در مورد علت ترک خضاب کردن چنین فرمود: «به خاطر اندوه از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله خضاب نمی‌کنم».<sup>۴</sup>
۵. ابوالصباح می‌گوید: اثر حنا را در دست امام محمد باقر علیه السلام دیدم.<sup>۵</sup>
۶. در روایات بسیاری آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله موهای خود را رنگ می‌کرد.<sup>۶</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۵.

۳. همان، ج ۷-۹.

۴. نهج البلاغه، کوتاه سخن ۴۷۳.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۸۰.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۷؛ عمل الشراعی، ج ۱، ص ۱۷۳، باب ۱۳۸، ح ۱.

### فواید و آثار رنگ کردن

۱. در حدیثی می‌خوانیم: «خضاب کردن چهارده اثر دارد: باد را از گوش‌ها بیرون می‌کند، غبار از چشم برطرف ساخته و آن را جلا می‌دهد، بینی را نرم می‌کند، دهان را خوشبو می‌سازد، ریشه دندان‌ها را محکم می‌کند، بوی بد زیر بغل را از بین می‌برد، از وسوسه شیطان می‌کاهد، ملائکه با آن شاد می‌شوند، سبب شادی مؤمنان و خشم کافران می‌شود، هم زینت محسوب می‌شود و هم بوی خوش است، موجب خلاصی از عذاب قبر می‌شود، نکیر و منکر از آن شرم می‌کنند».<sup>۱</sup>
  ۲. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مداوای ترک‌هایی که گاه در دست و پا پیدا می‌شود، در حمام بر آنها خلوک بمالید؛ اما دوست ندارم که همیشه این کار انجام شود».<sup>۲</sup>
- «خلوق»، گیاهی است خوشبو که آن را با زعفران می‌آمیزند و رنگ آن بر بدن باقی می‌ماند.

### فلسفه رنگ کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید خود را رنگ کنید و شبیه دشمنان نشوید».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که جمعی خدمت امام حسین علیه السلام رسیدند دیدند حضرت موهایش را رنگ مشک‌ی کرده است. از علت آن پرسیدند. حضرت دست بر محاسن خویش نهاد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از

۱. خصال، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۸.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۲.

۳. خصال، ج ۲، ص ۲۷۱، ادامه ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۸، ح ۳.

جنگ‌ها به مسلمان‌ها دستور داد که موهایشان را رنگ مشکی کنند، تا سبب غلبه آنها بر دشمنان شود.<sup>۱</sup>

۳. در حدیث است که حسن بن جهم می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، حضرت محاسن (ریش) خود را رنگ مشکی کرده بود. حضرت فرمود: «خضاب کردن پاداشی عظیم دارد. و آراستگی موجب بیشتر شدن عفت زنان می‌شود. و علت اینکه جمعی از زنان به بی‌عفتی گرایش پیدا کرده‌اند این است که شوهرانشان خود را برای همسرانشان نمی‌آراستند».

حسن بن جهم می‌گوید عرض کردم: شنیده‌ام که حنا بر موی‌های سفید می‌افزاید. حضرت فرمود: «موی سفید خود (به طور طبیعی) زیاد می‌شود، هر چند حنا نکنید».<sup>۲</sup>

۴. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید حضرت نگاهی به چهره‌اش کرد، موی سفیدی در محاسن او دید. فرمود: «هر که در اسلام یک موی سفید در ریش او پیدا شود، بسان نوری در روز قیامت برای وی باشد». آن شخص پس از مدتی در حالی که موی صورت خود را خضاب کرده بود خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید. حضرت فرمود: «هم نور است و هم اسلام». آن شخص از خدمت حضرت مرخص شد و محاسن خود را به رنگ دیگری خضاب کرد و بازگشت. حضرت فرمود: «نور است و اسلام و ایمان و این کار، شما را نزد زنان محبوب می‌کند و ترس را در دل دشمنانتان می‌افکند».<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۴.

از آنجاکه در آن زمان تعداد مسلمانان کم بود، دستور داده شد موهایشان را رنگ کنند تا جوان به نظر برسند و در برابر دشمن، باشکوه جلوه کنند.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۹.

## ۱۲ چگونگی و آثار رنگ کردن

(مقدمه): در روایات اسلامی اقسام خضاب کردن و آثار آن بیان شده و بر رنگ‌های نیلی، قرمز، مشکی و خصوص حنا بیشتر تأکید شده است، و به برخی از آثار خضاب در ضمن روایاتی که خواهد آمد اشاره شده است.

۱. در حدیثی معتبر و صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «رنگ کردن به وسمه<sup>۱</sup> برای سالخوردهگان اشکال ندارد».<sup>۲</sup>
۲. در چند روایت معتبر آمده است که به هنگام شهادت امام حسین علیه السلام، آثار خضاب به وسمه در محاسن آن حضرت آشکار بود.<sup>۳</sup>
۳. در روایتی معتبر و صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام با حنا خضاب می‌کرد؛ خضاب به رنگ سرخ.<sup>۴</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خضاب به حنا بوهای بد را از بین می‌برد و بر آبرو می‌افزاید و دهان را خوشبو می‌سازد و فرزند را نیکو می‌کند».<sup>۵</sup>
۵. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی که حیض نمی‌شود، سرش را به حنا خضاب کند که حیضش برخواهد گشت».<sup>۶</sup>
۶. در حدیث آمده است که امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام با ترکیبی از حنا و وسمه خضاب می‌کردند.<sup>۷</sup>

۱. «وَسْمَه»، برگ نیل یا رنگی شبیه نیل است که زنان در آب خیسانده و به ابروانشان می‌کشند. فرهنگ عمید

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۲.

۳. همان، ص ۴۸۳، ح ۵ و ۶.

۴. همان، ص ۴۸۱، ح ۱۰.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۸.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۶.

۷. همان، ص ۴۸۱، ح ۹.

۷. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «بهترین رنگ‌ها نزد خداوند، مشکی است».<sup>۱</sup>
۸. امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به زنان اجازه داد موهای سرشان را با رنگ مشکی رنگ کنند.<sup>۲</sup>
- شایان ذکر است که میان علما مشهور این است که رنگ کردن در حال عادت ماهیانه<sup>۳</sup> و جنابت<sup>۴</sup> کراهت دارد، همان‌گونه که در حال خضاب کردن، جنب شدن مکروه است.<sup>۵</sup> البته از برخی روایات معتبر استفاده می‌شود هرگاه حنا اثر خود را گذاشت، کراهت جنابت برطرف می‌گردد.<sup>۶</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۳۷، ح ۲.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۸۲.

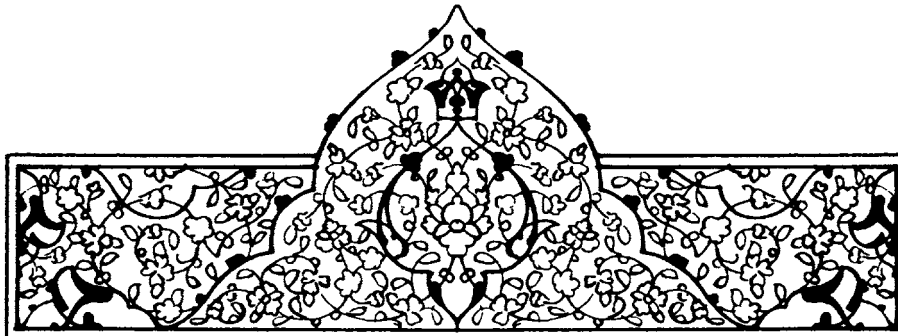
۳. مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۲۶۲.

۴. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۷۷.

۵. همان، ص ۷۸.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ابواب الجنابة، باب ۲۲، ح ۴.





فصل سوم:

## آداب خوردن و آشامیدن

۱. ظرف خوردن و آشامیدن
۲. غذاهای مجاز و افراط در غذا
۳. پاره‌ای از آداب و اوقات غذا خوردن
۴. سایر آداب غذا خوردن
۵. دعای سفره و آثار آن
۶. آداب پس از غذا خوردن
۷. در فضیلت برخی غذاها
۸. سبزی‌ها و میوه‌ها و دیگر خوراکی‌ها
۹. فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن
۱۰. فضیلت خلال کردن و آداب آن
۱۱. فضیلت نوشیدن آب و انواع آن
۱۲. آداب خوردن آب



## ۱] ظرف خوردن و آشامیدن

(مقدمه:) خوردن و آشامیدن در ظرف طلا و نقره حرام است. و در مورد استفاده از چنین ظروفی در غیر خوردن و آشامیدن اختلاف نظر وجود دارد و احتیاط آن است که برای تزیین نیز نگهداری نشود. وضو گرفتن از ظروف طلا و نقره حرام است. و خوردن و آشامیدن از ظروف نقره کوب و طلا کوب کراهت دارد. استفاده از ظرفی که از پوست حیوان حلال گوشت که به روش شرعی ذبح شده، اشکال ندارد، اما اگر از پوست حیوان مرده باشد جایز نیست. (به روایاتی در این باره توجه کنید:)

۱. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب بنوشد، در بهشت از این ظروف محروم خواهد شد».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا علیه السلام درباره استفاده از ظروف طلا و نقره پرسید. حضرت فرمود: «کراهت دارد». راوی عرض کرد: شنیده‌ایم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آینه‌ای داشت که پوشش آن از نقره بود. امام فرمود: «خدا را سپاس، نه چنین نیست. آن آینه اکنون نزد من است و تنها حلقه‌ای از نقره بر آن است». سپس اضافه فرمود: «هنگامی که عباس را ختنه کردند برایش عصایی ساختند که پوشش آن از نقره بود، از قبیل چیزهایی

۱. خصال، ج ۲، ص ۹۳، ح ۲؛ بحارالأنوار، ج ۶۶، ص ۵۲۷، ح ۴.

که برای کودکان می سازند که نقره آن در حدود ده درهم بود. چون پدرم آن را دید دستور داد آن را شکستند»<sup>۱</sup>.

۳. عمرو بن ابی المقدام می گوید: ظرفی آب خدمت امام صادق آوردند که نقره‌ای بر آن چسبانده بودند. آن حضرت تگّه نقره را از ظرف جدا کرد، سپس آب نوشید.<sup>۲</sup>

۴. در حدیثی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «ظروف طلا و نقره کالای کسانی است که به جهان آخرت یقین ندارند»<sup>۳</sup>.

۵. در حدیثی موثق از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا قسمتی از آن نقره باشد کراهت دارد. روغن مالیدن از چنین روغن دانی و شانه کردن با چنین شانه‌ای نیز مکروه است»<sup>۴</sup>.

## ۲ | غذاهای مجاز و افراط در غذا

(مقدمه:) از احادیث و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود که خوردن غذاهای لذیذ و خوراندن آن به مردم و به زحمت افتادن در پاکیزگی و خوبی غذا شایسته است. و سزاوار نیست انسان غذاهای لذیذ را بر خود حرام کند. البته بی‌شک، غذا باید حلال باشد و آن قدر نخورد که او را از عبادت و پرستش پروردگار بازدارد و نباید همانند حیوانات، پیوسته برای خوردن و آشامیدن بکوشد، بلکه باید هدفش از خوردن و آشامیدن، آمادگی برای اطاعت خداوند باشد و به گونه‌ای خرج کند که نسبت به شأن و جایگاه وی اسراف محسوب نشود که خداوند اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. (به روایات زیر توجه کنید:)

۱. محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۲.

۲. محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۶.

۳. محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۷.

۴. محاسن، ص ۵۸۲، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۷، ح ۵.

### شریک کردن دیگران در غذای خود

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام بسی نان و غذای لذیذ به مردم می داد تا بخورند و می فرمود: «هرگاه خداوند بر ما توسعه دهد و امکانات ما را وسیع گرداند، ما نیز بر مردم توسعه می دهیم. و چون خداوند بر ما تنگ گیرد و امکانات محدود شود، ما نیز (به ناچار) دایره کمک به مردم را محدود می کنیم».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «غذا را طبخ کن و یارانت را دعوت نما و با آنها بخور».<sup>۲</sup>

### از غذای حلال نمی پرسند

۱. نیز در روایتی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «سه چیز است که خداوند متعال در قیامت مؤمن را در مورد آن بازخواست نمی کند: غذایی که می خورد، لباسی که می پوشد، همسر شایسته‌ای که یاور اوست و او را از آلودگی‌ها بازمی دارد».<sup>۳</sup>

۲. در حدیث است که ابو خالد کابلی می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم. حضرت دستور داد صبحانه آوردند. با حضرت غذایی خوردم که پاکیزه تر و بهتر از آن نخورده بودم. حضرت فرمود: «نظر تو در مورد غذای ما چیست؟» عرض کردم جانم به فدایت، هرگز غذایی به این خوبی نخورده بودم لیکن به یاد این آیه شریفه افتادم که می فرماید: ﴿ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾: «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد».<sup>۴</sup> حضرت فرمود:

۱. محاسن، ص ۴۰۰، ج ۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۹، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۴۱۰، ج ۱۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۶.

۳. محاسن، ص ۳۹۹، ج ۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۲.

۴. سوره تکوین، آیه ۸.

«منظور از نعیم در آیه شریفه، ولایت اهل بیت علیهم السلام است که در روز قیامت از شما می پرسند».<sup>۱</sup>

۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال کریم تر از آن است که از مؤمن در مورد خوردنی ها و نوشیدنی هایی که در دنیا بر او حلال کرده سؤال کند».<sup>۲</sup>

### غذا خوردن در حال سیری

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذا خوردن در حال سیری، عامل بیماری پیسی (برص) است».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند صاحب سه چیز را دشمن می دارد: خواب (بسیار) بدون شب زنده داری، خندیدن در غیر محل تعجب، خوردن به هنگام سیری».<sup>۴</sup>

۳. در حدیث است که ابوجحیفه خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید در حالی که از سیری، آروغ می زد. حضرت فرمود: «از آروغ زدن پیرهیز (کمتر بخور تا آروغ نزنی)، زیرا هر که در دنیا سیرتر است در قیامت گرسنه تر است». پس از این فرمایش رسول خدا، ابوجحیفه سیر غذا نخورد تا از دنیا رفت.<sup>۵</sup>

۴. در روایتی آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند هیچ چیز را همچون شکم پر از غذا، دشمن نمی دارد».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۳۹۹، ح ۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۵.

۲. محاسن، ص ۳۹۹، ح ۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۳.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۴، ح ۱۶.

۴. خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹.

۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۳.

۶. همان، ص ۳۶، ح ۸۹.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شکم سیر شود، موجب طغیان و فساد می‌گردد».<sup>۱</sup>
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «ریشه هر درد و بیماری پرخوری است، جز تب که ناگهانی ظاهر می‌شود».<sup>۱</sup>
۷. در روایتی آمده است که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «ای بنی اسرائیل، تا گرسنه نشوید چیزی نخورید و چون گرسنه شدید سیر نخورید، زیرا هرگاه سیر بخورید فربه می‌شوید و پروردگارتان را به دست فراموشی می‌سپارید».<sup>۲</sup>
۸. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله پنج کار را موجب بیماری برص و پیسی برشمرده است: «نوره کشیدن در روزهای جمعه و چهارشنبه، وضو گرفتن و غسل کردن با آبی که در آفتاب گرم شده باشد، خوردن در حال جنابت، آمیزش با زوجه حائض، غذا خوردن در حال سیری».<sup>۳</sup>
۹. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند هیچ چیز را مانند شکم پر از غذا دشمن نمی‌دارد».<sup>۴</sup>

### کم‌خوری و سلامت تن

۱. از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام به شهری رسید که مرد وزنی با هم درگیر بودند و فریاد می‌کشیدند. جویای سبب آن شد. مرد گفت: این همسرم وزنی شایسته است و هیچ عیبی ندارد، اما او را دوست ندارم و می‌خواهم طلاقش دهم. حضرت پرسید: چرا؟

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۵، ح ۱۰۵۲.  
 ۲. محاسن، ص ۴۴۷، ح ۳۴۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸.  
 ۳. محاسن، ص ۴۴۷، ح ۳۴۲.  
 ۴. خصال، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۸.  
 ۵. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۶، ح ۸۹.

عرض کرد: چون صورتش طراوت ندارد، با آنکه پیر نشده است. حضرت عیسی رو به آن زن فرمود: می خواهی طراوت صورت تو بازگردد؟ زن گفت: آری. حضرت فرمود: شکم را از غذا پر نکن، زیرا طعام بسیار، آب صورت را از بین می برد و چهره را بی طراوت می سازد. آن زن به دستور حضرت عیسی عمل کرد و طراوت چهره اش بازگشت و محبوب شوهرش شد.<sup>۱</sup>

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم در غذا خوردن زیاده روی نکنند بلکه میانه رو باشند، همیشه بدنشان سالم خواهد بود».<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کفران نعمت الهی است اینکه کسی بگوید: فلان غذا را خوردم مرا آزار داد» (شاید این زیان بر اثر زیاده روی در خوردن غذا بوده نه خود غذا).<sup>۳</sup>

۴. در حدیث است که روزی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شیر و عسل آوردند. حضرت اندکی از آن تناول کرد و باقی را بر زمین نهاد. پرسیدند: ای رسول خدا، آیا خوردن این غذا حرام است؟ فرمود: «نه، اما برای رضای خدا فروتنی می کنم (و کم می خورم)».<sup>۴</sup>

۵. در حدیث است که پالوده خوشبویی نزد امیر مؤمنان علی علیه السلام آوردند. حضرت از آن اندکی خورد، سپس فرمود: «خوردن آن حرام نیست، اما نمی خواهم خود را به چیزی که به آن عادت نکرده ام، عادت دهم».

و در روایتی دیگر فرمود: «خوردن آن حرام نیست، ولی هرگز چیزی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله نخورده، نمی خورم».<sup>۵</sup>

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۷، باب ۲۵۲، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۴۳۹، ح ۲۹۶.

۳. همان، ص ۴۵۰، ح ۳۶۲.

۴. محاسن، ص ۴۰۹، ح ۱۳۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۴، ح ۳۸۴.

۵. محاسن، ص ۴۰۹، ح ۱۳۴.



۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان برای کسب نیرو و تجدید قوا ناگزیر است غذا بخورد، ولی لازم است بخشی از شکم را به غذا و بخشی دیگر را به آب اختصاص دهد و بخش سوم را برای تنفس، خالی بگذارد. و برای فربه کردن خود نکوشید چنانکه حیوانات را برای کشتن، فربه می‌کنند».<sup>۱</sup>

### کمترین اسراف در غذا خوردن

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سرکه نانِ خورش خوبی است. و کمترین اسراف آن است غذایی را که نزد انسان می‌آورند (با بی‌اعتنایی) نخورد».<sup>۲</sup>

### ۳ پاره‌ای از آداب و اوقات غذا خوردن

(مقدمه:) مستحب است صبحانه را نزدیک طلوع آفتاب بخورد و ناهار نخورد و پس از نماز خفتن (نماز عشا)، بار دیگر غذا بخورد. و نیز مستحب است لقمه کوچک بگیرد و آن را خوب بجود و هنگام غذا خوردن، به چهره هم‌سفره‌ای‌ها نگاه نکند و غذای بسیار داغ نخورد و در غذای داغ فوت نکند، بلکه صبر کند تا سرد شود سپس آن را تناول کند. و نان را با کارد نبرد و استخوان را (کاملاً) پاک نکند و با کمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از غذایی که جلوی دیگران است نخورد. خوردن و نوشیدن در حال جنابت کراهت دارد، ولی اگر پیش از آن وضو بگیرد، یا دست‌هایش را بشوید و مضمضه و استنشاق کند، یا دست و صورتش را بشوید و مضمضه کند، یا دست‌هایش را بشوید و مضمضه کند، کراهتش

۱. محاسن، ص ۴۴۰، ح ۲۹۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۹.

۲. محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۳.

برطرف می‌شود. فلسفه این حکم، مطابق آنچه در حدیث آمده، این است که: «اگر در حال جنابت چیزی بخورد بی آنکه یکی از اعمال مزبور را انجام دهد، بیم آن می‌رود که مبتلا به بیماری برص شود».<sup>۱</sup> (به روایات زیر توجه فرمایید):

### وعده‌های غذایی

۱. در روایتی معتبر آمده است که کسی از درد سوء هاضمه به سبب پر بودن معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «صبح و شام غذا بخور و در میان آنها چیز دیگری نخور، زیرا خداوند دو جهان در وصف غذای بهشتیان می‌فرماید: «وَأَلْهَمَ رِزْقَهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا»: و هر صبح و شام، روزی آنان در بهشت مقرر است.»<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «پیامبران غذای آخر روز را پس از نماز عشا می‌خوردند؛ پس غذا خوردن در آن وقت را ترک نکنید که ترک آن موجب بیماری تن می‌شود.»<sup>۴</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شام نخوردن انسان را پیر می‌کند.»<sup>۵</sup>

۴. نیز در گفتاری فرمود: «چون انسان پیر شد لازم است پیش از خواب شبانه چیزی بخورد که با این کار، بهتر خواب می‌رود و دهانش خوشبو یا خُلُقش نیکو می‌شود.»<sup>۶</sup>

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای شب را ترک نکنید، هر

۱. کافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱، ص ۴۶، باب ۱۹.

۲. سوره مريم، آیه ۶۱.

۳. محاسن، ص ۴۲، ح ۱۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۳۲.

۵. کافی ج ۶، ص ۲۸۸ ح ۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۵۰۵.

۶. محاسن، ص ۴۲۲، ح ۲۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۴.

چند به پاره نان خشکی باشد، که موجب قوّت بدن و نیروی آمیزش می‌شود.<sup>۱</sup>

۶. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در بدن رگی است به نام عشا، هر که در شب چیزی نخورد آن را او را تا صبح نفرین می‌کند و می‌گوید: خداوند تو را گرسنه و تشنه بدارد که مرا تا صبح گرسنه و تشنه نگاه داشتی؛ پس غذای شب را ترک نکنید، هر چند به لقمه نان و لیوانی آب باشد».<sup>۲</sup>

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شایسته نیست مؤمن از خانه بیرون رود، مگر آنکه صبحانه خورده باشد که این کار بر قدرتش می‌افزاید».<sup>۳</sup>

### غذای داغ نخورید

۱. از امام امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای گرم را بگذارید تا سرد شود (سپس آن را بنخورید) زیرا غذایی گرم برای رسول خدا آوردند، حضرت فرمود: بگذارید تا سرد شود که خداوند، آتش را غذای ما قرار نداده و برکت در غذای سرد است».<sup>۴</sup>

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غذای داغ برکت ندارد و شیطان در آن بهره و نصیبی دارد».<sup>۵</sup>

۳. در حدیثی معتبر آمده است که سلیمان خالد می‌گوید: در یکی از شب‌های تابستان بر سر سفره امام جعفر صادق علیه السلام حاضر شدم. سفره گسترده بودند، مقداری

۱. محاسن، ص ۴۲۳، ح ۲۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۵.

۲. همان، ح ۱۲.

۳. محاسن، ص ۳۹۷، ح ۷۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، باب الطعام الحار، ح ۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۴۸.

۵. محاسن، ص ۴۰۶، ح ۱۱۷.

نان و کاسه‌ای آبگوشت آوردند که در آن نان و گوشت بود. حضرت دست بر کاسه برد و برداشت، سپس فرمود: «امان می‌طلبم از خدا از آتش جهنم، پناه می‌برم به خدا از آتش جهنم، خدایا تاب حرارت و گرمای این غذا را نداریم و بر آن صبر نمی‌توانیم کرد، چگونه بر آتش جهنم تاب آوریم و صبر کنیم؟» حضرت این جملات را چندان تکرار کرد که غذا سرد و آماده خوردن شد، سپس غذا را تناول فرمود و ما هم غذایمان را خوردیم.<sup>۱</sup>

### در غذا فوت نکنید

۱. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دمیدن در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها نهی کرد.<sup>۲</sup>
۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام سه نوع دمیدن را مکروه شمرده است: «دمیدن در گره‌ها برای افسون کردن، دمیدن در غذا، دمیدن در محل سجده».<sup>۳</sup>
۳. و در حدیثی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «فوت کردن غذای داغ اشکال ندارد». این روایت مربوط به حال ضرورت و زمانی است که شخص عجله دارد.<sup>۴</sup>

### از جلوی خود شروع به خوردن کنید

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از بالای غذا شروع نکنید، بلکه از کناره غذا (قسمتی که در جلوی شماست) آغاز کنید که برکت غذا

۱. محاسن، ص ۴۰۷، ج ۱۲۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۲، ج ۵.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۸؛ خصال، ج ۱، ص ۱۶۳، ج ۱۷۵.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، باب ۲۹، ج ۱.

در بالای طعام است» (و با خوردن بالای طعام در ابتدای کار، برکت را از سفره نبرید).<sup>۱</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «هرگاه بخواید غذا بخورید از جلوی خود شروع به خوردن کنید».<sup>۲</sup>

### روش غذا خوردن پیامبر اعظم ﷺ

۱. از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که آن حضرت به هنگام غذا خوردن دوزانو نشسته و یک دست بر زمین گذاشته و با دست دیگر و با سه انگشت، غذا تناول می‌کرد و می‌فرمود: «رسول خدا ﷺ چنین غذا تناول می‌کردند، نه با دو انگشت که روش متکبران و جبّاران است».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر از رسول خدا ﷺ نقل شده است که آن حضرت به هنگام صرف غذا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می‌گفت و از پیش دیگران چیزی بر نمی‌داشت و پیش از میهمانان شروع به خوردن نمی‌کرد و با سه انگشت و گاه چهار انگشت و گاه با تمام انگشتان غذا می‌خورد و هرگز با دو انگشت غذا نمی‌خورد و می‌فرمود: «با دو انگشت غذا خوردن، روش غذا خوردن شیطان است».<sup>۴</sup>

### بهترین راه جلوگیری از ضررهای غذا خوردن

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «هر که بخواهد غذا زیانی به او نزند چهار کار کند: تاگرسنه نشده و معده‌اش پاک نگشته

۱. محاسن، ص ۴۰۳، ح ۱۰۱؛ کافی ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۱، و ص ۳۱۸، ح ۹.

۲. محاسن، ص ۴۴۸، ح ۳۴۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۳.

۳. محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۶.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۲۸.

چیزی نخورد، هنگام شروع به غذا خوردن بسم الله الرحمن الرحيم بگوید، غذا را خوب بجود، پیش از آنکه کاملاً سیر شود دست از غذا خوردن بکشد»<sup>۱</sup>.

۲. در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «دوست داری چهار مطلب به تو بیاموزم که اگر انجام دهی نیاز به طبیب نداشته باشی؟ عرض کرد: آری ای امیر مؤمنان. فرمود: تا گرسنه نشدی بر سر سفره نشین، پیش از سیر شدن کامل برخیز، خوب جویدن غذا را فراموش نکن، پیش از خواب به حاجتگاه برو»<sup>۲</sup>.

### سفارشات امام حسن علیه السلام در مورد غذا خوردن

۱. از امام حسن علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر سر هر سفره‌ای دوازده ویژگی لازم است که مسلمان نباید از آن غافل باشد. چهار ویژگی آن بسیار مهم و چهار ویژگی دیگر آن مهم‌تر و چهارتای باقی مانده مهم است. اما چهار ویژگی بسیار مهم عبارتند از:

کسی که این نعمت‌ها را به وی داده بشناسد و بداند که از جانب پروردگار است، به آنچه خداوند به وی ارزانی داشته راضی باشد، در آغاز بسم الله بگوید و در پایان خدا را شکر کند.

و ویژگی‌های مهم‌تر به شرح زیر است: پیش از غذا دستانش را بشوید، بر طرف چپ بنشیند، با سه انگشت غذا بخورد، (هرگاه با دست غذا می‌خورد) به طور کامل غذا را از دست‌ها بگیرد.

و چهار ویژگی دیگر عبارتند از: از پیش خود غذا بخورد، لقمه را کوچک بردارد، غذا را بسیار بجود، به صورت دیگران نگاه نکند»<sup>۳</sup>.

۱. طب الاثمه، ص ۲۹.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۶۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

۳. خصال، ج ۲، ص ۲۵۵، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۳، ح ۱۳.

## ۴ سایر آداب غذا خوردن

(مقدمه:) مستحب است با دست راست غذا بخورد و دوزانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد، اما اگر به دست چپ تکیه کند اشکال ندارد. و چهار زانو نشستن به هنگام غذا خوردن مکروه است و اگر پا را بر روی زانو بگذارد کراهت آن شدیدتر است. تنها غذا خوردن کراهت دارد و مستحب است با خدمتکاران و بر روی زمین غذا بخورد. غذا خوردن به هنگام راه رفتن کراهت دارد. و شستن دست پیش و پس از غذا سفارش شده است. غذا خوردن بر سفره‌ای که شراب در آن خورده‌اند حرام است، بلکه برخی معتقدند غذا خوردن بر سر سفره‌ای که در آن مجلس، گناه مرتکب شده نیز حرام است. حتی غذا خوردن بر سفره جمعی که غیبت مسلمانان را کرده‌اند حرام است. و مستحب است با نمک، غذای خود را آغاز کند و به پایان برساند. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:)

### تنها غذا خوردن

۱. در روایتی معتبر آمده که امام موسی کاظم علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت سه کس را نفرین کرد: «کسی که تنها خور باشد، کسی که تنها سفر کند، کسی که در خانه تنها بخوابد».<sup>۱</sup>
۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غذایی کامل است که چهار چیز در آن جمع باشد: از راه حلال تهیه شده باشد، دست‌های بسیاری در آن سفره برود (جمع فراوانی از آن غذا استفاده کنند)، در ابتدای آن نام خدا گفته شود و در پایان، حمد الهی گویند».<sup>۲</sup>

۱. محاسن، ج ۳۹۸، ص ۷۶؛ خصال، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۳۴.

۲. محاسن، ص ۳۹۸، ح ۷۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۳، ح ۲.

## سهم نیازمندان از غذاها

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که هرگاه ظرف غذایی خدمت امام رضا علیه السلام می‌آوردند، دستور می‌داد یک ظرف خالی هم بیاورند و از هر یک از بهترین غذاها، مقداری در آن ظرف می‌ریخت و دستور می‌داد به مساکین و بیچارگان بدهند.<sup>۱</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «علت ابتلای حضرت یعقوب علیه السلام به جدایی از فرزندش حضرت یوسف علیه السلام این بود که روزی گوسفندی چاق کشت و بریان کرد. مرد نیکوکار روزه‌داری در همسایگی آن حضرت بود و بوی آن غذا را استشمام کرد. حضرت یعقوب علیه السلام غافل شد و چیزی از آن غذا به وی نداد. جبرئیل همان شب بر حضرت نازل شد و گفت: آماده بلایی (در برابر این ترک اولی) از سوی خدا باش و در همان شب، حضرت یوسف علیه السلام آن خواب را دید (و پس از آن، داستان حضرت یوسف اتفاق افتاد). پس از این حادثه، حضرت یعقوب به هنگام صبحانه تا یک فرسخ راه اعلان می‌کرد که هر کس اشتهای به غذا دارد بر سر سفره یعقوب حاضر شود. و این کار را در شب هم تکرار می‌کرد».<sup>۲</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه سفره بگسترند، هر نیازمندی آمد او را دست خالی رد نکنید».<sup>۳</sup>

## موارد ممنوع یا مکروه، هنگام غذا خوردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «ملعون است آن

۱. محاسن، ص ۳۹۲، ح ۳۹.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۵، باب ۴۱، ح ۱.

۳. محاسن، ۴۲۳، ح ۲۱۳.



- که بر سفره‌ای بنشیند که در آن شراب می‌نوشند (هر چند خودش ننوشد).<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که فرمود: «هر که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد، از سفره‌ای که بر آن شراب می‌نوشند غذا نمی‌خورد». <sup>۲</sup>
۳. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: از سفره‌ای که پس از رفتن تو بر آن شراب می‌نوشند غذا نخور. <sup>۳</sup>
۴. در چندین حدیث آمده است که خوردن در حال جنابت، سبب فقر و تنگدستی می‌شود. <sup>۴</sup>
۵. در روایات فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن و آشامیدن با دست چپ، جز در حال اضطرار، نهی کردند. <sup>۵</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که توانایی استفاده از دست راست خویش دارد مکروه است با دست چپ غذا بخورد، یا چیزی بیاشامد، یا چیزی بردارد». <sup>۶</sup>
۷. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در حال راه رفتن چیزی نخور، مگر اینکه مجبور باشی». <sup>۷</sup>
۸. در حدیثی دیگر فرمود: «در حالی که تکیه کرده‌اید، یا به رو خوابیده‌اید، چیزی نخورید». <sup>۸</sup>

۱. محاسن، ص ۵۸۴، ح ۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۱۳، ح ۴۲۰.  
 ۳. فقه الرضا، ص ۲۸۱.  
 ۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۷۸.  
 ۵. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۳۹۹. از امام صادق علیه السلام.  
 ۶. محاسن، ص ۳۵۸، ح ۳۹۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۳، ح ۲.  
 ۷. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۰۴۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۵.  
 ۸. کافی، ج ۶، ص ۲۷۱، ح ۴۵۸؛ محاسن، ص ۳۹۳.

سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در غذا خوردن

۱. در روایات معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که: «آن حضرت هرگز در حال تکیه بر پهلوئی چپ یا راست، چیزی نمی خورد و به هنگام غذا خوردن، دوزانو نشسته و با فروتنی غذا می خورد».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که روزی عباد بصری که از مشایخ متصوفه و علمای اهل سنت است در حضور امام صادق علیه السلام نشسته بود. حضرت در حالی که دست چپ خویش را بر زمین گذاشته بود غذا می خورد. عباد به عنوان اعتراض به حضرت گفت: مگر نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده است؟ حضرت دست را برداشت و دوباره روی زمین گذاشت. دوباره عباد اعتراض کرد و امام همان کار را کرد و این سه بار تکرار شد. سپس حضرت فرمود: «والله رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز از این کار نهی نکرد (آنچه از آن نهی شده، خوردن در حال خوابیدن بر پهلوئی راست یا چپ است، همان گونه که روش برخی مستکبران است)».<sup>۲</sup>
۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از خوردن غذا، دستان مبارک را می شست، آب در دهان می کرد و مضمضه می فرمود».<sup>۳</sup>
۴. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از صبحانه، دست های خود را می شست و پیش از آنکه با حوله خشک کند به سر و صورت می مالید و می فرمود: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يُرْهِقُ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ۴۵۷، ح ۳۹۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۷۱، ح ۵.

۳. تهذیب الاحکام، تحقیق غفاری، ج ۱، ص ۳۵۰.

۴. ترجمه: «پروردگارا، مرا از کسانی قرار ده که گرد تنگی و خواری بر چهره اش نمی نشیند». محاسن، ص ۴۲۶، ح ۲۳۴.

۵. در روایتی دیگر در مورد چگونگی غذا خوردن رسول خدا ﷺ می خوانیم: «هرگاه بر سر سفره می نشست از پیش خود غذا می خورد و همانند حالت تشهد نماز می نشست و می فرمود: من بنده ام، به روش بردگان غذا می خورم و همچون آنان می نشینم».<sup>۱</sup>

۶. در حدیثی دیگر آمده است: «هرگاه رسول خدا ﷺ از شستن دستان خویش پس از غذا فارغ می شد، دست بر صورت کشیده و این دعا را می خواند: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا وَاطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ اَوْلَانَا**».<sup>۲</sup>

## آداب غذا خوردن

### شستن دست ها پیش از غذا خوردن

۱. در روایات متعددی از امیر مؤمنان علی عليه السلام و ائمه طاهرین عليهم السلام نقل شده است که هر که بخواد خیر و برکت خانه اش افزون شود، دست خود را پیش از غذا خوردن بشوید.<sup>۳</sup>

۲. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن دست ها پیش از غذا خوردن و پس از آن فقر را برطرف، روزی را بسیار، لباس انسان را پاکیزه و دردها را از بدن دور می کند و چشم را جلا می دهد».<sup>۴</sup>

۳. در حدیث است که مرازم از یاران امام کاظم عليه السلام می گوید دیدم که امام پیش از غذا خوردن دستانش را می شست و آن را با دستمال خشک نمی کرد، ولی پس

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۷.

۲. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را هدایت کرد و به ما آب و غذا داد و هر نعمت خوبی را به ما بخشید» مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۶۳، ح ۳۸.

۳. محاسن، ۴۲۴، ح ۲۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۴.

۴. محاسن، ص ۴۲۴، ح ۲۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۲ و ۳.

از غذا خوردن دستانش را می‌شست و آن را با دستمال خشک می‌کرد.<sup>۱</sup>

۴. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دست‌ها را بشوی و آن را خشک نکن، زیرا تا زمانی که رطوبت آن موجود است برکت در غذا خواهد بود.<sup>۲</sup> و پس از شستن دست‌ها آن را بر صورت مالیدن، کَلْف<sup>۳</sup> را از چهره برطرف می‌کند و بر روزی می‌افزاید.<sup>۴</sup>»

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که دستش پاکیزه است لازم نیست پیش از غذا خوردن آن را بشوید.»<sup>۵</sup>

#### شستن دست‌ها پس از غذا خوردن

۱. در حدیث است که مفضل بن عمر از یاران ارزشمند امام صادق علیه السلام می‌گوید از درد چشم به حضرت شکایت کردم. فرمود: «پس از غذا خوردن دستان را بشوی و این جمله را سه بار بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ».<sup>۶</sup> راوی می‌گوید: به دستور امام عمل کردم و پس از آن هرگز چشمانم درد نگرفت.<sup>۷</sup>»

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه پس از غذا دست‌ها را بشویی و بارطوبت آن دیدگان را مسح کنی، این کار جلوی چشم درد را می‌گیرد.»<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۳۹.

۳. «کَلْف» لکنه‌ای است که در چهره انسان پیدا می‌شود و آن را در فارسی کک مک می‌گویند (فرهنگ عمید).

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۹۱.

۵. محاسن، ص ۴۲۸، ج ۲۴۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ج ۱۳.

۶. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که احسان‌کننده، نیکوکار، نعمت‌دهنده و فضیلت‌بخش است.»

۷. کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ج ۵.

۸. مکارم الأخلاق، ص ۱۴۰.

۳. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه پس از غذا خوردن دست‌ها را شستی، پیش از آنکه با دستمال خشک کنی بر دیدگان بکش و این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ الزَّیْنَةَ وَ الْمَحَبَّةَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَ الْبَغْضَةِ».<sup>۱</sup>

#### نشستن دهان پس از غذا خوردن

از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست‌ها را پس از خوردن غذا می‌شست، سپس آب در دهان کرده و آن را می‌شست».<sup>۲</sup>

#### کیفیت نشستن هنگام غذا خوردن

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگام غذا خوردن دوزانو بنشینید و یک پا را روی پای دیگر نیندازید و چهار زانو ننشینید، زیرا خداوند از چنین نشستن‌های بیزار است».  
توجه: ظاهر روایت این است که منظور از چهار زانو نشستن آن است که به روش جباران باشد، یعنی یک پا را بر روی پای دیگر بگذارد.<sup>۳</sup>

#### با چه چیز غذا خوردن را شروع و تمام کنیم؟

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «در ابتدا و انتهای غذای خوردن مقداری نمک بخور که هر که چنین کند خدا او را از هفتاد بلا که آسان‌ترین آن بیماری جذام است، حفظ می‌کند».<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «بار خدایا، من از تو زینت و دوستی می‌خواهم و از گناه و دشمنی به تو پناه می‌برم». محاسن، ص ۴۲۶، ج ۲۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۵، ح ۱۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۱.

۴. محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱.

۲. در حدیثی دیگر آمده است که این کار انسان را از هفتاد و دو نوع بیماری که از جمله آن دیوانگی و جذام و بیماری پیسی است حفظ می‌کند.<sup>۱</sup>
۳. و در حدیثی دیگر آمده است که این کار از درد گلو و دندان درد و درد شکم جلوگیری می‌کند.<sup>۲</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به حضرت موسی علیه السلام امر کرد که به قومش بگوید: غذای خود را با نمک آغاز کنند و با آن پایان دهند وگرنه (چنانچه به بلایی مبتلا شوند)، کسی را جز خود سرزنش نکنند».<sup>۳</sup>
۵. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «نمک شفای هفتاد نوع از انواع دردهاست و اگر مردم بدانند چه آثار و منافع در نمک هست، جز با آن امراض خود را مداوا نمی‌کنند».<sup>۴</sup>
۶. در روایتی معتبر می‌خوانیم که هنگام غذا خوردن، ابتدا به سرکه خوب است.<sup>۵</sup>
۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «ما غذا را با نمک شروع و با سرکه ختم می‌کنیم».<sup>۶</sup>
۸. در سخنی دیگر فرمود: «هر که بر نخستین لقمه‌ای که می‌خورد نمک پاشد، رو به توانگری خواهد آورد».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳.

۲. محاسن، ص ۵۹۳، ح ۱۱۰ و ۱۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۳. محاسن، ص ۵۹۲، ح ۱۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۶.

۴. محاسن، ص ۵۹۰، ح ۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۳. این روایت اشاره به شروع غذا با اندکی نمک است.

۵. محاسن، ص ۴۸۷، ح ۵۵۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۷. محاسن، ص ۵۹۴، ح ۱۱۳.

### پای بر سفره نگذارید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی به مجلس سفاح از خلفای بنی عباس رفتم. سفره غذایشان گسترده بود. دست مرا گرفت و به سوی خود کشید. (ناخودآگاه) پای من بر کناره سفره قرار گرفت. آن قدر غمگین شدم که خدا می داند، زیرا این کار کفران نعمت پروردگار است».<sup>۱</sup>

### نشستن طولانی بر سر سفره

در حدیثی دیگر فرمود: «نشستن بر سر سفره را طولانی کنید (و غذا را آهسته بخورید) که این مدّت جزء عمر شما به حساب نمی آید».<sup>۲</sup>

### غذا خوردن با زیردستان

در حدیث است که یاسر، خادم امام رضا علیه السلام در مورد سیره آن حضرت هنگام غذا خوردن چنین گوید: هرگاه آن حضرت بر سر سفره می نشست، کوچک و بزرگ، حتی حجامت کننده و بزرگ قوم را دعوت می کرد که بر سر سفره نشینند.<sup>۳</sup>

ابراهیم بن عباس نیز در این باره می گوید: آن حضرت چون خلوت می شد و غذا می آوردند، همه دربانان و خدمتکاران را بر سفره ای که خود نشسته بود می نشاند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۵۸۸، ح ۸۸.

۲. الاختصاص، ۲۵۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۱.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۲۴.

۴. همان، ص ۱۸۴، ح ۷.

## بیرون کردن کفش به هنگام غذا خوردن

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن غذا، کفش خود را از پا بیرون کنید که سنّت نیکو است و موجب استراحت بیشتر پاهای شماست».<sup>۱</sup>

## غذا خوردن با دست

در روایاتی معتبر آمده که یکی از امتیازات انسان بر حیوان آن است که غذایش را با دست می خورد؛ پس انسان باید غذای خود را با کمک دستانش بخورد.<sup>۲</sup>

## صاحبخانه پیش از میهمان شروع به غذا خوردن کند

در روایاتی معتبر آمده است که هرگاه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با جمعی از میهمانانش غذا می خورد، پیش از همه شروع می کرد و پس از همه دست می کشید، تا میهمانان غذای بیشتری بخورند.<sup>۳</sup>

## اول نماز خواندن یا غذا خوردن

در حدیث است که سماعة بن مهران می گوید از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم: وقت نماز رسیده و غذا حاضر است به کدام بپردازیم؟ امام فرمود: «اگر ابتدای وقت نماز است اول غذا بخورید و اگر بخشی از وقت نماز گذشته و بیم آن می رود که وقت فضیلت نماز بگذرد، نماز بخوانید».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۴۴۹، ح ۳۵۱.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۳. محاسن، ص ۴۴۸، ح ۳۴۹؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب الأكل مع الضیف، ح ۱.

۴. محاسن، ص ۴۲۳، ح ۲۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۹.



## ۵ دعای سفره و آثار آن

### آغاز و انجام غذا با نام و حمد خدا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه سفره بگسترند بگو: بسم الله و چون شروع به غذا کردی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَاٰخِرِهِ و چون سفره را جمع کردند بگو: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ»<sup>۱</sup>.
۲. و در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که ملائکه نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند و او برای آنها گوساله‌ای بریان شده آورد و گفت بخورید! گفتند: نمی‌خوریم تا بگویی ارزش این نعمت الهی چقدر است؟ حضرت فرمود: (قیمت آن این است که) چون شروع به خوردن کنید بسم الله بگویید و هنگامی که غذا تمام شد اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگویید. جبرئیل رو به سه فرشته دیگر کرد و گفت: می‌سزد که پروردگار چنین بنده‌ای را خلیل خود گرداند»<sup>۲</sup>.
۳. و در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه چند نوع غذا بر سر سفره باشد برای هر کدام یک بسم الله بگویید». راوی پرسید: اگر فراموش شود چه کنم؟ حضرت فرمود: «بگو بِسْمِ اللّٰهِ عَلٰی اَوَّلِهِ وَاٰخِرِهِ»<sup>۳</sup>.
۴. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه غذا حاضر شود، چنانچه یکی از حاضران بسم الله بگوید از دیگران کفایت می‌کند»<sup>۴</sup>.
۵. در سخنی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن غذا خدا را یاد کنید و بسیار سخن نگویند که آن طعام، نعمت و روزی خداست و بر شما لازم است که در وقت غذا خوردن یاد خدا، سپاس او و شکرش را به جا آورید»<sup>۵</sup>.

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۲.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۵، باب ۳۲، ح ۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۹.

۵. همان، ص ۲۹۶، ح ۲۳.

۶. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «غذا خورنده‌ای که شکر پروردگار را به جا می‌آورد، از روزه‌دار خاموش بهتر است».<sup>۱</sup>
۷. در حدیثی است که امام صادق علیه السلام به سماعه فرمود: «ای سماعه، بخور و سپاس خدا کن و نخور که خاموش (از یاد خدا) باشی».<sup>۲</sup>

### آثار شروع به «بسم الله» و ختم به «الحمد لله»

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه سفره گسترده شود، چهار هزار فرشته آن را احاطه می‌کنند. اگر کسانی که می‌خواهند غذا بخورند بسم الله بگویند ملائکه می‌گویند: خداوند برکاتش را بر شما و غذای شما نازل کند. سپس به شیطان می‌گویند: ای فاسق، از اینجا خارج شو که تو بر این افراد سلطه‌ای نداری. و چنانچه پس از فراغت از غذا الحمد لله بگویند، فرشتگان می‌گویند: اینها بندگان هستند که خداوند به آنها نعمت داده و شکر نعمت پروردگار را به جا آورده‌اند. و اگر غذای خود را با بسم الله آغاز نکنند ملائکه به شیطان می‌گویند: ای فاسق، جلو بیا و با اینها غذا بخور و چنانچه در پایان غذا حمد و سپاس الهی را به جا نیاورند، ملائکه می‌گویند: اینان گروهی هستند که خداوند به آنها نعمت داده، ولی پروردگار خویش را فراموش کردند».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «هر که نام خدا را در اول طعام ببرد و در پایان سپاس خدای را به جا آورد، هرگز از آن طعام از او سؤال نمی‌کنند».<sup>۴</sup>
۳. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه مسلمانی به هنگام شروع غذا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» پیش از آنکه لقمه به

۱. محاسن، ص ۴۳۵، ج ۲۷۱.

۲. محاسن، ص ۴۳۵، ج ۲۷۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۴، ح ۱۰۴۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۹۲، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۴؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۹.

دهانش برسد، خداوند متعال گناهایش را می‌آمرزد».<sup>۱</sup>

۴. امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «روزی حضرت امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس غذای خود را با بسم الله شروع کند، من ضمانت می‌کنم که آن غذا زیانی به او نرساند. ابن کوا گفت: دیشب غذا خوردم و بسم الله گفتم و غذا مرا اذیت کرد. حضرت فرمود: شاید چند نوع غذا خورده‌ای و بر برخی بسم الله گفته و بر برخی نگفته‌ای».<sup>۲</sup>

۵. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: هرگاه غذا بخورم مرا اذیت می‌کند. امام فرمود: «مگر بسم الله نمی‌گویی؟» عرض کرد: آری می‌گویم، ولی باز غذا آزارم می‌دهد. امام فرمود: «پس از آنکه در وسط غذا سخن می‌گویی، بسم الله را تکرار می‌کنی؟» عرض کرد: نه. امام فرمود: «علت ناراحتی تو همین است؛ هرگاه سخنان تمام شد دوباره بسم الله بگو و به خوردن ادامه بده».<sup>۳</sup>

### آثار دعا خواندن هنگام غذا خوردن

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که این دعا را هنگام خوردن غذا بخواند، ضمانت می‌کنم که آن غذا آسیبی به او نرساند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمِكَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلَأَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَهُ دَاءٌ**».<sup>۴</sup>

۲. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.

۱. محاسن، ص ۴۲۵، ح ۲۷۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۲.

۳. محاسن، ص ۴۲۸، ح ۲۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۹.

۴. ترجمه: «بار خدا یا، از تو به بهترین نام‌های تو که زمین و آسمان را پر کرده و به بخشندگی و مهربانی‌ات که با آن هیچ دردی زیان نمی‌رساند، تو را مسئلت می‌کنم». محاسن، ۴۲۸، ح ۲۸۹.

حضرت فرمود: «هرگاه از غذا خوردن فارغ شدی، دست بر شکم بکش و این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ هِنِّئِنِّيْهِ، اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِيْهِ، اَللّٰهُمَّ اَمْرُنِيْهِ»<sup>۱</sup>.

### دعای سفره حضرت رسول ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام

۱. در روایتی آمده است که پیامبر ﷺ پس از خوردن غذا می فرمود: «اَللّٰهُمَّ اَكْثَرَتْ وَ اطْبَتَتْ وَ بَارَكْتَ مَا شَبِعْتُ وَ اَزَوَيْتُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ»<sup>۲</sup>.

۲. در روایتی آمده است که هرگاه سفره را برای رسول خدا ﷺ می گستراندند چنین دعا می کرد: «سُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ مَا اَحْسَنَ مَا تَبْتَلِنَا سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعْطِنَا، سُبْحَانَكَ مَا اَكْثَرَ مَا تُعَافِنَا. اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ»<sup>۳</sup>.

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام سجّاد علیه السلام غذا خوردن را با این دعا آغاز می کرد: «اَللّٰهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ مِنْ فَضْلِكَ وَ عَطَائِكَ، فَبَارِكْ لَنَا فِيْهِ وَ سَوِّغْنَا وَ اَزْرُقْنَا خَلْفًا اِذَا اَكَلْنَا وَ رَبِّ مُحْتَاجٍ اِلَيْهِ رَزَقْتَ فَاَحْسَنْتَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ الشَّاكِرِيْنَ»<sup>۴</sup>. و پس از غذا خوردن می فرمود: «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي حَمَلْنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَيَّ كَثِيْرًا مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيْلًا»<sup>۵</sup>.

۱. ترجمه: «بار خدایا، آن را بر من گوارا و کامل و خوش گردان». محاسن، ص ۴۳۹، ح ۲۹۱.

۲. ترجمه: «بار خدایا، افزودی و پاکیزه گرداندی و برکت دادی آن چنان که سیر و سیراب شدم. سپاس ویژه خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۶، ح ۲۷۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۵.

۳. ترجمه: «بار خدایا، تو منزّهی، چه نیک ما را می آزمایی، منزّهی تو چه بسیار به ما عطا می کنی، منزّهی تو چه بسیار از ما درمی گذری. بار خدایا، بر ما و بر نیازمندان از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات وسعت و گشایش ده». کافی، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۲.

۴. ترجمه: «بار خدایا، این (غذا) از تو و از فضل و بخشش تو است، پس برای ما در آن برکت ده و کامل گردان و چون آن را خوردیم به جای آن به ما روزی ده و چه بسیار نیازمندانی که به آنها روزی دادی و نیکی کردی. بار خدایا، ما را از شکرگزاران قرار ده». محاسن، ص ۴۳۳، ح ۲۶۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۲.

۵. ترجمه: «سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در خشکی و دریا بر مرکب سوار کرد و از چیزهای پاکیزه به ما روزی داد و ما را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشید».

۴. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم امام باقر علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْبَعَنَا فِي جَائِعِينَ وَ أَرْوَانَا فِي ظَامِسِينَ وَ آوَانَا فِي ضَاحِينَ وَ حَمَلْنَا فِي رَاجِلِينَ وَ آمَنَّا فِي خَائِفِينَ وَ أَخَدَمْنَا فِي عَانِينَ**».<sup>۱</sup>
۵. در روایتی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام پس از غذا خوردن چنین دعا می کرد: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا وَ كَفَانَا وَ أَيَّدَنَا وَ آوَانَا وَ أَنْعَمَ عَلَيْنَا وَ أَفْضَلَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ»**.<sup>۲</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در ابتدای خوردن غذا نام خدا را ببرید و پس غذا خوردن بگویید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُطْعِمُ وَ لَا يُطْعَمُ**».<sup>۳</sup>
۷. در روایتی معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام بعد از خوردن غذا چنین دعا می کرد: **«اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»**.<sup>۴</sup>
۸. در روایتی معتبر آمده است که زراره می گوید با امام صادق علیه السلام غذا می خوردم و حضرت جمله **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي أَشْتَهِيهِ»** را بسیار تکرار می کرد.<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که ما را در میان گرسنگان سیر کرد و در میان تشنگان سیراب گردانید و در میان گرفتاران پناه داد و در میان بیادگان سوار کرد و در میان خائفان امنیت داد و در میان ضعیفان و زحمتکشان کمک کار برای ما قرار داد». محاسن، ص ۴۳۶، ح ۲۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۵، ح ۱۲.

۲. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آب و غذا داد و ما را کفایت و تأیید نمود و ما را مأوی داد و نعمت بخشید و تفضل کرد. حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۵، ح ۲۷۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۳.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که اطعام می کند و نیاز به غذا ندارد». محاسن، ص ۴۳۴، ح ۲۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۴، ح ۱۳.

۴. ترجمه: «بار خدایا، طعامی که تناول کردیم از سوی تو و به واسطه محمد رسول تو است. بار خدایا، حمد و ثنا مخصوص تو است، بر محمد و آل محمد درود بفرست». کافی، ج ۶، ص ۲۹۶، ح ۲۲.

۵. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که میل به چنین غذایی را در من ایجاد کرد». محاسن، ص ۴۲۷، ح ۲۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۹، ح ۱۲.

## ۶ آداب پس از غذا خوردن

### غذاهای ریخته شده اطراف سفره

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «غذایی را که از سفره بیرون می افتد بخورید که خوردن آن برای هر که با آن بطلبد، به اذن خدا شفای هر دردی است».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که کسی از درد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آنچه را که از سفره بر زمین می افتد بخور». او به فرمایش امام عمل کرد و ناراحتی اش از بین رفت.<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که معاویة بن وهب می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام غذا خوردیم و چون سفره را جمع کردند، حضرت آنچه را که از سفره بر روی زمین ریخته بود برمی داشت و تناول می کرد، سپس فرمود: «خوردن اینها فقر و نداری را برطرف می کند و بر فرزندان می افزاید».<sup>۳</sup>
۴. در حیث است که عبدالله ارجایی می گوید در خدمت امام صادق علیه السلام بودم دیدم آن حضرت جست و جو می کند تا آنچه را که از غذا بر روی زمین افتاده بردارد و بخورد، حتی کنجد و امثال آن. عرض کردم: فدایت شوم اینها را هم برمی دارید؟ فرمود: «اینها روزی تو است، آن را برای دیگری وانگذار که شفای دردهاست».<sup>۴</sup>
۵. در روایتی دیگر، اثر این کار برطرف شدن فقر از خورنده آن و فرزندان او تا هفت نسل بیان شده است.<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۹۹، باب اکل ما یسقط عن الخوان، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۵.

۳. محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۴.

۴. محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۱، ح ۹.

۵. محاسن، ص ۴۴۵، ح ۳۲۹؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۵.

۶. در حدیثی دیگر آمده است: «هر که غذای اطراف سفره را بخورد از دیوانگی، خوره، پیسی، زردآب و حماقت مصون می ماند».<sup>۱</sup>
۷. در روایات معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «آنچه از سفره می ریزد مَهَر حورالعین است».<sup>۲</sup>
۸. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «هرگاه در خانه غذا می خورید و چیزی از غذا بیرون سفره می ریزد آن را بردارید و بخورید، اما اگر در صحرا باشید آن را برای پرندگان و حیوانات رها کنید».<sup>۳</sup>
۹. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در صحرا باشید بردارید، هر چند ران گوسفند باشد».<sup>۴</sup>

### حرمت نان و آثار کفران نعمت

علامه مجلسی در اینجا روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده است که غذاهایی را که از سفره بیرون می افتد (هرگاه آلوده نباشد و قابل خوردن باشد) بردارند و تناول کنند و برای آن آثار و فواید بسیاری ذکر شده است. ولی اگر در بیابان باشد برای پرندگان و حیوانات باقی بگذارد. همچنین در مورد غذاهایی که بر اثر سهل انگاری بر روی زمین افتاده، روایات فراوانی ذکر کرده است که باید آن را برداشت و پس از تمیز کردن، تناول کرد و این نشان می دهد که اسلام در مورد استفاده کردن از مواد غذایی و اسراف نکردن، اهمیّت بسیاری قائل است.

۱. دعوات راوندی، ص ۱۳۸، ح ۳۴۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۸.

۳. محاسن، ص ۴۴۵، ح ۳۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، ح ۸.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۵، ح ۱۰۵۴.

### خوابیدن بعد از غذا

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «پس از غذا بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ بگذار.»<sup>۱</sup>

### ترک خدمت کردن به احترام غذا

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام به خادمان خود، یاسر و نادر، فرمود: «اگر به هنگام غذا خوردن من بالای سرتان ایستاده باشم، تا پایان غذا خوردن برنخیزید» و بسیار اتفاق می‌افتاد که یکی از ما را صدا می‌زد، وقتی گفته می‌شد مشغول خوردن غذاست، می‌فرمود: «رهاش کنید تا غذایش را بخورد.»<sup>۲</sup>

۲. در روایتی دیگر، همان دو خادم امام رضا علیه السلام گویند: سیره امام رضا علیه السلام این بود که هرگاه یکی از ما مشغول غذا خوردن بودیم دستوری به ما نمی‌داد تا غذایمان را کامل بخوریم.<sup>۳</sup>

## ۷ در فضیلت برخی غذاها

### مواد غذایی

#### نان

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نان را گرامی بدارید که برای آماده شدن آن، فرشتگان پروردگار از عرش تا زمین و همچنین بسیاری از اهل زمین تلاش کرده‌اند. سپس فرمود: روزی حضرت دانیال نزد

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۲۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۴۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۹۸، ح ۱۰.

۳. همان، ح ۱۱.



ناخدای کشتی‌ای رفت و نانی به او داد تا وی را از آب بگذرانند. کشتی‌بان نان را به دور انداخت و گفت: این نان را چه کنم؛ نزد ما آن قدر نان فراوان است که در زیر دست و پای مردم افتاده و مردم بر آن پا می‌نهند. حضرت دانیال دست به آسمان برد و عرض کرد: «پروردگارا، تو آگاهی این بندهات با نان چه کرد و در مورد آن چه گفت. خدایا، نان را گرامی دار». خداوند به آسمان دستور داد که بر آن مردم باران نبارد و بر زمین وحی کرد که برای آنها گیاهی نرویانند (بر اثر قطع برکات آسمان و زمین) کار آن مردم به جایی رسید که از گرسنگی گوشت مردگانشان را می‌خوردند. هنگامی که حضرت دانیال علیه السلام از این مطلب باخبر شد دست به سوی آسمان برد و عرض کرد: «پروردگارا، فضل و رحمت و برکات خود را بر این مردم بازگردان و اطفال و بیگناهانشان را به گناه کشتی‌بان مجازات نکن». خداوند متعال دعای پیامبرش را اجابت کرد. به آسمان دستور باریدن و به زمین فرمان روییدن داد و حتی دستور جبران گذشته را صادر کرد و فرمود: بر این قوم و اطفال صغیر آنها رحم کردم.<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را گرامی بدارید». پرسیدند: گرامی داشتن نان چگونه است؟ فرمود: «چون نان بر سر سفره حاضر شد بخورید و منتظر غذای دیگری نباشید».<sup>۲</sup>

۳. در حدیثی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوندا، نان ما را پربرکت کن و میان ما و نان جدایی نینداز که اگر نان نباشد نمی‌توانیم نماز بخوانیم و روزه بگیریم و دیگر فرائض خدا را به جا آوریم».<sup>۳</sup>

۴. و در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر سر سفره نان و گوشت حاضر شود،

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸۷، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

- ابتدا نان بخورید تا گرسنگی شما برطرف گردد، سپس گوشت بخورید»<sup>۱</sup>.
۵. در روایتی صحیح و معتبر آمده که امام رضا علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اندازه نان‌ها را کوچک بگیرید که با هر قطعه نانی برکتی است»<sup>۲</sup>.
۶. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «نان را زیر کاسه نگذارید»<sup>۳</sup>.
۷. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «نان را به روش درندگان بو نکنید که نان مبارک است. به کمک آن نماز می‌خوانید و روزه می‌گیرید و حجّ خانه خدا به جا می‌آورید»<sup>۴</sup>.
۸. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان را با کارد نبرید، بلکه آن را با دست تکه کنید» (مگر در مواردی که نبریدن نان، موجب اسراف و دور ریختن قسمت‌هایی از آن شود)<sup>۵</sup>.

#### نان جو

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که در مورد نان جو فرمود: «فضیلت نان جو بر نان گندم، مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم است. و هیچ پیامبری نیست مگر اینکه برای خورنده نان جو و آش جو دعا کرده و خداوند بر آن برکت فرستاده است. و وارد شکم هر که شود، دردهای درون و جودش را بیرون می‌کند. نان جو غذای پیامبران و طعام نیکان است. خداوند غذای پیامبرانش را نان جو قرار داده است»<sup>۶</sup>.

۱. الجعفریات، ص ۱۶۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۸.

۳. محاسن، ص ۵۸۹، ح ۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۳ و ۴ و ص ۳۰۴، ح ۱۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۰۳، ح ۶.

۵. محاسن، ص ۵۸۹، ح ۹۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۴، ح ۱۳ و ۱۴.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۰۴، باب خبز الشعیر، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوراک حضرت رسول صلی الله علیه و آله همواره نان جو بود تا از دنیا رفت».<sup>۱</sup>

#### نان برنجی

۱. و در حدیثی دیگر فرمود: «نان برنجی برای مبتلایان به اسهال و سل مفید است. نان برنجی دردها را از بدن می‌کشد».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مبتلایان به بیماری سل، چیزی نافع‌تر و مفیدتر از نان برنجی نیست».<sup>۳</sup>

#### سویق یا آرد تافته شده

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سویق (آرد تافته شده) غذای نیکویی است. گرسنه را سیر و غذا را هضم می‌کند».<sup>۴</sup>
  ۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سویق به وحی الهی ساخته شده است. گوشت بدن را می‌رویند، استخوان را محکم می‌کند و خوراک پیامبران است. و اگر مبتلایان به بلغم و صفرا، صبح ناشتا سه کف از سویق خشک بخورند بلغم و صفرای آنها برطرف می‌شود».
- سپس در مورد قاووت<sup>۵</sup> فرمود: «قاووت خشک، پیسی را برطرف می‌کند و اگر همراه با روغن زیتون خورده شود، گوشت بدن را می‌رویند و استخوان را

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب خبز الارز، ح ۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب خبز الارز، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب الأسواق، ح ۱.

۵. «قاووت» یا «قاوت» واژه‌ای است ترکی، به معنای آرد نخود که با قهوه و شکر، یا قند کوبیده و مخلوط می‌کنند و بیشتر آن را در سوگواری‌ها می‌خورند (فرهنگ عمید).

- محکم و پوست را لطیف و نازک و قدرت آمیزش را زیاد می‌کند»<sup>۱</sup>.
۳. در سخنی دیگر فرمود: «سویق هفتاد بلا را از بین می‌برد و هر که چهل صبح آن را بخورد بازوانش پر قدرت خواهد شد»<sup>۲</sup>.
۴. و در گفتاری دیگر فرمود: «سویق عطش تشنگی را زایل و معده را پر قدرت و پاک می‌کند و صفرا را فرو می‌نشاند و هیجان خون و حرارت را برطرف کرده و درمان هفتاد درد است»<sup>۳</sup>.
۵. در روایتی صحیح آمده است که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «زنی که خون عادت ماهیانه‌اش قطع نمی‌شود سویق بخورد تا خون قطع گردد»<sup>۴</sup>.

### گوشت و انواع آن

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین غذاها در دنیا و آخرت گوشت (مخصوصاً گوشت سفید) است. مگر نشینده‌ای که خداوند در وصف بهشت فرماید: *وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ*؛ و گوشت پرنده از هر نوع که بخواهند»<sup>۵</sup>.
۲. در روایتی دیگر آمده است که عبدالاعلی و مسمع به امام صادق علیه السلام عرض کردند: از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که خداوند دشمن می‌دارد خانه‌ای را که پر از گوشت است! حضرت فرمود: «روایت صحیح است، ولی معنای آن این نیست که فهمیده‌اند، بلکه منظور حضرت این است که خداوند دشمن می‌دارد خانه‌ای که گوشت مردم را به سبب غیبت کردن بخورند»<sup>۶</sup>.

۱. محاسن، ص ۴۸۸، ح ۵۵۵، ۵۵۷ و ۵۵۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، باب الاسوقه، ح ۲ الی ۴؛ ص ۳۰۶، ح ۶-۸.

۲. محاسن، ص ۴۸۹، ح ۵۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۱ و ۱۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۵. سوره واقعه، آیه ۲۱. محاسن، ص ۴۶۰، ح ۴۰۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۱.

۶. محاسن، ص ۴۶۰، ح ۴۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۸، ح ۵.

۳. و در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار گوشت می خورد و آن را بسی دوست می داشت».<sup>۱</sup>
۴. و نیز در روایتی فرمود: «پدرم گوشت را بسیار دوست داشت و روزی که از دنیا رفت، سی درهم برای خریدن گوشت جدا کرده بود».<sup>۲</sup>
۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ما قریشیان، گوشت را دوست می داریم».<sup>۳</sup>
۶. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خوردن گوشت موجب رویش گوشت در بدن می شود و هر که چهار روز گوشت نخورد بد اخلاق می شود و هر که بد اخلاق شود باید در گوشش اذان بگویند».<sup>۴</sup>
۷. در روایتی دیگر فرمود: «هر که چهار روز بر او بگذرد و گوشت نخورد، بر خدا توکل کند و قرض بگیرد و گوشت بخورد که قرضش ادا می شود».<sup>۵</sup>

#### گوشت گوسفند

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام عرض کرد: اهل خانه ما گوشت گوسفند نمی خورند زیرا معتقدند سودا را به حرکت درمی آورد و بر اثر آن، سردرد و دردهای دیگری تولید می شود. حضرت فرمود: «اگر گوشتی بهتر از گوشت گوسفند وجود داشت، خداوند فدای اسماعیل را گوسفند قرار نمی داد».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۷.  
 ۲. محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۸.  
 ۳. محاسن، ص ۴۶۱، ح ۴۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۹.  
 ۴. محاسن، ص ۴۶۵، ح ۴۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۱.  
 ۵. کافی، ج ۶، ص ۳۰۹، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.  
 ۶. کافی، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۲. در احادیث فراوانی آمده است که: حضرت رسول ﷺ گوشت دست و کتف گوسفند را دوست می داشت و از گوشت ران گوسفند کراهت داشت، زیرا نزدیک محل بول گوسفند است.<sup>۱</sup>

۳. در چندین روایت آمده است که: حضرت آدم ﷺ گوسفندی برای پیامبران از فرزندان خود قربانی کرد. هر عضوی از گوسفند را به پیامبری اختصاص داد و دست آن را برای پیامبر آخر الزمان برگزید. بدین علت رسول مکرّم اسلام ﷺ دست گوسفند را دوست می داشت و بر دیگر اعضای آن ترجیح می داد.<sup>۲</sup>

### گوشت گاو و گاو میش

۱. از امام محمد باقر ﷺ روایت شده است که فرمود: «بنی اسرائیل از بیماری پیسی که در میان آنها شایع شده بود به حضرت موسی ﷺ شکایت کردند. خداوند به پیامبرش وحی کرد که به آنها دستور بده گوشت گاو را با چغندر بخورند».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق ﷺ روایت شده است که فرمود: «آبگوشت گاو پیسی را از بین می برد»<sup>۴</sup> و شیر گاو دوا و روغن گاو شفا و گوشت گاو درد است» (شاید منظور، زیاده روی در خوردن گوشت گاو است).<sup>۵</sup>

۳. از امام موسی بن جعفر ﷺ روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت و شیر و روغن به دست آمده از گاو میش اشکالی ندارد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۳.

۲. محاسن، ص ۴۷۰، ح ۴۵۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۱۰، باب لحم البقر، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، باب لحوم الجوامیس، ح ۱.

### گوشت کبوتر، درّاج و کبک

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چرا از کبوتری که تازه به دنیا آمده باشد و فرد خوش سلیقه‌ای آن را خوب تربیت کرده باشد استفاده نمی‌کنید»<sup>۱</sup>.
۲. در احادیث معتبر آمده است: «هر که می‌خواهد خشمش کم و اندوهش زایل شود، گوشت درّاج بخورد»<sup>۲</sup>.
۳. از امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت کبک، ساق پا را قوی و تب را از انسان دور می‌کند»<sup>۳</sup>.

### گوشت اسفروء، هوبزه و گورخر

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام محمد تقی علیه السلام فرمود: «گوشت اسفروء<sup>۴</sup> مبارک است و پدرم آن را دوست می‌داشت و می‌فرمود: برای هر که زردی دارد بریان کنید و به او بخورانید»<sup>۵</sup>.
۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن گوشت هوبزه<sup>۶</sup> اشکال ندارد و برای درمان بواسیر و درد پشت سودمند است و بر قدرت آمیزش می‌افزاید»<sup>۷</sup>.

۱. محاسن، ص ۴۷۴، ح ۴۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۴. «اسفروء» پرنده‌ای است کوچک و سیاه‌رنگ که آن را سنگخوار هم می‌گویند، به عربی «قطاة» گفته می‌شود (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۱۲، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۶. «هوبزه» پرنده‌ای است وحشی و حلال گوشت، بزرگ‌تر از مرغ خانگی، دارای گردن دراز و بال‌های زرد رنگ خالدار که در عربی به آن «حباری» گویند و در بلاهت به آن مثل می‌زنند. در فارسی ابره، تودره، جرز، چرز، و جرد هم گفته شده و آن را برای گوشتش شکار می‌کنند (فرهنگ عمید).

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۳. در حدیث است که از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد گوشت گورخر پرسیدند. حضرت فرمود: «چون وحشی است<sup>۱</sup> خوردن آن جایز، ولی نخوردنش بهتر است»<sup>۲</sup>.

### گوشت خام

۱. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوردن گوشت خام نهی کرد و فرمود: «این، کار حیوانات درنده است و تا با آفتاب یا آتش پخته نشده، نباید آن را خورد»<sup>۳</sup>.

۲. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خوردن گوشت خام چه حکمی دارد؟ فرمود: «غذای درندگان است»<sup>۴</sup>.

### گوشت خشک

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز خوردنی نیست، ولی انسان را فربه می‌کند: پوشیدن پیراهن کتان، استعمال بوی خوش، استفاده از نوره برای ازاله موهای زاید بدن. و سه چیز خوردنی است، ولی انسان را لاغر می‌کند: گوشت خشک، پنیر، شکوفه خرما. و دو چیز است که به همه چیز نفع می‌رساند و به هیچ چیز ضرر نمی‌زند: آب نیم‌گرم و انار»<sup>۵</sup>.

۲. در روایات بسیاری از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند نهی شده، چرا که دردها را به حرکت درآورده و معده را سست می‌کند.<sup>۶</sup> هر چند در

۱. یعنی مانند الاغ اهلی نیست که گوشت آن مکروه باشد.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۱.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳۱۴، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۴۶۳، ح ۴۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۳ و ۴.



برخی روایات خوردن آن جایز شمرده شده است.<sup>۱</sup>  
 ۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز بدن انسان را فاسد کرده و بسا موجب مرگ انسان شود: خوردن گوشت قدید بدبو، حمّام رفتن با شکم پر و آمیزش با زنان پیر».<sup>۲</sup>

### گوشت ماهی و مرغ

۱. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت ماهی بخورید که اگر بدون نان خورده شود کافی است و اگر با نان بخورید گواراست».<sup>۳</sup>  
 ۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ماهی تازه چربی بدن را آب می‌کند».<sup>۴</sup>  
 ۳. در حدیثی است که کسی به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت: اگر حجامت کنم صفرا به هیجان می‌آید و اگر آن را ترک کنم خون بدن آزارم می‌دهد چه کنم؟ فرمود: «حجامت کن و پس از آن ماهی تازه که با آب و نمک کباب کرده باشند بخور».<sup>۵</sup> او به دستور امام عمل کرد و همواره در عافیت و تندرستی بود.<sup>۵</sup>  
 ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که هر شب ماهی بخورد و پس از آن خرما یا عسل نخورد، ر فالج در بدنش تا صبح متحرک است».<sup>۶</sup>  
 ۵. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه ماهی تناول می‌کرد، می‌فرمود: اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَابْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۴۶۳، ح ۴۲۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۱ و ۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰.

۳. محاسن، ص ۴۷۵، ح ۴۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۲۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۵.

۶. محاسن، ص ۴۷۷، ح ۴۹۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱.

۷. ترجمه: «پروردگارا، برکاتت را در این طعام (ماهی) بر ما نازل فرما و بهتر از آن به ما عنایت کن».<sup>۷</sup> کافی، ج ۶،

ص ۳۲۳، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۲.

۶. در حدیث است که عبدالأعلی می‌گوید: روزی خدمت حضرت صادق علیه السلام غذا می‌خوردم، مرغی آوردند که شکمش را از خرما و روغن پر کرده بودند.<sup>۱</sup>

### غذاهای گوشتی

#### شیر گوشت و آبگوشت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشتی که با شیر پخته باشند آبگوشت پیامبران است».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه ضعف بر مسلمانی غلبه کند، گوشت را با شیر بپزد و بخورد».<sup>۳</sup>
۳. پیامبری از ضعف و سستی بدنش به خداوند متعال شکایت کرد، به او وحی رسید که: «گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوی می‌کند».<sup>۴</sup>
۴. آبگوشتی که نان در آن ترید کنند در روایات بسیاری ستوده شده است.<sup>۵</sup>

#### کباب و خوراک کله

۱. احادیث معتبر بسیاری در مدح کباب آمده است که ضعف را زایل و رنگ بدن را سرخ می‌کند و تب را از بین می‌برد.<sup>۶</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که روزی اصبع بن نبأته خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید. گوشت بریانی نزد آن حضرت نهاده بودند. فرمود:

۱. محاسن، ص ۴۰۸، ح ۱۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، باب الحلواء، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۴۶۸، ح ۴۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۱ و ۳.

۳. محاسن، ص ۴۶۷، ح ۴۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۱۷، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۳۱۸، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۴.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۱۸، ح ۲، ص ۳۱۹، ح ۳ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۴.

«نزدیک بیا و از این گوشت بخور». عرض کرد: یا امیرالمؤمنین برای من ضرر دارد. حضرت فرمود: «دعایی به تو تعلیم می‌دهم که اگر آن دعا را بخوانی هیچ چیز به تو ضرر نمی‌رساند. بگو: بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ مِلًّا الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ».<sup>۱</sup>

۳. مدح کله نیز در احادیث وارد شده، چرا که محلّ تذکيه و قربانی است و از همه اعضای بدن حیوان به چراگاه نزدیک‌تر و از کثافات دورتر است.<sup>۲</sup>

### غذاهای غیر گوشتی

#### آش انار و حلیم

۱. در روایتی معتبر آمده است که: محبوب‌ترین غذاها نزد رسول خدا ﷺ، آش انار بود.<sup>۳</sup>
۲. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «حلیم بخورید که تا چهل روز قوت و قدرت بر عبادت می‌دهد و از جمله غذاهایی است که خداوند جهانیان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرو فرستاد».<sup>۴</sup>
۳. از حضرت امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از پیامبران از ضعف قدرت آمیزش به خداوند شکایت کرد. خداوند برای برطرف شدن این مشکل، به وی سفارش کرد حلیم بخورد».<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «به نام خدایی که نامش بهترین نامهاست؛ به اندازه ظرفیت زمین و آسمان. (خدای) بخشنده و مهربانی که با نام او هیچ درد و چیز دیگری به انسان زبان نمی‌رساند». محاسن، ص ۴۶۹، ح ۴۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۸، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۳.

۳. محاسن، ص ۴۰۱، ح ۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۶، ح ۵.

۴. محاسن، ص ۴۰۴، ح ۸۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۱.

۵. محاسن، ص ۴۰۳، ح ۱۰۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲.

## مثلثه و حلوا و پالوده

۱. «مثلثه» غذایی است که از یک پیمانہ برنج و یک پیمانہ نخود و یک پیمانہ باقلا تہیہ می شود؛ بہ این ترتیب کہ این ہر سہ را می کوبند و سپس می پزند و گاہ بہ جای باقلا، دانہ دیگری می نہادند؛ چنین غذایی در روایات اسلامی مدح شدہ است.<sup>۱</sup>

۲. در حدیث است کہ ہارون بن موفق می گوید: روزی امام موسی بن جعفر علیہ السلام مرا فراخواند تا در خدمتش غذا بخورم. حلوای فراوانی آورده بودند. گفتم: چقدر حلوا! حضرت فرمود: «ما و شیعیان ما از شیرینی آفریدہ شدہ ایم، لذا حلوا را دوست داریم».<sup>۲</sup>

۳. «تلبین» نیز در روایات ستودہ شدہ است و آن حلوای رومی است کہ از آرد و شیر و عسل ساختہ می شود.<sup>۳</sup>

۴. در حدیث است کہ یونس بن یعقوب می گوید: ما در مدینہ سکونت داشتیم. حضرت صادق علیہ السلام کسی را نزد ما فرستاد کہ برای حضرتش پالودہ درست کنیم و فرمود: «مقدار کمی بفرستید». ما ظرفی کوچک درست کردیم و برای حضرت فرستادیم.<sup>۴</sup>

## تخم مرغ

۱. از امام حسن عسکری علیہ السلام روایت شدہ است کہ فرمود: «تخم (مرغ) سبک است و خواص گوشت را دارد و ضررہای آن را ندارد».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۳.  
 ۲. محاسن، ص ۴۰۸، ح ۱۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۱.  
 ۳. محاسن، ص ۴۰۵، ح ۱۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۲.  
 ۴. محاسن، ص ۴۰۸، ح ۸۳۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۱، ح ۴.  
 ۵. محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۲ و ۵۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۱.

۲. کسی به امام رضا علیه السلام از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «استغفار کن و تخم مرغ را با پیاز بخور».<sup>۱</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی از کمی فرزند به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که تخم (مرغ) با گوشت بخور».<sup>۲</sup>
۴. در سخنی دیگر فرمود: «زرده تخم (مرغ) سبک و سفیده اش سنگین است».<sup>۳</sup>
۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد تخم مرغ خوردن، فرزند را زیاد می‌کند».<sup>۴</sup>

## لبنیات

### شیر

۱. کسی به امام باقر علیه السلام از ضعف بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «شیر بخور که گوشت را می‌رویاند و استخوان را محکم می‌کند».<sup>۵</sup>
۲. از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صاحب فرزند نمی‌شود شیر با عسل بخورد».<sup>۶</sup>
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر خوراک پیامبران است».<sup>۷</sup>
۴. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: با خوردن شیر اذیت شدم.

---

۱. محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۲.  
 ۲. محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۳.  
 ۳. محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۵.  
 ۴. محاسن، ص ۴۸۱، ح ۵۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۴.  
 ۵. محاسن، ص ۴۹۲، ح ۵۸۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۷.  
 ۶. محاسن، ص ۴۹۲، ح ۵۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۸.  
 ۷. محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۶.

حضرت فرمود: «شیر آسیبی به بدن انسان نمی‌رساند، (شاید) با شیر چیز دیگری خورده‌ای که آن باعث آزار تو شده است».<sup>۱</sup>

#### شیر گاو و شتر

۱. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «از شیر گاو استفاده کنید که از همه درختان تغذیه می‌کند و خاصیت همه گیاهان در شیر آن هست».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر گاو دواست».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شیر گاو برای ناراحتی‌های معده مفید است».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیر شتر شفای همه دردهاست».<sup>۵</sup>
۵. در حدیثی آمده است که هرگاه رسول خدا ﷺ شیر می‌خورد می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَزِدْنَا مِنْهُ».<sup>۶</sup>

#### ماست و پنیر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس می‌خواهد ماست به او آسیبی نرساند آن را با زنیان<sup>۷</sup> تناول کند».<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۲. محاسن، ص ۴۹۳، ح ۵۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۳۷، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۴۹۳، ح ۵۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۸، ح ۲.

۶. ترجمه: «خدایا، آنچه را آشامیدیم بر ما مبارک گردان و از آن نعمت بر ما بیفز».<sup>۷</sup> محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۱.

۷. «زنیان» تخمی است زرد رنگ و خوشبو و طعم آن اندکی تند و تلخ است. گاه آن را روی نان می‌ریزند. جوانی، نانخواه، زنیان، زنیان و ساسم هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۸. کافی، ج ۶، ص ۳۳۸، باب الماست، ح ۱.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنیر را دوست می دارم».<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن پنیر به هنگام صبح مضر است، اما در شب نافع و سودمند است و موجب تولد فرزند می شود».<sup>۲</sup>
۴. در چندین حدیث آمده که: اگر پنیر و مغز گردو را با هم بخورید دواست، ولی هر یک به تنهایی درد است.<sup>۳</sup>

## دیگر مواد غذایی

### سرکه

۱. روایات بسیاری در مدح سرکه وارد شده<sup>۴</sup>، از جمله این که: سرکه خوراک پیامبران است. و روایت شده است که: بهترین نان خورش ها برای رسول خدا صلی الله علیه و آله سرکه بود؛ به همین علت فرمود: «خانه ای که در آن سرکه باشد خالی از نان خورش نیست».<sup>۵</sup>
۲. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه نان خورش نیکویی است، صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده می کند».<sup>۶</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه ای که از شراب درست شده (یعنی شراب به سرکه تبدیل شده) باشد، کرم معده را می کشد و ریشه دندان را محکم و عقل را قوی و شهوت را قطع می کند».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۴۹۵، ح ۵۹۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۹، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، باب الجبن و الجوز، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۱-۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹.

۶. محاسن، ص ۴۸۶، ح ۵۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۷.

۷. انگور معمولاً نخست تبدیل به شراب و پس از مدتی تبدیل به سرکه می شود. محاسن، ص ۴۸۷، ح ۵۵۰؛

کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹.

۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «بنی اسرائیل در ابتدا و انتهای غذای خود سرکه می‌خوردند و ما در اوّل غذا مقداری نمک و در آخر آن سرکه می‌خوریم».<sup>۱</sup>

#### روغن زیتون

۱. در احادیث بسیار، خوردن روغن زیتون و مالیدن آن بر بدن سفارش شده است.<sup>۲</sup>
۲. در روایتی آمده است که: «زیتون نان خورش پیامبران و برگزیدگان است».<sup>۳</sup>
۳. مدح و ستایش میوه زیتون نیز در روایات بسیاری وارد شده است که میوه زیتون بادهای بدن را بیرون می‌کند.<sup>۴</sup>

#### روغن گاو و عسل

۱. در مدح روغن، به خصوص روغن گاو، احادیث بسیار است ولی برای بزرگسالان بالای پنجاه سال منع شده است.<sup>۵</sup>
۲. و نقل شده است که روغن گاو شفاست.<sup>۶</sup>
۳. به چند سند از ائمه طاهریین علیهم‌السلام روایت شده است که فرمودند: «هیچ چیز مانند عسل شفابخش نیست. عسل شفای هر دردی است. خوردن عسل و تلاوت قرآن و جویدن کُندر، بلغم را می‌گدازد».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۱۲.

۲. محاسن، ص ۴۸۴، ح ۵۳۱، و ص ۴۸۵، ح ۵۳۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴، ص ۳۳۲، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۴. محاسن، ص ۴۸۳، ح ۵۲۶ و ص ۴۸۴، ح ۵۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۵.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۴.

۶. محاسن، ص ۴۹۸، ح ۶۰۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۵، ح ۱.

۷. محاسن، ص ۴۹۸، ح ۶۱۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۲، ح ۲.



### شکر و گردو

احادیث فراوانی در مدح و وصف شکر وارد شده است.<sup>۱</sup> منظور از شکر هر چیزی است که از شکر درست کنند مانند قند، نبات، نقل و جز اینها (البته شکر در زمان قدیم به صورتی سالم‌تر از امروز تهیه می‌شد).

۱. روایت شده است که امام کاظم علیه السلام هنگام خواب، شکر تناول می‌فرمود.<sup>۲</sup>  
 ۲. و در روایت آمده است که شکر برای هر چیزی سودمند است و بلغم را برطرف می‌کند.<sup>۳</sup>

۳. در حدیث آمده است که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و جز آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر خریداری کند، اسرافکار شمرده نمی‌شود.<sup>۴</sup>  
 از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مغز گردو در تابستان، حرارت درونی انسان را به حرکت درآورده و باعث ایجاد دمل می‌شود و در زمستان، کلیه‌ها را گرم و سرما را از بین می‌برد».<sup>۵</sup>

### دعای پس از خوردن و آشامیدن

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از هر خوردن و نوشیدنی به پیشگاه خدا عرض می‌کرد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا وَابْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۲ و ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۷.  
 ۲. محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۲، باب السكر، ح ۱.  
 ۳. محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۳، ح ۴، ص ۳۳۴، ح ۱۰.  
 ۴. کافی، ج ۶، ص ۳۳۴، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸.  
 ۵. محاسن، ص ۴۹۷، ح ۶۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱.  
 ۶. ترجمه: «خداوندا، آنچه را خوردیم بر ما مبارک گردان و بهتر از آن را به ما عطا فرما». محاسن، ص ۴۹۱، ح ۵۷۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۱.

## ۸ سبزی‌ها و میوه‌ها و دیگر خوراکی‌ها

### سبزی‌ها

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگز غذایی نزد حضرت علی علیه السلام نهندند مگر اینکه سبزی خوردن در کنار آن بود».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «دل‌های مؤمنان سبز است و به سبزی علاقه‌مند».<sup>۲</sup>

### کاسنی

۱. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس شب بخوابد و هفت بر کاسنی در معده‌اش باشد، آن شب از قولنج در امان است».<sup>۳</sup>
۲. نیز در سخنی فرمود: «کسی که دوست دارد مال و فرزندش زیاد شود، بر کاسنی زیاد بخورد».<sup>۴</sup>
۳. در گفتاری دیگر فرمود: «کاسنی سبزی نیکویی است. هیچ برگی از کاسنی نیست مگر اینکه قطره‌ای از آب بهشت بر روی آن هست؛ پس، در هنگام خوردن آن را فشار ندهید که قطراتش بریزد».<sup>۵</sup>
۴. نیز در حدیثی فرمود: «کاسنی بهترین سبزی‌هاست. فرزندان را بسیار نیکو می‌کند و پسر می‌آورد».<sup>۶</sup>
۵. در گفته‌ای دیگر فرمود: «فضیلت کاسنی بر دیگر سبزی‌ها، مانند فضیلت ما بر سایر مخلوقات است».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب البقول، ح ۲.

۲. محاسن، ص ۵۰۷، ح ۶۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب البقول، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۵۰۹، ح ۶۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۲، باب ما جاء فی الهندباء، ح ۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۷. محاسن، ص ۵۰۹، ح ۶۷۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۷.

۶. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی شفای همه دردهاست. هیچ دردی در بدن انسان نیست مگر اینکه کاسنی آن را از بیخ و بن قطع می‌کند».<sup>۱</sup>

۷. در حدیث است که حضرت رضا علیه السلام در مورد کسی که تب و سردرد داشت فرمود: «کاسنی را بکوبند و بر کاغذی پهن کنند و بر روی آن روغن بنفشه بریزند، سپس بر پیشانی اش بگذارند که تب و سردرد را قطع می‌کند».<sup>۲</sup>

#### بادروج

۱. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کاسنی سبزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و بادروج<sup>۳</sup> سبزی امیرالمؤمنین علیه السلام و بر خرفه سبزی حضرت فاطمه علیه السلام بوده است».<sup>۴</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «کاسنی و بادروج از ماست».<sup>۵</sup>

۳. در مورد بادروج احادیث بسیاری وارد شده است که باید اول غذا خورده شود و «سُدّه»<sup>۶</sup> را باز می‌کند و بر اشتها می‌افزاید و سل را از بین می‌برد و آروغ را خوشبو می‌کند و انسان را نسبت به خوره، ایمن می‌سازد و چون در شکم قرار گیرد همه دردها را برطرف می‌کند.<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۶۳ ادامه حدیث ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۳. «بادروج» ریحان کوهی، نوعی ریحان، گیاهی است دارای برگ‌های ریز و گل‌های سرخ رنگ. به معنای گل بستان افروز هم گفته‌اند. بادرویه و بورنگ و بوبینگ هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۱۰.

۵. همان، ص ۳۶۸.

۶. «سُدّه» در اصطلاح طب به چیزی گفته می‌شود که در روده گیر کرده و سدّ راه می‌شود (فرهنگ عمید).

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳ و ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۹.

تره

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مورد کسی که طحالش دچار عارضه شده بود فرمود: «سه روز به او تره بخورانید خوب می شود». به فرمایش امام عمل کردند و او بهبود یافت.<sup>۱</sup>
۲. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تره بخورید که چهار خاصیت در آن است: بوی بد دهان را برطرف، بادهای بدن را بیرون، بواسیر را قطع می کند و هر کس مداومت بر آن کند از خوره در امان خواهد بود».<sup>۲</sup>
۳. در روایت آمده است که: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تره را با نمک ساییده تناول می فرمود.<sup>۳</sup>

تره تیزک (سبزی شاهی) و کرفس

۱. در حدیث است که خادم امام کاظم علیه السلام می گوید: هرگاه حضرت دستور می داد سبزی بخیریم می فرمود تره تیزک هم بخیرید و می فرمود: «برخی مردم چقدر احمق اند که می گویند تره تیزک در کنار رودخانه جهنم می روید، در حالی که خداوند فرماید: آتش افروز جهنم، مردم و سنگ بت ها یا سنگ کبریت است<sup>۴</sup>، پس چگونه ممکن است سبزی در جهنم بروید».<sup>۵</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده، امام صادق علیه السلام از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آورده

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۲. محاسن، ص ۵۱۰، ح ۶۷۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۳۶، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸.

۴. سوره بقره، آیه ۲۴؛ سوره تحریم، آیه ۶.

۵. برخی این روایت را حمل بر تقیه کرده اند. محاسن، ص ۵۱۸، ح ۷۱۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۴.

است که فرمود: «کرفس بخورید که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون علیهم السلام بوده است».<sup>۱</sup>

#### گشنیز و برگ خرفه

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن سیب ترش و گشنیز حافظه را کم می‌کند».<sup>۲</sup>
۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سبزی ای شریف‌تر و سودمندتر از خرفه بر روی زمین نیست و آن سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است».<sup>۳</sup>

#### کاهو و برگ چغندر

۱. در حدیثی دیگر فرمود: «کاهو بخورید که خون را صاف می‌کند».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به بیمارانتان بر چغندر بخورانید که در آن شفاست. دردی در آن نیست و ضرری ندارد. بیمار را به خواب راحت می‌برد و ریشه چغندر، سودا را به حرکت درمی‌آورد».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «چیزی مانند بر چغندر وارد شکم صاحب ذات الجنب <sup>۶</sup> نشده است».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۵۱۵، ح ۷۰۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکرفس، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکزبرة، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الفرفخ، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۴. محاسن، ص ۵۱۴، ح ۷۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الخس، ح ۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۴.

۶. به ورم برده درونی پهلو که باعث درد پهلو و تب و تنگی نفس و سرفه می‌شود، ذات الجنب می‌گویند (فرهنگ عمید) و در فارسی امروز به آن سینه پهلو گفته می‌شود.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.

## چغندر

۱. از حضرت امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بیماری خوره را از یهودیان با خوردن چغندر و بیرون آوردن ر های گوشت دور کرد».<sup>۱</sup>
۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چغندر، سبزی نیکویی است».<sup>۲</sup>

## کدو و ترب

۱. در چندین روایت آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله کدو را دوست می داشت<sup>۳</sup> و به همسرانش سفارش می کرد که در غذا بسیار کدو بریزند».<sup>۴</sup>
۲. و در حدیثی آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام سفارش کرد: «کدو فراوان بخور که عقل انسان را بسیار می کند».<sup>۵</sup>
۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ترب سه خاصیت دارد: برگش بادهای بدن را بیرون و تخمش غذا را هضم و ریشه اش بلغم را قطع می کند».<sup>۶</sup>
۴. و در حدیثی دیگر فرمود: «برگش مدرّ است».<sup>۷</sup>
۵. و در سخنی دیگر فرمود: «تخمش (نیز) مدرّ است».<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، باب السلق، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.

۲. محاسن، ص ۵۲۰، ح ۷۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۰، باب الکماة، ح ۲.

۴. محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۶.

۵. محاسن، ص ۵۲۱، ح ۷۳۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۷.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، باب الفجل، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.

۷. محاسن، ص ۵۲۴، ح ۷۴۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، دنباله ح ۲.

۸. کافی، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱.

### گزر (هویج، زردک) و شلغم

۱. در روایتی معتبر از امام ششم و هفتم علیهما السلام آمده است که فرمودند: «خوردن هویج بر قدرت آمیزش می افزاید و از قولنج امان می دهد و بواسیر را درمان می کند»<sup>۱</sup>.
۲. در چهار حدیث صحیح و معتبر آمده است که: شلغم بخورید و بر آن مداومت کنید، زیرا شلغم زمینه بیماری خوره را که در همه هست از بین می برد.<sup>۲</sup>

### خیار و بادمجان

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله خیار را با نمک تناول می کرد.<sup>۳</sup>
  ۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیار را از ته آن بخورید که باعث برکت می شود».<sup>۴</sup>
  ۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بادمجان بخورید که درد را می برد و با آن دردی نیست».<sup>۵</sup>
- احادیث فراوانی در مدح بادمجان و منافع آن وارد شده است.<sup>۶</sup>

### پیاز

۱. در چندین روایت از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: «پیاز بوی بد دهان را از بین می برد، بلغم را زایل می کند، سستی و واماندگی را برطرف می سازد،

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۷۲، باب الجزر، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۴.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۳۷۲، باب السلجم، ح ۱-۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.  
 ۳. کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب القناء، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.  
 ۴. کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب القناء، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.  
 ۵. محاسن، ص ۵۲۶، ح ۷۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب الباذنجان، ح ۱.  
 ۶. کافی، ج ۶، ص ۳۷۳، باب الباذنجان، ح ۲ و ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

ریشه دندانها را محکم می‌کند، بر قدرت آمیزش می‌افزاید، نسل را زیاد می‌کند، تب را قطع و پوست را لطیف می‌کند».<sup>۱</sup>

۲. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «به هر شهری سفر کردید پیاز همان شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور می‌کند».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیاز و تره را خام و پخته خوردن اشکالی ندارد، اما هر که آن را می‌خورد وارد مسجد نشود که کراهت دارد، زیرا کسی که نزد او می‌نشیند (از بوی دهانش) اذیت می‌شود».<sup>۳</sup>

### سیر و آویشن

۱. در حدیثی امام محمد باقر علیه السلام آورده است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «هر کس سیر بخورد به خاطر بوی بد آن به مسجد نرود. اما کسی که قصد ندارد به مسجد برود می‌تواند سیر بخورد».<sup>۴</sup>

۲. در احادیث در مدح آویشن آمده که: معده را تقویت می‌کند و اگر صبح ناشتا آن را نرم کنند و بر روی زبان بریزند و بخورند رطوبت معده را از بین می‌برد.<sup>۵</sup>

### قارچ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «قارچ جزء من ترنجبین» است که بر بنی اسرائیل نازل شد.<sup>۶</sup> و من ترنجبین (از بهشت آمده و آبش شفای چشم است».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۷۴، باب البصل، ح ۴-۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۳۷۴، باب البصل، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲.  
 ۳. کافی، ج ۶، ص ۳۷۵، باب الثوم، ح ۲.  
 ۴. همان، ص ۳۷۴، باب الثوم، ح ۱.  
 ۵. همان، ص ۳۷۵، باب اسعته، ح ۱ و ۲.  
 ۶. در آیه ۵۷ سوره بقره به این موضوع اشاره شده است.  
 ۷. کافی، ج ۶، ص ۳۷۰، باب الکماة، ح ۲؛ محاسن، ص ۵۲۷، ح ۷۶۱.



## میوه‌ها

### انگور

۱. در روایتی آمده است که یکی از پیامبران از اندوه به خدا شکایت کرد. وحی آمد که انگور بخور.<sup>۱</sup>
۲. در احادیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت نوح علیه السلام از کشتی فرود آمد مشاهده استخوان مرده‌ها، اندوهی بزرگ در وجودش پدید آورد. از این غم به خدا شکایت کرد. به او وحی رسید که انگور سیاه بخور تا اندوه تو زایل شود».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی آمده است که امام سجّاد انگور را بسیار دوست می‌داشت. روزی روزه بود، هنگام افطار همسرش خوشه‌ای انگور برای آن حضرت آورد، در حالی که ابتدای فصل انگور بود. فقیری رسید و حضرت انگور را به او داد. زن به دنبال فقیر رفت و خوشه انگور را از وی خرید و نزد حضرت گذاشت. نیازمند دیگری از راه رسید و حضرت انگور را به او داد. بار دیگر آن زن در پی سائل رفت و انگور را از وی خرید و نزد حضرت نهاد. این کار چهار بار تکرار شد، تا امام در مرتبه چهارم انگور را تناول فرمود.<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که ابو عکاشه خدمت امام باقر علیه السلام رسید، انگوری نزد وی نهادند. حضرت فرمود: «کهنسالان و کودکان انگور را دانه دانه بخورند و هر که بترسد سیر نشود سه دانه و چهار دانه بخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحب است».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۲. محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۰، کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۶.

## مویز (کشمش)

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح ناشتا (پیش از صبحانه) بیست و یک دانه مویز سرخ بخورد، تمام بیماری‌هایش درمان می‌شود، جز مرگ».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کشمش طائف، عصب‌های بدن را محکم و انسان را شاد می‌کند و ملالت و ضعف را از بین می‌برد».<sup>۲</sup>

## انار

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «میوه صد و بیست نوع دارد و بهتر از همه انار است».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «انار بخورید که گرسنه را سیر و غذای انسان سیر را هضم می‌کند».<sup>۴</sup>
۳. در سخنی دیگر فرمود: «هیچ میوه‌ای نزد پیامبر محبوب‌تر از انار نبود».<sup>۵</sup>
۴. در حدیثی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق فرمود: «انار شیرین بخورید که هیچ دانه‌ای از آن وارد معده مؤمن نمی‌شود مگر اینکه دردی را برطرف و وسوسه شیطان را از وی دور می‌کند».<sup>۶</sup>
۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) یک انار بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۱، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۴.

۳. محاسن، ص ۵۳۹، ح ۸۲۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۲.

۴. محاسن، ص ۵۴۰، ح ۸۲۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۱.

۵. محاسن، ص ۵۴۱، ح ۸۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۲، ح ۳.

۶. محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۵۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۰.

۷. محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۳، ح ۱۱.

۶. در سخنی دیگر فرمود: «انار را با پیه آن (بر نازکی که میان انبوه دانه‌های انار است) بخورید که معده را دباغی می‌کند و بر شعور آدمی می‌افزاید».<sup>۱</sup>
۷. و در گفتاری دیگر فرمود: «انار ترش و شیرین برای بدن شایسته‌تر است».<sup>۲</sup>

#### سیب

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سیب معده را جلا می‌دهد».<sup>۳</sup>
۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب برای از بین بردن اثر زهر، سحر، استیلائی اجنه، غلبه بلغم مؤثر است و هیچ چیز نفعش از آن بیشتر نیست».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سه چیز است که ضرری نمی‌رساند: انگور رازقی، نیشکر، سیب».<sup>۵</sup>
۴. در روایات معتبر آمده است که خوردن سیب، تب و رعاف (خون دماغ) و طاعون را درمان می‌کند.<sup>۶</sup>
۵. نیز در حدیثی معتبر آمده است که سویق سیب خشک، خون دماغ را قطع می‌کند.<sup>۷</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ دوایی در از بین بردن

۱. محاسن، ص ۵۴۲، ح ۸۳۹؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۴، ح ۱۲.

۲. محاسن، ص ۵۴۳، ح ۸۴۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۴، ح ۱۴.

۳. محاسن، ص ۵۵۳، ح ۹۰۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۵، ح ۱.

۴. محاسن، ص ۵۵۳، ح ۸۹۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۵۵، ح ۲.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۱۶۸.

۶. محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۸۹ و ۵۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳ و ص ۳۵۶، ح ۴.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۶.

- زهر، بهتر از خوراک آرد سیب نیست».<sup>۱</sup>
۷. در سخنی دیگر فرمود: «اگر مردم بدانند چه منفعت‌هایی در سیب است بیماران خود را جز با آن معالجه نمی‌کنند».<sup>۲</sup>
۸. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سیب بخورید که معده را دبّاغی می‌کند».<sup>۳</sup>

به

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن به، دل ضعیف را قوی، معده را پاکیزه و آدمی را زیرک و مرد ترسو را شجاع می‌کند».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «به، رنگ را صاف و فرزند را نیکو می‌کند».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی معتبر آمده است که آن حضرت فرمود: «هر کس یک به بخورد، حق تعالی تا چهل روز حکمت را بر زبانش جاری می‌سازد».<sup>۶</sup>
۴. در سخنی دیگر فرمود: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر آنکه بوی به با او بوده است».<sup>۷</sup>
- و در ادامه فرمود: «به، اندوه اندوهگین را می‌برد همان‌گونه که دست، عرق جبین را می‌گیرد».<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۷.

۲. محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۹۱، کافی، ج ۶، ص ۳۵۶، ح ۱۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱.

۴. محاسن، ص ۵۵۰، ح ۸۸۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱.

۵. محاسن، ص ۵۴۹، ح ۸۷۳، کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۲.

۶. محاسن، ص ۵۴۸، ح ۸۷۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۵.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲.

۸. محاسن، ص ۵۵۰، ح ۸۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۷.

۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناشتا (پیش از صبحانه) به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه و فرزندش خوشرو می‌شود».<sup>۱</sup>

#### انجیر

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف و استخوان را محکم می‌کند و مو را می‌رویاند. وبا وجود آن، نیاز به داروی دیگری نیست و شبیه‌ترین میوه به میوه‌های بهشت است».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر، گرفتگی روده‌ها را درمان می‌کند و برای بادهای قولنج، سودمند است. در روز بسیار بخورید ولی در شب زیاد نخورید».<sup>۳</sup>
۳. نیز روایت شده است که: «انجیر، بواسیر<sup>۴</sup> و نقرس<sup>۵</sup> را درمان می‌کند و بر قوت آمیزش می‌افزاید».<sup>۶</sup>

#### گلابی و آلو

۱. در حدیثی با سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می‌دهد و دردهای درونی بدن را به امر و فرمان پروردگار ساکت می‌کند».<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۵۴۹، ح ۸۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۳.

۲. محاسن، ص ۵۴۴، ح ۹۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱.

۳. طب الأئمة، ص ۱۳۷.

۴. «بواسیر» ورم دردناک رگ‌های مقعد است که گاه از آن خون می‌آید و بیشتر به سبب یبوست مزمن، یا نشستن زیاد، به خصوص نشستن سر پا تولید می‌شود و با عمل جراحی معالجه می‌شود (فرهنگ عمید).

۵. «نقرس» ورم و آماس و درد شدیدی است که در پا و بند انگشتان به خصوص شست پا بروز می‌کند (فرهنگ عمید).

۶. مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۵.

۲. در حدیث معتبر دیگری آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «گلابی معده را دبّاغی می‌کند و به آن قوّت و قدرت می‌دهد و پس از غذا، نافع تر است از ناشتا خوردن».<sup>۱</sup>

۳. در روایتی دیگر فرمود: «گلابی برای درمان قولنج نافع است».<sup>۲</sup>

۴. در حدیث است که زیاد قندی می‌گوید خدمت امام موسی کاظم علیه السلام رسیدم. ظرفی آب نزد حضرت بود که در آن آلوی سیاه ریخته شده بود. حضرت فرمود: «حرارتی بر من مستولی و غالب شده بود. آلوی تازه، حرارت را فرو می‌نشاند و صفرا را ساکن می‌کند. و آلوی خشک، خون را ساکن کرده و دردهای کهنه را از بدن می‌کشد».<sup>۳</sup>

#### ترنج و سنجد

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام از کسی پرسید: «اطبّای شما در مورد ترنج چه می‌گویند؟» عرض کرد: می‌گویند باید پیش از غذا خورد. حضرت فرمود: «من می‌گویم پس از غذا بخورید».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ترنج بخورید که آل محمد آن را می‌خوردند».<sup>۵</sup> و نان خشک، ترنج را هضم می‌کند».<sup>۶</sup>

۳. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله نگاه

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲.

۲. روایتی به این مضمون یافت نشد؛ اما در کافی (ج ۶، ص ۳۵۸) حدیثی به شرح زیر هست که قابل تطبیق بر مضمون بالاست. امام صادق علیه السلام فرمود: گلابی بخورید که قلب را جلا می‌دهد و بیماری‌ها و دردهای داخلی را تسکین می‌بخشد».

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۵.

۴. محاسن، ص ۵۵۵، ح ۹۰۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۵۵۵، ح ۹۰۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۳.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۴.

کردن به ترنج سبز و سیب سرخ را دوست می داشت.<sup>۱</sup>

نکته: عرب به لیمو و نارنج هم ترنج می گوید.

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن مغز سنجد گوشت، پوستش پوست و استخوانش استخوان را می رویاند. خوردن سنجد کلیه ها را گرم و معده را دباغی می کند. و انسان را از بواسیر و ریزش بول حفظ می کند و ساق پا را قوت می دهد و ریشه خوره را قطع می کند.»<sup>۲</sup>

### خرما

۱. در احادیث معتبر نقل شده که: «پنج میوه از بهشت آمده است: انار ملس، سیب شامی، به، انگور رازقی، رطب مشان.»<sup>۳</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که هرگاه چند نوع غذا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله می آوردند که در میان آنها خرما بود، خوردن را از خرما آغاز می کرد.<sup>۴</sup>
۳. در حدیث است که حضرت علی بن الحسین علیه السلام خرما را دوست می داشت.<sup>۵</sup>
۴. در حدیث است که سلیمان بن جعفر می گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. ظرفی از خرماي برنی نزد آن حضرت بود و امام با اشتها و اشتیاق از آن تناول می کرد. فرمود: «سلیمان، نزدیک بیا و از این خرما بخور». عرض کردم: فدایت شوم بسیار جدی و از روی اشتها تناول می کنید! فرمود: «آری، دوست دارم چرا که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم امام کاظم علیه السلام همگی

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۰، ح ۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۰.

۴. محاسن، ص ۵۳۱، ح ۷۸۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، باب التمر، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۵۳۱، ح ۷۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۳.

خرما را دوست داشتند. من نیز خرما را دوست دارم و شیعیان ما هم دوست دارند، زیرا شیعیان ما از طینت ما خلق شده‌اند. و دشمنان ما شراب را دوست دارند، زیرا آنها از آتش خلق شده‌اند»<sup>۱</sup>.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روزی هفت دانه خرمای عجوه که از خرماهای اطراف مدینه است، ناشتا (پیش از صبحانه) بخورد، هیچ زهر و سحر و شیطانی به او آسیب نمی‌رساند»<sup>۲</sup>.

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب، هفت دانه خرمای عجوه بخورد، کرم‌های شکمش از بین می‌رود»<sup>۳</sup>.

۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دود چوب درخت خرما، حشرات و گزندگان زمین را دور می‌کند»<sup>۴</sup>.

#### خریزه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خریزه بخورید که دارای ده ویژگی است: زیانی ندارد، خوردنی است (جنبه غذایی دارد)، آشامیدنی است (مایع مورد نیاز بدن را تأمین می‌کند)، میوه است، گل است (خاصیت میوه و گل را دارد)، نوعی مواد شوینده محسوب می‌شود و دهان را پاک می‌کند، نان خورش است، بر قدرت آمیزش می‌افزاید، مthane را شسته و سنگ مthane را از طریق ادرار دفع می‌کند»<sup>۵</sup>.

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن خریزه پیش از

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۶.

۲. محاسن، ص ۵۳۲، ح ۷۸۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۱۹.

۳. محاسن، ص ۵۳۳، ح ۷۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۲۰.

۴. محاسن، ص ۵۴۵، ح ۸۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱۸.

۵. خصال، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.



صبحانه موجب فلج شدن است»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خربزه را با رطب تناول می‌کرد و این کار را دوست می‌داشت.<sup>۲</sup>

### آداب میوه خوردن

۱. از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام میوه خوردن بسم الله بگوید آسیبی به وی نمی‌رسد».<sup>۳</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ میوه تازه (نوبر) می‌دید، آن را می‌بوسید و بر هر دو دیده می‌نهاد و می‌فرمود: **اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَاهَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ**».<sup>۴</sup>

۳. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «کندن پوست میوه‌ها (بی که با پوست قابل خوردن است) کراهت دارد».<sup>۵</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «بر روی هر میوه‌ای زهری است، آن را پیش از خوردن بشوید».<sup>۶</sup>

۵. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدند: انجیر و خرما و دیگر میوه‌ها (ی مانند آن) را دو تا دو تا خوردن چه حکمی دارد؟ فرمود: «حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از این کار نهی کرد؛ پس اگر تنها باشید به هر صورت که بخواهید بخورید و اگر با جمعی از مسلمانان می‌خورید چنین نکنید

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، باب البطیخ، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۶۱، باب البطیخ، ح ۱-۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۷۰.

۴. ترجمه: «پروردگارا، همان‌گونه که در ابتدای فصل، این میوه را در حال عافیت به ما دادی، تا انتهای فصل آن را در حال عافیت به ما عنایت فرما». مکارم الأخلاق، ص ۱۴۶ و ۱۷۰.

۵. محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۳.

۶. محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۰، ح ۴.

و یک دانه یک دانه بخورید».<sup>۱</sup>

۶. در روایتی معتبر آمده است که روزی حضرت رضا علیه السلام دید خادمانش میوه‌ای را نیم‌خورده، دور انداخته‌اند. فرمود: «سبحان الله، اگر شما بی‌نیاز شده‌اید، دیگران بی‌نیاز نیستند، آن را به کسی که نیاز دارد بدهید».<sup>۲</sup>
۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «باید انگور و انار را با دو دست خورد». (با یک دست بگیرند و با دست دیگر بخورند).<sup>۳</sup>

## حبوبات

### برنج

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برنج غذای نیکو و خوبی است. روده‌ها را باز و بواسیر را درمان می‌کند».<sup>۴</sup>
۲. در چند حدیث آمده است که: ما بیماران خود را با برنج مداوا می‌کنیم.<sup>۵</sup>
۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از درد شکم شکایت کرد. حضرت فرمود: «برنج را بشوی و در سایه خشک کن و اندکی از آن را بریان کن و نرم بکوب و هر صبح یک کف دست از آن بخور».<sup>۶</sup>
۴. در روایتی دیگر آمده است که: آن حضرت دل درد داشت، دستور داد برنج را با سماق بپزند و چون تناول کرد، درد برطرف شد.<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۴۴۲، ح ۳۱۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۹، باب ۲۹۴، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۴۴۱، ح ۳۰۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۸.

۳. محاسن، ص ۵۵۶، ح ۹۱۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۴. محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۵.

۶. محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۶.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۷.

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای سل چیزی سودمندتر از نان برنج نیست».<sup>۱</sup>

۶. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نان برنج برای مبتلایان به اسهال و سل مفید است و دردها را از بدن می‌کشد».<sup>۲</sup>

#### نخود بریان و عدس

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام قبل و بعد از غذا، نخود بریان تناول می‌فرمود.<sup>۳</sup>

۲. در روایات معتبر و بسیاری آمده است که: خوردن عدس، دل را نرم و اشک را جاری می‌کند.<sup>۴</sup>

#### باقلا و لوبیا و ماش

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: باقلا ساق پاها را پرمغز و قدرت مغز را زیاد و خون تازه تولید می‌کند.<sup>۵</sup>

۲. در روایتی دیگر آمده است که: باقلا را با پوست بخورید که معده را دبّاخی می‌کند.<sup>۶</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن لوبیا بادهای درونی را بیرون می‌کند».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۵۰۵، ح ۶۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۴۳، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۵. محاسن، ص ۵۰۶، ح ۶۴۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، باب الباقلی و اللوبیا، ح ۱.

۶. محاسن، ص ۵۰۶، ح ۶۵۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، باب الباقلی و اللوبیا، ح ۳.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۴.

۴. کسی از بهق<sup>۱</sup> به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «ماش را پخته و به غذایت اضافه کن و آن را بخور».<sup>۲</sup>

### خوردن خاک و گل

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس گل بخورد و بمیرد، در خون خود شریک است».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت آدم علیه السلام را از خاک آفرید، به همین علت خوردن خاک را بر فرزندان او حرام کرد».<sup>۴</sup>
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بزرگترین دام‌های شیطان، خوردن خاک و گل است که دردهایی در بدن ایجاد می‌کند و موجب خارش بدن و بواسیر می‌شود و دردهای سوداوی معلول آن است و قوت را از ساق پا می‌برد و هر چه از قوتش به سبب خوردن خاک و گل کم شده و در نتیجه از اعمال خیرش کاسته شده، در قیامت بازخواست خواهد شد و سپس عذاب می‌شود».<sup>۵</sup>
۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه‌های شیطان است: خوردن گل، خرد کردن گل خشک شده با دست، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش».<sup>۶</sup>
۵. در احادیث معتبر آمده است که: «خوردن هر گلی حرام است (همان‌گونه

۱. «بهق» لکنه سفیدی است که بر اثر علتی غیر از برص، روی پوست بدن پیدا می‌شود و در فارسی آن را بهک می‌گویند (فرهنگ عمید).

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۱۴، باب الماش، ح ۱.

۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۵۳۸.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۶۵، ح ۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳۲، باب ۳۱۷، ح ۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۲۶۶، ح ۶؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۳۷۷.

۶. خصال، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ح ۱۰.

که مردار و خون و گوشت خوک حرام است) مگر گِلِ قبر امام حسین علیه السلام که خوردن آن به اندازه یک عدس، شفای هر درد و امان از هر ترسی است.<sup>۱</sup>

## ۹ فضیلت ضیافت مؤمنین و آداب آن

### میهمان‌داری و فضیلت آن

۱. در احادیث معتبر و بسیار آمده است که: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمان خود را گرامی بدارد.<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی هزار درهم برای تهیه غذایی هزینه کند و مؤمنی از آن بخورد، اسراف نکرده است».<sup>۳</sup>
۳. در روایات متعددی آمده است: هرگاه میهمان بیاید روزی اش همراهش می‌آید و هنگامی که غذا بخورد، خدا صاحب‌خانه را می‌آمرزد.<sup>۴</sup>
۴. و در روایتی دیگر می‌خوانیم: «چون میهمان بیرون رود، خداوند گناه تو و عیالت را بیرون می‌برد».<sup>۵</sup>
۵. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک لقمه غذایی که برادر مؤمن نزد من بخورد، از آزاد کردن برده‌ای نزد من محبوب‌تر است».<sup>۶</sup>
۶. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که صدای میهمانی را بشنود و با آن شاد گردد، گناهایش بخشوده می‌شود».<sup>۷</sup>
۷. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر خانه‌ای که میهمان

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۶۶، ح ۹؛ تهذیب، ج ۹، ص ۱۰۳، ح ۳۷۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب حق الضیف و إكرامه، ح ۱ و ۲.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۳۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۸۴، ح ۱.

۵. محاسن، ص ۳۹۰، ح ۲۸؛ کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۸.

۶. محاسن، ص ۳۹۳، ح ۴۶؛ کافی، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

۷. جامع الأخبار، ص ۱۳۶.

به آن نرود، فرشتگان وارد آن نمی شوند».<sup>۱</sup>

۸. از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به برادر مؤمنی برادری کنم و او را سیر سازم، این کار برای من بهتر است از آنکه شکم ده مسکین را سیر کنم».<sup>۲</sup>
۹. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی را به سفره خود دعوت کن که برای رضای خدا او را دوست می داری».<sup>۳</sup>

### قبول کردن دعوت مؤمنین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از حقوق واجب مؤمن بر مؤمن آن است که اگر او را به میهمانی دعوت کرد قبول کند».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سفارش می کنم به حاضران و غایبان از امتم که دعوت مسلمانان را قبول کنند، هر چند پنج میل<sup>۵</sup> فاصله باشد، چرا که پذیرش دعوت از نظر دین لازم است».<sup>۶</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر مؤمنی مرا برای دست گوسفندی (که اندکی گوشت بر آن باشد) دعوت کند اجابت می کنم».<sup>۷</sup>
۴. و در سخنی دیگر فرمود: «بدترین عجزها آن است که شخصی برادرش را به غذایی دعوت کند و او قبول نکند».<sup>۸</sup>

۱. جامع الأخبار، ص ۱۳۶.

۲. محاسن، ص ۳۹۲، ح ۳۵.

۳. همان، ص ۳۹۱، ح ۲۹.

۴. همان، ح ۲۹.

۵. هر «میل» یک سوم فرسخ است؛ پس پنج میل حدود دو فرسخ است.

۶. محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۲؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۴.

۷. محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۳؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۴، ح ۱.

۸. محاسن، ص ۴۱۱، ح ۱۴۶.

### ولیمه و میهمانی دادن

۱. از حضرت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «ولیمه و میهمانی دادن در پنج چیز سنت است: عروسی، عقیقه، ختنه کردن پسر، خریدن یا ساختن خانه نو، بازگشت از سفر».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که فرمود: «در وقتی که از سفر حج بازگردد».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی آمده است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهی کردند از اینکه ولیمه مخصوص ثروتمندان باشد و فقرا حضور نداشته باشند.<sup>۳</sup>

### بی‌دعوت به میهمانی رفتن

۱. از حضرت رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «هشت کس اگر خوار و ذلیل شود، جز خود کسی را سرزنش نکند: آن که بدون دعوت سر سفره‌ای حاضر شود، میهمانی که به صاحب‌خانه زور بگوید، کسی که از دشمن خود طلب خیر کند، کسی که از انسان‌های پست و بخیل فضل و احسان بطلبد، کسی که خود را داخل در رازی کند که بین دو تن بوده است؛ البته بدون رضایت آنها، آن که به بزرگان توهین کند، کسی که در محلی از مجلس بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد، هر که با کسی سخن گوید که به سخنش گوش فرا ندهد».<sup>۴</sup>

### آداب پذیرایی از میهمان

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «هرگاه برادر مؤمن به خانه‌ات آمد از او نپرس که چیزی خورده‌ای یا نه، بلکه هر چه در خانه

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۷؛ خصال، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۸۴.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۷؛ خصال، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۸۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۴.

۴. خصال، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۶.

داری برایش بیاور که جواد و جوانمرد آن است که هر چه دارد برای میهمانش حاضر کند.<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برادر مؤمن میهمان تو شد او را دعوت به خوردن کن، اگر نخورد دعوت به نوشیدنی کن، اگر نپذیرفت دعوت به شست و شوی دست و صورت با آب کن، یا او را معطر ساز.»<sup>۲</sup>

۳. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله گرامی داشتن برادر مؤمن آن است که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر داشته برایش هدیه بیاورد و نسبت به چیزی که نداشته باشد بر او تکلیف نکند.»<sup>۳</sup>

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که امکانات موجود خود را در پذیرایی از میهمانی که برایش آمده کوچک بشمرد، به زحمت می افتد و هر کس هدیه ای را که مؤمن برایش می آورد کوچک و ناچیز بشمرد هلاک می شود.»<sup>۴</sup>

## وظایف میزبان

### میهمان سرزده و دعوت نشده

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادر مؤمن بدون دعوت و سرزده میهمان تو شد، آنچه در خانه داری برایش بیاور و خود را به زحمت نینداز. و اگر با دعوت قبلی آمد در پذیرایی از او تلاش کن.»<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب حق الضیف و إكرامه، ح ۱ و ۲.

۲. محاسن، ص ۴۱۷، ح ۱۷۹؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۵، ح ۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۷۵، باب انس الرجل في منزل أخيه، ح ۱.

۴. محاسن، ص ۴۱۵، ح ۱۶۷؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۶، دنباله حدیث ۳.

۵. تکلیف یعنی اضافه بر آنچه در خانه دارد از بیرون برای او چیزی فراهم کند؛ یعنی خود را به رنج انداختن.

محاسن، ص ۴۱۰، ح ۱۳۸؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۶، ح ۶.



### به خدمت گرفتن میهمان

۱. ابن ابی یعفور می‌گوید: میهمانی را در خانه امام صادق علیه السلام دیدم که برای انجام دادن کاری برخاست، حضرت او را منع کرد و خود برخاست و آن کار را انجام داد و فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خدمت کردن میهمان برای میزبان نهی کرد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر آمده است که میهمانی در حضور امام رضا علیه السلام خواست چراغ را تمیز کند. حضرت او را از این کار نهی کرد و خود به اصلاح چراغ پرداخت و فرمود: «ما اهل بیت اجازه نمی‌دهیم میهمان در خانه به ما خدمت کند».<sup>۲</sup>

### وظایف میزبان در سر سفره

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله میهمان داشت پیش از همه شروع به خوردن غذا می‌کرد و بعد از همه دست از غذا خوردن می‌کشید».<sup>۳</sup>

۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که به جماعتی آب دهد، باید خودش پس از همه آب بنوشد».<sup>۴</sup>

۳. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که او را گرمی داشته و (حتی) برایش خلال حاضر سازد».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب کراهیه استخدام الضیف، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۲۶۸، ح ۳۴۹، کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، باب الأکل مع الضیف، ح ۱ و ۲.

۴. محاسن، ص ۴۵۲، ح ۳۶۸.

۵. محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۵، ح ۳.

## استقبال و بدرقه میهمان

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از جمله موارد ضعف و سستی انسان آن است که کسی به تو احسان کند و تو پاسخ احسان او را ندهی. و خدمت کردن میهمان به صاحب‌خانه بر خلاف آداب است، بلکه هرگاه میهمانی بر انسان وارد می‌شود باید به او (برای آوردن اسبابش) کمک کند و هنگامی که می‌خواهد برود به او کمک نکند که این کار دلیل بر خست نفس است. و در تهیه توشه همراهی‌اش کنید و توشه خوشبو و نیکویی برای وی فراهم آورید که این کار دلیل بر جوانمردی است».<sup>۱</sup>

۲. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق میهمان آن است که تا در خانه همراهش بروید».<sup>۲</sup>

## وظایف میهمان

۱. در حدیث است که ابن ابی یعفور می‌گوید میهمان امام صادق علیه السلام شدم. حضرت دستور داد غذا حاضر کنند. یکی دیگر از میهمانان به نام هشام گفت: من کمتر چیزی می‌خورم. حضرت فرمود: «مگر نمی‌دانی که محبت مؤمن بر مؤمن به مقدار غذایی است که از او می‌خورد». این مطلب در احادیث فراوانی آمده است.<sup>۳</sup>

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سخاوتمند و بلندهمت از طعام مردم می‌خورد تا مردم نیز از غذایش بخورند. و بخیل غذای مردم را نمی‌خورد تا از غذایش نخورند».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، ح ۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، ح ۱؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۹، ح ۳۲۳.

۳. محاسن، ص ۴۱۳، ح ۱۶۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۸، ح ۱.

۴. کافی، ج ۴، ص ۴۱، ح ۱۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲، ح ۲۶.

۳. در احادیث معتبر آمده است که: هر کس وارد شهری شود میهمان برادران مؤمن و همکیشان خود در آن شهر است. و سزاوار نیست میهمان بدون اجازه صاحب‌خانه روزه بگیرد، مبدا صاحب‌خانه غذایی تهیه کند و خورده نشود. همان‌گونه که میزبان نباید بدون اجازه صاحب‌خانه روزه بگیرد، مبدا میهمان شرم کند و غذا نخورد.<sup>۱</sup>

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی میهمان دیگری شود، هر کجا که صاحب‌خانه امر کند بنشیند، زیرا صاحب‌خانه از امور پنهانی خانه‌اش بهتر خبر دارد».<sup>۲</sup>

### اندازه میهمانی

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حدّ ضیافت و میهمانی سه روز است و پس از سه روز، صدقه‌ای است که میزبان به میهمان می‌دهد».<sup>۳</sup>

۲. و در سخنی دیگر فرمود: «آن قدر نزد میزبان نمانید که او را در هم شکنید». عرض شد: ای رسول خدا، چگونه در هم می‌شکنند؟ فرمود: «آن قدر بمانید که برای پذیرایی از شما به زحمت بیفتد».<sup>۴</sup>

## ۱۰ فضیلت خلال کردن و آداب آن

### فضیلت و فایده خلال کردن

۱. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ملائکه هیچ چیز

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۱ و ۲.

۲. قرب الإسناد، ص ۷۳، ح ۲۱۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، ح ۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۸۳، باب انّ الضیافة ثلاثة ایام، ح ۲.

را دشمن ندارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده‌ای طعامی مانده (و خلال نکرده و سبب بدبویی دهانش شده) است»<sup>۱</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و خلال و حجامت آورد و فرمود: خلال ریشه دندان را اصلاح می‌کند و بر روزی می‌افزاید»<sup>۲</sup>.

### چوب خلال

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با چوب گل و چوب درخت انار خلال نکنید که محرک بیماری خوره‌اند»<sup>۳</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با نی خلال نکنید که تا شش روز حاجاتتان برآورده نمی‌شود»<sup>۴</sup>.

۳. نیز در سخنی فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله با هر چوبی خلال می‌کرد، جز بر درخت خرما و نی»<sup>۵</sup>.

۴. در حدیثی آمده است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خلال کردن با چوب درخت انار و درخت مورد و نی نهی کرد و فرمود: اینها زمینه‌ساز بیماری خوره هستند»<sup>۶</sup>.

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خلال کردن با چوب گز موجب فقر و بی‌چیزی است»<sup>۷</sup>.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.

۴. محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۸.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳.

۶. محاسن، ص ۵۶۴، ح ۹۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۸.

۷. مکارم الأخلاق، ص ۱۵۲.

## آداب خلال کردن

۱. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «آنچه با خلال بیرون می‌آوری فرو نبر که موجب جراحت‌های داخلی می‌شود».<sup>۱</sup>
۲. در احادیث دیگر آمده است: «آنچه را با خلال بیرون می‌آوری (نخور، بلکه) بیرون بپرداز».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت رسول اعظم ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه خلال می‌کنید آب نخورید، مگر اینکه سه نوبت مضمضه کنید و آب دهان را بیرون بریزید».<sup>۳</sup>
۴. در احادیث معتبر وارد شده است که داخل و خارج از دهان را بعد از غذا با «سعد»<sup>۴</sup> و «اشنان»<sup>۵</sup> بشوید.<sup>۶</sup>

## ۱۱) فضیلت نوشیدن آب و انواع آن

### فضیلت نوشیدن آب و خواص آن

۱. در احادیث معتبر آمده است که بهترین آشامیدنی‌های دنیا و آخرت، آب است.<sup>۷</sup>
۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از آشامیدن آب دنیا لذت ببرد، خداوند متعال در آخرت او را از آشامیدنی‌های بهشت

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۴.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۶، ح ۱۰۵۹.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۵۳، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴. «سعد» گیاهی از تیره جگن‌ها که قسمتی از ساقه‌های زیرزمینی آن غده‌ای شکل و دارای مواد غذایی چرب و شیرین است که به مصرف خوراکی می‌رسد (لغت‌نامه متوسط دهخدا).

۵. «اشنان» یا «اشنیا» یک ماده شوینده قدیمی است.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۱ و ۳ و ص ۳۷۹، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

۷. محاسن، ص ۵۷۰، ح ۲؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۰، ح ۱.

بهره‌مند می‌سازد تا از آنها هم لذت ببرد.<sup>۱</sup>

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آب چه طعمی دارد؟ حضرت فرمود: «طعم حیات، زیرا خداوند متعال در قرآن کریم فرماید: وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ».<sup>۲</sup>

۴. در حدیث دیگری می‌خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، در حالی که حضرت خرما تناول می‌کرد و پس از آن آب نوشید. عرض کرد: اگر بعد از خرما آب نخورید بهتر است. حضرت فرمود: «برای این خرما می‌خورم که لذت نوشیدن آب را ببرم».<sup>۳</sup>

۵. در حدیث است که ابن ابی طیفور خدمت امام کاظم علیه السلام رسید (ظاهراً این شخص طبیب بود و حضرت کسالتی داشت). حضرت را از نوشیدن آب برحذر داشت. حضرت فرمود: «نوشیدن آب اشکالی ندارد، زیرا غذا را در معده جابه‌جا می‌کند و غضب را فرو می‌نشانند و بر عقل می‌افزاید و از صفرا می‌کاهد».<sup>۴</sup>

### آب‌هایی که نوشیدن آن سفارش شده

#### آب زمزم

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین آب روی زمین آب زمزم و بدترین آن آب برهوت است؛ برهوت سرزمینی است در یمن که ارواح کافران را شبانه به آنجا می‌برند و در عذاب هستند».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۲۱۹.

۲. ترجمه: «وهر موجود زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟» (سورة انبیاء، آیه ۳۰) کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۱.

۳. محاسن، ص ۵۷۱، ح ۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۳.

۴. محاسن، ص ۵۷۲، ح ۱۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۵۷۳، ح ۱۸؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم دوای هر دردی است».<sup>۱</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب زمزم درمان هر بیماری است».<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «آب زمزم را برای هر حاجتی بنوشند آن حاجت برآورده می شود».<sup>۳</sup>

#### آب فرات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گمان نمی کنم کام کودکی را با آب فرات بردارند مگر اینکه دوستدار ما اهل بیت شود».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آب فرات فرو می ریزد».<sup>۵</sup>
۳. در سخنی دیگر فرمود: «اگر هم فاصله بین من و آب فرات بسیار باشد، برای شفا به آنجا می روم و از آب فرات می نوشم».<sup>۶</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر نزدیک آب فرات بودم دوست می داشتم صبح و شام نزد آن بروم».<sup>۷</sup>
۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر اهل کوفه کام فرزندان خود را از آب فرات بردارند، همه آنها شیعه ما خواهند شد».<sup>۸</sup>

۱. محاسن، ص ۵۷۳، ح ۱۹؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۵.

۲. محاسن، ص ۵۷۳، ح ۲۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۴۵، ح ۱۷ از در المنثور.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، باب فضل ماء الفرات، ح ۱.

۵. همان.

۶. محاسن، ص ۵۷۵، ح ۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، باب فضل ماء الفرات، ح ۱.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۸۸، ح ۴.

۸. همان، ص ۳۸۹، ح ۵.

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرشته‌ای هر شب سه مثقال از مشک بهشتی در آب فرات می‌ریزد. و هیچ نهری در شرق و غرب عالم پربرکت‌تر از نهر فرات نیست».<sup>۱</sup>

#### آب باران و آب ناودان کعبه

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از آب باران بنوشید که بدن را پاک و دردها و بیماری‌ها را از بدن بیرون می‌کند».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که مصادف از یاران حضرت صادق علیه السلام می‌گوید: یکی از دوستان ما در مکه بیمار شد، بیماریش چندان شدت گرفت که به حال احتضار افتاد. وضعیتی او را به امام صادق علیه السلام عرض کردم. حضرت فرمود: «اگر من جای شما بودم از آب ناودان کعبه به او می‌دادم». ما در شهر مکه در جست‌وجوی آب ناودان کعبه رفتیم ولی نیافتیم. به ناگاه ابری در آسمان ظاهر و صدای رعد و برق بلند شد و باران شروع به باریدن کرد. ظرفی را زیر ناودان کعبه نهادیم، سپس ظرف پر از آب را نزد بیمار بردیم. از آن آب نوشید و همان ساعت شفا یافت.<sup>۳</sup>

#### آب خنک

۱. در روایتی آمده است که حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ لَسْتُمْ لَهَا يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۴</sup> فرمود: «منظور از آن نعمت‌ها، رطب و آب سرد است».<sup>۵</sup>

۲. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن آب سرد

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۶؛ کامل‌الزیارات، ص ۴۸ و ۴۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۵۷۴، ح ۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۶.

۴. ترجمه: «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد». سوره تکوین، آیه ۸.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.



لذت بیشتری دارد».<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب سرد حرارت بدن را فرو می‌نشاند و صفرار ساکن می‌کند و غذا را در معده می‌گدازد و تب را پایین می‌آورد».<sup>۲</sup>

#### آب جوشیده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده برای همه دردها سودمند است و هیچ ضرری ندارد».<sup>۳</sup>

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب جوشیده‌ای که هفت بار بجوشد و از ظرفی به ظرف دیگر برگردانده شود، تب را زایل کرده و ساق پا و قدم‌ها را قوت می‌بخشد».<sup>۴</sup>

#### آب‌هایی که نوشیدن آن مذموم است

۱. در احادیث فراوانی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شفا طلبیدن از آب‌های گرم که بوی گوگرد می‌دهد و از کوه‌ها می‌جوشد نهی کرد و فرمود: «گرمی آن آب‌ها از گرمی جهنم است».<sup>۵</sup>

۲. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از اینکه کسی از آب تلخ و آبی که بوی گوگرد می‌دهد طلب شفا کند، کراهت داشت و می‌فرمود: «حضرت نوح علیه السلام به هنگام طوفان، آب‌ها را طلبید، همه اجابت کردند جز آب تلخ و آب گوگرد، پس هر دو را نفرین کرد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۱.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۵۷.

۴. همان.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۹۰، ح ۴.

## فلسفه شیرین یا تلخ بودن آب

از امام حسن و امام حسین علیهما السلام روایت شده است که فرمودند: «ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرضه کردند، هر آبی که آن را پذیرفت شیرین و گوارا شد و هر آبی که نپذیرفت تلخ و شور شد»<sup>۱</sup>.

## ۱۲ آداب خوردن آب

## طرز نوشیدن آب

(مقدمه): در احادیث بسیاری آمده است که ایستاده آب خوردن خوب و آب را به یک نفس خوردن نیکو است، ولی بهتر است که به سه نفس خورده شود و در روز ایستاده و در شب نشسته بخورد. (به روایاتی در این باره توجه کنید):

## آب خوردن در حال ایستاده یا نشسته

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث غلبه زرداب و صفرا می شود»<sup>۲</sup>.
۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخورید، زیرا موجب دردی می شود که درمان نداشته باشد، مگر آنکه خدا عافیت دهد»<sup>۳</sup>.
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده آب نخور و بر گرد هیچ قبری نگردد و در آب راکد ادرار نکن، زیرا هر کس این کارها را انجام دهد و بلایی به او برسد، کسی جز خود را سرزنش نکند»<sup>۴</sup>.

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۹، دنباله حدیث ۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۸۳، دنباله ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۳۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۸، ح ۱.

۴. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، باب ۲۰۰، ح ۱.

صدوق رضی الله عنه فرمود: روایاتی که از آب خوردن در حال ایستاده نهی می‌کند منظور، آب خوردن در شب است.

۴. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «ایستاده آب خوردن باعث قوت و صحت بیشتر بدن می‌شود».<sup>۱</sup>  
این روایت و مانند آن مربوط به آب خوردن در روز است؛ بنابراین، همان‌گونه که مراجع تقلید فرموده‌اند: ایستاده آب خوردن در روز اشکال ندارد، ولی در شب مکروه است.

### چگونگی آب خوردن

۱. در روایتی که با دو سند صحیح به امام صادق علیه السلام می‌رسد آمده است که حضرت فرمود: «آب را به سه نفس خوردن بهتر از یک نفس خوردن است».<sup>۲</sup>
۲. در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از دمیدن در آب با دهان نهی کرد.<sup>۳</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در صورتی دمیدن در آب مکروه است که کس دیگری بخواهد از آن آب بخورد، مبادا که او از این کار ناراحت شود».<sup>۴</sup>
۴. در روایتی آمده است که حضرت صادق علیه السلام از خوردن آب با دست چپ نهی کرد.<sup>۵</sup> و در سخنی دیگر فرمود: «آب را بمکید و اندک‌اندک بنوشید و دهان را پر نکنید که باعث درد جگر می‌شود».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۵۸۱، ح ۵۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۸۳، ح ۷ و ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۳، ح ۱۰۴۰.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، باب ۲۹۰، ح ۱.

۵. محاسن، ص ۴۵۵، ح ۳۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۷۲، ح ۱.

۶. محاسن، ص ۵۷۵، ح ۲۷.

## ظرف آب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله آب خوردن در «قدح شامی» را دوست می داشت و می فرمود: پاکیزه ترین ظرف های شما قدح های شامی است.»<sup>۱</sup> ولذا برای آن حضرت این گونه ظروف را از شام هدیه می آوردند.<sup>۲</sup>
۲. در حدیث آمده است که حضرت باقر علیه السلام از کوزه سفالی آب می نوشید.<sup>۳</sup>
۳. در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله گاه در قدح های آبگینه که از شام می آوردند و گاه در قدح چوبی آب می آشامید.<sup>۴</sup>
۴. در روایتی آمده است: حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر گروهی گذشت که (به خاطر نداشتن ظرف) دهان بر آب گذاشته و می خوردند، فرمود: «با دست آب بخورید که بهترین ظرف های شماست.»<sup>۵</sup>

## دعاهای قبل و بعد از نوشیدن آب

ابتدا به نام خدا و انتها به حمد او

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آداب آشامیدن آب به این شرح است: گفتن بسم الله در ابتدا و الحمد لله در پایان و نوشیدن آب از جای دستۀ کوزه و جایی که شکسته یا رخنه داشته باشد که این دو موضع جای شیطان است.»<sup>۶</sup> (ممکن است اشاره به جمع شدن میکروب ها در این گونه جاها باشد).

۱. محاسن، ص ۵۷۷، ح ۳۸؛ کافی ج ۶، ص ۳۸۶، ح ۸.

۲. محاسن، ص ۵۷۷، ح ۴۰؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۱.

۳. محاسن، ص ۵۸۳، ح ۷۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۲.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۱.

۵. محاسن، ص ۵۷۷، ح ۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۵، ح ۷.

۶. محاسن، ص ۵۷۷، ح ۴۱.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بگوید و دمی بخورد و الحمد لله بگوید، سپس بسم الله بگوید و مقداری بخورد و الحمد لله بگوید و این کار را سه بار تکرار کند، مادام که آن آب در شکم او باشد تسبیح خدا گوید و ثوابش از آن او باشد».<sup>۱</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه شخصی با یک نوبت آب خوردن بهشتی می شود، بدین ترتیب که آب بخورد و هنوز سیراب نشده آب را از لب جدا کند و حمد خدای به جا آورد، سپس آب خوردن را ادامه دهد و هنوز سیراب نشده، آب را از لب جدا کند و حمد خدای گوید سپس آب بنوشد. خداوند به سبب این کار او را بهشتی می کند».<sup>۲</sup>

۴. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آب می آشامید این دعا را می خواند: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زُلَالًا وَ لَمْ يَسْقِنَا مِلْحًا أُجَا جًا وَ لَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا**».<sup>۳</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در وقت نوشیدن آب این دعا را بخوانید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانِي فَأَرْوَانِي وَ أَعْطَانِي فَأَرْضَانِي وَ عَافَانِي وَ كَفَانِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَسْقِيهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ تُسْعِدُهُ بِمِرَافِقَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۵۷۸، ح ۴۵؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۱؛ معانی الأخبار، ص ۳۸۵.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به ما آبی گوارا و زلال نوشانید، نه شور و ناگوار و ما را به گناهانمان نگرفت (و مؤاخذه نکرد)». قرب الإسناد، ص ۳۶، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۲.

۴. ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب داد و سیرابم کرد و عطا کرد و راضی ام نمود و عافیتم بخشید و کفایتم کرد. بار خدایا، مرا از کسانی قرار ده که در قیامت از حوض (کوثر) محمد صلی الله علیه و آله به همراه آن حضرت به آنان آب می دهی و با همنشینی آن حضرت آنها را سعادت مند می کنی، به مهربانی خودت ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۵.

## سلام بر حسین شهید

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس آب بنوشد و از تشنگی امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت یاد کند و قاتلین آن حضرت را نفرین نماید، خداوند متعال پاداش‌های بسیار زیادی برایش خواهد نوشت و در روز قیامت او را خوشحال خواهد کرد و با خیالی آسوده محشور می‌گرداند».<sup>۱</sup> و اگر چنین بگوید خوب است: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى قَتَلَةِ الْحُسَيْنِ وَ أَعْدَائِهِ».<sup>۲</sup>

## دعا برای دفع ضرر نوشیدن آب در شب

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی در شب آب بنوشی ظرف آب را بردار و آن را حرکت بده و بگو: یا ماء، یا ماء، یا ماء زَمَزَمٍ وَ مَاءِ فُرَاتٍ يُقْرَأُ نِكَ السَّلَامِ».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در شب آب بنوشد و سه مرتبه بگوید: «عَلَيْكَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمَزَمٍ وَ مَاءِ الْفُرَاتِ» آب به او ضرر نمی‌زند».<sup>۴</sup>

## مقدار نوشیدن آب

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد آب نخور که هر دردی را به سوی تو جذب می‌کند و تا وقتی که طاقت درد داری از دارو استفاده

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۹۱، ح ۶؛ کامل الزیارات، ص ۱۰۶.

۲. ترجمه: «درود و سلام خداوند بر حسین علیه السلام و خاندان و یارانش و لعنت خداوند بر کشتندگان حسین علیه السلام و دشمنانش».

۳. ترجمه: «ای آب، آب زمزم و فرات بر تو درود می‌فرستند» کافی، ج ۶، ص ۳۸۴، ح ۴.

۴. ترجمه: «درود و سلام آب زمزم و فرات بر تو باد» مکارم الأخلاق، ص ۱۵۷.

نکن».<sup>۱</sup> (تا بدن با قدرت خود، بیماری را بیرون کند که گرفتار ضایعات داروها نشود).

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب خوردن زیاد پس از غذا ضرر ندارد، اما در غیر آن زمان زیاد آب نخور».<sup>۲</sup>

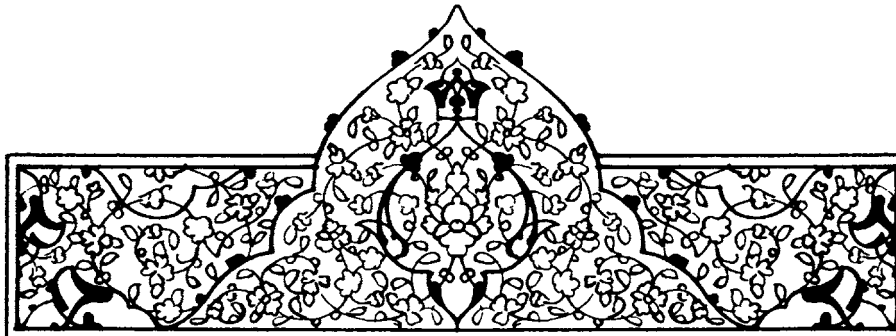
---

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۲.

۲. محاسن، ص ۵۷۲، ح ۱۶؛ کافی، ج ۶، ص ۳۸۲، ح ۳.







## فصل چهارم:

# ازدواج، آداب ازدواج، تربیت فرزندان

۱. فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت
۲. صفات پسندیده و ناپسند زنان
۳. آداب خواستگاری و زمان مناسب آن
۴. آداب زفاف و آمیزش
۵. دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش
۶. حقوق زن و شوهر بر یکدیگر
۷. دعا های طلب فرزند و فضیلت آن
۸. احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن
۹. عقیقه کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن
۱۰. ختنه کردن
۱۱. آداب شیر دادن و تربیت فرزند
۱۲. رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان



## ۱ فضیلت ازدواج کردن ونهی از رهبانیت

### ازدواج و دینداری

۱. در حدیثی امام صادق علیه السلام آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس زنی را به عقد خود درآورد نصف دینش را حفظ کرده است، پس باید تقوای الهی را برای حفظ نصف دیگر آن به کار بندد».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «بدترین مردان شما بی‌زن‌ها هستند. چه چیز مانع شما از ازدواج می‌شود؟ شاید خداوند فرزندی به شما بدهد که زمین را به گفتن لا اله الا الله سنگین کند».<sup>۲</sup>
۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس می‌خواهد از سنت من پیروی کند، ازدواج کند».<sup>۳</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوش ندارم دنیا و آنچه در دنیاست را داشته باشم و یک شب بدون همسر بخوابم». سپس فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل بهتر از عبادات شخص مجردی است که تمام شب‌ها

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۱، ح ۱۱۴۱ و ۱۱۴۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۲۹، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

نماز بخواند و روزها را روزه باشد».<sup>۱</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز شخص متأهل برابر با هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است».<sup>۲</sup>
۶. به سندهای معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «از دنیای شما همسران و بوی خوش را اختیار کردم و روشنی دیده من در نماز است».<sup>۳</sup>

### ترک ازدواج برای مسائل مالی

از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ازدواج را برای ترس از فقر ترک کند به خداوند بدگمان است، زیرا خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».<sup>۴</sup>

### دوست داشتن همسر

۱. در حدیثی به سند معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «دوست داشتن همسر از اخلاق پیامبران است».<sup>۵</sup>
۲. و در روایتی فرمود: «گمان نمی‌کنم ایمان کسی بالا رود، مگر اینکه محبتش به همسرش زیاد شود».<sup>۶</sup>

۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۷، ح ۵۷۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۸، باب کراهیه العزبة، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۱۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸، ح ۷.

۴. ترجمه: «اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد». (سوره نور، آیه ۳۲)

کافی، ج ۵، ص ۳۳۰، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۶.

۵. کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۷.

۶. کافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۱۱۵۱.

### لزوم آمیزش با همسر

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «سه چیز از سنت پیامبران است: بوی خوش، ازاله موهای زاید بدن و همخوابی با همسر».<sup>۱</sup>
۲. زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از شوهرش که نزد او نمی رفت شکایت کرد. حضرت فرمود: «خود را خوشبو ساز تا نزد تو آید». زن گفت: به هر عطری که داشتم خود را خوشبو ساختم ولی باز از من دوری می کند. حضرت فرمود: «اگر می دانست این کار چه ثوابی دارد از تو دوری نمی کرد». سپس فرمود: «هرگاه به سوی تو حرکت کند دو فرشته او را همراهی می کند و ثوابش چونان کسی است که سلاح به دست گرفته، در راه خدا جهاد می کند و زمانی که با تو درآمیزد گناهانش می ریزد همچون ریزش بر درختان و هرگاه غسل کند از گناهان خارج می شود».<sup>۲</sup>

### رهبانیت ممنوع

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «همسر عثمان بن مظعون خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، شوهرم روزها را روزه می گیرد و شبها به عبادت می پردازد و نزد من نمی آید. حضرت خشمناک شد و با همان حال نزد عثمان بن مظعون رفت و فرمود: «ای عثمان، خداوند مرا به رهبانیت نفرستاده، بلکه به دین مستقیم و آسان مبعوث کرده است. من نماز می خوانم، روزه می گیرم و با همسرانم نزدیکی می کنم؛ پس هر که مرا دوست دارد باید طبق سنت و روش من عمل کند و آمیزش با همسران از

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۶۶، ح ۵۶۸.

۲. کافی، ج ۵، ص ۴۹۶، ح ۴.

سنت من است»<sup>۱</sup>.

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «سه زن خدمت رسول خدا ﷺ رسیدند. یکی گفت: شوهرم گوشت نمی‌خورد. دیگری گفت: شوهرم بوی خوش استعمال نمی‌کند. و سومی گفت: شوهرم نزد همسرانش نمی‌رود. حضرت به سوی مسجد حرکت کرد، در حالی که از شدت خشم عباى وی بر زمین کشیده می‌شد. بر فراز منبر رفت، حمد و ثنای الهی گفت و فرمود: چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمی‌خورند و بوی خوش استعمال نمی‌کنند و نزد همسرانشان نمی‌روند؟ در حالی که من گوشت می‌خورم و بوی خوش می‌بویم و نزد همسرانم می‌روم. هر کس از سنت من پیروی نکند از من نیست»<sup>۲</sup>.

۳. در روایتی معتبر آمده است که سکین نخعی بوی خوش و غذاهای لذیذ و آمیزش با همسرانش را ترک کرده و به عبادت پرداخته بود. در این موضوع نامه‌ای به حضرت صادق علیه السلام نوشت و آن حضرت در پاسخ نوشتند: «اما در مورد زنان، می‌دانی حضرت رسول چند همسر داشت و نزد آنها می‌رفت. و اما غذای لذیذ، حضرت رسول گوشت و عسل تناول می‌کرد»<sup>۳</sup>.

## ۲ صفات پسندیده و ناپسند زنان

### اهمیت همسر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زن همچون گردنبند (وقلا ده‌ای) است که به گردن خود می‌افکنی، دقت کن که چگونه گردنبندی برای خود انتخاب می‌کنی»<sup>۴</sup>.

۱. کافی، ج ۵، ص ۴۹۴، باب کراهية الرهبانية و ترك الباه، ح ۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۴۹۶، ح ۵.

۳. همان، ص ۳۲۰، ح ۴.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، باب اختيار الزوجة، ح ۱، تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۵۶۱.

۲. و در حدیثی دیگر فرمود: «زنان صالحه و غیر صالحه هیچ یک قابل قیمت‌گذاری نیستند. اگر زن صالحه باشد هیچ طلا و نقره‌ای معادل ارزش او نخواهد بود، بلکه از طلا و نقره بهتر است. و اگر غیر صالحه باشد به خاک هم نمی‌ارزد، بلکه خاک از او بهتر است».<sup>۱</sup>

۳. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اعظم ﷺ فرمود: «خداوند جهانیان فرماید: هرگاه اراده کنم که خوبی‌های دنیا و آخرت را به کسی دهم این نعمت‌ها را نصیبش می‌کنم: دل شکسته خاشع، زبان ذاکر، بدن صبور بر بلا، زن مؤمن که هرگاه به او نگاه کند شاد شود و چون شوهر غایب شود خود را نگاه دارد و اموال شوهر را ضایع نکند».<sup>۲</sup>

۴. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «شخص عاقل و بسیار ثروتمندی در بنی اسرائیل زندگی می‌کرد که دارای دو همسر بود. یک فرزند از همسر عقیقه‌اش داشت که در شکل و شمایل شبیه پدر بود و دو فرزند از همسر دیگر که عفتی نداشت. به هنگام مرگ وصیت کرد که همه اموال من از آن یکی از شماهاست. چون پدر مرد هر کدام ادعا کرد که تمام اموال به وی می‌رسد. نزد قاضی رفتند، گفت: نزد آن سه برادر که به عقل و درایت در بین مردم مشهورند بروید تا در میان شما حکم کنند. نزد یکی از آنها رفتند که ظاهراً از همه بزرگتر بود و آثار پیری در چهره‌اش نمایان بود. او گفت: نزد فلان برادرم که از من بزرگتر است بروید. هنگامی که نزد او رفتند وی نه پیر و نه جوان بود، بلکه میانسال به نظر می‌رسید. او گفت: نزد برادر سوم که از من بزرگتر است بروید. هنگامی که او را ملاقات کردند با کمال تعجب دیدند او از همه آنها جوان‌تر است. پرسیدند: چطور برادر کوچک‌تر از همه پیرتر و تو که از همه بزرگتر از

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، باب اختیار الزوجة، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۴، ح ۵۶۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۲.

آنها جوان تری؟ پاسخ داد: اما برادر کوچک تر ما، همسر بسیار بدی دارد که برادرمان بر بدی های او صبر می کند، مبادا که به بلای دیگری مبتلا شود که نتواند صبر کند، بدین جهت از همه پیرتر نشان می دهد. و اما برادر دیگر همسری دارد که گاه خوشحالش می کند، بدین جهت میانسال مانده است. و اما من، همسری دارم که همواره مرا خوشحال می کند و هرگز خاطر من را نمی آزارد، بدین سبب جوان مانده ام. به هر حال آن سه برادر داستان خود را نقل کردند و از او داوری خواستند. وی گفت: نخست بروید استخوان های پدر را از قبر خارج کرده و آتش بزنید، سپس بیایید تا در میان شما حکم کنم. چون از نزد آن شخص رفتند پسر کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگ برداشتند. هنگامی که به سر قبر رسیدند و قصد داشتند قبر پدر را با کلنگ بشکافند، پسر کوچک در مقابل آنها شمشیر کشید و گفت: اجازه نمی دهم قبر پدرم را بشکافید، من از سهم خود گذشتم و اموال پدر را به شما واگذار کردم. آنها نزد قاضی بازگشته و ماجرا را شرح دادند. قاضی اموال را به پسر کوچک واگذار کرد و خطاب به آن دو گفت: اگر شماها هم فرزند او بودید، مهر و عاطفه فرزندانی مانع بیرون آوردن استخوان های پدرتان می شد.<sup>۱</sup>

### معیارهای معنوی همسر خوب

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «هر کس زنی را برای زیبایی یا اموالش بخواهد از هر دو محروم خواهد شد. و اگر به خاطر دین و ایمانش با وی ازدواج کند، خداوند زیبایی و ثروت نیز روزی او کند».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به کفو و هم شأن خود

۱. راوندی، قصص الانبیاء، ص ۱۸۲.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۳۳، باب من تزوج ذات دین، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۳.



دختر بدهید و از کفو و هم‌شان خود دختر بگیرید. و برای نطفه خود زنی پیدا کنید که شایسته فرزنددار شدن باشد.<sup>۱</sup>

### معیارهای جسمی همسر شایسته

۱. از حضرت رسول اعظم ﷺ روایت شده است که فرمود: «با دختر باکره ازدواج کنید که فرزند بسیار آورد. و به سراغ زنی که از هر جهت مورد قبول شماست ولی فرزند نمی‌آورد نروید که من به تعداد مسلمانان نسبت به امت‌های دیگر در روز قیامت مباحات می‌کنم. مگر نمی‌دانید که فرزندان در زیر عرش الهی برای پدران خود طلب آمرزش می‌کنند. و حضرت ابراهیم ؑ از آنها نگهداری کرده و حضرت ساره آنها را بر فراز کوهی از مشک و عنبر و زعفران تربیت می‌کند».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با دختران باکره ازدواج کنید که دهانشان خوشبوتر و رحم‌هایشان خشک‌تر و پستان‌هایشان پرشیرتر و فرزندان بیشتری می‌آورند. مگر نمی‌دانید که من در روز قیامت به فزونی جمعیت مسلمانان افتخار می‌کنم؟ حتی فرزندی که پیش از موعد سقط شده باشد خشمناک بر در بهشت می‌ایستد. خداوند فرماید: وارد شو، می‌گوید: نمی‌روم تا پدر و مادرم پیش از من وارد بهشت شوند. سپس خداوند به فرشتگان دستور می‌دهد که پدر و مادرش را وارد بهشت کنید. پس از ورود آنها به بهشت، به آن طفل می‌فرماید: به خاطر رحمت زیادی که نسبت به تو داشتم پدر و مادر تو را هم وارد بهشت کردم».<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، ح ۳؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۷۰۴.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۳۴، ح ۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۳۴، باب فضل الأبکار، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۲، ح ۵۵۵.

۳. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت انسان است که زنی سفیدرو داشته باشد».<sup>۱</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که قصد خواستگاری از زنی داشتید از موهایش بپرسید، همان‌گونه که از چهره‌اش سؤال می‌کنید».<sup>۲</sup>
۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنی را خواستگاری کن که گندمگون، فراخ چشم، سیاه چشم، بزر سر، میانه بالا باشد. اگر نپسندید بیایید مهر او را از من بگیرید».<sup>۳</sup>
۶. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوبی زن آن است که مهرش کم وزایدنش آسان باشد. و شومی زن آن است که مهرش سنگین وزایدنش دشوار باشد».<sup>۴</sup>

### بهترین و بدترین زنان

۱. در روایتی با سند معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین زنان شما زنی است که: فرزندان بسیار آورد، شوهر دوست، عقیق، در میان خویشاوندانش عزیز، نزد شوهرش فروتن باشد، برای شوهرش زینت کند، از دیگران شرم کرده و عفت پیشه سازد، هر چه شوهرش گوید اطاعت کند، با شوهر گلاویز نشود و او را وادار بر آمیزش نکند».<sup>۵</sup> سپس فرمود: «بدترین زنان

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۳۵، ح ۷.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۵، ح ۱۱۶۴ از امیرالمؤمنین علیه السلام؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰ از امام سجاده علیه السلام.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۳۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۹.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۶۴، ح ۳۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۸.

۵. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰.

شما زنی است که: در میان قومش خوار، بر شوهر مسلط باشد، فرزند نیاورد، کینه‌توز باشد، از کارهای زشت و قبیح اجتناب نرزد، هنگامی که شوهرش نیست آرایش کند، خود را به دیگران عرضه نماید، هرگاه شوهر به منزل می‌آید خود را از وی پنهان سازد، از شوهر اطاعت نکند، در خلوت با شوهر از او مضایقه کند، از تقصیر شوهر درنگذرد».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «زنان قریش بهترین زنان مسلمان و مهربان‌ترین زنان نسبت به شوهران و فرزندانشان و امین‌ترین همسران نسبت به شوهران و باعفت‌ترین زنان نسبت به غیر شوهرانشان هستند».<sup>۲</sup>  
و مصداق قریش در روزگار ما سادات هستند.

۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین زنان امت من زنی است که از دیگران خوش‌روتر و مهرش سبک‌تر باشد».<sup>۳</sup>

### زنی که از کارکنان خداست

در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول ﷺ رسید و عرض کرد: زنی دارم که هرگاه به خانه روم از من استقبال و چون بیرون آیم بدرقه‌ام می‌کند و هنگامی که مرا غمگین بیند می‌گوید: چرا ناخوشی؟ اگر برای رزق و روزی غمگین هستی خداوند متکفل روزی ما و دیگران است و اگر برای آخرت محزون، دعا می‌کنم که خدا اندوه تو را بزداید. حضرت فرمود: «خداوند کارکنانی دارد و این زن از کارکنان خداست و نیمی از ثواب شهید را دارد».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۲۵، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۲.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۲۶، باب فضل نساء قریش، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۶، ح ۵۷۳ از امیرالمؤمنین علیؑ.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۱.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۶، ح ۱۱۶۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۰.

### ۳ آداب خواستگاری و زمان مناسب آن

#### خواستگاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی به خواستگاری بروی دو رکعت نماز بگزار و حمد و ستایش پروردگار را به جا آور، سپس این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَنَ فَرْجاً وَ أَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهَا وَ مَالِي وَ أَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَ أَعْظَمَهُنَّ بَرَكَتَةً وَ قَدِّرْ لِي وَ لِدَاً طَيِّباً تَجْعَلُهُ خَلِيفاً صَالِحاً فِي حَيَاتِي وَ بَعْدَ مَوْتِي»<sup>۱</sup>.
۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز جمعه روز خواستگاری و نکاح است»<sup>۲</sup>.
۳. در حدیث است که به حضرت باقر علیه السلام خبر رسید شخصی در گرمای هوا و در وسط روز به خواستگاری زنی رفته است. حضرت فرمود: «گمان نمی‌کنم محبت و الفت در میان آنها استوار شود». آنها به زودی از هم جدا شدند.<sup>۳</sup>

#### زمان عقد و زفاف

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس عقد یا زفاف کند در حالی که قمر در عقرب باشد، عاقبت به خیر نمی‌شود»<sup>۴</sup>.

۱. ترجمه: «بار خدا یا، می‌خواهم ازدواج کنم. همسری برایم مقدر کن که پاکدامن‌ترین زنان و نگاه‌دارنده‌ترین آنها در حفظ و نگهداری خود و مالم، از نظر روزی گسترده‌تر و از جهت برکت عظیم‌تر باشد و فرزندی پاک روزی‌ام گردان که جانشین شایسته‌ای در حیات و پس از مرگ من باشد». کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۵.

۲. علل الشرایع، ج ۳، ص ۵۹۸.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب الوقت الذي يكره فيه التزويج، ح ۱.

۴. تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۰، ح ۵۸۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۸.

۲. در روایتی معتبر آمده است که عقد کردن در ماه شوّال خوب است.<sup>۱</sup>  
 ۳. در حدیثی معتبر آمده است که ازدواج در شب مستحبّ است.<sup>۲</sup>

### ولیمه ازدواج

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «غذا دادن به هنگام ازدواج از سنت پیامبران است».<sup>۳</sup>  
 ۲. در روایتی آمده است که حضرت رسول ﷺ چون با میمونه ازدواج کرد به مردم ولیمه داد و غذای آن روز چیزی به نام «حلس» بود که از خرما و روغن و کشک تهیه می شد.<sup>۴</sup>  
 ۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «ولیمه روز اوّل ازدواج لازم و در روز دوم نیک و در روز سوم، ریا و سمعه است».<sup>۵</sup>

### خواندن خطبه عقد

در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام برای عقد کردن دختر مأمون چنین خطبه خواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ إِقْرَارًا بِبِنِعْمَتِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصًا لَوْ خَدَانِيَّتِهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَ الْأَصْفِيَاءِ مِنْ عَشْرَتِهِ. أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيَّ الْأَنَامِ أَنْ أَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: ﴿وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۶۳، ح ۲۹.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب ما يستحب من التزويج بالليل، ح ۱؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۲.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۶۷، ح ۱؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۷۲، ح ۵۹۰.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۶۸، باب الإطعام عند التزويج، ح ۲؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۷۱، ح ۵۸۹.

۵. الجعفریات، ص ۱۶۴؛ کافی، ج ۵، ص ۳۶۸، ح ۴.

۶. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که به نعمت او اعتراف دارم و خدایی جز الله که خالصانه

سایر خطبه‌های طولانی در کتاب‌های مبسوط و مفصل ذکر شده است<sup>۱</sup> و این کتاب گنجایش آن را ندارد و در مورد آداب صیغه نکاح کتابی جداگانه نوشته‌ام.

#### ۴ آداب زفاف و آمیزش

(مقدمه): انجام دادن مراسم عروسی (زفاف) به هنگامی که قمر در عقرب است، یا تحت الشعاع<sup>۲</sup> باشد، کراهت دارد. و آمیزش در حال عادت ماهیانه، یا هنگامی که زن خون نفاس دیده حرام است، اما تمتعات دیگر (غیر از آمیزش) جایز است هر چند نسبت به بین ناف و زانو کراهت دارد. و برخی فقها آمیزش پس از پاک شدن و پیش از غسل را حرام دانسته‌اند و احتیاط در اجتناب است مگر اینکه ضرورتی باشد وزن مستحاضه اگر غسل و دیگر وظایفش را انجام دهد آمیزش اشکال ندارد. آنچه گفته شد در مورد آمیزش از طریق متعارف بود، اما در آمیزش با همسر از طریق غیر متعارف (از پشت) بین فقها اختلاف نظر است؛ عده‌ای آن را حرام و بیشتر علما آن را مکروه می‌دانند و احوط اجتناب است و بهتر است به هنگام آمیزش با همسر، نطفه را بیرون نریزد و برخی علما این کار را بدون اجازه همسر حرام می‌دانند.

→ به وحدانیت او اعتراف می‌کنم وجود ندارد و درود خداوند بر سرور مخلوقاتش و برگزیدگان از ذرّیه‌اش. اما بعد، از فضل خداوند بر مردم این است که آنان را با حلال از حرام بی‌نیاز گردانید و فرمود: مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ (فضل) خداوند واسع و (از نیازهای بندگان) آگاه است.» (سوره نور، آیه ۳۲) مکارم الأخلاق، ص ۲۰۶.

۱. به کتاب بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶۳، باب ۶ مراجعه فرمایید.

۲. کنایه از دو یا سه روز آخر هر ماه که جرم قمر (ماه) در آن ایام بر اثر باریکی زیاد، دیده نمی‌شود. (لغت نامه دهخدا).

## اوقات مکروه آمیزش

### شب چهارشنبه و هنگام تحت الشعاع

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرد نباید در شب چهارشنبه با همسرش آمیزش کند».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در تحت الشعاع با همسرش آمیزش کند، (بیم آن می رود که) موجب سقط جنین شود».<sup>۲</sup>

### آمیزش در اوّل و وسط و آخر ماه

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اوّل و وسط و آخر ماه آمیزش نکن که موجب سقط فرزند می شود. و اگر سقط نشود دیوانه به دنیا می آید، یا مبتلا به بیماری صرع خواهد شد. و نطفه کسانی که بیماری صرع دارند اکثر در اوّل یا آخر ماه منعقد شده است».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در اوّل و وسط ماه آمیزش نکن که زمینه بیماری های جنون، خوره و فساد عقل را در همسر و فرزندان به وجود می آورد».<sup>۴</sup>
۳. همچنین فرمود: «ای علی، در شب نیمه شعبان آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید شوم و نامیمون باشد. و در روز آخر ماه شعبان نیز این کار را ترک کن، چرا که اگر فرزندی به وجود آید یاور ستمکاران شود».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب الوقت الذي يكره فيه التزويج، ح ۳.

۲. کافی، ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۲؛ تهذيب، ج ۷، ص ۴۷۴، ح ۶۰.

۳. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۱۲۰۸.

۴. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

## آمیزش هنگام طلوع و غروب آفتاب

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جنب شدن به هنگام طلوع آفتاب و نیز هنگام زردی آفتاب که خورشید غروب می کند کراهت دارد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که: «آمیزش میان سپیده صبح تا طلوع آفتاب و از هنگام غروب آفتاب تا برطرف شدن سرخی مغرب و در روزی که آفتاب می گیرد و در شبی که ماه می گیرد و در شب یا روزی که باد سیاه یا سرخ یا زرد می وزد کراهت دارد. به خدا قسم، اگر در این اوقات آمیزش کنند و فرزندی به دنیا آید آنچه را دوست دارند در آن فرزند نخواهند یافت، زیرا نشانه های خشم الهی را سبک شمرده اند».<sup>۲</sup>

## آمیزش در شب عید فطر و عید قربان و در برابر آفتاب

۱. در حدیث است که حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب عید فطر با همسر خود هم بستر نشو که اگر نطفه فرزندی در آن شب منعقد شود، منشأ شرور فراوانی خواهد شد».<sup>۳</sup>

۲. نیز فرمود: «ای علی، در شب عید قربان با زوجه خود آمیزش نکن که اگر فرزندی منعقد شود، نقص عضو خواهد داشت».<sup>۴</sup>

۳. نیز فرمود: «ای علی، در برابر تابش مستقیم نور آفتاب آمیزش نکن، مگر اینکه پرده ای میان خود و آفتاب قرار دهی، زیرا اگر در چنان حالتی فرزندی به وجود آید همواره پریشان و بدحال باشد».<sup>۵</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۸۲، ج ۳، ص ۲۵۵، ح ۱۲۰۹.

۲. محاسن، ص ۳۱۱، ح ۲۶؛ کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.



### اوقات حرام آمیزش

(مقدمه): آمیزش با همسر در پاره‌ای از اوقات حرام است که علامه مجلسی رحمته الله فقط به یک مورد آن اشاره کرده است. (توجه کنید):  
در حدیثی از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: «هر کس با همسرش در حال حیض همبستر گردد و نطفه فرزندی در آن حال بسته شود، سپس آن فرزند به دنیا آید در حالی که مبتلا به بیماری پیسی باشد، جز خود هیچ‌کس را سرزنش نکند».<sup>۱</sup>

### اوقات مستحب آمیزش

۱. از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آمیزش در شب اول ماه مبارک رمضان مستحب است».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی آمده است که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «ای علی، در شب دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی به وجود آید، (امید است) حافظ قرآن و راضی به قسمت خدا باشد».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، اگر در شب سه‌شنبه آمیزش کنی و خداوند فرزندی نصیب تو کند، سعادت اسلام نصیب وی شود و دهانش خوشبو و دلش مهربان و دستش سخاوتمند و زبانش از غیبت و تهمت پاک باشد».<sup>۴</sup>
۴. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، اگر در شب پنجشنبه آمیزش کنی و نطفه

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۱۲۱۳.

۲. کافی، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۴۸۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

فرزندی منعقد شود، حاکمی از حاکمان دینی، یا دانشمندی از دانشمندان خواهد شد.<sup>۱</sup>

۵. نیز در سخنی فرمود: «ای علی، اگر در شب جمعه آمیزش کنی و فرزندى از آن به وجود آید، خطیب و سخنگو باشد. و چنانچه در شب جمعه بعد از نماز عشا باشد، امید است که آن فرزند از ابدال (شریف و صالح و نیکوکار) باشد.»<sup>۲</sup>
۶. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی زنی را ببیند و از او خوشش بیاید، با همسرش آمیزش کند زیرا او هم زنی است مانند آن زن؛ شیطان را بر دل خود مسلط نکند. و اگر همسری ندارد دو رکعت نماز بگزارد و حمد و ستایش خدا فراوان گوید و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، سپس از خداوند تقاضای همسر کند تا او را از حرام بی نیاز سازد.»<sup>۳</sup>
۷. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، هرگاه در عصر جمعه آمیزش کنی و فرزندى به وجود آید، از دانایان مشهور خواهد بود.»<sup>۴</sup>

#### مکان‌هایی که آمیزش در آن مکروه است

۱. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، زیر درخت دارای میوه آمیزش نکن که اگر فرزندى به وجود آید، (بیم آن می‌رود که) جلاد و قاتل مردم، یا رئیس و سرکرده ستمکاران باشد.»<sup>۵</sup>
۲. در سخنی دیگر فرمود: «ای علی، بر پشت بام آمیزش نکن که اگر فرزندى

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

- به وجود آید، (بیم آن می‌رود که) منافق و ریاکار و بدعتگذار باشد.<sup>۱</sup>
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست ندارم کسی که در سفر برای غسل کردن آب در اختیار ندارد آمیزش کند، مگر اینکه بترسد به او زیانی برسد.»<sup>۲</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در اتاقی که کودکی در آن باشد آمیزش نکنید که آن کودک یا فرزندی که از آن آمیزش به وجود می‌آید، عقیف نباشد.»<sup>۳</sup>
۵. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به حق خداوندی که جانم در دست اوست، هرگاه کسی با همسر خود آمیزش کند و در آنجا کسی بیدار باشد که ایشان را ببیند، یا سخن و نفس آنها را بشنود، فرزندی که از این آمیزش به وجود آید رستگار نشود و عقیف نباشد.»<sup>۴</sup>

#### کارهای مکروه به هنگام آمیزش

۱. در حدیثی معتبر و صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام آمیزش سخن نگویند، زیرا بیم آن می‌رود که اگر فرزندی به وجود آید لال باشد.<sup>۵</sup> و شوهر در آن وقت به عورت زوجه نگاه نکند، زیرا بیم نابینایی فرزند می‌رود.»<sup>۶</sup>
- توجه: این سخن در روایت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۲. تهذیب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۴۹۹، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۱۲.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۵. کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۷؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۰۸.

۶. تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۷، ح ۶۱۳.

علی علیه السلام نیز آمده است. البتّه نگاه کردن به عورت زوجه، در برخی دیگر از روایات جایز شمرده شده است.<sup>۱</sup> و این نشان می‌دهد که آنچه در روایت بالا آمده، حکم تحریم نیست بلکه دلالت بر کراهت این کار دارد.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، با علاقه زن دیگر با همسر خود آمیزش نکن که اگر در این حال فرزندی نصیب تو شود، (بیم آن می‌رود که) آلوده دامن باشد».<sup>۲</sup>

۳. در گفته‌ای دیگر فرمود: «ای علی، هنگامی که همسرت حامله است، بدون وضو با او آمیزش نکن که اگر فرزندی به وجود آید، کوردل و بیخیل باشد».<sup>۳</sup>

۴. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زن و شوهر به هنگام آمیزش کاملاً عریان نشوند، زیرا این کار موجب دوری فرشتگان از آنها می‌شود».<sup>۴</sup>

#### حالت‌های مکروه به هنگام آمیزش

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که محتمل شده، پیش از آنکه غسل جنابت کند با همسر خود آمیزش نکند و اگر آمیزش کرد و فرزند عقب‌افتاده‌ای نصیبش شد، جز خود کسی را سرزنش نکند».<sup>۵</sup>

۲. در چندین روایت معتبر آمده است که زن و شوهر در حالتی که خضاب به حنا یا غیر آن بسته باشند، آمیزش نکنند.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۰۸.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵۸، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۱۷۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸، ح ۸.

۵. طب الأئمة، ص ۱۳۸.

۶. کافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۶، ح ۶۱۱.

۳. در روایتی آمده است که اگر کسی انگشتی در دست داشته باشد که نام خدا در آن باشد، جماع نکند.<sup>۱</sup>
۴. در حدیثی امام رضا علیه السلام از جدّ بزرگوارش امام صادق علیه السلام آورده است که: «هر کس پس از آمیزش و پیش از غسل بخواهد بار دیگر آمیزش کند، وضو بگیرد».<sup>۲</sup>

### آداب پیش از آمیزش

۱. در چندین روایت معتبر آمده است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه بخواهید با همسر خود آمیزش کنید به روش مرغان نزد او نروید، بلکه نخست با زبان و دست و با گفتار و لمس، او را آماده سازید سپس آمیزش کنید».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی می‌خوانیم که: «هرگاه امام زین‌العابدین علیه السلام می‌خواست با همسرش آمیزش کند، خدمتکاران را از آن محل دور می‌کرد و درها را می‌بست و پرده‌ها را می‌انداخت».<sup>۴</sup>
۳. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه کار را از کلاغ بیاموزید: آمیزش کاملاً پنهانی و به دور از چشم دیگران، بامداد به سراغ کار و کسب رفتن، و احتیاط فراوان».<sup>۵</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مردان به هنگام آمیزش عجله نکنند، زیرا زنان پیش از آمیزش کارهایی دارند که می‌خواهند انجام دهند».<sup>۶</sup>

۱. استبصار، ج ۱، ص ۴۸، ح ۱۳۳.

۲. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۸۲۲؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۶۳، ح ۸۰.

۳. کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۵، ح ۶۵.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۰؛ خصال، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۴۷.

۶. خصال، ج ۲، ص ۴۳۳.

## آداب عروسی

۱. در حدیثی معتبر آمده است: «خداوند متعال در روز عقد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به سدره المنتهی دستور داد که آنچه داری برای نثار فاطمه فرو ریز! سدره المنتهی آنچه از مروارید و مرجان و جواهر داشت بر اهل بهشت نثار کرد. حوریان بهشتی آنها را بردند و تا روز قیامت به آن افتخار می کنند و برای یکدیگر هدیه می فرستند و می گویند: این نثار (هدیه شب عروسی) فاطمه (به حاضران) است.»<sup>۱</sup>

۲. در حدیث آمده است که: «در شب عروسی حضرت زهرا علیها السلام، مرکب حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله را آوردند و قطیفه ای بر روی آن انداختند، سپس حضرت به دخترش فاطمه فرمود: «سوار شو!» سلمان افسار آن را می کشید و پیامبر از پشت سر حرکت می کرد. در اثنای راه، صدای ملائکه به گوش حضرت رسید. جبرئیل با هزار فرشته و میکائیل با هزار فرشته فرود آمدند و به حضرت عرض کردند: خداوند ما را برای عروسی فاطمه فرستاده است. سپس جبرئیل و میکائیل تکبیر گفتند و ملائکه نیز الله اکبر گفتند و از آنجا سنت شد که در شب زفاف، الله اکبر بگویند.»<sup>۲</sup>

۳. در احادیث و روایات معتبر در مورد عروسی در شب سفارش شده، از این رو عروسی در شب سنت است، همان گونه که پختن غذا در صبحگاهان.<sup>۳</sup>

۴. در برخی احادیث معتبر آمده است که نثار<sup>۴</sup> عروسی را می توان برداشت، اما چون از یکدیگر غارت می کنند و می ربایند کراهت دارد.

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۰۲.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۱۲۰۲.

۳. کافی، ج ۵، ص ۳۶۶، باب ما یستحب من الترویج باللیل، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۸۲، ح ۶۳۳.

۴. «نثار» چیزی است که شب عروسی بر سر عروس می ریزند.

و علما فرموده‌اند: در صورتی برداشتن آن جایز است که از قراین و شواهد معلوم شود که صاحبان آن رضایت دارند.<sup>۱</sup>

۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ما غذاهای بسیار خوب و خوشبویی درست می‌کنیم، ولی بوی غذای عروسی در هیچ غذایی یافت نمی‌شود. حضرت فرمود: «علت آن این است که نسیم بهشتی بر طعام عروسی می‌وزد، زیرا غذایی است که برای کار حلالی آماده می‌شود».<sup>۲</sup>

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه به عروسی دعوت شدید دیر بروید، زیرا شما را به یاد دنیا می‌اندازد. و چون به تشییع جنازه دعوتتان کردند زودتر بروید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد».<sup>۳</sup>

#### آمیزش در حَمَام یا بدون روانداز

۱. در روایتی صحیح آمده است که از امام رضا علیه السلام سؤال شد: آمیزش با همسر در حَمَام چه حکمی دارد؟ فرمود: «جایز است».<sup>۴</sup>

۲. در روایتی آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: اگر در حال آمیزش، روانداز از روی زن و شوهر کنار رود چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد».<sup>۵</sup>

### ۵ دعا و نماز در شب زفاف و هنگام آمیزش

#### آداب شب زفاف

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «پیش از

۱. جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵۱.

۲. محاسن، ص ۴۱۸، ح ۱۸۶؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۲، ح ۶.

۳. قرب الإسناد، ص ۸۷، ح ۲۶۸؛ تهذیب، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۱۵۱۰.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۴، ح ۱۱۳۵.

۵. کافی، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۷۵، ح ۶۰۶.

آنکه عروس را نزد تو آورند بگو وضو بگیرد، تو نیز وضو بگیر، سپس هر کدام دو رکعت نماز بگزارید. بعد حمد و ثنای الهی را به جا آورده، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و دعا کن و از زنانی که همراه عروس آمده‌اند تقاضا کن که آمین بگویند. آن‌گاه این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا وَارْزُقْنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَآنَسِ اثْتِلَافٍ، فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ**.<sup>۱</sup> سپس فرمود: «الفت و محبت از سوی خدا و دشمنی از جانب شیطان است و او می‌خواهد آنچه را خدا حلال کرده، در نظر مردم زشت جلوه دهد».<sup>۲</sup>

۲. در روایتی حسنه آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در شب زفاف نزد عروس رفتی، موی پیشانی‌اش را بگیر و او را رو به قبله کن و بگو: **اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءً وَلَا نَصِيباً**».<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی آمده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «داماد در شب زفاف این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَبِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَوَدًّا وَدُودًا لَا تَفْرُكُ تَأْكُلُ مِمَّا رَاحَ وَلَا تَسْأَلُ عَمَّا سَرَحَ**».<sup>۴</sup>

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود این دعا را بخواند:

۱. ترجمه: «بار خدایا، الفت و دوستی و خشنودیش را روزی‌ام کن و مرا (نیز) با او خشنود ساز و میان ما به بهترین سازگاری و خو گرفتن و همدم بودن جمع کن، زیرا تو حلال را دوست و حرام را دشمن می‌داری».

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۲، ح ۵۹۳.

۳. ترجمه: «بار خدایا، به امانت تو او را به همسری گرفتم و با کلمات تو وی را بر خود حلال کردم، پس اگر برای من از او فرزندی مقدر کرده‌ای او را مبارک و پرهیزگار و از شیعیان آل محمد قرار ده و از برای شیطان در او شراکت و بهره‌ای قرار مده».<sup>۴</sup> کافی، ج ۵، ص ۵۰۰، ح ۲.

۴. ترجمه: «بار خدایا، او را با کلمات تو بر خود حلال کردم و به امانت تو وی را به همسری گرفتم. بار خدایا، از او فرزندان بسیاری به من عطا کن و بر محبتش بیفز، به گونه‌ای که دشمنی نکند و به آنچه برایش آورده می‌شود قناعت کند و از آنچه ندارد نپرسد».<sup>۴</sup> کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۴.



«بِكَلِمَاتِ اللَّهِ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا وَ فِي أَمَانَةِ اللَّهِ أَخَذْتُهَا اللَّهُمَّ إِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَأَجْعَلْهُ بَارِئاً تَقِيّاً وَ اجْعَلْهُ مُسْلِماً سَوِيّاً وَ لَا تَجْعَلْ فِيهِ شِرْكَاً لِلشَّيْطَانِ».<sup>۱</sup>

### چگونه شیطان شریک نطفه می شود

۱. در روایتی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که در مورد دعای شب زفاف فرمود: «دست بر بالای پیشانی اش بگذار و بگو: اللَّهُمَّ عَلَي كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَ بِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئاً فَأَجْعَلْهُ سَوِيّاً وَ لَا تَجْعَلْهُ شِرْكَاً لِلشَّيْطَانِ».<sup>۲</sup>

راوی پرسید: چگونه شیطان شریک نطفه می شود؟ امام فرمود: «اگر به هنگام آمیزش، نام خدا را ببرند شیطان دور می شود و اگر نبرند شریک نطفه می شود». آن شخص پرسید: چگونه می توان فهمید شیطان در نطفه کسی شریک شده است؟ فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد شیطان در نطفه اش شریک نشده و هر کس دشمن ما باشد شیطان در نطفه اش شرکت جسته است».<sup>۳</sup>

و به این مضمون، احادیث بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد.  
۲. در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هر کس بخواهد شیطان در نطفه اش شریک نشود، بسم الله بگوید و سپس از شر شیطان به خداوند پناه ببرد».<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «با کلمات خدا او را بر خود حلال و بر امانت خدا با وی ازدواج کردم. بار خدایا، اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای او را نیکوکار و پرهیزگار قرار ده و مسلمانی راست اندام (وسالم) گردان و از برای شیطان در او شراکتی قرار مده». کافی، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۲.

۲. ترجمه: «بار خدایا، بر طبق کتاب تو او را به ازدواج خود در آوردم و با امانت تو او را به همسری گرفتم و با کلمات تو او را بر خود حلال کردم. اگر در رحم او فرزندی برای من مقدر کرده ای خلقتش را کامل گردان و برای شیطان در آن شراکتی قرار مده». کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۰، ح ۵۸۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۰۱، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۴۰۷، ح ۵۸۴.

۴. کافی، ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۱.

۳. در حدیثی دیگر آمده است که امام صادق علیه السلام چگونگی شرکت شیطان در نطفه انسان را بیان فرمود و آن را بسیار مهم شمرد. راوی پرسید: چه باید کرد که این اتفاق نیفتد؟ حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی آمیزش کنی بگو: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ بَدِیْعُ السَّمَاوٰتِ وَ الْاَرْضِ اللّٰهُمَّ اِنْ قَضَيْتَ مِنِّیْ فِیْ هَذِهِ اللَّیْلَةِ خَلِیْفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطٰنِ فِیْهِ شَرْکًا وَ لَا نَصِیْبًا وَ لَا حَظًّا وَ اجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصَنِّفًا مِنَ الشَّیْطٰنِ وَ رِجْزِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ»<sup>۱</sup>.

### دعای هنگام آمیزش

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بخواهی با همسرت آمیزش کنی این دعا را بخوان. اَللّٰهُمَّ اِرْزُقْنِیْ وَ لَدًا وَ اجْعَلْهُ تَقِیًّا زَكِیًّا لَیْسَ فِیْ خَلْقِهِ زِیَادَةٌ وَ لَا نُقْصَانٌ وَ اجْعَلْ عَاقِبَتَهُ اِلَیْ خَیْرٍ»<sup>۲</sup>.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی بخواهد آمیزش کند این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ جَبِّبْنِی الشَّیْطٰنَ وَ جَبِّبِ الشَّیْطٰنَ مَا رَزَقْتَنِیْ. در این صورت اگر فرزندی نصیبش شود، شیطان هرگز به او ضرری نمی‌رساند»<sup>۳</sup>.

۱. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایی که جز او خدایی نیست. همو که آفریننده آسمان‌ها و زمین است. بار خدایا، اگر در این شب برای من فرزندی مقدر کردی، برای شیطان در او شراکت و بهره‌ای قرار مده و او را مؤمنی با اخلاص و پاکیزه از شیطان و پلیدی شیطان قرار ده، تو مستحق ستایش بزرگی»<sup>۱</sup>. کافی، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۱۰۶.

۲. ترجمه: «بار خدایا، فرزندی روزی‌ام کن و او را پرهیزگار و پاک قرار ده، در خلقتش زیاد و کمی نباشد و عاقبت او را نیک گردان»<sup>۲</sup>. تهذیب، ج ۷، ص ۴۷۳، ح ۵۹۸.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم). بار خدایا، شیطان را از من و فرزندی که نصیب من می‌کنی دور کن»<sup>۳</sup>. کافی، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۵۹۸.

## ۶ حقوق زن و شوهر بر یکدیگر

### حقوق شوهر بر زن

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام فرمود: «زنی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: حق شوهر بر زن چیست؟ حضرت فرمود: لازم است از شوهرش اطاعت کند و نافرمانی نکند، بدون اجازه شوهر از اموالش صدقه ندهد، بدون رضایت شوهر روزه مستحبی نگیرد، هرگاه نیاز به آمیزش داشت مضایقه نکند، بی‌اجازه شوهر (جز برای کار ضروری) از خانه بیرون نرود که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت همگی او را نفرین می‌کنند. آن زن دوباره پرسید: حق چه کسی بر مرد از همه عظیم‌تر است؟ فرمود: حق پدر. عرض کرد: حق چه کسی بر زن از همه عظیم‌تر است؟ فرمود: حق شوهر».

۲. در روایتی دیگر می‌خوانیم: «زنی خدمت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن پرسید. حضرت فرمود: بیش از آن است که بتوان گفت، از جمله اینکه بدون اجازه‌اش روزه مستحبی نگیرد و از خانه بیرون نرود، به بهترین بویها خود را خوشبو سازد، زیباترین لباس‌ها را برای او بپوشد، خود را به بهترین صورت برای شوهر بیاراید».<sup>۱</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بی‌اجازه شوهر چیزی از اموالش را به کسی ندهد که اگر چنین کند گناهش برای زن و ثوابش برای شوهر است. و هیچ شب سر بر بالین نگذارد مگر اینکه شوهر از او راضی باشد».<sup>۲</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زنی شب را به صبح برد

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷.

۲. همان، ح ۸.

در حالی که شوهرش از او آزرده خاطر باشد، نمازش قبول نمی‌شود تا شوهر از او راضی گردد. و هر زنی که برای غیر شوهر بوی خوش استفاده کند نمازش قبول نیست تا آنکه بوی خوش را از خود بزدايد.<sup>۱</sup>

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «عمل سه گروه به آسمان بالا نمی‌رود؛ یک گروه زنانی اند که شوهرانشان از آنها راضی نباشند».<sup>۲</sup>

۶. در احادیث معتبر آمده است: «جهاد مردان آن است که جان و مال خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته (یا پیروز) شوند و جهاد زنان آن است که با شوهر خود مدارا کنند».<sup>۳</sup>

۷. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر زنی به شوهرش بگوید: من هرگز از تو نیکی ندیده‌ام، ثواب اعمالش از بین می‌رود».<sup>۴</sup>

### حقوق زن بر شوهر

۱. در روایاتی معتبر و بسیار آمده است: «حق زن بر مرد این است که نیازهای او را در تغذیه و لباس تأمین کند و اگر بدی کرد او را ببخشد».<sup>۵</sup>

۲. در حدیثی دیگر در مورد (بخشی از) حقوق زن، علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد، چنین آمده است: «با وی بد اخلاقی نکند، به مقدار نیاز برایش مواد آرایشی و غذایی و لباس تهیه کند، خانه‌اش را از مواد مورد نیاز خالی نگذارد، میوه‌های فصل را برایش بخرد، در اعیاد بیش از ایام دیگر برایش مواد خوراکی

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۰۷، ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۳۲۰ و ۱۳۲۲.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۰۷، ح ۳.

۳. همان.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۱۳۲۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۵.

۵. کافی، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۹، ح ۱۳۲۷.

تهیه کند».<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از خدا درباره حق دو گروه بترسید: یتیمان و زنان».<sup>۲</sup>

۴. از حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین شما کسی است که با همسر خود رفتار بهتری داشته باشد».<sup>۳</sup>

۵. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «خلاف مرآت است که انسان در شهری که همسرش آنجاست، شب را نزد همسرش نرود و جای دیگر بخوابد».<sup>۴</sup>

۶. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمود: «اگر مردی به همسر خود بگوید دوستت دارم، همسرش هرگز آن را فراموش نمی کند».<sup>۵</sup>

## ۷ دعاهای طلب فرزند و فضیلت آن

فرزندان در کلام معصومان علیهم السلام

اهمیت و تعداد فرزند

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است».<sup>۶</sup>

۲. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزند صالح از سعادت انسان است».<sup>۷</sup>

۳. و در روایتی دیگر فرمود: «هر که بدون فرزند بمیرد گویا هرگز در میان

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۱۱، ح ۵.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۱۱، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۸، ح ۱۱۷۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۱۳۳۹.

۴. همان، ص ۳۶۲، ح ۱۷۱۹.

۵. کافی، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۸.

۷. کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۱.

مردم نبوده و کسی که از خود فرزندی به جا گذاشته، گویی نمرده است.<sup>۱</sup>  
 ۴. و در سخنی دیگر فرمود: «فرزند بسیار داشته باشید که من به جمعیت فراوان مسلمانان در روز قیامت مباحات می‌کنم».<sup>۲</sup>

#### تأثیر اعمال فرزند در کارنامه والدین

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «حضرت عیسی از کنار قبری گذشت که صاحبش را عذاب می‌کردند. سال دیگر از کنار همان قبر عبور کرد اما خبری از عذاب نبود. در این مورد از پروردگار سؤال کرد. وحی رسید: امسال فرزند صاحب قبر به سنّ بلوغ رسید و جاده‌ای را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، بدین سبب او را آمرزیدم. سپس فرمود: میراثی که از برای خدا از بنده می‌ماند، فرزندی است که پس از او خدا را عبادت کند».<sup>۳</sup>

#### پاداش زحمات پدر و مادر

۱. از حضرت علی عَلِيٌّ روایت شده است که فرمود: «چون بیماری گریبانگیر فرزند می‌شود، کفّاره گناهان والدین اوست».<sup>۴</sup>  
 ۲. در حدیثی صحیح می‌خوانیم: «روزی جبرئیل نازل شد و دید حضرت رسول و علی عَلِيٌّ ناله می‌کنند. علت را پرسید. حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: دو طفل ما گریه کردند و بر اثر گریه آنها ما اذیت شدیم. جبرئیل گفت: خداوند متعال فرموده است: گریه کودکان تا هفت سال همچون ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و از هفت تا

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۴۹۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲، ح ۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۲؛ عدّة الدّاعی، ص ۷۷.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۰، ثواب مرض الصّبی، ح ۱.

چهارده سالگی، طلب آموزش برای پدر و مادر است و چون به سن بلوغ برسند، پدر و مادر در ثواب اعمال آنها شریک‌اند و در گناهانشان شریک نیستند.<sup>۱</sup>

#### ثواب دوران بارداری و شیردهی

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «از هنگامی که زن باردار می‌شود تا زمانی که وضع حمل کند و فرزندش را از شیر می‌گیرد، مانند کسی است که در مرزهای کشور اسلامی با کافران جهاد کرده و شرّ آنها را از سر مسلمانان کوتاه می‌کند. و اگر در این بین بمیرد، ثواب شهیدان را دارد».<sup>۲</sup>

#### دختر یا پسر

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند بر دختران مهربان‌تر از پسران است. و هر مردی که شاد کند زنی را که با او خویشاوندی دارد و محرم اوست، خداوند او را در قیامت شاد می‌گرداند».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «دختران حسنات هستند و پسران نعمت و خداوند بر حسنه ثواب می‌دهد و از نعمت سؤال می‌کند».<sup>۴</sup>

۳. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به یکی از اصحابش فرمود: «شنیده‌ام خداوند دختری به تو عنایت کرده ولی او را نمی‌خواهی؟ مگر چه ضرری برای تو دارد؟ دختر گلی است که او را می‌بویی و روزیش را خدا می‌دهد و پیامبر پدر دختران بود».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۵.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۷.

۴. کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۸؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۹، ثواب اب البنات، ح ۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۹.

۴. و در سخنی دیگر فرمود: «هر کس آرزوی مر دختران را کند و آنها بمیرند، ثوابی در کارنامه اعمالش نخواهد بود و در روز قیامت نزد خداوند گناهکار باشد»<sup>۱</sup>.

۵. در حدیثی دیگر آمده است: «کسی نزد رسول خدا ﷺ نشسته بود، به وی خبر دادند خداوند دختری به تو داد، رنگش تغییر کرد. حضرت فرمود: زمین گهواره او و آسمان سایبانش و خداوند روزیش را می دهد. و گلی است که او را می بویی (از چه چیز ناراحتی؟) سپس رو به یارانش کرد و در مورد کسانی که یک یا چند دختر دارند سفارش هایی فرمود»<sup>۲</sup>.

۶. از حضرت رسول اعظم ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس نفقه سه دختر یا سه خواهر را دهد بهشت بر او واجب می شود. سپس فرمود: بلکه هر کس دو یا یک تن از آنان را نفقه دهد، بهشت بر او واجب می شود»<sup>۳</sup>.

## دعا برای فرزنددار شدن

### دعاهای مخصوص

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسانی که دیرهنگام صاحب فرزند می شوند این دعا را بخوانند: اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَحِيدًا وَخَشَاءً، فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي بَلْ هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقٍ ذُكُورًا وَإِنَاثًا، أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ، يَا وَهَّابُ يَا عَظِيمُ يَا مُعْظِمُ. ثُمَّ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَاقِبَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ

۱. کافی، ج ۶، ص ۵، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۶، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱۹.



فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ وَفَاءِ بِالْعَهْدِ.<sup>۱</sup>

۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس این دعا را بخواند، خداوند دعاهایش را در مورد ثروت و فرزند و خیر دنیا و آخرت مستجاب می‌کند: رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتُدُّنِي فِي حَيَاتِي وَ يَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَ اجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِّلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»<sup>۲</sup> و برای فرزندان شدن، هفتاد مرتبه آن را بخواند.<sup>۳</sup>

۳. در حدیث است که کسی از نداشتن فرزند به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنْ رَزَقْتَنِي ذَكَرًا سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا»<sup>۴</sup>

#### استغفار

۱. ابرش کلبی به امام محمد باقر علیه السلام عرض کرد: صاحب فرزند نمی‌شوم.

۱. ترجمه: «بار خدایا، مرا تنها وامگذار و تویی بهترین وارثان، تنهای ترس‌آوری که تفکرم از شکرگزاریم می‌کاهد، بلکه مرا عاقبتی صادقانه با پسران و دخترانی ببخش که از تنهایی به آنان مأنوس بوده و آرام‌گیرم و در هنگام کامل شدن، نعمت تو را شکر کنم ای بخشنده، ای بزرگ، ای بزرگ‌کننده. سپس در هر عافیتی توفیق شکر و سپاس به من عطا کن تا مرا در راستگویی و ادای امانت و وفای به پیمان، به خشنودی و بهشت تو برساند». کافی، ج ۶، ص ۷، ح ۱.

۲. ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار. و تویی بهترین وارثان و از نزد خود برای من یاوری (فرزندی) قرار ده که در زندگی به من کمک کند و پس از مرگ برایم طلب مغفرت نماید و او را خلقتی موزون قرار ده و از برای شیطان در او بهره‌ای قرار مده! بار خدایا، من از تو طلب مغفرت می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم، زیرا تو بخشنده و مهربانی».

۳. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴.

۴. ترجمه: «خدایا، اگر فرزند پسری روزی ام کنی او را محمد نامیدم». کافی، ج ۶، ص ۱۱، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۵.

حضرت فرمود: «هر روز یا هر شب صد مرتبه استغفار کن».<sup>۱</sup>

وبهتر آن است که «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ» بگویند.

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت آمده است که برای حل مشکل نداشتن فرزند چنین بگویند: هر صبح و شام هفتاد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»، سپس ده بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ»، بعد نه بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» و به دنبال آن، یک بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ». راوی می‌گوید: جمع بسیاری به این دستور عمل کردند و بر آن مداومت نمودند و فرزندان فراوانی روزی آنها شد. و در هر یک از اینها می‌توان به یک «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» اکتفا کرد.<sup>۲</sup>

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و از کمی فرزند شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه روز پس از نماز صبح و عشا هفتاد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» بگو و پس از آن این آیات شریفه را تلاوت کن: ﴿أَسْتَغْفِرُكَ يَا رَبِّكَ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾.<sup>۳</sup> سپس در شب سوم با همسر خود آمیزش کن، خداوند پسری سالم به تو خواهد داد».<sup>۴</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که برای فرزنددار شدن سفارش کرد: «هر شب سحر صد بار استغفار کن و اگر شبی فراموش شد در وقت دیگر قضای آن را به جا آور».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴.

۳. ترجمه: «از پروردگار خویش آموزش بطلبید که او بسیار آموخته است - تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد - و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد». سوره نوح، آیات ۱۰-۱۲.

۴. طب الأئمة، ص ۱۲۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۹، ح ۶.

۵. از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزند بخواهد، بسیار استغفار کند».<sup>۱</sup>

#### تلاوت آیاتی از قرآن برای زاد و ولد

۱. در حدیث است که حارث نصری می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم از خاندانی هستم که منقرض شدند و فرزند ندارم. حضرت فرمود: «در حال سجود چنین دعا کن: رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.»<sup>۲</sup> رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ».<sup>۳</sup> این کار را کردم و خداوند متعال به من علی و حسین را عطا فرمود.<sup>۴</sup>

۲. مردی از اینکه صاحب فرزند نمی‌شد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هرگاه بخواهی با همسر خود آمیزش کنی، این سه آیه را از قرآن بخوان، إن شاء الله خداوند فرزندی روزی تو کند: ﴿وَذَٰلَٰلْتُنَّ إِذْ ذَهَبَ مُغَٰضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ \* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَمِ وَكَذَٰلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ \* وَرَكَرِيًّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾».<sup>۵</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۲. ترجمه: «پروردگارا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش، که تو شنونده دعایی». سوره آل عمران، آیه ۳۸.

۳. ترجمه: «پروردگارا، مرا تنها وامگذار (و فرزندی برومند به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی». سوره انبیاء، آیه ۸۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۲.

۵. ترجمه: «و (به یاد آر) صاحب ماهی (یونس) را در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما وقتی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمت‌های (متراکم) صدا زد: «(خداوند!) جز تو معبودی نیست؛ منزه‌ی تو! من از ستمکاران بودم». ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این‌گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم. و (به یاد آر) زکریا را

## نماز مخصوص، اذان و نام علی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد همسرش حامله شود، پس از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند و رکوع و سجودش را طولانی کند و پس از نماز بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِمَا سَأَلْتَکَ بِهٖ زَکَرِیَّا: «رَبِّ لَا تَذَرْنِیْ فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ، رَبِّ هَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاِ» اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اِسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِیْ اَمَانَتِکَ اَخَذْتُهَا، فَاِنْ قَضَیْتَ فِیْ رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُّبَارَکًا زَکِیًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شَرْکًا وَ لَا نَصِیْبًا»<sup>۱</sup>.
۲. در حدیث است که کسی خدمت امام رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: همواره بیمارم و صاحب فرزند نمی شوم. حضرت فرمود: «در خانه‌ات با صدای بلند اذان بگو» آن شخص به دستور امام عمل کرد، بیماریش برطرف و فرزندان بسیاری نصیبش شد.<sup>۲</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی روزی اش نشده، اگر نیّت کند که نام فرزندش را علی بگذارد، خداوند پسری به او عطا کند».<sup>۳</sup>
۴. در روایت دیگری می خوانیم: «نام فرزند را علی بگذارید تا عمرش درازتر شود».<sup>۴</sup>

→ در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار من، مرا تنها مگذار (و فرزندی برومند به من

عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی» (سوره انبیاء، آیات ۸۷-۸۹) کافی، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۰.

۱. ترجمه: «بار خدایا، از تو می خواهم آنچه را که زکریّا از تو خواست «پروردگارا، مرا تنها وامگذار و تو بهترین وارثانی. بار خدایا، از نزد خود نسلی پاکیزه به من ببخش زیرا تو شنونده دعایی»، بار خدایا، با نام تو او را بر خود حلال کردم و به امانت تو او را گرفتم، پس اگر در رحم او فرزندی مقدر کرده‌ای او را مبارک و پاک گردان و از برای شیطان در او شریک و بهره‌ای قرار مده». کافی، ج ۶، ص ۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۳۴۸، ح ۹۷۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۹، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۹۰۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۱.

۴. همان، ص ۱۱، ح ۲.

## ۸ احکام دوران حمل و زایمان و پس از آن

### پیش از زایمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به زن حامله به بخورانید تا فرزندش خوشبوتر و رنگش صاف تر شود».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به زنان حامله کُنْدُر بخورانید که اگر کندر غذای جنین شود، دلش محکم و عقلش زیاد می شود؛ اگر پسر باشد شجاع می شود و اگر دختر باشد نزد شوهرش عزیز است».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نام فرزندان را پیش از ولادت انتخاب کنید. اگر نمی دانید پسر است یا دختر از نامی مشترک بین پسر و دختر بگذارید، زیرا اگر این کار را نکنید و فرزند سقط شود، در روز قیامت به شما گوید: چرا بر من نام نگذاشتید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله، محسن فرزند فاطمه علیه السلام را هنگامی که در شکم مادر بود نام نهاد».<sup>۳</sup>

### هنگام زایمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه بر زن حامله درد زایمان سخت شود، این آیات را بر روی پوستی نوشته، بر ران راستش ببندید و پس از زایمان آن را باز کنید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيَّةً»<sup>۴</sup> اذ

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۶، ح ۷۱۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۶.

۳. همان، ص ۱۸، ح ۲.

۴. ترجمه: «هنگامی که وعده ای را که به آنها داده می شود ببینند، احساس می کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند». سوره احقاف، آیه ۳۵.

۵. ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می بینند چنین احساس می کنند که گویی توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است». سوره نازعات، آیه ۴۶.

قَالَتْ امْرَأَةٌ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا<sup>۱</sup>».

۲. نویسنده کتاب طب الائمه می گوید: «کسی خدمت امام باقر علیه السلام رسید و گفت: همسر من بر اثر شدت درد زایمان نزدیک است بمیرد. حضرت فرمود: این آیات را بر او بخوان: «فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ اِلَى جِدْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِثُّ قَبْلِ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًا مِّنْسِيًّا \* فَتَادِيهَا مِنْ تَحْتِهَا اَنْ لَا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا \* وَهَزِي اِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا<sup>۲</sup>» سپس با صدای بلند این آیه را بخوان: «وَ اللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْاَبْصَارَ وَ الْاَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ<sup>۳</sup>» کَذَلِكَ اَيُّهَا الطَّلِقُ اُخْرِجْ بِاِذْنِ اللّٰهِ<sup>۴</sup>. اگر آنچه را که گفته شد بخوانی، به یاری خداوند فوراً زن نجات می یابد<sup>۵</sup>.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه زن حامله وارد ماه وضع حمل شد این آیات را در کاغذی بنویسید و چیزی بر آن بیچید (اما گره نزنید) و بر کمر آن زن ببندید. در این صورت درد زایمان او را نیازارد و پس از وضع حمل آن را باز کنید و بیش از یک ساعت همراهش نباشد.

«أَوْ لَمْ يَرَى الدِّينَ كَفَرُوا اَنَّ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ

۱. ترجمه: «(به یاد آرید) آن گاه که همسر عمران گفت: خداوند، آنچه را در رحم دارم، برای تو نذر کردم، که محرّر (و آزاد، برای خدمت خانه تو) باشد». (سوره آل عمران، آیه ۳۵) السراة، ج ۳، ص ۵۹۸.

۲. ترجمه: «درد زایمان او را به کنار تنه درخت خرمایی کشاند؛ (آن قدر ناراحت شد که) گفت: «ای کاش پیش از این مرده بودم و به کلی فراموش می شدم». ناگهان از طرف پایین پایش او را صدا زد که: «غمگین مباش! پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (گوارا) قرار داده است. و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه ای بر تو فرو می ریزد». سوره مریم، آیات ۲۳ - ۲۵.

۳. ترجمه: «و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج کرد در حالی که هیچ چیز نمی دانستید؛ و برای شما گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید». سوره نحل، آیه ۷۸.

۴. ترجمه: «ای درد، به اذن خداوند این جنین خارج شو».

۵. طب الائمه، ص ۶۹.

الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>. «وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ \* وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ \* وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ \* لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ \* وَ آيَةٌ لَهُمُ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ \* وَ خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ \* وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ \* إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ»<sup>۲</sup>. «وَ نَفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ»<sup>۳</sup>.

و در پشت کاغذ این آیات زیر را بنویسید: «كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ»<sup>۴</sup>. «كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا»<sup>۵</sup>.

۱. ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند؟!» سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۲. ترجمه: «شب (نیز) برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت خدا)؛ ما روز را از آن برمی‌گیریم، ناگهان تاریکی آنان را فرا می‌گیرد. و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است؛ این تقدیر خداوند توانا و داناست. و برای ماه منزلگاه‌هایی قرار دادیم، (و هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت «شاخه کهنه قوسی شکل و زرد رنگ خرما» درمی‌آید. نه خورشید را سزااست که به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر کدام در مسیر خود شناورند. نشانه (ای دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان این است که ما فرزندان‌شان را در کشتی‌هایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم. و برای آنها مرکب‌های دیگری همانند آن آفریدیم. و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم به طوری که نه فریادرسی داشته باشند و نه نجات داده شوند. مگر اینکه رحمت ما (شامل آنان شود)، و تا زمانی معین از این زندگی بهره گیرند.» سوره یس، آیات ۳۷-۴۴.

۳. ترجمه: «(بار دیگر) در صور دمیده می‌شود، ناگهان آنها از قبرها، شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان می‌روند.» سوره یس، آیه ۵۱.

۴. ترجمه: «هرگاه وعده‌ای را که به آنها داده می‌شود ببینند، احساس می‌کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند.» سوره احقاف، آیه ۳۵.

۵. ترجمه: «آنها در آن روز که قیام قیامت را می‌بینند چنین احساس می‌کنند که گویی توقفشان (در دنیا و برزخ) جز شامگاهی یا صبح آن بیشتر نبوده است.» (سوره نازعات، آیه ۴۶) طَبَّ الْأُمَمَةِ، ص ۹۵.

## پس از وضع حمل

## غذای مادر

۱. در روایتی معتبر آمده است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «اَوَّلُ چیزی که زن پس از وضع حمل باید بخورد رطب است، همان گونه که خداوند متعال به حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ پس از وضع حمل دستور داد رطب بخورد. و اگر فصل رطب نباشد (یا رطب در دسترس نباشد) نُه عدد از خرماهای مدینه بخورد. و اگر آن هم موجود نبود، نُه عدد از خرماهای دیگر که در اختیار دارد بخورد، زیرا خداوند متعال می فرماید: به عزّت و جلالم سوگند، اگر هر زنی که تازه زاییده رطب بخورد فرزندش را بردبار می گردانم».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: «بهترین میوه های شما خرمای برنی است؛ پس به زنانان بعد از وضع حمل، خرمای برنی بخورانید تا فرزندش زیرک و بردبار شود».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی آمده است که هرگاه به حضرت سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ بشارت ولادت فرزند می دادند نمی پرسید پسر است یا دختر، بلکه از سلامتی مولود سؤال می کرد و هنگامی که خبر سلامتی اش را می دادند، می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئاً مُّشَوَّهاً».<sup>۳</sup>

## تبریک ولادت و رنگ لباس نوزاد

۱. در حدیثی می خوانیم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به کسی که خداوند به وی پسر داده

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۴.

۲. محاسن، ص ۵۳۴، ح ۸۰۰؛ کافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۳.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که از من، فرزند معیوب و زشتی نیافرید». کافی، ج ۶،

ص ۲۱، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۶، ح ۷۱۰.



بود چنین تبریک گفت: «رَزَقَكَ اللهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَ بَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَ بَلَغَ بِهِ أَشَدَّهُ وَ رَزَقَكَ بِرَّهُ»<sup>۱</sup>.

۲. از حدیث‌هایی که در مورد ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام وارد شده است استفاده می‌شود که پیچیدن نوزاد در پارچه زرد، کراحت دارد و در پارچه سفید مستحب است.<sup>۲</sup>

#### برداشتن کام طفل

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که این کار، نوزاد را در برابر دردها و بلاها بیمه می‌کند».<sup>۳</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام طفل را با آب فرات بردارید و در گوشش اقامه بگویید».<sup>۴</sup>
۳. در روایتی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «کام نوزاد را با آب فرات و تربت امام حسین علیه السلام بردارید و اگر آب فرات نباشد با آب باران».<sup>۵</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با خرما بردارید، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله با امام حسن و حسین علیهما السلام چنین کرد».<sup>۶</sup>

۱. ترجمه: «خداوند توفیق شکر کسی که این فرزند را به تو بخشیده عنایت فرماید و در آن فرزند به تو برکت دهد و او را به کمال قوت برساند و خوبی‌های او را روزی تو کند». کافی، ج ۶، ص ۱۷، باب التهنیه بالولد، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۹.

۲. صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۷۳، ح ۱۴۵.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۶، ص ۸۴، ح ۱۴۲ و ۱۴۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۷.

قطره ریختن در بینی، اذان واقامه گفتن در گوش و غسل دادن نوزاد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نوزاد به دنیا آمد به مقدار یک عدس از جاوشیر<sup>۱</sup> در آب حل کنید، سپس دو قطره از آن را در بینی راست و یک قطره را در بینی چپ نوزاد بریزید»<sup>۲</sup>.

۲. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از آنکه ناف نوزاد را قطع کنید، در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویید، در این صورت ترسی بر آن فرزند نیست و امّ الصّبیان (نوعی بیماری کودکان) به او ضرر نمی‌زند»<sup>۳</sup>.

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «هر کس فرزندی از او متولد شود باید در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوید که او را از شرّ شیطان حفظ می‌کند»<sup>۴</sup>.

۴. از جمله اعمال مستحب در وقت ولادت، غسل دادن نوزاد است<sup>۵</sup>، حتی برخی علما آن را واجب می‌دانند<sup>۶</sup> و احتیاط آن است که چنین نیت کند: غسل می‌دهم این طفل را برای رضای خدا، سپس سرش را بشوید و بعد سمت راست و در آخر سمت چپ بدنش را بشوید.

۱. «جاوشیر» صمغی است بدبو به رنگ سرخ تیره که از بیخ و ساقه گیاهی گرفته می‌شود. گیاه آن دارای ساقه بلند و پرزدار و برگ‌هایش شبیه برگ انجیر و گل‌های آن زرد و خوشبو است. گاوشیر و جواشیر و کوشیر هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۶۹۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۶؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۶۹۸.

۵. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۶. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۵۱.

### نامگذاری

۱. در فقه الرضا آمده است که: «نام نوزاد را در روز هفتم تعیین کنید».<sup>۱</sup>
۲. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نخستین نیکی پدر به فرزند، انتخاب نام نیک است».<sup>۲</sup>

### نام‌های نیک

۱. از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راست‌ترین نام‌ها نامی است که دلالت بر بندگی خدا کند، مانند عبدالله و بهترین نام‌ها نام پیامبران است».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس چهار فرزند نصیبش شود و هیچ‌یک را به نام من نهد، بر من جفا کرده است».<sup>۴</sup>
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه‌ای که در آن نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه بوده باشد، فقر و بینوایی وارد آن خانه نمی‌شود».<sup>۵</sup>
۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی برای مشورت جمع شوند و در میان آنها کسی باشد که نامش محمد یا حامد یا محمود یا احمد باشد، رأی آنها بر آنچه خیر است قرار می‌گیرد».<sup>۶</sup>
۵. و در حدیثی دیگر فرمود: «فرزندی که نام محمد را برای او انتخاب

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۳۹.

۲. کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۳، ح ۷۰۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۱۸، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۶؛ عده الداعی، ص ۷۷.

۵. کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۴.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

کرده‌اید، گرامی بدارید و در مجلس برایش جا باز کنید و بر او رو ترش نکنید»<sup>۱</sup>.  
 ۶. و در روایتی دیگر فرمود: «هر خانواده‌ای که نام پیامبری در میان آنها باشد، خداوند متعال هر صبح و شام فرشته‌ای می‌فرستد که برایشان به قداست و پاکی دعا کند»<sup>۲</sup>.

۷. در روایتی می‌خوانیم که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: خداوند به من پسری داده است. امام فرمود: «مبارک باشد چه نامی برایش انتخاب کرده‌ای؟» عرض کرد: محمّد. امام سر را به پایین خم کرد، نام محمّد را تکرار می‌کرد به حدّی که صورت ایشان به زمین نزدیک شد. سپس فرمود: «جان خود و فرزندان و همسران و پدر و مادر و تمام ساکنان زمین فدای حضرت رسول صلی الله علیه و آله باد! اکنون که چنین نام مبارکی برایش انتخاب کرده‌ای به او دشنام نده و او را کتک نزن و در حقش بدی نکن و توجّه داشته باش که هیچ خانه‌ای نیست که در آن نام محمّد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را تطهیر و تقدیس می‌کنند»<sup>۳</sup>.

۸. در حدیث است که جابر می‌گوید همراه امام باقر علیه السلام به منزل یکی از شیعیان برای عیادت از وی رفتم. کودکی بیرون آمد. حضرت پرسید: «نام تو چیست؟» گفت: محمّد. فرمود: «کنیه‌ات چیست؟» عرض کرد: ابوعلی. فرمود: «خود را در برابر شیطان در قلعه محکمی قرار داده‌ای؛ هرگاه شیطان بشنود کسی این کودک را به نام محمّد یا علی صدا می‌زند دور می‌شود و اگر نام کسی همنام دشمنان ما باشد و او را با آن نام صدا زنند شیطان شاد می‌شود»<sup>۴</sup>.

۹. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۲۹.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۹، ح ۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۲.

خداوند پسری به من داده است چه نامی بر او بگذارم؟ حضرت فرمود: «بهترین نام‌ها نزد من حمزه است، این نام را برایش انتخاب کن».<sup>۱</sup>

#### نام‌های نامناسب

۱. در چندین حدیث آمده است که حضرت رسول ﷺ از انتخاب نام‌های حکم، حکیم، خالد، مالک نهی کرد و فرمود: «دشمن‌ترین نام‌ها نزد خدا، حارث و مالک و خالد است».<sup>۲</sup> و نیز از کنیه‌های ابو عیسی، ابوالحکم، ابومالک و همچنین ابوالقاسم برای کسی که نامش محمد است نهی کرد، تا نام و کنیه یک شخص هر دو همسان نام و کنیه حضرت محمد ﷺ نباشد.<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم: نام «یاسین» را برای فرزندان انتخاب نکنید که مخصوص حضرت محمد ﷺ است.<sup>۴</sup>

### ۹ عقیده کردن و سر تراشیدن نوزاد و آداب آن

#### عقیقه

(مقدمه:) عقیقه برای فرزند مستحب مؤکد است، البته برای کسانی که قادر بر آن باشند و بعضی از علما آن را واجب می‌دانند و بهتر آن است که در هفتمین روز تولد فرزند انجام شود و اگر انجام نشود تا زمان بلوغ فرزند بر پدر و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش مستحب است.

۱. کافی، ج ۶، ص ۱۹، ح ۹؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۴، ح ۷۰۵.

۲. علت عدم انتخاب این نام‌ها ظاهراً این است که موجب غفلت انسان از موقعیت خویش و گاه از خدا می‌شود.

کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۴؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۵، ح ۷۰۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۱، ح ۱۵؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۵، ح ۷۰۸.

۴. کافی، ج ۶، ص ۲۰، ح ۱۳.

## اهمیت عقیقه

در احادیث معتبر فراوانی آمده است که: عقیقه بر کسی که صاحب فرزندی شود واجب است<sup>۱</sup> (ولی حق آن است که جزء مستحبات مؤکد است).

## فلسفه وزمان عقیقه

۱. در احادیث بسیاری آمده است که فرزند در گرو و رهن عقیقه است.<sup>۲</sup> یعنی اگر عقیقه نشود در معرض انواع بلاها خواهد بود.
۲. در حدیثی معتبر از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «هرگاه پسر یا دختری متولد شد روز هفتم برایش گوسفند یا شتری عقیقه کن و همان روز برایش نام (نیکی) انتخاب بنما و موهای سرش را تراش و به وزن موهایش طلا یا نقره صدقه بده».<sup>۳</sup>
۳. حضرت رضا علیه السلام فرمود: «پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در روز ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام در گوش آنان اذان گفت و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم ولادت آن بزرگواران برایشان عقیقه کرد و ران گوسفند را به همراه یک اشرفی به قابله داد».<sup>۴</sup>

## عقیقه برای بزرگسالان

در روایتی معتبر آمده است که عمر بن یزید می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: نمی دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا نه، (چه کنم؟) امام فرمود: «عقیقه کن». سپس عمر بن یزید در پیری برای خود عقیقه کرد.<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۲ و ص ۲۵، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸، ح ۷.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۰.

۵. کافی، ج ۶، ص ۲۵، ح ۳؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۸، ح ۷۱۹.

### صدقه یا قربانی به جای عقیقه

۱. در حدیثی آمده است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: گوسفندی برای عقیقه نیافتم آیا می توانم قیمتش را صدقه دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «کفایت نمی کند، جست و جو کن تا گوسفندی بیابی، زیرا خداوند دوست دارد گوسفندی قربانی و اطعام داده شود».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه برای کسانی که غنی هستند لازم است و کسی که فقیر باشد هرگاه توانایی یافت انجام می دهد و اگر توانایی نیافت چیزی بر او نیست. و اگر عقیقه نکرد تا زمانی که قربانی برای او کنند همان قربانی برای او کافی است».<sup>۲</sup>

### عقیقه کودک هفت روزه

۱. در حدیثی آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا فرزندی که روز هفتم می میرد عقیقه دارد؟ فرمود: «چنانچه قبل از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر از دنیا برود عقیقه دارد».<sup>۳</sup>

### شرایط عقیقه

(مقدمه:) عقیقه اگر شتر باشد باید پنج ساله یا بیشتر و اگر بز باشد یک ساله یا بیشتر و اگر گوسفند باشد حداقل شش ماهه یا بیشتر و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می بایست بیضه اش را نکشیده بلکه نکوبیده باشند. و مغز شاخش شکسته نباشد و گوشش را نبریده باشند و کور و زیاد لاغر نباشد و لنگ نباشد به

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۵، ح ۶ و ۸؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۰۸، ح ۷۲۰.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۱۵۱۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۱۵۲۵.

حدی که راه رفتن برایش مشکل باشد.

(ولی) در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «عقیقه همچون قربانی نیست و شرایط آن را ندارد، بنابراین هر گوسفندی باشد کفایت می‌کند<sup>۱</sup>، زیرا هدف گوشت آن است هر چند اگر چاق تر باشد بهتر است». (واین نشان می‌دهد که بیان اول به جنبه‌های مستحبی نظر دارد).<sup>۲</sup>

#### دعای هنگام ذبح گوسفند

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام ذبح گوسفند این دعا را بخوانید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ (به جای فلان، نام کسی را بگویند که برایش عقیقه می‌کند) لَحْمُهَا بِالْحَمِيمِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر آمده است که خواندن این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اِيْمَانًا بِاللَّهِ، وَ ثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ، وَ الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ، وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».<sup>۴</sup>

سپس اگر فرزند پسر باشد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۹، باب أن العقیقة لیست بمنزلة الأضحیة، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم). بار خدایا این عقیقه از طرف فلانی است، گوشتش را در برابر گوشت او و خونش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر استخوان او (حفظ کن) بار خدایا، آن را مایه حفظ خاندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار ده». کافی، ج ۶، ص ۳۰، باب القول علی العقیقة، ح ۱.

۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم). و حمد و ثنا مخصوص خداست و خداوند بزرگ‌تر از آن است که به وصف آید (این عقیقه را همراه با) ایمان به خدا و ستایش بر رسول خدا و گردن نهادن به فرمان او و سپاس برای روزی دادن او و شناختن فضل خداوند بر ما اهل بیت (انجام می‌دهم)». کافی، ج ۶، ص ۳۰، باب القول علی العقیقة، ح ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۱، ح ۷۳۰.



وَهَبْتَ وَمِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَكُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلَهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ  
وَرَسُولِكَ ﷺ وَ اِحْسَاءُ عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمِ لَكَ سَفَكْتُ الدِّمَاءَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَمْدُ  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لِحُمِّهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمِّهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمِهَا بِعَظْمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهِ  
وَ جِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ بِهِ جَاى فُلَانِ بْنِ فُلَانِ نَامِ كَسَى  
که برایش عقیقه شده و پدرش را ببرد»<sup>۱</sup>.

۳. در روایت معتبر دیگری آمده است که امام صادق علیه السلام این دعا را به هنگام  
ذبح کردن عقیقه سفارش کرد: «يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ  
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ<sup>۲</sup> إِنَّ صَلَاتِي  
وَنُكُوبِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ  
الْمُسْلِمِينَ<sup>۳</sup> اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ وَ بِهِ جَاى فُلَانِ، نَامِ فِرْزَنِ دِ رَا بَبِرْدِ سَبَسِ كُوسْفَنِ دِ رَا  
سر ببرد»<sup>۴</sup>.

۱. ترجمه: «بار خدایا، تو پسری به ما دادی در حالی که تو داناتری به آنچه داده‌ای و این بخشش از جانب تو  
است و آنچه را که ما انجام داده‌ایم بر سنت تو و پیامبر تو است از ما بپذیر و شیطان رانده شده را از ما دور کن،  
از برای (فرمان) تو عقیقه کردم، تو شریکی نداری و حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پروردگار  
جهانیان است. بار خدایا، گوشتش را در برابر گوشت او و خونسش را در برابر خون او و استخوانش را در برابر  
استخوان او و مویش را در مقابل موی او و پوستش را در برابر پوست او (حفظ کن). پروردگارا، این عقیقه را  
مایه حفظ و سلامتی فلان کس فرزند فلان کس قرار بده».

۲. ترجمه: «ای قوم، من از شریکانی که شما (برای خدا) می‌سازید بیزارم. من روی خود را به سوی کسی کردم  
که آسمان‌ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم». سوره انعام، آیات ۷۸ و ۷۹.

۳. ترجمه: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است. همتیایی  
برای او نیست؛ و به همین مأمور شده‌ام؛ و من نخستین مسلمانم». سوره انعام، آیات ۱۶۲ و ۱۶۳.

۴. ترجمه: «بار خدایا، از تو و برای تو است، به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم) و خدا بزرگ‌تر از آن  
است که وصف شود. بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و از فلانی بپذیر». کافی، ج ۶، ص ۳۱، ح ۴؛  
مکارم الأخلاق، ص ۲۲۷.

## حکم مالیدن خون عقیقه بر نوزاد و هدیه دادن به قابله

۱. در احادیث بسیار از مالیدن خون عقیقه بر سر نوزاد نهی شده و این کار از خرافات جاهلیت شمرده شده است.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک چهارم گوسفند عقیقه را به قابله بدهید و اگر زایمان بدون قابله صورت گرفته، آن را به مادر نوزاد دهید تا به هر که بخواهد بدهد و لااقل ده فقیر مسلمان را با آن اطعام کنید و هر چه زیادت باشد بهتر است. و خود مادر از آن نخورد.»<sup>۲</sup>
۳. در روایت دیگری آمده است که یک سوم گوسفند را به قابله بدهند.<sup>۳</sup>

## آداب طبخ کردن و خوردن عقیقه

مستحب است که استخوان‌ها را نشکنند بلکه از بندها جدا سازند<sup>۴</sup>، چنانکه مستحب است آن را نپخته و خام تقسیم نکنند و حداقل با آب و نمک بپزند.<sup>۵</sup> بلکه این روش احتمالاً روش خوبی باشد و اگر خام هم صدقه دهند خوب است و لازم نیست کسانی را که برای خوردن عقیقه دعوت می‌کنند فقیر باشند، هر چند بهتر است صالحان و فقیران دعوت شوند. و مشهور آن است که اول سر نوزاد را بتراشند سپس برای او عقیقه کنند.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۳، ح ۲ و ۳؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵، ح ۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۸، ح ۹؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۰، ح ۷۲۷.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۲، ح ۲.

۴. همان، ص ۲۹، ح ۱۱.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۴، ح ۱۶.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۴، ح ۴.

### چه کسانی از گوشت عقیقه نخورند؟

مستحب است پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند. و نیز بهتر است از غذایی که با گوشت عقیقه پخته شده نخورند و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنکه عیال و نانخور پدر و مادر نیز که در خانه ایشان هستند از آن گوشت و طعام نخورند.<sup>۱</sup>

### تراشیدن موی سر نوزاد

۱. در حدیثی آمده است که: «عقیقه کردن و تراشیدن موی سر و صدقه دادن طلا یا نقره هموزن آن، همه در یک زمان و مکان باشد».<sup>۲</sup>
۲. در مورد تراشیدن سر مستحب است که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند.<sup>۳</sup>
۳. در روایتی آمده است که مستحب است پس از تراشیدن سر نوزاد، بر سرش زعفران بمالند.<sup>۴</sup>

## ۱۰ ختنه کردن

### زمان ختنه کردن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مستحب است پسران را در روز هفتم ولادتشان ختنه کنند و اگر قبل از آن باشد نیز اشکال ندارد».<sup>۵</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب احکام الأولاد، باب ۴۷، ح ۱ و ۲ و ۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۲۷، ح ۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب کراهیه القناع، ح ۱ و ۲؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۵، ح ۷۴۶.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۸.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۶، ح ۷؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۳، ح ۷۳۶.

۲. در روایتی حضرت علی علیه السلام فرمود: «کسی که مسلمان شود ختنه‌اش می‌کند، هر چند هشتاد سال داشته باشد».<sup>۱</sup>

#### فلسفه ختنه کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «فرزندانتان را در روز هفتم ختنه کنید که باعث پاکیزگی بیشتر بدن و رویش بهتر گوشت آنها می‌شود. و زمین از ادرار کسی که ختنه نشده باشد ناراحت می‌شود».<sup>۲</sup>

در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، تا چهل روز نجس می‌شود».<sup>۳</sup>

و در حدیثی دیگر فرمود: «زمین از ادرار کسی که ختنه نکرده، به خدا شکایت می‌کند».<sup>۴</sup>

#### دعای ختنه کردن، تکرار ختنه و احکام ترک ختنه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به هنگام ختنه کردن پسر این دعا را بخوانید و اگر آن زمان خوانده نشد، تا زمان بلوغ هر زمان امکان داشت بخوانید که حرارت و صدمات ناشی از آهن، مانند کشته شدن و جز آن را از وی دور می‌کند و آن دعا این است: **اللَّهُمَّ هِدْهُ سُنَّتِكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اتِّبَاعُ مَنَّا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ، بِمَشِيَّتِكَ وَ بِإِرَادَتِكَ وَ قَضَائِكَ لِأَمْرِ أَرَدْتَهُ وَ قَضَائِهِ حَتْمَتَهُ وَ أَمْرٍ أَنْفَدْتَهُ وَ أَدَقَّتْهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَ حِجَامَتِهِ، بِأَمْرِ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ**

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱۰؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۳، ح ۷۳۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۳۴، باب التطهیر، ح ۱؛ تهذیب، ج ۷، ص ۵۱۲، ح ۷۳۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۳۰.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

مَبِيٍّ. اَللّٰهُمَّ فَطِّهْرْهُ مِنْ الذُّنُوْبِ وَ زِدْ فِيْ عُمْرِهِ وَ اَدْفَعْ الْاَفَاتَ عَنْ بَدَنِهِ وَ الْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَ زِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَ اَدْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ، فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا نَعْلَمُ.<sup>۱</sup>

۲. از حضرت امام زمان علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر پسری را ختنه کنند و دوباره قسمت بریده شده برآید به طوری که سر حشفه پنهان شود، باید دوباره ختنه کنند زیرا زمین از ادرار کسی که ختنه (کامل) نکرده باشد تا چهل روز ناله می‌کند».<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که ختنه نکرده امام جماعت نشود، شهادتش قبول نیست و هر زمان مرد بر او نماز نخوانید، زیرا بزرگترین سنت‌های پیامبر را ترک کرده است، مگر اینکه به خاطر (عذری مثلاً ترس از) مر آن را ترک کرده باشد».<sup>۳</sup>

## ۱۱ آداب شیر دادن و تربیت فرزند

(مقدمه:) انتهای شیر دادن پایان دو سالگی است.<sup>۴</sup> و برخی علما معتقدند که بدون عذر بیش از دو سال شیر دادن جایز نیست<sup>۵</sup>، مگر آنکه باعث اذیت و آزار

۱. ترجمه: «بار خدایا، این سنت تو و سنت پیامبر تو است که درود تو بر او و بر آل او باد، (و این مراسم) پیروی ما از تو و از پیامبرت به خواست و اراده و قضای تو برای امری که اراده کردی و قضایی که واجب کردی و امری که انفاذ نمودی و در ختنه کردن و حمامت او سوزش آهن را به او چشاندی، به خاطر مصالحی که تو از من به آن عارف‌تری. بار خدایا، او را از گناهان پاک گردان و بر عمرش بیفزا، آسیب را از بدنش و دردها را از جسمش بازدار و بر توانگریش بیفزا و تنگدستی را از او بازدار، زیرا تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۱۵۳۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۹.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰؛ احتجاج، ج ۲، ص ۵۵۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۱۱۰۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۶.

۵. جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۲۷۷.

کودک گردد و حالت اضطراری ایجاد شود.

از سوی دیگر، کمتر از بیست و یک ماه شیر ندهند، مگر در صورت ضرورت، مثل اینکه مادر شیر نداشته باشد، یا شیر مادر برای کودک مضر باشد، یا دایه‌ای یافت نشود، یا قادر بر پرداخت اجرت دایه نباشد. و جمعی از علما معتقدند که بر مادر واجب است نخستین شیری که به پستانش می‌آید به نوزادش بخوراند<sup>۱</sup>، شیری که اگر به بچه ندهد زنده نخواهد ماند، یا قدرت کافی نخواهد داشت.

### آداب شیر دادن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سودمندترین و مبارک‌ترین شیرها برای فرزندان، شیر مادر است».<sup>۲</sup>
۲. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام مشاهده کرد امّ اسحاق به فرزندش شیر می‌دهد، به او فرمود: «ای مادر اسحاق، از یک پستان به کودک شیر نده بلکه از هر دو پستان بده که یکی به جای غذا و دیگری به جای آب است».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دایه‌ای انتخاب کنید که هم صورتی زیبا و هم سیرتی نیک داشته باشد، زیرا در نوزاد تأثیر دارد و کودک در صورت و سیرت شبیه به دایه می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. همان.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۱۴۶۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۱۴۶۶.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۲ و ۱۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۱۴۷۹.

### شیرهای ممنوع

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: اگر به حکم ضرورت فرزند خود را به دایه یهودی یا مسیحی سپردید (اولاً): اجازه ندهید که فرزندتان را به خانه خود ببرد و (ثانیاً): سفارش کنید از خوردن شراب و گوشت خوک و دیگر چیزهایی که در آیین آنها حلال (ولی در اسلام حرام) است اجتناب ورزد.<sup>۱</sup>
۲. در احادیث معتبر استفاده کردن از شیری که از زنا به وجود آمده نهی شده است.<sup>۲</sup>
۳. (نیز) در احادیث از شیر زنی که خود متولد از زناست نهی شده است.<sup>۳</sup>
۴. حضرت رسول صلی الله علیه و آله از شیر زن احمق و همچنین زنی که چشمش معیوب است نهی کرد، زیرا شیر در شیرخوار اثر می‌کند.<sup>۴</sup>

### حدّ اقل مدّت شیردهی

- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مدّت شیر دادن به نوزاد بیست و یک ماه است و هر چه کمتر باشد ظلم بر نوزاد است».<sup>۵</sup>

### تعلیم و تربیت فرزند

#### اهمیت تربیت فرزند و سنّ بازی و تربیت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خدا

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۱۴۸۲؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۹۱، ح ۳۹۷.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۷، ح ۱۴۸۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۱؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۲۱، ح ۱۱۴۴.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۷.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۰، باب الرضاع، ح ۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۸، ص ۱۷۸، ح ۳۵۳.

رحم کند کسی که به فرزندش بر نیکی‌ها کمک کند. راوی سؤال کرد: چگونه؟ فرمود: کار آسانی که از او برمی‌آید قبول کند و کارهایی که برایش دشوار باشد و انجام نمی‌دهد از او درگذرد. و کارهای سخت از او نخواهد و با وی سفاهت و تندی نکند.<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فرزندت را تا هفت سالگی رها کن که بازی کند و پس از آن تا هفت سال دوم در مورد تربیتش تلاش کن».<sup>۲</sup>
۳. و در حدیثی دیگر فرمود: «هفت سال اول برای بازی، هفت سال دوم برای تعلیم علم و هفت سال سوم برای آموختن احکام حلال و حرام خداست».<sup>۳</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کودک تا هفت سالگی به تربیت بدنش پردازد و هفت سال دوم آداب را بیاموزد و باید هفت سال سوم به او خدمت کرد و تا بیست و سه سال قدش بلند می‌شود و تا سی و پنج سال عقلش رشد می‌کند و پس از آن تجربه‌هایش اندوخته می‌گردد».<sup>۴</sup>

#### آموختن حدیث و مراحل تربیت فرزند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «احادیث ما را زود به فرزندانمان تعلیم دهید، تا مخالفان آنها را گمراه نکنند».<sup>۵</sup>
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که پسر سه ساله شود به او می‌گویند هفت بار «لا إله إلا الله» بگو. چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد به او می‌گویند هفت مرتبه «محمد رسول الله» بگو.

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۶؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۷، ح ۳۸۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۶، باب تأدیب الولد، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۳؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۴، ح ۳۷۵.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ۳۱۹، ح ۱۵۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۵؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۵، ح ۳۷۷.



وزمانی که چهار سالش تمام شود به او می‌گویند هفت بار «صَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ بَغْوًا» و پس از تمام شدن پنج سالگی او را وادار بر سجده می‌کنند. با تکمیل پنج سالگی و ورود به شش سال به وی نماز بیاموزند و سفارش به انجام دادن آن کنند. و چون نه سالش کامل شد وضو و نماز را به خوبی به وی تعلیم دهند و چنانچه نماز را ترک کرد او را تنبیه کنند. هنگامی که وضو و نماز را فرا گرفت خداوند پدر و مادرش را پیامزد<sup>۱</sup>.

#### رختخواب مستقل و نظافت شبانه

۱. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «پسران که شش ساله شدند نباید در رختخواب مشترک و زیر یک پتو بخوابند»<sup>۲</sup>.
۲. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «چربی و چرک‌های دست و صورت اطفال را پیش از خواب بشوید که شیطان به هنگام خواب او را می‌بوید و کودک در خواب می‌ترسد و فرشتگان نویسنده اعمال (پدر و مادر) اذیت می‌شوند»<sup>۳</sup>.

#### اجتناب کردن از خرافات

حضرت علی عليه السلام مشاهده کرد زیر سر کودکی تیغی گذارده‌اند (گویا خرافه‌ای برای حفظ کودک بوده است)، حضرت آن را برداشت و به کناری انداخت. سیره امام علی عليه السلام این بود که گذاردن تیغ را در اختیار کودکان ناپسند می‌شمرد<sup>۴</sup>.

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۸۶۳.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۳. همان.

۴. قرب الإسناد، ص ۱۲۷، ح ۴۹۲.

## حقوق فرزند بر والدین

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «پدر و مادر ممکن است عاق فرزندان خود شوند، چنانکه امکان دارد فرزندان عاق والدین گردند».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خدا رحم کند به پدر و مادری که فرزندان خود را بر نیکی کردن به ایشان یاری کنند».<sup>۲</sup>
۳. کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و پرسید: به چه کسی نیکی کنم؟ امام فرمود: «به پدر و مادرت». عرض کرد: آنها از دنیا رفته‌اند. فرمود: «به فرزندان».<sup>۳</sup>
۴. در احادیث معتبر آمده است که فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب علیه السلام تربیت کنید.<sup>۴</sup>
۵. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند غضب نمی‌کند برای چیزی مانند غضب برای ظلم به زنان و کودکان».<sup>۵</sup>
۶. در روایتی آمده است که سکونی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: غمگین‌ام. امام فرمود: «چرا؟» عرض کرد: خداوند به من دختری داده است. امام فرمود: «زمین بستر زندگی اوست و روزیش بر خداست و عمری جدا از عمر تو دارد و روزی تو را نمی‌خورد (پس جای نگرانی نیست)». سپس فرمود: «چه نامش گذارده‌ای؟» عرض کرد: فاطمه. فرمود: «آه آه» (گویا حضرت به یاد جدّه‌اش فاطمه زهرا علیها السلام و مصائب او افتاد)، سپس دست بر پیشانی نهاد و فرمود: «رسول خدا ﷺ فرمود: فرزند اگر پسر باشد حقش بر پدر آن است که به مادرش

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۳؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۲.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۱۵۵۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۲۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۸.

احترام بگذارد و نام نیکی برایش انتخاب کند و قرآن به او بیاموزد و ختنه‌اش کند و به او شنا آموزش دهد و اگر دختر باشد به مادرش نیکی کند و نام نیکی بر او بگذارد و سوره نور را به او بیاموزد و... و او را زود به خانه شوهر بفرستد». سپس فرمود: «به فرزندی که نامش را فاطمه نهاده‌ای دشنام نده و نفرینش نکن و او را کتک زن».<sup>۱</sup>

۷. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «حق فرزندی بر پدر آن است که برایش نام نیکی انتخاب کند و نیکو تربیتش نماید و او را به کسب شایسته‌ای بگمارد».<sup>۲</sup>

۸. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام از رسول خدا ﷺ آورده است: «شنا کردن و تیراندازی را به فرزندانان تعلیم دهید».<sup>۳</sup>

۹. از حضرت رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنها رحم کنید و اگر وعده‌ای دادید وفا کنید، زیرا آنها گمان می‌کنند که شما روزی رسان آنها هستید».<sup>۴</sup>

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او همچون کودکان بازی کند».<sup>۵</sup>

۱۱. در حدیثی صحیح و معتبر از رسول خدا ﷺ چنین نقل شده است: «هر کس فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه‌ای برای او می‌نویسد و هر کس فرزندش را شاد کند خدا او را در قیامت شاد می‌کند و هر کس به فرزند خود قرآن

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۶؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸، ح ۱؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۶، ح ۳۸۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷، ح ۴.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵۰۵.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۱۵۱۰.

بیاموزد، در قیامت پدر و مادر او را می‌طلبند و دو لباس فاخر بر آنها می‌پوشانند که از نور آن دو لباس، سیمای اهل بهشت روشن گردد.<sup>۱</sup>

۱۲. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول ﷺ رسید و عرض کرد: هرگز فرزندان خود را نبوسیده‌ام. حضرت فرمود: «به نظر من این مرد جهنمی است (چرا که قلب او از محبت و عاطفه خالی است).»<sup>۲</sup>

۱۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به بنده‌ای که فرزند خود را بسیار دوست داشته باشد رحم می‌کند.»<sup>۳</sup>

۱۴. روزی حضرت رسول ﷺ شخصی را دید که یک پسرش را بوسید و دیگری را نبوسید. فرمود: «چرا نسبت به هر دو یکسان مهربانی نکردی؟»<sup>۴</sup> بهتر آن است که در میان فرزندان تبعیض قائل نشود، مگر آنکه یکی عالم‌تر و صالح‌تر باشد و به این علت او را بر دیگری ترجیح دهد.

۱۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «کسی که به بازار برود و هدیه‌ای برای خانواده‌اش بخرد و به خانه ببرد، همچون کسی است که به جمعی از فقرا صدقه داده است. و باید هدیه دختران را پیش از پسران بدهد، چرا که هر کس دختری را شاد و خوشحال کند گویا بنده‌ای از فرزندان اسماعیل پیامبر را آزاد کرده است. و شخصی که دیده پسری را روشن سازد و او را شاد کند، همچون کسی است که از ترس خدا گریسته باشد و هر کس از خوف خدا گریان شود خدا او را وارد بهشت می‌کند.»<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۷؛ تهذیب، ج ۸، ص ۱۸۸، ح ۳۸۷.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۱۴۹۸.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۱۵۰۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۰.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۲۲۱.

## نفقه فرزندان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نفقه پنج کس بر انسان واجب است: فرزند، پدر، مادر، زوجه، برده».<sup>۱</sup>  
و فرزند شامل فرزند فرزندان (نوه‌ها) هر قدر که پایین روند می‌شود و پدر و مادر نیز شامل جد و جدّه پدری و مادری هر چند بالا روند می‌شود (ولی بعضی از مراجع بزرگ واجب النفقه را فقط پدر و مادر و فرزندان بی‌واسطه می‌دانند).
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درجه‌ای در بهشت وجود دارد که کسی به آن دست نمی‌یابد مگر سه گروه: امام عادل، کسی که به خویشان خود احسان کند، کسی که بر هزینه خانواده و آزار آنها صبر کند».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیال انسان همچون اسیران اویند؛ پس هرگاه خداوند نعمتی به او داد بر اسیران خود توسعه دهد که اگر چنین نکند، به زودی آن نعمت از وی زایل می‌شود».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی معتبر آمده است: «کسی که عیال خود را ضایع کند و خرج آنها را (علی‌رغم توانایی مالی) ندهد، رانده درگاه خداست».<sup>۴</sup>
۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو خاله یا دو عمّه را بدهد، این کار سپری در برابر آتش جهنم خواهد بود».<sup>۵</sup>

۱. تحف العقول، ص ۳۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۶۷.

۲. خصال، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۹۰، ح ۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۸۶۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۷.

۴. کافی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۳، ح ۴۸۷.

۵. خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۷۰، ح ۳.

۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به کودکان خویش قاووت<sup>۱</sup> بخورانید که باعث رشد گوشت و استحکام استخوان‌های آنها می‌شود».<sup>۲</sup>
۷. در روایت دیگری فرمود: «به کودکان انار بخورانید که زودتر به جوانی و قوّت و قدرت می‌رسند».<sup>۳</sup>

### چگونه آرامش پیدا کنیم

در کتاب طبّ الائمه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که هرگاه کودکی بسیار بگرید، یا زنی در خواب بترسد، یا کسی از درد به خواب نرود، این آیات شریفه را تلاوت کند:

﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا \* ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا﴾.<sup>۴</sup>

### سنّ نامحرم شدن دختران و پسران

۱. در حدیثی آمده است که: چنانچه دختر شش ساله شود، نباید مرد نامحرم او را ببوسد و بر دامن خود بنشانند.<sup>۵</sup>
۲. در حدیثی دیگر آمده است: دختری که شش ساله شد پسران او را نبوسند

۱. «قاووت» واژه‌ای ترکی است. آرد نخود که با قهوه و شکر یا قند کوبیده مخلوط کنند و بیشتر در عزاداری‌ها می‌خورند (فرهنگ عمید).

۲. محاسن، ص ۴۸۹، ح ۵۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۹۲.

۳. محاسن، ص ۵۴۶، ح ۷۶۰.

۴. ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار بر گوششان زدیم و سال‌ها در خواب فرو رفتند. سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار شود که) کدام‌یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده‌اند». (سوره کهف، آیات ۱۱ و ۱۲) طبّ الائمه، ص ۳۶.

۵. کافی، ج ۵، ص ۵۳۳، ح ۱ و ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند.<sup>۱</sup>

۳. در روایتی دیگر می‌خوانیم که: امام رضا علیه السلام در مجلسی بودند که دختر بچه‌ای را به آن مجلس آوردند. حاضران در مجلس یکی پس از دیگری او را به دامن نشانده و می‌بوسیدند. چون نوبت به حضرت رسید از سنّ وی پرسید. گفتند: پنج سال دارد. حضرت او را نبوسید و در دامن نشانده.<sup>۲</sup>

۴. در روایت دیگری آمده است که هرگاه شش سال دختر تمام شد، مادر او را در رختخواب خود برهنه نخواباند.<sup>۳</sup>

### شیطنت در کودکی، نشانه بردباری در بزرگسالی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی و شیطنت و کج خلقی کودک در خردسالی نشانه آن است که در بزرگی، دانا و بردبار می‌شود».<sup>۴</sup>

## ﴿۱۲﴾ رعایت کردن حرمت والدین و حقوق آنها بر فرزندان

(مقدمه): رعایت کردن حرمت پدر و مادر از مهم‌ترین دستورهای دینی و جلب رضایت آنها از اشرف طاعات و عبادات و عاق والدین شدن و آزرده خاطر ساختن آنها از جمله گناهان کبیره است. خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است که: «اگر پدر و مادرت کافر باشند و به تو دستور دهند که کافر شو، در این مسأله از آنها اطاعت نکن، ولی در دنیا با آنها رفتار و مصاحبت نیکو داشته باش».<sup>۵</sup> (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۱۳۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۳۳، ح ۳.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۵، ح ۱۳۰۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۹، ح ۱۵۵۳.

۵. سوره لقمان، آیه ۱۵.

## بخشی از حقوق والدین

## احترام به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساده‌ترین مرحله عاق والدین، اُف گفتن به آنهاست (کمترین اهانتی به آنها روا ندارید)».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: مرا نصیحت فرمایید. حضرت فرمود: «تو را سفارش می‌کنم که به خدا شرک نورزی هر چند تو را به آتش بسوزانند، مگر اینکه به زبان سخنی بگویی ولی قلبت بر ایمان ثابت و استوار باشد. و تو را به اطاعت از پدر و مادر و نیکی به آنها سفارش می‌کنم؛ زنده باشند یا مرده... که این نشانه ایمان است».<sup>۲</sup>

## احسان و نیکی به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در مورد سه چیز به هیچ وجه اجازه مخالفت نداده است: پس دادن امانت از هر که باشد خواه نیکوکار یا بدکار، وفای به عهد و پیمان خواه از نیکوکاران باشد یا بدکاران، نیکی به پدر و مادر خواه نیکوکار باشند یا بدکار».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا، علاقه فراوانی به جهاد در راه خدا دارم. حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن که اگر شهید شوی نزد خدا زنده خواهی بود و در بهشت روزی خواهی داشت و اگر بمیری پاداش تو با خداست. و اگر زنده برگردی همانند روزی که از مادر متولد شدی از گناه پاک می‌شوی».

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۳۸ به نقل از امام صادق علیه السلام.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۲؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۵۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۱۵؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۹۸.



عرض کرد: ای رسول خدا، پدر و مادر پیری دارم که به من انس گرفته‌اند و نمی‌خواهند از آنها جدا شوم (آنها سخت به زحمت می‌افتند، چه کنم؟) فرمود: در خدمت پدر و مادر خود باش؛ قسم به حق خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، انسی که آنها (در آن وضعیّت) یک شبانه روز با تو داشته باشند از یک سال جهاد در راه خدا بهتر است»<sup>۱</sup>.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چه مانعی دارد که به پدر و مادر خود چه در حالت حیات و چه پس از مرگ، احسان کنید؛ به این‌گونه که پس از مرگ برایشان نماز بخوانید و به نیابت از آنان حج به‌جا آورید و برایشان روزه بگیرید که هم ثوابش به آنها می‌رسد و هم خداوند ثواب این اعمال را به خودتان می‌دهد»<sup>۲</sup>.

#### نیکی به مادر و حق پدر

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. راوی سه مرتبه این سؤال را تکرار کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان جواب را تکرار فرمود و در مرتبه چهارم فرمود: به پدرت»<sup>۳</sup>.

۲. در حدیث است که کسی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید: حق پدر بر فرزند چیست؟ فرمود: او را به اسم صدا نزنند (بلکه او را پدر خطاب کند)، جلوتر از او راه نرود، قبل از پدر ننشینند، کاری نکنند که مردم به پدرش دشنام دهند»<sup>۴</sup>.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۱۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۷؛ عدّة الدّاعی، ص ۷۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۹؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۵۹.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

## پرداخت هزینہ‌های والدین

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی واجد چهار خصلت باشد خداوند او را در بلندترین غرفه‌های عزت و شرف بهشت جای می‌دهد: کسی که یتیمی را پناه دهد و مراقب احوال او باشد و برایش پدری کند، کسی که بر شخص ضعیف و دل‌شکسته‌ای رحم کند و او را یاری دهد و عهده‌دار کارهای وی شود، کسی که هزینة زندگی پدر و مادر (از کارافتادہ‌اش) را بدهد و با آنها مدارا کند و به ایشان نیکی نماید و هرگز آنها را آزردہ خاطر نسازد، کسی که خادم خود را یاری کند و با او تندی نکند و در مورد وظایفش به او کمک کند و کاری که بر او دشوار است به عهده‌اش نگذارد».<sup>۱</sup>

## عاق والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نگاه تند به پدر و مادر موجب عقوق<sup>۲</sup> والدین می‌شود».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «گاه کسی در حیات والدین خود به آنها خدمت و وظیفه‌اش را ادا کرده، ولی پس از مرگشان قرض آنها را ادا نمی‌کند و برایشان آمرزش نمی‌طلبد، لذا خداوند او را عاق والدین محسوب می‌کند. و گاه کسی در زمان حیات پدر و مادر عاق والدین است، ولی پس از مرگ (از خواب غفلت

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۶۱. حدیث را به طور اختصار نقل کرده است.

۲. منظور از «عقوق» والدین آن است که فرزند، ادب را در محضر آنها رعایت نکند و سخنی بگوید یا کاری کند که موجب ناراحتی آنها شود و در مسائلی که از نظر عقل یا شرع مشروع و مجاز است با آنها مخالفت کند. عقوق والدین از گناهان کبیره است و قرآن و روایات دلالت بر حرمت آن دارد و تمام علمای اسلام از شیعه و اهل سنت، بر حرمت آن اتفاق نظر دارند (مرآت العقول، ج ۱۰، ص ۳۷۱).

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۷، مشکاة الأنوار، ص ۱۶۴.

بیدار می‌شود و) قرض‌های آنان را ادا می‌کند و برایشان استغفار می‌نماید و خداوند او را نسبت به والدین نیکوکار محسوب می‌کند».<sup>۱</sup>

### آثار و پاداش احسان به والدین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پدرانتان نیکی کنید تا فرزندانتان نیز به شما نیکی کنند و از زنان دیگران چشم‌پوشید تا دیگران نیز از زنان شما چشم‌پوشند».<sup>۲</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد خداوند سكرات مر (سختی‌های لحظات جان‌دادن) را بر وی آسان سازد، باید بر خویشان خود و به پدر و مادرش نیکی کند؛ در این صورت، خداوند سختی‌های مر را بر وی آسان سازد و هرگز در زندگی دچار پریشانی نشود».<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سه دعا قطعاً مستجاب می‌شود: دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار و نفرین آنها به فرزندی که عاق شده است، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقامش را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن در حق مؤمنی که به خاطر ما اهل بیت برادر مؤمنش را در مالش شریک کرده است و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش به او احتیاج پیدا کرده و می‌توانسته کمک کند و نکرده است».<sup>۴</sup>

۴. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر فرزند نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی به پدر و مادر نگاه کند، برای هر نگاهش

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۲۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۵۵۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۳، ح ۱۸.

۳. مشکاة الأنوار، ص ۱۶۲.

۴. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۶.

ثواب یک حجّ مقبول نوشته می‌شود. گفتند: ای رسول خدا، هر چند روزی صد مرتبه نگاه کند؟ فرمود: خداوند بزرگتر و کریم‌تر است.<sup>۱</sup>

۵. از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «نگاه به چهره سه گروه عبادت است: عالم، پدر و مادر از روی مهربانی و مؤمنی که برای خدا دوستش داری».<sup>۲</sup>

### مجازات بی‌حرمتی به والدین

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روز قیامت برپا شود پرده‌ای از پرده‌های بهشت را بگشایند (عطر خوش بهشت همه جا را فرا گیرد به گونه‌ای که) هر جاننداری بوی آن را از پانصد سال راه استشمام می‌کند، مگر کسی که عاق پدر و مادر باشد».<sup>۳</sup>

۲. در حدیث دیگری فرمود: «کسی که از روی خشم به پدر و مادرش نظر کند به هنگامی که بر او ظلم می‌کنند، خداوند هیچ نمازی از او قبول نمی‌کند».<sup>۴</sup>

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم امام سجاد علیه السلام شخصی را مشاهده کرد که با پسرش راه می‌رود و پسر بر دست پدر تکیه زده بود. پدرم تا زنده بود با آن پسر سخن نگفت».<sup>۵</sup>

۴. از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «سه گناه است که عقوبتش در دنیا به سرعت دامنگیر صاحبش می‌شود: عقوق والدین، ظلم بر مردم، کفران نعمت خدا و خلق خدا».<sup>۶</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۴، ح ۲۳.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۷۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۳؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۶۴.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۵؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۶۴.

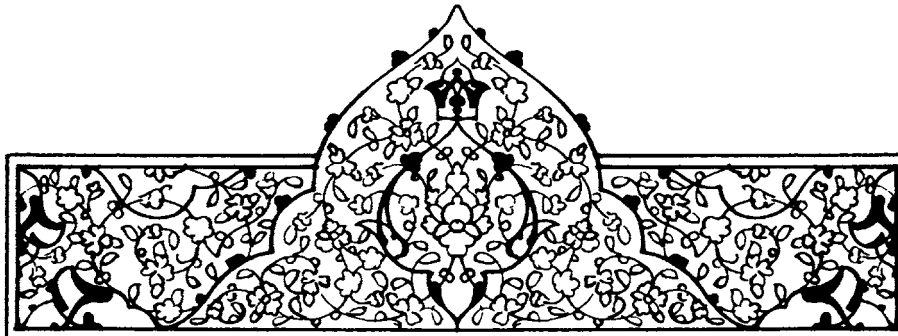
۵. کافی، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۸؛ مشکاة الأنوار، ص ۱۶۵.

۶. امالی مفید، ص ۲۳۷، ح ۱.

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی به نام جریح از عابدان بنی اسرائیل پیوسته در صومعه‌اش در حال عبادت بود. روزی مادرش به دیدن او آمد و جریح مشغول نماز بود. او را صدا زد ولی عابد پاسخ مادرش را نداد. سه روز این داستان تکرار شد. پس از آن، مادر دست به نفرین بلند کرد و گفت: از خدای بنی اسرائیل می‌خواهم که تو را به این گناه بگیرد. روز بعد زنی زناکار کنار صومعه آن عابد زایمان کرد و فرزندش را به عابد نسبت داد و مدعی شد که با وی زنا کرده است. این شایعه در میان بنی اسرائیل پخش شد که: آن کس که مردم را بر زنا سرزنش می‌کرد خود مرتکب آن شده است. پادشاه دستور داد او را به دار بیاویزند. مادر عابد از این حادثه ناراحت شد و بر سر و صورت خود می‌زد. جریح گفت: مادر خود را کنترل کن این بلایی است که بر اثر نفرین تو دامنگیر من شده است. هنگامی که مردم این سخن را شنیدند از چگونگی آن پرسیدند و جریح تمام داستان را بیان کرد. گفتند: از کجا بدانیم راست می‌گویی؟ گفت: آن کودک را بیاورید. جریح از کودک پرسید: تو فرزند کیستی؟ طفل به فرمان پروردگار به سخن آمد و گفت: من فرزند فلان کس هستم که چوپانی گوسفندان می‌کند. و بدین ترتیب جریح از مرگ نجات یافت و سوگند یاد کرد که تا زنده است به مادرش خدمت کند و از او جدا نشود»<sup>۱</sup>.

۱. راوندی، قصص الانبیاء، ص ۱۷۷.





## فصل پنجم:

# مسواک زدن، شانه کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن شارب و تراشیدن سر

۱. مسواک زدن
۲. تراشیدن موی سر
۳. آداب نگهداری موی سر
۴. فضیلت تراشیدن سییل
۵. آداب ریش گذاشتن
۶. فضیلت موی سفید
۷. بازی کردن با ریش و کندن موی بینی
۸. فضیلت ناخن گرفتن
۹. آداب اوقات ناخن گرفتن
۱۰. دفن مو و ناخن
۱۱. فضیلت شانه کردن موی سر و صورت
۱۲. آداب اوقات شانه کردن





## ۱ مسواک زدن

### فضیلت مسواک زدن

#### سنّت پیامبران

۱. در احادیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مسواک زدن از سنّت پیامبران است».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از سنّت پیامبران است: بوی خوش، آمیزش با همسر، مسواک زدن و خضاب کردن با حنا».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام فرمودند: «سنّت‌های حنفیه حضرت ابراهیم علیه السلام ده چیز است که پنج قسمت آن مربوط به سر و پنج قسمت دیگر آن در بدن است. آنچه مربوط به سر است عبارتند از: مسواک زدن، کوتاه کردن شارب، موی سر را دو قسمت کردن تا جای مسح گشوده شود، مضمضه کردن (آب در دهان گرداندن و بیرون ریختن)، استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن). و آنچه مربوط به بدن است عبارتند از: ختنه کردن، تراشیدن موهای بالای عورت، ازاله کردن موهای زیر بغل، استنجا<sup>۳</sup> کردن،

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۲.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۲، ح ۱۰.

۳. «استنجا» یعنی پاک کردن محل ادرار یا غائط (فرهنگ عمید).

گرفتن ناخن»<sup>۱</sup>.

۴. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که سنت‌های مربوط به سر عبارتند از: کوتاه کردن شارب، تراشیدن ریش، تراشیدن موی سر، مسواک زدن، خلال کردن، و سنت‌های مربوط به بدن عبارتند از: از بین بردن موهای زاید بدن، ختنه کردن، ناخن گرفتن، غسل جنابت، استنجا با آب.<sup>۲</sup>

#### سفارش جبرئیل

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته به مسواک زدن سفارش کرد، تا آنجا که ترسیدم دندان‌هایم ساییده شود یا بریزد».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «جبرئیل آن قدر به مسواک زدن سفارش کرد که گمان کردم آن را بر امت من واجب خواهد کرد».<sup>۴</sup>

#### مسواک و نماز

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «دو رکعت نماز که با مسواک باشد، بهتر از هفتاد رکعت نماز بی مسواک است».<sup>۵</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر بر امت سخت و دشوار نبود، واجب می‌کردم که قبل از هر نماز مسواک بزنند».<sup>۶</sup>

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۶۶.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۷، ح ۱، با اندکی تفاوت.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۶۰، باب ۱، ح ۵.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰، از امام باقر و امام

صادق علیه السلام.

۶. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۳، باب ۲۲۱، ح ۱.

### سرزنش ترککننده مسواک

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «چرا دندان‌های شما را زرد می‌بینم؟ چرا مسواک نمی‌زنید؟»<sup>۱</sup>.

### فلسفه مسواک زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون برای نماز شب برمی‌خیزید مسواک بزنید، زیرا فرشته‌ای فرود می‌آید و دهان بر دهانتان می‌گذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر خدا بخوانید به آسمان می‌برد، پس باید دهانتان خوشبو باشد»<sup>۲</sup>.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه کعبه از نفس بدبوی کافران به خداوند شکایت کرد. خداوند به او وحی کرد که: ای کعبه، نگران نباش به جای این کافران که دهانشان بدبو است، جماعتی را به سوی تو خواهم فرستاد که دهانشان را با چوب درختان پاک کنند. هنگامی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مبعوث شد جبرئیل برای آن حضرت مسواک و خلال آورد»<sup>۳</sup>.

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی همراه با وضو مسواک بزند و به نماز بایستد، فرشته‌ای می‌آید و دهان بر دهانش می‌گذارد و آنچه را می‌گوید به خاطر می‌سپارد. و اگر مسواک نزند در کناری می‌ایستد و قرائت نمازش را می‌شنود»<sup>۴</sup>.

۱. محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۳۴؛ کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۹.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۳، باب ۲۲۲، ح ۱.

۳. محاسن، ص ۵۵۸، ح ۹۲۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۴۶، ح ۳۲.

۴. محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۸.

## آثار و فواید مسواک زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوازده ویژگی در مسواک زدن وجود دارد: سنت پیامبران است، پاک‌کننده دهان، جلادهنده چشم، مایه خشنودی پروردگار، دفع‌کننده بلغم، تقویت‌کننده حافظه، سفیدکننده دندان‌ها، مضاعف‌کننده حسنات، مانع پوست انداختن و پوسیدن دندان می‌شود، ریشه دندان‌ها را محکم می‌سازد، بر اشتها می‌افزاید، ملائکه به آن خشنود می‌شوند».<sup>۱</sup>
۱. در روایت دیگری فرمود: «مسواک از آبریزش چشم جلوگیری می‌کند و بر نور آن می‌افزاید».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سه چیز حافظه را زیاد و دردهای بدن را زایل می‌کند: جویدن کندر، مسواک زدن، قرآن خواندن».<sup>۳</sup>

## زمان و مکان مسواک زدن

۱. در حدیثی می‌خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «برای هر نمازی مسواک بزنی».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی معتبر آمده است که کسی از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد مسواک زدن بعد از وضو پرسید. حضرت فرمود: «باید پیش از وضو مسواک زد و اگر کسی فراموش کند، پس از وضو مسواک بزند و بعد سه مرتبه دهان را بشوید».<sup>۵</sup>
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حمام باعث

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ص ۷.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۶۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۰.

۴. محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۵؛ کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۱۰.

۵. محاسن، ص ۵۶۱، ح ۹۴۷؛ کافی، ج ۳، ص ۲۳، ح ۶.

ریزش دندان‌ها می‌شود».<sup>۱</sup>

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن در حاجتگاه موجب بدبو شدن دهان است».<sup>۲</sup>

### چگونگی مسواک زدن

۱. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک را به عرض دندان‌ها می‌کشید.<sup>۳</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک را در هر سه روز ترک نکن، اگرچه به یک بار کشیدن باشد».<sup>۴</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مسواک بزند، پس از آن باید دهانش را با آب بشوید».<sup>۵</sup>

۴. در حدیثی آمده است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: کسی که برای نماز شب برمی‌خیزد آیا می‌تواند با انگشت مسواک بزند، در حالی که وسایل کافی مسواک در اختیار دارد؟ حضرت فرمود: «اگر می‌ترسد وقت نماز شب بگذرد اشکال ندارد».<sup>۶</sup>

### ترک کردن مسواک

در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام دو سال پیش از شهادتش مسواک را

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۹.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۳۵.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۳، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۵. محاسن، ص ۵۶۳، ح ۹۶۱.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱۲۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

ترک کرد، زیرا دندان‌های مبارک آن حضرت بسیار ضعیف شده بود (و تاب مسواک نداشت).<sup>۱</sup>

## ۲ تراشیدن موی سر

### اهمیت تراشیدن موی سر و فواید آن

۱. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که هر کس لذت آن را بچشد ترک نخواهد کرد، یکی از آنها تراشیدن (موی سر) است».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سر را بتراشید تا چرک نگیرد، جانوران در آن جا خوش نکنند، گردن انسان چاق شود، چشم جلا یابد، بدن استراحت کند».<sup>۳</sup>
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون موی سر بلند شود چشم را ضعیف و نورش را کم می‌کند و تراشیدن موی سر دیده را جلا می‌دهد».<sup>۴</sup>

### زمان تراشیدن موی سر و آداب آن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «من سرم را هر جمعه می‌تراشم».<sup>۵</sup>
۲. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگام تراشیدن سر رو به قبله شو و از جلوی سر (از پیشانی) شروع کن و به نزدیکی گوش‌ها که رسیدی این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، سُنَّةَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مَا أَنَا مِنَ

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۹۵، باب ۲۲۸، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۲۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۸.

۴. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۸۶.

الْمُشْرِكِينَ. اللَّهُمَّ اعْظِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً ساطِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۱</sup> و پس از تراشیدن تمام موی سر بگو: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَنِّبِي الرَّدَى وَ جَنِّبْ شَعْرِي وَ بَشْرِي الْمَعَاصِي وَ جَمِيعَ مَا تَكَرَّهُ مِنِّْي، فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً.<sup>۲</sup>

۳. در روایت دیگری آمده است که: «هنگام تراشیدن سر این دعا خوانده شود: بِسْمِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. اللَّهُمَّ اعْظِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ<sup>۳</sup> و پس از اتمام بگوید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَنِّبِي الرَّدَى.»<sup>۴</sup>

### ﴿۳﴾ آداب نگهداری موی سر

(مقدمه): بر زنان حرام است بدون عذر و ضرورت، موی سرشان را بتراشند ولی در مورد مردان مستحب است به یکی از دو روش عمل کنند: موی سرشان را بتراشند و این کار بهتر است، موی سرشان را نتراشند ولی از آن نگهداری کنند؛ آن را به وقت بشویند و شانه بزنند و دو قسمت کنند به گونه‌ای که بیخ موهای میانه جلوی سر ظاهر شود. و چون در صدر اسلام تراشیدن سر در میان عرب عیب بزرگی محسوب می شد و پیامبر و امام نباید کاری کنند که در نظر مردم زشت جلوه کند، حضرت رسول ﷺ موی خویش را به مقدار چهار انگشت بلند می کرد و در حج و عمره می تراشید. (به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید):

۱. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). و بر آیین رسول خدا و بر سنت و روش او و در دین خود خالص و مسلمانم و از مشرکان نیستم. بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در قیامت نوری آشکار به من عطا کن.»

۲. ترجمه: «بار خدایا، مرا به تقوا زینت ده و از هلاکت حفظ کن و مو و پوست مرا از گناهان و از تمام آنچه که برای من نمی‌پسندی دور نگاه دار، زیرا من از برای خود مالک هیچ سود و زینتی نیستم.» فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۵، ح ۹.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). و بر آیین رسول خدا، که درود خدا بر او و آتش باد (سرم را می‌تراشم). بار خدایا، در مقابل هر تار مویی در روز قیامت نوری به من عنایت فرما.»

۴. ترجمه: «بار خدایا، مرا با تقوا زینت بخش و از پستی‌ها دورم بدار.» بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳.

## آداب نگهداری موی سر مردان

۱. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس موی سرش را بلند می‌کند باید نیکو نگاه بدارد، یا آن را از ته بتراشد و بلند نکند».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا رسول اکرم صلی الله علیه و آله موی سر خویش را دو قسمت کرده و وسط سر را باز می‌کرد؟ حضرت فرمود: «آن حضرت موی سر خویش را به حدی بلند نمی‌کرد که احتیاج به این کار شود، بلکه به اندازه‌ای بلند می‌کرد که به نرمه گوش می‌رسید و هیچ‌یک از پیامبران موی سر را زیاد بلند نمی‌کردند».<sup>۲</sup>

## آداب نگهداری موی سر زنان

۱. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام از کاکل گذاشتن و مورا در جلو سر گره زدن و کف دست را با حنا رنگین ساختن نهی کرد.<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی که موی صورت و بالای پیشانی خود را می‌زداید چه حکمی دارد؟ امام فرمود: «اشکال ندارد».<sup>۴</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که موی دیگری را به موی می‌بافت پرسیدند؟ فرمود: «اشکال ندارد».<sup>۵</sup>
۴. در حدیث دیگری فرمود: «اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن باشد اشکال ندارد، اما با موی زن دیگر نبافتد و موی زن دیگر را به موی خود پیوند نکند».<sup>۶</sup> (با توجه به این دو خبر معلوم می‌شود این کار جایز است ولی کراهت دارد).

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۲۸.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۳، ص ۴۸۶، ح ۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۱۹، ح ۱؛ السرائر، ج ۳، ص ۶۱۰، از امیرالمؤمنین علیه السلام.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۸۵.

۵. همان.

۶. همان.



## ۴ فضیلت تراشیدن سبیل

### فلسفه تراشیدن سبیل و فواید آن

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «شارب<sup>۱</sup> را از ته بگیرد و ریش را بلند کند تا شبیه یهودیان و زردشتیان نشود».<sup>۲</sup>
۲. در حدیث دیگری فرمود: «هر که شارب خود را نگیرد از ما نیست».<sup>۳</sup>
۳. در روایت دیگری فرمود: «شارب خود را بلند نکنید که شیطان در آن جا خوش می‌کند و پنهان می‌شود».<sup>۴</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب، رفع غم و وسواس را به ارمغان می‌آورد».<sup>۵</sup>
۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز شنبه و پنجشنبه شارب و ناخن خود را بگیرد، از درد دندان و چشم عافیت یابد».<sup>۶</sup>

### وقت و مقدار گرفتن شارب

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «مستحب است موی شارب را به قدری کوتاه کند که به جلوی لب بالا برسد».<sup>۷</sup>
۲. در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام شارب خود را از ته می‌تراشید.<sup>۸</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب و ناخن از

۱. «شارب» قسمت بلند سبیل است که روی لب را می‌پوشاند و هنگام نوشیدن آب وارد ظرف آب می‌شود.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۹۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

۵. الخصائص الفاطمیة، ج ۲، ص ۲۵۵.

۶. ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۵.

۷. کافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

۸. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.

جمعه تا جمعه بعد، انسان را از بیماری خوره حفظ می‌کند».<sup>۱</sup>  
 ۴. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از آن حضرت  
 دعایی خواست که باعث فزونی رزق و روزی اش شود. حضرت فرمود: «شارب  
 و ناخن خود را در روز جمعه بگیر».<sup>۲</sup>

### دعای هنگام گرفتن شارب

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هر جمعه ناخن  
 و شاربش را بگیرد و در هنگام گرفتن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ مُحَمَّدٍ  
 وَ آلِ مُحَمَّدٍ، خداوند به تعداد هر تار مو و قطعه ناخن، ثواب آزاد کردن یک برده  
 از فرزندان حضرت اسماعیل علیه السلام را به او می‌دهد و جز در آخر عمر بیمار نشود».<sup>۳</sup>

### ۵ آداب ریش گذاشتن

(مقدمه:) میان علما مشهور است که تراشیدن ریش حرام است، اما تراشیدن  
 روی گونه‌ها و دو سمت لب پایین اشکال ندارد. و نیز احتیاط آن است که  
 محاسن را بسیار کوتاه که شبیه تراشیدن است نکند. ضمناً مستحب است ریش را  
 نه بسیار بلند و نه کوتاه کنند، بلکه در حدّ میانه بگذارند. و بلند کردن آن بیش از  
 یک قبضه، کراهت دارد بلکه احتمال حرمت می‌رود. (به روایاتی در این زمینه  
 توجه فرمایید:)

### درازای ریش

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آن مقدار از ریش که

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۵.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۳.

- بیش از یک قبضه باشد در آتش است».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «دست بر ریش خود بگذار و آنچه اضافه بر یک قبضه است را کوتاه کن».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «حضرت رسول ﷺ بر شخصی گذشت که ریش درازی داشت. فرمود: چه می شد اگر این مرد ریش خود را اصلاح می کرد؟» چون این خبر به آن شخص رسید ریش خود را اصلاح و آن را به شکل متعادلی کوتاه کرد، سپس خدمت حضرت رسید. حضرت فرمود: «ریش خود را چنین اصلاح کنید».<sup>۳</sup>

### چگونگی اصلاح ریش

۱. در حدیث است که محمد بن مسلم می گوید دیدم آرایشگر ریش حضرت باقر علیه السلام را اصلاح می کرد. حضرت به او فرمود: «ریشم را مدور کن».<sup>۴</sup>
۲. در حدیث دیگری آمده است که آن حضرت ریش را باریک می کرد و انبوه نمی گذاشت.<sup>۵</sup>
۳. در حدیث است که علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا از روی ریش می توان گرفت؟ حضرت فرمود: «از پهلوهایی صورت مانعی ندارد، اما از جلوی صورت نه».<sup>۶</sup> (از این روایات استفاده می شود که مردم در میان این اشکال مختلف مخیر هستند).

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۸۶، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.  
 ۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۷.  
 ۴. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.  
 ۵. کافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.  
 ۶. مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

## محاسن سبب زیبایی است

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند توبه حضرت آدم عليه السلام را پذیرفت سر به سجده نهاد و چون سر برداشت رو به آسمان کرد و گفت: پروردگارا، بر حُسن و جمال من بیفزا. پس از آن ریش بسیار سیاهی بر صورتش ظاهر شد و چون تا آن وقت ریش نداشت از خداوند پرسید: این چیست؟ وحی آمد: این زینت تو و زینت مردان فرزندان تو تا قیامت است».<sup>۱</sup>

## مجازات تراشیدن ریش

از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «در زمان‌های گذشته گروهی بودند که ریش خود را تراشیده و سبیلشان را می‌تابیدند. خداوند آنها را مسخ کرد».<sup>۲</sup>

## ۶ فضیلت موی سفید

## نخستین موی سفید و فلسفه آن

۱. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «اول کسی که موی سفید در محاسنش ظاهر شد حضرت ابراهیم عليه السلام بود. به ریش سفید خود نگاهی کرد و گفت: پروردگارا، این چیست؟ وحی آمد که این باعث وقار انسان است. عرض کرد: پروردگارا، بر وقار من بیفزا».<sup>۳</sup>

۲. از امام باقر عليه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حضرت ابراهیم عليه السلام موی سفید در محاسن خود دید گفت: حمد و سپاس شایسته خداوندی است که مرا به این سن رساند، در حالی که به اندازه یک چشم

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۳۶، باب ۴۹، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۴ و ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.

بر هم زدن معصیت او را نکردم».<sup>۱</sup>

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام موی سر و صورت سفید نمی شد؛ از این رو، هرگاه پدر و فرزندی در مجلسی حضور داشتند کسی متوجه نمی شد کدام فرزند و کدام یک پدر است، پس ناچار بود بپرسد. حضرت ابراهیم علیه السلام چنین دعا کرد: «خداوندا، برای من موی سپیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم» خداوند دعایش را اجابت کرد و موی سر و صورتش (تدریجاً) سفید شد».<sup>۲</sup>

### فایده موی سفید و حکم کندن آن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی سفید را نکنید که نور مسلمانی است. هر مسلمانی موی سفیدی در ریش او پیدا شود، همچون نوری برای او در قیامت باشد».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی امام رضا علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آورده است که فرمود: «موی سفید در پیش سر میمون و مبارک است و در عارض ها علامت سخاوت و جوانمردی و در جای زلف علامت شجاعت و در پشت سر شوم است».<sup>۴</sup>

(ظاهراً منظور شروع و ابتدای سفید شدن است).

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت با سه کس سخن نمی گوید و به آنها نگاه رحمت نمی افکند و اعمالشان را نمی پذیرد و عذابی دردناک برایشان آماده کرده است: کسی که موی سفید (سر و صورتش)

۱. مکارم الأخلاق، ص ۶۸.

۲. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۴، باب ۹۵، ح ۳.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۸.

را بکنند، هر که استمنا کند، هر کس که دیگران با او لواط کنند»<sup>۱</sup>.  
 توضیح: شاید منظور از گروه اوّل کسانی است که برای هدف نامشروعی، مثلاً  
 تدلیس و فریب در ازدواج و جوان نشان دادن خود (برای مقاصد نامشروع)  
 چنین کاری می‌کنند، زیرا در حدیثی معتبر از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که فرمود:  
 «چیدن و کندن موی سفید جایز است، اما چیدن آن را بیشتر از کندنش دوست  
 می‌دارم». و در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است که: «کندن و چیدن موی  
 سفید هر دو جایز است»<sup>۲</sup>. و در روایت سوم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل  
 شده که آن حضرت چیدن موی سفید را جایز و کندنش را مکروه دانسته است.<sup>۳</sup>  
 (از مجموع این روایات استفاده می‌شود که باقی ماندن موی سفید از همه بهتر و چیدن  
 آن مکروه و از آن مکروه‌تر کندن آن است).

### ۷ بازی کردن با ریش و کندن موی بینی

۱. در روایتی معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که فرمود: «مسلمان باید  
 موی شارب و موی بینی را بگیرد و به احوال بدن خود پردازد که این امور باعث  
 زیبایی او می‌شود»<sup>۴</sup>.
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن موی بینی، صورت را  
 زیبا می‌کند»<sup>۵</sup>.
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «زیاد دست بر ریش خود نگذارید که صورت را  
 معیوب و بدنما می‌کند»<sup>۶</sup>.

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۶۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۳. از امام صادق علیه السلام.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۲.

۴. قرب الإسناد، ص ۷۱، ح ۲۰۵.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، باب أخذ الشعر من الأنف، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۸۹.

۶. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹، باب ۳۵۱، ح ۱.

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز از وسوسه‌های شیطان است: خوردن گِل، خُرد کردن گِل خشک شده، گرفتن ناخن با دندان، به دندان گرفتن ریش و جویدن آن».<sup>۱</sup>

## ۸ فضیلت ناخن گرفتن

۱. در روایتی آمده است که مدّتی وحی بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل نشد، علّت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: «چگونه وحی قطع نشود در حالی که شما ناخن‌های خود را نمی‌گیرید و چرک انگشتانتان را برطرف نمی‌کنید».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن مستحبّ مؤکّد است».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مردان ناخن خود را از ته بگیرند و زنان اندکی بلندتر بگذارند که زینت آنهاست».<sup>۴</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ناخن گرفتن دردهای بزرگ را دور می‌کند و بر روزی انسان می‌افزاید».<sup>۵</sup>
۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «علّت و فلسفه گرفتن ناخن آن است که چون بلند شود شیطان در آن لانه می‌کند و موجب فراموشی است».<sup>۶</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۶، ح ۱۰.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱۷.

۳. همان، ص ۴۹۰، ح ۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱؛ ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴.

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۶.

## ۹ آداب و اوقات ناخن گرفتن

### زمان ناخن گرفتن

#### روز جمعه

۱. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: اصحاب و دوستان ما معتقدند ناخن را باید در روز جمعه گرفت. حضرت فرمود: «اگر بخواهید در روز جمعه بگیرید و اگر نمی‌توانید تا جمعه صبر کنید، هرگاه بلند شد بگیرید».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز جمعه انسان را در برابر بیماری‌های خوره، کوری و پیسی بیمه می‌کند. و اگر در روز جمعه نیاز به گرفتن ناخن‌ها نباشد آن را سوهان بکش تا ریزه‌هایی از آن جدا شود».<sup>۲</sup>
۳. در چند حدیث دیگر فرمود: «هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرید و اگر ناخن‌هایتان کوتاه است در روز جمعه آن را سوهان بکشید، تا مبتلا به دیوانگی و خوره و پیسی نشوید».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در هر جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد، تا جمعه دیگر پیوسته با طهارت باشد».<sup>۴</sup>
۵. در روایتی دیگر فرمود: «گرفتن ناخن و شارب در هر جمعه و شستن سر با گیاه خطمی<sup>۵</sup> در جمعه، فقر را برطرف و روزی را زیاد می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۴؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۶۲۶.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۲؛ ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳؛ تهذیب، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۶۲۸.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۳۰۷.

۵. «خطمی» (به کسر خاء و میم و تشدید یاء) گیاهی است دارای ساقه ضحیم و بلند و برگ‌های پهن و ستبر و گل‌های شیبوری به رنگ سفید یا سرخ که گل و ریشه آن در علم پزشکی به کار می‌رود (فرهنگ عمید).

۶. کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۰.



۶. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده‌ام اشتغال به تعقیبات نماز صبح تا هنگام طلوع آفتاب، سودمندتر از سفر به شهرها برای گشایش و افزایش رزق و روزی است. فرمود: «دوست داری چیزی به تو بیاموزم که از همه اینها نافع‌تر باشد؟» گفت: آری. فرمود: «ناخن و شارب خود را در هر جمعه بگیر، هر چند به ساییدن باشد».<sup>۱</sup>
۷. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن‌های خود را در روز جمعه بگیرد، خداوند دردهایش را از سر انگشتانش بیرون کرده، دوی درد را جایگزین آن می‌کند».<sup>۲</sup>
۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس روز جمعه ناخن بگیرد، ناراحتی ریشه ناخن‌ها از وی برطرف می‌شود».<sup>۳</sup>
۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن در روز جمعه هر دردی را برطرف می‌کند».<sup>۴</sup>

#### روز پنجشنبه

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ناخن‌های خود را روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز جمعه بگذارد، خداوند پیرشانی را از وی زایل می‌کند».<sup>۵</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ناخن گرفتن در روز پنجشنبه بر روزی می‌افزاید».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۱ و ۱۲.

۲. ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۳۰۹.

۴. طب الأئمه، ص ۱۳۸.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۰؛ ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۳.

۶. طب الأئمه، ص ۱۳۸.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پنجشنبه ناخن بگیرد، فرزندانش بسیار شوند و درد چشم نبیند».<sup>۱</sup>
- و اگر بخواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را ببرد، در روز پنجشنبه ناخن‌ها را بگیرد و یکی را برای جمعه نگاه دارد، یا همه را در روز پنجشنبه بگیرد و در روز جمعه سوهانی بر آن بکشد که ریزه‌هایی از آن جدا شود.
۴. در حدیث است که امام رضا علیه السلام کسی را دید که مبتلا به چشم درد بود. فرمود: «می‌خواهی چیزی به تو بیاموزم که با انجام دادن آن هرگز چشم درد نگیری؟» گفت: آری. فرمود: «هر پنجشنبه ناخن‌هایت را بگیر». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و هرگز به درد چشم مبتلا نشد.<sup>۲</sup>
۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همواره در روز پنجشنبه ناخن‌های خود را بگیرد هرگز چشم درد نگیرد».<sup>۳</sup>

#### سایر روزهای هفته

۱. در روایتی آمده است که هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و از انگشت کوچک دست راست شروع کرده و به انگشت کوچک دست چپ ختم کند، این کار او را از چشم درد حفظ می‌کند.<sup>۴</sup>
۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه ناخن بگیرد».<sup>۵</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب خود را بگیرد از درد دندان و چشم عافیت پیدا می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴؛ بسیاری فرزندان در مصدر نیست.

۲. همان، ح ۱۳.

۳. همان، ح ۱۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۱۱۰۴.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۰.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۳؛ ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲.

(از مجموع این روایات استفاده می‌شود که هر هفته باید ناخن‌ها را گرفت. روز جمعه افضل است، سپس روز پنجشنبه و بعد سایر روزهای هفته. در ضمن باید توجه داشت هرگاه ناخن‌ها بلند شود انواع میکروب‌ها زیر آن لانه می‌کند؛ میکروب‌هایی که سرچشمه بسیاری از بیماری‌هاست).

### چگونه ناخن بگیریم؟

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که هنگام ناخن گرفتن از انگشت کوچک دست چپ شروع کرده و به انگشت کوچک دست راست ختم کنید.<sup>۱</sup>
۲. در روایت دیگر چنین آمده است: اگر روز پنجشنبه از ناخن انگشت کوچک دست راست شروع و به انگشت بزرگ آن دست ختم کرده و سپس از انگشت کوچک دست چپ شروع و به انگشت بزرگ همان دست ختم کند، از درد چشم امان خواهد یافت.<sup>۲</sup>
- و بعید نیست اگر روز چهارشنبه ناخن بگیرد بهتر است از انگشت دست چپ شروع کند و اگر در روز پنجشنبه ناخن بگیرد در هر دستی با انگشت کوچک آن دست شروع کند.<sup>۳</sup> و اگر روز جمعه یا دیگر روزها باشد از انگشت کوچک دست چپ شروع و به انگشت کوچک دست راست ختم کند.<sup>۴</sup> و به طور کلی هر زمان از انگشت کوچک دست چپ شروع کند خوب است همان‌گونه که صدوق، علی بن بابویه گفته است.<sup>۵</sup>
۳. در اخبار اهل سنت چگونگی ناخن گرفتن به این شرح است: در دست

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱۶.

۲. طب الأئمه، ص ۸۴.

۳. همان.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۳، ح ۸۱.

۵. المقنع، ص ۱۴۵.

راست اوّل انگشت شهادت، سپس انگشت کوچک و بعد انگشت بزرگ و پس از آن انگشت وسط و در آخر انگشت دیگر را می‌گیرد و در دست چپ با انگشت پس از انگشت کوچک شروع می‌کند، سپس انگشت وسط را می‌گیرد و سوم به سراغ انگشت بزرگ می‌رود، سپس انگشت کوچک را می‌گیرد و در آخر ناخن انگشت شهادت را خواهد گرفت.<sup>۱</sup>

ولی توجه داشته باشید که عمل به آنچه در روایات قبل ذکر کردیم که از منابع اهل بیت علیهم‌السلام نقل شد، سزاوارتر است.

۴. در حدیث است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از گرفتن ناخن با دندان نهی کرد.<sup>۲</sup>

### دعای هنگام ناخن گرفتن

در روایتی آمده است که به هنگام گرفتن ناخن و شارب این دعا را بخوانید:  
 «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».<sup>۳</sup>

### ۱۰ دفن مو و ناخن

۱. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که در تفسیر آیه **﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا \* أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا﴾**<sup>۴</sup> فرمود: «منظور از دفن کردن در حال زندگی، دفن مو و ناخن است».<sup>۵</sup>  
 ۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «حضرت

۱. المغنی، ج ۱، ص ۱۰۲، فصل ۱۰۴. البته آنچه در این روایت آمده با آنچه علامه مجلسی رحمته‌الله‌علیه از اهل سنت نقل کرده متفاوت است.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۴.

۳. کافی، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۵۳.

۴. ترجمه: «آیا زمین را مرکز اجتماع انسان‌ها قرار ندادیم، هم در حال حیاتشان و هم مرگشان؟!»، سورهٔ مرسلات، آیات ۲۵ و ۲۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۳، باب دفن الشعر و الظفر، ح ۱.

رسول ﷺ امر کردند که چهار چیز را در خاک پنهان کنیم: مو، ناخن، دندان، خون.<sup>۱</sup>  
 ۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هفت چیز است که هرگاه از انسان جدا شود باید دفن کنند: مو، ناخن، خون، خون عادت ماهیانه، بیچه‌دان، دندان، نطفه که تبدیل به خون شده باشد».<sup>۲</sup>

### ۱۱ فضیلت شانه کردن موی سر و صورت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سر را بسیار شانه کنید که تب را دور و روزی را زیاد می‌کند و بر قدرت آمیزش می‌افزاید».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «پوشیدن لباس پاکیزه دشمن را منکوب و مالیدن روغن بر بدن پریشانی و بدحالی را زایل و شانه کردن سر تب را برطرف و شانه کردن محاسن دندان‌ها را محکم می‌کند».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شانه کردن فقر را برطرف و دردها را درمان می‌کند».<sup>۵</sup>
۴. در روایت دیگری فرمود: «شانه زدن روزی را زیاد، مو را نیکو و شاداب، حاجت را روا، پشت را محکم و بلغم را قطع می‌کند».<sup>۶</sup>
۵. در سخنی دیگر از آن حضرت آمده است که این کار موجب فزونی فرزند می‌شود.<sup>۷</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱۰۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۱.

۲. خصال، ج ۲، ص ۹۳، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶؛ ثواب الأعمال، ص ۴۰، باب ثواب تسریح الرأس، ح ۳، از رسول خدا ﷺ.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، باب التمشط، ح ۱.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۷۱.

۶. خصال، ج ۱، ص ۲۴۴، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴ و ۶.

۷. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴ و ۶.

۶. و در گفته‌ای فرمود: «شانه کردن دو طرف موی صورت، دندان‌ها را محکم و شانه کردن پایین محاسن، طاعون را دور و شانه کردن پیش، و سواس سینه را دور و شانه کردن پشت سر، بلغم را قطع می‌کند».<sup>۱</sup>

## ۱۲] آداب و اوقات شانه کردن

### وقت شانه کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که در تفسیر آیه **﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾**<sup>۲</sup> فرمود: «شانه کردن قبل از هر نماز، جزء همین زینت محسوب می‌شود».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام هر نماز واجب و مستحبی، جزء زینت مذکور در آیه است».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی معتبر آمده است که: در سجاده امام صادق علیه السلام شانه‌ای بود که هرگاه نمازشان تمام می‌شد از آن استفاده می‌کردند.<sup>۵</sup>

### چگونگی شانه کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه نکن که باعث ضعف دل می‌شود، نشسته شانه کن که دل را قوی و پوست را محکم می‌کند».<sup>۶</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده شانه

۱. طب الأئمة، ص ۱۹.

۲. ترجمه: «زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید». سورة اعراف، آیه ۳۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۷.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۵.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۳، ح ۲۶؛ کافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۲.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۷۲.

کند بدهکار می شود.<sup>۱</sup>

۳. از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «ایستاده شانه کردن موجب فقر و پریشانی می شود».<sup>۲</sup>

۴. از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره موهای خود را شانه می کرد و بیشتر اوقات به هنگام شانه کردن، موهایش را تر می کرد».<sup>۳</sup>

### دعای هنگام شانه کردن

۱. مستحب است به هنگام شانه کردن این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْسِنِي جَمَالًا فِي خَلْقِكَ وَزِينَةً فِي عِبَادِكَ  
وَ حَسِّنْ شَعْرِي وَ بَصْرِي وَ لَا تَبْتَلْنِي بِالنِّفَاقِ وَارْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَ الرَّحْمَةَ  
مِنْ عِبَادِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۴</sup>

۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد شانه کند، شانه را به دست راست گرفته، در حالی که نشسته، آن را بر بالای سر بگذارد و جلوی سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ طَيِّبْهُمَا وَ اصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ<sup>۵</sup>، سپس پشت سر را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَيَّ عَقْبِي

۱. مکارم الأخلاق، ص ۷۰، از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

۲. خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۵.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۹۶؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷، ح ۱۵۶.

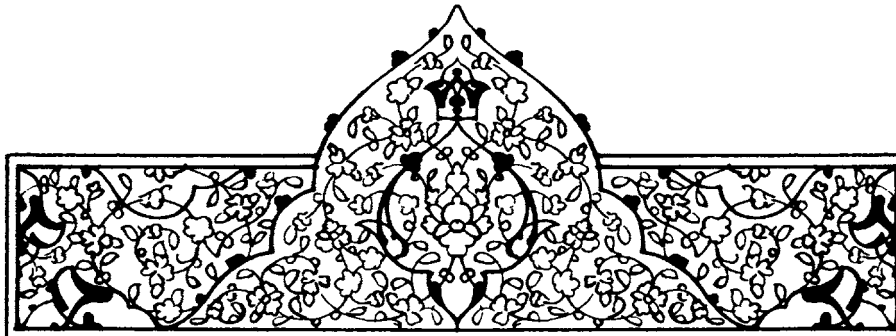
۴. ترجمه: «بار خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و در میان خلق خود بر من زیبایی و در میان بندگان زینتی بیوشان و مو و دیده مرا نیکوگردان و مرا به نفاق و دورویی دچار مکن و هیبت در میان مخلوقات و رحمت از ناحیه بندگان را روزی من کن، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۴.

۵. ترجمه: «بار خدایا، مو و پوست مرا نیکوگردان و آنها را پاکیزه کن و بیماری های واگیردار را از من دور گردان».

وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَلَا تُمْكِنُهُ مِنْ قِيَادِي فَيُرِدَّنِي عَلَيَّ عَقْبِي<sup>۱</sup>، بعد ابروها را شانه کند و بگوید: اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِزِينَةِ الْهُدَى<sup>۲</sup> آن‌گاه ریش را از بالا به پایین شانه کند، سپس شانه را بر سینه بمالد و بگوید: اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْغُمُومَ وَالْهُمُومَ وَوَحْشَةَ الصُّدُورِ وَوَسْوَاسَةَ الشَّيْطَانِ<sup>۳</sup>، سپس ریش را از پایین به بالا شانه کند و سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را تلاوت کند.<sup>۴</sup>

- 
۱. ترجمه: «بار خدایا، مرا به عقب برمگردان و مکر و حيلة شیطان را از من دور کن و به او فرصت نده که مرا به بند پیروی خود درآورد و به عقب بازگرداند.»
  ۲. ترجمه: «بار خدایا، مرا به زینت هدایت، زینت بخش.»
  ۳. ترجمه: «بار خدایا، غم‌ها و وحشت‌ها و وسوسه شیطان را از من برطرف کن.»
  ۴. مکارم الأخلاق، ص ۷۱.





## فصل ششم:

# آداب استفاده از بوی خوش و گلها و کرمها و روغنها

۱. سبب پیدایش بوهای خوش در زمین
۲. فضیلت بوی خوش و آداب آن
۳. کراهت ردّ عطریات
۴. فضیلت مشک و عنبر و زعفران
۵. فضیلت غالبه
۶. فضیلت و آداب روغن زدن
۷. روغن بنفشه
۸. روغن بان و زنبق
۹. فواید سایر روغنها
۱۰. بخور و انواع و آداب آن
۱۱. فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گلها
۱۲. آداب بوییدن گل



## ۱ سبب پیدایش بوهای خوش در زمین

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که آدم و حوّا از بهشت به زمین آمدند، حضرت آدم بر کوه صفا و حضرت حوّا بر کوه مروه قرار گرفت. حوّا هنگامی که در بهشت بود از بوی خوش آنجا به موهای خود زده بود و گیسویش را شانه کرده و بسته بود. هنگامی که به زمین آمد با خود گفت: حال که خدا از من در خشم است، آرایش وزینتی که در بهشت کرده‌ام چه سودی دارد؟ سپس گیسوان خود را باز کرد. آن‌گاه بوی خوشی را که از موهای او منتشر شد نسیم باد به مشرق و مغرب برد؛ البتّه بیشتر آن به سرزمین هند ریخت، لذا بیشتر بوهای خوش در آن دیار است».<sup>۱</sup>

۲. در روایت دیگری فرمود: «هنگامی که حضرت آدم از درخت ممنوع استفاده کرد و تمام لباس‌ها و زیورهای بهشتی‌اش فرو ریخت، برگی از بره‌های بهشتی را گرفت و با آن خویش را پوشاند. هنگامی که به زمین آمد باد جنوب بوی خوش آن بر بهشتی را به سرزمین هند رساند. بدین جهت گیاهان خوشبو در هندوستان فراوان است. و اوّل حیوانی که از آن بر بهشتی یا از آن گیاهان خوشبو خورد، آهوی مشک بود که با این کار بوی خوش در گوشت و خونش جاری و سپس در پیش نافش گرد آمد و از آن مشک تولید شد».<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، باب اصل الطّیب، ح ۱.

۲. همان، ص ۵۱۴، ح ۳.

## ۲ فضیلت بوی خوش و آداب آن

### فضیلت بوی خوش

۱. در احادیث معتبر آمده است که استعمال عطر و بوی خوش از جمله اخلاق پسندیده پیامبران است.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبران سه چیز داده است: بوی خوش و همسر و مسواک».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی می خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام بر موضعی سجده می کرد، مردم جای سجده امام را از بوی خوش آن حضرت که در آنجا مانده بود می شناختند.<sup>۳</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه خصلت در حضرت رسول صلی الله علیه و آله وجود داشت که در دیگران نبود: سایه نداشت، از هر مسیری عبور می کرد تا مدتی بوی خوش آن حضرت در آن مسیر بود به گونه ای که هر کس از آنجا عبور می کرد درمی یافت که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن راه عبور کرده است، از کنار هر سنگ و درختی که می گذشت برای آن حضرت تعظیم می کردند».<sup>۴</sup>
۵. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوشبو کردن خود و زدن شارب از اخلاق پیامبران و گرامی داشتن ملائکه ای است که اعمال انسان را می نویسند، زیرا آنها از بوی خوش، خوششان می آید».<sup>۵</sup>
۶. در حدیثی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله برای بوی خوش بیش از غذا هزینه می کرد.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۹؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۱۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

### وقت استفاده از بوی خوش

۱. در حدیث صحیح و معتبری آمده است که امام رضا علیه السلام فرمود: «سزاوار مردان نیست هر روز بوی خوش را ترک کنند. و اگر قادر نباشند یک روز در میان عطر بزنند. و اگر این هم ممکن نباشد هر جمعه این کار را انجام داده و آن را ترک نکنند».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول روایت شده که فرمود: «جبرئیل گفت: یک روز در میان خود را خوشبو ساز و این کار را در روز جمعه حتماً انجام بده و ترک نکن».<sup>۲</sup>
۳. و در روایتی دیگر فرمود: «روز جمعه حتماً خود را خوشبو کنید، اگرچه از بوی خوش متعلق به زنان باشد».<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که روزی عثمان بن مظعون خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: می‌خواهم بوی خوش و چند چیز دیگر از لذت‌ها را ترک کنم. حضرت فرمود: «بوی خوش را ترک نکن که ملائکه بوی خوش مؤمن را می‌بویند و (لااقل) هر جمعه این کار را انجام بده<sup>۴</sup> که هر چه صرف بوی خوش کنی اسراف نیست».<sup>۵</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر انسان بالغی لازم است هر جمعه شارب و ناخن خود را بگیرد و چیزی از بوی خوش استفاده کند و هر زمان جمعه فرا می‌رسید و بوی خوش نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله نبود، دستمال برخی همسرانش را که معطر بود می‌طلبید و آن را مرطوب کرده و بر سر و صورت خویش می‌مالید».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۲ و ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۱۲ و ۱۳؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱۱، ح ۱۴.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۱.

۶. کافی، ج ۶، ص ۱۱، ح ۱۰.

۶. از امام کاظم روایت شده است که فرمود: «روز سه‌شنبه ناخن بگیرید، روز چهارشنبه حمام بروید، روز پنجشنبه حجامت کنید و روز جمعه به بهترین بوها خود را معطر سازید».<sup>۱</sup>

### بوی خوش برای زنان

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «باید رنگ بوی خوش زنان، آشکار و بوی پنهان باشد. و در مورد مردان باید بوی آشکار و رنگش پنهان باشد».<sup>۲</sup>

۲. از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «زن مسلمان باید پیوسته خود را برای شوهرش خوشبو کند».<sup>۳</sup> (ولی در بیرون خانه در برابر نامحرمان از بوی خوش پرهیزد).

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر زنی که خود را معطر سازد و از خانه بیرون رود، پیوسته مشمول نفرین الهی باشد تا به خانه بازگردد».<sup>۴</sup>

### فواید بوی خوش

۱. از امام صادق رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «بوی خوش قلب را قوی می‌کند و بر قدرت آمیزش می‌افزاید».<sup>۵</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس هر روز از بوی خوش استفاده کند تا شب

۱. عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۰؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۱۷؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵، ح ۲۳.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳.

عقلش با او باشد».<sup>۱</sup>

۳. و در روایتی دیگر فرمود: «یک نماز با بوی خوش بهتر است از هفتاد نماز بدون بوی خوش».<sup>۲</sup>

۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می‌گشاید و غم را زایل می‌کند: بوی خوش، خوردن عسل، سواری کردن، نگاه به سبزه».<sup>۳</sup>

### ۳ کراهت ردّ عطریات

۱. در حدیث است که حضرت رسول بوی خوش و شیرینی که برایش هدیه می‌آوردند، رد نمی‌کرد.<sup>۴</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن خوشبویی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه آوردند، حضرت آن را گرفت و با اینکه آن روز بر بدنش روغن مالیده بود، از آن روغن هم بر بدن خود مالید. سپس فرمود: هرگز بوی خوش را رد نمی‌کنم».<sup>۵</sup>

۳. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا کسی که بوی خوشی برای او آورده‌اند می‌تواند آن را رد کند؟ فرمود: «سزاوار نیست که انسان کرامت را نپذیرد و آن را رد کند».<sup>۶</sup>

۴. در حدیث است که حسن بن جهم گوید: خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. حضرت ظرفی را که در آن مشک بود برایم آورد و فرمود: «بردار و به خود بمال»

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۷.

۲. همان.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲، با اندکی تفاوت.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، ح ۴.

۵. همان، ص ۵۱۲، ح ۲.

۶. همان، ح ۱.

قدری برداشتم و خود را معطر ساختم. حضرت فرمود: «مقداری دیگر بردار و در گودی پایین گردنت بمال» این کار را کردم. مقداری دیگر ماند. حضرت فرمود: «این را هم به همان جا بمال» مالیدم. سپس فرمود: «حضرت علی علیه السلام فرمود: کرامت را جز درازگوش رد نمی‌کند». پرسیدم کرامت چیست؟ فرمود: «بوی خوش و بالشی که برای تکیه زدن و نشستن می‌دهند و مانند آن».<sup>۱</sup>

#### ۴ فضیلت مشک و عنبر و زعفران

##### مشک

۱. در حدیثی آمده است که: حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر مشک بر خود می‌مالید که رنگ آن بر فرق مبارک حضرت آشکار بود.<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی صحیح می‌خوانیم: حضرت مشک‌دانی داشت که هرگاه وضو می‌ساخت با دست تر آن را می‌گرفت و هنگامی که بیرون می‌آمد از بوی خوش آن می‌فهمیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام زین العابدین علیه السلام مشک‌دانی از جنس قلع داشت، هرگاه می‌خواست لباس بپوشد آن را می‌طلبید و خود را معطر می‌ساخت.<sup>۴</sup>
۴. در حدیثی دیگر آمده است که آن حضرت شیشه‌ای از مشک داشت که در سجاده‌اش می‌گذاشت و هرگاه به نماز می‌ایستاد به خود می‌مالید.<sup>۵</sup>
۵. در حدیث است که علی بن جعفر از برادرش امام کاظم علیه السلام پرسید: آیا

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۲، ح ۳.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۱۴، باب المسک، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱۴، باب المسک، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۶.



می‌توان مشک را با روغنی که به بدن می‌مالند مخلوط کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد و من این کار را انجام می‌دهم».<sup>۱</sup>

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «اشکال ندارد که مشک را با غذا مخلوط کنند».<sup>۲</sup>

۷. در روایتی می‌خوانیم: امام رضا علیه السلام قوطی کوچکی که از چوب درخت آبنوس<sup>۳</sup> ساخته شده و دارای خانه‌های متعددی بود از جیب خود بیرون آورد که در هر خانه آن بوی خوشی بود و یکی از آنها مشک بود.<sup>۴</sup>

### فضیلت عنبر و زعفران و عود

۱. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خود را به مشک و عنبر معطر و خوشبو می‌کردند.<sup>۵</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی خوش عبارت است از: مشک و عنبر و زعفران و عود».<sup>۶</sup>

### خلوق

احادیث متعددی در وصف و فضیلت «خلوق»<sup>۷</sup> وارد شده است.<sup>۸</sup> و آن بوی

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۸.

۲. همان، دنباله حدیث ۸.

۳. «آبنوس» از کلمه یونانی ابانس گرفته شده و نام درختی است که در هند و حبشه می‌روید و مانند درخت گردو، بزرگ و تناور می‌شود. چوب آن سنگین و سخت و دارای لکه‌های سیاه است و آن را پس از بریدن مدتی در آب می‌اندازند تا سیاه شود. در عربی نیز به آن آبنوس می‌گویند و در فارسی «شیز» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۴.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۳ و ۳۴.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۱۳، باب انواع الطیب، ح ۱.

۷. «خلوق» بوی خوش، ترکیبی خوشبو که قسمت عمده آن زعفران است. خلاق هم می‌گویند (فرهنگ عمید).

۸. کافی، ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۴.

خوشی است که از چند چیز به عمل می‌آید که یک جزء آن زعفران است. البته در بعضی روایات سفارش شده که مداومت بر استفاده از خلوق نکنید، بلکه گاه از آن استفاده نمایید.

و در روایتی آمده است که شب تا به صبح آن را بر بدن نگذارید<sup>۱</sup> و شاید علت آن این باشد که رنگش بر بدن زیاد نماند.

## ۵ فضیلت غالیه<sup>۲</sup>

۱. در روایتی موثق و معتبر آمده است که اسحاق بن عمّار خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من با تاجران داد و ستد دارم و برای اینکه مرا فقیر نپندارند غالیه بر خود می‌مالم. حضرت فرمود: «غالیه کم و زیادش مساوی است. کسی که گاهی اندکی غالیه بر خود بمالد کافی است».

اسحاق می‌گوید: به فرموده حضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه می‌خرم و تمام سال خود را با آن خوشبو می‌کنم.<sup>۳</sup>

۲. در حدیث دیگری می‌خوانیم: حضرت سجّاد علیه السلام شبی از خانه بیرون آمد، در حالی که لباس خز پوشیده و ریش خود را به غالیه خوشبو کرده بود. پرسیدند: در این وقت شب با این وضعیّت به چه منظور بیرون آمده‌اید؟ فرمود: «می‌خواهم عبادت کرده و حوریان بهشتی را از خدا خواستگاری کنم».<sup>۴</sup> یعنی زینت و بوی خوش برای عبادت، مستحبّ است.

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۶.

۲. «غالیه» دارویی است بسیار خوشبو که از ترکیب مشک و عنبر و حصی لبان (حسن لبه) می‌ساخته‌اند. «حصی لبان» نوعی صمغ سقزی شبیه به کندر که بسیار خوشبو و به رنگ سرخ یا مایل به سیاهی است. از درختی که در نواحی گرم می‌روید به دست می‌آورند و در طب قدیم برای تقویت مغز و معده و معالجه امراض سینه به کار می‌رفته و در فارس حسن لبه می‌گویند (فرهنگ عمید).

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۱۶، ح ۱.

۴. همان، ح ۳.

۳. در حدیثی صحیح می‌خوانیم: امام رضا علیه السلام دستور داد روغنی برای آن حضرت تهیه کنند که در آن مشک و عنبر مخلوط شده بود و دستور داد در کاغذی آیه الکرسی و سوره ناس و فلق و چند آیه دیگر از آیات حفظ و محافظت را نوشتند و در میان غلاف آن شیشه روغن گذاشت و پیوسته از آن بر محاسن خود می‌مالید.<sup>۱</sup>

## ۶ فضیلت و آداب روغن زدن

### زمان روغن زدن

۱. در روایتی آمده است که (مردان) ماهی یک بار روغن بزنند<sup>۲</sup> و در حدیث دیگر، هفته‌ای یک یا دو مرتبه سفارش شده است.<sup>۳</sup> اما این کار برای زنان هر روز خوب است.<sup>۴</sup>
۲. در چند روایت از مداومت بر روغن زدن در هر روز (برای مردان) نهی شده است.<sup>۵</sup>

### فواید روغن زدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن پوست را نرم، عقل را زیاد و مجاری آب بدن را آسان، خشونت و سختی پوست و بدحالی و تنگی روزی را برطرف و صورت را نورانی می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۶، ح ۲.

۲. همان، ص ۵۲۰، ح ۳.

۳. همان، ح ۲.

۴. همان، ح ۱.

۵. همان، ح ۱.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۷.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن توانگری و بی‌نیازی را آشکار می‌کند».<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «فقر را زایل می‌کند».<sup>۲</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زدن در شب، عروق بدن را باز و پوست را سیراب و صورت را سفید می‌کند».<sup>۳</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که روغن بزند، حق تعالی به عدد هر مویی برای او نوری بنویسد که در قیامت به او عطا کند».<sup>۴</sup>

### آداب روغن زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که روغن را بر کف دست می‌ریزی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَاعْوِذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ وَالْمَقْتِ**»<sup>۵</sup>، سپس از بالای سر شروع به مالیدن آن کن».<sup>۶</sup>
۲. در روایتی دیگر آمده است که حضرت فرمود: «چون روغن را بر کف دست ریختی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَةَ فِي الدُّنْيَا وَاعْوِذُ بِكَ مِنَ الشَّيْنِ وَالشَّنَانِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ**».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۳.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، ح ۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۸، و به جای مؤمن، مسلم وارد شده است.

۵. ترجمه: «بار خدایا، من از تو آراستن و زینت و دوستی می‌طلبم و از زشتی و خواری و گناه به تو پناه می‌برم».

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۶.

۷. ترجمه: «پروردگارا، زینت در دنیا را از تو می‌خواهم و از زشتی و خواری در دنیا و آخرت به تو پناه می‌برم».

مکارم الأخلاق، ص ۴۷.

## ۷ روغن بنفشه

### فضیلت روغن بنفشه

- در چندین روایت می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام در مورد روغن بنفشه فرمود:
۱. «روغن بنفشه بهترین روغن‌های شماست».<sup>۱</sup>
  ۲. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن‌ها مثل فضیلت ما (اهل بیت) بر سایر مردم است».<sup>۲</sup>
  ۳. «فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغن‌ها مانند فضیلت شیعیان بر دیگر مردم است».<sup>۳</sup>
  ۴. «دوست‌داشتنی‌ترین هدیه‌ای که از شما به ما می‌رسد روغن بنفشه است».<sup>۴</sup>

### فواید روغن بنفشه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه نیکو روغنی است، از آن بر بدن بمالید که درد را از سر و چشم زایل می‌کند».<sup>۵</sup>
۲. در حدیث است که کسی به نام عقبه از قاطر افتاد و بینی‌اش صدمه دید. امام صادق علیه السلام فرمود: «روغن بنفشه در بینی‌اش بچکانید». این کار را کردند و شفا یافت. سپس به عقبه فرمود: «روغن بنفشه در زمستان گرم و در تابستان خنک و برای شیعیان ما نرم و برای دشمنان ما خشک است. اگر مردم فضیلت آن را بدانند یک اوقیه<sup>۶</sup> از آن یک دینار (یک مثقال شرعی طلا) قیمت پیدا می‌کرد».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۱؛ طب الأئمه، ص ۹۳.

۲. طب الأئمه، ص ۹۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱۰، با تفاوت در عبارت.

۴. همان، ص ۵۲۱، ح ۳.

۵. همان، ادامه حدیث ۵.

۶. «اوقیه» معادل هفت مثقال است (فرهنگ عمید).

۷. کافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۲.

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه را در بینی بچکانید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم فواید آن را بدانند همواره از آن استفاده کنند»<sup>۱</sup>.

۴. و در حدیث دیگر فرمود: «حرارت تب را با روغن بنفشه بشکنید»<sup>۲</sup>.

۵. و در حدیث سوم فرمود: «روغن بنفشه سردرد را زایل می‌کند و باعث آرامش مغز سر است»<sup>۳</sup>.

## ۸ روغن بان و زنبق

### فضیلت روغن بان<sup>۴</sup>

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان روغن خوبی است»<sup>۵</sup>.

۲. در حدیث است که کسی از ترک‌هایی که در دست و پایش به وجود آمده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری پنبه را با روغن بان آغشته کن و بر ناف بگذار، یا مقداری روغن در ناف بریز». آن شخص یک مرتبه چنین کرد، آن آزار از او زایل شد.<sup>۶</sup>

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن بان انسان از هر دردی حفظ می‌کند، از آن به خود بمالید که پیامبر صلی الله علیه و آله از آن استفاده می‌کرد»<sup>۷</sup>.

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱۱؛ خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۳۶.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۸ و ۹.

۴. «بان» درختی است دارای برگ‌های سبز و لطیف و خوشبو که از دانه‌هایش که شبیه پسته است، روغنی معطر می‌گیرند و دانه‌اش را حبّ البان می‌گویند (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۳.

۶. همان، ح ۲.

۷. طب الأئمة، ص ۹۴.

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس روغن بان بر خود بمالد، حتی اگر پیش روی شیطان بخوابد، به قدرت پروردگار شیطان نمی‌تواند ضرری به او برساند».<sup>۱</sup>

### فضیلت روغن زنبق

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست».<sup>۲</sup>
  ۲. در حدیث است که امام کاظم و امام رضا علیهما السلام روغن زنبق را در بینی می‌چکاندند.<sup>۳</sup>
  ۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق منافع فراوانی دارد و شفای هفتاد درد است».<sup>۴</sup>
  ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روغن زنبق شفای هفتاد درد است».<sup>۵</sup>
- نکته: ظاهراً مراد، زنبق سفید باشد که آن را رازقی می‌گویند و در بسیاری از روایات به لفظ رازقی وارد شده است.<sup>۶</sup> از کلام برخی استفاده می‌شود که زنبق، یاسمن سفید است.

۱. طب الأئمة، ص ۹۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۲۳، باب دهن الزنبق، ح ۱.

۳. همان، ص ۵۲۴، باب دهن الزنبق، ح ۲.

۴. طب الأئمة، ص ۹۴.

۵. همان.

۶. همان، ص ۸۶.

## ۹ فواید سایر روغن‌ها

### روغن زیتون و گل خیری

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ به علی رضی الله عنه فرمود: «ای علی، روغن زیتون بخور و بر بدنت بمال، زیرا شیطان تا چهل روز به کسی که این کار را کند نزدیک نمی‌شود».<sup>۱</sup>
۲. در برخی روایات آمده است که روغن گل خیری، روغن لطیفی است.<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت امام کاظم رضی الله عنه روغن گل خیری بر بدن خود می‌مالید.<sup>۳</sup>

### روغن کنجد

۱. در حدیثی معتبر آمده است که هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مبتلا به سردرد می‌شد، روغن کنجد در بینی خود می‌چکاند.<sup>۴</sup>
۲. نیز در حدیث معتبر دیگری نقل شده است که آن حضرت دوست داشت روغن کنجد در بینی خود بچکاند.<sup>۵</sup>

## ۱۰ بخور و انواع و آداب آن

### فضیلت بخور

۱. در روایتی آمده است که مردم از حضرت رضا رضی الله عنه بسیار بوی بخور استشمام می‌کردند.<sup>۶</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۸.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

۴. همان، ص ۵۲۴، باب دهن الحل، ح ۱.

۵. همان، باب دهن الحل، ح ۲.

۶. همان، ص ۵۱۸، ح ۳.



۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است که مرد هرگاه توانست لباس خود را با بخور کردن خوشبو سازد».<sup>۱</sup>
۳. در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «تحفه مرد روزه‌دار آن است که ریشش را روغن بمالند و لباسش را بخور دهند و تحفه زن روزه‌دار آن است که موهایش را شانه کرده و لباسش را بخور دهند».<sup>۲</sup>

### بخور با عود

۱. در حدیث است که مرازم می‌گوید با امام کاظم علیه السلام به حمام رفتیم. هنگامی که حضرت از حمام بیرون آمد در رختکن عودسوز طلبید و خود را خوشبو کرد، سپس فرمود: «مرازم را نیز خوشبو کنید».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بوی عود خالص تا چهل روز و بوی عودی که با بوهای دیگر ترکیب شده باشد تا بیست روز در بدن می‌ماند».<sup>۴</sup>
۳. در روایتی آمده است که امام رضا علیه السلام با عود هندی خالص بخور کرده، سپس گلاب و مشک بر خود می‌مالید.<sup>۵</sup>
۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از عود هندی استفاده کنید که هفت نوع شفا در آن است».<sup>۶</sup>
۵. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عود قماری<sup>۷</sup> بخور می‌کرد.<sup>۸</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، ح ۱.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۷. «عود قماری» نوعی عود است منسوب به شهری در هندوستان به نام قمار یا کمار (فرهنگ عمید).

۸. مکارم الأخلاق، ص ۳۴.

## آداب و دعای بخور دادن

۱. در روایتی می‌خوانیم: هرگاه همسران امام کاظم علیه السلام می‌خواستند بخور کنند اول هسته خرما صیحانی را که نوعی از خرماهای مدینه است می‌گرفتند، سپس در آتش می‌انداختند و چون اندکی دود می‌کرد بوی خوش را درون آتش می‌ریختند و لباسشان را بخور می‌دادند و معتقد بودند این کار باعث خوشبویی بیشتر می‌شود.<sup>۱</sup>

۲. سید بن طاووس نقل کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام بخور کردن این دعا را می‌خواند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْقَنَا وَزَكِّ رَوَائِحَنَا وَأَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَا وَاجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَالْجَنَّةَ مَعَادَنَا وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ عَافِيَتِكَ أَيَّانًا وَكَرَامَتِكَ لَنَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>۲</sup>

۳. سید بن طاووس گفته است در روایت دیگری این دعا به هنگام بخور دادن و بوی خوش استعمال کردن آمده است:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ امْتِعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، فَلَا تَسْلُبْنِي مَا خَوَّلْتَنِي، وَاجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَةً وَلَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ. اللَّهُمَّ طَيِّبْ ذِكْرِي بَيْنَ خَلْقِكَ، كَمَا طَيَّبْتَ بَشْرِي وَنَشَوَائِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِي».<sup>۳</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۱۸، باب البخور، ح ۵.

۲. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که با نعمت او نیکی‌ها کامل می‌شود. بار خدایا، عرق ما را پاکیزه و بوی ما را پاک و بازگشت ما را (به سوی خود) نیکو کن و تقوا را توشه ما و بهشت را منزلگاه آخرت ما قرار ده و میان ما و عافیتی که از سوی تو است جدایی مینداز و کرامتت را از ما دریغ مدار که تو بر هر چیزی توانایی». الامان من أخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۳.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، به آنچه مرا روزی داده‌ای بهره‌مندگردان و آنچه را عطا کرده‌ای از من مگیر و آن را مایه رحمت قرار ده و بر من سخت و دشوار مگردان. بار خدایا، مرا در میان بندگانت خوشنام کن، همان‌گونه که جسم و زندگی ام را به فزونی نعمتت بر من پاکیزه گردانیدی». الامان من أخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۳.

## ۱۱) فضیلت گلاب، گل سرخ و دیگر گل‌ها

### خواص گلاب

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «ریختن گلاب به صورت، آبرو را زیاد و پریشانی را برطرف می‌کند».<sup>۱</sup>
۲. در روایت دیگری از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «هر کس به صورت خود گلاب بپاشد، در آن روز پریشانی و بدحالی به او نمی‌رسد. و هنگام مالیدن گلاب بر صورت و دست‌ها، حمد و ثنای خدا را گوید و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد».<sup>۲</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در روز اول ماه مبارک رمضان به اندازه یک کف دست گلاب بر صورت خود بریزد، (امید است) در آن روز از خواری و پریشانی در امان باشد. و هر کس در آن روز مقداری گلاب بر سرش ریزد در آن سال از بیماری سرسام<sup>۳</sup> و ذات‌الجنب در امان باشد».<sup>۴</sup>

### گل نرگس و گل مورد<sup>۵</sup>

۱. در حدیث است که بوییدن گل نرگس و مالیدن روغنش آثار فراوانی دارد. و هنگامی که حضرت ابراهیم علیه السلام را در آتش انداختند و خداوند آتش را بر او سرد کرد، در میان آتش گل نرگس را برای آن حضرت رویانید. از آن پس گل

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۴.

۲. همان، ص ۴۴ و ۴۵.

۳. «سرسام»، به فتح سین، ورم سر یا دماغ، همچنین حالت آشفتگی شبیه دیوانگی است. در عربی نیز سرسام (به کسر سین) می‌گویند (فرهنگ عمید).

۴. الأمان من أخطار الأسفار و الأمان، ص ۲۲.

۵. «مؤذد» (به ضم میم و سکون واو و راء) درختی است شبیه به درخت انار، برگ‌هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

- نرگس در میان مردم فراوان شد.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیست و یک نوع گل داریم که بهتر از همه گل مورد است».<sup>۲</sup>

### گل سرخ

در روایتی معتبر آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله دو کف دست خود را پر از گل سرخ کرد و به من داد. و چون نزدیک مشام خود برد فرمود: پس از گل مورد، این بهترین گل های بهشت است».<sup>۳</sup>

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مرا به آسمان بردند چند قطره از عرق من بر روی زمین ریخت و گل سرخ از آن رویید. سپس آن گل به دریا افتاد. ماهی و دموص<sup>۴</sup> برای خوردن آن با هم درگیر شدند، خداوند فرشته ای را فرستاد تا در میان آنها قضاوت کند. آن فرشته نصف گل سرخ را به ماهی و نصف دیگر را به دموص داد. بدین جهت پنج بر سبزی که در زیر گل وجود دارد، دو بر آن به شکل دم ماهی است که از هر طرف پری دارد و دو تای دیگر به شکل دم دموص باریک است و از هیچ طرف پری ندارد و یک عدد دیگر یک طرفش پری دارد و طرف دیگر ندارد که نصف آن به شکل دم ماهی و نصف دیگر به شکل دم دموص است».<sup>۵</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ح ۳.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۸.

۴. «دموص» جانور یا کرمی است سیاه (رنگ) که در غدیرها هنگام خشک شدن آب آن به وجود می آید. برخی می گویند کرمی است دو سر که هنگام اندک شدن آب دیده می شود. به فارسی «کفلچیز» گفته می شود (فرهنگ عمید).

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۶۰۱، ح ۵۸.

۳. در حدیثی می‌خوانیم هنگامی که حضرت رسول ﷺ را به معراج بردند زمین از رفتن آن حضرت محزون شد و بدین جهت «کَبْر»<sup>۱</sup> در زمین رویید. و چون برگشت، زمین شاد شد و گل سرخ در آن رویید. بدین جهت هر کس بخواهد بوی پیامبر را استشمام کند گل سرخ را ببوید.<sup>۲</sup>

### گل مَرزنگوش<sup>۳</sup>

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «گل مرزنگوش نیکو گلی است، در زیر عرش می‌روید و آب آن باعث شفای چشم است».<sup>۴</sup>

۲. در حدیث است که گل مرزنگوش را فراوان ببوید که حسّ بویایی را تقویت می‌کند.<sup>۵</sup>

### ﴿۱۲﴾ آداب بوییدن گل

۱. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه گلی به شما دادند آن را ببوید و بر دیدگان خود نهید که از بهشت آمده است».<sup>۶</sup>

۱. «کَبْر» گیاهی است خاردار و پرشاخ و برگ که بیشتر شاخه‌های آن روی زمین گسترده می‌شود. برگ‌هایش پهن، گل‌هایش سفید و در وسط آن تارهایی قرار دارد. میوه آن به اندازه خیار کوچکی است که بعد از رسیدن می‌شکند و مغز آن سرخ‌رنگ است؛ بیشتر در ویرانه‌ها و سنگلاخ‌ها می‌روید (فرهنگ عمید).

۲. مکارم الأخلاق، ص ۴۴.

۳. «مرزنگوش» گیاهی است خوشبو و دارای شاخه‌های بلند. برگ‌های آن باریک و شبیه گوش موش و تخم آن شبیه تخم ریحان و در طب از آن استفاده می‌شود. در عربی آن را «أذان الفار» می‌گویند و در فارسی «مرزنجوش»، «مرزه گوش» و «انجرک» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۴. مکارم الأخلاق، ص ۴۵.

۵. همان.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۲۴، باب الریاحین، ح ۱ و ۲.

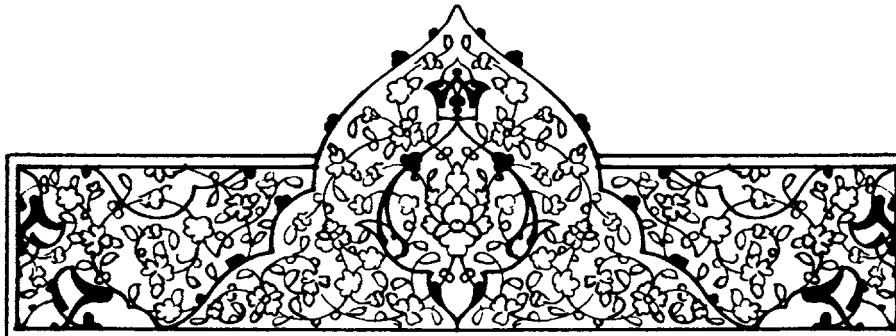
حدیث مزبور طبق سند معتبری از پیامبر ﷺ نیز نقل شده است.

۲. در روایتی معتبر آمده است که مالک جهنی گوید: به حضرت صادق علیه السلام گلی دادم. حضرت گل را گرفته، بویید و بر دیدگان خود نهاد. سپس فرمود: «هر کس گلی را بگیرد و بویید و بر دیده‌اش نهد و بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، قبل از آنکه گل را بر زمین بگذارد گناهایش آمرزیده می‌شود».<sup>۱</sup>

۳. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس گلی را بویید و بر دیدگان خود بگذارد، سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند متعال برایش حسنه فراوان می‌نویسد و گناهایش را محو می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۲۶۶، ح ۷.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۲۵، ح ۵.



## فصل هفتم:

# نظافت شخصی

۱. فضیلت حتمّ کردن
۲. آداب ورود و خروج و دعاهای حتمّ
۳. بایدها و نبایدهای حتمّ
۴. فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد
۵. فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی
۶. فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)
۷. ازاله کردن موی زیر بغل
۸. وقت دارو کشیدن
۹. دعاهای هنگام دارو کشیدن
۱۰. وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن
۱۱. فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره
۱۲. آداب غسل جمعه و دیگر غسلها





## ۱ فضیلت حمام کردن

### اهمیت حمام رفتن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حمام، خانه نیکی است زیرا جهنم را به یاد می آورد و چرک را از بدن می زداید».  
و عمر گفت: حمام جای بدی است، زیرا عورت را ظاهر و حیا را می درد.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین درمان برای شما حقنه (اماله کردن)، حجامت، ریختن دارو در بینی و حمام کردن است».<sup>۲</sup>

### فواید حمام کردن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک روز در میان حمام کردن، گوشت بدن را زیاد می کند. و هر روز حمام رفتن، چربی های بدن را گداخته و انسان را لاغر می کند».<sup>۳</sup>
۲. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید: بیمار شدم به حدی که همه گوشت بدنم تحلیل رفت. خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «دوست داری

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۱.

۲. طب الأئمة، ص ۵۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۷.

گوشت بدنت برگردد؟» عرض کردم: آری. فرمود: «یک روز در میان حمّام برو و مبادا هر روز حمّام بروی که زمینه‌ساز بیماری سل است».<sup>۱</sup>

۳. در روایت دیگری می‌خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «کسی که می‌خواهد چاق شود یک روز در میان حمّام رود و هر کس گوشت بدنش زیاد است و علاقه دارد لاغر شود هر روز به حمّام رود».<sup>۲</sup>

## ۲ آداب ورود و خروج و دعاهای حمّام

### وقت حمّام رفتن

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه به حمّام بروید».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان اندک غذایی در معده تو باشد به حمّام برو که حرارت معده را فرو می‌نشاند و موجب قوّت بیشتر بدن است. و هرگاه معده پر از غذاست حمّام نرو».<sup>۴</sup>
۳. در حدیث دیگری می‌خوانیم که هرگاه امام صادق علیه السلام قصد حمّام رفتن داشت اندک چیزی می‌خورد. راوی عرض کرد: می‌گویند حمّام رفتن با شکم خالی بهتر است. فرمود: «باید اندک چیزی بخوری که صفرا را فرو نشاند و حرارت درون بدن را ساکن سازد».<sup>۵</sup>
۴. در روایت دیگری فرمود: «ناشتا حمّام رفتن بلغم را پاک می‌کند و حمّام رفتن پس از خوردن مقداری غذا، صفرا و سودا را پاک می‌سازد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۴؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۱۶۲.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۱.

۳. خصال، ج ۲، ص ۱۵۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۳.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۶.

۶. طب الأئمة، ص ۶۶.

۵. نیز فرمود: اگر بخواهی به گوشت بدنت اضافه شود، پس از خوردن مقداری غذا حَمَّام برو و اگر بخواهی از وزن خود کم کنی ناشتا حَمَّام برو.<sup>۱</sup>

### پوشش عورتین

۱. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید بدون لنگ وارد حَمَّام شود.<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس با لنگ حَمَّام رود، خداوند گناهانش را می پوشاند».<sup>۳</sup>
۳. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از چند کار نهی کرد: «غسل کردن در زیر آسمان بدون لنگ، بدون لنگ وارد شدن در نهر آب زیرا نهرها ساکنانی از ملائکه دارند، وارد شدن در حَمَّام بدون لنگ».<sup>۴</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس وارد حَمَّام شود و نگاه خود را از عورت دیگران بازدارد، خداوند او را از حمیم جهنم حفظ می کند».<sup>۵</sup>

### شستن پا به هنگام خروج از حَمَّام

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه از حَمَّام بیرون آمدی (قبل از پوشیدن لباس)، آب سرد بر پایت بریز که درد را از بدنت می کشد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۰، ح ۳۲۵.

۳. ثواب الأعمال، ص ۳۵، ثواب دخول الحَمَّام بمئزر، ح ۱.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۴، ح ۱۵.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۲، ح ۲۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۲.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «پس از خارج شدن از حمام پاها را بشوید که درد شقیقه را زایل می‌کند».<sup>۱</sup>

### پوشش سر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خروج از حمام عمامه بر سر ببندید».<sup>۲</sup>
۲. در حدیث دیگری آمده است که هرگاه امام باقر و امام صادق علیهما السلام از حمام بیرون می‌آمدند، در زمستان و تابستان، عمامه بر سر می‌بستند و می‌فرمودند: «این کار از سر درد جلوگیری می‌کند».<sup>۳</sup>

### دعاها و اذکار حمام رفتن

۱. در روایتی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که در رختکن حمام لباس را درمی‌آوری بگو: **اللَّهُمَّ اِنزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ تَبَسُّنِي عَلَيَّ الْاِيْمَانِ**<sup>۴</sup> و هنگامی که از حمام خارج شدی به هنگام پوشیدن لباس بگو: **اللَّهُمَّ اَلْبَسْنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى**».<sup>۵</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که از حمام خارج شدی کسی که تو را می‌بیند بگوید: **طَابَ حَمَامُكَ وَ حَمِيمُكَ**<sup>۶</sup> و تو در

۱. مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۷.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۴. ترجمه: «بار خدایا، ریسمان نفاق و دورویی را از من برکن و مرا بر ایمان ثابت قدم بدار».

۵. ترجمه: «بار خدایا، جامه تقوا را بر من بیوشان و مرا از هلاکت دور گردان». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱،

ص ۶۲، ح ۲۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۵۲.

۶. ترجمه: «خوش باد حمام و گرمابهات».

جوابش بگو: **أَنْعَمَ اللَّهُ بِأَلَيْكَ**»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیث دیگری می‌خوانیم: «به کسی که از حمام بیرون می‌آید بگویند: **أَنْقَى اللَّهُ غُسْلَكَ**»<sup>۲</sup> و او در جواب بگوید: **طَهَّرَكُمُ اللَّهُ**»<sup>۳</sup>.

۴. در حدیث است که روزی امام حسن علیه السلام از حمام خارج شد. شخصی به آن حضرت عرض کرد: **طَابَ اسْتِحْمَاؤُكَ**. حضرت او را از گفتن این جمله منع کرد. وی گفت: **طَابَ حَمَّامُكَ**. حضرت این جمله را نیز نپسندید. آن شخص برای بار سوم گفت: **طَابَ حَمِيمُكَ**. حضرت فرمود: «چنین نگو». گفت: پس چه بگویم؟ فرمود: «**بِگُو: طَابَ مَا طَهَّرَ مِنْكَ وَ طَهَّرَ مَا طَابَ مِنْكَ**»<sup>۴</sup>. یعنی خداوند پاکیزه و نیکو گرداند به نیکی معنوی به سبب مغفرت گناهان و توفیق طاعات، آنچه در حمام از اعضای بدن تو پاک شده است و از لوث گناهان و جهالت و ضلالت آنچه پاکیزه و نیکو است از تو پاک گرداند که آن دل و نفس و عقل و سایر قوا و اعضای شریفه است.

(ظاهراً نهی حضرت از سه مورد گذشته برای آن است که در دو مورد اول، دعا به شخص نیست بلکه دعا به حمام است و در مورد سوم واژه «حمیم» به کار رفته که آب سوزان جهنم را تداعی می‌کند. ضمناً نهی مزبور نهی کراهتی است و با روایتی که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت منافاتی ندارد).

### ۳] بایدها و نبایدهای حمام

#### نبایدها

۱. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

۱. ترجمه: «آسوده خاطر باش». خصال، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۳۴۹.

۲. ترجمه: «خداوند شست‌وشویت را پاکیزه گرداند».

۳. ترجمه: «خداوند شما را پاک گرداند». کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۲۰.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۲۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۲، ح ۲۹۷.

- «در حمّام بر پشت نخواهید که پیه گرده‌ها را آب می‌کند».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ادرار کردن در حمّام پیام آور فقر و پریشانی است».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای پدر و مادر جایز نیست که به عورت فرزند خود نگاه کند، همان‌گونه که برای فرزند جایز نیست به عورت پدر و مادر نگاه کند».<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله لعنت کرد کسی را که در حمّام به عورت دیگری نگاه کند، یا بدون لنگ به حمّام رود تا دیگران به عورتش نگاه کنند.<sup>۴</sup>
۵. در روایتی معتبر آمده است که روزی امام صادق علیه السلام به حمّام رفت. حمّامی گفت: اگر بخواهید حمّام را برای شما خلوت کنم. امام علیه السلام فرمود: «نیازی به این کار نیست، مؤمن کارش سبک‌تر از این است که حمّام را برای او قرق کنند».<sup>۵</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حمّام بر پهلو نخواب که پیه گرده‌ها را آب و انسان را لاغر می‌کند. و موهایت را شانه نکن که کم‌پشت می‌شود».<sup>۶</sup>
۷. در حدیثی دیگر فرمود: «مبادا در حمّام موهایت را شانه کنی که می‌ریزد و مسواک نزن که دندان‌ها را می‌ریزد».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۹.

۲. خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۴، ح ۱۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۶.

۴. همان، دنباله حدیث ۳۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۹.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴.

۷. علل الشرایع، ج ۱، ح ۲۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۴، ح ۲۴۳.

## کارهای مجاز

۱. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت علی علیه السلام از قرآن خواندن در حمّام نهی کرد؟ حضرت فرمود: «نه، زمانی نهی می‌کرد که کسی عریان باشد. اگر لنگ بسته باشد اشکالی ندارد».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر کسی برای رضای خدا، نه تمرین صدا، در حمّام قرآن بخواند اشکال ندارد».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: قرآن خواندن و آمیزش کردن در حمّام چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۳</sup>
۴. در روایتی آمده است که هرگاه کسی وارد حمّام شد و حرارت بر او غلبه کرد، آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش فرو نشیند.<sup>۴</sup>

## ۴ فضیلت شستن سر و بدن و زدودن بوهای بد

### شستن و خوشبو کردن بدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «برای خوشبو کردن بدن، آب کافی است».<sup>۵</sup>
۲. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با آب خود را از بوی بد که مردم را می‌آزارد، پاکیزه کنید و در پی اصلاح بدن خود باشید، زیرا خداوند کسانی از بندگانش را که کثیف و بدبو هستند و اگر کسی نزد آنها بنشیند اذیت می‌شود دشمن می‌دارد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۲، ح ۳۲.

۲. همان، ص ۵۰۵، ح ۳۳.

۳. همان، ص ۵۰۲، ح ۳۱.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۵۵.

۵. قرب الإسناد، ص ۷۱، ح ۲۰۶.

۶. خصال، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۳. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب را سبب خوشبویی خود قرار دهید (وبوهای بد را با آن از خود دور کنید)».<sup>۱</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر، چرک آن را زایل و بیماری چشم را برطرف می‌کند».<sup>۲</sup>

### شستن لباس

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس لباسی می‌پوشد، باید تمیز و پاکیزه باشد».<sup>۳</sup>
۲. از امام علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن لباس، اندوه را از میان می‌برد و سبب پاکیزگی است».<sup>۴</sup>

### درمان کچلی

۱. در حدیث آمده است که جابر جعفی از ریزش موهایش که باعث کثیفی لباس‌هایش هم می‌شد به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «(بر) درخت مورد<sup>۵</sup> را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه‌ای که از شراب ساخته شده و بسیار تند باشد مخلوط کن و آن قدر به هم بزن که کف کند، پس سر و ریش را با قدرت تمام بمال و بشوی، سپس با روغن شیر تازه، سر و ریش را چرب کن که آن مرض زایل شود».<sup>۶</sup>

۱. خصال، ج ۲، ص ۴۲۷، ح ۳۰۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۱۴۲.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.

۵. «مورد» درختی است شبیه درخت انار که برگ‌هایش سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

۶. مکارم الأخلاق، ص ۶۱.



## ۵ فضیلت شستن سر با سدر و گل خطمی

### فواید شست و شو با گل خطمی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن ناخن و شارب (سبیل) و شستن سر با گل خطمی، فقر و ناداری را زایل می‌کند و بر روزی می‌افزاید».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شستن سر با خطمی، دل را می‌گشاید و سودا و اندوه را برطرف می‌سازد».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی، باعث برطرف شدن چرک و حشرات موجود در سر می‌شود».<sup>۳</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن سر با خطمی (سه فایده دارد): سر را از سردرد حفظ می‌کند، پریشانی را از انسان دور می‌سازد، کچلی را از بین می‌برد».<sup>۴</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سر خود را در روز جمعه با گل خطمی بشوید، از پیسی و دیوانگی در امان خواهد بود».<sup>۵</sup>
۶. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس در روز جمعه ناخن و شارب خود را بگیرد و سرش را با گل خطمی بشوید، ثواب آزاد کردن یک برده را می‌برد».<sup>۶</sup>

### شست و شوی سر با سدر

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شست و شوی سر با سدر،

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۴.

۲. مستدرک سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۵.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۱.

۴. ثواب الأعمال، ص ۳۶، ثواب غسل رأس بالخطمی، ح ۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۹۰.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۱.

رزق و روزی را فراوان می‌کند».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که خداوند متعال به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله دستور داد دعوت خود را آشکار کند، حضرت تعداد اندک مسلمانان و جمعیت انبوه کافران را دید و بسیار غمگین شد. خداوند متعال جبرئیل را با یک بر سدر از درخت سدرۃالمنتهی به سوی وی فرستاد، تا سر مبارک حضرت را با آن بشوید. با این کار اندوه آن حضرت برطرف شد».<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر خود را با بر سدر می‌شست و می‌فرمود: سر خود را با بر سدر بشوید که هر ملک مقرب و پیامبر مرسلی از آن به نیکی یاد کرده است. هر کس سرش را با آن بشوید، خداوند متعال هفتاد روز و سوسه شیطان را از وی دور می‌کند. و هر کس هفتاد روز و سوسه شیطان از او دور باشد، معصیت نمی‌کند و هر کس گناه نکند، به بهشت می‌رود».<sup>۳</sup>

## ۶ فضیلت برطرف کردن موهای زاید (زهار)

### اهمیت و فواید دارو کشیدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن پاک‌کننده بدن است».<sup>۴</sup>

۲. در روایتی صحیح آمده است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: همراه امام صادق علیه السلام به حمام رفتیم. حضرت فرمود: «دارو بکش!» عرض کردم: چند

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۲، ح ۲۹۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۷.

۳. ثواب الأعمال، ص ۳۶، ثواب غسل الرأس بورق السدر، ح ۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۴.

روز پیش کشیدم. فرمود: «بار دیگر این کار را تکرار کن که دارو کشیدن، پاک‌کننده بدن است».<sup>۱</sup>

روایات دیگری نیز به این مضمون آمده است.

۳. در حدیثی دیگر آمده است که حضرت به کسی دستور استفاده از داروی نظافت حمام داد. عرض کرد: سه روز پیش کشیده‌ام. فرمود: «تکرار کن که تو را پاک می‌کند».<sup>۲</sup>

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دارو کشیدن، دلگیری و پریشانی خاطر را برطرف کرده و بدن را پاک می‌کند».<sup>۳</sup>

۵. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز از اخلاق پیامبران است: «بوی خوش، تراشیدن سر، دارو کشیدن، آمیزش با همسر».<sup>۴</sup>

### فلسفه دارو کشیدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «موی شارب (سبیل) وزهار (زیر شکم) و زیر بغل را بلند نگذارید که جایگاه شیطان است».<sup>۵</sup>

۲. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرگاه موی بدن بلند شود آب پشت را قطع می‌کند (یعنی فرزندی به وجود نمی‌آید) و بندها را سست می‌کند و ضعف و تنبلی به دنبال می‌آورد. و دارو کشیدن، آب پشت را فراوان و بدن را قوی و پیه‌گردها را بسیار و بدن را فربه می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۲.

۲. همان، ح ۴.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۷؛ ثواب الأعمال، ص ۳۹، ثواب التنور، ح ۱.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۶۳.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۹، باب ۲۹۲، ح ۱.

۶. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۵.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زاید بدن را برطرف کنید که سبب آلودگی است».<sup>۱</sup>

### ۷] ازاله کردن موی زیر بغل

۱. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می افتاد که امام صادق علیه السلام برای ازاله کردن موی زیر بغل به حمام می رفت و آن موضع را دارو می کشید و سپس از حمام بیرون می آمد.<sup>۲</sup>
۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر زیر بغل دارو می گذاشت و می فرمود: «کندن موی زیر بغل، شانه ها را سست می کند».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی دیگر می خوانیم: «دارو کشیدن زیر بغل بهتر از تراشیدن و تراشیدن بهتر از کندن آن است».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ازاله کردن موی زیر بغل، بوی بد آن موضع را برطرف می کند و پاک کننده و سنت رسول خداست».<sup>۵</sup>
۵. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «موهای زیر بغل را بلند نکنید که محل پرورش میکروب هاست».<sup>۶</sup>

### ۸] وقت دارو کشیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هر هفته

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۵؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۱۵۸.  
 ۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۸، ح ۶ و ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۳.  
 ۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۶۲.  
 ۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۶۳.  
 ۵. خصال، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰.  
 ۶. کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۶۵.

- روز جمعه، موهای زیر شکم و میان پاها را با دارو زایل می‌کرد.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موهای زیر شکم را بیش از یک هفته رها نکنید و هر کس دارو کشیدن را بیش از یک ماه ترک کند، نمازش مقبول نیست».<sup>۲</sup>
- (معنای این حدیث باطل بودن نماز نیست، بلکه به معنای کم شدن ثواب آن است).
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوست دارم مؤمن هر پانزده روز یک بار موهای زاید بدن را زایل کند».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «سنت در دارو کشیدن آن است که هر پانزده روز یک مرتبه انجام شود. و اگر کسی بیست و یک روز (و طبق روایتی بیست روز) بر او بگذرد و دارو نکشد، پول قرض کند و این کار را انجام دهد».<sup>۴</sup>
۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، بیش از چهل روز موهای زاید بدن را رها نکند و اگر چهل روز گذشت و پولی نداشت قرض کند و این کار را تأخیر نیندازد».<sup>۵</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که چهل روز بر او بگذرد و موهای زاید را زایل نکند، مؤمن و مسلمان (واقعی) نیست و در نزد خدا کرامتی ندارد».<sup>۶</sup>
۷. در روایتی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر مردی که ایمان به

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۴.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۵۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۸.

۴. خصال، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۳.

۵. خصال، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۴.

۶. خصال، ج ۲، ص ۲۷۵، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۳.

خدا و روز قیامت دارد نباید موهای زاید بدن را بیش از چهل روز رها کند. و برای زن مؤمن به خدا و روز قیامت حلال نیست که ازاله کردن موهای زاید بدن را بیش از بیست روز ترک کند.<sup>۱</sup> (روشن است که تعیین زمان‌های مختلف برای این کار، در واقع ناظر به درجات مختلف استحباب است).

## ۹ دعاهای هنگام دارو کشیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس پیش از آنکه موهای زاید را زایل کند، اندکی دارو بردارد و ببوید... و بگوید: صَلَّی اللهُ عَلَی سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ کَمَا أَمَرْنَا بِالنُّورَةِ<sup>۲</sup> که در این صورت، دارو وی را نسوزاند».<sup>۳</sup>

۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام استفاده از داروی نظافت دعا بخواند، خداوند وی را از چرک‌ها و کثافت‌های دنیوی و گناهان پاک می‌کند و در مقابل موهایی که زایل می‌شود، موهایی به او کرامت می‌کند که با آن گناه نکند و به تعداد موهای بدنش فرشتگانی خلق می‌کند که تا روز قیامت برای او حمد و تسبیح الهی گویند و یک تسبیح ملائکه معادل هزار تسبیح زمینیان است و آن دعا این است:

اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَا طَهَّرَ مِنِّي وَ طَهِّرْ مَا طَابَ مِنِّي وَ أَبْدِلْنِي شَعْرًا طَاهِرًا لَا يَعْصِيكَ.  
اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ بِإِتِّعَاءِ سُنَّةِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِتِّعَاءِ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ، فَحَرِّمْ شَعْرِي  
وَ بَشْرِي عَلَي النَّارِ وَ طَهِّرْ خُلُقِي وَ طَيِّبْ خُلُقِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَلْقَاكَ  
عَلَى الْحَنَفِيَّةِ السَّمْحَةِ، مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَبِيبِكَ وَ رَسُولِكَ،  
عَامِلًا بِشْرَائِعِكَ، تَابِعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، أَخِذًا بِهِ، مُتَأَبِّدًا

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۶۰.

۲. ترجمه: «درود خداوند بر حضرت سلیمان بن داوود علیه السلام، همان‌گونه که او ما را امر به استفاده از داروی نظافت کرد».

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۳.

بِتَأْدِيبِكَ وَتَأْدِيبِ رَسُولِكَ ﷺ وَتَأْدِيبِ أَوْلِيَاءِكَ، الَّذِينَ غَذَّوْهُمْ بِأَدْبِكَ وَزَرَعْتَ  
الْحِكْمَةَ فِي صُدُورِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ عِلْمِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ».<sup>۱</sup>

## ۱۰ وقت دارو کشیدن و دیگر آداب آن

### اوقات مناسب و نامناسب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مرتبه دارو کشیدن در تابستان، ده برابر انجام دادن این کار در زمستان فضیلت دارد».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز چهارشنبه از داروی نظافت استفاده نکنید که روز نحس مستمر است»<sup>۳</sup>؛ جهنم در روز چهارشنبه آفریده شده است».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که به امام صادق علیه السلام عرض شد: مردم می گویند استفاده از داروی نظافت در روز جمعه مکروه است. حضرت فرمود: «این سخن صحیح نیست؛ چه چیز پاک کننده تر از داروی نظافت در روز جمعه است؟!»<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «بار خدایا، پاکیزه گردان آنچه را که از من پاک شد و پاک گردان آنچه را که از من پاکیزه شد و به جای آن، مویی عنایت کن که معصیت تو را نکنند. بار خدایا، به خاطر پیروی از سنت پیامبران و درخواست بهشت و آمرزش تو، خود را پاکیزه کردم، پس مو و پوست مرا بر آتش حرام و خلقتم را پاک و اخلاقم را پاکیزه و عملم را ستوده گردان و مرا از کسانی قرار ده که بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صلی الله علیه و آله حبیب و رسولت، تو را ملاقات کند، در حالی که به دستورهای تو عمل کرده باشد و پیرو سنت پیامبرت صلی الله علیه و آله و گیرنده آن باشد. و مؤدب به آداب تو و رسول و اولیای تو شده باشد. همان کسانی را که با آداب خود مؤدب نمودی و بذر حکمتت را در سینه هایشان کاشتی و آنها را گنجینه های دانش خود قرار دادی، درود تو بر ایشان باد». کافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۲.

۳. اشاره به آیه ۱۹ سوره قمر دارد.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۸، ح ۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۰.

### دارو کشیدن در حال جنابت و نشسته

۱. در حدیث است که علی بن یقظین در ضمن نامه‌ای که خدمت امام کاظم علیه السلام نوشت می‌خواست پرسد آیا می‌توان در حال جنابت از داروی نظافت استفاده کرد، ولی فراموش کرد. حضرت در جواب نامه‌اش پاسخ این پرسش نانوشته را چنین نگاشتند: «اشکالی ندارد. نوره باعث پاکیزگی بیشتر انسان جنب است».<sup>۱</sup>

۲. نیز در حدیث است که امام صادق علیه السلام در پاسخ این پرسش فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در وقت دارو کشیدن بنشیند، بیم آن می‌رود که به بیماری فتق<sup>۳</sup> مبتلا شود».<sup>۴</sup>

### روش برطرف کردن بوی ناپسند دارو

۱. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد با روغن زیتون مخلوط کرد و بر آن محل مالید تا بوی دارو برطرف شود؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۵</sup>

۲. در روایتی آمده است که امام کاظم علیه السلام چنین می‌کرد.<sup>۶</sup>

۳. نیز در حدیثی می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان بعد از دارو کشیدن مقداری آرد بر آن محل مالید؟ فرمود: «اشکالی ندارد». راوی گفت:

۱. تهذیب، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۱۶۴.

۲. کافی، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱۲؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۳۹۱.

۳. «فتق» نوعی بیماری است که بر اثر پاره شدن پرده صفاق و ریختن پیه شکم یا بعضی از امعا به پایین تولید می‌شود (فرهنگ عمید).

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۲.

۶. همان، ح ۱۳.



مردم می‌گویند این کار اسراف است. حضرت فرمود: «چیزی که بدن را اصلاح کند و فایده‌ای برای جسم داشته باشد اسراف نیست، لذا بسیار ائفاق می‌افتد که سفارش می‌کنم مقداری آرد پخته‌شده را با روغن زیتون مخلوط کنند و بر بدنم می‌مالم؛ اسراف در جایی است که مالی تلف شود و به بدن ضرر برساند».<sup>۱</sup>

### ۱۱) فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حنا بوی بد را برطرف، آبرو را زیاد، دهان را خوشبو و فرزندان را نیکو می‌کند».<sup>۲</sup> و هر کس بعد از دارو کشیدن تمام بدن خود را حنا بمالد، فقر و پریشانی از وی برطرف می‌شود».<sup>۳</sup>

۲. در حدیث است که حسین بن موسی، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، می‌گوید: هرگاه پدرم می‌خواست به حمام برود دستور می‌داد آن را بسیار گرم کنند و نم‌بر زمین حمام بیندازند، سپس وارد حمام می‌شد. روزی از حمام بیرون آمد، شخصی از آل زبیر به آن حضرت رسید و آثار حنا را در دست ایشان دید. پرسید: این چه رنگی است که در دستان شماست؟ حضرت فرمود: «رنگ حنا است، پدرانم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که هر کس به حمام رود و داروی نظافت بزند و سپس از سر تا قدم حنا بمالد، تا نوبت بعد که حمام برود از دیوانگی، خوره، پیسی و آکله<sup>۴</sup> در امان باشد».<sup>۵</sup>

۳. در حدیثی معتبر آمده است که حکم بن عیثه گوید: حضرت صادق علیه السلام را دیدم که بر ناخن‌های خود حنا گذاشته بود. پرسید: حکم، نظر تو چیست؟

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۹، ح ۲۷۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۸، ح ۲۷۰.

۴. «آکله» واژه‌ای است عربی و نام بیماری است که در فارسی به آن جذام می‌گویند (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۱.

عرض کردم: من در مورد کاری که شما می‌کنید چه می‌توانم بگویم؟ اما این کار را در عرف ما فقط جوانان انجام می‌دهند. حضرت فرمود: «ای حکم، پس از کشیدن داروی نظافت، ناخن‌ها شبیه ناخن مردگان می‌شود و ما با حنارنگ آن را برمی‌گردانیم».<sup>۱</sup>

## ۱۲] آداب غسل جمعه و دیگر غسل‌ها

### غسل‌های واجب

غسل‌های واجب، بنابر مشهور فقها، شش غسل است:  
غسل جنابت، غسل استحاضه، غسل حیض، غسل نفاس، غسل مسّ میّت،  
غسل میّت.<sup>۲</sup>

۱. مستحبّ است به هنگام غسل جنابت این دعا خوانده شود:  
اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي وَ تَقَبَّلْ سَعْيِي وَ اجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي. اللَّهُمَّ  
اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.<sup>۳</sup>  
و اگر این دعا را بخواند بهتر است:

اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ صَدْرِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ  
اجْعَلْهُ طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۴</sup>

ولی برخی علما این دعا را برای پس از تمام شدن غسل ذکر کرده‌اند.

۲. در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: هر کس پس از وضو یا غسل

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۰۹، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲؛ در هر دو مصدر از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

۲. غسل مستحبّی که با نذر و قسم و مانند آن واجب شده نیز از غسل‌های واجب است.

۳. ترجمه: «بار خدایا، قلب مرا پاک و عملم را ستوده گردان و کوشش‌م را بپذیر و آنچه را در نزد تو است برایم خیر قرار ده. بار خدایا، مرا از توبه‌کنندگان و پاکیزه‌گان قرار ده».

۴. ترجمه: «خداوند، قلب مرا پاک و سینه‌ام را گشاده گردان و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری کن. بار خدایا، آن (غسل من) را پاکیزگی و شفا و نور قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانایی».

جنابت این دعا را بخواند، گناهان او همچون بر درختان می‌ریزد و در مقابل هر قطره از قطرات وضو و غسل او، فرشته‌ای خلق شود که تسبیح و تهلیل و تقدیس پروردگار کند و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد و ثوابش از آن صاحب غسل یا وضو باشد و گناهانش آمرزیده شود. و دعا این است:

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ  
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلِيَّ  
خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاءُكَ وَأَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاءُكَ.<sup>۱</sup>

### غسل‌های مستحب

غسل‌های مستحب شصت و دو غسل است<sup>۲</sup> که می‌توان آنها را در سه بخش بیان کرد:

غسل‌های زمانی، غسل‌های مکانی، غسل‌های فعلی.

### اول: غسل‌های زمانی

و منظور غسل‌هایی است که به خاطر زمان خاصی مستحب شمرده شده که به ترتیب اهمیت بیان می‌شود:

۱. ترجمه: «پروردگارا، تو از هر عیب و نقصی منزهی و من به ثنای تو مشغولم. معبودی جز تو نیست، از تو طلب بخشش کرده و به سوی تو توبه می‌کنم. و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده تو است. و گواهی می‌دهم که علی علیه السلام ولی و خلیفه بعد از پیامبر تو بر خلق تو است و اولیای او، خلفای تو و جانشینان او، جانشینان تو هستند.» تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۲۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۲۱.
۲. سید یزدی در عروة الوثقی، در ابتدای بحث «الأغسال المندوبه» می‌گوید: غسل‌های مستحب بسیار است. برخی آن را ۴۷ و عده‌ای پنجاه و گروهی بیش از شصت و جمعی آن را ۸۷ و بعضی تا صد غسل شمرده‌اند. ولی مشهور همان‌گونه که در جواهر الکلام (ج ۵، ص ۲) آمده، ۲۸ غسل است.

## غسل جمعه

غسل جمعه از غسل‌های مستحب مؤکد است، بلکه برخی علما آن را واجب می‌دانند.<sup>۱</sup> و احتیاط آن است که در صورت امکان ترک نشود.

وقت غسل جمعه از اذان صبح روز جمعه تا هنگام نماز ظهر است.<sup>۲</sup> و مشهور آن است که هر چه به ظهر نزدیک‌تر باشد بهتر است.<sup>۳</sup> و اگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود، می‌تواند روز پنجشنبه غسل کند.<sup>۴</sup> و چنانچه قبل از ظهر روز جمعه موفق بر غسل نشود، می‌تواند بعد از ظهر تا شام روز جمعه بدون نیت قضا (به نیت ما فی الذمه) غسل کند.<sup>۵</sup> و اگر در آن زمان هم توفیق بر غسل نیافت می‌تواند از صبح روز شنبه تا شام آن روز، قضای آن را به جا آورد.<sup>۶</sup>

۱. در احادیث معتبر وارد شده که غسل جمعه بر مردان و زنان در سفر و حضر واجب است. البته به زنان اجازه داده شده که به خاطر کمبود آب در سفر این غسل را ترک کنند.<sup>۷</sup> (منظور از وجوب، استحباب مؤکد است).

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل جمعه پاکیزه‌کننده و کفاره گناهان تا جمعه دیگر است».<sup>۸</sup>

۳. در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «هر کس روز جمعه غسل کند و به هنگام غسل بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ

۱. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱۱، ص ۹۵۰.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳.

۴. همان، ح ۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبه، باب ۱۰، ص ۶۴۹.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴۳، باب ۶، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰.

۸. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۲۹.

التَّوَّابِينَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ<sup>۱</sup> این غسل و دعا او را تا جمعه دیگر پاک می‌گرداند.<sup>۲</sup>

و بهتر است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَنْقِ غُسْلِي وَ اَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَحَبَّةً مِنْكَ.»<sup>۳</sup>

و نیز بگوید:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْ نِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ كُلِّ آفَةٍ تَمَحَقُّ بِهَا دِينِي وَ تَبْطُلُ بِهَا عَمَلِي.»<sup>۴</sup>

۴. در فقه الرضا آمده است: بعد از فراغت از غسل جمعه بگو: اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَنْقِ غُسْلِي وَ اَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي ذِكْرَكَ وَ ذِكْرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ الْمُتَطَهِّرِينَ.»<sup>۵</sup>

#### غسل شب‌های فرد ماه رمضان

غسل در شب‌های فرد ماه مبارک رمضان به خصوص شب‌های: اول،<sup>۶</sup> پانزدهم،<sup>۷</sup> هفدهم<sup>۸</sup> (شبی که مؤمنین و کافران در منطقه بدر جمع شدند و روز

۱. ترجمه: «شهادت می‌دهم که معبودی جز ذات پاک خدای یکتا نیست، او یگانه است و شریکی ندارد. و شهادت می‌دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بنده و فرستاده اوست. پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در زمره توبه‌کنندگان و پاکیزگان قرار ده.»

۲. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۶۱، ح ۲۲۸.

۳. ترجمه: «بار خدایا، مرا پاک و قلب مرا پاکیزه گردان و غسل مرا پاک و طاهر قرار ده و چشمه‌ای از محبتت را بر زبانم جاری فرما.»

۴. ترجمه: «بار خدایا، مرا تطهیر کن و قلبم را از هر آفتی که دین مرا نابود سازد و عملم را باطل کند پاکیزه گردان.»

۵. ترجمه: «خدایا، قلب مرا پاک و غسلم را پاکیزه گردان و یاد خودت و یاد پیامبرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ را بر زبانم جاری ساز و مرا از توبه‌کنندگان و پاکیزگان قرار ده.» فقه الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۷۵.

۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبة، باب ۱، ح ۳ و ۶.

۷. همان، ص ۹۵۳، ح ۹.

۸. همان، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

بعد بزرگترین فتوحات اسلامی رخ داد<sup>۱</sup>، نوزدهم<sup>۲</sup> (شبی که طبق برخی روایات، تقدیر یک سال در آن نوشته می‌شود<sup>۳</sup>)، بیست و یکم<sup>۴</sup> (شبی که اوصیای پیامبران در آن شب به شهادت رسیدند و حضرت عیسی در آن شب به آسمان رفت و حضرت موسی رحلت کرد<sup>۵</sup> و به احتمال قوی شب قدر است)، بیست و سوم<sup>۶</sup> (که به احتمال قوی شب قدر است<sup>۷</sup> و این شب دو غسل دارد: یکی هنگام غروب آفتاب و دیگری در انتهای شب<sup>۸</sup>) مستحب است<sup>۹</sup>.

#### غسل شب‌های دهه آخر ماه رمضان

در برخی روایات آمده است که در شب‌های دهه آخر ماه مبارک رمضان، هر شب غسل کنید<sup>۱۰</sup>.

#### غسل روز عید فطر و قربان و شب عید فطر

۱. غسل شب و روز عید فطر و روز عید قربان مستحب است<sup>۱۱</sup> و بیشتر به نظر می‌رسد که غسل روز را تا شب می‌توان انجام داد، ولی بهتر قبل از نماز عید است.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۵، ح ۶.
۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.
۳. همان، ج ۷، ص ۲۵۹، ح ۲ و ۷.
۴. همان، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.
۵. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۵، ح ۶.
۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.
۷. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۶ ذیل ح ۱۶.
۸. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۴۲، باب ۵، ح ۱.
۹. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۲۵.
۱۰. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۳، ح ۱۰.
۱۱. الإستهصار، ج ۱، ص ۴۵۱، ح ۱۷۴۶.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غسل عید فطر را در زیر سقف به جای آور و به هنگام شروع این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَ تَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ وَ اِتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ** <sup>۱</sup> و پس از تمام شدن غسل بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِدُنُوْبِي وَ طَهْرًا لِدَنْسِي، اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي الرَّجْسَ**.<sup>۲</sup>

غسل هشتم و نهم ماه ذوالحجّه<sup>۳</sup>

و اوّل و وسط و آخر ماه رجب

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس ماه رجب را درک کند و در اوّل و وسط و آخر ماه غسل کند، از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولّد شده است».<sup>۴</sup>

غسل روز مبعث

بیشتر علما غسل روز مبعث (۲۷ رجب) را مستحب می دانند، هر چند حدیث خاصی در این باره نیافتیم.<sup>۵</sup>

غسل شب نیمه شعبان<sup>۶</sup>

غسل روز غدیر خم (هیجدهم ذوالحجّه)<sup>۷</sup>

۱. ترجمه: «بار خدایا، (این غسل را برای اینکه) به تو ایمان دارم و کتاب تو را تصدیق می کنم و از سنت پیامبر تو محمد صلی الله علیه و آله پیروی می کنم (به جا می آورم)».

۲. ترجمه: «بار خدایا، آن (غسل) را کفّاره گناهانم و پاکیزه کننده آلودگیم قرار ده. بار خدایا، پلیدی را از من برطرف کن».  
الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۲۷۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱، ح ۲۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ابواب الأغسال المندوبة، باب ۱، ح ۴.

۴. الإقبال بالأعمال الحسنة، ص ۶۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷، ح ۲۴.

۵. نویسنده کتاب الفقه از علامه و صیمری نقل کرده است که آن دو بزرگوار غسل روز مبعث را استناد به روایت داده اند (ج ۱۵، ص ۳۹۴).

۶. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۹، باب ۲۳، ح ۱.

۷. بلد الأمين، ص ۲۵۹.

غسل روز مباحله (۲۴ ذوالحجّه) <sup>۱</sup> و برخی معتقدند روز ۲۵ ذوالحجّه است. <sup>۲</sup>  
 غسل روز دحو الأرض (۲۵ ذوالقعدة) <sup>۳</sup>  
 در مورد این روز نیز حدیثی یافت نشد.

#### غسل روز نوروز

برخی با استناد به روایت معلی بن خنیس <sup>۴</sup> معتقد به استحباب غسل در این روز هستند و آن روز اول فروردین است.

#### دوم: غسل‌های مستحب مکانی

و منظور از آن غسل‌هایی است که برای ورود به مکان خاصی سفارش شده است:

۱. غسل ورود به مکه معظمه. <sup>۵</sup>
۲. غسل ورود به داخل خانه کعبه. <sup>۶</sup>
۳. غسل ورود به حرم مدینه منوره. <sup>۷</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳؛ و ج ۵، ص ۲۸۷، ح ۲.  
 ۲. در اینکه مباحله در چه روزی از ماه ذوالحجّه اتفاق افتاده، اختلاف نظر وجود دارد و در جواهر الکلام، (ج ۵، ص ۴۰) علاوه بر دو قول مزبور، روز بیست و هفتم و یکم ذی الحجّه نیز ذکر شده است. ولی همان‌گونه که صاحب جواهر گفته، اقوی همان قول اول (۲۴ ذی الحجّه) است.  
 ۳. در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که بیست و پنجم ماه ذوالقعدة روز «دحو الأرض» است و آن روزی است که نخستین خشکی‌ها از زیر آب - که تمام روی زمین را فرا گرفته بود - سر برآورد و مطابق بعضی از روایات، نخستین جایی که از زیر آب بیرون آمد و خشک شد و سپس گسترش یافت، سرزمین مکه و به خصوص خانه کعبه بود؛ از این رو، مکه «أمّ القرى» [= مادر همه آبادی‌ها] نام گرفت (مفاتیح نوین، ص ۸۰۴).  
 ۴. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۶۰، باب ۲۴، ح ۱.  
 ۵. همان، ص ۹۳۷، ح ۳.  
 ۶. همان.  
 ۷. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۴، باب ۱۸، ح ۱.



۴. غسل ورود به شهر مدینه مشرفه.<sup>۱</sup>
۵. غسل ورود به مسجد الرسول ﷺ.<sup>۲</sup>

سوم: غسل‌های مستحبّ مربوط به برخی اعمال

و منظور از آن غسل‌هایی است که برای کاری که انجام شده یا انجام خواهد شد، سفارش شده است:

۱. غسل احرام حج یا عمره<sup>۳</sup> و برخی آن را واجب دانسته‌اند<sup>۴</sup> و احوط عدم ترک آن است.

۲. غسل زیارت حضرت رسول ﷺ از نزدیک و دور.<sup>۵</sup>

۳. غسل زیارت ائمه معصومین علیهم السلام از نزدیک و دور.<sup>۶</sup>

۴. غسل استخاره به طور مطلق<sup>۷</sup>، به ویژه نمازهای مخصوص استخاره.<sup>۸</sup>

۵. غسل نمازهای حاجت.<sup>۹</sup>

۶. غسل توبه از گناهان.<sup>۱۰</sup>

۷. غسل قضای نماز کسوف، چنانچه عمداً ترک کرده و تمام قرص ماه گرفته

باشد.<sup>۱۱</sup> و برخی معتقد به وجوب این غسل هستند<sup>۱۲</sup> و احتیاط آن است که ترک

۱. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۸، ح ۷.

۲. همان، ص ۹۴۰، ح ۱۲.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۱، باب ۳۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۵. مصباح المتهجد، ص ۱۲.

۶. فقه الرضا، ص ۴، و شرح آن را در کتاب الفقه، ج ۱۵، ص ۴۲۹ به بعد مطالعه فرمایید.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۷، ح ۳.

۸. همان، ص ۹۵۸، باب ۲۱، ح ۱.

۹. همان، باب ۲۰، ح ۱ و ۲.

۱۰. همان، ص ۹۵۷، باب ۱۸، ح ۱.

۱۱. همان، ص ۹۶۰، باب ۲۵، ح ۱.

۱۲. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۹ و ۵۰.

نشود. بعضی نیز معتقدند: در صورت قضا شدن نماز کسوف، غسل مستحب است، هر چند تمام ماه نگرفته باشد<sup>۱</sup> و این نظریه قوی است.

۸. غسل برای طواف.<sup>۲</sup>

۹. غسل ذبح قربانی حج.<sup>۳</sup>

۱۰. غسل فرزندی که متولد می شود.<sup>۴</sup>

۱۱. غسل روز ولادت حضرت رسول ﷺ طبق عقیده برخی علما که در روز هفدهم ربیع الأول است.<sup>۵</sup> ولی به نظر می رسد که غسل برای زیارت آن حضرت در آن روز مستحب است، نه خصوص این روز.

۱۲. غسل نماز باران.<sup>۶</sup>

۱۳. غسل کشتن سوسمار کوچک.<sup>۷</sup>

۱۴. غسل تماشای کسی که به دار آویخته شده است.<sup>۸</sup> و برخی علما معتقد به وجوب آن هستند.<sup>۹</sup> و بیشتر علما گفته اند: هرگاه انجام دادن این کار پس از سه روز به دار آویختن باشد غسل کردن مستحب است<sup>۱۰</sup>، خواه به حق کشته شده باشد یا ناحق و خواه به طریق شرعی کشته شده باشد یا غیر شرعی.

۱۵. اعاده غسل های ناقص؛ برخی علما معتقدند که هرگاه بنا بر ضرورت،

۱. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۴۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۱۹، ح ۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۹۶۲، باب ۳۱، ح ۱.

۴. همان، ص ۹۶۱، باب ۲۷، ح ۱.

۵. الفقه، ج ۱۵، ص ۳۹۸.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۹۸، باب ۱، ح ۲.

۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۵۷، باب ۱۹، ح ۱ و ۲.

۸. همان، ص ۹۵۸، باب ۱۹، ح ۳.

۹. جواهر الکلام، ج ۵، ص ۶۸.

۱۰. الفقه، ج ۱۵، ص ۴۶۷.

- غسل ناقص انجام شده باشد، مثل غسل جبیره و تقیّه، اعاده آن مستحبّ است.<sup>۱</sup>
۱۶. هرگاه لباسی را دو تن به طور مشترک بپوشند و آثار منی در آن یافت شود و مشخص نباشد از کدامین آن دو تن است، غسل برای هر دو مستحبّ است.<sup>۲</sup>
۱۷. هر که میّت را کفن کند مستحبّ است غسل کند.<sup>۳</sup> ظاهراً این غسل همان غسل مسّ میّت است که مستحبّ است پیش از کفن کردن به جا آورد (هر چند اصل غسل مسّ میّت از واجبات است).
۱۸. مسّ میّت پس از غسل های سه گانه.<sup>۴</sup>
۱۹. هرگاه کسی در حال جنابت بمیرد مستحبّ است قبل از غسل میّت یا پس از آن، او را غسل جنابت دهند.<sup>۵</sup>
- البته تفصیل این غسل ها و احکام آن در این کتاب نمی گنجد و ان شاء الله در کتاب عبادات نوشته خواهد شد.<sup>۶</sup>

۱. مفتاح الكرامة، ج ۱، ص ۲۰.

۲. همان.

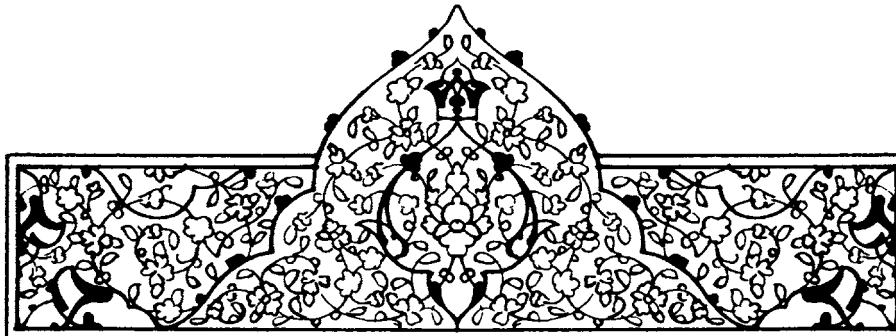
۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۳۹، ح ۱۱.

۴. همان.

۵. مفتاح الكرامة، ج ۱، ص ۲۰.

۶. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۸۱.





## فصل هشتم:

# آداب خوابیدن، بیدار شدن و رفتن به حاجتگاه

۱. اوقات خوابیدن
۲. وضو گرفتن قبل از خواب
۳. مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب
۴. دیگر آداب خوابیدن
۵. آداب وداعهای قبل از خواب
۶. برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن
۷. دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب
۸. نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن
۹. سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب
۱۰. آداب بیداری و مذمت پر خوابی
۱۱. آداب حاجتگاه رفتن
۱۲. حاجتگاه و آداب آن



## ۱ اوقات خوابیدن

(مقدمه:) خوابیدن پس از اذان صبح تا طلوع آفتاب (که به آن بین الطلوعین می‌گویند) و بین نماز مغرب و عشا (در صورتی که آنها را با فاصله بخوانند) و بعد از نماز عصر کراهت دارد و پیش از ظهر به هنگام گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر مستحب است و آن را خواب «قیلوله» می‌گویند.

### خواب بین الطلوعین

۱. در حدیث آمده است که امام سجّاد علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمود: «پیش از طلوع آفتاب نخواب که این کار را برای تو دوست نمی‌دارم، زیرا خداوند متعال روزی بندگانش را در این وقت قسمت می‌کند و هر که در این وقت خواب باشد از روزی محروم می‌شود».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمین از سه چیز نزد خدا ناله سر می‌دهد: از خون حرامی که روی آن ریخته می‌شود، غسلی که بر اثر زنا بر روی زمین صورت می‌پذیرد، خواب پیش از طلوع آفتاب».<sup>۲</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بامداد (نزدیک

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۴۳، ح ۹.

۲. خصال، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۴، ح ۱.

طلوع آفتاب) شوم است و روزی را منع و رنگ را زرد و چهره را زشت می‌کند و این خواب شومی است. به درستی که خداوند متعال روزی بندگان را بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند، پس مبادا که در این زمان بخوابید.<sup>۱</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «مرغ بریان و ترنجبین<sup>۲</sup> بین الطلوعین بر بنی اسرائیل نازل می‌گشت و هر کس در این وقت خواب بود سهم او نازل نمی‌شد».<sup>۳</sup>

۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در جای نماز خود بنشیند (و به تعقیبات نماز و دعا و تلاوت قرآن بپردازد) خداوند متعال او را از آتش جهنم حفظ می‌کند».<sup>۴</sup>

۶. و در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب چنین کسی همانند ثواب کسی است که حجّ خانه خدا به جا آورده باشد و گناهانش آمرزیده می‌شود».<sup>۵</sup>

نکته: در چندین روایت آمده است که اگر نماز صبح را بخواند و قدری تعقیبات نماز را به جای آورد و قبل از طلوع آفتاب بخوابد اشکال ندارد، از جمله:

۷. در حدیثی صحیح آمده است که امام رضا علیه السلام به کسی فرمود: «فردا پس از طلوع آفتاب بیا که من پس از نماز صبح (و تعقیبات) می‌خوابم».<sup>۶</sup>

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه نماز صبح خواندی

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۳.

۲. «ترنجبین» دارویی است شبیه ریزه نبات که طعمش شیرین است. از شیرابه یا شبنمی که بر روی شاخه‌های گیاهی به نام خار شتر جمع و منعقد می‌گردد تولید می‌شود و در طب به عنوان ملین به کار می‌رود؛ از شیر خشت بهتر و لطیف‌تر است (فرهنگ عمید).

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۳.

۴. همان، ح ۱۴۵۶.

۵. الاستبصار، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۳۲۱.

۶. همان، ح ۱۳۲۳.



و ذکر خدا گفتی، باکی نیست که پیش از طلوع آفتاب بخوابی».<sup>۱</sup>  
۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب بعد از نماز مغرب و قبل از نماز عشا و خواب قبل از طلوع آفتاب، پریشانی و فقر می آورد».<sup>۲</sup>

### خواب قیلوله<sup>۳</sup>

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب اول روز (بین الطلوعین) سفاهت، خواب قیلوله نعمت، خواب بعد از عصر حماقت و خواب بین نماز مغرب و عشا باعث محرومیت از روزی است».<sup>۴</sup>  
۲. در حدیث است که کسی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: حافظه‌ای قوی داشتم ولی اکنون فراموشی بر من غالب شده است (چه کنم؟) حضرت فرمود: «آیا قبلاً خواب قیلوله داشتی و اکنون ترک کرده‌ای؟» عرض کرد: آری. فرمود: «دوباره آن کار را انجام بده». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد، حافظه‌اش برگشت.<sup>۵</sup>  
۳. در روایتی آمده است: «قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمی کند».<sup>۶</sup>  
۴. و نیز روایت شده است: «قیلوله برای بیداری و عبادت در شب، کمک خوبی است».<sup>۷</sup>

۱. الإِستبصار، ج ۱، ص ۳۵۱، دنباله حدیث ۱۳۲۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۴، ح ۲.

۳. «قیلوله» خواب نیم‌روز، خواب و استراحت در نیمه روز یا پیش از ظهر است (فرهنگ عمید).

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۱۴۴۶.

۵. قرب الإسناد، ص ۷۴، ح ۲۱۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۱۴۴۹.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵۲.

۷. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۱۱.

## ۲ وضو گرفتن قبل از خواب

### فضیلت و فلسفه وضو گرفتن قبل از خواب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرکس با وضو به رختخواب برود، رختخواب برای او حکم مسجد را دارد. و اگر در میان رختخواب به یاد آورد که وضو ندارد، بر روانداز تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد، تا زمانی که به یاد خداست گویی نماز می خواند».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مسلمانی (بدون ضرورت) در حال جنابت و همچنین بدون وضو نخوابد. و اگر آب برای غسل و وضو نیابد تیمم کند زیرا روح مؤمن را به هنگام خواب به آسمان می برند و خداوند آن را قبول کرده، بر آن برکت می فرستد؛ پس اگر اجلش رسیده باشد او را در گنجینه ای از رحمت خود می سپارد و اگر وقت آن نرسیده باشد با امینان خود از ملائکه به بدن او باز می گرداند».<sup>۲</sup>

### شب زنده داری سالانه

در حدیثی معتبر آمده است که روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به اصحاب و یارانش فرمود: «کدام یک از شما تمام سال را روزه می گیرد؟» سلمان گفت: من. فرمود: «کدام یک از شما (تمام) شب را احیا می دارد؟» سلمان پاسخ داد: من. فرمود: «کدام یک از شما هر روز ختم قرآن می کند؟» سلمان گفت: من. پس عمر از پاسخ های پی در پی سلمان به خشم آمد و رو به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: این مردی است از فارس، می خواهد بر ما که از قریش هستیم فخر بفروشد و دروغ می گوید. در اکثر روزها روزه نیست، بیشتر شب را در خواب و قسمت

۱. محاسن، ص ۴۷، ح ۶۴.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۱.

زیادی از روز را خاموش است.

حضرت فرمود: «سلمان مانند لقمان حکیم است، (سخنان او بی حکمت نیست) از او سؤال کن تا جوابت دهد.

عمر پرسید، سلمان فرمود: اما در مورد روزه تمام سال، من هر ماه سه روز روزه می‌گیرم و چون خداوند هر حسنه‌ای را به ده برابر پاداش می‌دهد، این کار برابر با روزه تمام سال می‌شود. علاوه بر اینکه ماه شعبان را روزه گرفته، آن را با ماه مبارک رمضان پیوند می‌کنم. و اما در مورد بیداری شب، هر شب با وضو می‌خوابم و از حضرت رسول ﷺ شنیدم که فرمود: «هر کس با وضو بخوابد، گویی تمام شب را به عبادت احیا کرده باشد. و اما در مورد ختم قرآن، هر روز سه مرتبه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را می‌خوانم، و از رسول خدا ﷺ شنیدم که به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، مثل تو در میان امت من، مثل سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾ است. هر کس سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ﴾ را یک بار بخواند، چنان است که یک‌سوم قرآن را خوانده است و هر که دو بار بخواند، چنان است که دو‌سوم قرآن را خوانده و هر که سه بار بخواند، گویی قرآن را ختم کرده است؛ پس هر کس تو را به زبان دوست دارد یک‌سوم ایمان در او کامل شده است و هر کس تو را به زبان و دل دوست دارد، دو‌سوم ایمان در او کامل شده است و هر که تو را به زبان و دل دوست دارد و با دست خود تو را یاری کند تمام ایمان در او کامل شده است. ای علی، به حق خداوندی که مرا به راستی به سوی مردم فرستاده است سوگند، که اگر تو را اهل زمین دوست می‌داشتند چنانکه اهل آسمان تو را دوست می‌دارند، خداوند هیچ‌کس را به آتش جهنم عذاب نمی‌کرد».

پس (از سخنان سلمان) عمر ساکت شد که گویا سنگی بر دهانش گذاشتند.<sup>۱</sup>

۱. معانی الأخبار، ص ۲۳۴؛ امالی صدوق، ص ۳۳، ح ۵.

### ۳ مکان خوابیدن و آداب پیش از خواب

(مقدمه:) مشهور میان علما آن است که خوابیدن در مساجد کراهت دارد. اما ظاهراً احادیث آن است که مکروه نیست، مگر در مسجد الحرام و مسجد الرسول ﷺ، ولی در این دو مسجد نیز تجویز شده است.

#### مکان‌هایی که خوابیدن در آنها کراهت دارد

۱. در حدیث آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مردم را از خوابیدن بر سر راه نهی فرمود.<sup>۱</sup>
۲. و در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خوابیدن بر پشت بامی که دیوار نداشته باشد نهی کرد.<sup>۲</sup> و فرمود: «هر کس بر بامی بخوابد که دیوار نداشته باشد، از امان خدا بیرون رود».<sup>۳</sup>
۳. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «مکروه است انسان تنها بر بامی بخوابد، یا بر بامی که دیوار نداشته باشد بخوابد». و فرمود: «مرد وزن در این حکم یکسانند».<sup>۴</sup> کسی پرسید: اگر سه طرف آن دیوار داشته باشد چه حکمی دارد؟ فرمود: «باید هر چهار طرف آن دیوار داشته باشد».<sup>۵</sup>
- در برخی روایات حدّ بلندی دیوار پشت بام، دو ذراع<sup>۶</sup> و در برخی دیگر یک ذراع و یک وجب بیان شده است.<sup>۷</sup>

۱. محاسن، ص ۳۶۴، ح ۱۰۳، از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲. محاسن، ص ۶۲۲، ح ۶۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۸.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۴ و ۵.

۵. محاسن، ص ۶۲۱، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۶.

۶. محاسن، ص ۶۲۲، ح ۶۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۵.

۷. محاسن، ص ۶۲۱، ح ۶۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۰، ح ۶.

### اوقاتی که خوابیدن کراهت دارد

۱. در احادیث معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ سه گروه را نفرین کرد: «کسی که تنها چیزی بخورد، کسی که تنها به سفر رود و کسی که در خانه اش تنها بخوابد». و فرمود: «اگر کسی تنها بخوابد بیم آن می رود که دیوانه شود».<sup>۱</sup>
۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در خانه یا بیابان تنها بخوابد این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ أَنْسَ وَحَشْتِي وَاعْنِي عَلَيَّ وَخَدْتِي**».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث آمده است که حضرت رسول ﷺ از اینکه کسی با دست چرب و آلوده به مواد خوراکی بخوابد نهی کرد. و فرمود: «هر کسی چنین کند و شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود، کسی را جز خود سرزنش نکند».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «دست و دهان کودکان را به هنگام خوابیدن بشوید، در غیر این صورت شیطان آنها را می بوید و در خواب می ترسند».<sup>۴</sup>

### رفتن به حاجتگاه پیش از خواب

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیش از خواب به حاجتگاه بروید، سپس بخوابید».<sup>۵</sup>

### ۴ دیگر آداب خوابیدن

(مقدمه): مستحب است انسان بر دست راست و رو به قبله بخوابد و دست راست را زیر صورت بگذارد. و بر دست چپ و به رو خوابیدن کراهت دارد.

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۰۵، ح ۱۳۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.

۲. ترجمه: «بار خدایا، به هنگام وحشت مونس باش و در تنهاییم یاریم کن». محاسن، ص ۳۷۰، ح ۱۲۲.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۹۴.

۵. خصال، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۶۰؛ میزان الحکمة، باب ۳۹۷۸، ح ۲۰۹۴۳ (ج ۱۰، ص ۴۵۶).

۱. از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که فرمود: «خواب بر چهار قسم است: پیامبران بر پشت می خوابند و چشمانشان به خواب نمی‌رود و در انتظار وحی پروردگار هستند، مؤمن بر دست راست و رو به قبله می‌خوابد، پادشاهان و فرزندانشان بر دست چپ می‌خوابند تا آنچه خورده‌اند گوارا باشد، شیاطین و برادران او و هر دیوانه و مبتلائی به رو می‌خوابد».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به رو نخوابید و هر کس را ببینید که به رو خوابیده، او را بیدار کنید و بر آن حال نگذارید».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه خواستید بخوابید دست را زیر جانب راست صورت بگذارید، زیرا انسان نمی‌داند از این خواب بیدار خواهد شد یا نه».<sup>۳</sup>
- گفتنی است که احادیث متعددی در مورد فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ وارد شده است.<sup>۴</sup>

## ۵ آداب و دعاهای قبل از خواب

از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هرگاه به رختخواب می‌رفت آیه الکرسی می‌خواند (وبهتر است که تا «هُم فِيهَا خَالِدُونَ» خوانده شود) و بعد از آن می‌فرمود: بِسْمِ اللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقَظَّتِي».<sup>۵</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۳۹، ح ۱۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۶، ح ۴.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۳۸؛ سفینة البحار، ج ۸، ص ۳۷۰.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۴.

۴. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۸۱؛ وج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۲۱؛ سفینة البحار، ج ۸، ص ۳۷۱، و ص ۳۷۵.

۵. ترجمه: «به نام خدا، به خدا ایمان آوردم و به طاغوت کافر شدم. پروردگارا، مرا در خواب و بیداری حفظ کن». کافی، ج ۲، ص ۵۲۶، ح ۴.

۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره ﴿الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ﴾ را به هنگام خواب بخواند، از عذاب قبر نجات پیدا می‌کند».<sup>۱</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سوره ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾ را به هنگام خواب بخواند و پس از آن چهار مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّةً وَسَلَاماً»<sup>۲</sup>، خداوند به دو فرشته مأموریت می‌دهد که نزد حضرت رسول روند و سلامش را به حضرت برسانند و حضرت جواب سلامش را خواهد داد».<sup>۳</sup>

### از حضرت امیرالمؤمنین علیؑ

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیؑ فرمود: «کسی که می‌خواهد بخوابد، قبل از آنکه پهلو را بر زمین بگذارد بگوید: أُعِيدُ نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوْلَنِي، بِعِزَّةِ اللَّهِ وَعَظْمَةِ اللَّهِ وَجَبْرُوتِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَغُفْرَانِ اللَّهِ وَقُوَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَجَلَالِ اللَّهِ وَبِصْنَعِ اللَّهِ وَأَزْكَانِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدْبُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>۴</sup> و این تعویذی است که حضرت رسول ﷺ برای امام حسن

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۲۳، ح ۱۴. در حدیث دیگری از حضرت رسول ﷺ می‌خوانیم که فرمود: «هر کس «قل هو الله» را هنگام خواب سه مرتبه بخواند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می‌بخشد (کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، ح ۴).  
۲. ترجمه: «ای خدایی که پروردگار سرزمین مکه و بیرون آن هستی، از جانب من به روح محمد ﷺ تحیت و درود فرست».

۳. بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۱۴.

۴. ترجمه: «پناه می‌دهم نفسم و دینم و اهلم و مالم و پایان کارهایم و آنچه را که پروردگارم روزی‌ام کرده و به

و امام حسین علیه السلام می خواند:»<sup>۱</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه بخواهید بخوابید، دست راست را زیر گونه راست صورت نهاده، بگوئید: بِسْمِ اللَّهِ وَصَعْتُ جَنبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ وِلَايَةِ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَاءَ لَمْ يَكُنْ<sup>۲</sup> هر کس این دعا را به هنگام خواب بخواند، از دزد و غارت اموالش و فرود آمدن خانه محفوظ خواهد ماند و ملائکه برایش استغفار کنند»<sup>۳</sup>.

۳. نیز در حدیثی فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن سوره توحید را بخواند، خداوند به پنجاه هزار ملک مأموریت می دهد که در آن شب از او حفاظت کنند»<sup>۴</sup>.

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر کس این آیات را به هنگام خواب بخواند، از شرّ دزد در امان باشد: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا \* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدُّنْيَا وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا﴾»<sup>۵</sup>.

→ من بخشیده است، به عزّت و عظمت و جبروت و سلطنت و رحمت و غفران و قوّت و قدرت و جلال و صنع و ارکان الله و همه صفات خداوند و به رسول خدا و قدرت خدا بر هر چه که اراده کند، از شرّ جانوران سمّی و خزنده گزنده و از شرّ جنّ و انس و از شرّ آنچه بر روی زمین حرکت می کند و آنچه از آن خارج می شود و از شرّ آنچه از آسمان نازل می شود یا به سمت آسمان بالا می رود و از شرّ هر جنبنده ای که زمام امور آن به دست پروردگار است. بی شک (کار) پروردگارم در مسیر صحیح و مستقیم است و او بر هر چیزی تواناست. و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند بزرگ و والامرتبه نیست».

۱. خصال، ج ۲، ص ۴۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۲. ترجمه: «به نام خدا، پهلویم را به خاطر خدا و بر آیین ابراهیم علیه السلام و دین محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ولایت کسی که خداوند اطاعت او را واجب فرموده، بر زمین نهادم. آنچه خدا بخواهد می شود و آنچه نخواهد نمی شود».

۳. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۹۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

۵. ترجمه: «بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان»، هر کدام را بخوانید (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین



### از امام سجّاد علیه السلام

در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: «هر کس در وقت خواب این دعا را بخواند فقر و پریشانی از وی برطرف می شود و هیچ گزنده ای به او زیان نمی رساند: اَللّهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ وَ اَنْتَ الظّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ وَ اَنْتَ الْباطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ وَ اَنْتَ الْاٰخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ. اَللّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ رَبَّ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ. اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»<sup>۱</sup>.

### از امام باقر علیه السلام

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام باقر فرمود: «هر کس در وقت خواب، دست راست را زیر سر بگذارد بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ، اَللّهُمَّ اِنِّيْ اَسْلَمْتُ نَفْسِيْ اِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِيْ اِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ اَمْرِيْ اِلَيْكَ وَ اَلْبَجأتُ ظَهْرِيْ اِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً اِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ، اَمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِيْ اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُوْلِكَ الَّذِيْ اَرْسَلْتَ وَ پَس از آن تسبیح حضرت فاطمه علیه السلام بگوید»<sup>۲</sup>.

→ نام هاست. و نماز را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان؛ و در میان آن دو، راهی (معتدل) برگزین. - و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱) فلاح السائل، ص ۲۸۳.

۱. ترجمه: «بار خدایا، تو اولی هستی که پیش از تو چیزی نیست و تو ظاهری هستی که چیزی برتر از تو نیست، و تو باطنی هستی که چیزی غیر از تو نیست، و تو آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست. بار خدایا، ای پروردگار آسمان ها و زمین های هفتگانه، و پروردگار تورات و انجیل و زبور و قرآن حکیم، به تو پناه می برم از شرّ هر جنبنده ای که زمام آن به دست تو است. بی شک (کار) تو در مسیر صحیح و مستقیم است». فلاح السائل، ص ۲۸۵.

۲. ترجمه: «به نام خدا، خدایا جان خود را تسلیم تو می کنم و به تو روی می آورم و کارم را به تو وامی گذارم و تو را تکیه گاه خویش ساخته و بر تو توکل می کنم به خاطر رغبتی (که در ثواب تو) و ترسی که در (عقاب) تو دارم،

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت خواب این دعا را ترک نکنید: اَعِيذُ نَفْسِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ اَهْلَ بَيْتِي وَ مَالِي، بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ، مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ» که حضرت رسول ﷺ با این دعا، امام حسن و امام حسین علیهما السلام را تعویذ می کرد.<sup>۱</sup>

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس هر شب پیش از خواب سوره ﴿اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ را تلاوت کند، در قیامت صورتش مانند ماه شب چهارده بدرخشد.»<sup>۲</sup>

۴. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره‌هایی را که اول آن با «سَبَّحَ لِلّٰهِ» یا «يُسَبِّحُ لِلّٰهِ»<sup>۳</sup> شروع می‌شود بخواند، قبل از مرگ به خدمت حضرت ولی عصر (عج) می‌رسد و هر زمان از دنیا رود او را در همسایگی حضرت رسول ﷺ جای دهند.»<sup>۴</sup>

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این دعا را هر شب بخواند، تا صبح عقرب و هیچ گزنده دیگری به او آسیبی نرساند: اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.»<sup>۵</sup>

→ پناه و نجاتی جز تو نیست. به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی ایمان دارم. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۶، ح ۱۳۵۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

۱. ترجمه: «خودم و ذریه و خانواده و مالم را از شرّ هر شیطان مودی و حشتناک و از زخم چشم هر ملامتگری به فرمان‌های کامل الهی می‌سپارم». کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۹.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۴۴، ح ۳.

۳. سوره‌های حدید، حشر، صف با «سَبَّحَ لِلّٰهِ» و سوره‌های جمعه و تغابن با «يُسَبِّحُ لِلّٰهِ» شروع شده است.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۲۰، ح ۳.

۵. ترجمه: «پناه می‌برم به کلمات تامّه خداوند که هیچ انسان نیک و گناهکاری از آن عبور نمی‌کند، از شرّ آنچه که خلق کرده و از شرّ هر جنبنده‌ای که زمام امورش به دست اوست. بی‌شک (کار) پروردگارم بر صراط مستقیم است». کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۶۰.

### از امام صادق علیه السلام

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ** و در آن شب بمیرد، وارد بهشت شود».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب یازده مرتبه سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را بخواند، خداوند متعال یازده فرشته بر او بگمارد تا او را از شر شیطان تا به صبح حفظ کند».<sup>۲</sup>

۳. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و سوره ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ را پیش از خواب بخوان که اولی معرفت نامه پروردگار و دومی بیزاری از شرک است».<sup>۳</sup>

۴. نیز در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس پس از قرار گرفتن در رختخواب سه مرتبه بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَفَقَهُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَحَبَّرَهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَّرَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** از گناهان پاک می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است».<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «پروردگارا، تو را به شهادت می طلبیم که تو بر من اطاعت حضرت علی و یازده فرزندش علیهم السلام را واجب کردی درود و صلوات خداوند بر او و فرزندانش باد». *فلاح السائل*، ص ۲۷۵؛ *بحار الأنوار*، ج ۷۶، ص ۲۰۶.

۲. *فلاح السائل*، ص ۲۸۱.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۶؛ *مکارم الأخلاق*، ص ۲۸۸.

۴. ترجمه: «سیاس ویژه خداوندی است که بلندپایه و پیروز و غالب است. و سیاس مخصوص خداوندی است که از چشمها پنهان و بر پنهانیها آگاه است. و سیاس از آن خداوندی است که مالک و تواناست. و سیاس ویژه خداوندی است که مردگان را زنده می سازد و زندگان را می میراند، و او بر همه چیز تواناست». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۷، ح ۱۳۵۷؛ *مکارم الأخلاق*، ص ۲۸۹.

۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب سوره یاسین را بخواند، خداوند به هزار فرشته مأموریت می دهد که او را از شرّ شیاطین و هر بلائی حفظ کنند».<sup>۱</sup>

۶. در سخنی دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتید چنین دعا کنید: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اِحْتَبَسْتُ نَفْسِيْ، فَاحْتَبِسْهَا فِيْ مَحَلِّ رِضْوَانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَاِنْ رَدَدْتَهَا فَاَرُدْهَا مُؤْمِنَةً عَارِفَةً بِحَقِّ اَوْلِيَائِكَ حَتَّى تَتَوَفَّاها عَلَيَّ ذٰلِكَ».<sup>۲</sup>

۷. در گفته ای دیگر فرمود: «هرگاه به رختخواب رفتی، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگو، سپس آیه الكرسي، «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، ده آیه اول و ده آیه آخر سوره صافات را بخوان».<sup>۳</sup>

۸. در حدیثی صحیح آمده است که سفارش کرد به هنگام خواب چنین دعا کنید: «اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اَعُوذُ بِعِظْمَةِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللهِ، اِنَّ اللهَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. وَ اَعُوذُ بِعَفْوِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللهِ، مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ صَغِيْرَةٍ اَوْ كَبِيْرَةٍ، بَلِيْلٍ اَوْ نَهَارٍ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ الصَّوَاعِقِ وَ الْبَرَدِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ وَ اٰلِهِ الطّٰهَرِيْنَ».<sup>۴</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۳۸، ح ۱.

۲. ترجمه: «بار خدایا، من نفس خود را باز داشته ام (و به خواب می روم)، پس تو آن را در محلّ خشنودی و آمرزش خویش بازدار. و اگر بازگردانی، آن را بر ایمان و شناخت حقّ اولیای خود بازگردان، تا اینکه آن را بر همین اعتقاد بمیرانی». کافی، ۲، ص ۵۳۶، ح ۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۶.

۴. ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی جز معبودی یکتا نیست و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست. پناه می برم به عظمت و عزّت و شکوه و قدرت و جلال و سلطنت خدا، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست. و پناه می برم بر بخشش و رحمت خدا از شرّ جانوران سمّی و خزنده گزنده و از شرّ هر جنبنده کوچک یا بزرگ، در شب یا روز و از شرّ فاسقان جنّ و آدمی و از شرّ فاسقان عرب و عجم و از شرّ صاعقه ها و تگرگ. بار خدایا، بر محمد بنده و رسولت و اهل بیت طاهرینش درود فرست». کافی، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۸.

۹. در حدیثی صحیح آمده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب صد بار سوره توحید بخواند، گناهان پنجاه ساله اش آمرزیده می شود».<sup>۱</sup>
۱۰. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام خواب سه مرتبه آیه الکرسی<sup>۲</sup>، یک مرتبه آیه «شَهِدَ اللهُ»<sup>۳</sup> و آیه «سخره»<sup>۴</sup> و آیه آخر سوره حم سجده (سوره فصلت) را بخواند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد تا شیاطین را از وی دور گردانند و به سی ملک دستور می دهد که تا هنگام بیدار شدنش مشغول تحمید و تسبیح و تهلیل و تکبیر خدا باشند و استغفار کنند و ثواب همه این اعمال از آن او باشد».<sup>۵</sup>
۱۱. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس پیش از خواب صد مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید، خداوند خانه ای در بهشت برایش بنا کند. و هر کس صد مرتبه استغفار کند، گناهانش همچون بر درختان می ریزد».<sup>۶</sup>
۱۲. نیز در گفتاری فرمود: «هر کس یازده مرتبه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ﴾ را پیش از خواب بخواند، گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلاها محفوظ می ماند و اگر صد بار بخواند، گناه پنجاه ساله از آینده عمرش آمرزیده شود».<sup>۷</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

۲. سوره بقره، آیه ۲۵۵.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۸.

۴. علامه مجلسی در مرآت العقول، در ذیل حدیث مزبور می گوید: ... مشهور آن است که منظور از آیه سخره دو آیه آخر سوره حم سجده (سوره فصلت) است. و شیخ بهایی گفته است: این آیه را سخره نامیده اند زیرا دلالت بر تسخیر و تسلط خداوند بر همه چیز دارد.

۵. کافی، ج ۲، ص ۵۳۹، ح ۱۶.

۶. خصال، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۳۷؛ ثواب الأعمال، ج ۱۸، ح ۲.

۷. فلاح السائل، ص ۲۷۵؛ ثواب الأعمال، ص ۴۵۶، ح ۵ و ۷.

از امام رضا علیه السلام

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خوابیدن آیه الکرسی را بخواند، از فلج در امان خواهد بود».<sup>۱</sup>
  ۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در وقت خواب این آیه را بخواند، خانه بر سرش خراب نمی شود: إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا».<sup>۲</sup>
- (تذکر: البته منظور این نیست که تمام آنچه در بالا آمد در یک شب خوانده شود که این کار بسیار طولانی و دشوار است، بلکه از میان آنها بر حسب نیاز خود انتخاب کند و یا در هر شبی بعضی از آنها را بخواند).

## ۶ | برطرف کردن ترس در خواب و خواب پریشان دیدن و محتمل شدن

### راه‌های برطرف کردن ترس به هنگام خواب

#### دعاها و ذکرهای خاص

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب می ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ و سپس تسبیح حضرت زهرا بگوید».<sup>۳</sup>
- در کتاب طب الائمه آمده است که «آیه الکرسی» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نیز بخواند.<sup>۴</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۳۱، ج ۱.

۲. ترجمه: «خداوند آسمان‌ها و زمین را نگاه می‌دارد تا از نظام خود منحرف نشوند؛ و هرگاه منحرف گردند، کسی جز او نمی‌تواند آنها را نگاه دارد، او بردبار و آمرزنده است.» (سوره فاطر، آیه ۴۱) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۶۲.

۳. ترجمه: «معبودی جز الله وجود ندارد، او یگانه است و شریکی ندارد، زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند و او زنده است و هرگز نمی‌میرد.» فلاح السائل، ص ۲۸۲.

۴. طب الائمه، ص ۶۴.

۲. در روایتی صحیح و معتبر آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب می‌ترسد، به هنگام خوابیدن، سوره‌های ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و آیه الکرسی بخواند.»<sup>۱</sup>

۳. در روایت دیگر چنین آمده است: «برای (برطرف کردن) ترس (هنگام خواب)، شب‌ها این دعا را ده مرتبه بخواند: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَنْ يَخْضُرُونَ<sup>۲</sup>، سپس آیه الکرسی بخواند و در پایان بگوید: إِذْ يُعَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ<sup>۳</sup> وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا<sup>۴</sup>».

۴. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که شهاب بن عبد ربّه خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می‌آید و می‌ترساندم. حضرت فرمود: «تسبیح بردار و در رختخواب ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو، سپس این دعا را ده مرتبه بخوان: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْإِحْمَدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ لَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>۵</sup>

و ظاهراً در تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در وقت خواب، مخیر است میان آنکه بعد از الله اکبر، الحمد لله بگوید یا سبحان الله.

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۲۱؛ ومکارم الأخلاق، ص ۲۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۶.

۲. ترجمه: «پناه می‌برم به کلمات خدا از خشم و عقوبت او و از شرّ بندگان (شُرور)ش و از وسوسه‌های شیاطین و اینکه بر بالین من حاضر شوند».

۳. ترجمه: «و (به یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت».

سوره انفال، آیه ۱۱.

۴. ترجمه: «و خواب شما را مایه آرامشتان قرار دادیم».

۵. ترجمه: «معبودی جز خدای یکتا نیست، او تنهاست و شریکی ندارد. مُلک و سلطنت از آن اوست و تنها او استحقاق ستایش دارد، (زیرا) زنده می‌کند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌کند. تمام خیرات به دست اوست و رفت و آمد شب و روز از ناحیه اوست و او بر همه چیز تواناست».

کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۷.

فصد (رگ زدن)<sup>۱</sup> و پرداخت زکات

۱. در حدیثی می‌خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در شب و روز بسیار می‌ترسد، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر آمده که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دخترم در خواب بسیار می‌ترسد و گاه حالش بسیار بد و اعضای بدنش سست و بی‌حس می‌شود، گویند که بر اثر تصرف جنّ است و قابل علاج نیست، چه کنم؟ حضرت فرمود: «او را فصد کن، سپس آب شوید (یا رازیانه) را با عسل بپز و سه روز به او بده تا بخورد».<sup>۳</sup> راوی می‌گوید: به دستور امام عمل کردم و دخترم شفا یافت.<sup>۴</sup>
۳. کسی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: زنی به خواب من می‌آید و مرا می‌ترساند. حضرت فرمود: «مگر زکات نمی‌دهی؟» عرض کرد: می‌دهم. حضرت فرمود: «به مستحق نمی‌دهی». پس از آن، زکات را خدمت امام فرستاد و آن حالت از او برطرف شد.<sup>۴</sup>

## دعا برای محتمل نشدن و برطرف کردن بی‌خوابی

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس می‌ترسد محتمل شود، این دعا را هنگام خواب بخواند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَخْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ**».<sup>۵</sup>

۱. یکی از راه‌های معالجه در طب قدیم، گرفتن خون از رگ‌ها بود که برای معالجه هر نوع بیماری، رگ خاصی را می‌زدند و آن را «فصد» می‌گویند.

۲. طب الأئمة، ص ۱۰۸.

۳. طب الأئمة، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۲۰.

۴. محاسن، ص ۸۷، ح ۲۷.

۵. ترجمه: «بار خدایا، از احتلام و خواب‌های بد و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من بازی کند، به تو پناه می‌برم». کافی، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۹۰.



۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در خواب بترسد، یا بر اثر درد، بی خوابی بر او چیره شود، این دو آیه را بخواند: ﴿فَصَرَبْنَا عَلَيَّ إِذْ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا \* ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا﴾<sup>۱</sup>. این آیه برای کودکی که بسیار گریه می کند نیز مؤثر است»<sup>۲</sup>.

### دعای برطرف کردن خواب‌های پریشان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی خواب پریشانی ببیند، از آن پهلو که خوابیده به پهلوئی دیگر شود و بگوید: إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيُخْزِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَيْسَ بِضَارٍّ لَهُمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ<sup>۳</sup>، سپس بگوید: عُدْتُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَ أَنْبِيَائُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ<sup>۴</sup>.

۲. در روایتی معتبر نیز می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خواب پریشان ببیند و (بر اثر آن) بیدار شود، بگوید: أَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقْرَبُونَ وَ أَنْبِيَائِ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ الْأَيِّمَةِ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ أَنْ تَضُرَّنِي وَ مِنْ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ<sup>۵</sup>، سپس سه بار آب

۱. ترجمه: «ما (پرده خواب را) در غار برگوششان زدیم و سال‌ها در خواب فرو رفتند - سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار شود که) کدام‌یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده‌اند». سوره کهف، آیات ۱۱ و ۱۲.

۲. طب الأئمة، ص ۳۶.

۳. ترجمه: «نجوا فقط از سوی شیطان است؛ می خواهد با آن مؤمنان غمگین شوند؛ ولی نمی تواند هیچ‌گونه ضرری به آنها برساند جز به فرمان خدا». سوره مجادله، آیه ۱۰.

۴. ترجمه: «پناه می برم (به خدا) از آنچه که فرشتگان مقرب و انبیای مرسل و بندگان شایسته‌اش از آن پناه بردند. و از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رانده شده (به خدا پناه می برم)». فلاح السائل، ص ۲۸۹.

۵. ترجمه: «پناه می برم به خداوند از آنچه که فرشتگان مقرب خداوند و پیامبران مرسل الهی و بندگان صالح

دهانش را به سمت جانب چپ خود (در دستمالی) بیندازد.<sup>۱</sup>

## ۷ دعا برای بی خوابی و بیدار شدن آخر شب

چگونه به وقت بیدار شویم؟

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند، هر وقت از شب که بخواهد بیدار می شود: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس دوست دارد آخر شب از خواب برخیزد، هنگامی که به رختخواب رفت بگوید: **اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِي مَكْرُكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ، أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَ كَذَا**»<sup>۳</sup> (و به جای کذا و کذا ساعت مورد نظر را بگوید) چنانچه این دعا را بخواند، خداوند به فرشته ای مأموریت می دهد که در ساعت مورد نظر او را بیدار کند.<sup>۴</sup>

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس می خواهد

→ پروردگار و امامان هدایت یافته به آن پناه برده اند، از شر آنچه در خواب دیدم که ضرری به من بزند و از شرّ شیطان رانده شده (از درگاه خداوند، به خدا پناه می برم)».

۱. فلاح السائل، ص ۲۹۰.

۲. ترجمه: «من فقط بشری هستم مثل شما؛ (امتیازم این است که) به من وحی می شود که تنها معبودتان معبود یگانه است، پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد؛ باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند» (سوره کهف، آیه ۱۱۰). کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۳۵۹.

۳. ترجمه: «پروردگارا، مرا از مجازات خود ایمن و مطمئن مگردان و یاد خود را فراموشم مکن و مرا جزء غافلان مگردان، (تا) در فلان ساعت از خواب برخیزم».

۴. کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱۸؛ فلاح السائل، ص ۲۸۷.

(در ساعت خاصی از) شب بیدار شود، به هنگام خوابیدن چنین دعا کند: **اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِئْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِينِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرُ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ**.<sup>۱</sup> چنانچه این دعا را بخواند خداوند متعال دو فرشته می فرستد تا او را بیدار کنند و اگر بیدار نشد به آن دو ملک فرمان می دهد که برای او استغفار کنند و اگر آن شب بمیرد، ثواب شهید را دارد و اگر بیدار شود و هر حاجتی بطلبد خداوند حاجتش را برآورده می کند.<sup>۲</sup>

۴. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس اراده کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبادت برخیزد و خداوند بداند که اراده او صادق است، بی شک دو ملک می فرستد که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود».<sup>۳</sup>

### برطرف کردن بی خوابی

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه بی خوابی دامنگیر کسی شود و خوابش نبرد، چنین دعا کند: **سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّانِ، دَائِمِ السُّلْطَانِ، كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ**».<sup>۴</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از بی خوابی به

۱. ترجمه: «بار خدایا، یادت را فراموشم مکن و از مجازات خود مرا مطمئن مگردان و مرا از غفلت‌کنندگان قرار مده و مرا در بهترین ساعات در نزد خودت بیدار گردان تا تو را بخوانم و تو خواست‌هایم را اجابت کنی و از تو بخواهم تا به من عطا کنی و از تو طلب مغفرت کنم تا مرا ببخشایی، زیرا کسی جز تو گناهان را نمی‌آمزد، ای مهربان‌ترین مهربانان».

۲. فلاح السائل، ص ۲۸۷.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۳۸۷؛ فلاح السائل، ص ۲۸۷.

۴. ترجمه: «منزه است خداوند دارای مرتبت، که سلطنت او همیشگی است و هر روز در کار تازه‌ای است».

فلاح السائل، ص ۲۸۴.

رسول خدا ﷺ شکایت کرد، حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُيُوبِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِي الضَّارِبَةَ وَأَثِدْنِ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا»<sup>۱</sup>.

## ۸ نماز و دعا برای خواب خوب دیدن و آداب بیدار شدن

چگونه اموات را در خواب ببینیم؟

۱. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بخواهد حضرت رسول عليه السلام را در عالم خواب ببیند، پس از نماز عشا چهار رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت پس از حمد، صد مرتبه آیه الکرسی بخواند و بعد از نماز، هزار مرتبه صلوات بفرستد، سپس بر پارچه پاکیزه‌ای که بر روی آن با حلال و حرام آمیزش نکرده باشد بخوابد و دست راست را زیر جانب راست صورت بگذارد و یکصد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ<sup>۲</sup> و در پایان، صد مرتبه ما شاء الله بگوید. اگر به این روش عمل کند، حضرت رسول عليه السلام را در خواب می‌بیند»<sup>۳</sup>.

۲. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس بخواهد حضرت امیرالمؤمنین علی عليه السلام را در خواب ببیند، به هنگام خواب چنین دعا کند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِيٌّ وَ أَيَادِيهِ بَاسِطَةٌ لَا تَنْقُضِي، أَسْأَلُكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ الَّذِي مَا لَطَفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا كُفِيَ أَنْ تُرِيَنِي مَوْلَايَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي مَنَامِي»<sup>۴</sup>.

۱. ترجمه: «ای سیرکننده شکم‌های گرسنه، و ای پوشاننده سینه‌های برهنه، و ای تسکین‌دهنده رگ‌های زنده، و ای خواب‌کننده چشمان بیدار، رگ‌های زنده مرا آرام بخش و بر چشمان من خوابی فوری مسلط گردان.» فلاح السائل، ص ۲۸۴.

۲. ترجمه: «منزه است خدا و حمد و ستایش ویژه اوست و هیچ معبودی جز الله نیست و خداوند بزرگ‌تر از آن است که توصیف شود و هیچ توان و نیرویی جز برای خداوند نیست.»

۳. فلاح السائل، ص ۲۸۵.

۴. ترجمه: «بار خدایا، ای کسی که لطفش پنهان و نعمت‌هایش گسترده است، از تو می‌خواهم، به لطف خاص

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «اگر کسی بخواهد خواب یکی از مردگان را ببیند، با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگوید، سپس چنین دعا کند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَأَتِ الْأَشْيَاءُ وَإِلَيْكَ تَعُودُ، فَمَا أَقْبَلَ مِنْكَ كُنْتُ مَلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، فَاسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَاسْأَلُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْأَوْصِيَاءِ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُرِيَنِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا»<sup>۱</sup>.

### ذکر از یک پهلوی به پهلوی دیگر شدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب از یک پهلوی به پهلوی دیگر بگردد «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید»<sup>۲</sup>.
۲. از حضرت هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که در وسط

→ پنهانست که هر بنده‌ای را کفایت می‌کند، مولایم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در خواب به من بنمای» . فلاح السائل، ص ۲۸۶.

۱. ترجمه: «بار خدایا، تو آن زنده‌ای هستی که به وصف درنیاید و ایمان از آن شناخته می‌شود، هر چیزی از تو به وجود آمده و به سوی تو بازمی‌گردد، هر آنچه به سوی تو روی آورد تو پناهگاه و نجات‌دهنده‌ او هستی و هر چه رویگردان شود، پناهگاه و نجات‌دهنده‌ای جز تو ندارد، پس از تو می‌خواهم به حق «لا اله الا الله» و به حق «بسم الله الرحمن الرحيم» و به حق محمد صلی الله علیه و آله حبیب تو سید پیامبران و به حق علی علیه السلام بهترین جانشینان و به حق فاطمه سرور زنان در دو جهان و به حق امام حسن و امام حسین علیهما السلام سرور جوانان بهشت، بر محمد و آل محمد صلوات و درود بفرستی و فلان فرد فوت‌شده مرا در همان حالی که به سر می‌برد به من نشان بدهی» . فلاح السائل، ص ۲۸۶.

۲. فلاح السائل، ص ۲۸۸.

شب بیدار می شوی، تا از یک پهلو به پهلو دیگر گردی، این دعا را بخوان:  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَاللَّهُ  
 الْمُرْسَلِينَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ  
 وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>.

### آداب پس از بیدار شدن

۱. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول ﷺ به رختخواب می رفت می فرمود: «بِاسْمِكَ اللَّهُمَّ أَحْيَا وَ بِاسْمِكَ أَمُوتُ»<sup>۲</sup> و زمانی که بیدار می شد می فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَ إِلَيْهِ التُّشُورُ»<sup>۳</sup>.
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان پس از برخاستن از خواب بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَ إِلَيْهِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۴</sup>، خداوند می فرماید: بنده ام راست گفت و شکر مرا به جا آورد»<sup>۵</sup>.
۳. در حدیثی دیگر آمده است که هرگاه امام صادق علیه السلام در آخر شب از خواب

۱. ترجمه: «معبودی نیست جز الله که زنده و نگهدارنده است و او توانا بر هر چیزی است. منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان و خدای پیامبران است و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمان های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه در آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است و درود بر پیامبران، و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». مصباح المستهجد، ص ۱۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۸.
۲. ترجمه: «خداایا، به نام تو و به نام تو می میرم».
۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا زنده کرد پس از آنکه میراند و به سوی او باز می گردم». کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۱.
۴. ترجمه: «منزّه است خداوندی که پروردگار پیامبران مرسل و خاندان آنان و پروردگار مستضعفین است. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرده را زنده می کند و توانا بر هر کاری است».
۵. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۱.

برمی خاست با صدای بلند می فرمود: «اللَّهُمَّ أَعْيِي عَلَيَّ هَوْلَ الْمَطْلَعِ وَوَسْعَ عَلَيَّ الْمَضْجَعِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ».<sup>۱</sup>

۴. و در روایتی دیگر می خوانیم: «هرگاه از خواب بیدار شود بگوید: سُئُوْحُ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُ لِي وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ».<sup>۲</sup>

۵. نیز در روایتی آمده است که چون از خواب برخیزد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدِهِ وَأَعْبُدَهُ».<sup>۳</sup>

توجه: دعای نگاه کردن به عقیق در آداب انگشتر به دست کردن گذشت. و سایر دعاهاى این باب، چون از مقدمات نماز شب است، إن شاء الله به همراه سایر دعاهاى وقت خواب در کتاب عبادات بیان خواهد شد، زیرا این کتاب بیش از این گنجایش ندارد.

## ۹] سرّ خواب راست و دروغ دیدن و تعبیر خواب

### اقسام خواب دیدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رؤیا و خواب دیدن بر سه قسم است: بشارت خدا برای مؤمن، ترسانیدن شیطان، خواب‌های پریشان».<sup>۴</sup>
۲. در روایت دیگری فرمود: «خواب دروغ که اثرش ظاهر نمی شود خوابی

۱. ترجمه: «بار خدایا، بر ترس از قیامت یاری ام کن و قبر مرا گشاده گردان و خیر و نیکی قبل از مردن و بعد از آن را روزی ام فرما». کافی، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۱۳۹۲.

۲. ترجمه: «بسیار منزّه و پاک است پروردگار فرشتگان و روح، رحمت تو بر خشمات پیشی گرفته است، معبودی جز تو نیست، بر خود ستم کردم؛ پس مرا بیامرز و بر من رحم کن، زیرا تو توبه‌پذیر مهربان بخشاینده‌ای». تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۲۶.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که روح مرا بازگرداند، تا او را سپاس گویم و پرستش کنم». کافی، ج ۳، ص ۴۵۵، ح ۱۲.

۴. کافی، ج ۸، ص ۷۶، ح ۶۱.

است که در اوّل شب دیده می‌شود، همان زمانی که وقت سلطه و استیلاى شیطان است و آن خواب، خیالاتی است که شیاطین نزد انسان جلوه می‌دهند و ریشه‌ای ندارد. اما خواب راست خوابی است که در یک‌سوم آخر شب، هنگام نزول ملائکه دیده می‌شود. خوابی که به هنگام سحر می‌بیند خواب راست است و این شاء الله تخلّف نمی‌کند، مگر آنکه در حال جنابت بوده یا بی‌وضو خوابیده باشد، یا آنچه از ذکر و یاد خدا که سزاوار است پیش از خواب بگوید، به جا نیاورده باشد که در این صورت، خوابش یا تحقّق نمی‌یابد و یا با تأخیر محقّق می‌شود.<sup>۱</sup>

### خواب راست

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب‌های مؤمن صحیح است، زیرا نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش از بدن مفارقت کند با ملائکه ملاقات می‌کند، پس خواب او به منزله وحی است.»<sup>۲</sup> (این حدیث مربوط به مؤمنانی است که در درجه والای ایمان هستند).

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «وحی پس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله قطع شد، اما خواب‌های بشارت‌دهنده وجود دارد.»<sup>۳</sup>

۳. در روایتی دیگر فرمود: «خواب‌های راست، یک‌هفتادم پیغمبری است.»<sup>۴</sup>

۴. نیز در روایتی فرمود: «رای مؤمن و خواب او در آخر الزمان، دلالت یک جزء از هفتاد جزء پیغمبری است.»<sup>۵</sup>

۵. در روایتی صحیح از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله صبح

۱. کافی، ج ۸، ص ۷۶، ح ۶۲

۲. جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۳. همان.

۴. همان.

۵. کافی، ج ۸، ص ۹۰، ح ۵۸.



هنگام به اصحابش می فرمود: آیا کسی خواب بشارت دهنده‌ای دیده است؟<sup>۱</sup>  
 ۶. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «در آخر الزمان خواب مؤمن دروغ نمی شود و هر که راستگوتر باشد خوابش درست تر است».<sup>۲</sup>  
 ۷. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در خواب ببیند چنان است که مرا در بیداری دیده، زیرا شیطان نمی تواند به شکل و صورت من، بلکه به صورت شیعیان خالص درآید. و بی شک خواب‌های راست یک جزء از هفتاد جزء پیامبری است».<sup>۳</sup>

۸. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی از حضرت رسول ﷺ در مورد تفسیر این آیه شریفه سؤال کرد: ﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ﴾<sup>۴</sup>، حضرت فرمود: بشارت زندگانی دنیا، خواب‌های نیکو است که مؤمن در دنیا می بیند و به آن بشارت می یابد و شاد می شود».<sup>۵</sup>  
 (باید توجه داشت که خواب غیر معصومین علیهم السلام به هر صورت که باشد حجّت نیست؛ هر چند ممکن است در آن اشاره و دلالتی به طور اجمال بوده باشد).

### سرّ خواب‌های خوب و خواب‌های پریشان

۱. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: چرا گاهی اوقات مؤمن خوابی می بیند ولی اثری از آن در بیداری آشکار نمی شود؟ فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود، روحش به سوی آسمان حرکت می کند. آنچه را روح او در ملکوت آسمان می بیند حق است و اثرش در محلّ تقدیر و تدبیر آن

۱. کافی، ج ۸، ص ۹۰، ج ۵۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۷۲، ج ۳۱.

۳. جامع الأخبار، ص ۱۷۲.

۴. ترجمه: «در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور)ند». سورة یونس، آیه ۶۴.

۵. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۸، ج ۴۹۲۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳۰۹، ج ۹۵.

ظاهر می‌شود. و آنچه را در زمین و هوا می‌بیند خواب پریشان است». راوی پرسید: آیا روح مؤمن به‌طور کامل به آسمان می‌رود و چیزی از آن در بدن نمی‌ماند؟ حضرت فرمود: «اگر چنین باشد که می‌میرد، بلکه مثل آن مثل خورشید است که خودش در آسمان و روشنی و شعاع آن در زمین است؛ بنابراین، اصل روح در بدن است و پرتوی از آن به آسمان می‌رود».<sup>۱</sup>

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن به خواب رود روح او را نزد عرش پروردگار می‌برند. آنچه را در آنجا ببیند حق است و آنچه را به هنگام بازگشت در هوا ببیند خواب پریشان است».<sup>۲</sup> روایات به این مضمون بسیار است.

۳. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «شیطانی است که هزغ نام دارد که هر شب از شرق تا غرب عالم را با بدن خود پر می‌کند و به خواب مردم می‌آید و بدین جهت مردم خواب پریشان می‌بینند».<sup>۳</sup>

۴. دو مرد مسیحی نزد ابوبکر آمدند و از او سؤالاتی کردند که نتوانست جواب بدهد.<sup>۴</sup> حضرت علی علیه السلام که در آنجا حضور داشت، به پرسش‌های او پاسخ داد. از جمله پرسش‌ها این بود که علت خواب‌های راست و دروغ چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند روح را خلق کرد و برای آن سلطه‌ای قرار داد که نفس است، هنگامی که انسان به خواب می‌رود روح خارج می‌شود و سلطه‌اش در بدن می‌ماند. روح به گروهی از ملائکه و جنیان برخورد می‌کند، خواب‌های راست از ملائکه و خواب‌های دروغ از جنیان است».<sup>۵</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۱۴۵، ج ۱۵.

۲. همان، ص ۱۴۶، ج ۱۷.

۳. همان، دنباله حدیث ۱۷ از امام باقر علیه السلام.

۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۵۷.

۵. علامه مجلسی رحمته الله علیه پس از نقل روایات بالا، در مورد روح و نحوه تعلق آن به بدن و خواب‌هایی که انسان می‌بیند سخن گفته، که در ادامه خواهد آمد.

### خواب خود را به کسی نگویند

۱. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خواب مؤمن بر بالای سرش در میان زمین و آسمان پرواز می کند تا خودش آن را برای خود تعبیر کند، یا دیگری این کار را انجام دهد، سپس به همان شکلی که تعبیر شده واقع می شود؛ بنابراین، خواب خود را جز برای شخص عاقل بازگو نکنید.»<sup>۱</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواب را جز برای مؤمنی که دارای حسادت و عداوت و طغیان نباشد، نباید بازگو کرد.»<sup>۲</sup>

### برای خوابتان تعبیر خوب کنید

در حدیث آمده است: زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنی که شوهرش در سفر بود خواب دید ستون خانه اش شکسته است. خوابش را برای حضرت بیان کرد. حضرت فرمود: «شوهرت به سلامت از سفر بازمی گردد». همان طور شد. بار دیگر شوهرش به سفر رفت و آن زن همان خواب را دید و برای پیامبر بازگو کرد و حضرت همان گونه تعبیر کرد و شوهرش به سلامت بازگشت. برای بار سوم شوهرش به سفر رفت و همان خواب را دید و آن را برای مردی شوم نقل کرد، او گفت: شوهرت می میرد و شوهرش مُرد. وقتی خبر به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: «چرا برای خواب آن زن، تعبیر خوبی نکرد؟»<sup>۳</sup>

### تعبیر خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله

در حدیث آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در خواب دیدم ظرف

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۷۷، ح ۵۲۹.

۲. همان، ح ۵۳۰.

۳. همان، ص ۲۷۶، ح ۵۲۸.

شیری به دستم دادند، آن قدر خوردم که شیرها از میان ناخن هایم بیرون آمد». پرسیدند: چگونه تعبیر کردید؟ فرمود: «به علم و دانش».<sup>۱</sup>

### تعبیر خواب امام صادق علیه السلام

۱. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: خواب دیدم آفتاب فقط بر سرم می تابد نه بدنم. حضرت فرمود: «نور ساطع و دین کاملی نصیب تو می شود. اگر آفتاب همه وجودت را فرا می گرفت در دین حق غوطه ور می شدی». آن شخص گفت: دیگران خواب مرا به پادشاهی تعبیر می کنند. حضرت فرمود: «کدام یک از پدران پادشاه بودند که چنین خیالی برای تو پدید آمده است؟ و کدام پادشاهی بهتر از دین حق که با آن امید رفتن به بهشت را داشته باشی!».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی می خوانیم که محمد بن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم وارد خانه شدم و همسرم گردهای فراوانی شکسته و بر سرم ریخت. حضرت فرمود: «از دواج موقت خواهی کرد و همسرت خبردار می شود و لباس های نو را بر بدنت پاره می کند، چرا که پوست گردو به منزله لباس است». محمد بن مسلم می گوید: چون صبح جمعه شد لباس های نو خود را که در اعیاد می پوشیدم بر تن کردم و بر در خانه نشستم. زنی از آنجا می گذشت، او را به خانه آوردم و (پس از توافق) متعه کردم. همسرم متوجه شد و به سراغ ما آمد. آن زن گریخت و من در خانه ماندم، لباس های نو را بر بدنم پاره پاره کرد».<sup>۳</sup>

۳. در حدیث آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خوابی دیدم که

۱. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۷۵، ح ۳۵.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۴۳، ح ۴۴۵.

۳. همان، ح ۴۴۷.

از آن بسیار می ترسم. دامادی داشتم که از دنیا رفته، خواب دیدم دست در گردن من انداخته، می ترسم بمیرم. حضرت فرمود: «هر صبح و شام در انتظار مر باش و از آن گریزان مباش، ولی معانقه (وروبوسی) با مردگان نشانه طول عمر است. دامادت چه نام داشت؟» گفت: حسین. حضرت فرمود: «زیارت امام حسین علیه السلام نصیب تو خواهد شد، زیرا هر کس با همنام آن حضرت در خواب معانقه کند، توفیق زیارت آن حضرت نصیبش می شود».<sup>۱</sup>

۴. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در خواب ببیند که در حرم است، اگر ترسان باشد آرام و در امان گردد».<sup>۲</sup>

۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم چوب نیزه در دست دارم. حضرت فرمود: «آیا آهنی بر سر آن بود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «اگر آهن می داشت، خداوند به تو پسری می داد ولی چون آهن نداشت، خداوند به تو دختری خواهد داد». سپس اندکی صبر کرد و فرمود: «آن نیزه چند بند داشت؟» عرض کرد: دوازده بند. فرمود: «خداوند دوازده دختر به تو خواهد داد». محمد بن یحیی می گوید من این حدیث را برای شخصی نقل کردم، او گفت: من فرزند یکی از آن دختران هستم و یازده خاله دارم.<sup>۳</sup>

۶. در روایتی آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم از شهر کوفه بیرون رفته، در مکانی معروف کسی را سوار بر اسب چوبی دیدم که شمشیری در دست داشت و آن را حرکت می داد؛ او را که می دیدم می ترسیدم. حضرت فرمود: «تعبیر آن این است که می خواهی با فریب و نیرنگ روزی شخصی را قطع کنی. از خدا بترس و مر را به خاطر داشته باش و این کار

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۴۴.

۲. قرب الإسناد، ص ۸۴، ح ۲۵۸.

۳. الخرائج، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۴۳.

را نکن». سؤال‌کننده گفت: گواهی می‌دهم که خداوند دانش عظیم و فراوانی به تو داده و تو علم را از معدن و جایگاه آن گرفته‌ای. آری، همسایه‌ای دارم که می‌خواست مزرعه‌اش را به من بفروشد. چون دیدم مشتری دیگری ندارد به فکر افتادم که به قیمت بسیار ارزانی از او بخرم.<sup>۱</sup>

### تعبیر خواب امام رضا علیه السلام

۱. در روایتی معتبر و صحیح می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «بسیاری از اوقات خوابی می‌بینم و آن را برای خود تعبیر می‌کنم و خواب به همان صورتی که تعبیر کرده‌ام واقع می‌شود».<sup>۲</sup>
۲. نیز در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «دیشب خادم علی بن یقظین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش سفیدی بود، چنین تعبیر کردم که به دین حق درخواهد آمد».<sup>۳</sup>
۳. در حدیث است که یاسر خادم به امام رضا علیه السلام عرض کرد: خواب دیدم هفده شیشه در میان قفسه‌ای بود، ناگاه آن قفسه افتاد و شیشه‌ها شکست (تعبیر آن چیست؟) حضرت فرمود: «اگر خواب تو راست باشد باید یکی از اهل بیت و خویشان من هفده روز پادشاه شود، سپس بمیرد». راوی گوید: محمد بن ابراهیم در کوفه به همراه ابوالسرایا قیام کرد و پس از هفده روز مرد.<sup>۴</sup>

### تحقیقی در مورد حقیقت خواب و رؤیا

هنگامی که خداوند متعال روح مؤمن را از عالم قدس خلق کرد و او را با

۱. کافی، ج ۸، ص ۲۴۴، ح ۴۴۸.

۲. همان، ص ۲۷۶، ح ۵۲۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۶۰، ح ۸.

۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۵۲.

ارواح انبیا و اوصیا ارتباط داد و در عالم ارواح با آنها محشور بود (چنانچه در روایات فراوانی آمده است که ارواح در عالم ارواح، لشکر به هم پیوسته‌ای در گروه‌ها و فوج‌های مختلف بودند).<sup>۱</sup> پس ارواحی که در آن عالم با یکدیگر آشنا بودند در این جهان هم آشنا می‌شوند و آنها که در آن عالم از یکدیگر بیگانه و جدا بودند در این عالم نیز یکدیگر را نمی‌شناسند و از هم دوری می‌کنند و از آنجا که با توجه به مصالح غیر قابل شمارش، آن ارواح مقدسه را در زندان‌های بدن‌های مادی ظلمانی قرار دادند و به انواع تعلقات جسمانی و شهوات نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساختند، به این سبب روح انسان (که از عالم قدس آمده) بُعد و غفلتی نسبت به عالم قدس پیدا کرده است؛ البته همه انسان‌ها در این جهت مساوی نیستند بلکه اختلاف بسیار است:

۱. گروهی که مقربان درگاه الهی اند ارواحشان به ملاء اعلی درآویخته و با آن آمیخته شده و لذا این تعلقات جسمانی آنها را از آن عالم دور نکرده و بیگانه نساخته، بلکه با بدن خاکی با مردم محشورند و ارواحشان پیوسته با قدسیان ملاء اعلی مشغول مکالمه و گفت‌وگو هستند و روح القدس با آنان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربّانی همواره بر ارواحشان فیض می‌رساند.

۲. گروه دیگر که از اشقیاء هستند و به طور کلی عالم قدس را فراموش کرده‌اند و به غیر از این دنیای فانی و لذّات پست آن چیزی به خاطر نمی‌آورند و حتی برخی از آنها بر اثر کثرت شقاوت و گمراهی، جهان آخرت را باور ندارند و پیامبران را در مسأله معاد تکذیب می‌کنند، مَهر بر دیده و گوش و دل آنها زده و راه‌های خیر و سعادت را بر آنان بسته‌اند.

۳. گروه سوم کسانی‌اند که علی‌رغم گرفتار شدن در وابستگی‌های دنیوی و لذّات پست آن، دست از تحصیل کمالات برنداشته و نفس لَوّامه خود را زنده

۱. بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۵، ح ۹ و ص ۱۳۹، ح ۱۷ و ۱۹ و ص ۱۴۹، ح ۲۷.

نگاه داشته‌اند. گاه گوش و دل به شیطان می‌سپارند و گاه پای نصیحت فرشتگان می‌نشینند. زمانی با واعظان و راهنمایان بشر محشورند و در برخی اوقات با شیاطین انسی مشغول فسق و فجورند. گاه به رنگ گناه خود را آلوده می‌سازند و گاه با آب تضرع و توبه خویش را تطهیر می‌نمایند و چون روح این گروه از انسان‌ها به خاطر اشتغالات و تعلقات و خطاها و سیئات و گناهان فاصله بسیاری با قاضی الحاجات و انبیا و ائمه و فرشتگان آسمان پیدا کرده، لذا به هنگام خواب که روح اجمالاً از اشغال بدنی خلاص می‌شود و راه خیال‌های فاسد که از روزه‌های مشاعر بدنی بر نفس داخل می‌شود مسدود می‌گردد، فی الجمله آشنایان قدیم به یادش می‌آید و با دوستان روحانی طرح رفت و آمد می‌اندازد و به آسمان صورت و معنی عروج می‌کند و با روحانیان و قدسیان هم‌زبان می‌گردد.

اما چون در اول شب پاره‌ای از تصاویر خیالات بیداری در ذهنش حاضر است، هنوز در هوای تعلقات خود پرواز می‌کند و ارتباطش با آن عالم ناقص است، لذا شیاطین بر او مسلط می‌شوند و خیالات و علایق باطل او را به صورت‌های گوناگون در نظرش می‌آورند و هر چه از اول شب فاصله می‌گیرد و نقش خیالات بیداری بیشتر می‌شود، پرواز به عالم بالا رساتر می‌شود تا آنکه چون وقت سحر شود از بین آسمان و زمین وهوی‌ها و خواهش‌ها و زینت‌های رنگارنگ خارج شده و به زیر عرش الهی به همنشینی مقربان توفیق می‌یابد.

استیلا و تسلط شیاطین ضعیف گشته و لطف ربانی، ملائکه آسمانی را برای تنبیه غافلان و بیدار کردن در خواب غفلت رفتگان و دور کردن لشکریان شیاطین و جنیان فرو می‌فرستد. و لذا در آن وقت، خواب‌های رحمانی و افاضات سبحانی بر ارواح مؤمنان واصل می‌شود و آنها را برای نماز و تضرع و زاری و توبه و پشیمانی آنچه در روز از روی غفلت انجام داده‌اند، بیدار می‌کنند.



و بدین جهت نماز شب را در آن زمان مقرر ساخته‌اند و آیه شریفه ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلاً﴾<sup>۱</sup> در شأنش فرستاده‌اند که حاصل مضمونش به این شرح است:

عبادتی که در شب انجام می‌شود موافقت دل با زبان در آن بیشتر و گفتار در آن درست‌تر است.

پس خوشا به حال سعادت‌مندی که قدر آن وقت را بداند و اندازه آن نعمت‌های بی‌اندازه را بشناسد و ملائکه روحانی را بر دور کردن وساوس شیطانی یار و یاور خود گرداند و روح مقدس خود را از آلودگی تعلقات پست پاک کند و به ساحت قرب پروردگار خود برساند و در آن وقت مبارک که هنگام راز و نیاز مقربان است، با خداوند بی‌نیاز خود را هماواز ایشان گرداند و قدری قدر خود را بداند و اندکی اصل خود را به یاد آورد و آن جوهر قدسی را به بهای کم نفروشد و آن طایر عرشی را در قفس علایق محبوس نگرداند (وَفَقْنَا اللَّهُ تَعَالَىٰ وَ سَائِرَ الْمُؤْمِنِينَ لِسُلُوكِ مَسَالِكِ الْمُقَرَّبِينَ وَلِتَنْبِيهِ نَوْمَ الْغَافِلِينَ).<sup>۲</sup>

و بدان که چون این پرده‌های رنگارنگ تعلقات جسمانی و شیشه‌های الوان و زینت‌های دنیوی به هنگام خواب در پیش دیده دل آویخته است و با وجود عروج به مراتب بالای روحانی باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است، لذا در خواب، اشیاء به صورت‌های دیگر دیده می‌شود و هر چیزی را به اعتبار مناسبات، شکل‌ها و صورت‌هایی است که در کلام الهی و سخنان انبیا و اوصیا برای عقل‌های ضعیف و بصیرت‌های آفت‌زده محبوسان سرای غرور، به آنها مثل زده‌اند. یعنی با توجه به اینکه آنها خود را از معقولات معزول ساخته و مدار

۱. ترجمه: «به یقین نماز و عبادت شبانه، گامی استوارتر و گفتاری پایدارتر است». سوره مزمل، آیه ۶.

۲. ترجمه: «خداوند ما و دیگر مؤمنان را در پیمودن راه مقربان درگاهش و بیدار کردن غافلان از خواب غفلت موفق بگرداند».

و ملاکشان بر محسوسات است، لذا معقولات را در لباس محسوسات به آنها نشان می‌دهند.

چنانچه فرموده‌اند: «دنیا مانند ماری است که خطّ و خال نیکو دارد و کودک نادان، فریب آن را می‌خورد در حالی که در درونش زهر کشنده‌ای است».<sup>۱</sup> و همان‌گونه که علم را که باعث حیات دل‌هاست<sup>۲</sup> به آب که باعث حیات بدن‌هاست<sup>۳</sup> تشبیه کرده و فرموده‌اند: «چنانچه سبزی زمینی به آب است سرسبزی دل‌ها به علم است» و همان‌گونه که علم را بار دیگر به نور آفتاب<sup>۴</sup> و چراغ<sup>۵</sup> تشبیه کرده‌اند زیرا نور، تاریکی‌های ظاهر را برطرف می‌کند و علم، ظلمت‌های شبهاات و شک و تردیدها و حیرت‌های جهل و ضلالت را زایل می‌سازد.

آری، کلام حق تعالی و انبیا و اوصیا مملو از این مثال‌هاست و سرّش همان است که گذشت. از این رو، در عالم خواب نیز به دلیل ضعف بصیرتشان هر چیزی به صورت و شکلی جلوه می‌کند و به همین علّت، خواب نیاز به تعبیر دارد و کار تعبیرکننده آن است که از آن شکل و صورت به حقیقت برسد. مثلاً کسی که در خواب مشاهده می‌کند در میان فضله افتاده، یا دستش به فضله آلوده شده، معبر می‌داند که این صورت و شکل دنیا است که در نزد مردم آگاه از فضله و مردار گندیده‌تر است و می‌داند که مالی به دست او می‌آید. یا اگر در خواب ببیند ماری متوجّه او شده، مالی به او رو می‌کند.

یا اگر دید که در میان آب است، علم و دانش نصیبش می‌شود. و این (علم تعبیر خواب) دانش عظیمی است و مخصوص پیامبران و جانشینان آنهاست

۱. میزان الحکمة، ج ۳، باب ۱۲۵۳، ح ۶۰۰۵.

۲. امالی صدوق، ص ۶۱۶.

۳. نهج الفصاحة، ص ۸۴۷.

۴. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۶۰.

۵. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۸۲.

و معجزه حضرت یوسف علیه السلام محسوب می شد.  
 البته تحقیق این موضوع نیاز به بحث مبسوط و گسترده‌ای دارد که اینجا جای آن نیست و ان شاء الله در کتاب‌های دیگر که در نظر دارم - اگر خداوند بخواهد - به طور کامل بیان خواهد شد.<sup>۱</sup>

## ۱۰ آداب بیداری و مذمت پر خوابی

### عواقب پر خوابی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند سه چیز را دشمن می دارد: خوابیدن بی آنکه نیاز به خواب داشته باشد، خندیدن بدون تعجب، خوردن در حال سیری».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین معصیتی که انجام شد به شش چیز بود: محبت دنیا، محبت ریاست، محبت طعام، محبت زنان، محبت خواب، محبت راحتی (راحت طلبی)».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مادر حضرت سلیمان به او می گفت: مبادا زیاد بخوابی که زیاد خوابیدن در شب، آدمی را در قیامت فقیر می کند».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مستی چهار نوع است: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب، مستی سلطنت».<sup>۵</sup>

۱. علامه در بحار الأنوار (ج ۶۱ ص ۱۵۱ - ۲۳۴) بحثی را ذیل عنوان «حقیقة الرؤیا و تعبیرها و فضل الرؤیا الصادقة و علتها و علّة الكاذبة» مطرح کرده که ۷۵ روایت در آن باب ذکر شده و از صفحه ۱۹۵ - ۳۳۴ به شرح و تفصیل مباحث مربوط به رؤیا پرداخته است.

۲. خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۹.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۱۳، ح ۱.

۴. خصال، ج ۱، ص ۷۷، ح ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۳.

۵. خصال، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۰، ح ۷.

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدگانت را به خواب عادت نده که هیچ عضوی در بدن کمتر از چشم، شکر خدا نمی‌کند».<sup>۱</sup>
۶. در روایتی آمده است که چهار چیز اندکش بسیار است: آتش، خواب، دشمنی، بیماری.<sup>۲</sup>
۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تعجب می‌کنم از کسی که ادعای عشق الهی می‌کند و شب‌ها تا صبح می‌خوابد».<sup>۳</sup>
۸. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیخون عذاب خدا بترسد، باید کم بخوابد».<sup>۴</sup>
۹. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با پروردگار از او پرسید: کدام یک از بندگان را دشمن می‌داری؟ خطاب آمد: آن کس که شب تا صبح همچون مردار بیفتد و روز را به بطالت به شب برساند».<sup>۵</sup>
۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «شیطان سرمه‌ای دارد که در چشمان مردم می‌کشد و لعوقی<sup>۶</sup> دارد که در حلق آنان می‌ریزد و سعوطی<sup>۷</sup> دارد که در بینی انسان‌ها می‌چکاند؛ سرمه شیطان خواب و کسالت، لعوقش دروغ و سعوطش تکبر و غرور است».<sup>۸</sup>

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۱۴۹.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۲.

۳. امالی صدوق، ص ۳۵۶، ح ۱.

۴. همان، ص ۳۹۴.

۵. قصص الأنبياء راوندی، ص ۱۶۳، ح ۱۸۵.

۶. «لعوق» لیسیدنی. داروی لیسیدنی. هر چیز آبدار با قوام، مثل حلواهای رقیق که با انگشت یا فاشق کم‌کم (آن را) بلیسند (فرهنگ متوسط دهخدا).

۷. «سعوط» دارویی که در بینی می‌چکانند (فرهنگ متوسط دهخدا).

۸. معانی الأخبار، ص ۱۳۹.

۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند مخالف پرخواهی و بیکاری زیاد است و فرمود: خواب بسیار، دنیا و آخرت انسان را تباہ می‌کند».<sup>۱</sup>

### بیداری‌های مذموم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سخن گفتن و مصاحبت داشتن پس از نماز عشا، مکروه است».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شب‌زنده‌داری خوب نیست، مگر برای سه چیز: قرائت قرآن، طلب علم، بردن عروس به خانه شوهر».<sup>۳</sup>
۳. بیداری بسیار (و افراطی) نیز مذموم و ناپسند است و در غیر شب‌هایی که روایاتی در خصوص احیای آن وارد شده، تمام شب را بیدار بودن کراهت دارد. از این رو، در روایتی آمده است: دیدگان بر انسان حقی دارند که بسیار بیدار بودن، حق آنها را ضایع می‌کند».<sup>۴</sup>

### کسانی که خواب ندارند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج نفر به خواب نمی‌روند: کسی که قصد کشتن شخصی را داشته باشد، کسی که دارای مال بسیار است و امینی ندارد که بر او اعتماد کند، کسی که برای به دست آوردن حیثیت اجتماعی در میان مردم دروغ و بهتان فراوان گفته باشد، کسی که مال بسیاری از او طلب

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۸۷.

۲. خصال، ج ۲، ص ۲۹۷، ج ۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۸، ج ۲.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۲۷، ج ۸۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۸، ج ۳.

۴. فتوحات مکیه، ج ۲، ص ۲۲. شبیه این حدیث در کافی، ج ۵، ص ۱۲۷، ج ۶ و ۷ و تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۲۲، ج ۱۸۰ نیز آمده است.

کند و پولی نداشته باشد، کسی که محبوبش را دوست دارد و می‌ترسد از او جدا شود.<sup>۱</sup>

پدرم (محمد تقی مجلسی رحمته الله) می‌گفت: ممکن است منظور از روایت این باشد که همان‌گونه که گروه‌های پنجگانه بالا به خاطر اهداف باطل بی‌ارزش، خواب را بر چشمان خود حرام کرده‌اند، گروهی که اهداف صحیح و مشروع بزرگی دارند سزاوار نیست به خواب (غفلت) فرو روند. مثلاً کسی که دشمن خطرناکی چون نفس اماره دارد که در حال نبرد با اوست و کمر به نابودی او بسته و کسی که انواع سرمایه‌های معنوی طاعت و عبادت را دارد و سارق زبردستی چون شیطان در کمین سرقت دارایی معنوی وی و درصدد ممانعت از تحصیل سرمایه بیشتر طاعت و عبادت است و کسی که کلمات و جملات حقی - همچون «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» - را مکرر به زبان می‌آورد و می‌خواهد آنها را در عمل به کار بندد و به کمالات غیر متناهی دست یابد و کسی که از او عبادات و طاعات فراوان می‌خواهند و توشه‌ای برنگرفته و کسی که مأموریت دارد به خداوند و خلق خداوند عشق بورزد، چگونه از این امور غافل می‌شود و در خواب (غفلت) فرو می‌رود؟!<sup>۲</sup>

### رو به آفتاب خوابیدن و نشستن

۱. از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «هنگام نشستن در آفتاب، پشت به آفتاب کنید که رو به آفتاب نشستن دردهای پنهانی را آشکار می‌کند».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «رو به آفتاب نکنید که موجب هیجان بخار (در

۱. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۹، ح ۴ و ج ۷۰، ص ۱۵، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۹، ح ۱۴۵.

۲. روضة المتقین، ج ۲، ص ۷۳۷.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۶.

درون جسم انسان) است، صورت را متغیّر، لباس را کهنه، دردهای اندرونی را آشکار می‌کند.<sup>۱</sup>

۳. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «آفتاب چهار پی‌امد دارد: رنگ را تغییر می‌دهد، انسان را بدبو می‌کند، لباس را کهنه می‌کند، باعث درد می‌شود».<sup>۲</sup>

## ﴿۱۱﴾ آداب حاجتگاه رفتن

### آداب تخلیه

۱. هنگام ورود به حاجتگاه، سرش را بپوشاند<sup>۳</sup> و بسم الله بگوید<sup>۴</sup>، سپس این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبَثِ، الرَّجْسِ النَّجِسِ، الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.<sup>۵</sup> همچنین بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، رَبِّ أَخْرِجْ عَنِّي الْأَذَى سَرَّحًا بَغَيْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، فِيمَا تَصْرَفُهُ عَنِّي مِنَ الْأَذَى، أَوْ الْغَمِّ الَّذِي لَوْ حَبَسْتَهُ عَنِّي هَلَكْتُ لَكَ الْحَمْدُ اعْصِمْنِي مِنْ شَرِّ مَا فِي هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَ أَخْرِجْنِي مِنْهَا سَالِمًا وَ حُلِّ بَيْنِي وَ بَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.<sup>۶</sup>

و بنا بر نظر مشهور، پای چپ را مقدم بدارد و چون عورتش کشف شد

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۱.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۹۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۲.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

۵. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، بار خدایا به تو پناه می‌برم از بدسرشت بدپرورش پلید ناپاک، شیطان مطرود»؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۱.

۶. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او. و معبودی جز الله نیست. پروردگارا، (عوامل) اذیت و آزار را از من خارج کن؛ خارج کردنی بدون حساب. و مرا از سپاسگزاران قرار ده در آنچه که از آزار از من دور کردی، یا از اندوهی که اگر آن را باز نمی‌داشتی هلاک می‌شدم، حمد و سپاس از آن تو است، از شر این مکان مرا پناه ده و مرا از آن با سلامت بیرون بر و میان من و پیروی از شیطان مطرود فاصله انداز». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۷.

بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش بر عورت او نیفتد.<sup>۱</sup>  
و هنگامی که در حاجتگاه نشست بگوید: **اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الْقَذَى وَالْأَذَى  
وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.**<sup>۲</sup>

و جمعی معتقدند که تکیه دادن بر پای چپ و پای راست را گشاده گذاردن  
سنت است (ولی مستند آن یافت نشد). و اگر ادرار یا مدفوع به دشواری بیرون  
آید (و برخی معتقدند در هر حال)، این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ كَمَا أَطَعَمْتَنِيهِ طَيْباً فِي  
عَافِيَةٍ، فَأَخْرِجْهُ مِنِّي خَبِيثاً فِي عَافِيَةٍ.**<sup>۳</sup>

۲. در حدیث آمده است که شایسته است انسان به هنگام تخلی این دعا را  
بخواند: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْحَلَالَ وَجَنِّبْنِي الْحَرَامَ.**<sup>۴</sup>

و هنگامی که نگاهش به آب استنجا (که می خواهد خود را با آن تطهیر کند)  
افتاد بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً.**<sup>۵</sup>  
و هنگامی که خواست خود را تطهیر کند بگوید: **اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَاسْتُرْ  
عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ وَوَقِّفْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.**<sup>۶</sup>  
و هنگامی که برخاست، دست بر شکمش بمالد و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَنَأَنِي  
طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى.**<sup>۷</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۴.

۲. ترجمه: «بار خدایا، آلودگی و کثافت راز من دور کن و مرا از پاکیزگان قرار ده». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۵.

۳. ترجمه: «بار خدایا، همچنان که پاک و با تندرستی به من خورانیدی، پس آنچه را که ناپاک است با تندرستی  
از من خارج کن». وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۷، ح ۵.

۴. ترجمه: «بار خدایا، رزق حلال روزی ام کن و از حرام مرا دور نگهدار».

۵. ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که آب را پاک و پاک‌کننده قرار داد و آن را نجس و ناپاک  
نساخت».

۶. ترجمه: «بار خدایا، شهواتم را کنترل کن و عورتم را بپوشان و آتش را بر من حرام کن و مرا بر آنچه که به تو  
نزدیک می‌کند موقف گردان، ای صاحب جلال و بخشش».

۷. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که خوراک و نوشیدنی مرا گوارا ساخت و مرا از مصیبت  
و رنج عافیت بخشید».



وزمانی که می خواهد بیرون آید پای راست را مقدّم بدارد (بنابر مشهور) و دست بر شکمش بمالد و بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَابْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَ أَخْرَجَ عَنِّي آذَاهُ، يَا لَهَا مِنْ نِعْمَةٍ لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا.**<sup>۱</sup>  
 و در برخی کتاب های حدیث، جمله «یا لها نِعْمَةٌ» سه مرتبه تکرار شده است.<sup>۲</sup>

و مستحبّ است که با آب سرد استنجا کند، که بواسیر را برطرف می کند.<sup>۳</sup>

### مکروهات استنجا (تطهیر)

۱. زیاد نشستن در حاجتگاه کراهت دارد. از جناب لقمان نقل شده است که دستور داد در حاجتگاه بنویسند: بسیار نشستن در حاجتگاه باعث بواسیر می شود.<sup>۴</sup>

۲. تطهیر کردن با دست راست مطلقاً کراهت دارد.<sup>۵</sup>

۳. استنجا کردن با دست چپ در صورتی مکروه است که انگشتی در دست باشد که در آن اسم خدا باشد.<sup>۶</sup> و علما، اسامی انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام را نیز به آن ملحق کرده اند.

۴. به هنگام حاجتگاه رفتن، همراه داشتن انگشتی که در آن نام خدا<sup>۷</sup>

۱. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که لذت غذایش را به من چشاند و نیروی آن را در بدنم باقی گذاشت و آلودگی آن را از من بیرون کرد، چه بسیار نعمت هایی (وجود دارد) که (حتی) انسان های قدرتمند قدر آن را نمی شناسند».

۲. مصباح المتهجد، ص ۷.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۰۵۶.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۴۱؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۸۲.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۶، باب ۱۲.

۶. همان، ص ۲۳۳، ح ۳.

۷. همان، ص ۲۳۲، ح ۱.

و پیامبران و ائمه علیهم السلام باشد کراهت دارد.

۵. نیز همراه داشتن قرآن<sup>۱</sup> و تعویذ و دعا کراهت دارد.

۶. و مکروه است مسواک زدن در حاجتگاه، که باعث بوی بد دهان می شود.<sup>۲</sup>

۷. و مکروه است سخن گفتن در حال استنجا<sup>۳</sup>، مگر گفتن ذکر خدا<sup>۴</sup>

و دعاهای خاص و آیه الکرسی و حمد و سپاس الهی<sup>۵</sup> و تکرار آنچه را که مؤذن می گوید.<sup>۶</sup>

در حدیث است که حضرت موسی علیه السلام در مناجاتش با خداوند گفت: «حالاتی بر من می گذرد که تو را بزرگتر از آن می دانم که در آن حال تو را یاد کنم. خداوند فرمود: ای موسی، در همه حال مرا یاد کن که یاد من در همه حال نیکو است».<sup>۷</sup> و جواب سلام دادن حتی در آن حال واجب است.<sup>۸</sup> و اگر اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بشنود مستحب است صلوات بفرستد.<sup>۹</sup> (و جمعی آن را - در همه جا - واجب می دانند).<sup>۱۰</sup> و اگر عطسه کند، حمد خدا گوید.<sup>۱۱</sup> و صلوات بفرستد.<sup>۱۲</sup> و چنانچه با کسی کاری داشته باشد و بترسد که تا بیرون آمدن، وقت آن فوت

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۴، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۲۳۷، ح ۱.

۳. همان، ص ۲۱۸، ح ۱ و ۲.

۴. همان، ص ۲۱۹، ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵.

۵. همان، ص ۲۲۰، ح ۷.

۶. همان، ص ۲۲۱، ح ۱ و ۲ و ۳.

۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸؛ عده الذاعی، ص ۲۳۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵.

۸. مفتاح الکرامه، ج ۱، ص ۵۵.

۹. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۷، باب ۱۴۲.

۱۰. عروة الوثقی، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل ۳۷، ص ۵۹۹.

۱۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۹.

۱۲. همان، ج ۴، ص ۱۲۲۱، ح ۱۲.

شود می‌تواند با اشاره و دست زدن شخص را متوجه کند و اگر ممکن نباشد می‌تواند سخن بگوید.<sup>۱</sup>

و نقل شده است که هر کس در حاجتگاه سخن بگوید حاجتش برآورده نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۸ و ۹. و مکروه است خوردن و آشامیدن در حال ادرار و مدفوع کردن.<sup>۳</sup>  
 ۱۰. و مکروه است همراه داشتن نقره سکه‌دار، مگر اینکه در کیسه‌ای باشد.<sup>۴</sup>  
 (زیرا ممکن است بر آن اسامی مقدّس حک شده باشد و در دستشویی بیفتد).

## ۱۲ حاجتگاه و آداب آن

(مقدمه:) پوشاندن عورت (محلّ خروج ادرار و مدفوع و کمی اطراف آن) از ناظر محترم واجب است.<sup>۵</sup> ولی از همسر و اطفالی که به حدّ تمیز نرسیده‌اند و همچنین غیر انسان‌ها واجب نیست. و مستحبّ است که در حال تخلّی، تمام بدن خود را بپوشاند یا به صورتی از محلّ دید ناظر محترم خارج شود. و اگر در صحرا و بیابان است به قدری دور شود که کسی بدنش را نبیند.<sup>۶</sup> و بیشتر علما معتقدند که در حال ادرار و مدفوع کردن، رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است؛ چه در صحرا و بیابان باشد و چه در ساختمان.<sup>۷</sup>

۱. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۲.

۳. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱ و ۲.

۴. تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۳، باب ۱۵، ح ۱۰۴۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۲.

۶. همان، ص ۲۱۵، ح ۱ و ۲.

۷. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۸.

## مستحبات تخلی

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سهواً و بر اثر فراموشی رو به قبله ادرار کند، سپس به یاد آورد و برای تعظیم و تکریم قبله به سمت دیگری بنشیند، قبل از برخاستن از آن حالت، خداوند او را می‌آمرزد».<sup>۱</sup>
۲. مستحب است هنگام تخلی رو به مشرق یا مغرب کند<sup>۲</sup> و احتیاط آن است که از ما بین مشرق و مغرب اجتناب کند. و احتیاط آن است که اگر قبله را نداند، برای شناخت جهت قبله بکوشد تا مطمئن شود رو به قبله یا پشت به آن نیست.<sup>۳</sup> و اگر مجبور شد اشکالی ندارد و در این صورت بهتر است پشت به قبله بنشیند.<sup>۴</sup>
۳. (در مواردی که در بیابان به حاجتگاه دسترسی ندارد) مستحب است هنگام تخلی بر جای بلند یا مکانی که خاک بسیار داشته باشد برود، تا مطمئن شود چیزی به وی ترشح نمی‌کند. از این رو، در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله از همه کس بیشتر از ادرار اجتناب می‌کرد، به گونه‌ای که هنگام بول کردن (در صحرا و بیابان) به جای بلند یا زمین نرم می‌رفت تا مبادا بول ترشح کند.<sup>۵</sup>
- و در احادیث فراوانی آمده است که بیشتر عذاب قبر از بی‌مبالاتی هنگام ادرار کردن و اخلاق بد است.<sup>۶</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸، ح ۴۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۵.

۳. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۱۲.

۴. همان.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۲.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶، ح ۳۶.

### مکروهات تخلی

۱. ادرار کردن در آب کراهت دارد و چنانچه آب روان نباشد کراهت آن بیشتر است. و در روایات آمده که بول کردن در آب را کد باعث تسلط شیاطین و جنیان می شود و دیوانگی و فراموشی می آورد.<sup>۱</sup>
۲. ایستاده ادرار کردن و نیز در حال ایستاده مدفوع کردن کراهت دارد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس ایستاده ادرار کند بیم آن می رود که دیوانه شود».<sup>۲</sup>
۳. از جای بسیار بلند ادرار کردن.<sup>۳</sup>
۴. ادرار کردن در سوراخ جانوران.<sup>۴</sup>
۵. ادرار کردن و مدفوع کردن در مجرای آب، هر چند آب نداشته باشد.<sup>۵</sup>
۶. در راهها و محل عبور و مرور مردم.<sup>۶</sup>
۷. کنار آبها.<sup>۷</sup>
۸. در کنار مساجد.<sup>۸</sup>
۹. در خانهها (خارج از دستشویی).<sup>۹</sup>
۱۰. در جایی که مردم به خاطر این کار دشنام دهند و نفرین کنند.<sup>۱۰</sup>

---

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶، ذیل حدیث ۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۴ و ۵.  
 ۲. تهذیب، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۰۴۴.  
 ۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۴۸، باب ۳۳، ح ۱.  
 ۴. السنن الکبری، ج ۱، ص ۹۹.  
 ۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۲.  
 ۶. همان، ح ۱.  
 ۷. همان، ح ۳.  
 ۸. همان، ح ۲.  
 ۹. همان، ح ۱.  
 ۱۰. همان، ح ۱.

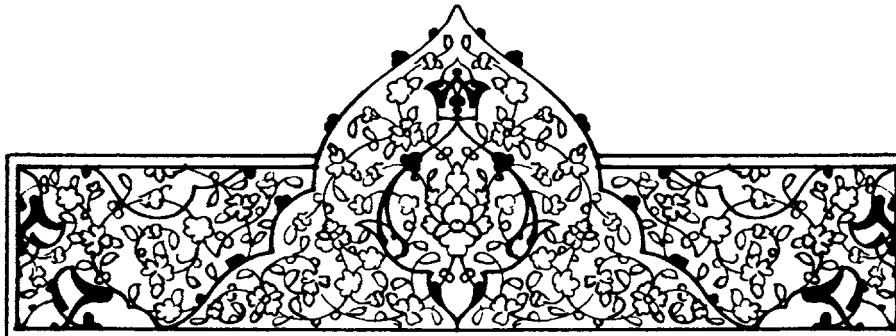
۱۱. زیر درختان میوه هنگامی که میوه دارد؛ زیرا ملائکه در آن هنگام با آن درختان هستند<sup>۱</sup> و میوه‌ها را از ضرر جانوران حفظ می‌کنند. و عده‌ای معتقدند که در غیر زمان میوه داشتن هم مکروه است.<sup>۲</sup>
۱۲. در محلّ استقرار مسافران.<sup>۳</sup>
۱۳. جایی که باعث اذیت مردم شود، هر چند به سبب بوی آن باشد.
- در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «خداوند متعال چند گروه را نفرین کرده است: کسی که در محلّ استراحت مسافران تخلّی کند، کسی که مردم را از آب مباحی که در چاه‌ها و چشمه‌هاست و مردم به نوبت از آن استفاده می‌کنند ممنوع سازد، یا در روز و شبی که نوبت اوست مانع استفاده صاحب آب شود، کسی که راه عبور و مرور مردم را به شکلی مسدود سازد».<sup>۴</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۸.

۲. جواهر الکلام، ج ۲، ص ۶۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۲.

۴. کافی، ج ۳، ص ۱۶، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸، ح ۴۵.



## فصل نهم:

# آداب حجامت و تنقیه، داروها و بیماری‌ها

۱. ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن
۲. آداب حجامت
۳. سفارشات طبّی ائمه علیهم‌السلام و حکم رجوع به اطبّا
۴. معالجه انواع تب و تعویذها
۵. دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی
۶. معالجه انواع بیماری‌های سر
۷. درمان بیماری‌های چشم و گوش و دندان
۸. معالجه برخی از بیماری‌های پوستی
۹. معالجه بیماری‌های داخلی
۱۰. معالجه درد مفاصل، بواسیر، بیماری‌های مثانه و دیگر امراض
۱۱. دعا برای چاره‌جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها
۱۲. فواید تربت امام حسین علیه‌السلام و خواص برخی داروها





## ۱] ثواب بیماری و بیان شدت ابتلای مؤمن

### پاداش بیماری

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله سر به سوی آسمان کرد و تبسم نمود. اصحاب از علت آن پرسیدند. حضرت فرمود: تعجب کردم از دو فرشته‌ای که به زمین فرود آمدند، بنده مؤمن صالحی را در مکان نمازش نیافتند، به آسمان رفتند و گفتند: پروردگارا، فلان بنده تو را در محل خواندن نمازش نیافتیم، او در بند بیماری است. خداوند فرمود: برای این بنده تا زمانی که بیمار است مثل آنچه را که در حال سلامت از کارهای خیر در شب و روز انجام می داد بنویسد».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که ضعف پیری بر مؤمن غلبه کند، خداوند متعال دستور می دهد که آنچه را در حال جوانی و نشاط انجام می داده است اکنون نیز برایش بنویسند. همچنین فرشته‌ای را مأمور می کند که کارهای خیری را که مؤمن بیمار در حال سلامتی انجام می داده است به هنگام بیماری نیز برایش بنویسند. و کارهای بدی را که کافر در حال سلامتی به جا آورده است، در حال مرض نیز برایش منظور دارند».<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. در حدیث است که: «خداوند متعال به فرشته سمت چپ دستور می دهد در ایام بیماری، گناهی برای مؤمن بیمار ننویسد».<sup>۱</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب بیداری به خاطر بیماری و درد، بهتر از یک سال عبادت است».<sup>۲</sup>
۵. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک شب بیماری را تحمل کند و از تحمل درد و رنج هایش به کسی خبر ندهد و چون صبح شود خدا را شکر کند، خداوند به فضل و کرمش ثواب عبادت شصت سال را به او می دهد».<sup>۳</sup>
۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدنی که مبتلا به بیماری نشود طغیان می کند و در چنین بدنی خیری نیست».<sup>۴</sup>
۷. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیماری، گناهان مؤمن را پاک می کند و رحمت الهی را شامل او می سازد و برای کافران عذاب و نفرین است».<sup>۵</sup>
۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب سردرد هر گناهی را برطرف می کند، مگر گناهان کبیره».<sup>۶</sup>
۹. در روایتی معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند متعال می فرماید: هر کس سه شب بیماری را تحمل کند و به هیچ کس از عیادت کنندگانش شکایت نکند، گوشت و خون (بدن بیمارش) را به گوشت و خونی بهتر تبدیل می کنم. و اگر او را شفا دهم از گناهان پاکش می کنم و اگر

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۷.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۹، از امام صادق علیه السلام.

۴. کافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۸.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۶. همان، ص ۴۱۴.

بمیرانم وی را به سوی رحمت خود می‌برم».<sup>۱</sup>  
۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «منظور از شکایت این نیست که بگوید دیشب نتوانستم بخوابم، بلکه منظور این است که بگوید به بلایی مبتلا شدم که هیچ‌کس به آن مبتلا نشده. آنچه به من رسیده به هیچ‌کس نرسیده. و مثل این سخنان».<sup>۲</sup>

## تب

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «تب فرستادهٔ مر و زندان خدا در زمین و بهرهٔ مؤمن از جهنم است. و گرمی تب از جهنم است».<sup>۳</sup>
۲. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب درد نیکویی است که به هر عضوی بهره‌ای از بلا می‌رساند. و خیری نیست در کسی که به (هیچ) بلا (و مشکلی) مبتلا نشود».<sup>۴</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند هر بنده‌ای را دوست داشته باشد یکی از سه تحفه را برایش می‌فرستد: تب، درد چشم، سردرد».<sup>۵</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک شب تب کردن برابر با یک سال عبادت و دو شب برابر با دو سال و سه شب برابر با هفتاد سال عبادت است».<sup>۶</sup>
۵. در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «یک شب تب کردن کفّارهٔ

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۱۵.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۵. همان، ص ۳۵۸.

۶. همان.

گناهان گذشته و آینده است».<sup>۱</sup>

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه مؤمن تب کند گناهانش مانند بر درختان می‌ریزد. و اگر بستری شود ناله‌اش ثواب «سبحان الله» و فریادش ثواب «لا اله الا الله» دارد. و هنگامی که از پهلویی به پهلوی دیگر می‌شود، مانند کسی است که در راه خدا شمشیر می‌زند».<sup>۲</sup>

(توجّه به این روایات انسان را از ناشکیبایی به هنگام مبتلا شدن به این‌گونه بیماری‌ها که جنبه عمومی دارد، بازمی‌دارد).

### فلسفه بلاها

۱. در روایات معتبر می‌خوانیم که بلائی پیامبران علیهم السلام از همه شدیدتر است، پس از آنها اوصیا و جانشینان پیامبران و در مرتبه سوم هر کس نیکوتر و فاضل‌تر است بلایش بزرگتر است. به مؤمن مطابق ایمان و اعمال نیک او بلا می‌رسد؛ بنابراین، هر کس ایمانش صحیح‌تر و عملش نیکوتر باشد بلایش بیشتر و هر کس ایمانش ضعیف‌تر و عمل نیک وی کمتر باشد، بلایش کمتر است.<sup>۳</sup>

۲. در احادیث معتبر می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ثواب عظیم به همراه بلائی عظیم است. خداوند هیچ گروهی را دوست نمی‌دارد، مگر آنکه آنها را مبتلا به مشکلاتی می‌گرداند».<sup>۴</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بندگان خالصی دارد که هر تحفه آسمانی را از آنها بازمی‌دارد و هیچ بلائی نمی‌فرستد، مگر آنکه از دیگران به سوی آنها هدایت می‌کند».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۸.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۲.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۵۲، ح ۳؛ و ص ۲۵۳، ح ۸ و ۱۰.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۵.

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد او را غرق در بلا می‌کند، پس اگر خدا را برای دور کردن بلا بخواند در پاسخش می‌گوید: لَبَّيْكَ اَيُّ بِنْدَةٍ مِنْ، اگر خواست تو را زود به جا آورم قادر بر آن هستم و اگر ثوابش را برای روز قیامت ذخیره کنم، موهبت بیشتری به تو داده‌ام».<sup>۱</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهل شب بر مؤمن نمی‌گذرد مگر اینکه حادثه‌ای برایش رخ می‌دهد که اندوهگین شده و به سبب آن هوشیار و آگاه می‌شود».<sup>۲</sup>

۶. در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «درجه و منزلتی در بهشت وجود دارد که هیچ‌کس به آن نمی‌رسد، مگر آن کس که بلایی به بدنش رسیده باشد».<sup>۳</sup>

۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را با تحفه بلا یاد می‌کند، همانند کسی که از سفر برای خانواده‌اش هدیه می‌آورد. و او را از (لذات) دنیا پرهیز می‌دهد همان‌گونه که طیب، بیمارش را از چیزهای مضر پرهیز می‌دهد».<sup>۴</sup>

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به خانه‌اش دعوت کرد. چون حضرت وارد منزل او شد دید مرغی بر روی دیوار تخم کرده و تخمش از بالای دیوار افتاد و بر روی میخی که در میانه دیوار نصب شده بود قرار گرفت و نشکست. حضرت تعجب کرد. صاحب‌خانه گفت: از این تعجب می‌فرمایید؟ قسم به خدایی که تو را به راستی به سوی مردم

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۷.

۲. همان، ص ۲۵۴، ح ۱۱.

۳. همان، ص ۲۵۵، ح ۱۴.

۴. همان، ح ۱۷.

فرستاد، هرگز بلا و حادثه‌ای به من نرسیده است. هنگامی که حضرت این جمله را شنید برخاست و فرمود: هر کس بلایی به او نرسد امید خیری در او نیست. سپس بی آنکه غذا بخورد آنجا را ترک کرد.<sup>۱</sup>

۹. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند مؤمن را به هر بلایی گرفتار و به هر مرگی می‌میراند، اما عقلش را نمی‌گیرد. مگر نمی‌بینی که شیطان بر مال و فرزندان و خانواده حضرت ایوب علیه السلام مسلط شد، ولی بر عقل آن حضرت تسلط نیافت؛ عقلی که خدا را به یگانگی می‌شناسد».<sup>۲</sup>

## ۲ آداب حجامت

### اهمیت حجامت

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «دارو و درمان چهار چیز است: حجامت، چکاندن دارو در بینی، حقنه کردن، قی کردن».<sup>۳</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بیماری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بروز می‌کرد به حجامت پناه می‌برد».<sup>۴</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جبرئیل برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله مسواک و حجامت را به ارمان آورد».<sup>۵</sup>

### زمان مناسب برای حجامت

۱. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بعد از نماز عصر حجامت می‌کردند.<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۲۰.

۲. همان، ج ۲۲؛ ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۱۰.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۸، ح ۱.

۴. طب الأئمة، ص ۵۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲. در مصدر «خلال» نیز آمده است.

۶. خصال، ج ۲، ص ۱۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۶.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت را در آخر روز به جا آورید».<sup>۱</sup>
۳. در روایتی آمده است: بسیار اتفاق می‌افتاد که حضرت رضا علیه السلام در اثنای شب احساس می‌کرد که خون اضافه دارد، همان زمان حجامت می‌کرد.<sup>۲</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهتر است در ماه رمضان در شب حجامت کنند».<sup>۳</sup>
۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می‌خواهد حجامت کند، روز شنبه حجامت کند».<sup>۴</sup>
۶. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام بر گروهی که حجامت می‌کردند عبور کرد فرمود: «چه می‌شد اگر این کار را تا عصر روز یکشنبه به تأخیر می‌انداختید که درد را بیشتر از بدن می‌کشد».<sup>۵</sup>
۷. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت کردن در روز یکشنبه، دوی هر دردی است».<sup>۶</sup>
۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت ما در روز یکشنبه و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است».<sup>۷</sup>
۹. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله عصر روز دوشنبه حجامت می‌کرد و به حجامت‌کننده به عنوان اجرت، گندم می‌داد».<sup>۸</sup>

---

۱. مکارم الأخلاق، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۷۴.

۵. خصال، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۸، ح ۲.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۷. همان، ص ۷۳.

۸. خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۳.

۱۰. نیز در روایتی فرمود: «حضرت رسول ﷺ روز دوشنبه بعد از عصر حجامت می‌کرد و می‌فرمود: حجامت در آخر روز دوشنبه، درد را از بدن می‌کشد».<sup>۱</sup>
۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز سه شنبه روز خون گرفتن است».<sup>۲</sup>
۱۲. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس در روز سه‌شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند، از همه دردها در آن سال شفا پیدا می‌کند».<sup>۳</sup>
۱۳. در حدیث است که کسی مشاهده کرد امام هادی علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت می‌کند. عرض کرد: اهل مکه و مدینه از حضرت رسول ﷺ روایت کرده‌اند که هر کس در روز چهارشنبه حجامت کند و مبتلا به پیسی شود، کسی را جز خود ملامت نکند. حضرت فرمود: این روایت جعلی است و نقل‌کنندگان آن «دروغ می‌گویند».<sup>۴</sup>
۱۴. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در چهارشنبه آخر ماه برای ردّ بر کسانی که فال بد می‌زنند حجامت کند، از هر بلائی محفوظ مانده و محلّ حجامتش سبز نشود».<sup>۵</sup>
۱۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ابتدای روز پنجشنبه آخر ماه حجامت کند، دردها را از بدنش می‌کشد».<sup>۶</sup>

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۴ و ۵.  
 ۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۸، باب ۳۸۵، ح ۴۴.  
 ۳. خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷.  
 ۴. خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷.  
 ۵. خصال، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۵.  
 ۶. خصال، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۵۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۱، ح ۱۰.



۱۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روز پنجشنبه حجامت کنید».<sup>۱</sup>
۱۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در روز پنجشنبه خون در محلّ حجامت جمع می‌شود و به هنگام ظهر در بدن متفرّق می‌شود؛ بنابراین، پیش از ظهر حجامت کنید».<sup>۲</sup>
۱۸. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام در روز چهارشنبه حجامت کرد تب برطرف نشد، لذا در روز جمعه حجامت کرد و تب برطرف شد.<sup>۳</sup>
۱۹. در حدیثی می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس در نخستین سه‌شنبه آذرماه رومی (که مصادف با اوّل بهار است) حجامت کند، باعث صحّت بدن او می‌شود».<sup>۴</sup>
۲۰. و در روایتی دیگر فرمود: «در روز هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستان است حجامت کنید، اگر نشد در چهاردهم آن ماه».<sup>۵</sup>
- (توضیح اینکه: مفهوم روایات بالا این است که حجامت کردن در هر یک از روزهای هفته، تأثیر خاصی دارد).

### اوقات نامناسب

۱. در روایتی آمده است که هرگاه روز چهارشنبه قمر در عقرب باشد نباید حجامت کرد.<sup>۶</sup>

---

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۶، ح ۲۳.  
۲. مکارم الأخلاق، ص ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۵، ح ۷۳.  
۳. خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۳، ح ۱۴.  
۴. طب الأنتمه، ص ۵۶.  
۵. مکارم الأخلاق، ص ۷۵.  
۶. همان.

۲. در حدیث است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حجامت کردن در روز چهارشنبه نهی کرد.<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام از حجامت کردن در هنگام ظهر روز جمعه نهی کرد.<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در ظهر روز جمعه حجامت کند و بلایی به او برسد، کسی را جز خود ملامت نکند».<sup>۳</sup>
۵. نیز در روایتی فرمود: «حجامت در روز شنبه باعث ضعف می‌شود».<sup>۴</sup>
- توجه: روایاتی که زمان‌های مناسب و نامناسب حجامت را بیان کرده، هیچ‌کدام جنبه لزوم و وجوب ندارد بلکه روایاتی که سفارش به حجامت کرده، جنبه استحباب و روایات نهی‌کننده، جنبه کراهت دارد؛ بنابراین، حجامت در هر زمان و ساعتی از شبانه روز جایز است؛ هر چند ممکن است در برخی روزها یا ساعات بهتر باشد. از این رو، در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «آیه الکرسی را بخوان و در هر روزی که بخواهی حجامت کن».<sup>۵</sup>
- و در حدیث دیگری آمده است: کسی امام کاظم علیه السلام را دید که در روز جمعه حجامت می‌کند. عرض کرد: فدایت شوم روز جمعه حجامت می‌کنی؟ فرمود: «هر زمان خون اضافه داشتی، خواه شب باشد یا روز، آیه الکرسی را بخوان و حجامت کن».<sup>۶</sup>
- و در روایت است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردم حجامت در

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۷۵.

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۶۶، ح ۲۲۵.

۴. طب الأئمة، ص ۱۳۶.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۷۶ و ص ۱۳۱، ح ۹۹.

۶. خصال، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۹، ح ۶.

روز شنبه و چهارشنبه را بد می‌دانند (نظر شما چیست؟) فرمود: «حضرت رسول ﷺ فرمود: انسان هر زمان با اضافه خون روبه‌رو شد، باید همان وقت حجامت کند تا منتهی به مرگش نشود».<sup>۱</sup>

نتیجه اینکه تعارضی بین روایات مورد بحث وجود ندارد.

### محلّ حجامت

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول ﷺ در قسمت سر و میان هر دو کتف و در پشت گردن، حجامت می‌کرد. یکی را نافع (سودمند) و دیگری را مغیثه (به فریادرسنده) و سومی را منقذه (خلاص‌کننده از بلاها) می‌نامید».

در روایتی دیگر فرمود: «منقذه آن است که از سر بینی به سمت بالا یک وجب کرده، به هر جا که رسید همان جا را حجامت کنید».<sup>۲</sup>

۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «حجامت در گودی پشت سر، موجب غلبه فراموشی است».<sup>۳</sup>

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر به فریاد رسنده و برای هر دردی جز مرگ، مفید است؛ بنابراین، از دو طرف ابرو به سمت پشت سر یک وجب کرده و آنجا را که هر دو انگشت به هم می‌رسد حجامت کنید».<sup>۴</sup>

۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نخست پشت گردن را حجامت می‌کرد، سپس جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و به وی امر کرد

۱. طب الأئمه، ص ۵۶.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۲، ح ۱۲.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۴. کافی، ج ۸، ص ۱۴۱، ح ۱۶۰.

که میان دو کتف را حجامت کند.<sup>۱</sup>  
 ۵. در روایتی آمده است که امام جواد علیه السلام طبیعی طلبید و از وی خواست که  
 ر کف دستش را بگشاید.<sup>۲</sup>

## آداب حجامت

### آداب قبل از حجامت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا ناشتا حجامت کنید، بلکه اندک چیزی بخورید که خون بیشتری از بدن بیرون آید و قوت بدن بیشتر شود، زیرا هرگاه پس از غذا خوردن حجامت کنید، خون بدن جمع شده و خون فاسد را بیرون می‌کند و اگر قبل از خوردن غذا حجامت کند، خون سالم بیرون رفته و خون فاسد در بدن می‌ماند».<sup>۳</sup>

۲. در کتاب فقه الرضا آمده است که هرگاه قصد حجامت کردی چهار زانو نزد حجامت‌کننده بنشین و این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِّ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاعْلَالٍ وَامْرَاضٍ وَاسْقَامٍ وَ اَوْجَاعٍ وَ اَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.<sup>۴</sup>

### آداب هنگام حجامت

همان‌گونه که در حدیثی از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام گذشت، خواندن آیه الکرسی به هنگام حجامت کردن سفارش شده است.<sup>۵</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۵۸.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۷۶.

۳. همان، ص ۷۳.

۴. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پناه می‌برم به خداوند در این حجامتم از چشم زخم و از هر بدی و از بیماری‌ها و ناراحتی‌ها و دردها و از تو عافیت و شفای از هر دردی را خواهانم». فقه الرضا، ص ۳۹۴.

۵. فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۹۴؛ خصال، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۵۲.

۲. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «هرگاه حجامت کردی و خون از محلّ حجامت خارج شد، قبل از آنکه بر زمین بریزد این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي، مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ<sup>۱</sup>، زیرا هنگامی که این دعا را بخوانی همه خیرات را جمع کرده‌ای، چون خداوند متعال در قرآن مجید فرماید: ﴿وَلَوْ كُنْتَ أَعْلَمَ الْعَيْنِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ﴾<sup>۲</sup>.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که حجامت کردی و خون از محلّ حجامت بیرون آمد، پیش از آنکه حجه<sup>۳</sup> را بریزند بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ<sup>۴</sup>.

### آداب پس از حجامت

۱. در حدیث است پس از آنکه امام صادق علیه السلام حجامت کرد، سه دانه قند با نبات طلبید و تناول کرد و فرمود: «خونی صاف تولید و حرارت را قطع می‌کند»<sup>۵</sup>.

۲. در حدیث است که زید شحام می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودم که حجام را طلبید و فرمود: «محجمه خود را بشوی و آویزان کن!» سپس اناری تناول فرمود و حجامت کرد. پس از حجامت، انار دیگری تناول کرد و فرمود: «خوردن انار در این وقت، صفرا را فرو می‌نشانند»<sup>۶</sup>.

۱. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامتم از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناه می‌برم». مکارم الأخلاق، ص ۸۲.

۲. ترجمه: «اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می‌کردم و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی‌رسید». سوره اعراف، آیه ۱۸۸.

۳. «حجمه» ظرفی است که خون را در آن جمع می‌کنند.

۴. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. در این حجامت از چشم زخم و هرگونه آثار بد به خداوند کریم پناه می‌برم». مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۵. طب الأئمة، ص ۵۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۳. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله پس از حجامت با آب سرد غسل می‌کرد تا حرارت خون فرو نشیند».<sup>۱</sup>
۴. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انار شیرین بعد از حجامت، خون را ساکن و صاف می‌کند».<sup>۲</sup>
۵. در حدیثی می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام از ابوبصیر پرسید: مردم پس از حجامت چه می‌خورند؟ گفت: بر کاسنی و سرکه. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۳</sup>

### فواید حجامت

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، بدن را صحیح و سالم و عقل را تقویت می‌کند».<sup>۴</sup>
۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر در چیزی شفا باشد، در شیشه حجام و خوردن عسل است».<sup>۵</sup>
۳. نیز در حدیثی فرمود: «حجامت، عادت پسندیده‌ای است که دیده را جلا می‌دهد و دردها را از میان می‌برد».<sup>۶</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به نخستین حجامه‌ای که از خون او بریزند نگاه کند، تا حجامت بعدی از درد چشم امان می‌یابد».<sup>۷</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۵۸.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۷۴.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۸.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵.

۶. معانی الأخبار، ص ۲۴۷.

۷. طب الأئمة، ص ۵۸.

۵. و در گفتاری فرمود: «حجامت انسان را از سردرد، دندان درد، خوره، دیوانگی و پیسی شفا می‌بخشد».<sup>۱</sup>
۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر شفای همه دردها جز مر است».<sup>۲</sup>
۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت سر برای بیماری‌های دیوانگی، خوره، پیسی و دندان درد سودمند است».<sup>۳</sup>
۸. در حدیثی دیگر فرمود: «حجامت سر برای تاریکی چشم و درد سر و جلوگیری از پرخوابی مؤثر است».<sup>۴</sup>
۹. کسی از درد جگر به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت به وی سفارش کرد پایش را فصد کند (ر بزند). کسی دیگر از خارش بدن شکایت کرد. حضرت فرمود: «سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن، قسمت پشت پا، یا میان کعب و بند پا».<sup>۵</sup>
۱۰. کسی از کچلی به حضرت موسی علیه السلام شکایت کرد، فرمود: «پای راست را فصد کن (ر بزن) و به مقدار دو درهم روغن بادام شیرین به روی آب کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه نخور».<sup>۶</sup>
۱۱. در حدیثی است که کسی از کچلی به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد، حضرت سفارش کرد که ر اکحل<sup>۷</sup> را بگشاید.<sup>۸</sup>
- 
۱. خصال، ج ۲، ص ۱۴۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۵.
۲. طب الأئمة، ص ۵۷.
۳. مکارم الأخلاق، ص ۷۶.
۴. همان.
۵. همان، ص ۷۷.
۶. همان.
۷. «اکحل» نام رگی است در ذراع که آن را فصد می‌کنند. در فارسی رگ چهار اندام را گویند (فرهنگ عمید).
۸. مکارم الأخلاق، ص ۷۷.

### ۳ سفارشات طبّی ائمّه علیهم السلام و حکم رجوع به اطبّا

#### ضرورت اقدام برای درمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبری از پیامبران الهی بیمار شد، با خود گفت: مداوا نمی‌کنم تا همان کس که درد را داده شفا می‌دهد. خداوند به او وحی کرد: تا معالجه نکنی تو را شفا نمی‌دهم».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض شد: شخصی دارو می‌خورد، گاه او را شفا می‌دهد و گاه برایش ضرر دارد، اما بیشتر اوقات شفا می‌دهد. حضرت فرمود: «خداوند دارو را فرستاده و شفا را هم همراه آن می‌فرستد. و هیچ دردی را خلق نکرده، مگر اینکه دوايي برای آن آفریده است؛ دوا را بخور و به هنگام خوردن، نام پروردگار را ببر».<sup>۲</sup>

#### چه کسی شفا می‌دهد؟

در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی بن عمران علیه السلام از خداوند پرسید: چه کسی درد و بیماری را می‌دهد؟ خداوند فرمود: من. دوباره پرسید: دوا و شفا از کیست؟ خطاب آمد از من است. پرسید: پس حکیمان و طبیبان با مردم چه می‌کنند؟ فرمود: باعث آرامش دل مردم می‌شوند».<sup>۳</sup>

#### مراجعه به طبیب غیر مسلمان

۱. در حدیث است که کسی از امام کاظم علیه السلام پرسید: نیاز به طبیب مسیحی پیدا می‌کنم. برای معالجه نزد او رفته، بر او سلام کرده و برایش دعا می‌کنم چه حکمی

۱. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۲. طبّ الأئمّه، ص ۶۳.

۳. کافی، ج ۸، ص ۷۴، ح ۵۲.



۱. دارد؟ فرمود: «اشکالی ندارد. چیزی از سلام و دعای تو عاید او نمی‌شود».
۲. نیز از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان به دستوره‌های طبّی طیب یهودی و مسیحی عمل کرد؟ فرمود: «اشکالی ندارد، شفا به دست خداست».

### زمان مراجعه به طبیب

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسلمان زمانی اقدام به معالجه می‌کند که بیماری بر سلامتی‌اش غلبه پیدا کند».
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی‌اش بر بیماری غالب باشد و معالجه کند و بر اثر معالجه بمیرد، من از او بیزارم».
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا ممکن است برای معالجه نزد اطبّا نروید، زیرا رجوع به آنان همانند ساختن یک خانه است که کم آن منتهی به زیاد می‌شود».

### مصرف دارو به مقدار ضرورت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هیچ دواایی نیست مگر اینکه دردی را تحریک می‌کند. و هیچ چیز برای بدن سودمندتر از آن نیست که تا ضرورتی نباشد در بدنت تصرف نکنی».
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سلامتی‌اش

۱. السرائر، ج ۳، ص ۵۶۹.

۲. طب الأئمة، ص ۶۳.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۰، ح ۲۴.

۴. خصال، ج ۱، ص ۷۶، ح ۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۴، ح ۵.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۶۵، ح ۱۷.

۶. کافی، ج ۸، ص ۲۲۸، ح ۴۰۹.

بر بیماری غالب باشد و با این حال دارو مصرف کند، به کشتن خود کمک کرده است.<sup>۱</sup>

### پرهیز و امساک

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: در منطقه ما اطباء بیماران را به امساک و پرهیز سفارش می‌کنند. حضرت فرمود: «ما اهل بیت فقط از خرما امساک می‌کنیم و خود را با سیب و آب سرد معالجه می‌نماییم». آن شخص پرسید: چرا فقط از خرما؟ حضرت فرمود: «زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت علی را به هنگام بیماری‌اش از خرما پرهیز داد».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که در مورد مدّت پرهیز از حضرت پرسیدند؟ فرمود: «تا ده روز».<sup>۳</sup>

۳. و در حدیثی صحیح می‌خوانیم که فرمود: «تا هفت روز و پس از آن سودی ندارد».<sup>۴</sup>

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «امساک این نیست که هیچ نخوری، بلکه آن است که کمتر بخوری».<sup>۵</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «راه رفتن باعث بازگشت بیماری و شدّت آن می‌شود (و به هنگام بیماری باید استراحت کرد)».<sup>۶</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۶۱.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. معانی الأخبار، ص ۲۳۸، از امام صادق علیه السلام.

۴. طب الأئمة، ص ۵۹.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۶. کافی، ج ۸، ص ۲۴۲، ح ۴۴۴.

## انواع معالجات

### معالجه با آب، عسل، شیر، باران و مهر زنان

۱. در حدیث است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: دردی دارم که اطبا برای معالجه آن شراب تجویز کرده‌اند، آیا می‌توانم بنوشم؟ حضرت فرمود: «چرا آب درمانی نمی‌کنی؛ آبی که همه چیز به آن زنده است؟»<sup>۱</sup> عرض کرد: آب با مزاج من سازگار نیست. حضرت فرمود: «چرا از عسل استفاده نمی‌کنی که شفای دردهای مردم است؟»<sup>۲</sup> عرض کرد: به عسل دسترسی ندارم. حضرت فرمود: «چرا شیر نمی‌خوری که گوشت و استخوان بدنت از آن رویده است؟» عرض کرد: شیر با طبع من نمی‌سازد. حضرت فرمود: «می‌خواهی اجازه شراب خواری به تو بدهم! والله هرگز چنین اجازه‌ای نمی‌دهم».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی بیمار شد حضرت علی علیه السلام به او فرمود: یک درهم از مهر همسرت را که به او داده‌ای مطالبه کن و با آن عسل بخر و با آب باران بنخور. آن شخص چنین کرد و شفا یافت. از حکمت این دستور پرسیدند. حضرت فرمود: خداوند در مورد مهر زنان فرماید: اگر زنان از مهر خود چیزی با رضایت خاطر به شما بخشیدند گوارای وجودتان، آن را بخورید با عافیت نیک<sup>۴</sup> و در مورد عسل فرموده است: در عسل برای مردم شفاست<sup>۵</sup> و در مورد آب باران فرماید: آب مبارکی از آسمان فرو فرستادیم<sup>۶</sup>؛ بنابراین، در این نسخه، گوارایی و حسن عاقبت و برکت و شفا همه جمع شده است».<sup>۷</sup>

۱. منظور آیه ۳۰ سوره انبیاء است.

۲. سوره نحل، آیه ۶۹.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۴۵.

۴. سوره نساء، آیه ۴.

۵. سوره نحل، آیه ۶۹.

۶. سوره ق، آیه ۹.

۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۱۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۰۷.

## معالجه با صدقه

۱. در حدیث است که کسی به امام کاظم علیه السلام عرض کرد: من و ده تن از خانواده‌ام همه بیماریم (چه کنیم؟) حضرت فرمود: «آنها را با صدقه درمان کن که هیچ چیز بیشتر و زودتر از صدقه مؤثر نیست».<sup>۱</sup>
۲. در احادیث به سندهای معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بیماران خود را با پرداخت صدقه معالجه کنید».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «صدقه بلاهای قطعی را دور می‌کند».<sup>۳</sup>
۴. نیز در روایتی فرمود: «صدقه مر های بد را از صاحبش برطرف می‌کند».<sup>۴</sup>

## معالجه با پیشگیری و آمیزش

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیشتر دردها و بیماری‌ها بر اثر غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم بسیار است، پس انسان باید قبل از آنکه این عوامل بر او غلبه و هلاکش کند مراقب حال خود باشد».<sup>۵</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردهایی در بدن خود داشته باشد و حرارت را بر مزاجش غالب یابد، با همسرش آمیزش کند که حرارت را فرو می‌نشانند».<sup>۶</sup>

---

۱. طب الأئمة، ص ۱۲۳.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان، ص ۱۱۰.

۶. همان، ص ۹۴.

### معالجه با حقنه<sup>۱</sup> (اماله)

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین نوع معالجه، مداوا کردن با حقنه است که شکم را بزرگ، دردهای داخلی را برطرف و بدن را تقویت می‌کند».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقنه از جمله داروهای عظیم است و شکم را بزرگ می‌کند».<sup>۳</sup>
۳. نیز در حدیثی فرمود: «معالجه چهار چیز است: حجامت کردن، دارو مالیدن، قی کردن، حقنه کردن».<sup>۴</sup>

### معالجه با حجامت و حمام رفتن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طبّ عرب در حجامت و حقنه است و آخرین دوی آنان داغ کردن».<sup>۵</sup> توجه: روایاتی در مورد اهمیت و فواید حجامت گذشت و روایاتی خواهد آمد.
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین دوی شما حقنه کردن و دارو در بینی چکاندن و حجامت کردن و حمام رفتن است».<sup>۶</sup>

### معالجه با چکاندن دارو در بینی و دارو کشیدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «روغن بنفشه در بینی بچکانید».<sup>۷</sup>

۱. «حقنه» داروی مایعی است که از راه مقعد وارد روده‌ها می‌کنند (فرهنگ عمید).

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۳۴؛ بحارالأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۹.

۳. طبّ الأئمة، ص ۵۴.

۴. کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۶.

۵. طبّ الأئمة، ص ۵۵.

۶. همان، ص ۵۷.

۷. خصال، ج ۲، ص ۴۳۴؛ بحارالأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۵، ح ۱۹.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حجامت، نوره کشیدن و دارو در بینی چکاندن از دوی پیامبران است».<sup>۱</sup>

#### معالجه با مسهل و داغ کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «درد سه چیز است و دوا نیز سه چیز: درد ناشی از صفرا، بلغم و خون است. دوی خون، حجامت و دوی صفرا و سودا، مسهل و دوی بلغم، حمّام است».<sup>۲</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طّبّ عرب در هفت چیز است: حجامت، حقنه، ریختن دارو در بینی، حمّام رفتن، قی کردن، خوردن عسل، و آخرین دوی آنها داغ کردن است».<sup>۳</sup>

#### چگونگی نماز انسان مبتلا به چشم درد

در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: از چشم زن یا مردی آب می آید. پزشکان گویند که باید چشمش را میل بزیم و سی تا چهل روز بر پشت بخوابد و حرکت نکند و در آن حال نماز را با اشاره بخواند. نظر شما چیست؟ فرمود: «اشکالی ندارد».<sup>۴</sup>

#### دستورهای طبّی نه گانه

در کتاب فقه الرضا علیه السلام دستورهای نه گانه طبّی به این شرح سفارش شده است:

۱. طبّ الأئمة، ص ۵۷.
۲. مکارم الأخلاق، ص ۷۶.
۳. طبّ الأئمة، ص ۵۵.
۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۷۴، ح ۱۵۳.

۱. امساک رأس همه داروهاست و معده خانه دردها و استفاده از غذاهای خوبی را که عادت داری ترک نکن.<sup>۱</sup>
۲. تا زمانی که بدنت تحمل دارد از مصرف دارو خودداری کن.<sup>۲</sup>
۳. هر زمان گرسنه شدی غذا بخور و هر وقت تشنه شدی آب بنوش و هرگاه نیاز به دستشویی داشتی دستشویی برو و تا ضرورتی نباشد (با همسرت) آمیزش مکن و هر زمان نیاز به خواب داشتی بخواب؛ اگر به این دستورها عمل کنی همواره بدنت سالم خواهد بود.<sup>۳</sup>
۴. خداوند متعال تا زمانی که مقدر کرده بیماری ادامه داشته باشد به دارو اجازه تأثیر نمی‌دهد. پس از آن، اجازه تأثیر داده و با آن دارو شفا عنایت می‌کند. مگر اینکه قبل از انقضای آن مدت، دعایی کنی یا صدقه‌ای بدهی، یا کار خیری انجام دهی که خداوند نیز به دارو اجازه تأثیر می‌دهد.<sup>۴</sup>
۵. شفای هر دردی در عسل است. هر کس ناشتا یک انگشت عسل بخورد بلغم و سودا را برطرف می‌کند و چنانچه با کُندر خورده شود، ذهن را صاف می‌کند. آب سرد حرارت صفرا را فرو می‌نشاند و غذا را هضم می‌کند و اخلاط موجود در دهانه معده را ذوب کرده و تب را برطرف می‌کند.<sup>۵</sup>
۶. اگر چیزی بدن را فربه کند ماساژ دادن و لباس‌های نرم پوشیدن و حمام رفتن و استعمال بوی خوش است. و اگر مرده را ماساژ دادند و زنده شد بعید نیست. و صدقه دادن بلاهای آسمانی را دور می‌کند و قضای حتمی را برطرف می‌سازد.<sup>۶</sup>

۱. فقه الرضا، ص ۳۴۰.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۲.

۳. فقه الرضا، ص ۳۴۰.

۴. همان، ص ۳۴۱.

۵. همان، ص ۳۴۶.

۶. همان.

۷. چیزی مانند دعا و صدقه دادن و آب سرد، بیماری را برطرف نمی‌کند.<sup>۱</sup>
۸. حداکثر پرهیز و امساک چهارده روز است. و پرهیز این نیست که چیزی نخوری، بلکه به معنای کمتر خوردن است، زیرا سلامتی و بیماری در بدن انسان در حال درگیری و مبارزه‌اند. پس هر زمان سلامتی بر بیماری غلبه کند بیمار به غذا اشتها پیدا می‌کند؛ بنابراین، هر زمان به غذا اشتها داشت غذایش دهید که شاید شفایش در آن طعام باشد.<sup>۲</sup>
۹. شفای هر دردی در قرآن است؛ پس بیماران خود را با صدقه مداوا کنید و از قرآن شفا بطلبید که هر کس را قرآن شفا ندهد هیچ چیزی سبب شفای او نمی‌شود.<sup>۳</sup>

#### ۴ | معالجه انواع تب و تعویذها

##### روش‌های مادی درمان تب

##### آب سرد و سیب

۱. در احادیث فراوانی از حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌خوانیم که فرمایند: ما تب را جز با ریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب، معالجه نمی‌کنیم.<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «تب از بوی جهنم است، آن را با آب سرد فرو نشانید».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای از بین بردن تب، سودمندتر از دعا و آب سرد نیست».<sup>۶</sup>

۱. فقه الرضا، ص ۳۴۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۴۲.

۴. محاسن، ص ۵۵۱، ح ۱۹۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳.

۵. طب الأئمة، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۵۰.



۴. در حدیث آمده است که مُفَضَّل گوید: در ایام تابستان خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. آن حضرت تب داشت. دیدم ظرفی پر از سیب سبز نزد حضرت است. عرض کردم: مردم سیب را برای تب مفید نمی‌دانند. حضرت فرمود: «سیب تب را برطرف می‌کند و حرارت را فرو می‌نشانند».<sup>۱</sup>

#### قندآب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مقدار ده درهم قند با آب سرد قبل از صبحانه برای از بین بردن تب، نافع و سودمند است».<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام از کسی پرسید: «شما بیمارانتان را با چه دارویی معالجه می‌کنید؟» عرض کرد: با داروهای تلخ. حضرت فرمود: «هرگاه کسی از شما بیمار شد مقداری قند سفید بکوبید و با آب سرد مخلوط کنید و به بیمار بخورانید، زیرا خداوندی که با داروی تلخ شفا می‌دهد، قادر است با داروی شیرین هم شفا دهد».<sup>۳</sup>

۳. در حدیث است که ابراهیم جعفی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و از تب ربع شکایت کردم.<sup>۴</sup> حضرت فرمود: «نبات یا قند را بساب و در آب بریز و ناشتا بخور و هر زمان تشنه شدی از آن استفاده کن». به این دستور عمل کردم و زود شفا یافتم.<sup>۵</sup>

۱. محاسن، ص ۵۵۱، ح ۸۹۳؛ کافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۳.

۲. طب الأئمه، ص ۵۰.

۳. محاسن، ص ۵۰۱، ح ۶۲۶.

۴. «تب ربع» تبی است که یک روز عارض می‌شود و دو روز رها می‌کند، سپس در روز چهارم بازمی‌گردد.

۵. طب الأئمه، ص ۵۱.

## آب باران و بنفشه

۱. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آب باران بخورید که بدن را پاک و دردها را برطرف می‌کند».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «گرمی تب را با بنفشه و آب سرد بشکنید».<sup>۲</sup> و در تابستان بر بدن بیمار تب‌دار، آب سرد بریزید».<sup>۳</sup>

## سنجد و کباب

۱. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ملاقات حضرت علی علیه السلام که تب داشت رفت و به او فرمود: سنجد بخور».<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کباب، تب را برطرف می‌کند».<sup>۵</sup>

## برنج

در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «دو سال یا بیشتر از بیماری شدیدی رنج می‌بردم، خداوند به من الهام کرد که از برنج استفاده کنم. مقداری برنج شسته، خشک کرده، سپس آن را بر روی آتش تافته، آسیاب کردم، بعد مقداری را به همان صورت و مقداری دیگر را با آب مخلوط و تناول کردم»<sup>۶</sup> (و نتیجه گرفتم).

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۵۶.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۳ و ص ۴۱۵، ح ۱۹۷.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۳.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۴.

۶. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۸، ح ۱۷.

### معالجه تب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تب در میان اولاد پیامبران، دو برابر دیگران است».<sup>۱</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «معالجه تب با سه چیز ممکن است: قی (استفراغ) کردن، عرق کردن، مسهل».<sup>۲</sup>

### معجون و پالوده مخصوص

۱. در حدیثی از امام کاظم علیه السلام می‌خوانیم که در مورد چگونگی معالجه تب غب کهنه<sup>۳</sup> فرمود: «عسل و سیاهدانه را با هم مخلوط کن و سه انگشت از آن را بخور که این هر دو مبارک است و خداوند در قرآن فرماید: در عسل شفاست<sup>۴</sup> و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: سیاهدانه شفای هر دردی است جز مر».<sup>۵</sup>
۲. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین داروها برای تب ربع آن است که پالوده‌ای<sup>۶</sup> با عسل بسازی و زعفران فراوانی در آن بریزی و یک روز در میان از آن بخوری و در آن روز که از آن پالوده می‌خوری چیز دیگری نخوری».<sup>۷</sup>

### روش‌های معنوی درمان تب

یادآوری: دعاها و ذکرها و روش‌های معنوی معالجه دردها و بیماری‌ها نباید

۱. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۹، ح ۱۹.
۲. طب الأئمة، ص ۵۰.
۳. «غَب» دیر به دیر ملاقات کردن، یک روز در میان کاری را انجام دادن و «حَمَى الغَب» تب نوبه، تب هر سه روز یک بار، تب یک روز در میان است (فرهنگ معاصر).
۴. سوره نحل، آیه ۶۹.
۵. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۳.
۶. پالوده حلوايي است که از عسل و بادام و نشاسته درست می‌کردند و با شربت قند می‌خوردند. (فرهنگ متوسط دهخدا).
۷. طب الأئمة، ص ۵۱.

جایگزین عمل و مراجعه به پزشکان حاذق و متعهد شود؛ بلکه هر دو در عرض هم مورد توجه قرار گیرد.

#### آب آیه‌الکرسی و یاد اهل بیت علیهم‌السلام

۱. در حدیث است که کسی از تب به امام صادق علیه‌السلام شکایت کرد که بسیار طولانی شده است. حضرت فرمود: «آیه‌الکرسی را در ظرفی بنویس و با آب حل کن و بخور».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما اهل بیت، شفای تب و همه دردها و وسوسه‌های شیطان است».<sup>۲</sup>

#### هفتاد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه یاالله

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «بر هیچ بیمار و صاحب دردی هفتاد مرتبه سوره حمد خوانده نمی‌شود، مگر آنکه دردش آرام می‌گیرد».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مبتلا به بیماری شد، هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشد هفتاد مرتبه بخواند، من ضمانت می‌کنم که برطرف شود».<sup>۴</sup>
۳. در روایتی دیگر آمده است: «یکی از فرزندان حضرت بیمار شد، فرمود: ده مرتبه "یاالله" بگو؛ هیچ مؤمنی آن را نمی‌گوید مگر آنکه خداوند فرماید: «لَبَّيْكَ، حاجتت را بگو»».<sup>۵</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۳۷۰.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۱۸، ح ۲۲۰.

۳. طب الأئمة، ص ۵۳.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۳.

۵. طب الأئمة، ص ۱۲۱.

### اذان و اقامه و سوره حمد

۱. در حدیثی می‌خوانیم که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: یک ماه است که تب می‌کنم، آنچه اطبا گفته‌اند به کار بستم اما نتیجه نداشت. حضرت فرمود: «دکمه‌های پیراهنت را باز و سر را در گریبان پیراهنت کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان». راوی می‌گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بیمار سر در گریبان خود کند، اذان و اقامه بگوید، سپس هر یک از سوره‌های حمد، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را سه مرتبه بخواند و پس از آن بگوید: أُعِيدُ نَفْسِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَةِ اللَّهِ وَعَظَمَةِ اللَّهِ وَسُلْطَانِ اللَّهِ وَبِحَمَالِ اللَّهِ وَبِجَمْعِ اللَّهِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ وَبِعِزَّتِهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَبِوَلَاةِ أَمْرِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَخْذَرُ وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. اَللَّهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَداوِنِي بِداوِنِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ».<sup>۲</sup>

### صدقه و دعاهای مخصوص

۱. در حدیث است که داوود بن زربی می‌گوید در مدینه مبتلا به بیماری شدیدی شدم. هنگامی که خبر به امام صادق علیه السلام رسید، برای من چنین نسخه نوشت: «سه کیلو گندم بخر و بر پشت بخواب و گندم‌ها را بر روی سینه‌ات بگذار

۱. طب الأئمة، ص ۵۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۷۰.

۲. ترجمه: «خود را پناه می‌دهم به عزت و قدرت و عظمت و سلطنت و جمال و جلال خدا و به رسول خدا صلی الله علیه و آله و عترت او و اولیای خدا (ائمه علیهم السلام) از شر آنچه در بیم و هراسم. و گواهی می‌دهم که خدا، توانا بر همه چیز است و هیچ قدرتی نیست مگر از خدای علی عظیم و درود خداوند بر محمد و خاندان او. خدایا، به شفای خود شقایم ده و به داروی خود درمانم کن و از بلای خود عافیتم بخش». مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۴.

و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ اِذَا سَأَلَکَ بِهٖ الْمُنْظَرُ کَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضَرِّ و مَکَّنْتَ لَهُ فِی الْاَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِیْفَتَکَ عَلٰی خَلْقِکَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِیْهِ وَ اَنْ تُعَافِیَنِیْ مِنْ عِلَّتِیْ<sup>۱</sup>، سپس بنشین و گندم‌ها را جمع کن، دوباره آن دعا را بخوان. بعد گندم‌ها را چهار قسمت کن و هر قسمت آن را به یک فقیر بده و برای بار سوم آن دعا را بخوان».

داوود می‌گوید: به دستور حضرت عمل کردم، گویا از بندی رها شدم. و بسیاری از افراد دیگر نیز به آن عمل کردند، شفا گرفتند.<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر آمده است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام بیمار شد. حضرت فرمود: «این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اَشْفِنِیْ بِشِفَائِکَ وَ دَاوِنِیْ بِدَوَائِکَ وَ عَافِنِیْ مِنْ بَلَائِکَ، فَانِّیْ عَبْدُکَ وَ اِبْنُ عَبْدِکَ».<sup>۳</sup>

۳. در حدیث است که سلمان فارسی رضی الله عنه می‌گوید ده روز پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمدم. در راه حضرت علی علیه السلام را ملاقات کردم. فرمود: «به نزد فاطمه علیها السلام برو که تحفه‌ای از بهشت برایش آمده، می‌خواهد به تو عطا کند». با عجله خدمت آن حضرت رسیدم، فرمود: «روز گذشته همین جا نشسته بودم، در خانه بسته بود و من غمگین بودم؛ در مورد قطع وحی الهی و نیامدن فرشتگان به سوی ما، فکر می‌کردم که ناگهان در گشوده شد و سه دختر وارد شدند؛ دخترانی که به آن زیبایی و جمال و طراوت و نزاکت و خوشبویی، هرگز کسی ندیده است. هنگامی که آنان را دیدم برخاستم و پرسیدم: شما از اهالی مدینه هستید؟ گفتند: ای دختر رسول خدا، ما از ساکنان زمین نیستیم،

۱. ترجمه: «بار خدایا، به آن نامی تو را می‌خوانم که اگر شخص مضطر به آن نام تو را بخواند مشکل او را برطرف خواهی کرد و او را پیروز و مسلط و خلیفه بر خلق خویش خواهی نمود، بر محمد و خاندان او درود فرست و از بیماریم عافیت بخش».

۲. طب الأئمة، ص ۵۳.

۳. ترجمه: «خدایا، به شفایت شفا می‌ده و به دوایت مداوا می‌کن و از بلایت عافیتم بخش، زیرا من بنده تو و فرزند بنده توام». کافی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۲.

پروردگارت ما را از بهشت جاوید به سوی تو فرستاده است و ما بسیار مشتاق دیدار تو بوده‌ایم. از یکی از آنها که از همه بزرگتر بود پرسیدم: نام تو چیست؟ گفت: مقدوده. گفتم: چرا این نام را برای تو انتخاب کرده‌اند؟ گفت: زیرا برای مقداد بن اسود آفریده شده‌ام. از دیگری نامش را پرسیدم. گفت: من ذره هستم. گفتم: علت نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای ابوذر غفاری خلق شده‌ام. نام سومین آنها را پرسیدم: گفت: سلمی هستم. گفتم: راز نام تو چیست؟ گفت: زیرا برای سلمان فارسی، آزادکرده پدرت آفریده شده‌ام. سپس پرسیدم: برای من چه آورده‌اید؟ مقداری رطب بیرون آوردند که مانند گرده‌های نان بزرگ و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر بود. سلمان گوید: حضرت زهرا علیها السلام یکی از آن رطب‌ها را به من داد و فرمود: امشب با این رطب افطار کن و فردا هسته آن را برای من بیاور. رطب را گرفته، از خانه آن حضرت خارج شدم و به سوی منزل حرکت کردم. در بین راه به هر یک از اصحاب پیامبر رسیدم می‌پرسیدند: سلمان، مگر مشک همراه داری (که چنین بوی خوشی از تو به مشام می‌رسد)؟ می‌گفتم: آری. به هنگام افطار آن خرما را خوردم، اما هیچ هسته‌ای نداشت. روز بعد خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و عرض کردم: آن خرما هسته نداشت. حضرت فرمود: «چگونه چنین خرمایی هسته داشته باشد در حالی که خداوند متعال به سبب دعایی که پدرم به من آموخته و هر صبح و شام آن را می‌خوانم، آن درخت را در بهشت کاشته است». سلمان گفت: ای سیده من، آن دعا را به من بیاموز. فرمود: «اگر می‌خواهی در دنیا مشکلات تب را نبینی، بر این دعا مواظبت کن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. بِسْمِ اللَّهِ النَّوْرِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ  
مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ النَّوْرِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ النَّوْرَ مِنَ  
النَّوْرِ، وَ أَنْزَلَ النَّوْرَ عَلَى الطُّورِ، فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ، فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ،  
عَلَى نَبِيِّ مَحْبُورٍ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَى السَّرَّاءِ

وَالضَّرَاءِ مَشْكُورٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ»<sup>۱</sup> سلمان می گوید این دعا را به بیش از هزار تن از اهالی مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم، همه از تب نجات یافتند.<sup>۲</sup>

### تعویذ تب

۱. در بعضی از کتاب های معتبر آمده است که برای (معالجه) تب این تعویذ را بر بازوی راست بیمار بنویسد: سوره حمد کاملاً نوشته شود، سپس بنویسد:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهَا بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ الْأَهَامَّةِ وَالسَّامَةِ وَالْعَامَّةِ وَاللَّامَةِ وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. ﴿رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾»<sup>۳</sup> «بَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ \* وَارَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ»<sup>۴</sup> بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ فُلَانِ ابْنِ فُلَانَةَ (به جای فلان نام بیمار و به جای فلان نام مادر بیمار نوشته شود) «رَبَّنَا لَا تُوَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ

۱. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدای نور، به نام خداوندی که نور ما فوق نور است، به نام خداوندی که تدبیرکننده امور است. به نام خداوندی که نور را از نور آفریده است. حمد و سپاس مخصوص خدایی است که نور را از نور آفرید و نور خود را بر (کوه) طور تابید. در کتابی که نوشته شده، در صفحه ای گسترده، به اندازه ای معین، بر پیامبری عالم و آگاه. حمد و سپاس ویژه خداوندی است که به عزت یاد می شود و به فخر مشهور است و در خوشی ها و تنگدستی ها سپاسگزار می شود و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاک او».

۲. مهیج الدعوات، ص ۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۶، ح ۵۹.

۳. سوره ممتحنه، آیه ۴.

۴. سوره انبیاء، آیات ۶۹ و ۷۰.



مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup> حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وِلِيًّا وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ صَدَقَ وَعْدُهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَخَدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾<sup>۲</sup> إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۳﴾ وَ مَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ﴿۵﴾.

۱. سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۲. سوره مجادله، آیه ۲۱.

۳. سوره مائده، آیه ۵۶.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۵. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می‌کنم). پناه می‌برم به تمام کلمات کامل خدا که نیکوکار و بدکار از آنها نمی‌تواند بگذرد. از شر آنچه آفریده و خلق کرده و پدید آورده است و از شر هر گزنده و هر جانور زهردار و هر سوء نیت دار و از شر حوادث روزگار که هنگام شب یا روز فرود آید و از شر فاسقان عرب و عجم و از شر فاسقان جن و انس و از شر شیطان و دامش و از شر هر شروری و از شر هر جنبده‌ای که زمام اختیارش به دست اوست، (امر) پروردگار من بر راه راست است. پروردگار! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و بازگشت همه به سوی تو است.» ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می‌خواستند ابراهیم را با این توطئه نابود کنند، ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم.» ای تب، بر فلان کس فرزند فلان کس سرد و سالم باش! «پروردگارا، اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه مکن.» «پروردگارا، تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر کسانی که پیش از ما بودند قرار دادی.» «پروردگارا، آنچه طاقت تحمل آن را نداریم بر ما مقرر مدار؛ و آثار گناه را از ما بشوی؛ و ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده. تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان.» خداوند مرا بس است، معبودی جز او نیست، او را وکیل خویش برگیر و بر زنده‌ای که نمی‌میرد توکل کن و به حمد او تسبیح گوی و کافی است که او به گناهان بنده‌اش آگاه و بینا باشد و هیچ معبودی جز الله نیست. یکتاست و شریکی برای او نیست. وعده‌اش راست است و بنده خود را یاری کرد و به تنهایی گروه‌های مشرک را شکست داد. آنچه را خدا می‌خواهد انجام خواهد شد. هیچ نیرویی نیست جز برای خدا. «خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می‌شویم، چرا که خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است»، «به راستی حزب خدا پیروز است»، «او هر کس به (ذیل عنایت) خدا چنگ زند به راهی راست هدایت شده است»، و درود خدا بر محمد و خاندان طاهرینش. «مکارم الأخلاق»، ص ۴۰۳.

۲. در حدیث است که برای معالجه تب این آیه شریفه را نوشته، بر بدن بیمار تب‌دار بنویسد: «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ اِزْهِيمِ»<sup>۱</sup>.
۳. در روایتی دیگر آمده است که این دعا را نوشته، بر بازوی راستش بنویسد: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، وَ لَوْ اَنَّ فُرْعَانَ سَيَّرَتْ بِهٖ الْجِبَالُ اَوْ قَطَّعَتْ بِهٖ الْاَرْضُ اَوْ كَلِمَةٍ بِهٖ الْمَوْتُ تَبِيْلُ اللّٰهِ الْاَمْرُ جَمِیْعًا»<sup>۲</sup>.
- یا شافی یا کافی یا معافی، «وَ بِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ»<sup>۳</sup> بِاسْمِ فُلَانِ بْنِ فُلَانِ (نام بیمار و پدرش نوشته شود) بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَنِ اللّٰهِ وَ اِلَى اللّٰهِ وَ لَا غَالِبَ اِلَّا اللّٰهُ»<sup>۴</sup>.
- و برای معالجه تب و سوز این آیات را بنویسند و بر بازوی بیمار بنویسند: بِسْمِ اللّٰهِ «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ \* بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»<sup>۵</sup> «وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَّخْجُورًا»<sup>۶</sup> «يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ اِزْهِيمِ»<sup>۷</sup>، «اَلَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۸</sup>، «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِيْنَ \* اِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ \* وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۹</sup>.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۳۷۲.

۲. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. اگر با قرآن، کوه‌ها به حرکت درآیند، یا زمین‌ها قطعه قطعه شوند، یا با آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد). ولی همه کارها در اختیار خداست». سوره رعد، آیه ۳۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۱۰۵.

۴. ترجمه: «ای شفا دهنده، ای کفایت کننده، ای تندرستی بخش. و قرآن را به حق نازل کرده ایم و به حق نازل شد. به نام فلانی فرزند فلانی (این دعا را می نویسم) به نام خدا و به ذات پاک (خدا) شروع می کنم. و از خدا و به سوی خدا (باز می گردم) و هیچ غلبه کننده ای جز خداوند نیست». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۱.

۵. ترجمه: «به نام خدا، خداوند دو دریای مختلف (شور و شیرین، گرم و سرد) را در کنار هم قرار داد در حالی که با هم تماس دارند، در میان آن دو برزخی است که یکی بر دیگری غلبه نمی کند و به هم نمی آمیزند». سوره رحمن، آیات ۱۹ و ۲۰.

۶. ترجمه: «و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند (گویی هر یک به دیگری می گویند): دور باش و نزدیک نیا». سوره فرقان، آیه ۵۳.

۷. ترجمه: «ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش». سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۸. ترجمه: «حزب و جمعیت خدا پیروز است». سوره مائده، آیه ۵۶.

۹. ترجمه: «و عده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده، که آنان یاری شدگانند و لشکر ما پیروزند». سوره صافات، آیات ۱۷۱ - ۱۷۳.

## نشانه‌های فشار خون

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «علامت‌های فشار خون چهار چیز است: اول خارش بدن، دوم جوش‌های پوستی، سوم خواب‌آلودگی، چهارم سرگیجه».<sup>۱</sup>

## دعای عیادت از بیمار

در حدیثی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می‌روید، این جمله را هفت مرتبه بخوانید: **أُعِيدُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَقَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ**».<sup>۲</sup>

## ۵ دعاهای جامع همه دردها و داروهای ترکیبی

### دعاهای جامع، یا دعادرمانی

۱. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در بدنش احساس کند این دعا را بخواند تا دردی به سراغش نیاید: **أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِجَبَّارِ السَّمَاءِ، أُعِيدُ نَفْسِي بِمَنْ لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أُعِيدُ نَفْسِي بِالَّذِي اسْمُهُ بَرَكَتَةٌ وَشِفَاءٌ**».<sup>۳</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دردی در خود احساس کند بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ**».<sup>۴</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۲.

۲. ترجمه: «به خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ تو را پناه می‌دهم، از شرّ رگ بیماری‌زا و از شرّ آتش سوزان». کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۲.

۳. ترجمه: «پناه می‌برم به عزّت و قدرت خداوند بر همه اشیا، پناه می‌دهم خود را به حاکم بر آسمان، پناه می‌دهم خود را به کسی که با نامش درد ضرر نمی‌رساند. پناه می‌دهم خود را به کسی که نامش برکت و شفاست». طب الأئمه، ص ۱۷.

۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می‌کنم). درود خدا بر پیامبر خدا و اهل بیتش باد، پناه می‌برم به عزّت و قدرت خدا بر آنچه اراده می‌کند از شرّ آنچه می‌یابم». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷؛ طب الأئمه، ص ۴۰.

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و از بیماری بسیار و پریشانی خاطر شکایت کرد. حضرت خواندن این دعای را به وی سفارش فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكِبْرُهُ تَكْبِيرًا»<sup>۱</sup>.

۴. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر دردی که داشته باشی دست را بر محل درد بگذار و سه مرتبه بگو: اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، اللَّهُمَّ أَنْتَ لَهَا وَ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ، فَفَرِّجْهَا عَنِّي»<sup>۲</sup>.

۵. نیز در حدیثی معتبر فرمود: «پس از گفتن بِسْمِ اللَّهِ، دست بر محل درد بمال و هفت مرتبه بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرِسْوَلِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا أَخْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَى نَفْسِي»<sup>۳</sup>.

۶. در روایتی دیگر فرمود: «دست را بر محل درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ امْسَحْ عَنِّي مَا أَجِدُ<sup>۴</sup> و سه مرتبه دست بر موضع درد بکش»<sup>۵</sup>.

۱. ترجمه: «هیچ توان و نیرویی جز بر خداوند والامرتبه و بزرگ نیست. بر خداوند زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد توکل می‌کنم. و حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که فرزندی ندارد و در سلطنت و حکومتش هیچ همتایی برای خود برنگزید و هرگز به سبب ضعف و ناتوانی یار و مددکاری نداشته است و (چنین خدایی را) بزرگ بدار» کافی، ج ۸، ص ۷۹، ح ۶۵.

۲. ترجمه: «خداوند، خداوند، پروردگار من است و او بر حق است، هیچ چیز را همتای او قرار نمی‌دهم. تو می‌توانی هر درد و بلایی را از بین ببری، آن را از من دفع کن» کافی، ج ۲، ص ۵۶۵، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۹.

۳. ترجمه: «به عزت و قدرت و جلال و عظمت و بزرگی خدا و تمام صفات پروردگار و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ و به نام‌های خدا، پناه می‌برم از شر آنچه حذر دارم و از شر آنچه بر خود می‌ترسم» کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۸.

۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). محمد فرستاده خداست و هیچ توان و قدرتی جز برای خدا نیست. خدایا، دردم را درمان کن».

۵. کافی، ج ۲، ص ۵۶۶، ح ۱۰.

۷. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «برای درمان هر دردی این دعا را بخوان: **يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ، أَنْزِلْ عَلَيَّ مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً**».<sup>۱</sup>
۸. در سخنی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به دردی شد، اگر دستش را بر موضع درد بگذارد و با اخلاص بگوید: **وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا**<sup>۲</sup> حتماً عافیت پیدا می‌کند؛ هر دردی که باشد».<sup>۳</sup>
۹. در گفته‌ای دیگر فرمود: «هر کس سوره حمد و **﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾** او را شفا ندهد، هیچ چیز دیگر او را شفا نمی‌دهد».<sup>۴</sup>
۱۰. نیز در گفتاری فرمود: «شخص دیگری دست بر محل درد بگذارد و هفت مرتبه و حداقل سه مرتبه بگوید: **أَيُّهَا الْوَجْعُ أَسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قِرْ بِوِقَارِ اللَّهِ وَ اخْجُزْ بِحَاجِزِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِهَدَايِ اللَّهِ، أُعِيدُكَ أَيُّهَا الْإِنْسَانُ بِمَا أَعَادَ اللَّهُ بِهِ عَرْشَهُ وَ مَلَائِكَتَهُ، يَوْمَ الرَّجْفَةِ وَ الزَّلَازِلِ**».<sup>۵</sup>

## درمان بیماری‌های مختلف با داروهای گیاهی

### درمان سردی، عقرب‌زدگی و مارزدگی

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت موسی علیه السلام از غلبه رطوبت و سردی در بدنش به خداوند متعال شکایت کرد. خداوند به وی

۱. ترجمه: «ای نازل‌کننده شفا و ازبین‌برنده درد، برای درد من شفا نازل کن». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۴.
۲. ترجمه: «و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم؛ و ستمکاران را جز خسران (و زیان) نمی‌افزاید». سوره اسراء، آیه ۸۲.
۳. طب الأئمه، ص ۲۸.
۴. همان، ص ۳۹.
۵. ترجمه: «ای درد، به فرمان سکونت الهی آرام شو و به قرار خداوند قرار گیر و به ممانعت خدا متوقف شو و به آرامش الهی آرام گیر. ای انسان، تو را پناه می‌دهم به آنچه که خداوند عرش و فرشتگان خود را در روز لرزه زمین و زلزله‌ها پناه داد». کافی، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۷.

دستور داد که هلیله<sup>۱</sup> و بلبله<sup>۲</sup> و آمله<sup>۳</sup> را بساید و با عسل خمیر کند و بخورد». سپس فرمود: «این دارو همان است که شما به آن اطریفل می‌گویید»<sup>۴</sup>.

۲. در کتاب طب الائمه روایت شده است که کسی خدمت امام حسن عسکری علیه السلام رسید و عرض کرد: فرزندم را عقرب نیش زده و احتمال مر او می‌رود. حضرت فرمود: «دوای جامع را که از حضرت رضا علیه السلام به ما رسیده، به او بخورانید». گفت: آن چیست؟ فرمود: «داروی معروفی است». گفت: نمی‌شناسم. حضرت فرمود: «سنبل و زعفران و قاقله (هل) و عاقرقرحا<sup>۵</sup> و خربق سفید<sup>۶</sup> و بنج<sup>۷</sup> و فلفل سفید از هر کدام به مقدار مساوی و ابرفیون<sup>۸</sup> به مقدار دو برابر به صورت نرم بکوبید و از پارچه ابریشم بیرون کنید و با عسلی که کفش را گرفته باشند خمیر کنید، سپس کسی که مار یا عقرب او را گزیده، اگر یک حبه آن را با

۱. «هلیله» میوه درختی است که در هندوستان می‌روید. رنگش زرد یا سیاه و در طب به کار می‌رود. در عربی به آن اهلیلیج گفته می‌شود (فرهنگ عمید).
۲. «بلبله» میوه درختی است (هندی) که شبیه هلیله است، دارای پوستی زرد یا خاکستری رنگ است و به آن بلبلج هم می‌گویند (فرهنگ عمید).
۳. «آمله» درختی هندی به بزرگی درخت گردو است. برگ‌هایش ریز و انبوه و میوه آن به اندازه آلو و ترش مزه و بر دو قسم است: سیاه و زرد و در طب به کار می‌رود و به آن آملج هم گفته می‌شود (فرهنگ عمید).
۴. کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۸.
۵. «عاقرقرحای» عربی و اکراکره هندی، گیاهی است شبیه بابونه، دارای برگ‌های ریز و شاخه‌های نازک، بیخ آن دراز و به کلفتی انگشت، طعمش تند و تیز، به فارسی کاکره هم گفته می‌شود (فرهنگ عمید).
۶. «خربق» گیاهی است از تیره آلاله‌ها، دارای برگ‌های دراز و ساقه‌های کوتاه، با گل‌های پنج برگ و سرخ کمرنگ و بیخ دراز مانند پیاز و ریشه‌های باریک و طعم تلخ است. انواع آن بسیار اما مهم‌ترین آنها دو نوع سفید و سیاه است (فرهنگ فارسی دکتر معین).
۷. «بنج» عربی «بنگ» و آن گردی است که از کوبیدن برگ‌ها و سرشاخه‌های گلدار شاهدانه می‌گیرند که به علت داشتن مواد مخدر و سمی، به مقدار بسیار کم در داروها و معالجات استفاده می‌شود (فرهنگ فارسی معین).
۸. «ابرفیون» گیاهی است شبیه کاسنی، دارای برگ‌های دراز و گل‌های چتری، اگر برگ آن را بکنند یا شاخه‌اش را بشکنند شیره سفیدی از آن خارج می‌شود که زهر دار است. آن را شیرسگ هم می‌گویند. فربیون و ابرفیون و افریون هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

آب حلتیت<sup>۱</sup> بخورد بلافاصله شفا پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

درمان فالج، لقوه<sup>۳</sup>، سردی معده و تنگی نفس

۱. در همان کتاب از امام رضا علیه السلام روایت شده است که برای درمان فالج و لقوه، یک حبه از دارویی را که در بالا ذکر شد با آب مرزنگوش در بینی بچکانند.<sup>۴</sup>

۲. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردی معده و تنگی نفس، یک حبه از آن دارو (ی جامع امام رضا علیه السلام) را با آب زیره که پخته باشند بخورند.»<sup>۵</sup>

درمان درد طحال، پهلوی راست و چپ و اسهال

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد سپرز (طحال) یک حبه از آن دارو (ی جامع امام رضا علیه السلام) را با آب سرد و اندکی سرکه بخورند.»<sup>۶</sup>

۲. در روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «یک حبه آن دارو با آب زیره پخته، برای درد پهلوی راست و یک حبه آن با آب ریشه کرفس پخته،

---

۱. «حلتیت» همان «انفوزه» است و آن صمغی است که از گیاه انگدان گرفته می‌شود و به آن صمغ انجدان هم می‌گویند (فرهنگ فارسی دکتر معین). در فرهنگ عمید اضافه می‌کند: بوی آن شبیه بوی سیر و طعمش تلخ است. در طب قدیم برای رفع تشنج و عوارض هیستری و قولنج و سیاه‌سرفه و خناق به کار می‌رفته و آن را به صورت قرص یا حقنه مورد استفاده قرار می‌دادند.

۲. طب الأئمه، ص ۸۸.

۳. «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می‌شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می‌گردد (فرهنگ عمید).

۴. طب الأئمه، ص ۸۹.

۵. همان، ص ۹۰.

۶. همان.

- برای پهلوی چپ مفید است.<sup>۱</sup>
۳. نیز در حدیثی فرمود: «یک حبه آن دارو با آب مورد پخته<sup>۲</sup>، برای اسهال مفید است.»<sup>۳</sup>
۴. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک حبه آن دارو را با آب سداب<sup>۴</sup>، یا آب ترب پخته، برای درمان اسهال بخورند.»<sup>۵</sup>

#### درمان بهق، پیسی، خوره و دیوانگی، نفخ شکم و دیر هضم شدن غذا

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اگر مردم منافع و خواص سنا<sup>۶</sup> را بدانند بی شک قیمت هر مثقال آن معادل دو مثقال طلا می شود؛ سنا انسان را از بیماری های بهق و پیسی و خوره و دیوانگی و فالج و لقوه حفظ می کند. اگر با مویز سرخ بی دانه و هلیله سیاه که از هر کدام به مقدار مساوی برداشته شده ساخته شود و هر روز ناشتا به مقدار سه درهم (حدود نیم مثقال) و در هنگام خواب نیز همین مقدار بخورند، خواص مزبور را خواهد داشت و بهترین داروهاست.»<sup>۷</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۹۰.

۲. «موزد» درختی است شبیه به درخت انار، دارای برگ های سبز و ضخیم و خوشبو و همیشه سبز است (فرهنگ عمید).

۳. طب الأئمة، ص ۹۱.

۴. «سداب» درختی است پرشاخ و برگ که بلندیش تا دو متر می رسد. برگ هایش ریز و بدبو و گل هایش زرد رنگ و تخم های آن مثلث شکل و هر دانه در یک غلاف جا دارد. در طب به کار می رود و در عربی به آن سداب گویند (فرهنگ عمید).

۵. طب الأئمة، ص ۹۱.

۶. «سنا» گیاهی است دارای برگ های باریک شبیه برگ حنا، گل هایش کبودرنگ و دانه های آن ریز و در غلافی شبیه غلاف باقلا جا دارد. این گیاه بیشتر در حجاز می روید و بهترین نوع آن سنای مکی است. برگ آن در طب مانند مسهل استفاده می شود. در معالجه بیماری های تنگی نفس و قولنج و عرق النسا نیز به کار می رود (فرهنگ عمید).

۷. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.



۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که اسماعیل بن فضل به امام صادق علیه السلام عرض کرد: غذا در معده‌ام هضم نمی‌شود. حضرت فرمود: «چرا از نیبذی که ما می‌خوریم و باعث هضم غذا می‌شود و نفخ شکم را برطرف می‌کند استفاده نمی‌کنی؟» سپس فرمود: «یک صاع مویز تهیه کن و دانه‌هایش را جدا کن و آن را خوب بشوی، سپس در ظرفی بریز و آن قدر آب در آن ظرف کن که همه مویزها را بپوشاند و پس از گذشتن سه شبانه روز در زمستان و یک شبانه روز در تابستان، آن را صاف کن و آب صاف‌شده‌اش را در دیگی بجوشان و به قدری که دوسوم آن تبخیر و یک‌سوم آن باقی بماند، سپس نیم رطل<sup>۱</sup> عسل در آن دیگ بریز و باید آن قدر بجوشد که محتوای ظرف به اندازه قبل از اضافه کردن عسل شود. سپس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران و قرنفل و مصطکی تهیه کن و همه را بکوب و در میان همان دیگ بینداز تا مقداری بجوشد. سپس دیگ را از روی آتش بردار تا سرد شود، بعد آن را صاف کن و هر صبح و شام مقداری از آن بخور». اسماعیل گفت: به سفارش امام عمل کردم، بیماریم بهبود یافت.<sup>۲</sup>

#### درمان سردرد و سردی سر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چنانچه روغن گشنیز را در بینی بچکانید سردرد خوب می‌شود».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی است که کسی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: در سرم احساس سرمای شدید می‌کنم، به گونه‌ای که اگر باد به سرم بوزد می‌ترسم غش کنم. حضرت فرمود: «پس از غذا خوردن، روغن عنبر و زعفران در بینی ات بچکان».<sup>۴</sup>

۱. رطل (واژه‌ای عربی و) مقیاس وزن مایعات، برابر دوازده اوقیه یا ۸۴ مثقال است (فرهنگ عمید).

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۲۶، ح ۳.

۳. قرب الإسناد، ص ۱۰۵، ح ۳۷۰.

۴. طب الأئمه، ص ۸۷.

## درمان زکام

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چنانچه یک دانک<sup>۱</sup> شونیز (سیاهدانه) و نیم دانک دانه کُنْدُس<sup>۲</sup> را نرم بکوبند و در بینی مبتلا به زکام بریزند، زکام را برطرف می‌کند».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در بدن تمام انسان‌ها دور وجود دارد: یکی در سر و دیگری در بدن؛ اولی خوره را تحریک کرده و دومی پیسی را به حرکت درمی‌آورد. هنگامی که سر به حرکت آید خداوند متعال زکام را بر آن مسلط می‌کند تا دردهای سر را بکشد. و اگر بدن به حرکت درآید خداوند دمل را بر آن مسلط می‌کند تا دردهای بدن را بکشد. پس هر که مبتلا به زکام یا دمل شود، باید خدا را شکر کند».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «زکام لشکری از لشکرهای الهی است که دردهای بدن را برطرف می‌سازد».<sup>۵</sup>
۴. در چندین حدیث آمده است که زکام را نباید (با سرعت) معالجه کرد.<sup>۶</sup>

## ۶ معالجه انواع بیماری‌های سر

## درمان سردرد

۱. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، این آیه را بر ظرفی از آب بخواند و بخورد: ﴿أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

۱. یک ششم مثقال است که چهار نخود می‌شود.

۲. «کُنْدُس» گیاهی است دارای برگ‌های بیضی شکل دنداندار و بیخ آن دارای ماده سمی است (فرهنگ عمید).

۳. طب الأئمة، ص ۶۵.

۴. کافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۵۷۹.

۵. طب الأئمة، ص ۶۴.

۶. همان، ص ۶۵.

كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان سردرد، دست را بر سر بمالد و هفت مرتبه بگوید: اَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۲</sup>.

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «برای برطرف شدن سردرد، دست را بالای سر بگذارد و بگوید: ﴿لَوْ كَانَ مَعَهُ عَالِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَابْتَغَوْا إِلَيَّ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا﴾<sup>۳</sup>، وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا»<sup>۴</sup>.

۴. در حدیث است که کسی از سردرد به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو و پیش از آنکه وارد آب شوی، هفت ظرف آب گرم بر سر بریز و در هر مرتبه بسم الله بگو»<sup>۵</sup>.

۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای برطرف شدن درد تمام سر و نصف آن، این دعا را بنویسد و بر قسمتی که درد می‌کند بیاویزد: اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَسْتَ بِاللّٰهِ اِسْتَحْدِثْنَاهُ وَ لَا بَرِّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَ لَا مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَ مَا كَانَ قَبْلَكَ اِلَهٌ نَدَعُوهُ وَ نَتَعَوَّذُ بِهِ وَ نَتَضَرَّعُ اِلَيْهِهِ وَ نَدَعُكَ وَ لَا اَعَانَكَ عَلٰى خَلْقِنَا مِنْ اَحَدٍ فَنَشْكُ فَيْكَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَ حَدِّثْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، عَافِ فُلَانٌ بِنَ فُلَانَةٍ وَ صَلَّى عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ»<sup>۶</sup>.

۱. ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر

چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) طَبِّ الْأُمَمَةِ، ص ۱۹.

۲. ترجمه: «پناه می‌برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او آرام می‌گیرد و او شنوا و داناست.» طَبِّ الْأُمَمَةِ، ص ۱۸.

۳. ترجمه: «اگر آن چنان که آنها می‌گویند با او خدایانی بود، در این صورت (خدایان) سعی می‌کردند راهی به سوی (خداوند) صاحب عرش پیدا کنند.» سوره اسراء، آیه ۴۲.

۴. ترجمه: «و هنگامی که به آنها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیاید! منافقان را می‌بینی که از (قبول دعوت) تو، اعراض می‌کنند.» سوره نساء، آیه ۶۱.

۵. طَبِّ الْأُمَمَةِ، ص ۷۱.

۶. ترجمه: «بار خدایا، تو خدایی نیستی که تازه او را پیدا کرده باشیم و پروردگاری نیستی که یادش کهنه شده

۶. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سردرد داشته، یا بیماری حبس البول (پروستات) داشته باشد، دست خود را بر جای درد بگذارد و بگوید: اُسْكُنْ، سَكَّنَتْكَ بِالَّذِي سَكَّنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup>.

۷. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله سردرد یا غیر آن عارض می‌شد، دست‌ها را بلند می‌کرد (همانند حالت قنوت) و سوره حمد و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ می‌خواند، سپس دست‌ها را به صورت می‌کشید»<sup>۲</sup>.

### درمان درد شقیقه و گوش

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حبیب سیستانی از درد شقیقه به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست خود را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه چنین دعا کن، إن شاء الله بر طرف می‌شود: يَا ظَاهِرًا مُّجُودًا وَيَا بَاطِنًا غَيْرَ مَفْقُودٍ، اُرْدُدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ الضَّعِيفِ اَيَادِيكَ الْجَمِيلَةَ عِنْدَهُ وَاذْهَبْ عَنْهُ مَا بِهِ مِنْ اَذَى، اِنَّكَ رَحِيمٌ وُدُوْدٌ»<sup>۳</sup>.

→ باشد و با تو همتیانی نیستند که همراه تو حکم کنند و پیش از تو خدایی نبوده که او را بخوانیم و به او پناه ببریم و به سویی زاری کنیم و تو را واگذاریم و بر خلقت ما کسی تو را کمک نکرده تا درباره تو به تردید افتیم. معبودی جز تو نیست. تو یکتایی و همتایی برای تو نیست. فلانی فرزند فلانی را عافیت بخش و بر محمد و خاندانش درود فرست. مکارم الأخلاق، ص ۴۰۴.

۱. ترجمه: «آرام گیر، آرام ساختم تو را به یاری آن که آنچه در شب و روز است برای او آرام گیرد و او شنوا و داناست». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸، ح ۹ به نقل از امام رضا علیه السلام.

۳. ترجمه: «ای پدیدارِ موجود و ای پنهان غیر مفقود، نعمت‌های نیک که در نزد تو است را به این بنده ناتوان خود که آن نعمت‌ها را داشت برگردان و آنچه از ناراحتی‌هایی را که دامنگیر او شده از او ببر، زیرا تو بسیار مهربانی». طب الأئمة، ص ۲۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵۲، ح ۹.

۲. نیز در روایتی فرمود: «برای درمان درد گوش، دست را بر گوش بمالد و هفت مرتبه بگوید: **أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**».<sup>۱</sup>

### درمان اختلالات مغزی و بیماری صرع

۱. در روایتی می‌خوانیم امام صادق علیه السلام به کسی که دچار اختلال مغزی شده بود سفارش کرد که هر شب این دعا را بخواند: «**بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ، اللَّهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقْظَتِي، أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَجَلَالِهِ، مِمَّا أَجْدُ وَأَخْذَرُ**».<sup>۲</sup>

۲. روایت شده است امام رضا علیه السلام شخصی را دید که مبتلا به صرع بود. ظرفی آب طلبید و سوره حمد و ناس و فلق را بر آن خواند و بر سر و روی او پاشید، آن شخص به هوش آمد.<sup>۳</sup>

## ۷ درمان بیماری‌های چشم و گوش و دندان

### معالجه چشم درد

#### معالجه با آیات قرآن

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرگاه چشم کسی آزرده باشد و با اعتقاد صحیح آیه الکرسی بخواند، شفا می‌یابد».<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «پناه می‌برم به خداوندی که آنچه در خشکی و دریاست و آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او آرام‌گیرد و او شنوا و داناست». *طب الأئمة*، ص ۱۸.

۲. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می‌کنم) ایمان به خدا آوردم و به طاغوت کافر شدم. خدایا، در خواب و بیداریم مرا حفظ فرما. پناه می‌برم به عزت و جلال خداوند از آنچه می‌یابم و از آن در هراسم». *طب الأئمة*، ص ۱۰۷.

۳. *طب الأئمة*، ص ۱۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۴۹.

۴. *مکارم الأخلاق*، ص ۳۷۴.

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «شفای چشم در خواندن سوره حمد و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و آیه الکرسی و کشیدن سرمه قُسط<sup>۱</sup> و مرو<sup>۲</sup> و کندر است»<sup>۳</sup>.

#### معالجه با دعا

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام به شخصی فرمود: «دوست داری دعایی به تو بیاموزم که برای دنیا و آخرت تو سودمند باشد و درد چشم از تو زایل کند؟» عرض کرد: آری. فرمود: «این دعا را همواره پس از نماز صبح و شام بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصْرِیْ وَ الْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَ السَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَ السَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ»<sup>۴</sup>.

۲. در روایتی آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله این دعا را برای درد چشم تجویز فرمود: «اَللّٰهُمَّ مِیْغَنِیْ بِسَمْعِیْ وَ بَصْرِیْ وَ اجْعَلْهُمَا الْوَارِثِیْنِ مِنِّیْ وَ اَنْصُرْنِیْ عَلَیْ مَنْ ظَلَمْتَنِیْ وَ اَرِنِیْ فِیْهِ ثَارِیْ»<sup>۵</sup>.

۱. «قُسط» بیخ گیاهی است بی ساقه که روی زمین می خوابد و دارای برگهای پهن است و به فارسی آن را کوشنه می گویند (فرهنگ عمید).

۲. «مرو» نوعی ماهی بزرگ است که در دریاهاى شمالی، مخصوصاً بین ارض جدید و ایسلند زندگی می کند. آن را در تابستان شکار می کنند و گوشتش را تازه یا نمک سود به مصرف می رسانند. از کبد آن روغنی می گیرند که معروف به روغن ماهی است و در طب به کار می رود (فرهنگ عمید).

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۸.

۴. ترجمه: «بار خدایا، به حقی که تو به محمد و خاندان محمد داده ای، بر محمد و خاندانش درود فرست و در دیده ام نور و در دینم بینایی و بصیرت و در قلبم یقین و در عملم اخلاص و در وجودم سلامتی و در روزی ام وسعت و گشایش قرار ده و تا زمانی که زنده ام توفیق شکرگزاریم ده». مکارم الأخلاق، ص ۳۹۳.

۵. ترجمه: «بار خدایا، از گوش و چشمم مرا بهره مند ساز و آنها را وارث من قرار ده و بر کسی که به من ستم کرده یاری ام کن و انتقامم را از وی بگیر و به من نشان ده». طب الأئمة، ص ۸۳.

۳. در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و چشم آن حضرت بیماری مهمی داشت. روز دیگر به محضرش شرفیاب شد، هیچ اثری از آن بیماری ندید. علت را پرسید؟ حضرت فرمود: «این دعا را خواندم: اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِكَرَمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِبِهَاءِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِغُفْرَانِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِحُكْمِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِذِكْرِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ، اَعُوذُ بِآلِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مَا أَجِدُ فِي عَيْنِي وَمَا أَخَافُ وَأَخْذَرُ. اَللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ، اذْهَبْ ذَلِكَ عَنِّي، بِحَوْلِكَ وَقُدْرَتِكَ»<sup>۱</sup>.

#### درمان تابینایی و شبکوری

۱. ابن شهر آشوب می‌گوید: مردی نابینا شنید که امیرالمؤمنین علیه السلام چنین دعا می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْأَزْوَاجِ الْفَانِيَةِ وَرَبَّ الْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ، أَسْأَلُكَ بِطَاعَةِ الْأَرْوَاحِ الرَّاجِعَةِ إِلَىٰ أَجْسَادِهَا وَبِطَاعَةِ الْأَجْسَادِ الْمُتَلْتَمَةِ إِلَىٰ أَعْضَائِهَا وَبِإِنْشِقَاقِ الْقُبُورِ عَنْ أَهْلِهَا وَبِدَعْوَتِكَ الصَّادِقَةِ فِيهِمْ وَأَخَذِكَ بِالْحَقِّ بَيْنَهُمْ، إِذَا بَرَزَ الْخَلَائِقُ يَنْظُرُونَ قِضَاءَكَ وَيَرَوْنَ سُلْطَانَكَ وَيَخَافُونَ بَطْشَكَ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَكَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَيَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا. وَلَا لَهُمْ يُنصَرُونَ، إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ، أَسْأَلُكَ يَا رَحْمَنُ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَىٰ لِسَانِي، أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۲</sup>. به خانه رفت، وضو ساخت و نماز گزارد، سپس این دعا را خواند.

۱. ترجمه: «در مورد بیماری چشم و آنچه از آن بیم و خوف و وحشت دارم، به عزت و قدرت و عظمت و جلال و جمال و کرم و بهاء و غفران و حکم و ذکر خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان رسول خدا پناه می‌برم. پروردگارا، ای خدای پاکان، به حول و قوتت این ناراحتی را از من زایل کن». مکارم الأخلاق، ص ۴۰۵.

۲. ترجمه: «بار خدایا، از تو می‌خواهم ای پروردگار جهان فانی و پروردگار جسدهای فرسوده، از تو می‌خواهم به اطاعت روحها در بازگشت به جسدهایشان و به طاعت جسدهای به هم پیوند خورده و شکافته شدن قبرها

هنگامی که به جمله «أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصْرِي» رسید، دیده‌اش بینا شد.<sup>۱</sup>  
 ۲. روایت شده است کسی از ضعف نور چشم که به شب‌کوری انجامیده بود، به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آيَةُ ٱللَّهِ نُورُ السَّمَوَاتِ وَٱلْأَرْضِ»<sup>۲</sup> را تا آخر در ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را با آب بشوی و آن آب را در شیشه‌ای نگهداری کن و با میل به چشم خود بکش». آن شخص می‌گوید: کمتر از سه میل کشیدم، بینایی‌ام برگشت.<sup>۳</sup>

#### درمان چشم درد با دارو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «دمبلان (شلغم) از گیاه بهشت و آویشن برای درد چشم سودمند است».<sup>۴</sup>  
 ۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مسواک زدن، آب ریزش چشم را درمان می‌کند و چشم را جلا می‌دهد».<sup>۵</sup>  
 ۳. در روایتی صحیح می‌خوانیم که شخصی از درد چشمش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دارویی از جدوار<sup>۶</sup> و کافور بساز و از هر کدام به

---

→ از اهل آن و به دعوت راستین تو در مورد آنان و گرفتن تو آنان را به حق آن هنگام که خلاق از قبور خارج می‌شوند و منتظر حکم تو هستند و حاکمیت تو را می‌بینند و از مجازات تو می‌ترسند و به رحمت تو امیدوارند. روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌رسانند و روزی که هیچ‌کس دیگری را بی‌نیاز نمی‌کند و آنان یاری نمی‌شوند، مگر آن کس که خداوند به او رحم کند. او عزیز و رحیم است. ای رحمان، از تو می‌خواهم که در دیده‌ام نور و در قلبم یقین قرار دهی و تا زنده‌ام ذکر و یادت را شب و روز بر زبانم جاری سازی، زیرا تو بر هر چیزی توانایی».

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. سوره نور، آیه ۳۵.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۳۷۵.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۵.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۷.

۶. «جدوار» ریشه گیاهی است که در کوه‌های تبت و هند می‌روید و در بعضی نواحی خراسان هم یافت می‌شود. طعمش تلخ و در طب قدیم برای از بین بردن سم به کار می‌رفته است (فرهنگ عمید).



مقدار مساوی استفاده کن.<sup>۱</sup>

۴. نیز در حدیثی فرمود: این دارو ضعف چشم و خیالات را برطرف می‌کند.<sup>۲</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «دهنهٔ فرنک<sup>۳</sup> برای زایل کردن سفیدی که روی چشم ظاهر می‌شود مفید است.»<sup>۴</sup>
۶. در روایتی معتبر آمده است که امام کاظم علیه السلام فرمود: «صبر<sup>۵</sup> سقوطی<sup>۶</sup> و کافور رباحی<sup>۷</sup> (از هر کدام به مقدار مساوی) بسایند، سپس آن را از پارچهٔ ابریشم بیرون کنند و هر ماه یک مرتبه در چشم بکشند؛ این کار دردهای چشم و سر را می‌کشد.»<sup>۸</sup>
۷. روایت شده است که امام حسین علیه السلام به یکی از اصحابش (که از درد چشم رنج می‌برد) فرمود: «هليلةٔ زرد را با هفت دانهٔ فلفل بسای و بپز و بر چشمت بکش.»<sup>۹</sup>
۸. در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از سفیدی که

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۸۰.

۲. همان، ح ۸۱.

۳. «فرنک» قطره‌های سفیدی است که از کوهی در نزدیکی طنجه یا طبنهٔ آفریقا می‌ریزد و برای سفیدی چشم خوب است و معروف به دهنهٔ فرهنگ است. ر.ک: کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۲.

۴. کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۲.

۵. «صبر» شیره یا صمغ گیاهی است به رنگ زرد، طعمش تلخ و در فارسی به آن صَبْر زرد می‌گویند. الواهم گفته‌اند گیاه آن از نوع زنبق و دارای برگ‌هایی پهن و تیغ‌دار است و در وسط آن ساقهٔ بلندی می‌روید و گل‌هایش در سر ساقه قرار دارد (فرهنگ عمید).

۶. «سقوطی» یا «اسقطری» جزیره‌ای است در دریای هند که در سمت راست شهر جایی از شهرهای زنج قرار دارد (کافی، ج ۸، ص ۳۸۶، پاورقی حدیث ۸۳).

۷. «رباح» سود، فایده و نیز به معنای خمر، می و نام شهری است که از آنجا کافور خوب می‌آورده‌اند «کافور رباحی» (فرهنگ عمید).

۸. کافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۳.

۹. طب الأئمه، ص ۸۶.

در چشمش ظاهر شده بود و درد دندان و مفاصل شکایت کرد. حضرت فرمود: «دو درهم فلفل و دو درهم دار فلفل و یک درهم نشادر پاکیزه صاف تهیه کن و هر سه را خوب بسای و از پارچه ابریشم بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن. این کار سفیدی روی چشم را قطع، گوشت چشم را پاک و درد را ساکن می‌کند. سپس چشم را با آب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنگ بکش.»<sup>۱</sup>

۹. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به سلمان و ابوذر فرمود: «هنگامی که چشمتان درد می‌کند، بر پهلوی چپ نخوابید و خرما نخورید.»<sup>۲</sup>

۱۰. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن ماهی برای درد چشم زیان دارد.»<sup>۳</sup> و دست بر چشم مالیدن بعد از شستن دست در پایان غذا، انسان را از درد چشم حفظ می‌کند.<sup>۴</sup> همان‌گونه که گرفتن ناخن و شارب در پنجشنبه و جمعه چنین خاصیتی دارد.<sup>۵</sup>

۱۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد دید صورت مردم آن شهر زرد و چشمانشان کبود است. آنان از بیماری به آن حضرت بسیار شکایت کردند. حضرت فرمود: شما گوشت را بدون آنکه بشوید می‌پزید و می‌خورید، در حالی که هر حیوانی که ذبح می‌شود جنابتی همراه اوست. آنها به فرمایش حضرت عمل کردند و بیماریشان برطرف شد.»<sup>۶</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. همان، ص ۸۴؛ کافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۸ و ۹.

۴. کشف الغم، ج ۲، ص ۶۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۱۹.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۹۸، ح ۱۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، ح ۳۱۱ و ۳۱۲.

۶. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۵، باب ۳۷۷، ح ۱.

## معالجه گوش

### درمان گوش درد با قرآن

۱. در حدیثی می‌خوانیم که کسی از سنگینی گوش به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر گوش خود بکش و این آیات را بخوان: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ \* هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ \* هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ \* هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾»<sup>۱</sup>.

۲. در حدیثی دیگر آمده است که این آیات را بخواند: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ﴾<sup>۲</sup> \* يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾<sup>۳</sup> \* يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ ... وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۴</sup> \* وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّوَكَّلْ

۱. ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدید که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافت. اینها مثال‌هایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشند. و او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، او رحمان و رحیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی‌کند، امنیت‌بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست‌ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می‌کند و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می‌دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده‌ای بی‌سابقه، و صورتگری (بی‌نظیر)؛ برای او نام‌های نیک است؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح او می‌گویند و او عزیز و حکیم است». (سوره حشر، آیات ۲۱-۲۴) طَبَّ الْأُمَمَةِ، ص ۲۳.

۲. ترجمه: «ما شما را از آن [= زمین] آفریدیم؛ و در آن بازمی‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم». سوره طه، آیه ۵۵.

۳. ترجمه: «در آن روز، همه از دعوت‌کننده الهی پیروی کرده و قدرت بر مخالفت او نخواهند داشت (و همگی از قبرها برمی‌خیزند) و همه صداها در برابر (عظمت) خداوند رحمان خاضع می‌شود؛ و جز صدای آهسته چیزی نمی‌شنوی». سوره طه، آیه ۱۰۸.

۴. ترجمه: «ای زمین، آبت را فرو بر... و گفته شد: «قوم ستمگر از رحمت خدا دور باد». سوره هود، آیه ۴۴.

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا<sup>۱</sup> \* وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ<sup>۲</sup> \*

#### درمان گوش درد با داروی گیاهی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درد گوش هفت مرتبه آیه شریفه ﴿كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا﴾<sup>۳</sup> \* إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا<sup>۴</sup> \* را بر روغن یاسمن یا روغن بنفشه بخواند، سپس آن را در گوشش بچکاند».<sup>۵</sup>

۲. در روایت دیگری در مورد درد گوش آمده است: «یک کف کنجد پوست نکنده و یک کف خردل، هر کدام را جدا بکوبند سپس با یکدیگر مخلوط کرده، روغن آن را بگیرند و روغن را در شیشه کرده، در شیشه را با سرپوشی آهنی ببندند و هرگاه که بخواهند دو قطره از آن را در گوش چکانند و پنبه‌ای در گوش بگذارند و این کار را سه روز ادامه دهند تا بهبود یابد».<sup>۶</sup>

۳. در روایتی دیگر می‌خوانیم: «سداب را با روغن زیتون بیزند و چند قطره در گوش بچکانند».<sup>۷</sup>

۱. سوره طلاق، آیه ۲ و ۳، ترجمه: «و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد، و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند، و خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

۲. ترجمه: «و در پیش روی آنها سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی و چشمانشان را پوشانده‌ایم و لذا نمی‌بینند». مکارم الأخلاق، ص ۳۷۷، ح ۹.

۳. ترجمه: «گویبی آن را نشنیده است؛ گویی اصلاً گوش‌هایش سنگین است». سوره لقمان، آیه ۷.

۴. ترجمه: «گوش و چشم و دل، همه مسؤولند». سوره اسراء، آیه ۳۶.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۷۵.

۶. طب الأئمة، ص ۲۲.

۷. همان، ص ۷۳.

۴. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «سداپ برای درد گوش سودمند است».<sup>۱</sup>

## معالجه دندان

### درمان دندان با قرآن

۱. در حدیث است که ابوبصیر از درد دندان به حضرت باقر علیه السلام شکایت کرد و گفت: شب‌ها بر اثر این درد خواب ندارم. حضرت فرمود: «هرگاه اثر درد ظاهر شد دست را بر موضع درد بگذار و سوره حمد و توحید بخوان، سپس این آیه را قرائت کن: ﴿و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَ هِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾».<sup>۲</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را که در روایت بالا ذکر شد به همراه سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ بخوان».<sup>۳</sup>

۳. در روایتی<sup>۴</sup> دیگر این دستور برای درمان درد دندان سفارش شده است: «سوره حمد و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند، سپس بگوید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي الْبَيْتِ وَالنَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾<sup>۵</sup>، قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ \* وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ<sup>۶</sup>، نُودِيَ أَنَّ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

۱. محاسن، ص ۵۱۵، ح ۷۰۸.

۲. ترجمه: «کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکت اند؛ این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده؛ به یقین او از کارهایی که شما انجام می‌دهید آگاه است».  
(سوره نمل، آیه ۸۸) طَبُّ الْأُتَمَّةِ، ص ۲۴.

۳. طَبُّ الْأُتَمَّةِ، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. برای اوست آنچه در شب و روز قرار داد؛ و او شنوا و داناست».  
سوره انعام، آیه ۱۳.

۶. ترجمه: «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سالم باش. آنها می‌خواستند ابراهیم را با این نقشه نابود کنند؛ ولی ما آنها را زیانکارترین مردم قرار دادیم».  
سوره انبیاء، آیات ۶۸ و ۶۹.

الْعَالَمِينَ<sup>۱</sup> اللَّهُمَّ يَا كَافِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْكَ شَيْءٌ، اكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ أَمَتِكَ، مِنْ شَرِّ مَا يَخَافُ وَيَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِي يَشْكُوهُ إِلَيْكَ<sup>۲</sup>.

#### درمانی دیگر

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد دندان، دست را بر محلّ سجده بکش، سپس آن را بر موضع درد بمال و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الشَّافِي وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ<sup>۳</sup>».
۲. در روایت است که کسی از درد دندان به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر دهان بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ، أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الَّتِي لَا يَضُرُّ مَعَهَا شَيْءٌ، قُدُّوسًا قُدُّوسًا قُدُّوسًا، يَا رَبِّ الظَّاهِرِ الْمُبَارَكِ، الَّذِي مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أُعْطِيَتْهُ وَمَنْ دَعَاكَ بِهِ أَجَبْتَهُ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِمَّا أَجْدُ فِي فَمِي وَ فِي رَأْسِي وَ فِي سَمْعِي وَ فِي بَصْرِي وَ فِي بَطْنِي وَ فِي ظَهْرِي وَ فِي يَدِي وَ فِي رِجْلِي وَ فِي جَمِيعِ جَوَارِحِي كُلِّهَا<sup>۴</sup>».

۱. ترجمه: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است. [= فرشتگان و موسی] و منزّه است خداوندی که پروردگار جهانیان است». سوره نمل، آیه ۸.
۲. ترجمه: «بار خدایا، ای که از هر چیزی بی نیازی و هیچ چیز از تو بی نیاز نیست. از بندهات و فرزند کنیز خود شرّ آنچه را که می هراسد و شرّ دردی را که به تو شکایت می کند باز دار».
۳. ترجمه: «به نام خدای شفا دهنده، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست». طب الأئمه، ص ۲۴.
۴. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدایی که با نام او هیچ بیماری ضرر نمی رساند، پناه می برم به کلمات خداوند که با وجود آنها هیچ چیز ضرر نمی رساند و خدایا! تو پاک هستی، پاک هستی، پاک هستی. ای پروردگار، به نام ظاهر و مقدّس و مبارکت که هر کس به آن تو را بخواند به او عطا می کنی و هر کس دعا کند او را اجابت می کنی. از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و مرا از دردهایی که در دهانم و سرم و گوشم و دیده ام و شکمم و پشتم و دستم و پایم و همه اعضا و جوارح بدنم می یابم، عافیت بخشی». طب الأئمه، ص ۲۳.

### درمان دندان درد با دارو

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان دندان درد، سعد (نوعی گیاه معطر) را بر روی آن بگذارید».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سرکه‌ای که از شراب ساخته شده، بن دندان را محکم می‌کند».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که حمزة بن الطیار در حالی که از درد آه می‌کشید خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «تو را چه می‌شود؟» عرض کرد: دندانم درد می‌کند. فرمود: «حجامت کن، درمان می‌شوی». حجامت کرد و شفا یافت. سپس حضرت فرمود: «هیچ دارویی به حجامت کردن و خوردن عسل نمی‌رسد».<sup>۳</sup>
۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مبتلا به درد دهان باشد، یا خون از بن دندان‌هایش آید، یا دندان‌ش درد کند، یا دهانش جوشیده، یا سرخ شده باشد، یک حنظل تازه<sup>۴</sup> که زرد و رسیده باشد، تهیه کند و تمامش را گل بگیرد و سرش را سوراخ و کاردی از آن سوراخ وارد کند و مغزش را به آرامی بتراند به گونه‌ای که سوراخ نشود، سپس سرکه تندى در آن بریزد، بعد بر روی آتش بگذارد تا بسیار بجوشد، آن‌گاه بردارد و هر زمان احتیاج شد به مقدار ناخنی بردارد و بر دندان‌ها و دهان بمالد، سپس با سرکه مضمضه کند و چنانچه بخواهد می‌تواند محتویات حنظل را در شیشه یا ظرف دیگری خالی کند و هرگاه آبش از بین رفت مقداری سرکه به آن اضافه کند و این دارو هر چه کهنه‌تر شود مفیدتر خواهد بود».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۶.

۲. طب الأئمة، ص ۲۴.

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۶۸، ح ۲۳۱.

۴. «حنظل» میوه‌ای است به شکل هندوانه بسیار کوچک، طعمش تلخ، گیاه آن نیز شبیه بوته هندوانه است. و در جاهای خشک و خنک می‌روید. در فارسی هندوانه ابوجهل و خربزه ابوجهل و خربزه روباه و کبست و کبسته و کبستو و کوش و شرنگ هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۸، ص ۱۶۸، ح ۲۳۲.

## ۸ | معالجه برخی از بیماری‌های پوستی

### درمان پیسی<sup>۱</sup>

۱. در حدیث است که یونس بن عمار از پیسی که در بدنش ظاهر شده بود به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هنگامی که یک‌سوم آخر شب فرا می‌رسد وضو بگیر و مشغول نماز شب شو و این دعا را در آخرین سجده نماز بخوان: یا عَلِيُّ یا عَظِيمُ، یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ، یا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ، یا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ، صَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاعْظِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ (و نام آن بیماری را ببر) فَإِنَّهُ قَدْ غَاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي<sup>۲</sup> و در تضرع و دعا اصرار کن». یونس بن عمار گوید: به سفارش امام عمل کردم، قبل از آنکه به کوفه برسم پیسی از من برطرف شد.<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر آمده است که اسحاق بن اسماعیل و دیگران نیز از این بیماری به امام صادق علیه السلام شکایت کردند. حضرت فرمود: «وضو بگیرید و دو رکعت نماز بگزارید و حمد و ثنای الهی کنید و بر محمد و اهل بیت او صلوات بفرستید، سپس این دعا را بخوانید: یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ یا رَحْمَنُ، یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ، یا وَاحِدُ یا وَاحِدُ یا وَاحِدُ، یا أَحَدُ یا أَحَدُ یا أَحَدُ، یا صَمَدُ یا صَمَدُ یا صَمَدُ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، یا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، یا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ، یا رَبَّ الْعَالَمِينَ، یا رَبَّ الْعَالَمِينَ، یا سَامِعَ

۱. «پیسی» (برص)، مرضی است که بر اثر آن لکه‌های سفید روی پوست بدن ظاهر می‌شود (فرهنگ عمید).

۲. ترجمه: «ای خداوند بلند مرتبه، ای بزرگ، ای بخشنده، ای مهربان، ای شنونده خواسته‌ها، ای دهنده نیکی‌ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و از خیر دنیا و آخرت مطابقت کرمت به من عطا کن و شر دنیا و آخرت را مطابق کرمت از من دور کن و این درد را از من برطرف فرما، زیرا مرا به رنج انداخته و محزونم ساخته است».

۳. عده الذاعی، ص ۲۵۷؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۳، ح ۳۰.



الدَّعَوَاتِ، يَا مُنَزَّلَ الْبَرَكَاتِ، يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَاعْظِنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَذْهَبْ مَا بِي، فَقَدْ  
غَاضِبُنِي الْأَمْرُ وَأَحْزَنَنِي»<sup>۱</sup>.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «سوره یاسین را با غسل بر ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب حاصل از آن را بنوش تا پیسی برطرف شود»<sup>۲</sup>.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «سوره انعام را با غسل در ظرفی بنویس، سپس آن را با آب بشوی و آب آن را بنوش»<sup>۳</sup>.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خوردن چغندری که با گوشت گاو پخته شده باشد، پیسی را برطرف می‌کند»<sup>۴</sup>.

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هیچ چیز برای پیسی سودمندتر از تربت امام حسین علیه السلام نیست، (مقدار کمی) از آن را با آب باران بخور و بر محلّ بیماری بمال»<sup>۵</sup>.

### درمان خوره (جدام)

۱. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «آیات زیر را برای درمان خوره

۱. ترجمه: «ای خدا، ای خدا، ای رحمان، ای رحمان، ای رحمان، ای رحیم، ای رحیم، ای رحیم، ای یکتا، ای یکتا، ای احد، ای احد، ای احد، ای صمد، ای صمد، ای صمد، ای صمد، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای قدرتمندترین قدرتمندان، ای پروردگار دو جهان، ای پروردگار دو جهان، ای پروردگار دو جهان، ای شنونده دعاها، ای نازل‌کننده برکات، ای عطاکننده نیکی‌ها، بر محمد و آل محمد درود فرست و خیر دنیا و آخرت را به من عطا کن و شر دنیا و آخرت را از من دور کن و بیماریم را شفا بخش که این بیماری مرا به رنج انداخته و محزونم کرده است». مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۲۳، ح ۳۰.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۳. همان.

۴. محاسن، ص ۵۱۹، ح ۷۲۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

و پیسی بر ظرفی بنویس، سپس آن ظرف را بشوی و آب آن را بخور و این آیات را همراه خود داشته باش: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلثَ وَرُبَاعَ ۲ بِاسْمِ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ. و به جای فلان بن فلان، نام بیمار و پدرش برده شود».<sup>۳</sup>

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوشت گاو، خوره و پیسی را برطرف می سازد».<sup>۴</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «موی بینی از مبتلا شدن به خوره جلوگیری می کند».<sup>۵</sup>

۴. نیز در حدیثی فرمود: «تربت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، خوره را برطرف می سازد».<sup>۶</sup>

۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرفتن شارب در هر روز جمعه، باعث حفظ از بیماری خوره می شود».<sup>۷</sup>

۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمینه ابتلای به بیماری خوره در همه وجود دارد و خوردن شلغم، زمینه آن را از بین می برد».<sup>۸</sup>

۱. ترجمه: «خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد ثابت نگاه می دارد؛ و «ام الكتاب» [= لوح محفوظ] نزد اوست». سوره رعد، آیه ۳۹.

۲. ترجمه: «ستایش مخصوص خداوند است، آفریننده آسمانها و زمین که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه». سوره فاطر، آیه ۱.

۳. مکارم الأخلاق، فی الاستشفاء بالقرآن، ص ۴۴۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۵.

۵. همان، ح ۸.

۶. همان، ح ۹.

۷. همان، ص ۲۱۳، ح ۱۰.

۸. همان، ح ۱۱.

## درمان بهق<sup>۱</sup>

۱. در کتاب مکارم الأخلاق آمده است: «برای درمان بیماری بهق، این آیات را بر موضع بیماری بنویسد: ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾<sup>۲</sup>. هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ \* أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ﴾<sup>۳</sup>.
۲. در حدیث است که کسی از پیسی و بهق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «به حمام برو، حنا و نوره را با هم مخلوط کن و بر محل آن بمال، اثری از آن نخواهد ماند»<sup>۴</sup>.

## درمان زگیل<sup>۵</sup>

- از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر زگیل بمال و این دعا را سه نوبت بخوان: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ»<sup>۶</sup>.

۱. «بَهَق» لکته سفیدی که بر اثر علتهای غیر از بیماری برص روی پوست پیدا می‌شود. در عربی به آن بهق می‌گویند (فرهنگ عمید).
۲. ترجمه: «و خزاین همه چیز، تنها نزد ماست؛ ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم». -سوره حجر، آیه ۲۱.
۳. ترجمه: «آیا هنگامی که آنها را می‌خوانید صدای شما را می‌شنوند؟! - یا سود و زیانی به شما می‌رسانند؟!» (سوره شعرا، آیات ۷۲ و ۷۳) مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.
۴. طب الأئمه، ص ۷۱.
۵. «آزخ» دانه کوچک سفت و سخت که روی پوست بدن پیدا می‌شود اما درد ندارد. ازخ، آزخ، زگیل، وردان و بالوهم گفته می‌شود (فرهنگ عمید).
۶. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست و هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. بار خدایا، مشکلی را که در بدن من هست از من محو کن». طب الأئمه، ص ۶۰.

## درمان دمل و طاعون

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای دانه‌ها و دمل‌های ریزی که در بدن ظاهر می‌شود، در ابتدای ظهورش انگشت شهادت را بر دور آنها بگرداند و هفت مرتبه ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ» بگوید و در مرتبه هفتم انگشت را با (کمی) فشار بر روی آن بگذارد».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «بیشتر دمل‌ها و دانه‌های ریز از خون فاسدی است که در وقت طغیان آن را از بدن بیرون نمی‌کنند؛ بنابراین، هر که این مشکل در بدنش پدید آید هنگامی که به رختخواب می‌رود این دعا را بخواند: أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ، الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ<sup>۲</sup> تا از این دردها و سایر دردها عافیت یابد».<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «برای کری و دمل و قوبا<sup>۴</sup>، این آیات را بنویسد و با خود نگاه دارد: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾<sup>۵</sup>، ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾<sup>۶</sup> اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَنْتَ لَا تَكْبُرُ وَ اللَّهُ يَبْقَى وَ أَنْتَ لَا تَبْقَى وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».<sup>۷</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۳۸.

۲. ترجمه: «از شرّ هر صاحب شرّی، به خداوند بزرگ و کلمات تامّة او که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن عبور نمی‌کند، پناه می‌برم».

۳. طب الأئمة، ص ۱۰۸.

۴. «قوبا» نوعی بیماری پوستی است.

۵. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. و کلمه خبیثه (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده و قرار و ثبات ندارد».

سوره ابراهیم، آیه ۲۶.

۶. ترجمه: «ما شما را از زمین آفریدیم؛ و به آن باز می‌گردانیم و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم».

سوره طه، آیه ۵۵.

۷. ترجمه: «خداوند بزرگ‌تر از آن است که وصف شود و تو (ای درد) بزرگ نیستی، خداوند باقی می‌ماند و تو (ای درد) باقی نمی‌مانی و خداوند توانا بر هر چیزی است».

مکارم الأخلاق، ص ۳۸۴.

۴. در حدیث است که کسی به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: ماده طاعون در بدن من ظاهر شده (و علامت‌های آن آشکار گشته، چه کنم؟) حضرت فرمود: «سبب بخور». آن شخص به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت.<sup>۱</sup>

### درمان خنازیر<sup>۲</sup> و ورم

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در خانه ما در گردن دختری خنازیر ظاهر شد. کسی در خواب به من گفت: دعای «یا رُوُوفُ یا رَحِيمُ یا رَبِّ یا سَيِّدِي» را مکرر بخواند».<sup>۳</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «برای درمان هر ورمی که در بدن پدید آید و می‌ترسی به حالتی بد منتهی شود، در زمانی که برای نماز واجب وضو داری قبل از نماز برای شفای آن ورم این سوره را از آیه: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾<sup>۴</sup>، (تا آخر) بخوان. اگر چنین کنی آن ورم به زودی آرام گیرد».<sup>۵</sup>

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر هر ورمی، آیات آخر سوره حشر را از: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ﴾، تا پایان سوره سه مرتبه بخوان».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۵۵۲، ح ۸۹۵.

۲. «خنازیر» به معنای غده‌های سختی است که در گردن و زیر گلو پیدا می‌شود و گاه تبدیل به زخم و جراحت می‌گردد و از آنها چرک می‌آید (فرهنگ عمید).

۳. دعوات راوندی، ص ۱۹۷، ح ۵۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۰۰، ح ۳.

۴. ترجمه: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدیم که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافت». سوره حشر، آیه ۲۱.

۵. طب الأئمة، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۰۰.

۶. طب الأئمة، ص ۴۸ (باترجمه).

## درمان غدّه

در حدیث است که کسی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: در بدنم غدّه‌ای ظاهر شده (چه کنم؟) حضرت فرمود: «سه روز روزه بگیر و روز چهارم به هنگام ظهر غسل کن و به صحرا یا پشت بام ساختمان بلندی برو و چهار رکعت نماز با هر سوره‌ای که بخواهی بگزار و در حدّ امکان در گریه و تضرّع و حضور قلب تلاش کن و هنگامی که از نماز فارغ شدی لباس از تن درآور و لباس کهنه پاکیزه‌ای به مانند لنگ بر خود ببند و بر خاک سجده کن و پهلوی راست خود را بر خاک بگذار و با خشوع و گریه این دعا را بخوان: یا واحد یا احد، یا کریم یا جبار، یا قریب یا مجیب، یا ارحم الراحمین، صلّ علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من مریض و البسینی العافیة الکافیة الشافیة، فی الدنیا والآخرة وامنن علیّ بتمام النعمة واذهب ما بی، فقد آذانی وغمّنی».<sup>۱</sup> سپس فرمود: «هنگامی عمل به این دستور سودمند خواهد بود که یقین به تأثیرش داشته باشی». آن شخص عمل کرد و به زودی شفا گرفت.<sup>۲</sup>

## ۹ | معالجه بیماری‌های داخلی

### درمان بیماری‌های شکم

#### معالجه درد شکم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید و گفت: برادرم را درد شکم آزار می‌دهد، چه کند؟ حضرت

۱. ترجمه: «ای خداوند یگانه، ای یکتا، ای کریم، ای جبار، ای نزدیک، ای اجابت‌کننده، ای مهربان‌ترین مهربانان، بر محمد و آل محمد درود فرست و بیماری مرا شفا ده و لباس عافیت کامل و شفا در دنیا و آخرت بر من بیوشان و با تمام و کامل کردن نعمتت بر من منت بگذار و آنچه را که از بیماری‌ها در وجود من است زایل فرما که مرا آزار داده و غمگین ساخته است».

۲. طب الأئمة، ص ۱۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۳۷۷، ح ۳۶.

فرمود: «به او بگو: اندکی عسل با آب گرم بخورد». روز دیگر آمد و عرض کرد: خورد ولی برطرف نشد. فرمود: «برو باز هم به او عسل بده تا بخورد و سوره حمد را نیز هفت مرتبه نزد او بخوان». چون آن شخص رفت، حضرت فرمود: «برادرش منافق است، بدین علت خوردن عسل سودی برای او ندارد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیث است که کسی از درد شکم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب بخور و این دعا را بخوان: یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ، یا رَبَّ الْأَرْبابِ، یا إِلَهَ الْأَلْهَةِ، یا مَلِكَ الْمُلُوكِ، یا سَيِّدَ السَّادَاتِ، اِشْفِنِي بِشِفَائِكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ، أَتَقَلَّبُ فِي قَبْضَتِكَ».<sup>۲</sup>

#### معالجه ناراحتی شکم

۱. در حدیث است که کسی از پیچش شکم به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آبی به دست بگیر و این آیه را سه مرتبه بر آن بخوان: ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾<sup>۳</sup>، سپس بگو: ﴿أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾».<sup>۴</sup> سپس آب را بنوش و با دو دست بر شکم بمال».<sup>۵</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «این آیات را بر روغن بخواند، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ \* وَ فَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَيَّ أَمْرٍ

۱. طب الأئمة، ص ۲۸.

۲. همان. ترجمه مشابه دعای مذکور قبلاً گذشت.

۳. ترجمه: «خداوند راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را». سوره بقره، آیه ۱۸۵.

۴. ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!» سوره نساء، آیه ۳۰.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۳، با اختلاف و اضافات.

قَدْ قَدِرَ \* وَحَمَلْنَا عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسْرٍ<sup>١</sup>، فَ«فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>٢</sup>  
 بِاسْمِ فَلَانِ بْنِ فَلَانٍ، «أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا  
 فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»<sup>٣</sup>.

٣. در حدیث است که کسی از درد پیچش شکم به امام رضا علیه السلام شکایت کرد.  
 حضرت فرمود: «گردویی بر روی آتش بگذار، هنگامی که مغزش بریان شد، از  
 پوست جدا کن و بخور»<sup>٤</sup>.

### درمان درد سینه

١. در حدیث است که شخصی از درد سینه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد.  
 حضرت فرمود: «از قرآن طلب شفا کن، زیرا خداوند فرماید: «شِفَاءٌ لِمَا فِي  
 الصُّدُورِ»<sup>٥</sup>.

٢. نیز کسی از درد ناف شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر آن موضع بگذار  
 و سه مرتبه بگو: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ  
 تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»<sup>٦</sup>.

١. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. پس درهای آسمان را با آبی فراوان گشودیم! و زمین را شکافتیم  
 و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند. و او را بر مرکبی از الواح  
 و میخ‌هایی ساخته شده سوار کردیم». سوره قمر، آیات ١١ - ١٣.

٢. ترجمه: «درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آنها گشودیم». سوره انعام، آیه ٤٤.

٣. سوره انبیاء، آیه ٣٠؛ ترجمه آیه شریفه گذشت. مکارم الأخلاق، ص ٣٨٢.

٤. طب الأئمة، ص ١٠١.

٥. ترجمه: «درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شماسست)». (سوره یونس، آیه ٥٧)  
 مکارم الأخلاق، ص ٣٧٨.

٦. ترجمه: «و این کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش‌رو و نه از پشت سر، به سراغ



## درمان درد طحال

۱. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان درد طحال این آیات را با زعفران بنویسد، سپس با آب زمزم بشوید و بخورد: ﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوا بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا \* وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَثِيرُهُ تَكْوِينًا﴾»<sup>۱</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از درد طحال به آن حضرت شکایت کرد و گفت: تمام روش‌های معالجه آن را به کار بستم اما روز به روز درد آن بیشتر شده، تا جایی که مرا در آستانه مرگ قرار داده است. چه کنم؟ حضرت فرمود: مقداری تره خریداری کن و آن را با روغن حیوانی سرخ کن و تا سه روز از آن بخور، إن شاء الله این کار باعث بهبودی تو می‌شود»<sup>۲</sup>.

۳. مرحوم کلینی با سند معتبر روایت کرده است که به امام کاظم علیه السلام خبر دادند یکی از خادمان شما درد طحال دارد. حضرت فرمود: «سه روز به او تره بخورانید. غلام به دستور حضرت عمل کرد و درمان شد»<sup>۳</sup>.

→ آن نمی‌آید؛ چرا که از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است». (سوره فصلت، آیات ۴۱ و ۴۲) طب الأئمه، ص ۲۸.

۱. ترجمه: «بگو: الله را بخوانید یا رحمان را هر کدام را که بخوانید، (ذات پاکش یکی است؛ و) برای او بهترین نام‌هاست. و نماز را زیاد بلند، یا خیلی آهسته بخوان و در میان آن دو، راهی (معتدل) انتخاب کن. و بگو: ستایش برای خداوندی است که نه فرزندی برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلت، (حامی و) سرپرستی برای اوست. و او را بسیار بزرگ بشمار». (سوره اسراء، آیات ۱۱۰ و ۱۱۱) طب الأئمه، ص ۲۹ و ۳۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۱، ح ۹.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱.

## درمان زخم جگر و بیماری‌های معده

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت حزقیل به زخم جگر مبتلا شد. دعا کرد که عافیت یابد. وحی آمد: شیرۀ انجیر را بگیر و بر سینه‌ات بمال. این کار را کرد و خوب شد».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که کسی از ضعف معده به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «حُزَاء<sup>۲</sup> را با آب سرد بخور».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خرمای ناشتا خوردن، کرم معده را می‌کشد».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سرکه‌ای که از شراب ساخته شده استفاده کنید که کرم‌های معده را می‌کشد».<sup>۵</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام خواب هفت دانه خرمای عجوه<sup>۶</sup> بخورد کرم‌های معده‌اش از بین می‌رود».<sup>۷</sup>

## درمان اسهال

۱. در روایات معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای درمان اسهال

۱. محاسن، ص ۵۵۳، ج ۹۰۲.

۲. «حُزَاء» گیاهی است شبیه کرفس که بویی تلخ دارد و آن را به فارسی دینارویه گویند. از رستن‌های دارویی است و آن دو نوع است: صحرايي و باغی، صحرايي را سداب بری و تخم آن را به شیرازی برگ کازرونی خوانند و باغی آن را به شیرازی آهو دوستک نامند (معارف و معاریف، ج ۲، ص ۹۱۲).

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۶۵، ج ۲۲۰.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸، ج ۱۸۵.

۵. همان، ص ۴۰، ج ۱۲۷.

۶. از بهترین خرماهای مدینه است که در احادیث فواید بسیاری برای آن بیان شده است.

۷. محاسن، ص ۵۳۳، ج ۷۹۱؛ کافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ج ۲۰.

مقداری برنج شسته، در سایه بخشکانند سپس آن را بر روی آتش تافته، نرم بکوبند و هر روز صبح به اندازه یک کف دست بخورند.<sup>۱</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «برای معالجه اسهال مقداری برنج در دیگ کن و با آب بجوشان و چهار یا پنج قطعه سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود، سپس پیه قلوۀ تازه را بگیر و با آن سنگ‌ها در میان کاسه‌ای بینداز و کاسه‌ای دیگر بر سرش بگذار تا بخارش خارج نشود و آن کاسه را تکان بده تا آن پیه آب شود، سپس برنج که پخته شد آن روغن را بر روی آن بریز و بخور».<sup>۲</sup>

### درمان قولنج

۱. در چندین روایت آمده است که برای درمان قولنج و درد شکم، سوره حمد، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس، سپس این دعا را نیز به آن اضافه کن: «أَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِعِزَّتِهِ الَّتِي لَا تُرَامُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْوَجَعِ وَشَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا أَخَذَرُ مِنْهُ»<sup>۳</sup>، سپس آن را بشوی و آب آن را به هنگام خواب یا ناشتا بنوش».<sup>۴</sup>

۲. در روایتی دیگر می‌خوانیم که دستورالعمل مزبور برای فالج و درمان تمام بادها سودمند است.<sup>۵</sup>

۱. محاسن، ص ۵۰۳، ح ۶۳۲.

۲. همان، ح ۶۳۳.

۳. ترجمه: «پناه می‌برم به ذات پاک خداوند بزرگ و به عزت‌ش که هیچ‌کس به آن نرسد و به قدرت‌ش که چیزی از آن سر نتابد، از شرّ این درد و شرّ آنچه در آن است و از شرّ آنچه از آن در هراسم».

۴. طب الأئمه، ص ۶۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۸۲.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۳.

## درمان درد باسن

۱. در حدیث است که کسی از درد باسن به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز بر موضع سجده دست بکش، سپس دست خود را بر محل درد بکش و این آیات را بخوان: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ \* فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ \* وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ \* وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾»<sup>۱</sup>. راوی گفت: به دستور مزبور عمل کردم به زودی درد برطرف شد.<sup>۲</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دست بر آن موضع بمال و سه مرتبه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي<sup>۳</sup> و در هر مرتبه دست بر آن موضع بکش»<sup>۴</sup>.

۳. در چندین روایت آمده است: خوردن ریزه‌هایی که از سفره می‌ریزد، درد باسن را برطرف می‌کند.<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده‌ایم و به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟! پس بلندمرتبه است خداوندی که فرمانروای حق است، معبودی جز او نیست؛ و او پروردگار عرش کریم است. و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند - و به یقین هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت -، حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ به راستی کافران رستگار نخواهند شد. و بگو: «پروردگارا، مرا ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم‌کنندگانی». سوره مؤمنون، آیات ۱۱۵-۱۱۸.

۲. طب الأئمة، ص ۲۸ و ۲۹.

۳. ترجمه: «به نام و به ذات (پاک) خداوند (شروع می‌کنم.)، هیچ پناه و نیرویی جز از ناحیه خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست. خداوند، درد باسن مرا محو و نابود کن».

۴. مکارم الأخلاق، ص ۴۰۷.

۵. محاسن، ص ۴۴۴، ح ۳۲۴.

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجُدان رومی<sup>۱</sup> بخورید که درد باسن را زایل می‌کند».<sup>۲</sup>

۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا بیماری‌هایی که دامنگیر انسان‌ها می‌شد، به حضرت عیسی علیه السلام می‌رسید؟ فرمود: «آری، ایشان در دوران کودکی به بیماری‌های بزرگسالان مبتلا می‌شد؛ درد باسن از دردهای بزرگان است که در کودکی گاه دامنگیر آن حضرت می‌شد. در این هنگام به مادرش می‌گفت: عسل و سیاهدانه و روغن زیتون را با یکدیگر مخلوط کن و برایم بیاور. هنگامی که مادر آن را آماده می‌کرد و برای حضرت می‌آورد، از خوردن آن کراهت داشت. حضرت مریم علیها السلام می‌گفت: تو خود این دارو را طلبیدی، چرا از خوردن آن کراهت داری؟ می‌فرمود: به علم پیامبری آن را طلبیدم، اما به طبع کودکی و به سبب بدمزگی دارو از آن کراهت دارم. سپس آن را گرفته و تناول می‌کرد».<sup>۳</sup>

#### درمان درد پشت

۱. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام در سفر بود، فرزندش اسماعیل از درد شکم و پشت شکایت کرد. حضرت وی را طلبید و فرمود: «بر پشت بخواب و این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ بِصُنْعِ اللَّهِ الَّذِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ، إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ، أُسْكُنْ يَا رِيحُ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».<sup>۴</sup>

۱. «انجُدان» معرّب انگدان، گیاهی است دارای ساقه‌های ستبر و میان تهی، برگ‌هایش سوراخدار و گل‌هایش چتری، مانند گل شبت و میوه آن سیاه و بدبو است (فرهنگ عمید).

۲. طب الأئمه، ص ۶۰.

۳. قصص الأنبياء راوندی، ص ۲۷۰، ح ۳۱۵.

۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا و به آفرینش خداوند که هر چیزی را استوار کرده، همانا او آگاه

۲. نیز کسی از درد پشت به امیر مؤمنان علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر محلّی که درد می‌کند بگذار و سه مرتبه این آیه را بخوان: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَجَزَى الشَّاكِرِينَ﴾<sup>۱</sup> سپس هفت مرتبه سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را تلاوت کن».<sup>۲</sup>

### درمان سرفه و سل و دردهای درونی

۱. در حدیث است که کسی از سرفه به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «مقداری از انجودان رومی با همان مقدار از نبات سفوف کن<sup>۳</sup> و یک یا دو روز بخور». شخص بیمار می‌گوید: یک روز خوردم برطرف شد.<sup>۴</sup>

۲. کسی از سرفه به امام رضا علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «فلفل سفید، خربق سفید، سنبل، قاقله، زعفران، بذر البنج، از هر کدام یک جزء و از فرفیون دو جزء بگیر و همه را ساییده از حریر بیرون کن، سپس با عسل کف گرفته خمیر کن و با آن قطعات نیم‌گرمی درست کن و برای سرفه تازه و کهنه، وقت خواب یک عدد با آب رازیانه بخور».<sup>۵</sup>

→ است به آنچه که انجام می‌دهد. ای درد، آرام شو به قدرتی که آسمان‌ها و زمین در برابر آن آرام شده و او شنوا و داناست». *طب الأئمة*، ص ۷۹.

۱. ترجمه: «هیچ‌کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، سرنوشتی است تعیین شده، (بنابراین، مرگ پیامبر یا دیگران یک سنت الهی است) هر کس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود در این راه گام بردارد) چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت را بخواهد از آن به او می‌دهیم؛ و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد». *سورة آل عمران*، آیه ۱۴۵.

۲. *طب الأئمة*، ص ۳۰.

۳. «سَفُوف» داروی خشک کوبیده، داروی نرمی که روی زبان بریزند و فرو ببرند (فرهنگ عمید).

۴. کافی، ج ۸، ص ۱۶۷، ح ۲۲۷.

۵. *طب الأئمة*، ص ۸۶.

۳. نیز کسی از بیماری سل به امام کاظم علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «سنبله، قاقله، زعفران، عاقرقرحا، بذر البنج، خربق و فلفل سفید از هر کدام به مقدار مساوی بگیر و دو برابر هر یک از اجزاء فرفیون به آن اضافه کن و همه را ساییده از حریر بیرون کن و به مقدار یک نخود در سه شب با آب گرم بخور». بیمار به دستور حضرت عمل کرد و شفا یافت.<sup>۱</sup>
۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گلابی بخورید که دل را جلا می‌دهد و دردهای درونی را التیام می‌بخشد».<sup>۲</sup>

### ۱۰۰ معالجه درد مفاصل، بیماری‌های مثانه و دیگر امراض

۱. در روایتی می‌خوانیم که برنج و خرماي نارس (خارک)، بواسیر را زایل می‌کند.<sup>۳</sup>
۲. در حدیث است که امام رضا علیه السلام این معجون را برای درمان بواسیر سفارش فرمود: «مقداری از هلیله سیاه و بلبله و آمله را به طور مساوی گرفته، آن را کوبیده و از پارچه حریر بیرون کند، سپس مقداری مقل ازرق<sup>۴</sup> تهیه کرده، آن را سه شب در آب تره خیس کند، بعد این دو را با هم مخلوط و خمیر کنند. آن‌گاه دست را با روغن بنفشه چرب کرده، خمیر را به اندازه یک عدس از هم جدا و در سایه خشک کند. سپس در تابستان روزی یک و در زمستان روزی دو مثقال

۱. طب الأئمه، ص ۸۵.

۲. محاسن، ص ۵۵۳، ح ۹۰۱.

۳. همان، ص ۵۰۳ و ۵۰۴، ح ۶۳۴.

۴. «مقل» صمغ درختی است که در سواحل دریای عمان و هندوستان می‌روید. طعمش تلخ است و یک نوع آن که رنگش مایل به سرخی است مقل ازرق نامیده می‌شود. و به نوع دیگر آن که زرد رنگ است مقل الیهود می‌گویند (فرهنگ عمید).

بخورد. و در ایّامی که این دارو را مصرف می‌کند از خوردن ماهی، سرکه و سبزیجات پرهیزد.<sup>۱</sup>

## درمان بلغم<sup>۲</sup>

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صبح ناشتا حمّام رفتن، بلغم را برطرف می‌کند. و حمّام کردن پس از غذا، صفرا و سودا را درمان می‌کند.»<sup>۳</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شانه کردن بسیار، از بلغم می‌کاهد.»<sup>۴</sup>

۳. در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «به هنگام زیاد شدن بلغم، قنדרان رومی<sup>۵</sup>، کندر، آویشن<sup>۶</sup>، زنیان و سیاهدانه، از هر کدام به مقدار مساوی بگیر و همه را نرم بکوب و بپز و با عسل مخلوط کن و هر شب هنگام خواب به مقدار یک فندق بخور.»<sup>۷</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۱۰۱.

۲. «بلغم» ماده‌ای سفید و لزج است که از داخل بدن ترشح کرده و خارج می‌شود و در اصطلاح طب قدیم یکی از اخلاط چهارگانه بدن به شمار می‌رود (فرهنگ عمید).

۳. طب الأئمة، ص ۶۶.

۴. همان.

۵. «قنדרان»، «قندرون» شیرۀ سنگ، شیرۀ ای که در ریشهٔ سنگ وجود دارد. مارنه و مکرنه هم گفته شده است. «شنگ» گیاهی است بیابانی دارای برگ‌های دراز شبیه برگ گندم. آن را با سرکه می‌خورند، ریشهٔ آن شیرۀ چسبنده‌ای دارد که در مجاورت هوا سیاه می‌شود (فرهنگ عمید).

۶. «آویشن» گیاهی است صحرایی و معطر، دارای برگ‌های کوچک و ساقه‌های کوتاه که آن را برای بوی خوشی که دارد در ماست یا دوغ می‌زنند. «آوشین» و «آویشین» و «اوشین» و «اوشن» هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۷. طب الأئمة ص ۱۹.



۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک مثقال هلیله زرد، دو مثقال خردل و یک مثقال عاقرقرحا تهیه کن و آنها را نرم بکوب و صبح ناشتا بر داندن‌ها بمال که بلغم را درمان و دهان را خوشبو و داندان‌ها را محکم می‌کند».<sup>۱</sup>

## درمان لقوه<sup>۲</sup>

۱. در حدیث است کسی که مبتلا به لقوه بود خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «به حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله برو، دو رکعت نماز بخوان، سپس دست بر صورت بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِهَذَا أُخْرَجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ مِنْ عَيْنِ إِنْسٍ أَوْ عَيْنِ جِنٍّ أَوْ وَجَعٍ أُخْرَجُ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ بِالَّذِي اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَ كَلَّمَ مُوسَى تَكْلِيمًا وَ خَلَقَ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ، لَمَّا هَدَاتُ وَ طَفَّتْ كَمَا طَفَّتْ نَارُ إِبْرَاهِيمَ، إِطْفِئْ بِإِذْنِ اللَّهِ، إِطْفِئْ بِإِذْنِ اللَّهِ».<sup>۳</sup> آن شخص دو مرتبه این کار را کرد، شفا یافت.<sup>۴</sup>

۲. در حدیث است که صباح بن محارب به حضرت کاظم علیه السلام عرض کرد: شخصی مبتلا به باد لقوه شده و صورت و چشمانش را برگردانده است. حضرت فرمود: «پنج مثقال قَرْنَفُل<sup>۵</sup> در شیشه‌ای قرار بده و سرش را محکم ببند و بر آن گِل

۱. همان، ص ۶۶.

۲. «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می‌شود و لب و دهان یافک به طرفی کج می‌گردد (فرهنگ عمید).

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا، خارج شو. ای درد حاصل شده از چشم‌زخم انسان یا دیگر موجودات. تو را سوگند می‌دهم به آن کسی که ابراهیم را خلیل خود قرار داد و با موسی سخن گفت و عیسی را به وسیله روح القدس آفرید که خاموش شوی، همچنان که آتش بر ابراهیم خاموش شد، خاموش شو به اذن الله، خاموش شو به اذن الله».

۴. رجال کشی، ص ۱۹۹، ح ۳۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۷۴.

۵. «قَرْنَفُل» از زبان یونانی گرفته شده و گلی است کوچک از رسته میخک‌ها، دارای پنج گلبرگ، بوته آن کوتاه

بمال و در تابستان به مقدار یک روز و در زمستان به مقدار دو روز آن را در آفتاب بگذار، سپس محتوای شیشه را بیرون بیاور و نرم بکوب و با آب باران مخلوط کن و بر پشت بخواب و از آن دارو به آن قسمت بدن که دچار بیماری شده بمال و به همان ترتیب بخواب تا قرنفل خشک شود». آن شخص به دستور امام عمل کرد، بیماریش برطرف شد.<sup>۱</sup>

### درمان بادهای بدن و درد مفاصل

۱. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: از سر تا پای مرا باد فرا گرفته، چه کنم؟ فرمود: «صبح ناشتا عنبر و روغن در بینی بچکان».<sup>۲</sup>

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای درمان قولنج، بادهای، درد مفاصل، سستی بدن و برودت داخلی، این دارو مفید است: یک کف انجیر خشک و یک کف سنبلله در ظرفی بریز و قدری آب به آن اضافه کن که روی آنها را بگیرد، سپس پخته و بعد صاف کن و یک روز در میان بخور، تا در مجموع روزها به مقدار یک ظرف بزرگ خورده شود».<sup>۳</sup>

۳. در حدیث است که کسی از درد مفاصل به امام باقر علیه السلام شکایت کرد، حضرت فرمود این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّهِ وَبِحَقِّ ابْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِحَقِّ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، إِلَّا أَذْهَبَتْ

→ و دارای برگ‌های دراز است. ثمر درختی هم هست خوشبو و دارای طعم تند. به عربی نیز قرنفل می‌گویند و در فارسی هم به آن میخک می‌گویند (فرهنگ عمید).

۱. طب الأئمة، ص ۷۰، از امام جواد علیه السلام.

۲. همان.

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۶۶، ح ۲۲۱.

عَنِّي شَرٌّ مَا أَجِدُ، بِحَقِّهِمْ بِحَقِّهِمْ، بِحَقِّكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup> هنگامی که این دعا را خواند فوراً درد ساکن شد.<sup>۲</sup>

### درمان درد پا

۱. در حدیث است که شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر موضع درد بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»<sup>۳</sup> «وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۴</sup>.
۲. نیز شخصی از درد پا به امام حسین علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «از اوّل سوره «أَنَا فَتَحْنَا» تا «وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا» را تلاوت کن».<sup>۵</sup>

### درمان درد ران و زانو

۱. نیز شخصی از درد ران به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «آب گرم در طشت کن و در میان آب بنشین و دست بر موضع درد بگذار و این

۱. ترجمه: «بار خدایا، تو را می‌خوانم به نام‌ها و برکات و دعوت پیامبرت که پاکیزه و مبارک و در نزد تو دارای مرتبه‌ و الایی است. و به حق او و به حق دخترش فاطمه که خجسته است و به حق جانشین او امیرالمؤمنین علیه السلام و به حق دو آقا جوانان اهل بهشت (حسن و حسین علیه السلام)، به حق ایشان، به حق ایشان، به حق خودت ای خدای جهانیان آنچه را که در خود می‌بایم برطرف کن».

۲. طب الأئمه، ص ۶۹ و ۷۰.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم) و بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ درود می‌فرستم».

۴. ترجمه: «و آنها خدا را آن‌گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه (قدرت) اوست و آسمان‌ها پیچیده در دست او، خداوند منزّه و برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند».

(سوره زمر، آیه ۶۷) طب الأئمه، ص ۳۳.

۵. طب الأئمه، ص ۳۳.

ایه را بخوان: «أَوْ لَمْ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup>.

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که ابو حمزه از درد زانو به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «پس از نماز این دعا را بخوان: يَا جَوَادَ مَنْ أُعْطِيَ وَيَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ، إِزْحَمَ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَاعْفُفْنِي مِنْ وَجْعِي»<sup>۲</sup>. ابو حمزه به این دستور عمل کرد و فوراً شفا گرفت.<sup>۳</sup>

### درمان درد ساق و مثنانه

۱. در حدیث است که سالم بن محمد از درد ساق به امام صادق علیه السلام شکایت کرد و گفت: این درد مرا از انجام دادن هر کاری بازداشته است. امام فرمود: «این آیه را هفت مرتبه بر آن موضع بخوان» «وَإِنلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا»<sup>۴</sup>.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن سنگ مثنانه، هلیله و بلیله و آمله و فلفل و دار فلفل و دارچین و زنجبیل و شقاقل<sup>۵</sup> و انیسون<sup>۶</sup>

۱. ترجمه: «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر

چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟ آیا ایمان نمی‌آورند؟!» (سوره انبیاء، آیه ۳۰) طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۳۱.

۲. ترجمه: «ای بخشنده‌ترین کسی که عطا می‌کند، ای بهترین کسی که درخواست می‌شود، ای رحیم‌ترین

کسی که از او تقاضای رحم شده، بر ناتوانی و بیچارگی‌ام رحم کن و مرا از دردم نجات بخش.»

۳. کافی، ج ۲، ص ۵۶۸، ح ۱۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۹۴.

۴. ترجمه: «آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن؛ هیچ چیز سخنان او را دگرگون نمی‌سازد؛

و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی.» (سوره کهف، آیه ۲۷) طَبُّ الْأَثْمَةِ، ص ۳۲.

۵. «شقاقل» زردک صحرايي، بیخ گیاهی است از نوع هویج (فرهنگ عمید).

۶. «انیسون» مأخوذ از یونانی، بادبان رومی، رازیانه رومی، گیاهی است به بلندی یک متر، برگ‌هایش سفید

و تخم‌هایش ریز و سبز رنگ و معطر و در طب به کار می‌رود (فرهنگ عمید).

و خولنجان<sup>۱</sup> از هر کدام به مقدار مساوی گرفته، کوبیده و پخته، با روغن تازه گاو مخلوط کرده و معادل تمام این اشیاء، عسل صاف کرده با شکر پنیر به آن اضافه کند و هر مرتبه به مقدار یک فندق بخورد.<sup>۲</sup>

۳. در حدیث است که کسی از درد مثانه به حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «این آیات را به هنگام خواب سه مرتبه و یک بار پس از بیدار شدن تلاوت کن: ﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ \* أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ﴾».<sup>۳</sup>

### درمان حبس ادرار و بی‌اختیاری ادرار

شخصی از حبس ادرار به امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «اسپند را شش مرتبه با آب سرد و یک مرتبه با آب گرم بشوی و در سایه خشک کن، سپس با روغن گل چرب و سفوف کن و بخور».<sup>۴</sup>

### درمان طَبِّ یَبُوسْتِ مَزَاجِ وَ عِرْقِ النَّسَا<sup>۵</sup>

۱. در حدیث است که شخصی از یبوست مزاج به امام هادی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «قبل از صبحانه و پس از آن خرما ی برنی بخور». آن شخص به

۱. «خولنجان» ریشه درخت تانبول است که در هندوستان می‌روید؛ ریشه‌ای است ضخیم و خوشبو به رنگ سرخ تیره و تندمزه و در طب به کار می‌رود. برای خوشبو ساختن لیکورها نیز استعمال می‌شود. و خالولنجان و خاولنجان و خسرودارو هم گفته شده است (فرهنگ عمید).

۲. طب الأئمه، ص ۷۲.

۳. ترجمه: «آیا نمی‌دانستی که خداوند توانا بر هر چیزی است؟! آیا نمی‌دانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین از آن خداست (و حق دارد هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد)؟! و جز خدا، ولی و یاور برای شما نیست. (و اوست که مصلحت شما را می‌داند و تعیین می‌کند)». (سوره بقره، آیات ۱۰۶ و ۱۰۷) طب الأئمه، ص ۳۲.

۴. طب الأئمه، ص ۶۸.

۵. «عرق النسا» یکی از بیماری‌های اعصاب است که غالباً در کمر بروز می‌کند و تازانو می‌رسد (فرهنگ عمید).

دستور حضرت عمل کرد و بهبود یافت و رطوبت بر مزاجش غلبه یافت. دوباره از رطوبت مزاج شکایت کرد. فرمود: «خرمای برنی را صبح ناشتا بخور و پس از آن آب نخور». با به کار بستن این دستور مزاجش متعادل شد.<sup>۱</sup>

۲. نیز شخصی از عرق النسا به حضرت علی علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «هر زمان اثرش ظاهر شد دست بر آن محل بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْكَبِيرِ وَ أَعُوذُ بِسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، مِنْ شَرِّ كُلِّ عِرْقٍ نَعَارٍ وَ مِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ.<sup>۲</sup> با این کار به اذن خدا شفا خواهی یافت». آن شخص می‌گوید: بیش از سه بار جمله مزبور را نگفتم که خداوند شفایم داد.<sup>۳</sup>

## ۱۱) دعا برای چاره‌جویی سحر و زهر گزندگان و دیگر بلاها

### دعا برای از بین بردن چشم زخم

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چشم بد دارای تأثیر است».<sup>۴</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «چه بسا چشم بد انسان را به قبر... وارد کند. بنابراین، هرگاه انسان از چیزی خوشش آمد الله اکبر بگوید».<sup>۵</sup>
- و در روایت دیگر آمده است که نام خدا را ببرد.<sup>۶</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی بترسد که چشم او در کسی، یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه «ما شاء الله [لا حول و لا قوة الا بالله]» بخواند».

۱. محاسن، ص ۵۳۳، ح ۷۹۳.

۲. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا او (شروع می‌کنم). پناه می‌برم به نام خدای بزرگ و پناه می‌برم به نام خدای عظیم از شر هر رگی که خون از آن جوشد و از شر گرمی آتش».

۳. طب الأئمة، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۷۳، ح ۱.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵، ح ۲۰.

۵. طب الأئمة، ص ۱۲۱.

۶. طب الأئمة، ص ۱۲۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵، ح ۲۰.

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» بگوید.<sup>۱</sup>

۴. نیز در روایتی فرمود: «هرگاه کسی بخواهد با سر و وضع نیکو و مناسب از منزل خارج شود سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ بخواند، سپس بیرون رود تا چشم بد در وی اثر نکند».<sup>۲</sup>

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مبتلا به چشم بد شده، دست‌ها را برابر صورت بلند کند و سوره‌های حمد، ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ را بخواند، سپس دستانش را بر پیش سر بکشد».<sup>۳</sup>

### تعویذ برای از بین بردن سحر

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «برای از بین بردن سحر و جادو این تعویذ را بر پوست آهو بنویسید و همراه داشته باشید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ<sup>۴</sup>» قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ<sup>۵</sup>، ﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* فَعَلُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ﴾<sup>۶</sup>.

۲. در روایتی دیگر فرمود: «چنانچه از ساحر یا ظالم ترسیدی، بعد از نماز شب و قبل از شروع نماز صبح، رو به خانه آن ساحر یا ظالم کن و هفت مرتبه

۱. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۶، ح ۲۳.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶.

۳. همان، ص ۴۱۳.

۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا و به آنچه خدا می‌خواهد (شروع می‌کنم). به نام خدا. هیچ پناه و قدرتی جز برای ذات پاک خداوند نیست».

۵. ترجمه: «موسی گفت: آنچه شما آوردید سحر است؛ که خداوند به زودی آن را باطل می‌کند؛ چرا که خداوند (هرگز) عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند». سوره یونس، آیه ۸۱.

۶. ترجمه: «(در این هنگام) حق آشکار شد، و آنچه آنها ساخته بودند باطل گشت، و در آنجا (همگی) مغلوب شدند و خوار و کوچک گشتند». (سوره اعراف، آیات ۱۱۸ و ۱۱۹) طَبَّ الْأُمْتَهُ، ص ۳۵.

بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ «سَتَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيَاتِنَا أَنْتَمَا وَ مَنْ اتَّبَعَكُمَا الْعَالِيُونَ»<sup>۱</sup>.

۳. از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس از شیاطین و جادوگران بترسد، آیه سحره را تلاوت کند: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى الْبَيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>.

۴. در روایت دیگری آمده است: «جبرئیل به حضرت رسول ﷺ خبر داد که لیبید بن اعصم یهودی آن حضرت را سحر کرده است. پیامبر علی ﷺ را صدا زد و فرمود: به سراغ فلان چاه برو و جادو را بیرون آور. حضرت علی ﷺ به آن مکان رفت و وارد چاه شد و از درون آب چاه ظرف در بسته‌ای بیرون آورد و خدمت رسول اکرم ﷺ آورد. هنگامی که در ظرف را گشودند، زه کمانی را یافتند که یازده گره خورده بود. جبرئیل سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و سوره «قُلْ

۱. ترجمه: «به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم (و نیرومند) می‌کنیم، و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم؛ و به برکت آیات ما، بر شما دست نمی‌یابند؛ شما و پیروانتان پیروزید». (سوره قصص، آیه ۳۵) طب الأئمة، ص ۳۵.

۲. ترجمه: «پروردگار شما خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید، سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت، با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند و شب به دنبال روز به سرعت در حرکت است و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان) از آن او (و به فرمان او) است. پربرکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است. پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید (و از تجاوز دست بردارید که) او متجاوزان را دوست نمی‌دارد و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکند و او را با بیم و امید بخوانید (بیم از مسؤلیت‌ها و امید به رحمتش و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (سوره اعراف، آیات ۵۴-۵۶) الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۱۸.



أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را از آسمان آورد. حضرت رسول ﷺ فرمود: ای علی، این دو سوره را بر این گره‌ها بخوان. هر آیه‌ای که خوانده می‌شد یک گره باز می‌شد و هنگامی که هر دو سوره تمام شد همه گره‌ها گشوده شد.<sup>۱</sup> بنابراین، طبق روایت بالا و روایات معتبر دیگر، این دو سوره در رفع سحر و جادو تأثیر بسیاری دارند.

### دور کردن خیالات فاسد و وسوسه‌های شیطان و آرزوهای طولانی

۱. در حدیث است که شخصی از خیالات فاسد و وسوسه‌های شیطان به امام صادق ع شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر روی قلب بگذار و سه مرتبه بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ مَنْنْتَ عَلَيَّ بِالْإِيمَانِ وَأَوْدَعْتَنِي الْقُرْآنَ وَ رَزَقْتَنِي صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَاثْمُنُّ عَلَيَّ بِالرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الرَّأْفَةِ وَ الْغُفْرَانِ وَ تَمَامَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ النَّعْمِ وَ الْإِحْسَانِ، يَا مَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا دَائِمُ يَا رَحْمَنُ، سُبْحَانَكَ وَ لَيْسَ لِي أَحَدٌ سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ أَعُوذُ بِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْكِرَامَاتِ مِنَ الْهَوَانِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُجَلِّيَ عَنِّي قَلْبِي الْأَخْزَانَ<sup>۲</sup> سپس بر محمد و آل محمد صلوات بفرست».<sup>۳</sup>

۲. در روایت دیگری آمده است: شخصی به آن حضرت از آرزوی بسیار و وسوسه‌های سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر سینهات بکش و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

۱. مکارم الأخلاق، ص ۴۱۳.

۲. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). بار خدایا، به توفیق ایمان بر من منت گذاردی و قرآن را به امانت به من دادی و روزه ماه رمضان را روزی‌ام کردی، پس به رحمت و خشنودی و مهربانی و آمرزش و کامل کردن نعمت و احسان بر من منت گذار. ای انعام‌کننده، ای انعام‌کننده، ای همیشگی، ای بخشنده، منزه‌ی و جز تو کسی ندارم، منزه‌ی، پس از این بزرگواری‌ها از خواری به تو پناه می‌برم و از تو می‌خواهم که غم‌ها را از دلم بزدایی».

۳. طب الأئمة، ص ۲۷.

اللَّهُمَّ امْحُ عَنِّي مَا أَجِدُ<sup>۱</sup>، سپس دست بر شکم بمال و سه مرتبه این دعا را تکرار کن. آن شخص به دستور امام علیه السلام عمل کرد و بهبود یافت.<sup>۲</sup>

### از بین بردن ترس از تنهایی

در حدیث است که شخصی از وحشت و اندوهی که به هنگام تنهایی به سراغش می‌آید به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «دست بر شکم بگذار و بگو: بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ، سپس دست بر شکم بمال و بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِرِسْوَالِ اللَّهِ وَأَعُوذُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ، مِنْ شَرِّ مَا أَخَذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ عَلَيَّ نَفْسِي<sup>۳</sup> سپس هفت مرتبه آن را تکرار کن.»<sup>۴</sup>

### گشودن کسی که او را بسته‌اند

شیخ احمد بن فهد در کتاب عدّة الدّاعی، برای گشودن کسی که او را نسبت به همسرش بسته باشند سفارش کرده است که این آیات را بنویسد و همراه داشته باشد: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا \* لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا.»<sup>۵</sup> بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ

۱. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم.) محمد رسول و فرستاده خداست و هیچ پناهگاه و قدرتی جز برای خداوند نیست. پروردگارا، دردی را که حس می‌کنم از بین ببر.»

۲. طب الأئمة، ص ۱۱۷.

۳. ترجمه: «پناه می‌برم به عزت و قدرت و جلال و عظمت و ذات خدا و رسول خدا و اسماء خدا از شر آنچه از آن حذر می‌کنم و از شر آنچه بر نفس و جان خود می‌ترسم.»

۴. طب الأئمة، ص ۱۷.

۵. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشاینده. ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم، تا خداوند گناهان

الرَّحِيمِ \* إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ \* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا \* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا. ۱ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ. ۲ أَذْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ. ۳ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُثَمَّرٍ \* وَ فَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ. ۴ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي \* وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي \* وَ اخْلُ عُنُقَهُ مِنْ لَسَانِي \* يَفْقَهُوا قَوْلِي. ۵ وَ تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا. ۶ كَذَلِكَ حَلَّلْتَ فَلَانَ بَنَ فَلَانَةَ عَلِيَّ فَلَانَةَ بِنْتَ فَلَانَةَ ۷ ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ

→ گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد (و حقایق تو را ثابت کرده) و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایت فرماید». سوره فتح، آیات ۱ و ۲.

۱. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند، پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه‌پذیر است». سوره نصر، آیات ۱ - ۳.

۲. ترجمه: «و از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانشان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». سوره روم، آیه ۲۱.

۳. ترجمه: «شما وارد دروازه شهر آنها شوید هنگامی که وارد شوید پیروز خواهید شد». سوره مائده، آیه ۲۳.

۴. ترجمه: «در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و پی در پی گشودیم؛ و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند». سوره قمر، آیات ۱۱ و ۱۲.

۵. ترجمه: «پروردگارا، سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان، و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند». سوره طه، آیات ۲۵ - ۲۸.

۶. ترجمه: «و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که در هم موج می‌زنند؛ و در صور [= شیپور] دمیده می‌شود؛ و ما همه را جمع می‌کنیم». سوره کهف، آیه ۹۹.

۷. ترجمه: «گره فلانی پسر فلانی را نسبت زوجه‌اش فلانی دختر فلانی، بدین شکل باز کردم.» به جای «فلان بن فلان» نام شوهر و مادرش و به جای «فلان بنت فلان» نام عروس و مادرش گفته شود. ضمناً توجه داشته باشید که بسیاری از مواردی که مردم خیال می‌کنند در آنجا سحری واقع شده واقعیّت چنین نیست؛ عوامل دیگری در کار بوده است.

رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»<sup>۱</sup>.

### فرو بردن خشم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی خشمگین شود، اگر ایستاده است بنشیند تا غضبش فروکش کند و چنانچه بر یکی از بستگانش غضب کرده، بدن او را لمس کند تا خشمش برطرف شود»<sup>۲</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام غضب این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اذْهَبْ عَنِّي غَيْظَ قَلْبِي وَاعْفُ عَنِّي ذَنْبِي وَاجْزِنِي مِنْ مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ، اسْأَلُكَ رِضَاكَ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَاسْأَلُكَ جَنَّتِكَ وَاعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَاسْأَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَاعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، اللَّهُمَّ تَبَسَّنِي عَلَى الْهُدَىٰ وَالثَّوَابِ وَاجْعَلْنِي رَاضِيًا مَرْضِيًّا غَيْرَ ضَالٍّ وَلَا مُضِلٍّ»<sup>۳</sup>.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «روزی نزد منصور دوانقی رفتم، او در نهایت خشم بود. به هنگام ورود این دعا را خواندم، خشم منصور از بین رفت: يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ كَرْبَتِي، اُحْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اَكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يَرَامُ»<sup>۴</sup>.

۱. ترجمه: «به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است. اگر آنها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش!) بگو: «خداوند مرا کفایت می‌کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او صاحب عرش بزرگ است.» (سوره توبه، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹) عِدَّة الدَّاعِي، طبع جدید، ص ۳۳۹.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۰.

۳. ترجمه: «بار خدایا، خشم دلم را فرو نشان و گناهم را بیامرز و از فتنه‌ها (امتحانات) گمراه کننده پناهم ده، خشنودی تو را می‌خواهم و از خشم تو به تو پناه می‌برم و بهشت تو را می‌خواهم و از آتش دوزخ تو به تو پناه می‌برم و همه خوبی‌ها را از تو می‌خواهم و از همه بدی‌ها به تو پناه می‌برم. بار خدایا، مرا بر هدایت و ثواب ثابت قدم بدار، و راضی و خشنودم قرار ده و گمراه و گمراه کننده قرارم مده.» بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۳۳۸.

۴. ترجمه: «ای پناه من به هنگام سختی، و ای فریادرس من به هنگام رنج و مصیبت، مرا با دیده لطفت که به خواب نمی‌رود حفظ کن و در پناه خود پناهم ده.» مکارم الأخلاق، ص ۳۵۰.

### دعا برای از بین بردن فراموشی و اندوه

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه شیطان چیزی را از خاطرات محو کرد و بخواهی آن را به یاد آوری، دست بر پیشانی بگذار و بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدَكِّرَ الْخَيْرِ وَ فَاعِلَهُ وَ الْأَمْرَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُذَكِّرَنِي مَا أَنْسَانِيهِ الشَّيْطَانُ**»<sup>۱</sup>.
۲. در روایتی بسیار معتبر چنین آمده است: هر کس روزی یکصد مرتبه «**لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**» بگوید، هفتاد نوع بلا از او دور می‌شود که ساده‌ترین آن غم و اندوه است»<sup>۲</sup>.
۳. در احادیث فراوان آمده است که گفتن: «**لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ**» اندوه را برطرف می‌کند»<sup>۳</sup>.

### دعا برای چاره‌جویی فقر و پریشانی و بدهی و ضرر

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس فقر بر او روی آورد، ذکر «**لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**» را بسیار بگوید، زیرا بی‌شک این جمله گنجی از گنج‌های بهشت است و در آن شفای هفتاد و دو درد است که کمترین آنها اندوه است»<sup>۴</sup>.
۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای چاره‌جویی فقر و پریشانی، بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ**

۱. ترجمه: «بار خدایا، ای به یادآورنده نیکی و انجام‌دهنده و امرکننده به آن، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل

محمد درود فرستی و آنچه را شیطان از خاطر من برده به یادم آوری». مکارم الأخلاق، ص ۳۵۶.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۹۵.

۳. محاسن، ص ۴۳، ذیل حدیث ۵۶.

۴. امالی صدوق، ص ۵۵۶، ح ۱۳.

اللَّهُ وَاسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ».<sup>۱</sup>

۳. از امام جواد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای از بین بردن پریشانی، روزی صد مرتبه ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ بخوان».<sup>۲</sup>

۴. در احادیث معتبر، برای ادای قرض و بدهی، این دعا سفارش شده است: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَبِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».<sup>۳</sup>

۵. در حدیث است که شخصی به امام جواد علیه السلام نوشت: قرض بسیار دارم چه کنم؟ حضرت در پاسخ نوشت: «استغفار فراوان کن و زبانت را به قرائت سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ مداومت ببخش».<sup>۴</sup>

۶. در احادیث معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «هرگاه این دعا را بخوانم اگر جنّ و انس جمع شوند که ضرری به من برسانند باکی ندارم. بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَإِلَيْكَ قَوَّضْتُ أَمْرِي وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «منزه است خداوند بزرگ و من به حمد و ستایش او مشغولم. از خداوند طلب غفران و مغفرت می کنم و فضل و کرمش را خواستارم». کافی، ج ۵، ص ۳۱۵، ح ۴۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۱۶، ح ۵۰.

۳. ترجمه: «بارخدا، مرا با حلال خود از حرام و با بخشش خود از غیر خود بی نیازگردان». فقه الرضا، ص ۳۹۹.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۱۷، ح ۵۱؛ به نقل از امام محمد باقر علیه السلام.

۵. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و از سوی خدا آمده ام و به سوی او باز می گردم و در راه خدا (گام برمی دارم). بار خدایا، خود را به تو سپردم و روبرو به سوی تو کردم و کارم را به تو واگذار نهادم. مرا با حفظ ایمان از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین حفظ کن و با توانایی و نیروی خود ضرر را از من بازدار و هیچ پناه و نیرویی مگر به قدرت خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست». امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۱۲.

### دعا برای رسیدن به حج

در حدیثی معتبر آمده است که: هر کس در یک نوبت هزار مرتبه «ما شاء الله» بگوید، در آن سال حج نصیب او می‌شود و اگر در آن سال به حج نرود آن قدر زنده بماند که توفیق حج نصیبش شود.<sup>۱</sup>

### دعا برای دور کردن سگ و حیوانات درنده و جانوران

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سگی برای تو پارس کرد و به سوی تو حمله کرد این آیه شریفه را بخوان: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از شر حیوانات درنده بر خود و گوسفندانش می‌ترسد، بر دور خود و آنها خطی بکشد و بگوید: اَللّٰهُمَّ رَبَّ دَانِيَالٍ وَ الْجُبِّ وَ رَبِّ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ، اِحْفَظْنِي وَ اِحْفَظْ غَمِي».<sup>۳</sup>
۳. در حدیث است که امام باقر علیه السلام برای دور کردن ضرر جانوران این دعا را سفارش فرمود: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللّٰهِ صلی الله علیه و آله، اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ، اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ عَلٰی مَا يَشَاءُ، مِنْ شَرِّ كُلِّ هَامَّةٍ تَدْبُّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، اِنْ رَبِّيْ عَلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِيْمٍ».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۴۲، ح ۵۵.

۲. ترجمه: «ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از مرزهای آسمان‌ها بگذرید پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیرویی (فوق‌العاده)». (سوره الرحمن، آیه ۳۳) فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۰.

۳. ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار دانیال و چاه، و ای پادشاه هر شیر درنده، مرا و گوسفندانم را حفظ کن». خصال، ج ۲، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۷.

۴. ترجمه: «به نام خدای بخشنده مهربان. به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم)، محمد صلی الله علیه و آله رسول خداست. پناه می‌برم به عزت خدا، پناه می‌برم به قدرت خدا بر هر چیزی که بخواهد از شر هر گزنده‌ای که در شب و روز می‌جنبد. همانا (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است». طب الأئمة، ص ۱۱۹.

## دعا برای دور کردن ضرر گزندگان

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که از عقرب می ترسد این آیات را بخواند: «سَلَامٌ عَلَيَّ نُوْحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ \* اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ \* اِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِيْنَ»<sup>۱</sup>.
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان از عقرب بترسی، شب هنگام به ستاره «سها» که نزدیک ستاره دوم «بنات النعش» است نگاه کن و سه مرتبه بگو: اَللّٰهُمَّ يَا رَبَّ اَسْلِمِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ»<sup>۲</sup>. راوی گوید: هر زمان که این دعا را خواندم عقرب مرا نیش نزد.<sup>۳</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که از مار و عقرب می ترسد در ابتدای شب این دعا را بخواند: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، اَخَذْتُ الْعَقَابِرَ وَ الْحَيَاتِ كُلَّهَا، بِاِذْنِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى، بِاَفْوَاهِهَا وَ اَذْنَابِهَا وَ اَسْمَاعِهَا وَ اَبْصَارِهَا وَ فَوَاهَا عَنِّي وَ عَمَّنْ اَحْبَبْتُ اِلَيَّ ضَحْوَةَ الشَّهَارِ»<sup>۴</sup>.
۴. در روایتی دیگر فرمود این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَيَّ اللّٰهِ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ اللّٰهُ فَهُوَ حَسْبُهُ، اِنَّ اللّٰهَ بِالْعَمْرِ اَمْرٌ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنْفِكَ وَ فِي جِوَارِكَ وَ اجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَ اجْعَلْنِي فِي اَمْنِكَ»<sup>۵</sup>.

۱. ترجمه: «سلام بر نوح در میان جهانیان باد! ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم، چرا که او از بندگان بالیمان ما بود». (سوره صافات، آیات ۷۹ - ۸۱) خصال، ج ۲، ص ۴۰۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۷.
۲. ترجمه: «پروردگارا، ای پروردگار ستاره اسلم (سها) بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما و ما را از شرّ هر صاحب شرّی حفظ کن».
۳. مکارم الأخلاق، ص ۲۹۱ الباب العاشر، الفصل الثانی.
۴. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم) و درود خدا بر محمد و آل او. به اجازه خدای متعال دهان و دم و گوش و دیده و نیروی عقربها و مارها را از خود و از کسانی که دوست دارم تا روشنی روز بازداشتم».
۵. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می کنم). بر خدا توکل کردم و هر کس بر خدا توکل کند او



### دعا برای دور کردن حشرات موذی

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه و آله در برخی جنگ‌ها از آزار فراوان کک<sup>۱</sup> به آن حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: هنگام خواب این دعا را بخوانید: **أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا، عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِأَمِّ الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذِنِي وَأَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَذْهَبَ اللَّيْلُ وَيَجِيءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ»**<sup>۲</sup>.

### دعای یافتن گمشده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مال یا حیوانش گمشده این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ إِنَّكَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَعَدْلٌ فِيهِمَا وَأَنْتَ الْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتَرُدُّ الضَّالَّةَ، رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ رِزْقِكَ وَعَطِيَّتِكَ، اللَّهُمَّ لَا تَفْتِنُ بِهَا مُؤْمِنًا وَلَا تُغْنِ بِهَا كَافِرًا. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ»**<sup>۳</sup>.

۲. امام رضا علیه السلام برای یافتن گمشده خواندن این دعا را سفارش فرمود: **«وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا**

→ برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را به سرانجام می‌رساند. خدایا، مرا در پناه و جوار خویش و حفظ و امان خود قرار ده». مکارم الأخلاق، ص ۴۱۲.

۱. «کک» حشره‌ای است به اندازه شیش، بال ندارد و چون پاهای او بلند است به آسانی می‌جهد. خرطومی دارد که با آن خون انسان را می‌مکد (فرهنگ عمید).

۲. ترجمه: «ای حشره سیاه حمله کننده که از هیچ در و در بسته‌ای باک نداری، بر تو سوره حمد خواندم و دمیدم که تا صبح به من و همراهانم آزار نرسانی». مکارم الأخلاق، ص ۴۱۳.

۳. ترجمه: «بار خدایا، تو خدای موجودات آسمان‌ها و زمین و عدالت‌گستر در میان آنانی و تو هدایت‌کننده از گمراهی هستی و گمشده را بازمی‌گردانی، گمشده مرا به من بازگردان که این کار از روزی و هدیه تو است. بار خدایا، با آن مؤمنی را آزمایش مکن و کافری را بی‌نیاز مگردان. بار خدایا، بر محمد بنده و رسول تو و بر خاندانش درود فرست». محاسن، ص ۳۶۳، ح ۱۰۰.

يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ<sup>۱</sup> اللَّهُمَّ  
 إِنَّكَ تَهْدِي مِنَ الضَّلَالَةِ وَتُنْجِي مِنَ الْعَمَى وَتُرْذُّ الضَّالَّةَ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
 وَاعْفُ لِي وَرُدِّ ضَالَّتِي وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ»<sup>۲</sup>.

۳. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «برای یافتن ردگمشده دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد سوره یس بخواند و پس از نماز دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید: اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّةِ وَالْهَادِي مِنَ الضَّلَالَةِ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْ ضَالَّتِي وَارْزُدْهَا إِلَيَّ سَالِمَةً، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَعَطَائِكَ، يَا عِبَادَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَا سَيَّارَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، رُدُّوا عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَطَائِهِ»<sup>۳</sup>.

### حکم تعویذ همراه جنب و حائض

در حدیث است که عبدالرحمان بن ابی عبدالله از امام صادق عليه السلام پرسید:  
 شخصی تعویذی همراه خود دارد سپس جنب می شود چه حکمی دارد؟ فرمود:  
 «اشکال ندارد، اما اگر زن حائض شود باید تعویذ را در میان پوستی نگهداری

۱. ترجمه: «کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. و جز او کسی آنها را نمی داند. او آنچه را در خشکی و دریاست می داند؛ هیچ برگی (از درختی) نمی افتد، مگر اینکه از آن آگاه است؛ و نه هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و نه هیچ تر و خشکی وجود ندارد، جز اینکه در کتابی آشکار [= در کتاب علم خدا] ثبت است.»  
 سوره انعام، آیه ۵۹.

۲. ترجمه: «بار خدایا، تو (گمراهان را) از گمراهی هدایت می کنی و از نایبانی نجات می دهی و گمشده را باز می گردانی، بر محمد و آلش درود فرست و مرا بیامرز و گمشده ام را باز گردان و بر محمد و خاندانش درود فرست.» مکارم الأخلاق، ص ۳۸۶.

۳. ترجمه: «بار خدایا، ای بازگرداننده گمشده و ای هدایت کننده از گمراهی، بر محمد و خاندان محمد درود بفرست و گمشده ام را حفظ کن و به من سالم باز گردان ای مهربان ترین مهربانان، زیرا این کار از فضل و بخشش تو است. ای بندگان خدا در زمین و ای سیرکنندگان خدا در زمین، گمشده ام را به من بازگردانید، زیرا آن از فضل خدا و بخشش اوست.» مکارم الأخلاق، ص ۳۹۸.

کند».<sup>۱</sup> (چون در حائض آلودگی ظاهری استمرار دارد، برای جلوگیری از سرایت آن به تعویذ، چنین دستوری داده شده است).

### تعویذهای نامناسب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هر چه از دعا و قرآن و تعویذ می‌خواهد برای چشم زخم و بیماری‌ها... بخواند، هنگامی که بداند چه می‌گوید (و دعاها محتوای صحیحی داشته باشد) و داخل نشود در تعویذها و دعای او چیزی که مفهوم آن را نمی‌فهمد».<sup>۲</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «بسیاری از تعویذها و افسون‌ها کفر است».<sup>۳</sup> (مضمون‌های کفرآلود دارد).

## ۱۲ فواید تربت امام حسین علیه السلام و خواص برخی داروها

### تربت امام حسین علیه السلام

محدوده تربت و دعای هنگام برداشتن آن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت شفا را تا یک فرسخ و یک سوم فرسخ از اطراف قبر می‌توان برداشت».<sup>۴</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «تربت شفا را تا فاصله هفتاد ذرع (حدود سی و پنج متر) از قبر می‌توان برداشت»<sup>۵</sup> (اختلاف روایات ممکن است اشاره به تفاوت تربت‌ها از نظر اهمیت باشد).

۱. طب الأئمة، ص ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵، ح ۹.

۲. طب الأئمة، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۴، ح ۱.

۳. طب الأئمة، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۵، ح ۳ و ۴.

۴. کامل الزیارات، ص ۲۸۰ و ۲۸۱، ح ۵.

۵. مصباح المتعبد، ص ۷۳۲.

۳. در حدیثی ابو حمزه ثمالی آورده است که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگام برداشتن تربت از قبر، سوره های حمد و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و یس و آیه الکرسی را بخوان و بگو: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ وَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَلِيِّكَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ بِحَقِّ الْأَبْتَةِ الرَّاشِدِينَ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الثَّرْبَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الْمُوَكَّلِ بِهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا وَ بِحَقِّ الْجَسَدِ الَّذِي تَضَمَّنَتْ وَ بِحَقِّ السَّبْطِ الَّذِي ضَمِنَتْ وَ بِحَقِّ جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رَسُولِكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً لِي وَ لِمَنْ يَسْتَشْفِي بِهِ، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ وَ مَرَضٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ. اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ جَمِيعِ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، سِيسِ بگو: اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الثَّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمَيْمُونَةِ وَ الْمَلِكِ الَّذِي هَبَطَ بِهَا وَ الْوَصِيِّ الَّذِي هُوَ فِيهَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ وَ أَنْفَعْنِي بِهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>.

۱. ترجمه: «بار خدایا، به حق محمد صلی الله علیه و آله بنده و دوست و پیامبر و رسول و امینات و به حق امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بنده تو و برادر رسول تو و به حق فاطمه علیه السلام دختر پیامبر و همسر ولیات و به حق حسن و حسین و به حق امامان هدایتگر و به حق این تربت و به حق فرشته ای که نگهبان آن است و به حق وصیتی که در آن مدفون است و به حق بدنی که در خود جای داده است و به حق سبطی که پذیرفته است و به حق تمام فرشتگان و پیامبران و رسولانت، بر محمد و خاندانش درود فرست و این خاک را برای من و برای هر کسی که از آن شفا می طلبد شفا از هر درد و بیماری و امن از هر ترس روزی گردان و شفا از هر درد و بیماری و آفت و تمام دردها قرار ده که تو توانا بر همه چیز هستی.» سِيسِ بگو: «بار خدایا، ای پروردگار، این خاک مبارک و فرشته ای که بر آن فرود آمده و وصیتی که در آن مدفون شده است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن ثمر بخش، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.» کامل الزیارات، ص ۲۸۳ و ۲۸۴، ح ۱۲.

### فواید و خواص تربت

#### تربت، شفای هر درد

۱. در بسیاری از روایات معتبر آمده است که خاک قبر حسین علیه السلام شفای هر درد و آن دوی بزر است.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تربت آن حضرت شفای هر درد و امان از هر ترسی است».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به دردی دچار شود و با تربت آن حضرت خود را درمان کند بی شک شفا می‌یابد، مگر آنکه آن بیماری مر باشد».<sup>۳</sup>
۴. در روایتی دیگر فرمود: «خاک قبر امام حسین علیه السلام شفای دردهاست، هر چند یک‌سوم فرسخ دورتر از قبر بردارند».<sup>۴</sup>
۵. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زنی مقداری نخ به من داده که به خدمتکاران کعبه معظمه بدهم تا پیراهن کعبه را با آن بدوزند. حضرت فرمود: «با آن مقداری عسل و زعفران بخر، سپس خاک قبر امام حسین علیه السلام را بگیر و با آب باران نرم کن و در میان عسل و زعفران بریز و به شیعیان ما بده تا بیماران خود را با آن مداوا کنند».<sup>۵</sup>
۶. در روایتی دیگر فرمود: «هیچ چیز در شفا بخشیدن مانند تربت نیست، مگر دعا».<sup>۶</sup>

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۳۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۳، ح ۱۸.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۴؛ طب الأئمة، ص ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰، ح ۴۵.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۷۵، ح ۶.

۴. همان، ح ۴.

۵. کامل الزیارات، ص ۲۷۴، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۶۵.

۶. کامل الزیارات، ص ۲۸۱، ح ۵.

## تربت و ایمنی از بلا و تلف و ترس

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کام فرزندان خود را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید که از بلاها امان می دهد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام هیچ کالایی به جایی نمی فرستاد مگر اینکه مقداری از تربت امام حسین علیه السلام در میان آن می نهاد تا به برکت آن محفوظ بماند.<sup>۲</sup>

۳. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: بیماری های فراوان دارم و هر دارویی مصرف کردم فایده نداشت. حضرت فرمود: «چرا تربت امام حسین علیه السلام را نمی خوری که در آن شفای هر درد و امان از هر بیمی است؟ هنگامی که تربت را برمی داری بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي اَخَذَهَا وَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا وَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اجْعَلْ لِي فِيهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ اَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ».<sup>۳</sup>

آن شخص پرسید: شفای هر درد را فهمیدم، اما چگونه امان از هر خوفی است؟ حضرت فرمود: «هرگاه از ظالم یا بلایی پروا داشته باشی، هنگام خروج از خانه تربت آن حضرت را همراه داشته باش و هنگام برداشتن تربت بگو: اَللّٰهُمَّ هَذِهِ طَيْنَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ وَ لِيْكَ وَ ابْنِ وَ لِيْكَ اِتَّخَذْتُهَا حِزْزًا لِّمَا اَخَافُ وَ مَا لَا اَخَافُ».<sup>۴</sup>

۱. کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۲؛ مصباح المتهدج، ص ۷۳۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۲۴، ح ۲۴.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۷۸، ح ۱.

۳. ترجمه: «بار خدایا، به حق این خاک و به حق فرشتهای که آن را برگرفته و به حق پیامبری که آن را قبض کرده و به حق وصیتی که در آن آرمیده است از تو می خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در آن برای من شفای از هر درد و امان از هر ترسی قرار دهی». کامل الزیارات، ص ۲۸۲ و ۲۸۳، ح ۱۱.

۴. ترجمه: «بار خدایا، این خاک قبر حسین علیه السلام ولی تو و فرزند ولی تو است، آن را گرفته ام تا حرزی باشد برای آنچه می ترسم و آنچه نمی ترسم».

### مقدار خوردن تربت

مشهور میان علما آن است که می‌توان به مقدار یک نخود از تربت امام حسین علیه السلام (به قصد شفا خورد، ولی از بعضی احادیث استفاده می‌شود که به مقدار یک عدس باشد؛ بنابراین، بهتر است بیش از یک عدس نباشد) (و بهتر آن است که مقدار یک عدس را در کمی آب حل کنند و سپس آن را بنوشند).

### تسبیح تربت

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمن باید همیشه پنج چیز همراه داشته باشد: مسواک، شانه، جانماز، انگشتر عقیق، تسبیحی از تربت که (لا اقل) سی و چهاردانه داشته باشد».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تسبیح تربت آن حضرت را بگرداند، برای هر استغفاری هفتاد استغفار و اگر تسبیح را در دست نگاه دارد و چیزی نگوید در مقابل هر دانه تسبیح هفت استغفار برای او نوشته می‌شود».<sup>۲</sup>

### شرط اثربخشی تربت

۱. در حدیث است که ابن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام پرسید: برخی مردم از تربت امام حسین علیه السلام استفاده می‌کنند و نتیجه می‌گیرند و برخی دیگر نتیجه نمی‌گیرند، علت آن چیست؟ حضرت فرمود: «والله هر کس معتقد باشد که تربت سودمند است نتیجه می‌گیرد».<sup>۳</sup>

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۶، ح ۷۶.

۲. مصباح المتهجد، ص ۷۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۶، ح ۷۷.

۳. کامل الزیارات، ص ۲۷۴، ح ۱.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قرار دادن تربت در جای نامناسب و کم اعتقاد بودن به آن از برکتش می‌کاهد. اما کسی که یقین دارد تربت شفاست، هر وقت با آن معالجه کند بی‌شک نیاز به داروی دیگر نخواهد داشت».<sup>۱</sup>

#### اموری که از آثار تربت می‌کاهد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه شیاطین و اجنّه کافر تربت را برداشته، بر خود بمالند اثر آن کم می‌شود. هنگامی که تربت امام حسین علیه السلام بر هر یک از آنان می‌گذرد آن را می‌بویند، بر فرزندان آدم حسادت می‌ورزند و به همین علت خود را بر آن می‌مالند تا از بوی خوش و آثار آن بکاهند. هر تربتی که از حایر بیرون می‌آورند، تعداد فراوانی از شیاطین که از بیم ملائکه نمی‌توانند وارد حایر شوند در بیرون آماده هستند تا خود را بر تربت‌هایی که خارج می‌شود بمالند و اگر تربت از تماس با بدن شیاطین سالم بماند، هر بیماری که آن را بخورد بلافاصله شفا پیدا می‌کند؛ بنابراین، هنگامی که تربت را برمی‌داری آن را ببند و پنهان کن و نام خدا را بسیار بر آن بخوان».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شنیده‌ام که برخی مردم تربت را برداشته و آن را سبک می‌شمارند، به گونه‌ای که حتی آن را در میان توبره چهارپایان یا در میان ظرف غذا می‌اندازند؛ از چنین تربتی چگونه شفا می‌خواهند؟ بی‌شک هر که نسبت به اموری که به صلاح اوست یقین ندارد، اعمال خود را فاسد می‌گرداند».<sup>۳</sup>

#### آداب استفاده از تربت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خوردن تربت،

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۰ و ۲۸۱، ج ۵.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۸۰ و ۲۸۱، ج ۵.

۳. همان.



نخست آن را ببوس و بر هر دو دیده بگذار و بیش از یک نخود (یا عدس) نخور که هر کس بیش از آن بخورد گویا گوشت و خون ما را خورده است و هنگامی که آن را از قبر برمی‌داری بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ سُوءٍ،** سپس تربت را در پارچه‌ای ببند و سوره **﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾** را بر آن بخوان.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس تربت را به قصد شفا نخورد گویا گوشت ما را خورده است و هنگامی که به قصد شفا می‌خورد بگوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَ رَبِّ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَ رَبِّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ، اجْعَلْهُ شِفَاءً مِنْ دَاءٍ كَذَا وَ كَذَا<sup>۲</sup> وَ أَنْ بيماری را ذکر کند، سپس تربت را بخورد و یک جرعه آب روی آن بنوشد و بگوید: **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَ إِسْعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ<sup>۳</sup> با این کار، درد و بیماری و غم و اندوهش برطرف می‌شود.**»<sup>۴</sup>**

۳. در روایتی دیگر فرمود: «به هنگام خوردن تربت، این دعا را بخواند: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقاً وَ إِسْعاً وَ عِلْماً نَافِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ رَبِّ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَ رَبِّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَتْهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ خَوْفٍ.**»<sup>۵</sup>

۱. مصباح‌المتهجد، ص ۷۳۴؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۵، ح ۷۳؛ دعوات راوندی، ص ۱۸۶، ح ۵۱۵. ترجمه آن گذشت.

۲. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). پروردگارا، ای خداوند این تربت مبارک و پاک و ای پروردگار نوری که در این تربت نازل شده است و ای پروردگار جسدی که در آن سکونت یافته، و ای پروردگار فرشتگان موکل تربت، این تربت را شفای فلان بیماریم قرار ده.»

۳. ترجمه: «پروردگارا، این تربت را مایهٔ روزی فراوان و علم نافع و شفای از هر درد و بیماریم قرار ده.»

۴. مصباح‌المتهجد، ص ۷۳۳؛ دعوات راوندی، ص ۱۸۷، ح ۵۱۷؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۴، ح ۷۱.

۵. مصباح‌المتهجد، ص ۷۳۳؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۴، ح ۷۰؛ دعوات راوندی، ص ۱۸۷، ح ۵۱۶. ترجمهٔ شبیه آن گذشت.

**خرید و فروش تربت**

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاک قبر امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کند، گویا گوشت امام حسین علیه السلام را خرید و فروش کرده است.»<sup>۱</sup> (سزاوار است فروشندگان نیت هدیه کنند و خریداران نیز پول را به نیت هدیه بدهند).

**تربت گذاشتن در کفن**

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را دفن کردند، در برابر صورتش مَهْری از خاک قبر امام حسین علیه السلام بگذارند.»<sup>۲</sup>

**خواص برخی خوراکی‌ها و گیاهان****عَنَاب**

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فضیلت عَنَاب بر سایر خوراکی‌ها، همچون فضیلت ما بر سایر مردم است.»<sup>۳</sup>
۲. از امام امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عَنَاب تب را از بین می‌برد.»<sup>۴</sup>
۳. در حدیث است که ابن ابی الخضیب می‌گوید دیدگانم سفید شده بود و هیچ نمی‌دیدم. شبی حضرت علی علیه السلام را در خواب دیدم (و مشکلم را به حضرت عرض کردم) فرمود: «عَنَاب را بکوب و در چشمات بکش.» هنگامی که از خواب بیدار شدم عَنَاب را به آرامی کوییدم و در دیدگانم کشیدم و بینا شدم.<sup>۵</sup>

۱. کامل الزیارات، ص ۲۸۶، ح ۵.

۲. مصباح المتہجد، ص ۷۳۵.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۷۵.

۵. همان، ص ۱۷۶.

### سیاهدانه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شفای همه دردها، جز مر ، در سیاهدانه است».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله چگونگی استفاده از سیاهدانه را پرسیدند. حضرت فرمود: «بیست و یک دانه آن را در پارچه‌ای قرار داده، یک شب آن را در آب خیس می‌کنی و صبح هنگام دو قطره در بینی راست و دو قطره در بینی چپ می‌چکانی، روز دوم نیز به همین ترتیب عمل می‌کنی، در روز سوم در بینی راست یک قطره و در بینی چپ دو قطره می‌چکانی و هر شب دانه‌ها را تازه می‌کنی».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که شخصی از تکرر ادرار که موجب آزار و اذیت وی شده بود به امام صادق علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: «در آخر شب، سیاهدانه بخور. من آن را برای مداوای تب، سردرد، چشم درد، درد شکم و همه دردها می‌خورم و خداوند مرا شفا می‌دهد».<sup>۳</sup>

### اسفند

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بر هر یک از بر و دانه و بوته اسفند تا زمانی که بپوسد، فرشته‌ای نگهبان است. ریشه و شاخه اسفند اندوه و سحر را برطرف می‌کند و در دانه‌اش شفای هفتاد و دو درد است؛ بنابراین، خود را با اسفند و کُندر معالجه کنید».<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه‌ای که اسفند در آن

۱. طب الأئمة، ص ۶۸

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵.

۳. همان، ص ۱۸۶.

۴. همان.

باشد، شیطان تا هفتاد منزل از آن دوری می‌کند. اسفند شفای هفتاد بیماری است که آسان‌ترین آن خوره است.<sup>۱</sup>

۳. در حدیث است که پیامبری از پیامبران الهی از ترسو بودن امت خود به خدا شکایت کرد. وحی آمد که به امت دستور بده اسفند بخورند که باعث شجاعت (آنها) می‌شود.<sup>۲</sup>

#### انجیر

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انجیر بخورید که برای از بین بردن قولنج مفید است».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «انجیر بوی بد دهان را برطرف و استخوان را محکم و دردها را زایل می‌کند و باعث رویش مو در بدن می‌شود».<sup>۴</sup>

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوردن انجیر تازه و خشک، بواسیر را قطع و نقرس<sup>۵</sup> را درمان می‌کند».<sup>۶</sup>

#### کندر و هلیله زرد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کندر برگزیده پیامبران است و هیچ دردی زودتر از درد آن به آسمان بالا نمی‌رود (و برطرف نمی‌شود) و دورکننده شیاطین و برطرف‌کننده بلاهاست».<sup>۷</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۶.

۲. همان.

۳. طب الأئمة، ص ۱۳۷.

۴. کافی، ج ۶، ص ۳۵۸، باب التین، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۷۳.

۵. «نقرس» ورم همراه با درد است که در مفاصل پا و بند انگشتان، به خصوص شصت پا بروز می‌کند.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴.

۷. همان، ص ۱۸۷.

۲. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر مردم بدانند هلیله زرد چه منافع و خواصی دارد، بی‌گمان هم‌وزن آن طلا خواهند داد».<sup>۱</sup>

#### خرفه و کرفس

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر خرفه بر عقل می‌افزاید و هیچ گیاهی شریف‌تر و سودمندتر از آن نیست».<sup>۲</sup>  
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کرفس بخورید که غذای حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون بوده است».<sup>۳</sup>

#### بادروج و کاهو و سداب

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بادروج<sup>۴</sup> از ما و تره‌تیزک از بنی‌امیه است».<sup>۵</sup>  
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کاهو استفاده کنید، که کاهو خون را تصفیه می‌کند».<sup>۶</sup>  
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس سداب<sup>۷</sup> بخورد و شب هنگام بخوابد، در آن شب از دردهای داخلی و بیرونی و ذات‌الجنب در امان است».<sup>۸</sup>

۱. طب الأئمه، ص ۸۶.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۳۶۶، باب الکرفس، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۰.

۴. «بادروج»، ریحان کوهی، گیاهی است دارای برگ‌های ریز و گل‌های سرخ رنگ. به معنای گل بستانان افروز هم گفته‌اند. بادرویه و بورنگ و بوینگ نیز گفته شده (فرهنگ عمید).

۵. کافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۳، از امام صادق علیه السلام.

۶. کافی، ج ۶، ص ۳۶۷، باب الخس، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۸۳.

۷. معنای «سداب» در پاورقی صفحه ۴۴۰ گذشت.

۸. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۱.

### اسفرزه وسنا وکاسنی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس تب کند و در شب اول معادل دو یا سه درهم (حدود نیم مثقال) اسفرزه بخورد، از سرسام و ذات‌الجنب در آن بیماری حفظ می‌شود».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود «بیماری‌های خود را با سنا درمان کنید»<sup>۲</sup> که اگر چیزی مر را درمان کند آن چیز سنا است».<sup>۳</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چهار چیز است که طبیعت‌ها را به اعتدال می‌آورد: انار سورانی<sup>۴</sup>، خارک پخته شده بنفشه و کاسنی».<sup>۵</sup>

### نمک و سرکه و اشنان<sup>۶</sup>

۱. در چندین روایت آمده است که مالیدن نمک، زهر عقرب و دیگر گزندگان را از بین می‌برد.<sup>۷</sup>

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۲. «سنا» گیاهی است دارای برگ‌های باریک شبیه برگ حنا، گل‌هایش کیبودرنگ و دانه‌های آن ریز و در غلافی شبیه غلاف باقلا جا دارد و بیشتر در حجاز می‌روید و بهترین آن، سنای مکی است. برگ آن در طب مانند مسهل استعمال می‌شود (فرهنگ عمید).

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸.

۴. «سورانی» منسوب به سوری (بر وزن طوبی) محلی در عراق است. شاهد بر این مطلب روایتی از امام صادق علیه السلام است که فرمود: «اگر من در عراق بودم هر روز یک دانه انار سورانی می‌خوردم و یک بار در آب فرات آب تنی می‌کردم». (خصال مترجم، ترجمه سید احمد فهري زنجانى، چاپ انتشارات علمیه اسلامیه، ص ۲۷۵).

۵. خصال، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۱، ح ۱.

۶. «اشنان» گیاهی است دارای شاخه‌های باریک و ساقه سبزی که در شوره‌زارها می‌روید. طعم آن شور است و چهارپایان آن را می‌خورند. ریشه آن را پس از خشک کردن، نرم می‌کوبند و در شستن لباس به کار می‌برند (فرهنگ عمید).

۷. کافی، ج ۶، ص ۳۲۷، ح ۹ و ۱۰.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سرکه شراب، بُن دندان را محکم می‌کند و کرم‌های شکم را می‌کشد و عقل را تقویت می‌کند».<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوردن اشنان، زانوها را سست و آب پشت را فاسد و دهان را بدبو می‌کند».<sup>۲</sup>

### زنیان<sup>۳</sup> و گردو و آبشم

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زنیان و گردو را با هم بخورید که بواسیر را می‌سوزاند و بادها را بیرون می‌کند و معده را محکم می‌سازد و کلیه‌ها را گرم می‌کند».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «آبشم و نمک با هم، بادها را بیرون، دهان را خوشبو، معده را نرم، لقوه<sup>۵</sup> را درمان، قوت جماع را بسیار می‌کند، سُدّه<sup>۶</sup> را می‌گشاید، بلغم را می‌سوزاند و موجب ادرار می‌شود».<sup>۷</sup>

### زنیان و آبشم و سیاهدانه

در روایتی می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنیان، سیاهدانه و آبشم را

- 
۱. کافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹.
۲. همان، ص ۳۷۸، ح ۱ و ۲.
۳. زنیان (نانخواه) تخمی است زردرنگ و خوشبو، طعم آن اندکی تند و تلخ، گاه آن را روی نان می‌زنند. جوانی و زنیان و زینان و زینیان و ساسم هم گفته شده (فرهنگ عمید، شرح واژه نانوخواه).
۴. مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.
۵. «لقوه» نوعی بیماری است که در چهره انسان پیدا می‌شود و لب و دهان یا فک به طرفی کج می‌گردد (فرهنگ عمید).
۶. «سُدّه» در اصطلاح طب، چیزی که در روده گیر کند و مانع خروج مدفوع شود (فرهنگ عمید).
۷. مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱.

سفوف کرده و بعد از لبتیات و غذاهایی که بیم ضرر داشت می خورد و گاه با نمک ساییده مخلوط می کرد و پیش از غذا می خورد و می فرمود: «هنگامی که صبحگاهان این دارو را می خورم از خوردن هیچ چیز باکی ندارم. این دارو معده را تقویت می کند و بلغم را از بین می برد و از لغوه امان می دهد»<sup>۱</sup>.

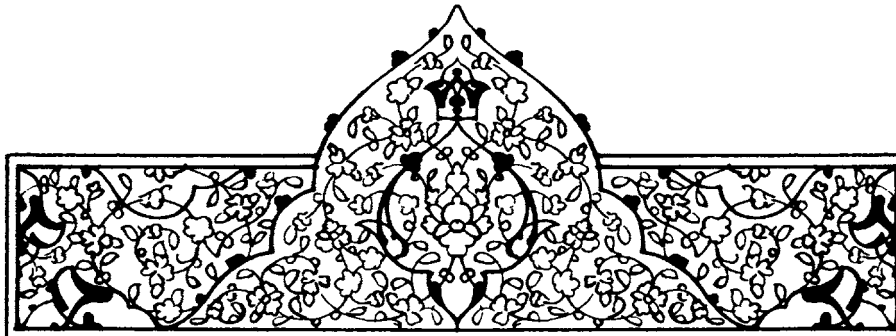
### عسل

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند با عسل برکت را فرستاد و شفای همه دردها در عسل است و در آن هفتاد برکت است»<sup>۲</sup>.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۱۸۷.

۲. همان، ص ۱۶۶.





## فصل دهم:

# آداب معاشرت با مردم و حقوق آنان

۱. حقوق خویشاوندان و خادمان
۲. حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبيله
۳. اُخوت و صداقت
۴. حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حُسن معاشرت با مردم
۵. برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران
۶. دیدار مؤمن و عیادت از بیماران
۷. اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک‌ها به مؤمنان
۸. حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان
۹. رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان
۱۰. آداب رفتار با ظالمان
۱۱. آداب معاشرت با کافران و مخالفان
۱۲. حقوق مردگان بر زندگان



## ۱] حقوق خویشاوندان و خادمان

### اهمیت صلۀ رحم و فواید آن در دنیا

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هیچ عملی ثوابش زودتر از صلۀ رحم به صاحب آن نمی‌رسد».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «صلۀ رحم و معاشرت نیکو با همسایگان، خانه‌ها را آباد و عمر انسان‌ها را زیاد می‌کند».<sup>۲</sup>
۳. در احادیث فراوانی آمده است که: نیکی به خویشاوندان باعث قبولی اعمال و زیاد شدن اموال و دور شدن بلاها و طولانی شدن عمر و آسان شدن حساب روز قیامت می‌شود.<sup>۳</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چیزی مانند صلۀ رحم بر عمر نمی‌افزاید، به گونه‌ای که گاه از عمر کسی سه سال بیشتر نمانده که به سبب صلۀ رحم، سی و سه ساله می‌شود و گاه از عمر کسی سی و سه سال مانده که به سبب قطع صلۀ رحم، سه ساله می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۲. همان، ح ۱۴.

۳. همان، ص ۱۵۰، ح ۴.

۴. همان، ص ۱۵۲، ح ۱۷.

۵. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: «من برای کسی که صلۀ رحم کند چند چیز را ضمانت می‌کنم: خداوند او را دوست می‌دارد، روزی‌اش بسیار می‌شود، عمرش طولانی می‌شود، وارد بهشت می‌گردد».<sup>۱</sup>
۶. از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «هرگاه خویشاوندان به یکدیگر بدی کنند، مالشان به دست بدکاران می‌افتد».<sup>۲</sup>
۷. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام باقر رضی الله عنه فرمود: «سه چیز است که هر کس مرتکب آن شود پیش از مردن سزای آن را می‌بیند: ظلم و قطع رحم و دروغ. و بسیار اتفاق می‌افتد که مال و فرزندان جماعتی بدکردار به سبب صلۀ رحم بسیار می‌شود. و قسم دروغ و قطع صلۀ رحم، خانه‌ها را از اهلیش خالی و نسل را نابود می‌کند».<sup>۳</sup>

#### فواید صلۀ رحم برای آخرت

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که: «پیوند خویشاوندی در روز قیامت به عرش الهی چنگ می‌زند و می‌گوید: پروردگارا، هر که مرا در دنیا صلۀ کرده، تو امروز او را به رحمت متصل فرما و هر که مرا در دنیا قطع کرده، تو امروز او را از رحمت خود قطع کن».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «دو سمت پل صراط، امانت و صلۀ رحم است. کسی که در امانت مردم خیانت نکرده و با خویشاوندانش نیکی کرده، به آسانی از صراط عبور می‌کند و زود وارد بهشت

۱. عیون اخبار الرضا رضی الله عنه، ج ۲، ص ۳۷، ح ۹۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۴۸، ح ۸.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۴؛ خصال، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۹۹.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۵۱، ح ۷، ۸ و ۱۰.

می‌شود. و کسی که در امانت خیانت و قطع رحم کرده، اعمال دیگر سودی به حالش ندارد و صراط او را در آتش می‌افکند»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس با پای خود به خانه خویشان برای دیدار با آنها برود، یا به آنها کمک مالی کند، خداوند متعال ثواب صد شهید به او کرامت می‌کند. و معادل هر قدمی که برمی‌دارد چهل هزار حسنه در نامه اعمالش می‌نویسد و چهل هزار گناه از گناهانش محو می‌کند و چهل هزار درجه در بهشت بر درجانش می‌افزاید. و چونان کسی است که صد سال خدا را با اخلاص عبادت کرده است»<sup>۲</sup>.

۴. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس حق خویشاوندانش را مراعات کند، خداوند متعال در بهشت هزار درجه به وی کرامت کند که از هر درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد. یک پله از نقره و دیگری از طلا و دیگری از مروارید و دیگری از زمرد و دیگری از زبرجد و دیگری از مشک و دیگری از عنبر و دیگری از کافور و همچنین از سایر چیزهایی که خداوند در بهشت خلق کرده است»<sup>۳</sup>.

۵. نیز در حدیثی فرمود: «بوی بهشت از هزار سال راه به مشام می‌رسد، ولی عاق پدر و مادر و قطع‌کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار آن را استشمام نمی‌کنند»<sup>۴</sup>.

۶. در سخنی دیگر فرمود: «سه کس وارد بهشت نمی‌شود: شرابخوار، جادوگر، کسی که پیوند خویشاوندی را قطع کند»<sup>۵</sup>.

۱. عده الداعی، ص ۸۱.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹.

۳. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۳۳، ج ۲۰۲.

۴. کافی، ج ۷، ص ۲۶۱، ح ۵.

۵. خصال، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۱۱، ح ۶.

## حقّ صلۀ رحم

۱. در روایتی معتبر آمده است که شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام پرسید: بستگانی دارم که شیعه نیستند، آیا حقّی بر من دارند؟ فرمود: «آری. حقّ رحم را هیچ چیز قطع نمی‌کند؛ اگر شیعه باشند دو حق دارند: یکی رحم و دیگری حقّ اسلام». و فرمود: «صلۀ رحم و نیکی با برادران مؤمن، حساب قیامت را آسان می‌کند و انسان را از گناه حفظ می‌کند؛ پس صلۀ رحم و نیکی با برادران خود را ترک نکنید، اگرچه به سلام کردن و نیکو جواب سلام دادن باشد».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در شب معراج دیدم که شخصی از یکی از خویشاوندان خود شکایت می‌کند. به اذن پروردگار از او پرسیدم: در چند پشت نسبت تو و او به هم می‌رسد؟ گفت: در چهل پشت».<sup>۲</sup>

## رعایت حقوق خادمان

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس دارای چهار صفت باشد خداوند او را در اعلیٰ علیین، در برترین غرفه‌های شرف، سکنی می‌دهد: یتیمی را پناه دهد و از او مراقبت کند و برایش همچون پدری مهربان باشد، بر ضعیفان ترحم و به آنها کمک کند، مال خود را صرف نیازهای پدر و مادرش کند و با آنها مدارا کند و به والدین خود نیکی کند و آنها را آزرده خاطر نسازد، با خدمتکار خود خشن رفتار نکند و در خدماتش او را یاری دهد و وادار بر کارهایی نکند که برایش سخت و دشوار است».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به اصحابش فرمود: «دوست

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳۱.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۵.

۳. امالی مفید، ص ۱۶۷.

دارید بدترین مردم را به شما معرفی کنم؟» گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: «کسی که تنها سفر رود و عطای خود را از مردم منع کند و خادم خود را کتک بزند»<sup>۱</sup>.

## ۲] حقوق همسایگان و یتیمان و عشیره و قبيله

### رعایت حقوق همسایگان

#### اهمیت حق همسایه

۱. از رسول گرامی اسلام ﷺ روایت شده است که فرمود: «جبرئیل پیوسته مرا به رعایت حق همسایه سفارش می‌کرد به حدی که گمان کردم برای همسایه ارث قرار خواهد داد»<sup>۲</sup>.
۲. در روایتی معتبر آمده است که از حضرت رسول ﷺ پرسیدند: آیا حقی به غیر از زکات در اموال هست؟ فرمود: «آری، نیکی و احسان به خویشاوندانی که به تو بدی کرده‌اند و احسان به همسایه مسلمان؛ بی‌شک کسی که شب سیر بخوابد و همسایه مسلمانش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است»<sup>۳</sup>.

#### حقوق همسایه و حدود همسایگی

۱. از امام صادق ع روایت شده است که فرمود: «از جمله حقوق مالی، حق ماعون است<sup>۴</sup> که خداوند در مورد آن تهدید به جهنم کرده و آن وامی است که به

۱. محاسن، ص ۳۵۶، ج ۶۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۰۸.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۳. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۴. «ماعون» از ماده «مَعْن» (بر وزن شأن) به معنای چیز کم است و بسیاری از مفسران معتقدند که منظور از آن در اینجا، اشیاء جزئی است که مردم به ویژه همسایگان به عنوان عاریه یا تملک می‌گیرند؛ مانند مقداری نمک، آب، آتش (کبریت) و جز اینها. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۶۱، ذیل تفسیر آیه ۷ سوره ماعون.

همسایه دهد، یا به آنها نیکی کند، یا ضروریات خانه را به آنها عاریت دهد». راوی عرض کرد: ما همسایگانی داریم که اگر چیزی به آنها امانت دهیم آن را شکسته و ضایع می‌کنند، اگر ندهیم مرتکب گناه شده‌ایم؟ فرمود: «گناهی بر شما نیست».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «منع کردن همسایگان از نمک و آتش (و اشیاء کوچک ضروری زندگی) جایز نیست».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایگان را از ماعون منع کند، خداوند متعال خیر و احسانش را از وی منع کرده و او را به حال خود وامی‌گذارد و کسی را که خداوند به حال خود واگذارد، وای به حال او».<sup>۳</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از قرض دادن نان و همچنین دادن وسیله آتش‌افروزی به همسایه خودداری نکنید که این امور باعث فراوان شدن روزی بر اهل خانه می‌شود و از جمله مکارم اخلاق است».<sup>۴</sup>

۵. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «تا چهل خانه از هر طرف همسایه‌اند».<sup>۵</sup>

#### بدترین بلاها

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «سه چیز از بدترین بلاهاست: پادشاه یا حکمرانی که اگر به وی احسان و نیکی کنی قدردانی نکند و اگر به او بدی کنی درنگذرد، همسایه‌ای که چشمش تو را ببیند و دلش مر تو

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۷۰، ح ۱۱؛ مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ذیل آیه ۷ سوره ماعون.

۲. کافی، ج ۵، ص ۳۰۸، ح ۱۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۰.

۴. کافی، ج ۵، ص ۳۱۵، ح ۴۷.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۶۹، باب حدّ الجوار، ح ۱.



را بخواهد، اگر کار خوبی از تو ببیند آن را بپوشاند و برای دیگران بیان نکند و هرگاه کار بدی ببیند آن را منتشر سازد، زوجه‌ای که اگر حاضر باشی تو را شاد نکند و اگر غایب باشی خاطر تو از او مطمئن نباشد.<sup>۱</sup>

#### زیان‌های همسایه‌آزاری و فواید رعایت حقوق همسایه

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه‌اش را بیازارد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش جهنم باشد».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به همسایه‌اش به اندازه یک وجب زمین خیانت کند، خداوند متعال آن زمین را تا طبقه هفتم به شکل طوقی درآورده و بر گردنش بیندازد و آن طوق تا هنگامی که او را برای حساب آورند در گردنش باشد، مگر آنکه توبه کند و آن زمین را به صاحبش بازگرداند».<sup>۳</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس همسایه‌اش را به خاطر طمع در خانه او آزار دهد، خداوند خانه‌اش را به همسایه‌اش برساند».<sup>۴</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس آزارش را از همسایه‌اش بازدارد، خداوند در روز قیامت از گناهانش درگذرد».<sup>۵</sup>

### حقوق یتیمان

#### سرپرستی یتیمان

ولئ یتیم که حق تصرف در اموال یتیم را - البته در چارچوب مصالح وی -

۱. قرب الإسناد، ص ۸۳، ح ۲۵۳.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۳. امالی صدوق، ص ۴۲۷.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۵. امالی صدوق، ص ۵۵۲، ح ۴.

دارد، پدر و جدّ پدری و وصیّ است که آنها تعیین کنند. و اگر هیچ‌یک از این سه تن نباشند، حاکم شرع یعنی امام معصوم یا منتخب امام معصوم است. و در عصر غیبت، بیشتر علما معتقدند مجتهد جامع‌الشرایط یا کسی که از طرف او مأذون باشد این مسؤولیت را بر عهده می‌گیرد. از روایات اسلامی استفاده می‌شود که مؤمنان نیکوکار می‌توانند برای رضای خدا عهده‌دار امور ایتم و حفظ اموالشان شوند تا آنچه را که به نفع و مصلحت و غبطهٔ آنان باشد رعایت کنند. و چنانچه وضع مالی مناسبی نداشته باشند و تلاش برای نگهداری اموال یتیم، مانع کسب و کارشان شود می‌توانند به مقدار مخارج ضروری از مال یتیم استفاده کنند و احتیاط آن است که چیزی بیش از اجرة‌المثل متعارف چنین کاری بر ندارند.

نیز پدر و جدّ پدری و وصیّ باید نهایت دقت را در رعایت غبطه و مصلحت یتیم مبذول دارند. و اگر توانایی بر پرداخت بدهی‌های خود نداشته باشند نمی‌توانند برای این منظور از اموال یتیم استفاده کنند. و چنانچه پدر و جدّ پدری وضع مالی خوبی نداشته باشند می‌توانند به مقدار مخارج ضروری خود از مال یتیم استفاده کنند. و اگر مادر هم نیازمند باشد، ولیّ می‌تواند نفقه‌اش را از مال یتیم بپردازد. و چنانچه مقدار هزینه‌های یتیم را محاسبه کرده، با مخارج خویش مخلوط سازد و با هم از آن استفاده کنند اشکالی ندارد.

#### یتیم‌نوازی و پاداش آن در دنیا و آخرت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس از سنگدلی و قساوت قلب خویش آزرده باشد و بخواهد قلبش نرم شود، یتیمی را نزد خود آورد و با او مهربانی کند و بر سر سفره‌اش بنشاند و از روی مهربانی دست بر سرش بکشد، چرا که یتیم بر مردم حقّی بزرگ دارد».<sup>۱</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۷۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از یتیمی نگهداری کند و نفقه‌اش را بپردازد، من و او در بهشت مانند این دو انگشت (اشاره به انگشت اشاره و وسط) در کنار هم خواهیم بود».<sup>۱</sup>
۳. نیز در روایتی فرمود: «هر کس یتیمی را به خانه‌اش آورد و هزینه‌اش را تا زمانی که بی‌نیاز شود بپردازد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند، همان‌گونه که جهنم را بر خورنده مال یتیم واجب کرده است».<sup>۲</sup>
۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هر مرد وزن مؤمنی از روی ترحم و مهربانی دست بر سر یتیمی بکشد، خداوند متعال به عدد هر تار مویی که از زیر دستانش عبور کند، برایش حسنه‌ای می‌نویسد».<sup>۳</sup>
۵. و در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند در مقابل هر تار مویی، در قیامت نوری به وی می‌دهد».<sup>۴</sup>
۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه یتیمی بگردید، عرش پروردگار بر اثر گریه او به لرزه درمی‌آید و خداوند فرماید: چه کسی این بنده‌ام را که پدر و مادرش را از او گرفته‌ام به گریه آورده است؟ به عزت و جلالم سوگند که هیچ بنده‌ای او را ساکت و آرام نکند، مگر آنکه بهشت را برایش واجب می‌کنم».<sup>۵</sup>

#### مجازات به ناحق خوردن مال یتیمان

۱. در چندین حدیث معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند

۱. قرب الإسناد، ص ۹۲، ح ۳۰۲.  
 ۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۴، ح ۴۴؛ کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۲.  
 ۳. ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۱.  
 ۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۶۹.  
 ۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۵۷۳؛ ثواب الأعمال، ص ۲۳۷، ح ۱.

متعال برای کسی که مال یتیم را به ناحق بخورد دو مجازات در نظر گرفته است: یکی عذاب جهنم در آخرت و دو دیگر آنکه مردم با یتیمانش (در دنیا) همان کاری کنند که او با یتیمان دیگران کرده است.<sup>۱</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت گروهی را از قبر مبعوث می‌کند که آتش از دهانشان شعله‌ور است و آنها کسانی هستند که مال یتیم خورده‌اند، همان‌گونه که خداوند متعال در قرآن مجید فرموده است: کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، (در حقیقت) فقط آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند.<sup>۲</sup>»<sup>۳</sup>

۳. در احادیث معتبر آمده است: خوردن مال یتیم به ناحق، از جمله گناهان کبیره است.<sup>۴</sup>

#### حقوق قبیله و عشیره

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بپرهیزید از اینکه حقوق دیگران را تباه کنید و بر مشکلات شکیبایی کنید و اگر کسی از قبیله شما از شما چیزی بخواهد که ضررش برای شما بیش از نفع آن است قبول نکنید.»<sup>۵</sup>

۲. در روایتی دیگر آمده است که حضرت علی علیه السلام در بیماری صعصعة بن صوحان که از بزرگان اصحاب آن حضرت بود، به عیادت وی رفت و به صعصعه فرمود: «اینکه من به عیادت تو آمدم بر قوم خود فخر نکن و اگر مشکلی برای آنها به وجود آمد خود را کنار نکش که انسان از قوم و قبیله‌اش بی‌نیاز نیست،

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۳، ح ۲۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷.

۴. فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۳۲.

۵. امالی طوسی، ج ۱، ص ۷۱.

بلکه به آنها محتاج است. اگر آنها را کمک نکنی کمکی را از آنها دریغ داشته‌ای و در مقابل، کمک‌های فراوانی را از خود دریغ کرده‌ای؛ بنابراین، اگر آنها را در حال خوشی ببینی در آن خوشی به آنها کمک کن و اگر در بلا و مشکلی دیدی آنها را به خودشان وانگذار. البته کمک‌های متقابل شما باید در مسیر اطاعت خدا باشد. اگر در مسیر اطاعت خدا و دوری از معصیت به هم کمک کنید همیشه در رفاه و نعمت خواهید بود.<sup>۱</sup>

۳. در حدیثی معتبر آمده است که: چند اسیر از کفار را (که مرتکب جرایم سنگینی شده بودند) نزد رسول اکرم ﷺ آوردند. یکی از آنها را خواستند گردن بزنند که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، این اسیری را که می‌خواهی گردن بزنی به مردم غذا می‌داد و میهمان‌داری می‌کرد و هزینه‌هایی را که بر قبیله‌اش تحمیل می‌شد پرداخت می‌کرد و بارهای سنگین خانواده را خود به دوش می‌کشید. سپس حضرت رسول ﷺ به آن اسیر فرمود: «خداوند چنین وحی فرستاده است و من به سبب این خصلت‌ها از کشتن تو صرف‌نظر کردم». اسیر گفت: پروردگار تو این صفات را دوست دارد؟ حضرت فرمود: «آری». اسیر شهادتین بر زبان جاری کرد و مسلمان شد و سپس گفت: به حقّ خدایی که تو را به راستی فرستاده، هرگز کسی را از مال خود برنگردانده‌ام.<sup>۲</sup>

### ﴿۳﴾ اُخُوّت و صداقت

#### اُخُوّت و برادری

#### اهمّیت اُخُوّت

۱. در حدیث است که حضرت علی ؑ به هنگام شهادت، به امام حسن مجتبی ؑ چنین وصیّت کرد: «برای رضای خدا با برادران (دینی) برادری کن

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۵۷.

۲. محاسن، ص ۲۸۸، ح ۱۴.

- و انسان‌های نیکوکار را به خاطر صلاح (و ایمانشان) دوست بدار.<sup>۱</sup>
۲. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «پس از اسلام، سودمندتر از برادری که انسان برای رضای خدا برای خود انتخاب می‌کند وجود ندارد».<sup>۲</sup>
۳. در احادیث معتبر می‌خوانیم که: اخوت و برادری و آشنایی مؤمنین، در عالم ارواح ایجاد شده و هنگامی که یکدیگر را در این دنیا می‌بینند به سوی یکدیگر جذب می‌شوند.<sup>۳</sup>

### انواع و آثار اخوت

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادران بر دو نوع‌اند: برادری که در دوستی و یاری مورد اعتماد باشد، برادری که برای سرگرمی و گفت‌وگو مورد اعتماد باشد. اما گروه اول به منزله دست و بال و اهل و مال هستند و هنگامی که بر چنین برادری اعتماد کردی برای او از جان و مال خود هزینه کن و با دوستانش دوستی و با دشمنانش دشمنی کن. رازش را بپوشان و عیوبش را پنهان و نیکی‌هایش را آشکار کن. این‌گونه برادران همچون کبریت احمر<sup>۴</sup> کمیاب هستند. اما گروه دوم از همنشینی با آنها لذت می‌بری، این را از آنان دریغ نکن و بیش از این از آنها توقع نداشته باش».<sup>۵</sup>
۲. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: بسیار اتفاق می‌افتد که بی‌سبب به حدی اندوهگین و ناراحت می‌شوم که اهل و عیال و دوستانم آثار

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۷.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۴، باب ۷۹، ح ۱ و ۲؛ و ج ۲، ص ۴۲۶، باب ۱۶۱، ح ۷ با اندکی اختلاف.

۴. گوگرد معمولاً زرد رنگ است و گوگرد سرخ بسیار کمیاب است. در عربی از اشیاء کمیاب به «کبریت احمر» یاد می‌کنند.

۵. خصال، ج ۱، ص ۸۹، ح ۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۹۳، ح ۳.

آن را در چهره‌ام می‌بینند، علت آن چیست؟ حضرت فرمود: «خداوند متعال مؤمنان را از طینت بهشت آفریده و از نسیم رحمت خود در آنان جاری کرده است؛ بدین سبب، مؤمنین برادر پدری و مادری یکدیگرند و هنگامی که اندوهی به روح یکی از مؤمنان برسد دیگر مؤمنان به سبب اندوه او محزون می‌شوند».<sup>۱</sup>

#### حقوق و پاداش اخوت

۱. در احادیث معتبر می‌خوانیم که: مؤمن برادر مؤمن و دیده‌وی و راهنمای اوست، به او خیانت و ظلم نمی‌کند، فریبش نمی‌دهد، اگر به او وعده دهد تخلف نمی‌کند، به او دروغ نمی‌گوید و غیبتش را نمی‌کند.<sup>۲</sup>
۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای خود، برادر مؤمنی انتخاب کند خانه‌ای در بهشت یافته است».<sup>۳</sup>
۳. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «نگاه کردن به چهره‌ی امام عادل و شخص عالم و پدر و مادر از روی مهربانی، عبادت است و نظر کردن بر چهره‌ی برادر مؤمنی که او را برای خدا دوست داری عبادت است».<sup>۴</sup>

#### دوستی

##### اهمیت دوستی

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «محبّت و دوستی بیست ساله، به منزله‌ی خویشاوندی است. و علم، اهلش را با یکدیگر بیشتر ربط می‌دهد تا رابطه‌ی پدری».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۲.

۲. همان، ح ۳ و ۵.

۳. ثواب الأعمال، ص ۱۸۲؛ امالی مفید، ص ۳۱۶، ح ۸.

۴. امالی طوسی، ج ۲، ص ۶۹.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۱، ح ۱۲.

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین عیش و خوشی دنیا، منزل وسیع و دوستان بسیار است».<sup>۱</sup>
۳. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با صد تن همنشین و دوستی داشته باش، ولی با یک تن هم دشمنی نکن. و راضی باش که غلام نیکان باشی، اما فرزند بدان نه».<sup>۲</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز در هر کس نباشد زندگی بر او گوارا نخواهد بود: سلامتی، امنیت، توانگری، قناعت، دوست موافق و خوب».<sup>۳</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس را پنددهنده‌ای از درونش و زجرکننده‌ای از نفسش و همنشین و دوستی که او را به راه خیر ندارد نباشد، شیطان بر وی مسلط می‌شود».<sup>۴</sup>

#### معیارهای دوستی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر یک از برادران مؤمن سه مرتبه بر تو خشم گیرد و در هیچ مرتبه سخن زشتی در حق تو نگوید، سزاوار دوستی است».<sup>۵</sup>
۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر می‌خواهی نعمت (پروردگار) بر تو تمام شود و مردی و مروّت در حق تو کامل گردد و امور زندگی به کام تو باشد، مردم پست را شریک کارهایت نکن که اگر آنها را امین خود کنی

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۷۷، ح ۱۶.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۳. امالی صدوق، ص ۲۹۱، ح ۱۵.

۴. همان، ص ۴۴۱، ح ۲.

۵. همان، ص ۶۶۹، ح ۷.



به تو خیانت می‌کنند و اگر سخنی با تو گویند دروغ می‌گویند و اگر بلایی دامنگیر تو شود به یاری تو نمی‌شتابند. (بلکه) با عاقل همنشینی و دوستی کن، هر چند کریم نباشد (بدین صورت که) از عقلش استفاده کنی و از اخلاق زشت وی دوری گزینی. و با کریم همنشینی و دوستی کن هر چند عاقل نباشد، تا به عقل خود از کرمش سودمند شوی و به‌طور جدی از احمقی که بخیل باشد دوری کن.<sup>۱</sup>

#### مراتب و حقوق دوستی

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صداقت و یاری و دوستی مراتب مختلفی دارد. هر کس تمام مراتب آن را دارا نباشد او را به کمال صداقت و دوستی نسبت نده و کسی که هیچ مرتبه‌ای از مراتب آن را ندارد، هیچ‌یک از مراتب صداقت را برای او قائل نشو (مراحل صداقت این است که): آشکار و پنهانش با تو یکی باشد، خوبی‌های تو را خوبی‌های خود و عیوب تو را عیوب خود بداند، به هنگام دسترسی به مال یا مقام تغییر روش ندهد، آنچه از امکانات به او برسد از تو منع نکند، به هنگام بلاها و سختی‌ها تو را تنها نگذارد».<sup>۲</sup>

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را در موقعیت تهمت و اتهام قرار دهد، کسی را که گمان بد به او می‌برد سرزنش نکند. و هر که رازش را پنهان دارد زمام امورش به دست خودش باشد. و هر سخنی که از دو تن گذشت فاش می‌شود. و هنگامی که با کسی برادری کردی آنچه را از او می‌بینی حمل بر صحت کن، تا جایی که دیگر احتمال صحیحی ندهی و مبادا

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۳۵۶.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۳، ح ۱.

گمان بد ببری بر سخنی که از برادر دینی ات شنیده‌ای تا آنجا که امکان حمل بر صحت باشد. و به هنگام خوشی، دوستان نیک فراوانی تهیّه کن که به هنگام بدی و بلا، سپری در مقابل دشمنان هستند. و با کسانی مشورت کن که خداترس باشند. و برادران مؤمن را به قدر پرهیزگاریشان دوست بدار. و از زنان بد پرهیز و از نیکانشان برحذر باش.<sup>۱</sup>

#### حدّ دوستی و مقدار توقع از دوست

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به برادر و دوست آن قدر اعتماد نکن که رازهای خود را به وی بسپاری، زیرا هنگامی که از تو برگردد چاره‌ای نتوانی کرد».<sup>۲</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «دوستانت را از رازها و اسرار خود آگاه نکن، مگر رازی که اگر دشمنت هم بداند به تو ضرری نمی‌رسد، زیرا گاهی دوست دشمن انسان می‌شود».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در دوستی با دوستان و دشمنی با دشمنان زیاده‌روی نکن، زیرا چه بسا دوست دشمن و دشمن، دوست شود».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دوستی داشتی که حاکم جایی شد (و به پست و مقام مهمی رسید)، اگر یک‌دهم گذشته با تو دوستی کرد، دوست بدی نیست».<sup>۵</sup>

۱. الإختصاص، ص ۲۲۶.

۲. امالی صدوق، ص ۶۶۹، ج ۷.

۳. همان، ص ۶۷۰، ادامه حدیث ۷.

۴. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵. همان، ص ۲۸۵.

### حرمت دوستان پدر و محبت بیجا

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دوستان پدر قطع رابطه نکن که روشنایی زندگی ات مبدل به تاریکی می شود».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس محبتش را در غیر موردش صرف کند، خود عامل قطع محبت شده است».<sup>۲</sup>

## ۴ حقوق مؤمنین بر یکدیگر و حسن معاشرت با مردم

### اهمیت حق مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ عبادتی نزد پروردگار، بهتر از ادا کردن حق مؤمن نیست».<sup>۳</sup>
۲. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «هر کس به زندگی روزمره خود ادامه دهد ولی به امور مسلمانان اهتمام نرزد مسلمان نیست. کسی که صدای کمک خواهی مسلمانی را بشنود و به او یاری نرساند مسلمان نیست».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که نفعش به مردم بیشتر می رسد».<sup>۵</sup>
۴. نیز در روایتی فرمود: «هر کس خطر آب یا آتش را از گروهی از مسلمانان دور کند، بهشت بر او واجب می شود».<sup>۶</sup>
۵. در حدیثی است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از وی

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۱، ح ۱۹.

۲. محاسن، ص ۲۶۶، ح ۳۴۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۴.

۴. همان، ص ۱۶۴، ح ۵.

۵. همان، ح ۷.

۶. همان.

پرسید: «برادران دینی‌ات در چه حالی هستند؟» عرض کرد: بر حال خوبی هستند. حضرت پرسید: «ثروتمندانشان به فقیران رسیدگی می‌کنند؟» عرض کرد: اندکی. فرمود: «ثروتمندان چقدر به دیدار نیازمندان می‌روند؟» عرض کرد: کم. فرمود: «توانگران چه مقدار به فقیران احسان می‌کنند؟» عرض کرد: اندکی. حضرت فرمود: «اینها چگونه ادعای تشیع می‌کنند!»<sup>۱</sup>

### حق مؤمن بر مؤمن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره برادر مؤمن خود را ببوشاند».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب برادر مؤمنش خیرخواه او باشد».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خیرخواهی مردم بر شما لازم است، زیرا هیچ عملی نزد خدا بهتر از این کار نیست».<sup>۴</sup>
۴. نیز در سخنی فرمود: «با یکدیگر برادر و نسبت به هم نیکوکار باشید. و برای رضای خدا با یکدیگر دوستی کنید. به دیدن هم بروید و با یکدیگر بنشینید و از معارف و احادیث ما یاد کنید».<sup>۵</sup>
۵. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «حق مؤمن بر مؤمن آن است که او را دوست بدارد، مال خود را از او دریغ نکند، اگر به سفر رود به احوال اهل و عیالش بپردازد، اگر کسی بر او ظلم کند یاریش نماید، اگر حقی به

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۲۰۷، ح ۸.

۳. همان، ص ۲۰۸، ح ۲.

۴. همان، ص ۱۶۴، ح ۳، و ص ۲۰۸، ح ۶.

۵. همان، ص ۱۷۵، باب التراحم و التعاطف، ح ۱.

مسلمانان دهند و او غایب باشد بهره و سهم او را برایش کنار بگذارد، هنگامی که از دنیا رفت به زیارت قبرش برود، بر او ظلم نکند، او را فریب ندهد، به او خیانت نکند، در برابر او اظهار تنفر نکند که اگر چنین کند دوستی از میان آنها رخت برمی‌بندد، اگر به برادر مؤمنش بگوید تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر است زیرا اگر دروغ گفته باشد خود کافر است و اگر راست گفته باشد طرف مقابل کافر (یعنی صاحب گناه کبیره) است و چون او را متهم به تهمت کند ایمان در دلش ذوب شود همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود.<sup>۱</sup>

۶. در روایتی دیگر فرمود: «وعدۀ‌ای که مؤمن به برادر مؤمن خود می‌دهد همچون نذر است، هر چند کفاره ندارد. هر کس خلف وعده کند در حقیقت به خدا خلف وعده کرده و خود را در معرض خشم او قرار داده است».<sup>۲</sup>

۷. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید به وعدۀ خود وفا کند».<sup>۳</sup>

۸. به سندهای معتبر از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «مؤمن هفت حق واجب بر مؤمن دارد: در حضورش او را تعظیم و تکریم کند، محبتش در دل او باشد، مال خود را از او دریغ نرزد، غیبت او را بر خود حرام بداند، هنگامی که بیمار شود به عیادتش رود، چون از دنیا برود در تشییع او حاضر شود، پس از مرگش جز به نیکی از او یاد نکند».<sup>۴</sup>

### حق مسلمان بر مسلمان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنچه را برای عزیزترین

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۷.

۲. همان، ص ۳۶۳، ح ۱.

۳. همان، باب خلف الوعد، ح ۲.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۸۴۶.

کسان خود می‌خواهید برای برادر مسلمان خود بخواهید. و آنچه را برای عزیزترین کسان خود نمی‌خواهید برای برادر مسلمانان نخواهید. دوستی او را از ناخالصی‌ها خالص گردانید به این صورت که در شادی او شاد و در اندوه وی اندوهگین باشید. در صورت امکان غم و ناراحتی‌اش را برطرف سازید و اگر نمی‌توانید، دعا کنید که خدا اندوهش را زایل کند.<sup>۱</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برادر مسلمان خود را دوست بدار و آنچه را برای خود می‌خواهی برای او بخواه و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای او نپسند. هرگاه نیازمند شدی از او کمک بگیر و چون از تو کمک خواست به وی عطا کن. نیکی را از او دریغ ندار تا او هم از تو دریغ نکند. یار و یاورش باش تا او نیز یاور تو باشد. هر زمان غایب شود حرمت او را در غیبتش نگاه دار و چون از سفر بازگردد به دیدنش برو و او را گرامی بدار، چرا که او از تو است و تو از او هستی. اگر با تو در مقام عتاب و سرزنش برآید از او جدا شو، تا کینه را از سینه‌اش به در کنی. اگر نعمتی به او برسد خدا را شکر کن و اگر بلایی بر او نازل شود یاورش باش و با او بیشتر مهربانی کن.»<sup>۲</sup>

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی بر برادر مسلمان خود شش حق دارد: هرگاه به او رسد سلام کند، هر وقت بیمار شود به عیادتش رود، هرگاه عطسه کند او را دعا کند، چون از دنیا برود بر او نماز بگذارد، هرگاه او را دعوت کند بپذیرد، آنچه را برای خود دوست می‌دارد برای او دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای او نپسندد.»<sup>۳</sup>

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام پرسید:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۹.

۲. امالی صدوق، ص ۳۲۳، ح ۱۲.

۳. امالی طوسی، ج ۲، ص ۹۲.

حَقِّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ حضرت فرمود: «هفت حَقِّ است که همگی واجب است و اگر یکی از آنها را ترک کند از دوستی و طاعت خدا خارج می‌شود». عرض کرد: آنها چیست؟ فرمود: «می‌ترسم که فرا نگیری و مراعات نکنی (اما می‌گویم). آسان‌ترین آنها این است که آنچه را برای خود دوست می‌داری برای او دوست بداری و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای او نپسندی. از غضبش بپرهیزی و در پی خشنودیش باشی و آنچه گوید اطاعت کنی. با جان و مال و زبان و دست و پا (و با تمام وجود) یاریش کنی. دیده‌بان، راهنما و آیینۀ او باشی. تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، تو پوشیده نباشی و او عریان. اگر خدمتکار داشته باشی و او نداشته باشد واجب است خادم خود را بفرستی تا لباسش را بشوید، غذایش را بپزد و بستر را بگستراند. اگر تو را بر انجام دادن کاری قسم داد انجام دهی و اگر به خانه‌اش دعوت کرد اجابت کنی و اگر بیمار شد به عیادتش بروی و چون از دنیا رفت بر جنازه‌اش حاضر شوی و اگر دانستی که حاجت و نیازی دارد پیش از آنکه بپرسد حاجتش را برآورده سازی. اگر این کارها را انجام دهی محبت خود را به محبت او و محبت او را به محبت خود پیوند زده‌ای».<sup>۱</sup>

## ۵] برآوردن حاجت مؤمن، چگونگی رفتار با مردم و شاد کردن دیگران

### برآوردن حاجت مؤمن

#### اهمیت برآوردن حاجت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرموده است که مردم عیال من هستند و محبوب‌ترین مردم نزد من کسی است که با مردم مهربان‌تر باشد و برای برآوردن حاجات آنها تلاش بیشتری کند».<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۲؛ خصال، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۲۰.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۰.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «راه رفتن در مسیر برآورده کردن حاجت برادر مسلمان را از آزاد کردن هزار برده و فرستادن هزار رزمنده با اسباب و آلات نظامی به میدان جنگ بیشتر دوست می‌دارم».<sup>۱</sup>

#### پاداش دنیوی برآوردن حاجت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و فرستادن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است».<sup>۲</sup>
  ۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بر آوردن حاجت مؤمن از بیست حج که در هر حج صاحبش هزار درهم هزینه کند، بهتر است».<sup>۳</sup>
  ۳. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «یک حج به‌جا آوردن از آزاد کردن هفتاد بنده بهتر است. و پرداختن هزینه یک خانواده مسلمان به گونه‌ای که بدن آنها را بپوشاند و آنها را سیر کند و آبروی آنها را حفظ کند، از هفتاد حج بهتر است».<sup>۴</sup>
  ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس هفت شوط (دور) بر گرد خانه کعبه طواف کند، خداوند متعال برای او شش هزار حسنه می‌نویسد و از او شش هزار گناه محو می‌کند و شش هزار درجه بر درجاتش می‌افزاید و شش هزار حاجتش را برآورده می‌کند. (ولی) برآورده کردن حاجت مؤمن از ده طواف بهتر است».<sup>۵</sup>
- در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی برای انجام دادن خواست شخص

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۴.

۲. همان، ص ۱۹۳، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

۴. ثواب الأعمال، ص ۱۷۰، ح ۱۳.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۶.



بایمانی حرکت کند، خداوند به دو فرشته مأموریت می دهد که از راست و چپ برایش استغفار کرده و دعا کنند که حاجتش برآورده شود.<sup>۱</sup>

۵. در سخنی دیگر فرمود: «هر مؤمنی در مسیر برآوردن حاجت برادر مؤمن خود قدم بردارد، ده حسنه برای او نویسند و ده گناه از گناهانش محو کنند و ده درجه در بهشت بر درجاتش بیفزایند و این کار برابر با آزاد کردن ده برده و بهتر از یک ماه اعتکاف در مسجد الحرام است».<sup>۲</sup>

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند هفتاد و پنج هزار فرشته را مأمور می کند که بر او سایه بیفکنند و به هر قدمی برایش حسنه بنویسند و گناه او را محو سازند و درجاتش را بالا ببرند و چون از کار او فارغ شود و مشککش را حل کند، ثواب حج و عمره را در نامه عملش بنویسند».<sup>۳</sup>

#### پاداش اخروی برآوردن حاجت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس یک حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند در قیامت صد هزار حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت است و دو دیگر آنکه خویشان و آشنایان خود را وارد بهشت کند به شرط آنکه ناصبی<sup>۴</sup> نباشد».<sup>۵</sup>

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند بندگان را دارد که برای

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۱۹۶، ح ۱.

۳. همان، ص ۱۹۷، ح ۳.

۴. «ناصبی» به کسی گفته می شود که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمه معصومین علیهم السلام، دشمنی دارد و به آنها ناسزا می گوید و این مطلب جزء اعتقادات دینی اوست.

۵. کافی، ج ۲، ص ۳ و ۱۹۲، ح ۱.

برآوردن حاجت مردم تلاش می‌کنند، آنها در روز قیامت در امان هستند و هر کس دل مؤمنی را شاد کند، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می‌کند.<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برای جلب رضای خدا، در راه برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد، خداوند برایش یک میلیون حسنه می‌نویسد که به سبب آن خویشاوندان و آشنایان و همسایگان و هر کس را که به او نیکی کرده، می‌آمرزد. و در قیامت به او خطاب می‌شود: وارد جهنم شو و هر که را که در دنیا به تو نیکی کرده، از جهنم بیرون آور و وارد بهشت کن، مگر کسانی که دشمن اهل بیت پیامبر باشند».<sup>۲</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سختی و مشکلات به فریاد برادر مؤمن غمگین مضطرّ خود برسد و اندوهش را برطرف و حاجتش را روا کند، خداوند متعال هفتاد و دو رحمت به وی اختصاص می‌دهد، یکی از آنها را در دنیا به او می‌دهد که کارهای دنیای او با آن انجام می‌شود و بقیه را برای ترس و مشکلات روز قیامت وی ذخیره می‌کند».<sup>۳</sup>

۵. نیز در روایتی فرمود: «هر کس غمی از دل مؤمنی بردارد، خداوند غم‌های آخرت او را بردارد و هنگامی که از قبر بیرون آید دلش مطمئن و شاد باشد. و هر کس به مؤمنی غذا دهد، خداوند او را از میوه‌های بهشت سیر کند. و هر کس به مؤمنی آب دهد، خداوند او را از شراب (طهور) دست‌نخورده بهشت سیراب سازد».<sup>۴</sup>

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس غمی از مؤمنی بردارد، خداوند حاجت دنیا و آخرت او را برآورده سازد. و هر که عیب مؤمنی را بیوشاند، خداوند هفتاد عیب از عیب‌های دنیا و آخرت او را بیوشاند. و تا مؤمن در حال یاری برادر

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲.

۲. همان، ح ۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱؛ الاختصاص، ص ۲۵۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۳.

مؤمن است خداوند یاور اوست»<sup>۱</sup>.

۷. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند صد حاجت وی را برآورده کند که یکی از آنها بهشت باشد. و هر کس غمی از مؤمنی بردارد، پروردگار عالم غم‌های آخرت او را بردارد. و هر کس به مؤمنی در مقابل ظالمی کمک کند، خداوند او را در عبور از پل صراط - به هنگامی که قدم‌ها بلغزد - یاری خواهد کرد. و هر کس حاجت مؤمنی را برآورد که او شاد شود، چنان باشد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد کرده باشد. و هر کس مؤمنی را به هنگام تشنگی اش آب دهد، خداوند متعال او را از شراب (طهور) بهشت سیراب می‌کند. و هر کس مؤمنی را سیر کند، خداوند او را از میوه‌های بهشتی سیر می‌کند. و هر کس مؤمن برهنه‌ای را لباس بپوشاند، خداوند بر اندامش لباس ابریشم بهشتی می‌پوشاند. و هر کس بر مؤمنی که عریان نیست لباس بپوشاند، تا نخعی از آن لباس باقی باشد پیوسته از بلاها در کفالت خدا باشد. و هر کس خادمی به مؤمنی بدهد، خداوند از پسران بهشتی به وی خادم می‌دهد. و هر کس مؤمن پیاده‌ای را سوار کند، خداوند او را بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت سوار می‌کند تا در قیامت بر ملائکه مباحات و افتخار کند. و هر کس بر بدن مؤمنی پس از مرگش کفن بپوشاند، گویا لباس وی را از هنگام ولادت تا وقت مردن تأمین کرده است. و هر کس برای مؤمنی همسری انتخاب کند که با او انس گیرد، خداوند فرشته‌ای را به صورت محبوب‌ترین نزدیکانش در قبر مونس او می‌کند. و هر کس به هنگام بیماری مؤمنی از وی عیادت کند، ملائکه او را از همه جهت احاطه کرده و به وی می‌گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارای وجودت! به خدا سوگند، برآوردن یک حاجت مؤمن در نزد پروردگار از دو ماه روزه داری و اعتکاف کردن در ماه‌های حرام (رجب،

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۵.

ذی القعدة، ذی الحجّه و محرّم الحرام) بهتر است.<sup>۱</sup>

۸. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت، سایبانی قرار داده که هیچ کس در زیر آن قرار نمی گیرد، مگر پیامبر یا وصی پیامبر یا مؤمنی که برده مؤمنی را آزاد، یا مؤمنی را داماد، یا صاحب خانه کرده باشد».<sup>۲</sup>

۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی را در روز قیامت به جهنّم می برند، مؤمنی از کنار او عبور می کند، شخص جهنّمی به آن مؤمن می گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی کردم و حاجتت را برآورده ساختم. مؤمن به فرشته مأمور او می گوید: دست از او بردار. خداوند می فرماید: چون بنده مؤمنم شفاعت او را کرد رهایش کن».<sup>۳</sup>

۱۰. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در قیامت سه گروه در سایه عرش الهی هستند؛ روزی که سایه ای جز سایه عرش پروردگار نباشد: کسی که برادر مسلمان خود را زن دهد، کسی که خادمی به او بدهد، کسی که راز او را پنهان کند».<sup>۴</sup>

۱۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مسلمانی که حاجت مسلمانی را برآورده کند، خداوند متعال به وی می گوید: ثواب تو بر من است و برای تو به غیر از بهشت راضی نمی شوم».<sup>۵</sup>

#### پاداش غمگین شدن برای مشکل دیگران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مؤمنی که برادر مؤمنش حاجتی

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲. قرب الإسناد، ص ۲۳۱، ح ۱۱۷۱.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۰۶.

۴. خصال، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۵۶، ح ۲.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۹۴، ح ۷؛ ثواب الأعمال، ص ۲۲۳.

نزد وی آورد و قادر بر برآوردن حاجت او نباشد و برای مشکل وی غمگین شود، خداوند به خاطر این غم (و همدلی) بهشت را بر او واجب می‌کند.<sup>۱</sup>

#### مجازات اجابت نکردن درخواست مؤمنان

۱. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش برای حاجتی نزد وی آید، رحمتی است که خدا به سوی بنده‌اش فرستاده است. اگر قبول کرد و در پی انجام دادن خواست او رفت، دوستی او به دوستی ما پیوند خورده و دوستی ما به دوستی خداوند متصل است. و چنانچه قادر بر انجام دادن خواست وی باشد و او را رد کند، خداوند در عالم قبر ماری آتشین بر او مسلط می‌کند که تا روز قیامت او را بگزد، خواه در روز قیامت خداوند او را بیمارزد یا عذاب کند.»<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مسلمانی که مسلمان دیگری برای حاجتی نزد وی آید و او قادر بر انجام دادن خواست وی باشد و آن را انجام ندهد، خداوند در روز قیامت او را سرزنش کرده و به وی می‌گوید: برادر تو برای حاجتی نزد تو آمد و من به تو توانایی دادم که خواست وی را انجام دهی، ولی تو آن را برآورده نکردی، چون ثواب آن را نخواستی. به عزت‌م سوگند که در هیچ حاجتی نظر رحمت به سوی تو نمی‌کنم، خواه تو را بیمارزم یا عذاب کنم.»<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که از مؤمن دیگری چیزی را که به آن محتاج است منع کند و او قادر است که آن را از خود یا دیگران به او برساند،

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۴.

۲. همان، ص ۳۶۷، ح ۴.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۹۶.

خداوند متعال او را با روی سیاه و دیدگانی کبود و دستانی با زنجیر در گردن بازداشت کرده و فرماید: «این خائنی است که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است». سپس دستور دهد که او را به جهنم ببرند.<sup>۱</sup>

### چگونگی رفتار با مردم

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «آن گاه که می خواهی به هر کدام از مسلمانان ستم یا نفرین کنی، یا عییشان را آشکار سازی، آنان را به منزله اهل و نزدیکانت قرار ده، پیرانشان را همچون پدر، کودکشان را مانند فرزند و آنها که هم سنّ تو هستند به منزله برادر خود بدان. و هرگاه شیطان خواست تو را بفریبد که خود را بهتر از دیگران بدانی، اگر کسی را ببینی که بزر تر از تو است بگو: «او در ایمان و کارهای شایسته بر من پیشی گرفته، پس از من بهتر است» و اگر کوچک تر از تو است بگو: «من بیشتر از او گناه کرده ام، پس او از من بهتر است» و اگر همسان تو است بگو: «به گناهان و خطاهای خود یقین دارم و در مورد گناهان او تردید دارم؛ چرا یقین خود را رها کرده و شک را بگیرم» و هرگاه مشاهده کردی که مردم تو را تعظیم و تکریم می کنند، بگو: «از خوبی مردم است که به محاسن آداب عمل می کنند» و اگر از تو دوری می کنند و حرمت تو را نگاه نمی دارند، بگو: «این گناهی است که من کرده ام» اگر چنین رفتار کنی زندگی بر تو آسان و دوستان تو فراوان و دشمنان تو اندک می شوند. و از نیکی و خوبی آنها شادمان و از بدی و ناراحتی آنها دلتنگ و غمگین می شوی. بدان که گرمی ترین مردم کسی است که خیرش به آنها برسد و از مردم بی نیاز باشد و از آنها تقاضا نکند. و بعد از آن، گرمی ترین مردم کسی است که نیازمند باشد و درخواست نکند، چرا که اهل دنیا غالباً در پی مال هستند. هر کس با آنها در

۱. محاسن، ص ۱۰۰، ح ۷۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۸۶.

مورد مال مزاحمتی نداشته باشد نزد آنها عزیز است. و هر کس مزاحمت ندارد و از مال خود هم به آنها کمک کند، عزیزتر و گرامی تر است.<sup>۱</sup>

۲. در حدیث است که حضرت عیسی علیه السلام به یکی از یارانش فرمود: «آنچه دوست نداری با تو رفتار کنند با هیچ کس انجام نده.»<sup>۲</sup>

### شاد کردن دیگران

#### اهمیت شاد کردن مؤمن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند مرا شاد کرده و هر که مرا شاد گرداند، خداوند را خشنود کرده است.»<sup>۳</sup>

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «تبسم کردن به روی برادر مؤمن و غبار از صورتش گرفتن، حسنه است. و خداوند هیچ عبادتی را بیشتر از شاد کردن مؤمن دوست نمی دارد.»<sup>۴</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را شاد گرداند او را شاد نکرده، بلکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله را شاد گردانیده است.»<sup>۵</sup>

#### پاداش شاد کردن مؤمنان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، خداوند متعال هزار هزار حسنه برای او می نویسد.»<sup>۶</sup>

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

۲. امالی صدوق، ص ۳۶۶، ح ۱۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

۵. همان، ص ۱۸۹، ح ۶.

۶. همان، ص ۱۹۲، ح ۱۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام وحی کرد که هرگاه بنده‌ای از بندگانم حسنه‌ای نزد من آورد، بهشت را بر او مباح می‌کنم. حضرت داوود علیه السلام پرسید: کدام حسنه؟ خداوند فرمود: قلب بنده مؤمن مرا شاد کند، هر چند دانه خرمایی به او هدیه کند. حضرت داوود علیه السلام به خداوند عرض کرد: کسی که تو را بشناسد سزاوار نیست که از تو قطع امید کند»<sup>۱</sup>.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که: «خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «بندگانم دارم که بهشت را برای آنها ارزانی داشته و آنان را حاکم بر بهشت می‌گردانم». عرض کرد: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «کسی که قلب مؤمنی را شاد گرداند». سپس حضرت موسی علیه السلام فرمود: مؤمنی در کشور پادشاهی جبّار زندگی می‌کرد پادشاه در پی آزار و اذیت آن مؤمن بود که از دست پادشاه گریخت و به سرزمین کفّار رفت و به کافری پناه برد. مرد کافر به او جای داد و با او مهربانی کرد و از وی پذیرایی کرد. هنگامی که مرد کافر فرار رسید خداوند متعال به او وحی کرد: «به عزّت و جلالم سوگند که اگر برای تو در بهشت جایی بود حتماً تو را به بهشت می‌بردم، ولی بهشت بر کسی که کافر بمیرد حرام است». سپس به آتش جهنّم خطاب کرد: «او را بترسان، ولی نسوزان» و دستور داد که در اوّل و آخر هر روز برای او روزی ببرند»<sup>۲</sup>.

۴. در احادیث معتبر می‌خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمن از قبر خارج می‌شود شخصی همراه اوست و به او می‌گوید: «از جانب خداوند به تو به کرامت و خوشحالی بشارت باد!» مؤمن به او می‌گوید: «خداوند به تو بشارت به نیکی دهد» آن شخص همواره همراه مؤمن هست و به هر خطری که می‌رسند به او می‌گوید: «این از آن تو نیست» و به هر نیکی گذر کنند می‌گوید:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۵؛ ثواب الأعمال، ص ۱۶۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۳.



«این از آن تو است» و پیوسته چنین بشارت‌هایی به وی می‌دهد تا آنکه به جایگاه حساب و کتاب می‌رسد و هنگامی که راهی بهشت می‌شود به او می‌گوید: «بشارت باد تو را که خداوند دستور داد تو را به بهشت ببرند» مؤمن می‌پرسد: «تو کیستی که از قبر تا اینجا مرا بشارت دادی و مونس من بودی و از جانب خداوند به من خبر می‌دادی؟ آن شخص می‌گوید: «من آن شادی هستم که در دل فلان برادر مؤمن خود ایجاد کردی، خداوند در دنیا مرا از آن شادی آفرید که بشارت‌دهنده تو و مونس تنهایی تو باشم».<sup>۱</sup>

## ۶ دیدار مؤمن و عیادت از بیماران

### دیدار مؤمن

#### اهمیت دیدار مؤمن

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس برای دیدن برادر مؤمن خود به خانه او برود، خداوند متعال خطاب به او می‌گوید: تو مهمان من هستی و به زیارت من آمده‌ای و حق میهمانی تو بر من آن است که چون برادر مؤمن خود را دوست داشتی بهشت را بر تو واجب کنم».<sup>۲</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمن خود بیرون رود، به فرشته‌ای مأموریت می‌دهد که یک بالش را بر زمین بگذارد و با بال دیگرش سایه‌ای بر سرش بیفکند. و هنگامی که وارد خانه آن مؤمن شود، خداوند جبار ندا می‌کند: ای بنده‌ای که حق مرا بزر شمردی و از آثار پیامبر من پیروی کردی، بر من لازم است که تو را تعظیم و تکریم کنم. از من درخواست کن تا به تو عطا کنم و مرا بخوان تا دعایت را

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۹۱، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۱۷۷، ح ۶.

اجابت نمایم. اگر بخواهی ساکت باش تا من (بدون درخواست تو) ابتدا به رحمت کنم. هنگامی که از خانه مؤمن بازگردد همان فرشته او را بدرقه می‌کند و بال خود را بر سر او می‌گیرد تا به خانه‌اش بازگردد. سپس خداوند متعال خطاب به وی می‌گوید: ای بنده من، حق مرا بزرگ شمردی، لازم است تو را گرامی بدارم. بهشت را بر تو واجب کرده و مقام شفاعت بندگانم را به تو عطا کردم.<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس قادر نباشد بر ما احسان کند بر صالحان و شیعیان ما احسان کند، تا ثواب احسان بر ما در نامه اعمالش نوشته شود. و هر کس قدرت بر زیارت ما نداشته باشد به دیدار صالحان از شیعیان ما برود، تا ثواب دیدن ما برای او نوشته شود.»<sup>۲</sup>

#### پاداش دیدار مؤمن

۱. در روایاتی معتبر می‌خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «هر کس به خاطر رضای خدا به دیدن برادر مؤمن خود برود، خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت دهد تا هنگام بازگشت به خانه‌اش به وی گویند: خوشا به حال تو، بهشت گوارایت باد.»<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «جبرئیل به من گفت: خداوند فرشته‌ای را به زمین فرستاد، آن ملک به مردی رسید که بر در خانه‌ای ایستاده بود و از صاحب خانه اجازه می‌گرفت تا وارد خانه شود. ملک پرسید: با صاحب این خانه چه کار داری؟ گفت: برادر مسلمان من است، برای رضای خدا به دیدنش آمده‌ام. فرشته پرسید: هیچ انگیزه دیگری جز دیدار او نداری؟ گفت:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱۲.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۲۴.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۷۵، باب زیارة الإخوان، ح ۱.

نه. ملک گفت: من رسول پروردگار به سوی تو هستم. خداوند تو را سلام می‌رساند و می‌گوید: بهشت را بر تو واجب کردم. خداوند فرماید: هر مسلمانی که به دیدن مسلمان رود، گویا به زیارت من آمده و ثوابش بهشت است.<sup>۱</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دیدار برادر مؤمن به قصد قربت، بهتر از آزاد کردن ده برده است. و هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند، خداوند متعال در مقابل هر عضوی از اعضای آن برده، عضوی از اعضای او را از آتش جهنم آزاد می‌کند.»<sup>۲</sup>

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «به شیعیانم از سوی من سلام برسان و بگو: خداوند رحمت کند بنده‌ای را که با دیگری بنشیند و از احادیث ما یاد کند که نفر سوم آنها فرشته‌ای است که از برای آنها استغفار می‌کند.»<sup>۳</sup>

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خوشا به حال آنان که به خاطر رضای خدا با یکدیگر دوستی کنند، زیرا خداوند متعال در بهشت ستونی از یاقوت سرخ خلق کرده که بر آن ستون هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه که خداوند آنها را برای کسانی که با یکدیگر دوستی کرده و برای رضای خدا به دیدار یکدیگر می‌روند آفریده است.»<sup>۴</sup>

#### آثار دیدار مؤمن

۱. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام به داوود بن سرحان فرمود: «با همنشینی و گفت‌وگو، مذهب و دین ما برایتان زنده می‌شود. بهترین مردم بعد از

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۲.

۲. همان، ص ۱۷۸، ح ۱۳.

۳. بشارة المصطفی، ص ۱۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۸.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۸۳، ح ۱.

ما کسی است که ما را یاد کند و در مورد احادیث ما گفت و گو کند».<sup>۱</sup>  
 ۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه‌های یکدیگر به دیدن هم بروید که دین ما به این کار زنده می‌ماند. خداوند رحمت کند کسی که مذهب ما را زنده نگه می‌دارد».<sup>۲</sup>

## عیادت بیماران

### اعلان بیماری و اجازه ملاقات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که بیمار شود سزاوار است به برادران مؤمن خویش اعلان کند تا به عیادت او آیند، چرا که عیادت کنندگان ثواب می‌برند و بیمار نیز به سبب خبردار کردن آنها ثواب می‌برد؛ با این کار ده حسنه برایش نوشته و ده گناه از نامه اعمالش محو و ده درجه بر درجاتش افزوده می‌شود».<sup>۳</sup>  
 ۲. در حدیثی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «شخص بیمار به مردم اجازه دهد که به عیادت او بیایند (و برای او دعا کنند)، زیرا هیچ‌کس نیست مگر اینکه دعایی مستجاب دارد».<sup>۴</sup>

### آداب عیادت از بیمار

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در درد (بیماری‌های) چشم عیادت نیست. و در روزهای نخست باید سه روز پی در پی به عیادت بیمار رفت، پس از آن یک روز در میان و اگر بیماری طولانی شد عیادت

۱. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۵۴، ح ۳۱.

۲. خصال، ج ۱، ص ۷۴، ح ۷۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۶.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

(پی در پی) لازم نیست.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که به عیادت بیمار می‌روید (هدیه‌ای مانند) سیب، یا به، یا ترنج، یا بوی خوش، یا عود همراه خود ببرید که بیمار با آن آرامش می‌یابد».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «عیادت کامل آن است که به هنگام دعا کردن برای بیمار، دست بر دستش بگذاری و زود از نزد او برخیزی که عیادت احمقان (که بسیار مزاحم بیمار می‌شوند) برای بیمار از تحمل درد دشوارتر است».<sup>۳</sup>
۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عیادت‌کننده‌ای که زودتر برخیزد ثوابش بیشتر است، مگر آنکه بیمار تقاضای نشستن او را کند».<sup>۴</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به عیادت برادر مؤمن خود می‌رود از بیمار بخواهد که برای او دعا کند که دعای او مانند دعای فرشتگان است».<sup>۵</sup>

#### پاداش عیادت از بیمار

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس به عیادت بیمار مسلمانی برود، در آن روز هفتاد هزار فرشته بر او صلوات می‌فرستند، اگر صبح باشد تا شام و اگر شام باشد تا صبح».<sup>۶</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیماری عیادت کند، هفتاد هزار ملک او

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۱۷، ح ۱.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۱.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۰.

۴. کافی، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۶۰.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۱.

۶. کافی، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۸.

- را مشایعت کرده و تا به خانه برگردد برایش استغفار می‌کنند»<sup>۱</sup>.
۳. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به عیادت مؤمنی برود در رحمت الهی فرو رود، هنگامی که نزد او بنشیند رحمت خداوند او را احاطه کند و هنگامی که بازگردد خداوند متعال به هفتاد هزار فرشته مأموریت می‌دهد که برای او طلب آمرزش کرده و بر وی رحمت فرستند و به او بگویند: خوشا به حال تو! بهشت گوارایت باد تا روز دیگر در چنین وقتی. و خداوند مکانی از بهشت را به او عطا می‌کند که سوارکار چهل سال در آن بتازد (تا به انتهای آن برسد)»<sup>۲</sup>.
۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به عیادت بیمار مؤمنی رود، خداوند متعال به فرشته‌ای مأموریت می‌دهد که در قبر به دیدار وی رود و تا قیامت برایش استغفار کند»<sup>۳</sup>.
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از بیمار عیادت کند، خداوند هفتاد هزار ملک را مأمور می‌سازد که همواره به خانه او رفت و آمد کرده و در آن خانه تا قیامت، تسبیح و تکبیر و تهلیل و تقدیس الهی به جا آورند و نصف ثواب فرشتگان برای او باشد»<sup>۴</sup>.

## ۷ اطعام کردن و سیراب کردن، پوشانیدن و دیگر کمک‌ها به مؤمنان

### اطعام کردن مؤمنان

#### اهمیت اطعام کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که سیر بخوابد

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۲.

۲. همان، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

۴. همان، ح ۵.

- در حالی که برادر مسلمانش گرسنه است، به من ایمان نیاورده است»<sup>۱</sup>.
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین اعمال نزد خداوند متعال سه چیز است: سیر کردن شکم مسلمان گرسنه، پرداخت بدهی مسلمان، برداشتن غمی از دل او»<sup>۲</sup>.
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ یک از مخلوقات پروردگار ثواب سیر کردن شکم مؤمن را نمی داند، نه ملک مقرب و نه پیامبر مرسل، بلکه فقط پروردگار جهانیان ثواب آن را می داند»<sup>۳</sup>.

#### پادشاهای دنیوی اطعام کردن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خیر و برکت در خانه‌ای که در آن اطعام می شود از فرو رفتن کارد به کوهان شتر، سریع تر وارد می شود»<sup>۴</sup>.
۲. در روایتی آمده است: هر کس برادر مؤمن خود را برای رضای خدا اطعام کند، گویا صد هزار تن از دیگر انسان‌ها را غذا داده است»<sup>۵</sup>.
۳. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام خطاب به سدیر صراف فرمود: «چرا هر روز یک برده آزاد نمی کنی؟» عرض کرد: توانایی مالی ندارم. حضرت فرمود: «برای تحصیل این ثواب کافی است روزی یک مسلمان را سیر کنی». عرض کرد: مسلمان فقیر یا مالدار؟ فرمود: (تفاوتی نمی کند) «مالدار هم گاه نیازمند غذاست»<sup>۶</sup>.

۱. محاسن، ص ۹۸، ذیل حدیث ۶۲.

۲. همان، ص ۲۹۴، ح ۴۵۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۶.

۴. محاسن، ص ۳۹۰، ح ۲۵.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۱.

۶. همان، ح ۱۲.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «غذایی که برادر مسلمان نزد من بخورد، از آزاد کردن یک بنده برای من بهتر است».<sup>۱</sup>
۵. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس مؤمن ثروتمندی را غذا دهد، گویی یک برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مر نجات داده است. و هر کس مؤمن نیازمندی را طعام دهد، گویی صد برده از فرزندان حضرت اسماعیل را از مر نجات داده است».<sup>۲</sup>

#### پادشاه‌های آخروی اطعام کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می‌شود و هر کس کافر(ی را که با مسلمانان دشمنی دارد) سیر کند، بر خداوند لازم است شکم او را از زقوم جهنم پر کند».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سه تن مسلمان را سیر کند، خداوند متعال به او از سه قسمت بهشت غذا می‌دهد: جنّة الفردوس، جنّة العدن، و جنّة طوبی».<sup>۴</sup>
۳. نیز در روایتی فرمود: «از جمله چیزهایی که آمرزش الهی را واجب می‌گرداند، غذا دادن به مسلمان گرسنه است».<sup>۵</sup>

#### مجازات ترک اطعام کردن

از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سیر

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۳.

۲. همان، ح ۱۹.

۳. همان، ص ۲۰۰، ح ۱.

۴. همان، ح ۳.

۵. همان، ص ۲۰۱، ح ۶.



بخوابد و مؤمن گرسنه‌ای نزدیک او باشد، خداوند متعال به فرشتگان گوید: شما را بر این بنده گواه می‌گیرم که من به او امری کردم و نافرمانی کرد و اطاعت دیگران نمود. بدانید که او را به سبب عمل خودش رها کردم و هرگز او را نمی‌بخشم.<sup>۱</sup>

### سیراب کردن

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس مسلمان تشنه‌ای را در جایی که آب باشد سیراب کند، خداوند متعال در مقابل هر جرعه‌ای هفتاد هزار حسنه به وی خواهد داد. و اگر در جایی که آب کمیاب باشد سیرایش کند، گویی ده برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است.»<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار عمل است که هر کس یکی از آنها را به جا آورد وارد بهشت می‌شود: سیراب کردن تشنه، سیر کردن شکم گرسنه، پوشانیدن بدن عریان، آزاد کردن برده‌ای که در سختی و مشقت است.»<sup>۳</sup>

### پوشانیدن برهنه و سکنی دادن بی‌خانمان‌ها

۱. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس لباس اضافه‌ای داشته باشد و بداند که برادر مؤمنش به آن نیاز دارد و به وی ندهد، خداوند متعال او را در آتش جهنم سرنگون خواهد کرد.»<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خانه‌ای داشته باشد و مؤمنی به آن نیاز داشته باشد و صاحب خانه راضی نشود که از خانه‌اش استفاده

۱. محاسن، ص ۹۷، ج ۶۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۰۱، ج ۷.

۳. محاسن، ص ۲۹۴، ج ۴۵۶.

۴. همان، ص ۹۸، ج ۶۳.

کند، خداوند متعال فرماید: بنده من به سکونت بنده دیگر من در خانه‌اش بخل ورزید. به عزتم سوگند که هرگز او را در بهشت سکونت نخواهم داد.<sup>۱</sup>

### برطرف کردن مانع سر راه مردم

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس از سر راه مسلمانان چیزی که مزاحم عبور و مرور آنهاست بردارد، خداوند متعال ثواب خواندن چهارصد آیه قرآن برای او بنویسد».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «(گاه) بنده‌ای از بندگان خدا با برداشتن یک خار از سر راه مسلمانان به بهشت می‌رود».<sup>۳</sup>

### هدیه دادن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هدیه فرستادن قبل از آنکه نیازمند حاجت خود را بگویند، کار بسیار خوب و نیکویی است».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «برای یکدیگر هدیه بفرستید که کینه‌ها را از سینه‌ها زایل می‌کند».<sup>۵</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «ظرف‌های هدیه را بازگردانید تا هدیه دادن ادامه داشته باشد».<sup>۶</sup>
۴. نیز در حدیثی فرمود: «هدیه بر سه قسم است: هدیه‌ای که در برابرش توقع

۱. محاسن، ص ۱۰۱، ح ۷۵؛ کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۳.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۸۴، باب ۱۹، ح ۲.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۴. خصال، ج ۱، ص ۷۷، ح ۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴.

۵. خصال، ج ۱، ص ۷۷، ذیل حدیث ۹۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۴.

۶. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰.

داشته باشی و هدیه‌ای که به عنوان رشوه بدهی و هدیه‌ای که برای رضای خدا و بدون چشمداشت بدهی».<sup>۱</sup>

## ۸ حقوق فقرا، ضعفا، مظلومان، پیران، دوستان و آداب معاشرت با آنان

### فقرا و نیازمندان

#### حقیقت فقر

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «فقر و نداداری امانتی است از سوی خدا، هر کس آن را پنهان کند خداوند متعال به او ثواب کسی را می‌دهد که روزها روزه باشد و شب‌ها به نماز ایستد و هر کس آن را نزد کسی که قادر بر برآوردن حاجت و نیازش باشد اظهار کند و شخص توانگر حاجتش را برآورده نکند، در حقیقت آن فقیر را به قتل رسانده است؛ البتّه نه با شمشیر و نیزه، بلکه بر اثر جراحی که بر قلب او وارد کرده است».<sup>۲</sup>

#### طرز رفتار با نیازمندان

شخص ثروتمندی که لباس‌های پاکیزه (و گران‌قیمتی) پوشیده بود نزد حضرت رسول ﷺ آمد و نشست. سپس مرد نیازمندی که لباس‌هایی مندرس و کهنه بر تن داشت خدمت آن حضرت رسید و کنار مرد ثروتمند نشست. آن شخص لباس خود را از زیر پای فقیر بیرون کشید. حضرت رسول ﷺ (که متوجه رفتار زشت مرد ثروتمند شد) فرمود: «ترسیدی چیزی از فقر او دامنگیر تو شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی از ثروت تو چیزی به او برسد؟» عرض کرد: نه. فرمود: «ترسیدی لباس‌هایت چرکین شود؟» عرض کرد: نه. فرمود: «چرا چنین کردی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، همنشین بدی از نفس

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۵، ح ۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۳.

و شیطان دارم که کارهای بد را نزد من تزیین کرده و کارهای نیک را بد جلوه می‌دهد. اکنون برای جبران این خطا نصف اموالم را به این مرد می‌بخشم. حضرت خطاب به فقیر فرمود: «قبول می‌کنی؟» عرض کرد: نه. مرد ثروتمند گفت: چرا؟ فقیر گفت: می‌ترسم مثل تو شوم.<sup>۱</sup>

#### وضعیت فقرا در جهان آخرت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مؤمنان فقیر<sup>۲</sup> چهل سال زودتر از ثروتمندان مؤمن از نعمت‌های بهشتی استفاده می‌کنند» سپس فرمود: «مثل فقیر و غنی مثل دو کشتی است که به عشاری (مأمور أخذ عوارض) بگذرند. کشتی خالی را زود روانه می‌کنند و کشتی پر بار را برای حسابرسی نگاه می‌دارند».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند در روز قیامت همانند کسی که پوزش می‌طلبد، به فقیران می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند که شما را در دنیا برای خواری و ذلت فقیر نکردم و امروز خواهید دید که با شما چه خواهم کرد. هر کس در دنیا به شما نیکی کرده، دستش را بگیرد و وارد بهشت کنید. فقیری گوید: خدایا، اهل دنیا در دنیا زنان خوشرو و زیبا داشتند و لباس‌های نرم و فاخر می‌پوشیدند و غذاهای لذیذ می‌خوردند و در خانه‌های خوب ساکن می‌شدند و بر مرکب‌های نفیس و راهوار سوار می‌شدند، پس امروز به ما نیز مانند آنان عطا فرما. خداوند می‌فرماید: به هر یک از شما همانند هفتاد برابر آنچه به جمیع اهل دنیا از اول دنیا تا آخر دنیا داده‌ام، می‌دهم».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۱۱.

۲. منظور از فقیر در این روایات کسی است که زندگی ساده و دور از زرق و برق دارد.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۶۰، ح ۱.

۴. همان، ص ۲۶۱، ح ۹.

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «روز قیامت گروهی از مردم به سوی بهشت حرکت می‌کنند. ملائکه به آنها می‌گویند: کیستید؟ گویند: فقرا هستیم. گویند: دوست دارید پیش از حساب و کتاب به بهشت بروید؟ جواب می‌دهند: چیزی به ما نداده‌اید که ما را بر آن حساب کنید. خداوند متعال فرماید: راست می‌گویید به بهشت بروید».<sup>۱</sup>

۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اغنيا را به سبب گرامی بودنشان نزد من، توانگر نگردانیدم و فقیران را به سبب خواریشان نزد من، بی چیز نکردم بلکه توانگران را با فقیران امتحان کرده‌ام و اگر فقیران نبودند توانگران هرگز مستوجب بهشت نمی‌شدند».<sup>۲</sup>

#### پاداش صبر بر فقر و مجازات بی‌حرمتی به نیازمندان

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ به مردی فقیر فرمود: «آیا اتّفاق می‌افتد که به بازار بروی و میوه و چیزهای ارزشمند ببینی و قادر بر خریدن آن نباشی؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر چیزی که ببینی و قدرت بر خرید آن نداشته باشی حسنه‌ای برای تو نوشته می‌شود».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را به سبب فقر و نیازش حقیر و ذلیل بشمرد، خداوند او را در حضور همه مخلوقات در روز قیامت رسوا می‌کند».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۱۹.

۲. همان، ح ۲۰.

۳. همان، ح ۱۷.

۴. همان، ص ۳۵۳، ح ۹.

## بنده مؤمن

## مقام مؤمن

۱. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند می‌فرماید: هر که بنده مؤمن مرا آزار دهد، با من اعلان جنگ کرده است. و هر که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد، از خشم من در امان است. و اگر در میان شرق و غرب عالم جز یک مؤمن همراه با امام عادل نباشد، عبادتشان برای (هدف من از آفرینش) کافی است. و بی‌شک هفت آسمان و زمین به خاطر آنها برپاست و به سبب ایمانشان آنسی برای آنها قرار دهم که محتاج به مونس دیگر نباشند».<sup>۱</sup>
۲. در احادیث معتبر آمده است که: «خداوند متعال فرمود: هر کس دوستی از دوستان مرا خوار گرداند، گویی در برابر من به جنگ ایستاده است. و من دوستان خود را بسیار زود یاری می‌کنم».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را ذلیل کند، خداوند او را خوار کند».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ذلیل‌ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند».<sup>۴</sup>
۵. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند متعال مؤمن را از عظمت و جلال و قدرت خود آفریده، پس هر کس بر او طعنه زند، یا سخنش را رد کند، گویی سخن خدا را رد کرده است».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۵۰، ح ۱.

۲. همان، ص ۳۵۱، ح ۵.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۴. معانی الأخبار، ص ۱۹۵؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

۵. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۶. نیز در حدیثی فرمود: «چه بسا ژولیده موی غبارآلوده‌ای که دو لباس کهنه پوشیده، اگر بر خدا قسم دهد قسمش را رد نکند».<sup>۱</sup>

#### چرا مؤمن را مؤمن گویند

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «مؤمن را از آن رو مؤمن گویند که مردم از نظر جان و مال خود از او درامانند. و مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش در امان باشند. و مهاجر کسی است که از گناهان، هجرت و دوری کند».<sup>۲</sup>

#### ترسانیدن مسلمان و دشنام دادن مؤمن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جایز نیست مسلمانی مسلمان دیگری را بترساند».<sup>۳</sup>

۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «دشنام دادن مؤمن، گناهی بزرگ و جنگ با او کفر و غیبت کردن او، نافرمانی خداست».<sup>۴</sup>

#### مجازات تحقیر کردن مؤمن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ضعیفان را برادران مؤمن خود بدانید و آنها را حقیر نشمارید که هر کس مؤمنی را حقیر بشمرد، خداوند او را با آن مؤمن در بهشت جمع نکند، مگر آنکه توبه کند».<sup>۵</sup>

۱. امالی طوسی، ج ۲، ص ۴۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۸، ح ۲.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۰، ح ۳۲۷.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۲.

۵. خصال، ج ۲، ص ۴۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۳.

۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مردم را مسخره کند، امیدی به محبت آنها نداشته باشد».<sup>۱</sup>
۳. نیز در حدیثی فرمود: «مؤمن فقیر را حقیر نشمارید، چرا که هر کس مؤمن فقیری را حقیر بشمرد یا او را استخفاف کند، خداوند وی را حقیر می‌شمارد و پیوسته با او در غضب باشد تا توبه کند».<sup>۲</sup>

#### مجازات آزار دادن مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به آزار مؤمنی کمک کند، در روز قیامت جمله «ناامید از رحمت الهی» بر پیشانی اش نوشته شود».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به مؤمنی دست بزند که او را به سبب آن ذلیل کند، یا سیلی بر صورت او بزند، یا چیزی که ناپسند است نسبت به او انجام دهد، ملائکه پیوسته او را نفرین کنند، تا او را راضی و از کارش توبه کند؛ بنابراین، در آزار و ایذاء مردم عجله نکنید که شاید او مؤمن باشد و شما ندانسته مؤمنی را آزار کرده باشید. و صبر و مدارا را پیشه خود کنید که هیچ چیز نزد خدا بهتر از نرمی و مدارا نیست».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس سیلی بر صورت مسلمانی بزند، خداوند در روز قیامت استخوان‌هایش را از هم بپاشد و دست بر گردن در حالی که در زنجیر باشد محشور شود تا وارد جهنم شود، مگر آنکه توبه کند».<sup>۵</sup>
۴. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را از

۱. خصال، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۶۷، ح ۴.

۲. ثواب الأعمال، ص ۲۹۹.

۳. محاسن، ص ۱۰۳، ح ۸۰؛ کافی، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۳.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۳، باب ۳۰۰، ح ۲.

۵. امالی صدوق، ص ۴۳۰.



مردی که صاحب نفوذ است بترساند که وی به او آزار می‌رساند ولی آن مرد آزاری نرساند، در آتش است و اگر او را بترساند و آزاری به او برساند، با فرعون و خاندان فرعون در آتش دوزخ باشد.<sup>۱</sup>

۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «به حقّ خداوندی که جانم در قبضه قدرت اوست، اگر اهل آسمان‌ها و زمین همگی بر قتل مؤمنی عزم خود را جزم کنند، یا راضی به کشته شدن او شوند، خداوند همه آنان را وارد جهنّم می‌کند. و به حقّ خداوندی که جانم به دست اوست، هیچ‌کس دیگری را به ناحق تازیانه نمی‌زند مگر آنکه در جهنّم مثل آن تازیانه را می‌خورد.<sup>۲</sup> و هر کس نگاه کند به مؤمنی و با آن نگاه او را بترساند، خداوند در روزی که به جز او پناهی نباشد، او را به صورت مورچه‌ای محشور گرداند.»<sup>۳</sup>

۶. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام نگاه کردن به مؤمن به او طعنه زند، سزاوار بدترین مردن‌هاست و عاقبتش به خیر نباشد.»<sup>۴</sup>

۷. در حدیثی دیگر فرمود: «لعتی که از دهان شخصی خارج می‌شود معلق و سرگردان است. اگر مستحقش را پیدا کند آنجا قرار می‌گیرد، وگرنه به گوینده‌اش باز می‌گردد.»<sup>۵</sup>

#### مجازات ترک کردن یاری مؤمن

۱. از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «هرگاه ظالمی کسی را بزند، یا بکشد، یا بر او ستم کند، اگر نمی‌توانید به او کمک کنید، کسی از شما در آن مکان

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۲.

۲. امالی مفید، ص ۲۱۶، ح ۳.

۳. جامع الأخبار، ص ۱۴۷.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۶۱، ح ۹.

۵. همان، ص ۳۶۰، ح ۷.

- حاضر نشود زیرا یاری مؤمن بر مؤمنی که حضور دارد واجب است»<sup>۱</sup>.
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی که برادر مؤمن خود را یاری نکند، در حالی که بر یاری وی توانایی دارد، خداوند در دنیا و آخرت او را یاری نکند»<sup>۲</sup>.
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «شخصی از نیکان و خوبان را در قبرش نشانند و به او گفتند: صد تازیانه از عذاب بر تو می‌زنیم. گفت: طاقت ندارم. پس یکی کم کردند. گفت طاقت ندارم. یکی یکی کم کردند تا به یک تازیانه رسید. گفت طاقت ندارم. گفتند: چاره‌ای نیست. پرسید به چه علت این تازیانه را بر من می‌زنید؟ گفتند: به این سبب که روزی بی‌وضو نماز خواندی و بر ضعیفی که بر او ظلم می‌شد گذشتی و یاریش نکردی. سپس تازیانه‌ای از عذاب خدا بر او نواختند که قبرش پر از آتش شد»<sup>۳</sup>.

#### پاداش گرامی داشتن مؤمن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را از روی لطف به یک کلمه گرامی بدارد، یا حاجت او را برآورد، یا غمی از غم‌های او را برطرف کند، تا زمانی که در حال کمک و مهربانی به برادر مؤمن خود باشد رحمت الهی بر سر او سایه اندازد»<sup>۴</sup>.
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت به چهار گروه نظر رحمت می‌افکند: فروشنده‌ای که به هنگام پیشیمانی مشتری حاضر به فسخ معامله و دریافت جنس و بازگرداندن پول او شود. کسی

۱. قرب الإسناد، ص ۶۱، ح ۱۷۱.

۲. محاسن، ص ۹۹، ح ۶۶؛ امالی صدوق، ص ۴۸۵، ح ۱۶.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۶۷.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۹۹، ح ۳۴.

که به فریاد مضطربى برسد. کسی که برده‌ای را آزاد کند. کسی که شخص مجردی را روانه خانه بخت سازد.<sup>۱</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال برای کسی که به فریاد برادر مؤمن خود برسد و او را از ورطه غم یا اندوهی بیرون آورد، ده حسنه می‌نویسد و ده درجه بر درجاتش می‌افزاید و ثواب آزادی ده برده را به وی کرامت می‌فرماید و ده عذاب را از او برمی‌دارد و شفاعت ده تن را برای او در قیامت آماده می‌سازد».<sup>۲</sup>

۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بیچاره‌ای را در راهی ببیند که بارش افتاده و کسی به او کمک نمی‌کند، به فریاد او برسد و او را بر مرکب خود سوار کند و بارش را از زمین بردارد، خداوند متعال خطاب به وی فرماید: خود را به مشقت انداختی و نهایت کوشش را در فریادرسی برادر مؤمن خود به کار بستی، پس عده‌ای از فرشتگان را که عددشان بیش از تمام انسان‌ها از اول دنیا تا آخر دنیا باشد و هر کدام از آنها چندان قوی است که برداشتن آسمان‌ها و زمین‌ها برایش آسان باشد، مأمور می‌کنم که در بهشت برای تو قصرها و خانه‌هایی بسازند و درجاتی بر درجاتت بیفزایند و هنگامی که وارد بهشت شوی از پادشاهان بهشت باشی. و هر که ضرر ظالمی را از مظلومی برطرف کند که می‌خواست به بدن یا مال او ضرر برساند، خداوند متعال به تعداد هر سخنی از گفته‌های او و به عدد هر حرکتی از حرکات او و به شمار هر درنگی از درنگ‌های وی، صد هزار فرشته خلق کند، تا شیطنت شیاطینی که قصد گمراهی او را داشته‌اند دور کنند...».<sup>۳</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۱۱، ح ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۹۶، ح ۲۴.

۲. ثواب الأعمال، ص ۱۷۸.

۳. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۱، ح ۴۳.

## مجازات نپذیرفتن دیدارکننده

۱. در حدیث است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: چه می فرمایید در مورد مسلمانی که مسلمان دیگر به دیدن او می آید و او در خانه است و اجازه نمی دهد که وارد شود؟ حضرت فرمود: «هر مسلمانی که به دیدن مسلمانی رود، یا در پی کاری به سراغ او رود و او در خانه باشد و (بدون عذر) رخصت ندهد و از خانه بیرون نیاید، پیوسته در لعنت خدا باشد تا یکدیگر را ملاقات کنند».<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که میان او و مؤمن دیگر مانعی باشد که نتواند به او برسد، خداوند متعال در قیامت میان او و بهشت هفتاد هزار حصار قرار دهد که ضخامت هر دیواری هزار سال راه باشد».<sup>۲</sup>

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار مؤمن در زمان بنی اسرائیل زندگی می کردند. سه تن از آنان برای گفت و گو در مورد موضوعی در خانه ای جمع شده بودند. نفر چهارم به در آن خانه آمد و در زد. غلام صاحب خانه بیرون آمد. پرسید: مولایت کجاست؟ گفت: در خانه نیست. آن شخص برگشت. و غلام جریان را به مولای خود گفت: مولایش اعتراض نکرد و غلام را در برابر این کار خلاف، سرزنش نکرد و هیچ یک از آن سه تن از بازگشت آن مؤمن آزرده خاطر نشدند. صبح روز بعد آن شخص نزد آنها آمد و دید آن سه تن از خانه بیرون آمده، به سمت مزرعه خود می روند. به آنها سلام کرد و گفت: با شما بیایم؟ گفتند: آری. اما نسبت به روز گذشته عذرخواهی نکردند چرا که آن مرد نیازمند بود. در اثنای راه ناگاه ابری در آسمان ظاهر شد، گمان کردند که باران خواهد آمد. حرکت خود را تند کردند. هنگامی که ابر به محاذی سر آنها رسید، منادی از میان ابر ندا کرد که ای آتش، آنها را بگیر! من

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۶۵، ح ۴.

۲. محاسن، ص ۱۰۱، ح ۷۴.

جبرئیل هستم و از جانب خدا آمده‌ام. ناگهان آتشی آمد و آن سه تن را ربود و نفر چهارم ترسان و حیران و متعجب ماند. پس به شهر بازگشت و به خدمت حضرت یوشع عليه السلام رسید و داستان را برای آن حضرت بیان کرد. حضرت یوشع عليه السلام فرمود: خداوند متعال به سبب کاری که با تو کردند بر آنها خشم گرفت پس از آنکه از آنها راضی بود. سپس قصه را برای آن مرد شرح داد. آن مرد پس از شنیدن داستان گفت: من آنها را حلال کردم و از خطای آنها درگذشتم. یوشع عليه السلام گفت: اگر پیش از آمدن عذاب گذشت می‌کردی به حال آنها سودی داشت، ولی اکنون که عذاب نازل شده سودی ندارد؛ شاید در قیامت برای آنها نفعی داشته باشد.<sup>۱</sup>

### احترام به بزرگسالان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حرمت پیرمردی را بشناسد و او را به خاطر سنش تعظیم کند، خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن گرداند».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «تعظیم و تکریم مؤمن ریش سفید، تعظیم خداست».<sup>۳</sup>
۳. در روایتی دیگر فرمود: «کسی که به پیران ما تعظیم و به کودکان ما رحم نکند، از ما نیست».<sup>۴</sup>

### کمک به نابینایان و ناشنوایان

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای برآوردن

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۶۴، ح ۲.

۲. نوادر راوندی، ص ۱۴۱، ح ۱.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۲۵.

۴. جامع الأخبار، ص ۹۲.

حاجتی از حاجات شخص نابینا قدم بردارد و تلاش کند که خداوند آن مشکل را حل کند، خداوند متعال او را از نفاق و آتش جهنم دور کرده و هفتاد حاجت از حاجت‌های دنیوی او را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام می‌خوانیم که: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به مقدار مسافت چهل گام بر روی زمین هموار، راهنمای نابینایی شود خداوند در مقابل هر قدم، قصری در بهشت به او می‌دهد که بسیار وسیع است. و اگر بر سر راهش خطری باشد و او را از آن نجات دهد آن را در ترازوی حسناتش بگذارند و آن را صد هزار بار وسیع‌تر از دنیا بیابد و همه گناهانش را محو کند و او را به اعلا غرفه‌های بهشت برساند».<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناشنوایی کمک کند تا چیزی را به او بفهماند و از این کار خسته و دل‌تنگ نگردد، این کار صدقه‌ای آسان برای وی محسوب می‌شود».<sup>۳</sup>

### مبتلایان به بیماری‌های سخت

به اهل بلا زیاد نگاه نکنید

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به اصحاب بلا و مبتلایان به بیماری خوره زیاد نگاه نکنید که اندوهناک می‌شوند».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به اهل بلا کم نگاه کنید و به نزد آنان نروید

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۱.

۲. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۱، ح ۴۳.

۳. ثواب الأعمال، ص ۱۶۸، ح ۵.

۴. طب الأئمة، ص ۱۰۶.

و هنگامی که از کنارشان عبور می‌کنید با سرعت حرکت کنید، تا آنچه به آنها رسیده به شما نرسد.<sup>۱</sup>

#### اذکار مخصوص در برخورد با بلادیدگان

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی از مبتلایان به بلا را دیدی سه مرتبه آهسته، به گونه‌ای که او نشنود، بگو: **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَ لَوْ شَاءَ فَعَلَ**<sup>۲</sup> و هر کس به این دستور عمل کند هرگز بلایی به او نرسد.»<sup>۳</sup>

۲. در روایتی دیگر، خواندن این دعا سفارش شده است: **«اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْخَرُ وَلَا أَفْخَرُ وَ لَكِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَىٰ أَعْظَمِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ**».<sup>۴</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هنگامی که اصحاب بلا را می‌بینید، خدا را حمد و سپاس گوید اما به گونه‌ای که آنها نشنوند، تا باعث اندوهشان نشود.»<sup>۵</sup>

#### آداب رفتار با مبتلایان به خوره

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «از مبتلایان به بیماری خوره دوری کنید، همان‌گونه که از شیر درنده می‌گریزید. و با آنها سخن نگوئید،

۱. طب الأئمة، ص ۱۰۶.

۲. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا عافیت بخشید از آنچه که تو را به آن مبتلا ساخت و اگر می‌خواست مرا نیز مبتلا می‌کرد.»

۳. امالی صدوق، ص ۲۶۷، ح ۱۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۱.

۴. ترجمه: «بار خدایا، کسی را استهزاء نمی‌کنم و بر کسی فخر نمی‌فروشم، ولی تو را به بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که بر من ارزانی داشته‌ای حمد و ستایش می‌کنم.» کافی، ج ۲، ص ۹۸، ح ۲۲.

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۱.

مگر اینکه بین شما و آنها (لااقل) یک ذراع (نیم متر) فاصله باشد».<sup>۱</sup>

۲. در روایتی دیگر فرمود: «پنج گروهند که در همه حال باید از آنها دوری کرد: مبتلایان به خوره، مبتلایان به پیسی، دیوانگان، اولاد زنا، اعراب بادیه نشین (و دور از شرع و آداب)».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مبتلایان به خوره را ببینید از خداوند عافیت بطلبید و از بیماری آنها غافل نشوید که مبادا به شما سرایت کند».<sup>۳</sup>

## ۹ رعایت حقوق مؤمنین در غیابشان

### غیبت

#### ماهیت غیبت

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی به حضرت زین العابدین امام سجاد علیه السلام عرض کرد: فلان کس شما را گمراه و مبتدع می داند. حضرت فرمود: «حقّ همنشینی را رعایت نکردی که سخن او را برای من گفتی. و حقّ مرا رعایت نکردی که آنچه را از او نمی دانستم به من رساندی. مر در کمین همگان است و پس از مر محشور خواهیم شد. و وعده گاه همه قیامت است و خداوند در میان ما حکم خواهد کرد. غیبت نکن که غذای سگان جهنّم است».<sup>۴</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در حقّ برادر مؤمن خود چیزی بگوید که با چشمانش دیده و با گوش هایش شنیده، از کسانی خواهد بود که خداوند فرماید: به یقین کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان مردم

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۱۷۲۷.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۶۰، ح ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۵، ح ۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۵، ح ۵.

۴. احتجاج، ج ۲، ص ۴۵.



بایمان شایع شود، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است.<sup>۱</sup>»<sup>۲</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «غیبت آن است که در مورد برادر مؤمن خود عیب و گناهی را بگویی که خداوند بر او پوشانده است. و بهتان آن است که در مورد او چیزی بگویی که در او نباشد.»<sup>۳</sup>

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «غیبت از زنا بدتر است، زیرا زناکار توبه می‌کند و خدا توبه‌اش را می‌پذیرد، اما توبه غیبت‌کننده قبول نمی‌شود، مگر زمانی که آن شخص او را حلال کند.»<sup>۴</sup>

#### غیبت را ترک کنید

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به خدا و رسولش ایمان دارد، در مجلسی که به امامی دشنام دهند، یا غیبت مسلمانی کنند، توقف نمی‌کند.»<sup>۵</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که با چشمان خود گناهی از او ندیده باشی و دو شاهد عادل نیز بر دیدن گناه از وی گواهی ندهند، او عادل و گواهی‌اش قبول است؛ هر چند در واقع گناهکار باشد. و هر کس مسلمانی را غیبت کند به گناهی که در آن مسلمان باشد (و شنونده از آن خبر نداشته باشد)، از تحت سرپرستی خداوند خارج می‌شود و تحت سرپرستی شیطان درمی‌آید. پدرم از پدران‌ش از رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که فرمود: هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او باشد، خداوند در بهشت در میان آنها جمع

۱. سوره نور، آیه ۱۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۲.

۳. همان، ص ۳۵۸، ح ۷.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۷، باب ۳۴۵، ح ۱؛ الاختصاص، ص ۲۲۶.

۵. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۴؛ السرائر، ج ۳، ص ۶۳۹.

نکند. و هر کس غیبت مؤمنی کند به چیزی که در او نباشد رابطه برادری آنها بریده شود و جای غیبت‌کننده در جهنم است.<sup>۱</sup>

#### مجازات غیبت‌کننده

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس غیبت مسلمانی کند، ثواب روزه و وضویش از بین می‌رود و بویی از وی در روز قیامت برخیزد که از بوی مردار بدتر باشد، به گونه‌ای که موجب آزار همه اهل محشر شود. و اگر پیش از توبه بمیرد، چیزی را که خدا حرام کرده، حلال کرده است.»<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سخنی در مذمت مؤمنی بگوید تا عیب او را آشکار کند و شخصیت او را درهم شکند و او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از تحت سرپرستی خود بیرون کرده و در سرپرستی شیطان وارد می‌کند.»<sup>۳</sup>
۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس شخصی را در گناهی که کرده رسوا کند، گویا خودش آن گناه را مرتکب شده است. و هر کس مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، تا خود به آن آلوده نشود از دنیا نرود.»<sup>۴</sup>
۴. در احادیث معتبر آمده است که: «هر کس دو چهره و دو زبان داشته باشد، (یعنی در حضور مردم مدح و تعریف و تمجیدشان کند و در غیبت آنها غیبتشان کند)، هنگامی که در روز قیامت محشور شود دو زبان از آتش خواهد داشت که یکی در پیش صورت و دیگری در پشت سر وی باشد و در محشر ندا کنند که

۱. امالی صدوق، ص ۱۰۲، ح ۳.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۰.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، باب الزواجة علی المؤمن، ح ۱.

۴. همان، ص ۳۵۶، ح ۲.

این شخص در دنیا دو چهره و دو زبان داشت».<sup>۱</sup>

۵. در حدیثی می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «ای مردمی که به زبان مسلمان شده‌اید و هنوز ایمان در دلتان رسوخ نکرده است، مسلمانان را مذمت نکنید و در مورد عیوب آنها جست‌وجو نکنید که هر که در جست‌وجوی عیوب دیگران باشد، خدا او را رسوا می‌کند، هر چند در خانه‌اش گناه کرده باشد».<sup>۲</sup>

#### آثار ردّ غیبت و پاداش ترک آن

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند، یعنی در مجلسی که او را غیبت می‌کنند مانع این کار شود و از او دفاع کند، خداوند متعال هزار نوع بدی را در دنیا و آخرت از او دور می‌کند. و اگر قدرت بر ردّ غیبت داشته باشد و این کار را نکند، هفتاد برابر گناه غیبت‌کننده در نامه اعمالش می‌نویسند».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حرف بدی را که در مورد آبروی برادر مسلمانش گفته‌اند رد کند، البته بهشت را برایش می‌نویسند».<sup>۴</sup>

۳. در روایتی صحیح آمده است که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس از برادر مؤمنش نزد او غیبت کنند و او را یاری کند، خداوند وی را در دنیا و آخرت یاری دهد. و اگر قادر بر ردّ غیبت باشد و او را یاری نکند، خداوند او را در دنیا و آخرت پست و خوار گرداند».<sup>۵</sup>

۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در

۱. خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۳، ح ۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۵۴، ح ۲؛ امالی مفید، ص ۲۳.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳.

۴. ثواب الأعمال، ص ۱۷۵.

۵. محاسن، ص ۱۰۳، ح ۸۱؛ ثواب الأعمال، ص ۱۷۸.

مجلسی حاضر باشد و شخصی همچون سگ در آن مجلس متعرض آبروی برادران مؤمن او شود و صاحب نفوذ باشد و بر آن ظالم رد کند و آبروی برادران مؤمن را نگاه دارد، خداوند متعال فرشتگانی را مأمور سازد که برای انجام دادن حج، پیرامون بیت‌المعمور اجتماع کنند در حالی که آنها نیمی از ملائکه آسمان‌هایند به اضافه فرشتگان کرسی و عرش و آنها نصف ملائکه حجب هستند. و این فرشتگان همگی آن شخص را نزد خداوند مدح و ستایش کرده و برای او از خداوند تقاضای رفعت منزلت و بلندی مرتبت می‌کنند. و خداوند در پاسخ آنها فرماید: به تعداد هر یک از شما که به کمک او شتافته‌اید، مانند عدد تمام شما از درجات بهشت و قصرها و باغ‌ها و بستان‌ها و درختان از آنچه خواهم که عقل هیچ مخلوقی به آن نرسد برای آن شخص واجب کردم.<sup>۱</sup>

۵. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خود را از بدگویی در مورد آبروی مسلمانان نگاه دارد، خداوند گناهانش را در قیامت بپامرد». <sup>۲</sup>

#### استثنائات غیبت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه فاسقی به‌طور آشکار گناه کند و پروایی از معصیت نداشته باشد، حرمت ندارد و غیبتش (در باره همان گناه) حرام نیست». <sup>۳</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروه حرمت ندارند: بدعتگذاران، پیشوایان ظالم، فاسقانی که به‌طور آشکار گناه می‌کنند». <sup>۴</sup>

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۸۲.

۲. صحیفه الرضا علیه السلام، ص ۸۵، ح ۱۹۵.

۳. امالی صدوق، ص ۳۹، ح ۷.

۴. قرب الإسناد، ص ۱۵۲، ح ۶۳۲.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس در مورد کسی چیزی بگوید که مردم آن را بدانند، غیبت محسوب نمی شود».<sup>۱</sup>

#### حفظ الغیب

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه برادران مؤمن شما غایب باشند از آنها یاد کنید به بهتر از آنچه دوست می دارید در غیبت شما یاد کنند».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس این سه خصلت را دارا باشد که هرگاه سخن گوید دروغ نگوید، در معاشرت با مردم به آنها ظلم نکند، چون وعده دهد به وعده اش وفا کند، چهار چیز درباره او لازم می شود: واجب است عدالتش در میان مردم آشکار گردد، مروّتش در میان مردم هویدا شود، غیبت او بر آن مردم حرام است، اُخوّت او بر آنها واجب است».<sup>۳</sup>

#### برادر مؤمن را تصدیق کن

در حدیث است که محمد بن فضیل به حضرت امام کاظم علیه السلام عرض کرد: چیزی از یکی از برادران مؤمن در مورد من نقل می شود که مورد رضایت من نیست. حقیقت ماجرا را از وی جويا می شوم او انکار می کند. در حالی که گروهی از مردم مورد اعتماد آن مطلب را نقل کرده اند (چه کنم؟) حضرت فرمود: «در مورد حق برادر مؤمن ات چشم و گوش خود را تکذیب کن. اگر پنجاه نفر شهادت دهند و سوگند یاد کنند و او انکار کند، سخن او را تصدیق کن و گفتار آنها را نپذیر و در مورد او چیزی که موجب نقص و عیبش باشد فاش نکن (البته

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۶.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۸؛ خصال، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۲۴.

این در مورد مسائل اخلاقی است، ولی در مسائل حقوقی اگر دو شاهد عادل بر چیزی گواهی دهند پذیرفته می شود»<sup>۱</sup>.

### سرزنش کردن و شماتت مؤمن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در برابر بلایی که بر برادر مؤمن تو نازل شده، اظهار شادی و شماتت نکن که خداوند به او رحم کرده، بلا را از وی برطرف می کند و آن بلا را بر تو فرو می فرستد»<sup>۲</sup>.
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را به مصیبتی که به آن مبتلا و گرفتار شده شماتت کند، از دنیا نرود تا به آن بلا مبتلا شود»<sup>۳</sup>.
۳. در چندین حدیث معتبر آمده است که: نزدیک ترین حالت بنده به کفر آن است که کسی با مؤمنی برادری کند و لغزش ها و گناهانش را در خاطر بسپارد تا روزی او را به سبب آنها سرزنش کند»<sup>۴</sup>.
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را سرزنش کند، خداوند او را در دنیا و آخرت سرزنش می کند»<sup>۵</sup>.

### تهمت زدن و گمان بد بردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمن خود را متهم سازد، ایمان در دلش گداخته شود، همان گونه که نمک در میان آب حل می گردد»<sup>۶</sup>.

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۹۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۵۹، باب الشماتة، ح ۱.

۳. همان، ذیل حدیث ۱.

۴. همان، ص ۳۵۵، ح ۶.

۵. همان، ص ۳۵۶، باب التغبیر، ح ۱.

۶. همان، ص ۳۶۱، ح ۱.

۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «گمان بد در حق مردم، بدترین دروغ‌هاست».<sup>۱</sup>

### سخن چینی

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «می‌خواهید به شما بگویم بدترین شما چه کسی است؟» عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: «کسانی که در میان مردم سخن چینی می‌کنند و در میان دوستان جدایی می‌اندازند و بر افراد پاک عیب می‌نهند».<sup>۲</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهشت بر سخن‌چینان حرام است».<sup>۳</sup>

### قهر و آشتی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو تن با آزرده‌گی و ناراحتی و قهر از هم جدا شوند، یکی از آنها مستحق بیزاری و لعن الهی است. و چه بسا هر دو چنین استحقاقی داشته باشند». شخصی پرسید: اگر یکی از آنها مظلوم باشد چرا مستحق نفرین است؟ فرمود: «زیرا برای آشتی قدم بر نمی‌دارد. چرا به نزد دیگری نمی‌رود و به او هدیه‌ای نمی‌دهد و از خطای او نمی‌گذرد؟»<sup>۴</sup>
۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «قهر بیش از سه روز (در اسلام) نیست».<sup>۵</sup>

۱. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۴۷، ح ۱۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۶۹، باب النمیمة، ح ۱.

۳. همان، ص ۳۶۹، باب النمیمة، ح ۲.

۴. همان، ص ۳۴۴، باب الهجرة، ح ۱.

۵. همان، ح ۲.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تا زمانی که دو مسلمان از یکدیگر آزرده خاطر و با هم قهر باشند، پیوسته شیطان شادی می‌کند و هنگامی که کدورت‌ها برطرف شود و با همدیگر آشتی کنند، زانوهای شیطان می‌لرزد و بندهایش از هم جدا شده و فریاد می‌زند: واویلا، چه بلایی بر سر من آمد.»<sup>۱</sup>

۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مسلمان از هم دوری کنند و سه روز بگذرد و با هم آشتی نکنند از اسلام خارج می‌شوند و رابطه ایمانی آنها قطع می‌شود. و هر کدام زودتر برای آشتی اقدام کند، در جهان آخرت زودتر به بهشت می‌رود.»<sup>۲</sup>

## ۱۰ آداب رفتار با ظالمان

### وضعیت حاکمان ظالم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هیچ بنده‌ای به فرمانروایی نزدیک نمی‌شود، مگر آنکه از خدا دور می‌شود. و هیچ بنده‌ای مالش افزوده نمی‌شود، مگر آنکه حسابش دشوارتر می‌شود. و پیروان هیچ بنده‌ای بیشتر نمی‌شوند، مگر اینکه شیاطین او بیشتر می‌شوند.»<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «صلاح دو صنف از امت من موجب صلاح تمام امت و فساد آنان موجب فساد همه امت است: فقها و فرمانروایان.»<sup>۴</sup>

۳. در روایتی دیگر فرمود: «فرمانروایان از همه مردم بی‌وفاتر و کم‌محبت‌ترند.»<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۷.

۲. همان، ص ۳۴۵، ح ۵.

۳. ثواب الأعمال، ص ۳۱۰.

۴. خصال، ج ۱، ص ۸۱، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۶، ح ۱.

۵. امالی صدوق، ص ۲۱.



## جایگاه حاکمان عادل

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس بر مردم حکومت کند و عدالت را پیشه خود سازد و در خانه خود را به روی مردم بگشاید و موانع ملاقاتش را برای مردم مرتفع کند تا همه به او دسترسی داشته باشند و به احوال مردم برسد، بر خداست که ترس او را در قیامت به ایمنی مبدل گردانیده و او را وارد بهشت کند»<sup>۱</sup>.

۲. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در میان فرمانروایان گروهی هستند که خداوند متعال دین حق را به ایشان عطا کرده و آنان را بر شهرها مسلط گردانده، تا به سبب آنها ستمها و ضررها را از دوستانش دور کند و به برکت آنان امور مسلمانان را اصلاح نماید و مؤمنان در سختیها و گرفتاریها به ایشان پناه برند و نیازمندان و شیعیان ما به آنان متوسل شوند و به سبب آنان، خداوند ترس مؤمنان را به ایمنی مبدل کرده است. این دسته از حاکمان در مملکت ظالمان، مؤمنان حقیقی و امینان خدا در زمین اند و نور آنها به اهل آسمان روشنی می دهد، همان گونه که ستاره به اهل زمین روشنی می دهد. و در قیامت نور آنها عرصه محشر را روشن می کند. آنها برای بهشت خلق شده اند»<sup>۲</sup>.

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه خداوند متعال خیر مردمی را بخواهد، حاکم مهربانی بر آنان مسلط کرده و برای او وزیر عادلی فراهم می سازد»<sup>۳</sup>.

## کیفیت رفتار با حاکمان

### اطاعت از حاکم و حکم یاری کردن او

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام به شیعیان خود فرمود: «با ترک

۱. امالی صدوق، ص ۲۴۵، ح ۲.

۲. منیه المرید، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۳. امالی صدوق، ص ۲۴۵، ح ۳.

اطاعت از حاکم، خود را خوار نکنید؛ پس اگر عادل باشد از خداوند بقا و دوامش را تقاضا کنید و اگر ظالم و ستمکار باشد از خدا بخواهید که اصلاحش کند که صلاح شما در صلاح حاکم شماسست. و حاکم عادل به منزله پدری مهربان است. آنچه را برای خود می‌خواهید برای او نیز طلب کنید و آنچه را برای خود نمی‌خواهید برایش آرزو نکنید.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی به سند معتبر آمده است که رسول اکرم ﷺ فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرمانروای خود را بر نیکی کردن به او یاری کند».<sup>۲</sup>

#### تحریر کردن حاکم ظالم، یا مدارا کردن با وی

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس (بی جهت) متعرض فرمانروای ظالم شود و از او آزاری ببیند، خداوند او را بر آن آزار ثواب ندهد و صبر را روزیش نکند».<sup>۳</sup>

۲. در حدیث است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به هنگام شهادت به امام حسن مجتبی علیه السلام چنین سفارش کرد: «صالحان را برای صلاحشان دوست مدار و با فاسقان به ظاهر مدارا کن و در دل، دشمن آنها باش».<sup>۴</sup>

#### بقای ظالم را دوست نداشته باش و به ظلمش کمک نکن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بقای ظالمان را دوست داشته باشد، گویی دوست دارد که خدا را معصیت کنند. و هر کس دوست داشته باشد که خدا را معصیت کنند، آشکارا با خدا دشمنی کرده است».<sup>۵</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۳۳۸، ح ۲۱.

۲. ثواب الأعمال، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۲۹۶.

۴. امالی مفید، ص ۱۲۹؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۶.

۵. معانی الأخبار، ص ۲۵۳.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت عیسیٰ علیه السلام به بنی اسرائیل می‌گفت: ظالم را بر ظلمش یاری نکنید که ارزش شما باطل می‌شود»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیث صحیح و معتبر دیگری فرمود: «هر کس ظالمی را بر ضدّ مظلوم یاری دهد، خداوند متعال پیوسته بر او خشمگین باشد تا دست از یاری او بردارد»<sup>۲</sup>.

#### به در خانهٔ ظالم نرو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که دل را فاسد می‌کند و نفاق را در دل می‌رویاند همان‌گونه که آب درخت را می‌رویاند: شنیدن ساز و آواز، یاهوسرایی کردن و دشنام دادن، به در خانهٔ حاکمان ظالم رفتن، به شکار (برای تفریح) رفتن»<sup>۳</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به در خانهٔ حاکمان (ظالم) و آنها که با حاکمان هستند نروید که نزدیک‌ترین شما به آنها دورترین شما از خداوند است. و هر کس حاکمی ظالم را بر خدا ترجیح دهد، خداوند پرهیزگاری را از او برداشته و او را سرگردان می‌کند»<sup>۴</sup>.

۳. در حدیث است که عبد الغفار بن القاسم از حضرت باقر و صادق علیهما السلام پرسید: در مورد رفتن نزد حاکم ظالم چه می‌فرمایید؟ فرمود: «این کار را برای تو خوب نمی‌دانم». عرض کرد: بسیار اتفاق می‌افتد که در سفر به شام مرا نزد ابراهیم پسر ولید می‌برند. حضرت فرمود: «رفتن نزد شاهان و حکام سه پی‌آمد منفی به دنبال دارد: محبت دنیا، فراموشی مر ، راضی نبودن به آنچه خداوند

۱. معانی الأخبار، ص ۱۹۶.

۲. ثواب الأعمال، ص ۳۲۳.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۷۳، ح ۴۳.

۴. ثواب الأعمال، ص ۳۱۰.

روزی تو کرده است». عرض کرد: ای پسر رسول خدا، من اولاد بسیار دارم و برای تجارت به شام می‌روم. حضرت اجازه داد.<sup>۱</sup>

#### همکاری با ظالمین

۱. در حدیث است که سلیمان جعفری گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه می‌کنی؟» عرض کردم: متکفل کارهایی هستم که مردم از جانب فرمانروایان (ظالم) انجام می‌دهند. حضرت فرمود: «مداخله کردن در کارهای آنها و یاری کردنشان و تلاش در برآورده شدن حوائجشان معادل کفر و نگاه کردن به آنها از روی عمد، گناه کبیره است».<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که صفوان جمّال (شتردار) خدمت امام کاظم علیه السلام رسید. حضرت فرمود: «همه چیز تو خوب است، جز آن که شتران خود را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می‌دهی». صفوان عرض کرد: والله که شتران خود را برای کار بد یا شکار لهوی و مانند آن به او کرایه نداده‌ام، بلکه برای سفر حج بوده است. علاوه بر اینکه خودم همراه شتران با او به مکه نمی‌روم، بلکه غلامان و کارکنانم را می‌فرستم. حضرت فرمود: «آیا دوست داری آن قدر زنده باشد که کرایه شتران تو را بدهد؟» عرض کرد: آری. حضرت فرمود: «هر کس بقای آنان را بخواهد از ایشان است و هر که از ایشان باشد اهل جهنم است».<sup>۳</sup>

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالم راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود».<sup>۴</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۴، ح ۲۵؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۰.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۱۰؛ رجال کشی، ص ۳۷۳.

۴. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «ظلم‌کننده و یاری‌کننده او بر ظلم و کسی که راضی به آن ظلم باشد، هر سه شریک در گناهند».<sup>۱</sup>

#### جبران کردن همکاری با ظالم

۱. در حدیث است که مفضل بن مزید که کاتب و نویسنده خلفا و در عین حال از شیعیان بود، خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: از خدماتی که به خلفا می‌کنم اطلاع دارید؟ حضرت فرمود: «درآمدی که از این راه کسب می‌کنی به شیعیان (فقیر) بده، زیرا خداوند متعال فرماید: حسنات و کارهای نیک، گناهان و سیئات را از بین می‌برد».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که علی بن حمزه می‌گوید: دوستی داشتم که از نویسندگان بنی‌امیه بود. همراه من خدمت امام صادق علیه السلام رسید. عرض کرد: من در دیوان بنی‌امیه کار می‌کردم و از این راه ثروت فراوانی گرد آورده‌ام. حضرت فرمود: «اگر مردم برای بنی‌امیه کتابت نمی‌کردند و برای آنها غنیمت جمع نمی‌کردند و برایشان به جنگ نمی‌رفتند و نزد آنها حاضر نمی‌شدند، آنها حق ما را غصب نمی‌کردند». آن شخص گفت: آیا چاره‌ای برای جبران اشتباهات گذشته وجود دارد؟ حضرت فرمود: «اگر بگویم به آن عمل می‌کنی؟» عرض کرد: آری، عمل می‌کنم. حضرت فرمود: «آنچه را در دیوان بنی‌امیه به دست آورده‌ای، اگر صاحبانش را می‌شناسی به آنها بازگردان و اگر آنها را نمی‌شناسی (به نیت صاحبان اصلی) به نیازمندان صدقه بده؛ اگر به این دستور عمل کنی بهشت را برای تو ضمانت می‌کنم». آن شخص ساعتی سر به زیر افکند و به فکر فرو رفت. سپس سر بلند کرد و عرض کرد: این کار را انجام می‌دهم. علی بن ابی حمزه

۱. خصال، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۶۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۲، ح ۶۷.

۲. رجال کشی، ص ۳۷۴، ح ۷۰۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۶، ح ۳۳.

می‌گوید: آن جوان همراه ما به کوفه آمد و تمام دارایی‌اش، حتی لباس‌هایی را که به تن داشت، به گفته امام، هزینه کرد. ما در میان دوستان خود مالی جمع کرده و لباس‌هایی برایش خریده و پولی برایش فرستادیم. پس از آن، چند ماه بیمار شد. به دیدنش رفتیم. در حال جان دادن بود. چشم گشود و گفت: حضرت صادق علیه السلام به ضمانتی که وعده کرده بود وفا کرد. این سخن را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد. او را دفن کردیم، سال بعد که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، حضرت فرمود: «به خدا سوگند نسبت به رفیقت به ضمانتی که کردم وفا نمودم».<sup>۱</sup>

#### منازعه با حاکم و استفاده از اموال وی

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای هر کس که اعتقاد به امامت ما داشته باشد امید نجات دارم، مگر سه گروه: حاکمی که بر رعیت خود ظلم کند، کسی که در دین بدعت بگذارد، کسی که آشکارا گناه کند».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: سه گروهند که هر کس با آنها منازعه کند خوار و بی‌ارزش شود: پدر، پادشاه (ظالم که توان مقابله با او را ندارد)، طلبکار».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حمیری خدمت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - نامه‌ای به این مضمون نوشت: شخصی متصدی اوقاف است و تصرف در موقوفات را حلال دانسته و بی‌پروا در آن تصرف کرده و گاه هدیه‌ای برای من می‌فرستد (آیا می‌توانم از هدایای او استفاده کنم؟) حضرت در پاسخ نوشتند: «اگر این مرد مال و ثروتی غیر از درآمد موقوفات در اختیار دارد از

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۰۶، ح ۴؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۸۰، ح ۴۱.

۲. خصال، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۹۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۷، ح ۶.

۳. خصال، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۲۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۸، ح ۱۰.

غذایش بخور و احسانش را بپذیر و اگر به غیر از آن مال حرام چیزی ندارد از غذایش نخور و مالش را قبول نکن».<sup>۱</sup>

#### نصیحت حاکم و رساندن حاجات مردم به او

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس نزد حاکم ظالمی برود و او را امر به پرهیزگاری کند و پندش دهد، ثوابش همانند ثواب جنّ و انس خواهد بود».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که حضرت کاظم علیه السلام و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر کس حاجت کسی را به حاکم برساند و مشکل او را حل کند، خداوند متعال قدم‌هایش را در قیامت بر پل صراط ثابت گرداند».<sup>۳</sup>

#### مجازات‌ها و پی‌آمدها

##### مجازات مدح یا راهنمایی ظالم

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم ظالمی را مدح و ستایش و به خاطر طمع در دنیا در نزد او اظهار شکستگی و خضوع کند، در جهنّم با او باشد زیرا خداوند متعال فرماید: ﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس ظالمی را بر ظلمش راهنمایی کند، در جهنّم با هامان وزیر فرعون باشد».<sup>۵</sup> و هر کس از سوی ظالمی خصومت و دشمنی

۱. احتجاج، ج ۲، ص ۵۷۲.

۲. السرائر، ج ۳، ص ۶۳۴.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۴. ترجمه: «بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد» (سوره هود، آیه ۱۱۳).

امالی صدوق، ص ۴۲۶.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۸.

کند، یا در آن خصومت به آن ظالم کمک کند، هنگامی که ملک الموت نزدش آید او را به نفرین خدا و آتش جهنم بشارت دهد.<sup>۱</sup> و هر کس تازیانه‌ای در دست گرفته و نزد پادشاه یا حاکم جباری بایستد، خداوند متعال آن تازیانه را در قیامت همچون ازدهایی از آتش جهنم کند که بلندای آن هفتاد ذراع باشد و آن را در جهنم بر او مسلط گرداند.<sup>۲</sup>

#### مجازات درخواست از حاکم ظالم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با پرهیز از محرّمات و تقیّه از مخالفان و مستغنی شدن به خدا از طلب حاجت کردن از پادشاهان تقویت کنید. و بدانید هر مؤمنی که نزد سلطانی یا کسی که با او در دینش مخالف باشد، به منظور طلب مال دنیا خضوع کند خداوند او را گمنام کند و او را دشمن دارد و به خود واگذارد و اگر چیزی از دنیای او به دستش برسد برکت آن را بگیرد و اگر آن را در راه حج یا عمره یا آزاد کردن بردگان هم هزینه کند، ثوابی به او ندهد.»<sup>۳</sup>

#### گناه و مجازات همکاری با حاکمان ظالم

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «در روز قیامت منادی از سوی خداوند ندا کند: کجایند ظالمان و کسانی که به آنها کمک کرده‌اند؟ کجایند آنان که دوات ظالمان را لایقه گذاشته<sup>۴</sup>، یا سر کیسه (محصولات) آنها را

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۸.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۲.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۹۴.

۴. «لایقه» تکه نخ یا ابریشم (یا قطعه پنبه) به هم پیچیده‌ای است که در دوات می‌گذارند و مرکب روی آن می‌ریزند (تا اگر دوات واژگون شود جوهر نریزد و به هنگامی که قلم وارد آن می‌شود جوهر زیادی بر نوک قلم ننشیند) لایق هم گفته شده است (فرهنگ عمید).



بسته، یا قلمی به آنها داده‌اند؟ آنها را با ظالمان محشور کنید».<sup>۱</sup>

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به حکم حاکم ظالمی راضی باشد و به او کمک کند، از دوستان او خواهد بود (و سرنوشت او را خواهد داشت)».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند بهشت را آفرید... فرمود: به عظمت و بزرگواریم سوگند که این افراد را وارد بهشت نکنم: کسانی که مداومت بر شرب خمر داشته باشند، خودفروشان، سخن‌چینان، بی‌غیرت‌ها (در مورد همسر)، مأموران نظامی حکومت طاغوت، همجنس‌بازان، کسانی که نبش قبر می‌کنند و کفن می‌زدند، مأمور وصول عوارض مالیات حکومت ظالم، کسانی که صلۀ رحم را ترک کنند، کسانی که قائل به جبر باشند».<sup>۳</sup>

#### مجازات توجیه ظلم ظالم و خضوع در برابر ثروتمند مغرور

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس ظالمی را در ظلمش معذور بدارد (و ظلم او را توجیه کند)، خداوند ظالم دیگری را بر او مسلط گرداند تا بر وی ظلم کند. سپس اگر دعا کند دعایش مستجاب نخواهد شد و خداوند او را بر تحمل آن ستم ثواب نخواهد داد».<sup>۴</sup>

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس نزد توانگر (مغروری) برود و برای او خضوع و اظهار شکستگی کند، دوسوم دینش از بین می‌رود».<sup>۵</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۳۰۹.

۲. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۷، ح ۳۳.

۳. خصال، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۳، ح ۳۱.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۸.

۵. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۳۷۹.

## مجازات به ناحق حکومت کردن و به کار مردم رسیدگی نکردن

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس به ناحق حاکم بر گروهی شود و بر آنان مسلط گردد، خداوند در مقابل هر روز حکومتش هزار سال او را در کنار جهنم نگاه می‌دارد و هنگامی که محشور شود دست‌هایش در گردنش بسته باشد، سپس اگر به امر خداوند در میان آنها عمل کرده باشد او را رها می‌کند و اگر بر آنها ظلم کرده باشد او را به جهنم می‌اندازد».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس حاکم بر مسلمانان شود و حق آنها را تباه کند و به احوال آنان نپردازد، خداوند وی را ضایع کرده، (او را به حال خود رها می‌سازد) و رحمتش را از او بازمی‌گیرد».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر حاکمی که مردم را از عرضه مشکلاتشان به خود ممنوع سازد، خداوند در قیامت حاجت او را برآورده نکند. و اگر چیزی به رسم هدیه (به صورت هدیه و در واقع رشوه) بگیرد، گویی از غنایم جنگی دزدی کرده که بدترین دزدی‌هاست. و اگر رشوه بگیرد گویی به خدا شرک ورزیده است».<sup>۳</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند به پیامبری از پیامبرانش که در کشوری می‌زیست که حاکمش ظالم و جبار بود، مأموریت داد که به آن حاکم بگوید: تو را حاکم نکرده‌ام که خون مردم را بریزی و اموالشان را بگیری، بلکه تو را حکومت بخشیدم که صدای مظلومان را از من بازگیری. بی‌شک ستم‌هایی که بر آنها شود را بازخواست می‌کنم، هر چند ستم‌دیدگان کافر باشند».<sup>۴</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۴۳۳.

۲. ثواب الأعمال، ص ۳۰۹.

۳. همان، ص ۳۱۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۴.

### مجازات جباران

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در جهنم کوهی است که آن را «سعدا» می‌گویند. و در آن کوه وادی‌ای هست که نام آن «سقر» است. و در آن وادی، چاهی است که آن را «هبهب» می‌گویند. هرگاه در آن چاه را بردارند جهنمیان از گرما و حرارت آن فریاد می‌کشند. آن چاه جای جباران است».<sup>۱</sup>

### مجازات ظالمان

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دعای سه کس از درگاه خدا رد نمی‌شود: دعای پدر برای فرزند نیکوکار و نفرینش بر فرزند بدکردار، نفرین مظلوم بر ظالم و دعای مظلوم برای کسی که انتقام او را از ظالم بگیرد، دعای مؤمن برای مؤمنی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او کمک مالی کند و نفرین مؤمن بر کسی که علی‌رغم توانایی مالی‌اش به آن مؤمن نیازمند کمک نکند».<sup>۲</sup>

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خداوند فرماید: خشم من بر ظالمی که به مظلومی ظلم کند که یاوری جز من ندارد، سخت و شدید است».<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند فرماید: دعای شخصی را که مظلومه‌ای از کسی نزد او باشد مستجاب نمی‌کنم».<sup>۴</sup>

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر دیگری ظلم کند، خداوند متعال کسی را مأمور کند که همانند آن ظلم را نسبت به او یا فرزندان وی، یا فرزندان فرزندانش (هرگاه راضی به فعل پدر باشند) انجام دهد».<sup>۵</sup>

۱. ثواب الأعمال، ص ۳۲۴.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۹.

۴. ثواب الأعمال، ص ۳۲۱؛ فلاح السائل، ص ۳۸.

۵. کافی، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۳.

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس حقّ مؤمنی را حبس کند، خداوند متعال او را (در عرصه محشر) پانصد سال سر پا نگاه دارد،... و منادی ندا کند که این ظالمی است که حقّ خدا را حبس کرده است، در نتیجه چهل روز او را سرزنش کند، سپس دستور می دهد او را به جهنّم ببرند».<sup>۱</sup>
۶. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «بهترین جهادها آن است که صبح هنگام، فکر ظلم بر کسی را در ذهن نداشته باشد».<sup>۲</sup>

## ۱۱ آداب معاشرت با کافران و مخالفان

### معاشرت با کافران

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس غیر مسلمانی را ببیند و (آهسته) بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً»<sup>۳</sup>، خداوند میان او و آن کافر در جهنّم جمع نمی کند».<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با غیر مسلمانان مصافحه می کنی از زیر لباس مصافحه کن و اگر دستت با دست آنها تماس پیدا کرد آن را بشوی».<sup>۵</sup>
۳. در حدیث است که کسی از امام صادق عليه السلام پرسید: برای غیر مسلمانان چگونه دعا کنیم؟ حضرت فرمود: «بگوئید: بَارَكَ اللَّهُ فِي دُنْيَاكَ».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲.

۲. محاسن، ص ۲۹۲، ح ۴۴۹.

۳. ترجمه: «حمد و سپاس ویژه خداوندی است که مرا به سبب اینکه اسلام دین من و قرآن کتاب من و محمد پیامبر عليه السلام و علی عليه السلام امام من و مؤمنان برادران و کعبه قبله من است بر تو برتری داد».

۴. ثواب الأعمال، ص ۴۴.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۱۰.

۶. ترجمه: «خداوند به دنیای تو برکت دهد».<sup>۶</sup> کافی، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۹.

۴. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «مسلمان نباید با یهودی در یک ظرف غذا بخورد، یا با او بر یک فرش بنشیند، یا هم‌نشین او شود».<sup>۱</sup>

۵. در حدیثی صحیح و معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مؤمنان سزاوار نیست که با کافران اهل ذمه شراکت داشته، یا امانتی به آنها بسپارند که چیزی برای آنها بخرند، یا چیزی به آنها بسپارند، یا با آنها دوستی کنند».<sup>۲</sup>

۶. نیز در حدیث است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: به کشورهای غیر مسلمان سفر می‌کنم. مردم می‌گویند اگر آنجا بمیری با آنان محشور خواهی شد. حضرت فرمود: «چنین نیست، بلکه تنها محشور خواهی شد و نور تو در قیامت در پیش روی تو خواهد بود».<sup>۳</sup>

### معاشرت کردن با مخالفان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه سپر ایمان است و کسی که تقیّه نمی‌کند ایمان ندارد».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نه‌دهم دین در تقیّه است».<sup>۵</sup>
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گرامی‌ترین شما نزد خدا کسی است که بیشتر تقیّه کند».<sup>۶</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۲۱۶، ح ۱۰۷۷.

۲. همان، ص ۱۴۶، ح ۵۹۹.

۳. رجال کشی، ص ۳۴۳، ح ۶۳۵؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۴۴؛ بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۲۰۱، ح ۱.

۴. قرب الإسناد، ص ۴۶، ح ۱۰۷.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۲.

۶. محاسن، ص ۲۵۸، ح ۳۰۲.

۴. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که تقیّه را ترک کند، گویا نماز را ترک کرده است».<sup>۱</sup>
۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تقیّه در بلاد مخالفان واجب است. و کسی که از روی تقیّه قسم بخورد تا ضرری را از خود دور کند، مرتکب گناهی نشده و کفّاره ندارد».<sup>۲</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دین خود را با تقیّه از گزند مخالفان حفظ کنید. بی شک شما در میان مخالفان همچون زنبور عسل در میان پرندگان هستید. اگر پرندگان می دانستند که درون شکم زنبور عسل، عسل هست حتی یکی از آنها را زنده نمی گذاشتند. اگر مخالفان بدانند که محبت ما در سینه شماست، شما را راحت نمی گذارند».<sup>۳</sup>
- توجه: «تقیّه» در بلاد مخالفان متعصّب و کینه توز که با اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها دشمنی دارند واجب است، مشروط بر اینکه بیم ضرر باشد که در این صورت نباید دین و عقیده اش را ابراز کند بلکه باید وانمود کند که معتقد به عقاید آنهاست. و هنگامی که آنها مطلع باشند و نتوان وضو و نماز و سایر عبادات را دور از چشم آنها انجام داد، باید به روش آنها به جا آورد. و تشخیص خوف و ضرر و موارد لزوم تقیّه بر خود انسان است. تقیّه در بلاد شیعه و سنی در هر امری که انسان ظنّ ضرری داشته باشد لازم است، مگر در مورد جان دیگر انسان ها که در آن نمی توان تقیّه کرد؛ مثل اینکه بگویند فلان کس را بکش و گرنه تو را می کشیم که در این مورد نمی تواند از باب تقیّه آن شخص را بکشد؛ هر چند خودش کشته شود.

۱. السرائر، ج ۳، ص ۵۸۳.

۲. خصال، ج ۲، ص ۳۹۴ از امام صادق علیه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۹۴، ح ۱۰.

۳. محاسن، ص ۲۵۷، ح ۳۰۰.

## ۱۲ حقوق مردگان بر زندگان

### وظیفه محتضر

هنگامی که محتضر آثار و علائم مر را مشاهده کرد، خود او اول کسی است که باید به احوال شخصی اش رسیدگی کند که سفری ابدی به سوی جهان آخرت در پیش دارد و توشه مناسبی متناسب با آن سفر بگیرد؛ بنابراین، نخستین کاری که ضروری و لازم است اقرار کردن به گناه و اعتراف به تقصیر و کوتاهی در انجام دادن تکالیف و پشیمانی از گذشته و توبه کامل است. به درگاه عظمت پروردگار تضرع و گریه و زاری کند تا خداوند از گناهان گذشته اش درگذرد و در احوال و سختی هایی که در پیش دارد او را به خود و دیگران واگذار نکند.

در گام دوم به وصیت کردن بپردازد و آنچه از حقوق خدا و خلق خدا بر ذمه دارد ادا کرده و این کار را به دیگران واگذار نکند که پس از مر اختیار از کفش می رود و با حسرت در اموالش می نگردد و شیاطین جن و انس، ورثه و وصی او را وسوسه کرده، تا به وصایای او عمل نکنند و میت چاره ای (جز حسرت و اندوه) نخواهد داشت و فریاد می زند که مرا برگردانید تا کاری شایسته و نیک در اموال به جا آورم، ولی کسی به سخن او گوش نمی دهد و حسرت و ندامت و پشیمانی در آن روز فایده ای نخواهد داشت. پس به مقدار یک سوم از اموال خود را برای بستگان و نیازمندان و کارهای خیر و آنچه برای خود مناسب می دانی وصیت کن و بیش از یک سوم اختیاری نداری و وصیت نافذ نیست.

در گام سوم از برادران مؤمن خود حلالیت بطلب. اگر غیبت کسی را کرده ای، یا اهانتی به او روا داشته ای، یا آزاری به او رسانده ای، چنانچه دسترسی به وی داری خواهش کن که تو را حلال کند و اگر دسترسی نداری از برادران دینی ات خواهش کن که از طرف تو رضایت وی را جلب کنند.

در گام چهارم، امور فرزندان و همسرت را پس از توکل بر خداوند متعال به

شخص امینی بسیار و برای فرزندان صغیر خود قیّم تعیین کن.

در گام پنجم، کفن خود را مهیا کن و از کسی بخواه که شهادتین و عقاید حقّه و اذکار و ادعیه و آیات مناسب را (در صورت امکان) با تربت امام حسین علیه السلام بر روی آن بنویسد. البتّه این در صورتی است که قبلاً کفن خود را آماده نکرده باشی، وگرنه سزاوار است مؤمن همواره کفنش آماده و در دسترس وی باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس کفنش آماده و نزد او حاضر باشد، نام او را جزء غافلان ننویسند»<sup>۱</sup> و گاه به کفنش نگاه کند که ثواب دارد.

در مرحله بعد، دیگر در فکر زن و فرزند و مال و ثروت نباشد و توجّه به پروردگار پیدا کرده و به یاد او باشد و اندیشه کند که این امور فانی زودگذر فایده‌ای برایش ندارد و به غیر از لطف حق و رحمت پروردگار، چیزی در دنیا و آخرت به فریاد او نمی‌رسد. و بی‌شک اگر توکل بر خدا کند امور بازماندگانش به صورتی نیکو به انجام خواهد رسید.

و به این نکته توجّه داشته باشد که اگر خودش زنده می‌ماند بدون مشیّت و اراده الهی نمی‌توانست سودی به آنها رسانده، یا زیانی را از آنها دور کند؛ خدایی که آنها را آفریده، از او به آنها مهربان‌تر است.

و سرانجام در آن حال در مقام رجا و امید باشد. به رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و به شفاعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام امید بسیار داشته باشد و منتظر قدم شریف آن بزرگواران باشد. و بداند که همگی آن بزرگواران در آن زمان حاضر شده و به شیعیان خود بشارت‌ها داده و سفارش‌هایی به ملک‌الموت در مورد آنها خواهند کرد.

۱. کافی، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۲۳.



### وصیت کردن نیکو

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین آورده است: «هر کس در وقت مرگ وصیت نیکو نکند، نشانه کمبود عقل و مروّت اوست. گفتند: ای رسول خدا، چگونه وصیت کند؟ فرمود: هنگامی که وفات او نزدیک شود و مردم نزد او جمع شوند، بگوید: اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اِنِّيْ اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّيْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحَدُّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُوْلُكَ وَ اَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيْهَا وَ اَنَّكَ تَبْعَتْ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ وَ اَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ مَا وَعَدَ اللهُ فِيْهَا مِنَ النَّعِيْمِ الْمَأْكُلِ وَالْمَشْرَبِ وَ النَّكَاحِ حَقٌّ وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْاِيْمَانَ حَقٌّ وَ اَنَّ الدِّيْنَ كَمَا وَصَفْتَ وَ اَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَ اَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَ اَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَ اَنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْحَقُّ الْمُبِيْنُ وَ اِنِّيْ اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي الدَّارِ الدُّنْيَا اَنِّيْ رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا وَ بِالْاِسْلَامِ دِيْنًا وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ اِمَامًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ اَنَّ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ علیهم السلام اُمَّتِي. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ تَقْتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ عُدَّتِي عِنْدَ الْاُمُوْرِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَ اَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَ اِلٰهِي وَ اِلٰهُ اَبَائِي، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ لَا تَكِلْنِي اِلٰی نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ اَنْسُ فِي قَبْرِي وَ حَشْتِي وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقَاكِ مَشْهُورًا.<sup>۱</sup> سپس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: این

۱. ترجمه: «بار خدایا، ای آفریننده آسمانها و زمین، ای دانای پنهان و آشکار، ای بخشنده مهربان، من با تو عهد می‌بندم و گواهی می‌دهم که جز تو معبودی نیست. یگانه‌ای و شریک نداری و محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول تو است و قیامت می‌آید و شکّی در آن نیست و تو زنده می‌کنی کسانی را که در گورها خفته‌اند و حساب و بهشت حق است و آنچه را که خداوند از نعمت خور دنی‌ها و آشامیدنی‌ها و همسران بهشتی در آن وعده داده حق است و دوزخ حق است و ایمان (به آنها) حق است و دین همچنان است که تو بیان کرده‌ای و اسلام همچنان که تو دستور داده‌ای و سخن همان است که تو گفته‌ای و قرآن چنان است که تو فرستاده‌ای و تو خداوند حق آشکاری و من در دنیا با تو پیمان می‌بندم که راضی‌ام تو پروردگار من باشی و اسلام دین من و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و علی علیه السلام امام من و قرآن کتاب من و خاندان پیامبر تو امامان من باشند. بار خدایا، تو

←

عهد و پیمان میّت است از روزی که می خواهد وصیّت کند و وصیّت بر هر مسلمانی لازم و واجب است».

حضرت صادق علیه السلام بعد از نقل این حدیث فرمود: «تصدیق این سخن در سوره مریم آمده است، آنجا که فرماید: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾<sup>۱</sup> آنان هرگز مالک شفاعت نیستند، مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: این وصیّت را فراگیر و به اهل بیت و شیعیان نیز تعلیم بده، همان گونه که جبرئیل به من تعلیم داد. اگر قبلاً صحیفه خود را تنظیم نکرده است، جمعی از مؤمنین را حاضر کند و بر اعتقادات خود گواه گیرد و سپس بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، سپس بر پارچه یا کاغذ چنین بنویسد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسْمُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ، أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ (و به جای فلان بن فلان نام خود و پدرش را بنویسد) أَشْهَدُهُمْ وَاسْتَوْذَعَهُمْ وَأَقَرَّ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يُشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مُقَرَّرٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَوَلَدِهِ (هَم) الْأَئِمَّةُ وَأَنَّ

→ در هر سختی پشت و پناه من و در هر گرفتاری امید من و در هر پیشامدی ذخیره منی و تو ولی نعمت و معبود من و پدران منی. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا هرگز به خودم وانگذار، حتی به مقدار یک چشم بر هم زدن و در تنهایی قبرم انیس من باش و در نزد خود برای روزی که تو را در قیامت ملاقات کنم عهد و پیمانی برایم قرار ده».

۱. سوره مریم، آیه ۸۷.

۲. مصباح المتهجد، ص ۳۰؛ مصباح کفعمی، ص ۷.

أَوْلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْقَائِمُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولُهُ، جَاءَ بِالْحَقِّ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْتِخْلَفَهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِّيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَنَّ فاطمة بنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْنَيْهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ابْنَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسِبْطَاهُ وَإِمَامَا الْهُدَى وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ وَأَنَّ عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أئِمَّةً وَقَادَةً وَدُعَاةً إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ<sup>۱</sup>، سپس به گواهان و شهودی که نامشان در آن صحیفه نوشته خواهد شد بگوید: اَتَّبِعُوا إِلَيَّ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكُمْ حَتَّى تَلْقُونِي بِهَا عِنْدَ الْحَوْضِ<sup>۲</sup>، سپس

۱. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. شهادت می‌دهم که معبودی جز الله نیست. او یکتاست و شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و رسول اوست و اینکه بهشت و جهنم حق است و قیامت بدون شک خواهد آمد (و محقق خواهد شد) و خداوند کسانی را که در قبرها آرمیده‌اند زنده خواهد کرد. سپس بر پارچه یا کاغذی چنین بنویسد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. کسانی که نامشان در این نامه آمده است شهادت دادند که برادر دینی آنها آقای فلان فرزند فلان از آنها طلب شهادت کرده و در نزد آنها اقرار کرده است که او گواهی می‌دهد معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریک ندارد و محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست و به همه پیامبران و رسولان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اقرار می‌کند. و علی عَلِيٌّ ولی خدا، امام او و امامان از فرزندان او امامان اویند. اول ایشان حسن و سپس حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حضرت حجت عَلِيٌّ می‌باشند و اینکه بهشت و دوزخ حق است و قیامت خواهد آمد و در آن شکی نیست و خداوند کسانی را که در گورها هستند برمی‌انگیزاند و اینکه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرستاده اوست و حق را آورده است و علی ولی خدا و خلیفه پس از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، او را در امت جانشین قرار داده تا امر و فرمان پروردگار را برساند و فاطمه عَلِيٌّ دختر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دو فرزندش حسن و حسین فرزندان رسول خداوند و دو سبط او و دو امام هدایت و پیشوای رحمت‌اند و اینکه (حضرات معصومین) علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت عَلِيٌّ، امامان و رهبران دعوت‌کنندگان به سوی خداوند و حجت بر بندگان اویند».
۲. ترجمه: «این شهادت و اقراری را که نزد شما کردم به امانت نزدتان نگاه دارید، تا زمانی که شما را کنار حوض کوثر ملاقات کنم».

گواهان به او بگویند: ای فلانی فرزند فلانی، نَسْتَوِدُّعُكَ اللَّهُ وَالشَّهَادَةَ وَالْأَقْرَارَ وَالْإِخَاءَ وَمَوْعُودَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَنَقْرًا عَلَيْكَ السَّلَامَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، سپس صحیفه را به مَهر آن شخص و مهر گواهان مهر کنند و آن را ببندند و پس از مر در جانب راست میّت همراه جریده بگذارند.<sup>۲</sup>

### دعای محتضر در حال احتضار

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ بر بالین شخصی از انصار که در حال جان دادن بود حاضر شد و از او پرسید: «در چه حالی هستی؟» عرض کرد: امید به رحمت خدا دارم و از گناهان خود می ترسم. حضرت فرمود: «این دو حالت در حال احتضار در دل کسی به وجود نمی آید، مگر آنکه خداوند امیدش را عملی می کند و او را از آنچه می ترسد در امان می دارد».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول ﷺ به دیدار کسی که در حال احتضار بود رفت و به او فرمود بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ».<sup>۴</sup>

### وظیفه اطرافیان محتضر

(مقدمه:) بستگان و مؤمنان نباید محتضر را در حال احتضار تنها بگذارند و باید نزد او قرآن و دعا بخوانند. و اعتقاد به یکتایی خدا و رسالت پیامبر اعظم ﷺ و امامت امامان معصومین علیهم السلام و سایر اعتقادات حق، از قبیل بهشت

۱. ترجمه: «ما، تو و شهادت و اقراری را که کردی و رابطه اخوت و برادری مان را به خدا سپردیم و وعده ما (در کنار حوض کوثر) خدمت رسول خدا ﷺ. بر تو سلام و درود می فرستیم و رحمت و برکات خدا بر تو باد».
۲. مصباح المتهجد، ص ۱۶ و ۱۷؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۵۹، ح ۱.
۳. امالی مفید، ص ۱۳۸، ح ۱.
۴. ترجمه: «پروردگارا، گناهان بسیار من را ببامرز و طاعت اندک مرا ببپذیر». طب الأئمة، ص ۸۰.

و جهنم و صفات پروردگار را مکرر برای او بگویند تا تکرار کند. و اگر قادر بر تکرار کردن نباشد، برایش بخوانند. دعای عدیله<sup>۱</sup> را نیز بر او بخوانند و اگر عربی نمی‌فهمد ترجمه‌اش را برایش بخوانند. و پایش را به سمت قبله دراز کنند. و در آن هنگام شخص حائض و جنب در نزد او حاضر نشود که فرشتگان از آنها فرار می‌کنند. و چنانچه کس دیگری نباشد می‌توانند از روی ناچاری نزد محتضر باشند، ولی به هنگام جان دادن از آنجا خارج شوند. به روایاتی در این زمینه توجه فرمایید:

#### محتضری که جان‌کندش دشوار است

۱. در روایات آمده است که اگر جان‌کندن بر محتضر دشوار شد او را به جایی که همیشه نماز می‌خوانده ببرند، یا او را روی سجاده‌ای که بر آن نماز می‌گزارده بخوابانند که اگر امید شفا باشد شفا پیدا می‌کند، وگرنه به آسانی جان می‌دهد.<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ بر شخصی از فرزندان عبدالمطلب که در حال احتضار بود وارد شد. فرمود: «پاهای او را رو به قبله کنید تا ملائکه به او روی آورده و رحمت الهی متوجه وی شود».<sup>۳</sup>

#### دست بر محتضر نگذارید، برایش قرآن بخوانید

۱. در حدیث است که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام در حال احتضار بود. جدش امام باقر علیه السلام در کنار خانه او نشسته بود و به هر کس که نزد او می‌رفت می‌فرمود: «دست بر او نگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانی است. و هر کس دست بر او بگذارد گویی او را کشته است».<sup>۴</sup>

۱. این دعا را می‌توانید در مفاتیح الجنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ص ۱۶۱، قبل از دعای جوشن کبیر، مطالعه فرمایید.

۲. طب الأئمه، ص ۷۹.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۹، ح ۲۵۲؛ دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۹.

۴. تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۴۱.

۲. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا دست بر بدن محتضر بگذارید و اگر دست و پا می‌زند مانعش نشوید، آن‌گونه که جاهلان این کار را می‌کنند. و در نزد او قرآن بخوانید و خدا را یاد کنید و بر پیامبر و خاندانش درود بفرستید».<sup>۱</sup>

### تلقین

#### تلقین لا إله إلا الله

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به مردگان خود «لا إله إلا الله» را تلقین کنید که هر کس آخرین سخنش «لا إله إلا الله» باشد، وارد بهشت می‌شود».<sup>۲</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «به آنها «لا إله إلا الله» تلقین کنید که گناهان را در هم می‌شکند».<sup>۳</sup>

#### تلقین کلمات فرج

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه کسی را در وقت جان‌کندن دیدید این کلمات را به وی تلقین کنید تا او بگوید: لا إله إلا الله الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لا إله إلا الله الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».<sup>۴</sup>

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۶۵.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۸، ح ۳۴۸؛ امالی صدوق، ص ۵۴۰، ح ۵.

۳. ثواب الأعمال، ص ۱۶، ح ۳.

۴. ترجمه: «هیچ معبودی جز خداوند دارای حلم و کرم نیست. هیچ معبودی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ

۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم: «هر یک از اعضای خانواده حضرت علی علیه السلام در حال احتضار قرار می‌گرفت، حضرت کلمات فرج را به او تلقین می‌کرد تا بخواند. و هنگامی که آن را می‌خواند می‌فرمود: (به ملاقات خدا) برو که دیگر باکی بر تو نیست»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیثی است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر بالین شخصی از بنی هاشم که در حال جان‌کندن بود حاضر شد و به او سفارش کرد کلمات فرج را بخواند. هنگامی که وی آن را خواند فرمود: «الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات داد»<sup>۲</sup>.

#### تلقین شهادتین و اقرار به ائمه علیهم السلام

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کسی در آستانه مرگ قرار می‌گیرد ابلیس به جمعی از شیاطین مأموریت می‌دهد که او را گرفتار شک و تردید کنند، تا به هنگام جان‌دادن بی‌ایمان از دنیا برود. اگر کسی مؤمن کامل باشد نمی‌توان او را به شک انداخت، بدین سبب به آنها که در حال احتضارند کلمات فرج و شهادتین و اقرار به یک‌یک ائمه علیهم السلام را تلقین کنید، تا از سخن گفتن باز نایستند»<sup>۳</sup>.

۲. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بت پرست به هنگام مردن، به امامت حضرات ائمه علیهم السلام (از صمیم قلب) اقرار کند و معتقد به مذهب تشیع شود، آتش جهنم به هیچ عضوی از اعضای او آسیب نمی‌رساند»<sup>۴</sup>.

→ نیست. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آنها و آنچه در میان آنهاست و منزّه است پروردگار عرش بزرگ و حمد و ستایش ویژه خدایی است که پروردگار جهانیان

است. کافی، ج ۳، ص ۱۲۲، ح ۳؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۸۳۹.

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۷؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۰۴.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷، ح ۳۴۶.

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۲۳، ح ۶.

۴. همان، ص ۱۲۴، ح ۸.

## تلقین دعای خاص

۱. از امام صادق روایت شده است که فرمود: «مر شخصی نزدیک شد. حضرت رسول ﷺ با گروهی از اصحاب بر بالینش حاضر شدند. آن شخص بی هوش بود. حضرت به ملک الموت فرمود: دست از او بردار، تا از وی سؤالی کنم. آن شخص به هوش آمد. حضرت پرسید: چه می بینی؟ گفت: سفیدی بسیار و سیاهی فراوانی می بینم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سیاهی. فرمود بگو: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْاصِيكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ<sup>۱</sup> آن شخص دوباره بی هوش شد. حضرت به فرشته مر فرمود: او را رها کن. دوباره به هوش آمد. فرمود: چه می بینی؟ عرض کرد: سفیدی و سیاهی فراوانی مشاهده می کنم. فرمود: کدام به تو نزدیک تر است؟ گفت: سفیدی. حضرت فرمود: او را آمرزیدند». امام صادق عليه السلام فرمود: «بر بالین هر کس که چنین حالتی داشت حاضر شدید سفارش کنید که این دعا را بخواند».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که جوانی در حال احتضار بود «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را به او تلقین کردند، زبانش بند آمده بود و نمی توانست آن را بگوید. حضرت رسول ﷺ نزد او حاضر شد و از زنی که بر بالینش نشسته بود پرسید: «این جوان مادر دارد؟» پاسخ داد: من مادر او هستم. فرمود: «از او راضی هستی؟» گفت: شش سال است که با وی سخن نگفتم. حضرت فرمود: «از او راضی باش». گفت: راضی شدم. سپس حضرت به آن جوان فرمود: «بگو لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» زبان جوان گشوده شد و آن را تکرار کرد. حضرت پرسید: «چه می بینی؟» عرض کرد: مرد سیاه بدبوی زشت رویی را که جامه ای چرکین به تن دارد در نزدیکی خود می بینم که گلوی مرا گرفته است. حضرت فرمود: «بگو: يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَغْفِرُ عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ

۱. ترجمه: «بار خدایا، گناهان فراوانم را ببخشای و طاعات اندکم را بپذیر».

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۱۰.



مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»<sup>۱</sup> پس از آنکه جوان این دعا را خواند، حضرت پرسید: «اکنون چه می بینی؟» گفت: مرد سفیدروی خوشبویی که لباس خوشی به تن کرده نزدیک من است و آن مرد سیاه بدبو می رود. فرمود: «بار دیگر این دعا را بخوان». هنگامی که دعا را خواند حضرت پرسید: «چه می بینی؟» گفت آن مرد سیاه بدبو را نمی بینم و مرد سفید خوشبو نزدیک من است. این را گفت و از دنیا رفت.<sup>۲</sup>

### پس از مرگ

هنگامی که شخصی می میرد مستحب است دهانش را ببندند و چشمانش را بر هم گذارند و دستانش را در کنار پهلوهایش بگذارند و پارچه ای بر رویش بیندازند و نزدش قرآن بخوانند و جنازه اش را زود بردارند.

### آداب تشییع جنازه

#### خبردار کردن مؤمنان

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است به مؤمنان خبر دهند تا در تشییع جنازه میّت حاضر شوند و بر او نماز بخوانند و برایش استغفار کنند، تا هم میّت ثواب ببرد و هم مؤمنان حاضر در آنجا».<sup>۳</sup>

### ثواب حضور در تشییع جنازه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مؤمنی را داخل

۱. ترجمه: «ای خدایی که طاعت) اندک را می پذیری و از (گناه) بسیار درمی گذری! طاعات اندک مرا بپذیر و از گناهان فراوان من درگذر که تو آمرزنده و مهربانی».

۲. امالی مفید، ص ۲۸۷، ح ۶

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۶۶، ح ۱

قبر می‌گذارند ندا می‌کنند: نخستین هدیه‌ای که به تو دادیم بهشت و نخستین هدیه‌ای که به تشییع‌کنندگان جنازه تو دادیم، آمرزش گناهان است».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نخستین تحفه‌ای که در قبر به مؤمن می‌دهند، آمرزش تمام کسانی است که همراه جنازه‌اش بوده‌اند».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس در تشییع جنازه‌ای حاضر شود، در برابر هر قدمی که برمی‌دارد صد هزار حسنه برایش می‌نویسند و صد هزار سیئه از او محو می‌کنند و صد هزار درجه به وی عطا می‌شود. و اگر بر جنازه‌اش نماز بخواند، خداوند پس از مرگش به صد هزار فرشته مأموریت می‌دهد که بر جنازه‌اش نماز بخوانند و تا هنگام دفن برایش استغفار کنند. و اگر تا هنگام دفن میّت بماند به همان صد هزار فرشته مأموریت داده می‌شود که تا هنگامی که در روز قیامت از قبرش بیرون آید برای او استغفار کنند».<sup>۳</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه‌ای را تا دفن آن همراهی کند، خداوند در قیامت هفتاد ملک را مأمور می‌کند که او را همراهی کنند و از قبر تا زمان حساب برایش استغفار کنند».<sup>۴</sup>

۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس یک طرف جنازه را بگیرد، بیست و پنج گناه کبیره‌اش آمرزیده می‌شود. و اگر چهار طرف جنازه را بگیرد، همه گناهانش بخشوده می‌شود».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹ ذیل ح ۴۶۰.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹ ذیل ح ۴۶۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۸۴، ح ۴۴.

۴. کافی، ج ۳، ص ۱۷۳، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۵۸.

۵. کافی، ج ۳، ص ۱۷۴، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۹، ح ۴۶۲.

### آداب شرکت جستن در تشییع جنازه

بهتر است که اول دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است به دوش راست خود بردارد، سپس پای راست میّت را به دوش راست بردارد، بعد پای چپ میّت را به دوش چپ بردارد و دست چپ میّت را به دوش چپ بردارد. و اگر خواست این کار را تکرار کند از جلوی جنازه به سوی نقطه آغاز نرود، بلکه از پشت جنازه به آن سمت برود.<sup>۱</sup>

و بهتر است در قسمت پشت جنازه یا در دو سمت آن حرکت کند و پیشاپیش آن حرکت نکند. ظاهر روایات این است که اگر جنازه مؤمن باشد پیشاپیش آن حرکت کردن خوب است، ولی در تشییع جنازه مخالفان این کار کراهت دارد، زیرا ملائکه عذاب از او استقبال می‌کنند.<sup>۲</sup> و نیز سواره تشییع کردن مکروه است.<sup>۳</sup>

### دعای هنگام دیدن جنازه

از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس جنازه‌ای ببیند و این دعا را بخواند **اللَّهُ أَكْبَرُ، هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَتَسْلِيْمًا. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَفَهَرَ الْعِبَادَ بِاَلْمَوْتِ**،<sup>۴</sup> تمام فرشتگان آسمان از روی ترحم با صدای بلند برایش گریه می‌کنند».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۶۸، باب السنّة في حمل الجنازة.

۲. همان، ص ۱۶۹، ح ۳.

۳. همان، ص ۱۷۰، ح ۱ و ۲.

۴. ترجمه: «خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. این است آنچه را که خدا و رسولش به ما وعده داده‌اند و خدا و رسولش راست می‌گویند. خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیفز. سپاس مخصوص خداوندی است که قادر و شکست‌ناپذیر است و بندگانش را با مرگ مقهور ساخت».

۵. کافی، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۳؛ تهذیب، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۱۴۷۱.

## آداب غسل دادن میت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگام غسل دادن جمله «رَبِّ عَفْوِكَ» را تکرار کند، خداوند او را می آمرزد».<sup>۱</sup>
۲. در فقه الرضا علیه السلام آمده است: هنگامی که دست بر شکم میت می کشد بگوید: **اللَّهُمَّ إِنِّي سَأَلْتُ حُبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ فِي بَطْنِهِ، فَاسْأَلُكَ بِهِ سَبِيلَ رَحْمَتِكَ.**<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را غسل دهد و هنگامی که او را از این پهلو به آن پهلو می کند این دعا را بخواند، خداوند گناهان یک سال او را می آمرزد؛ البته به جز گناهان کبیره. و آن دعا این است: **اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا، فَعَفُوكَ عَفُوكَ.**<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که: «حضرت موسی علیه السلام از پروردگار پرسید: ثواب کسی که میتی را غسل دهد چیست؟ وحی آمد که همانند روزی که از مادر متولد شده، او را از گناهان می شویم».<sup>۴</sup>
۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس میتی را غسل دهد و آنچه از عیب های میت بر وی آشکار شود برای کسی نقل نکند، گناهانش آمرزیده می شود».<sup>۵</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۳؛ الاختصاص، ص ۲۶.

۲. ترجمه: «بار خدایا، تقاضا می کنم محبت محمد و خاندان محمد را که درود تو بر آنان باد، در وجود او وارد کنی، و او را در راه رحمت خویش داخل کن». فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۶۶.

۳. ترجمه: «بار خدایا، این بدن بنده مؤمن تو است که روحش را خارج کرده و بین جسم و روحش جدایی افکنده ای. خدایا، عفو و بخشایش تو را برایش طلب می کنم». کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۲.

۴. کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۸۵، ح ۳۹۰.

۵. کافی، ج ۳، ص ۱۶۴، ح ۲.

### کفن کردن میت

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را کفن کند، گویی ضامن پوشش او تا روز قیامت شده است. و هر کس قبری برای مؤمنی حفر کند، گویی او را در خانه مناسبی تا روز قیامت جای داده است».<sup>۱</sup>

### نماز خواندن بر میت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس بر جنازه میتی نماز بخواند، هفتاد هزار ملک بر او نماز بگذارند و گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود. و اگر جنازه را تا هنگام دفن همراهی کند، در برابر هر قدمی که برمی‌دارد مقداری از ثواب به وی می‌دهند که هر مقدار مانند کوه احد است».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که بر جنازه‌ای نماز بخواند، بهشت بر او واجب می‌شود، مگر اینکه عاق پدر و مادر یا منافق باشد».<sup>۳</sup>

### آثار شهادت دادن برای میت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مؤمنی بمیرد و چهل تن از مؤمنان بر جنازه‌اش حاضر شوند و بگویند: **اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا**<sup>۴</sup> خداوند می‌فرماید: من شهادت شما را قبول کردم و گناهانی را که می‌دانم و شما نمی‌دانید آمرزیدم».<sup>۵</sup>

۲. نیز در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «اول چیزی که در

۱. کافی، ج ۳، ص ۶۵، ح ۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۲، ح ۴۱۹.

۲. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۲.

۳. امالی صدوق، ص ۱۹۵.

۴. ترجمه: «بار خدایا، ما جز خوبی چیزی از او سراغ نداریم و تو از حالات او آگاه‌تری».

۵. کافی، ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۱۴؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۴۷۲.

سرلوحه نامه عمل مؤمن پس از مرگش می نویسند، چیزی است که مردم در حق او می گویند؛ اگر نیک بگویند نیک می نویسند و اگر بد بگویند بد می نویسند.<sup>۱</sup>

### آداب دفن کردن میت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه میت را به قبر رساندی او را از جانب پایین پای قبر وارد کن و چون در قبر گذاری آیه الکرسی بخوان، سپس بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ اَفْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ اَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ. اللَّهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ وَ اِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاعْفِرْ لَهُ وَ اَرْحَمْهُ وَ تَجَاوَزْ عَنْهُ»<sup>۲</sup> و برایش بسیار استغفار کنید.<sup>۳</sup>

۲. در حدیث است که امام سجّاد علیه السلام هنگامی که میت را وارد قبر می کرد، این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَن جَنَبَيْهِ وَ صَاعِدْ عَمَلَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا»<sup>۴</sup>.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که میت را در قبر می گذارند باید نزدیک ترین مردم به میت بالای سرش باشد و نام خدا را ببرد و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و از شرّ شیطان به خدا پناه ببرد و سوره های حمد، ناس، فلق و توحید و آیه الکرسی را بخواند. و اگر بتواند، صورتش را برهنه کند و بر خاک بگذارد و در آن حال، شهادتین و اقرار به امامت ائمه علیهم السلام و سایر

۱. امالی صدوق، ج ۱، ص ۴۵.

۲. ترجمه: «به نام خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا (آغاز می کنم). بار خدایا، قبر او را وسیع گردان و او را به پیامبرش ملحق کن. بار خدایا، اگر نیکوکار است بر نیکوکاریش بیفز و اگر گناهکار است او را بیامرز و به او رحم کن و از وی درگذر».

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۹۴، ح ۱؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۹۱۵.

۴. ترجمه: «بار خدایا، قبر را بر او گشاده گردان و عملش را بالا بر و از او خشنود باش». بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۴۱.

اعتقادات حق را به او تلقین کند»<sup>۱</sup>.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که خاک بر قبر می‌ریزید بگوئید: ایماناً بِكَ وَ تَصَدِيقاً بِبِعْثِكَ، هذا ما وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسُوْلُهُ<sup>۲</sup> تا به عدد هر ذره آن خاک، حسنه‌ای در نامه اعمالت نوشته شود. و هنگامی که قبر پر شد و مردم بازگشتند، نزدیک‌ترین مردم به میت بالای سرش بنشینند و با صدای بلند او را تلقین کند که این تلقین باعث می‌شود منکر و نکیر (دو فرشته مأمور سؤال و جواب) از او سؤال نکنند. و مستحب مؤکد است که پس از دفن در کنار قبر او را تسلیت گویند و پیش از دفن هم مستحب است»<sup>۳</sup>.

### تسلی دادن صاحبان عزا

در روایتی معتبر می‌خوانیم که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس اندوهگینی را تسلیت گوید، در روز قیامت لباسی نو بر او بپوشانند و همانند ثواب صاحب عزا به وی داده می‌شود، بی آنکه چیزی از ثواب وی کسر شود»<sup>۴</sup>.

### زیارت اهل قبور

مردگان خبردار و شاد می‌شوند

۱. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «به زیارت اموات بروید که خبردار می‌شوند و از رفتن شما شاد و خوشحال شده و به شما انس می‌گیرند. هنگامی که به نزدیک قبرشان رفتید بگوئید: اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنِّ

۱. کافی، ج ۳، ص ۱۹۵، ح ۴؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۹۲۲.

۲. ترجمه: «(این کار را در حالی انجام می‌دهم که) ایمان به تو دارم و معتقدم که روزی همه مردگان را زنده می‌کنی و این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده‌اند».

۳. کافی، ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۲؛ تهذیب، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۹۲۶.

۴. کافی، ج ۳، ص ۲۲۷، ح ۲ و ۴.

جُوبِهِمْ وَ صَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحُهُمْ وَلَقِيَهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنُ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحَدَّتْهُمْ وَ تُؤْنَسُ بِهِ وَحَشَّتْهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>.

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام نزد قبر یکی از شیعیان ایستاد و این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ عُزْبَتَهُ وَ صَلِّ وَحَدَّتَهُ وَ آنَسْ وَحَشَّتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْكِنُ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ الْحَقُّهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ»<sup>۲</sup>.

۳. در روایات آمده است که مستحب است به هنگام زیارت قبور هر یک از سوره‌های حمد، ناس، فلق، توحید و آیه الکرسی سه مرتبه و سوره قدر هفت مرتبه خوانده شود.<sup>۳</sup>

### ثواب زیارت اهل قبور

۱. در احادیث معتبر آمده است که هر کس به زیارت قبر مؤمنی رود و رو به قبله دست بر قبرش بگذارد و هفت مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخواند، از ترس و وحشت عظیم روز قیامت در امان خواهد بود.<sup>۴</sup>
۲. و در روایتی دیگر آمده است که خداوند او و صاحب قبر هر دو را بیمارزد.<sup>۵</sup>

۱. ترجمه: «بار خدایا، قبر آنان را گشاده‌گردان و روحشان را به درگاه خود بالا ببر و رضوان و خشنودی خود را شامل حالشان کن و رحمت خود را مونس آنان ساز، تا تنهاییشان را جبران کنی و ترس آنها را به آرامش مبدل سازی؛ زیرا تو بر هر چیزی توانایی». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۵۴۰.

۲. ترجمه: «بار خدایا، بر غربتش رحم کن و تنهایی‌اش را از بین ببر و مونس وحشت او و امان از هراسش باش و رحمت خود را همنشین او گردان تا از رحمت غیر تو بی‌نیاز شود و او را به موالیانش ملحق گردان». کامل الزیارات، ص ۳۲۱، باب ۱۰۵، ح ۱۲.

۳. کامل الزیارات، ص ۳۲۲ ذیل حدیث ۱۲.

۴. رجال کشی، ص ۵۶۴، ح ۱۰۶۶.

۵. ثواب الأعمال، ص ۲۳۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۵۴۱.



۳. نیز در حدیثی می‌خوانیم که هر کس بر سر قبر مؤمنی هفت مرتبه سوره قدر را بخواند، خداوند متعال به فرشته‌ای مأموریت می‌دهد که در کنار قبر آن میت عبادت کند و ثواب عبادت او را برای آن میت بنویسد و هنگامی که از قبر محشور شود، به هر صحنه و حشتناکی از صحنه‌های قیامت برسد خداوند متعال با آن ملک، صحنه و حشتناک را از او دور می‌کند تا وارد بهشت شود.<sup>۱</sup>

۴. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس بر قبرستانی بگذرد و یازده مرتبه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ بخواند و ثوابش را به مردگان آن قبرستان هدیه کند، به تعداد مرده‌های آن گورستان اجر و ثواب می‌برد».<sup>۲</sup>

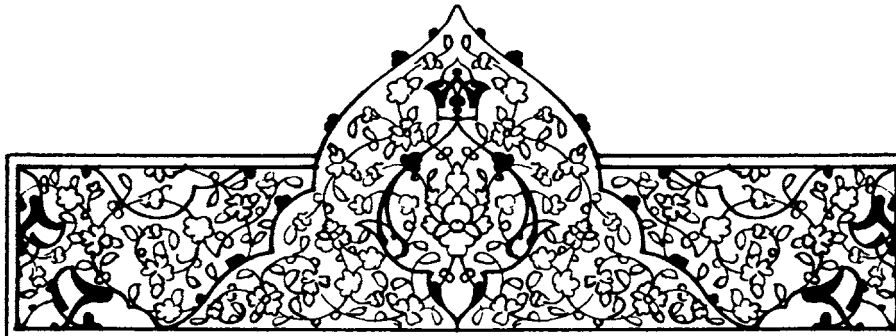
(توجه:) از آنجا که این کتاب مناسب ذکر احکام احتضار و غسل و کفن و نماز و دفن میت نبود، بخش کمی از آداب آن را ذکر کردیم، تا از این جهت خالی از فایده نباشد و تفصیل آن در بحارالأنوار آمده است.<sup>۳</sup>

۱. شبیه این روایت در کافی (ج ۳، ص ۲۲۹، ح ۹) آمده است.

۲. صحیفة الرضا علیه السلام، ص ۴۶، ح ۲۷.

۳. ر.ک: بحارالأنوار، ج ۸۲.





فصل یازدهم:

## آداب مجالس

۱. فضیلت سلام کردن و آداب آن
۲. فضیلت مصافحه و معانقه و روبوسی کردن
۳. آداب نشستن در مجالس
۴. آداب ملاقات میزبان با میهمان
۵. مجالس مناسب و همنشینان شایسته
۶. آداب عطسه زدن
۷. مزاح کردن، خندیدن، سخن در گوشه، رازداری، آداب سخن گفتن
۸. آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر
۹. فضیلت یاد خدا در مجالس
۱۰. رفتار حضرت رسول ﷺ و ائمه علیهم السلام در مجالس
۱۱. مشورت و آداب آن
۱۲. نامه نگاری



## ۱] فضیلت سلام کردن و آداب آن

### اهمیت سلام کردن

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ اصحابش را به هفت چیز امر کرد: تشییع جنازه، عیادت بیماران، دعا کردن برای کسی که عطسه کند، یاری کردن مظلوم، آشکارا سلام کردن، پذیرفتن دعوت دیگران، راستگویی در قسم.<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نشانه فروتنی آن است که با هر کس ملاقات کردی سلام کنی».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر کس قبل از سلام سخن بگوید، پاسخش را ندهید و کسی را بر سر سفره نخوانید پیش از آنکه سلام کند».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «عاجزترین مردم کسی است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیل‌ترین مردم کسی است که در سلام کردن بخل ورزد».<sup>۴</sup>

۱. خصال، ج ۲، ص ۹۳، ج ۲؛ بحارالأنوار، ج ۱۰۴، ص ۲۱۲، ج ۱ و ۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ج ۱۲.

۳. خصال، ج ۱، ص ۷۲، ج ۶۲؛ بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۳، ج ۶.

۴. امالی مفید، ص ۳۱۷؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۸۷.

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به گروهی از مؤمنان سلام کند، ملائکه در پاسخش می‌گویند: سَلَامٌ عَلَيْكَ وَرَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَبَدًا».<sup>۱</sup>

### حکم سلام کردن و پاسخ آن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سلام کردن مستحب و جواب آن واجب است».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی بر گروه دیگر می‌گذرد اگر یکی از آنها سلام کند کافی است، چنانکه اگر یک تن از گروه مقابل پاسخ دهد کافی است و بر دیگران لازم نیست پاسخ دهند».<sup>۳</sup>

### به چنین کسانی سلام نکنید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به سه کس نباید سلام کرد: کسی که همراه جنازه می‌رود، کسی که به نماز جمعه می‌رود، کسی که در حَمَام باشد».<sup>۴</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه داخل مسجد شدی که مردم مشغول نمازند بر آنها سلام نکن، بلکه بر حضرت رسول سلام کن و به نماز پرداز و اگر داخل مجلسی شدی که مردم با هم سخن می‌گویند بر آنها سلام کن».<sup>۵</sup>

۱. کشف الغمّه، ج ۲، ص ۷۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶، ح ۱۸.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۱.

۳. همان، ص ۶۴۵، ح ۱.

۴. همان، ح ۱۱.

۵. قرب الإسناد، ص ۹۳، ح ۳۰۴.

در روایات متعددی آمده است که بر عده‌ای از مرتکبان گناه کبیره که نام گناهانشان در آن احادیث برده شده، سلام نکنید.<sup>۱</sup>

بعید نیست بیشتر این روایات بدان معنی باشد که سلام کردن به این افراد فضیلت ندارد و به خاطر راضی بودن به گناه آنها به آنها سلام نکنید، زیرا احادیث فراوانی داریم که سلام کردن به همه کس خوب است.

۴. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله به زنان سلام می‌کرد و آنها پاسخ می‌گفتند. و حضرت علی علیه السلام به پیرزنان سلام می‌کرد و از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت و می‌فرمود: می‌ترسم از (صدای) آنان لذت ببرم و بیش از ثوابی که از سلام کردن می‌برم گناه کنم».<sup>۲</sup>

نکته: این مطلب و شبیه آن به منظور تعلیم به پیروانشان است و گرنه آن بزرگواران از گناه پاک و مبرّا هستند.

### آداب سلام کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که جواب سلام می‌دهد، بلند پاسخ بدهد تا سلام‌کننده نگوید سلام کردم و جوابم را ندادند».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با سه کس باید به صیغه جمع سخن گفت: در پاسخ کسی که عطسه می‌کند بگو: «يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ» هر چند شخص دیگری با او نباشد، به کسی که سلام می‌کند بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ»، برای کسی که دعا می‌کند بگو: «عَافَاكُمْ اللَّهُ» هر چند یک نفر باشد، زیرا ملائکه همراه این افراد هستند (علاوه بر اینکه) در نیت، مؤمنان غایب را می‌توان قصد کرد».<sup>۴</sup>

۱. خصال، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۸، باب التسليم على النساء، ح ۱؛ وج ۵، ص ۵۳۵، ح ۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۷.

۴. همان، ح ۱۰.

۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است کسی **حَيَّاكَ** الله» بگوید، مگر آنکه (سلام را هم به آن بیفزاید؛ مثل اینکه) **حَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ** بگوید.<sup>۱</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه کسی به تو **حَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ** گفت، در جواب بگو: **فَحَيَّاكَ اللهُ بِالسَّلَامِ وَ أَحَلَّكَ دَارَ الْمُقَامِ**».<sup>۲</sup>
۵. نیز در روایتی فرمود: «هر کس وارد خانه‌اش می‌شود بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد بگوید: **السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا**».<sup>۳</sup>
۶. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که وارد خانه خود می‌شود سلام کند که باعث برکت می‌شود و ملائکه به آن خانه انس می‌گیرند».<sup>۴</sup>
۷. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگام ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه کنید و چون جدا می‌شوید برای یکدیگر طلب آمرزش کنید».<sup>۵</sup>
۸. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که کسی از مجلسی برمی‌خیزد اهل مجلس را با سلام دادن وداع کند که در این صورت اگر بعد از او سخن نیکویی بگویند در ثواب آنها شریک خواهد بود و اگر حرف بدی بزنند بر او گناهی نوشته نخواهد شد».<sup>۶</sup>
۹. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که زنی بر جماعتی

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۵.

۲. ترجمه: «خداوند تو را با سلامتی زنده بدارد». جواب: «خداوند تو را نیز با سلامتی زنده بدارد و در بهشت

جای دهد». خصال، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۳۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۴، ح ۱۰.

۴. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۳، ح ۲۳.

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۱۱.

۶. قرب الإسناد، ص ۵۴، ح ۱۴۲.



وارد شود «عَلَيْكُمْ السَّلَام» و اگر مردی بر جماعتی وارد شود «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» بگوید.<sup>۱</sup>

۱۰. در حدیثی دیگر فرمود: «کوچک‌تر به بزر تر، رهگذر به نشسته و جمعیت کمتر بر جماعت بیشتر سلام کنند».<sup>۲</sup>
۱۱. نیز در روایتی فرمود: «سواره بر پیاده، استر سوار بر الاغ سوار، اسب سوار بر استر سوار و ایستاده بر نشسته سلام کند».<sup>۳</sup>

### سلام رخصت

(مقدمه:) از جمله اقسام سلام، سلام رخصت است و آن در جایی است که بخواهد وارد خانه کسی شود که در بیرون خانه سه مرتبه سلام می‌کند. اگر از داخل خانه جواب دادند وارد می‌شود، وگرنه سلام‌کننده بازمی‌گردد و پاسخ این سلام واجب نیست.<sup>۴</sup>

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «رخصت طلبیدن سه مرتبه است: در مرتبه اول می‌شنوند و در مرتبه دوم حذر می‌کنند و در مرتبه سوم اگر خواستند رخصت می‌دهند وگرنه ساکت می‌مانند تا او بازگردد و خداوند متعال فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید (استیناس کنید) و بر اهل آن خانه سلام کنید».<sup>۵</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «استیناس، کفش بر زمین زدن و سلام کردن است، تا صاحب خانه خبردار شود».<sup>۶</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۰۱، ح ۱۴۳۹.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

۴. مشکاة الأنوار، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

۵. سوره نور، آیه ۲۷.

۶. معانی الأخبار، ص ۱۶۳.

## پاداش سلام کردن

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «در بهشت چند غرفه هست که درونش از بیرون و بیرونش از درون نمایان است. کسانی از امت من در آن سکونت خواهند داشت که به زبان نیک با مردم سخن گویند و به مردم غذا بخورانند و آشکارا سلام کنند و هنگامی که مردم در خوابند آنها نماز شب بخوانند». و فرمود: «منظور از آشکارا سلام کردن آن است که در سلام کردن به کسی از مسلمانان بخل نوزند».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس بر ده تن از مسلمانان بگذرد و به آنان سلام کند، ثواب آزاد کردن یک برده در نامه عملش نوشته می‌شود».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «ثواب کسی که "السَّلَامُ عَلَیْكُمْ" بگوید، ده حسنه است و اگر "سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةٌ اللهُ وَ بَرَکَاتُهُ" بگوید، سی حسنه ثواب می‌برد».<sup>۳</sup>

## ۲ فضیلت مصافحه<sup>۴</sup> و معانقه و روبوسی کردن

## اهمیت مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصافحه کردن با مؤمن بهتر از مصافحه کردن با ملائکه و فرشتگان است».<sup>۵</sup>
۲. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کمال

۱. معانی الأخبار، ص ۲۵۱.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۹.

۴. «مصافحه»، به معنای دست یکدیگر را گرفتن، در هنگام دیدار دوستان سنت است و باید با هر دو دست باشد (لغت نامه دهخدا).

۵. کافی، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۲۱.

تَحِيَّت و سلام کسی که در حضر باشد مصافحه کردن (و دست دادن) و کمال تَحِيَّت و سلام کسی که از سفر آمده باشد، دست در گردن یکدیگر انداختن است.<sup>۱</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «حدّ مصافحه آن است که چنانچه دور درخت خرما بگردند (و بار دیگر یکدیگر را ملاقات کنند)، پس از آن مصافحه کنند».<sup>۲</sup>

۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه دو مؤمن از یکدیگر پنهان شوند، هر چند به سبب درختی باشد که در میان آنها فاصله انداخته باشد، هنگامی که همدیگر را می بینند مصافحه کنند».<sup>۳</sup>

#### آداب مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله هرگز با کسی مصافحه نکرد، مگر اینکه طرف مقابل دستش را می کشید و آن حضرت شروع به این کار نمی کرد».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «هر کس دستش را دیرتر بردارد، ثوابش بیشتر است».<sup>۵</sup>

#### آثار دنیوی مصافحه کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با یکدیگر مصافحه کنید که کینه‌ها را از سینه‌ها می برد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۱۴.

۲. همان، ص ۱۸۱، ح ۸.

۳. همان، ح ۹.

۴. همان، ح ۱۵.

۵. همان، ح ۱۳.

۶. همان، ص ۱۸۳، ح ۱۸.

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با دشمن خود نیز مصافحه کنید هر چند او نخواهد، زیرا خداوند چنین دستور داده است و این کار باعث جلوگیری از دشمنی او می شود».<sup>۱</sup>

#### پاداش آخروی مصافحه کردن

۱. در روایتی معتبر آمده است که ابو عبیده گوید: همسفر امام باقر علیه السلام بودم. نخست من سوار شدم بعد آن حضرت سوار شد. هنگامی که هر دو در کجاوه نشستیم حضرت با من سلام و احوالپرسی کرد، همانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده‌اند، سپس با من مصافحه کرد. هنگام پیاده شدن، نخست حضرت پیاده شد بعد من. ایشان سلام کرد و احوال مرا پرسید، مانند دو تن که مدتی همدیگر را ندیده‌اند. عرض کردم: ای پسر رسول خدا، این چه کاری است که انجام می‌دهید؟ در محل ما چنین نمی‌کنند. حضرت فرمود: «مگر نمی‌دانی مصافحه کردن چقدر ثواب دارد؟ هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات و مصافحه کنند، گناهان آنها می‌ریزد همان‌گونه که بر درخت ریزش می‌کند و خداوند متعال تا زمانی که از یکدیگر جدا نشده‌اند با نظر رحمت به آنها می‌نگرد».<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که ابو حمزه گوید: در سفر با امام باقر علیه السلام هم کجاوه بودم. هنگامی که از کجاوه پایین آمد و بارها را به زیر آوردیم، حضرت اندکی راه رفت، سپس دست مرا گرفت و به سختی فشرد. عرض کردم: من اکنون در کجاوه با شما بودم. فرمود: «مگر نمی‌دانی که هرگاه مؤمن اندکی حرکت کند، سپس دست برادر مؤمنش را بگیرد (و با وی مصافحه کند) خداوند به آنها نظر لطف کرده و رحمتش را به سوی آنها روانه می‌گرداند و به گناهانشان دستور

۱. خصال، ج ۲، ص ۴۲۸؛ بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۱.

می دهد که از آنان فرو ریزد، به گونه ای که وقتی از هم جدا می شوند هیچ گناهی برایشان باقی نمی ماند.<sup>۱</sup>

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که با برادران مؤمن ملاقات می کنید با آنها مصافحه کرده و خوشحالی و سرور خود را برای آنها ابراز کنید. در این صورت، وقتی که از همدیگر جدا شوید هیچ گناهی برای شما نمی ماند.»<sup>۲</sup>

۴. در روایتی دیگر فرمود: «ثواب شما در مصافحه کردن، همانند ثواب جهاد در راه خداست.»<sup>۳</sup>

#### معانقه (به هنگام ملاقات دست در گردن یکدیگر کردن)

۱. در حدیث است که اسحاق بن عمّار صیرفی می گوید در کوفه ساکن بودم و شیعیان بسیاری نزد من می آمدند. از شهرت و عواقب آن ترسیدم. به خادم دستور دادم که هر کس به سراغ من آمد بگو اینجا نیست. همان سال به حج مشرف شدم. هنگامی که خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم آن حضرت را ناخشنود یافتم. عرض کردم: فدایت شوم چه چیز باعث ناراحتی شما شده است؟ فرمود: «آنچه که باعث تغییر رفتار تو (با مؤمنین) شده است». عرض کردم: فدایت شوم از شهرت و عواقب آن ترسیدم؛ خدا می داند که چقدر مؤمنین را دوست می دارم. حضرت فرمود: «ای اسحاق، از رفت و آمد مؤمنان ناراحت نباش، زیرا هنگامی که مؤمنی با مؤمن دیگر برخورد کند و به او مرحبا بگوید، خداوند تا روز قیامت برایش مرحبا می نویسد و چون با او مصافحه کند، خداوند متعال میان دو انگشت

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۷.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۲۷؛ بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۱۸.

ابهام آنها صد رحمت می فرستد که نود و نه تای آن از آن کسی است که دیگری را بیشتر دوست می دارد. سپس رحمت الهی به سوی آنها روی می آورد و هر کس دیگری را بیشتر دوست داشته باشد سهم بیشتری از رحمت الهی نصیبش می شود. و هنگامی که دست در گردن یکدیگر اندازند، غرق رحمت الهی می شوند. و چنانچه برای جلب رضایت خدا با یکدیگر باشند و غرض دنیوی نداشته باشند، به آنها خطاب می رسد که شما را آمرزیدم، اعمالتان را از نو شروع کنید. و چون احوال یکدیگر را بپرسند و با هم سخن گویند، ملائکه به هم می گویند: دور شوید، می خواهند از حال یکدیگر جويا شوند که خداوند بر ملائکه پوشانیده است. اسحاق می گوید: از حضرت پرسیدم بنابراین، سخنانی که با هم می گویند ملائکه نمی نویسند؟ حضرت آه بلندی کشید و گریست. چندان گریه کرد که آب دیدگان مبارکش بر روی محاسنش روان شد و فرمود: «ای اسحاق، خداوند به ملائکه دستور داده است هرگاه دو مؤمن یکدیگر را ملاقات کنند به احترامشان از آنها دور شوند. و اگرچه ملائکه نمی نویسند اما خداوندی که از احوال آنها خبر دارد و از پنهان و آشکار و حتی آنچه در سینه ها و ذهن آنها خطور می کند باخبر است و می داند که آنان چه می گویند. ای اسحاق، از خداوند بترس چنان که گویی او را می بینی، اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. و اگر گمان کنی که او تو را نمی بیند کافر شده ای و اگر می دانی که او تو را می بیند و گناهان را از مردم پنهان و نزد او آشکار می کنی، او را از همه کس بی ارزش تر شمرده ای».<sup>۱</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی که به قصد دیدار برادر مؤمنش از خانه خارج شود و حق او را بشناسد، خداوند متعال در مقابل هر گامی، حسنه ای در نامه اعمالش نوشته و گناهی از گناهانش را محو کرده

۱. ثواب الأعمال، ص ۱۷۶.

و درجه‌ای بر درجاتش می‌افزاید. و هنگامی که به در خانه او برسد و در خانه‌اش را بکوبد، درهای آسمان برای او گشوده می‌شود. و زمانی که با یکدیگر ملاقات و مصافحه کرده و دست در گردن یکدیگر کنند، خداوند متعال رحمتش را به سوی آنها روانه می‌کند و به سبب آنها بر ملائکه مباحثات می‌کند و به آنها می‌فرماید: «به این دو بنده من که به دیدار یکدیگر شتافته و برای رضای من با یکدیگر دوستی برقرار کرده‌اند، نگاه کنید. بر من لازم است پس از این، آنها را عذاب نکنم». و هنگامی که از ملاقات دوست مؤمنش بازگردد، به تعداد نفس‌ها و گام‌ها و سخنانش، فرشتگانی مأمور محافظت از وی می‌شوند تا او را از بلاهای دنیا و آخرت تا روز بعد در همین ساعت حفظ کنند. و اگر در این میان بمیرد از حساب قیامت نجات پیدا می‌کند. و چنانچه مؤمنی که به ملاقات او رفته نیز حق او را بشناسد و حرمت او را نگاه دارد، همین ثواب را خواهد داشت.<sup>۱</sup>

### روبوسی کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شما شیعیان نوری در پیشانی دارید که به سبب آن، شما را در دنیا می‌شناسند. هنگامی که با یکدیگر ملاقات کنید محل آن نور از پیشانی یکدیگر را ببوسید».<sup>۲</sup>
۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خویشان خود را به سبب خویشاوندی ببوسد اشکالی ندارد. و نسبت به برادر مؤمن، دو طرف صورت آنها را ببوسد. و در مورد امام، میان دو چشمش را ببوسد».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: «بوسیدن دهان شایسته نیست، مگر

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۱.

۲. همان، ص ۱۸۵، ح ۱.

۳. همان، ح ۵.

نسبت به همسر و فرزندان»<sup>۱</sup>.

۴. در روایتی دیگر فرمود: «بوسیدن دست کسی شایسته نیست، مگر پیامبر یا وصی پیامبر»<sup>۲</sup>.

۵. نیز در حدیثی فرمود: «سر و دست کسی را نباید بوسید، مگر سر و دست رسول خدا ﷺ یا کسی که منظور از بوسیدن سر و دستش، حضرت رسول ﷺ باشد»<sup>۳</sup>.

نکته: احتمال دارد که ذیل روایت مخصوص ائمه معصومین علیهم السلام باشد، ولی احتمال قوی تر آن است که شامل سادات و علما هم بشود، زیرا این دو گروه را از آن رو تعظیم می کنند که فرزندان آن حضرت یا حافظ علوم و مروّج دین او هستند.

### ۳ آداب نشستن در مجالس

#### رفتن به مجلسی بدون دعوت

در حدیثی می خوانیم که: «حضرت رسول ﷺ خطاب به علی رضی الله عنه فرمود: هشت گروه اگر خوار شوند، جز خود نباید کسی را سرزنش کنند: کسی که بر سر سفره ای حاضر شود که دعوت نشده است. میهمانی که به صاحب خانه زور بگوید. کسی که از دشمنانش طلب خیر کند. هر که از لئیم و بخیل طلب خیر کند. کسی که خود را وارد رازی کند که میان دو تن پنهان است؛ بدون رضایت آنها. هر که به حاکمی توهین کند.

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۶، ح ۶.

۲. همان، ص ۱۸۵، ح ۳.

۳. همان، ح ۲.



کسی که در مکانی از مجلس بنشیند که سزاوار او نباشد.  
هر که با کسی سخن گوید که به سخن او گوش نمی‌کند»<sup>۱</sup>.

### آداب ورود به مجلس و نشستن

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست»<sup>۲</sup>.
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد مجلس می‌شد، هر جا که به درگاه نزدیک تر بود می‌نشست»<sup>۳</sup>.
۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام در منزل خود نزدیک درگاه رو به قبله می‌نشست»<sup>۴</sup>.
۴. در حدیثی معتبر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی به خانه دیگری برود، هر جا که صاحب خانه تعیین می‌کند بنشیند، زیرا صاحب خانه نیک و بد خانه‌اش را بهتر می‌شناسد»<sup>۵</sup>.
۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «از نشانه‌های فروتنی آن است که انسان راضی شود به نشستن در جایی که پایین تر از جایگاه شایسته اوست و به هر کس برسد سلام کند و مجادله را ترک گوید - هر چند حق با او باشد - و دوست نداشته باشد او را به پرهیزگاری ستایش کنند»<sup>۶</sup>.
۶. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس راضی

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۱، ح ۱۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۲۶.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۹.

۵. قرب الإسناد، ص ۷۳، ح ۲۱۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۵، ح ۵.

۶. الجعفریات، ص ۱۴۹.

شود به نشستن در جایی که مناسب شرف او بالاتر از آن باشد، خدا و ملائکه پیوسته بر او درود می فرستند تا برخیزد»<sup>۱</sup>.

۷. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هرگاه انسان وارد مجلسی شود که مردم در جای خود نشسته اند، اگر کسی از جای خود برخاست و به او تعارف کرد که در جایش بنشیند اجابت کند که آن کرامتی است که به او شده است. و اگر کسی برای او جا باز نکرد، هر جا که وسیع تر است بنشیند»<sup>۲</sup>.

۸. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار نیست مؤمن بنشیند مگر پایین تر از گروهی که نشسته اند، زیرا ایجاد مزاحمت برای مردم نشانه سبکی عقل است»<sup>۳</sup>.

۹. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مبادا بر سر راه بنشینید»<sup>۴</sup>.

### جایگاه صدر مجلس

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که این سه خصلت یا یکی از آنها در او نباشد و در صدر مجلس بنشیند، نادان است: هر چه پرسند بتواند پاسخ دهد، هنگامی که دیگران در اظهار نظر ناتوان شوند او قادر بر بیان حق باشد، بتواند هر کس را به آنچه صلاح اوست راهنمایی کند»<sup>۵</sup>.

### آداب و روش های نشستن

۱. در روایت است که: «حضرت رسول ﷺ به سه روش می نشست: گاه

۱. تحف العقول، ص ۴۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۶، ح ۱۲.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۴، ح ۳.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۴، ح ۲.

۴. امالی طوسی، ج ۱، ص ۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶۵، ح ۶.

۵. تحف العقول، ص ۳۸۹؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹.

زانوها را از زمین برداشته، دست‌ها را بر پایین زانوان گذاشته و مچ یک دست را با دست دیگر می‌گرفت، گاه دو زانو می‌نشست، گاه یک پا را بر پای دیگر می‌نهاد و هرگز چهار زانو نمی‌نشست.<sup>۱</sup>

۲. در حدیث است که ابو حمزه می‌گوید: امام زین العابدین علیه السلام در حالی که یک پا را بر بالای ران دیگر گذاشته بود فرمود: «مردم این‌گونه نشستن را خوب نمی‌دانند و می‌گویند: این نشستن پروردگار است». حضرت فرمود: «من برای ناچاری چنین نشسته‌ام و خداوند ناچار نیست، همان‌گونه که کسالت و خواب بر او عارض نمی‌شود، زیرا جسم نیست و نشستن در مورد خدا تصور نمی‌شود».<sup>۲</sup>

۳. در روایتی دیگر می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام پای راست را بر روی ران پای چپ گذاشته بود.<sup>۳</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی را که در جای تنگ چهار زانو بنشیند انسان نشمار».<sup>۴</sup>

۵. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان جماعتی می‌نشیند، نباید لباسش را از ران خود دور کند».<sup>۵</sup>

۶. در چندین حدیث آمده است که: «احتبا دیوار عرب‌هاست».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۴.

۲. همان، ح ۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۶۱، ح ۵؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۴۷، ح ۷۲.

۴. محاسن، ص ۱۱، ح ۳۵.

۵. خصال، ج ۲، ص ۴۲۳؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۸.

۶. منظور این است که عرب در مواردی که کنار دیوار نمی‌نشینند و نمی‌توانند برای تکیه زدن از دیوار استفاده کنند، به روش خاصی می‌نشینند که او را از تکیه زدن بر دیوار بی‌نیاز می‌کند و آن روش را احتبا می‌گویند. بدین صورت که ساق دو پا را به شکم نزدیک می‌کند و پیراهن را روی بدن و ساق پاها می‌کشد و می‌نشیند. و بدین ترتیب از تکیه زدن به دیوار بی‌نیاز می‌شود (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، پاورقی).

۷. کافی، ج ۲، ص ۶۶۲، ح ۲ و ۳.

۷. در حدیثی موثق می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: احتیاج چه حکمی دارد؟ فرمود: «اگر عورت نمایان نشود اشکالی ندارد».<sup>۱</sup>
۸. در روایتی دیگر فرمود: «جایز نیست مرد در برابر کعبه احتیاج کند».<sup>۲</sup>
۹. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «سزاوار است بین کسانی که در تابستان در مکانی نشسته‌اند به مقدار یک وجب فاصله باشد، تا از گرما اذیت نشوند».<sup>۳</sup>

#### ۴ آداب ملاقات میزبان با میهمان

##### اهمیت میهمان‌داری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش میهمانش شود و او را گرامی بدارد، گویی خداوند را گرامی داشته است».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر گونه ملاحظت و مهربانی که انسان با برادر مؤمنش کند، خداوند آن را از خدمه بهشت کرامت فرماید».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به سبب سخنی که از روی لطف به برادر مؤمنش می‌گوید به او اکرام کند و غمی از وی برطرف کند، تا زمانی که مشغول این اکرام است پیوسته در سایه رحمت الهی باشد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۴.

۲. همان، ح ۵.

۳. همان، ص ۶۶۲، ح ۸.

۴. همان، ص ۲۰۶، ح ۳.

۵. همان، ح ۴.

۶. همان، ح ۵.

## وظایف میزبان

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «حق میهمان آن است که میزبان به هنگام ورود و خروج، مقداری او را همراهی (و بدرقه و استقبال) کند».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که میهمان داخل خانه شود حاکم بر صاحب خانه است تا زمانی که بیرون رود. (بنابراین) آنچه می گوید صاحب خانه باید بپذیرد».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «برخاستن برای تعظیم مکروه است، مگر برای کسی که برای دین - مانند علم و صلاح و نیکی (و ایمان و تقوا) - او را تعظیم کنند».<sup>۳</sup>
۴. از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اکرام نکن کسی را به چیزی که بر او دشوار باشد».<sup>۴</sup>

## گرامیداشت بزرگسالان

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه گروهند که - جز منافق - کسی جاهل به حق آنها نیست: کسی که در اسلام ریشش سفید شده باشد (بزرگسالان)، کسی که حامل لفظ یا معنای قرآن بوده باشد، امام عادل».<sup>۵</sup>
۲. در حدیثی فرمود: «تعظیم پیران، تعظیم خداوند است».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، باب حق الدخل، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. محاسن، ص ۲۳۳، ح ۱۸۶.

۴. تحف العقول، ص ۴۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۱، ح ۶.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۵۸، ح ۴.

۶. همان، ح ۶.

## ردّ احسان ممنوع

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که دو تن به خانه حضرت علی علیه السلام رفتند. حضرت برای هر کدام از آنها بالشی نهاد. یکی بر روی آن نشست و دیگری خودداری کرد. حضرت فرمود: «بر روی آن بنشین که کرامت را جز درازگوشان رد نمی‌کند». سپس به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی که نزد قوم خود گرامی است مهمان شما شود او را گرامی بدارید».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که را اکرام کنند و مقدمش را گرامی دارند، نباید اکرام را رد کند که کرامت را رد نمی‌کند مگر درازگوش».<sup>۲</sup>
۳. در چندین حدیث آمده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: اینکه کرامت را نباید رد کرد منظور چه اموری است؟ فرمود: در مجلسی جایی برایش بگشایند، یا عطر خوشی برایش بیاورند، یا بالشی برایش بگذارند و مانند این موارد از کرامت‌ها».<sup>۳</sup>

## پاداش پذیرایی از مؤمن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس به گروهی از مسلمانان خدمت کند، خداوند متعال به تعداد آنان به او خدمتکار بهشتی کرامت می‌فرماید».<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که تحفه‌ای برای مؤمنی بیاورد، مثل بالش یا مَتَّکَا، یا غذا، یا لباس، یا سلامی به او کند، بهشت آماده

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۹، ح ۱.

۲. قرب الإسناد، ص ۹۱، ح ۲۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۱.

۳. معانی الأخبار، ص ۱۶۳.

۴. کافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۴.

می شود که پاداشش دهد. خداوند متعال وحی کند که من طعام بهشت را بر اهل دنیا حرام کرده‌ام، مگر نسبت به پیامبر یا وصی پیامبر. اما هنگامی که روز قیامت فرا رسد خداوند به بهشت خطاب می‌کند: «امروز پاداش تحفه‌های آنها را بده!» سپس غلامان و کنیزانی با طبق‌هایی که دستمال‌هایی از مروارید بر روی آن کشیده شده از بهشت بیرون آمده، نزد آنان می‌روند. اما هنگامی که آنها به جهنم و عذاب‌های آن و بهشت و آنچه در آن است نگاه می‌کنند (از شدت وحشت) هوش از سرشان می‌رود و چیزی از آن غذاها نمی‌خورند. پس منادی آنها را از زیر عرش ندا کند که خداوند جهنم را بر کسی که از طعام‌های بهشتی بخورد حرام کرده است. در این هنگام دست دراز می‌کنند و از غذاهای بهشتی می‌خورند.<sup>۱</sup>

## ۵ | مجالس مناسب و همنشینان شایسته

### همنشینی

#### اهمیت همنشین

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «انسان بر دین دوست و همنشین خود است».<sup>۲</sup>
۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت عیسی علیه السلام فرمود: «اخلاق همنشین بد به انسان سرایت کرده و او را هلاک می‌کند. پس مراقب باش که با چه کسی همنشین می‌شوی».<sup>۳</sup>
۳. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ فرمود: «نگاه کنید با چه کسی سخن می‌گویید و مصاحبت می‌کنید که همنشینان هر کس را به هنگام مرگ به او نشان می‌دهند، اگر انسان‌های صالح و خوبی باشند از همنشینی آنها شاد می‌شود

۱. کافی، ج ۲، ص ۲۰۷، ح ۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۳؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۴.

و اگر بد باشند غمگین می‌گردد».<sup>۱</sup>

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «دوستی نیکان با نیکان، ثوابی است برای نیکان. و علاقه انسان‌های بد به نیکان، فضیلتی برای نیکان است. و دشمنی بدان با نیکان، زینتی برای نیکان محسوب می‌شود. و دشمنی نیکان با بدان، موجب خفت و خواری بدان است».<sup>۲</sup>

#### همنشینان خوب

هر که عیب تو را گوید

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از کسی که تو را (با نصایح لازم) می‌گریاند پیروی کن که خیرخواه تو است و از کسی که تو را (با تملق و چاپلوسی) می‌خندانند و درصدد فریب دادن تو است دوری کن».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بهترین برادران دینی نزد من کسی است که عیوب مرا به من هدیه کند».<sup>۴</sup>

#### همنشینی با کسانی که تو را به یاد خدا آورند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با افراد کهنه کار و پرتجربه مصاحبت و مجالست کن و از همنشینی با افراد تازه کار بپرهیز که برای آنها عهد و امانت و وفایی نیست. و از همه کس حذر کن، هر چند به آنها اعتماد بسیار داشته باشی».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۳.

۲. همان، ص ۶۴۰، ح ۶.

۳. محاسن، ص ۶۰۳، ح ۳۲؛ کافی، ج ۲، ص ۶۳۸، ح ۲.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۳۹، ح ۵.

۵. همان، ص ۶۳۸، ح ۴.



۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «حواریون به حضرت عیسی علیه السلام گفتند: با چه کسی همنشینی کنیم؟ فرمود: با کسی که دیدنش خدا را به یاد شما آورد و سخن گفتنش بر علم شما بیفزاید و کردارش شما را به آخرت سوق دهد».<sup>۱</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در مجالسی شرکت کن که در آن مجالس یاد خدا شود».<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی آمده است که حضرت لقمان به پسرش گفت: «فرزندم، با دیده بصیرت به مجالس نگاه کن. اگر جماعتی در آن مجلس بودند که یاد خدا می کنند با آنها مصاحبت کن، زیرا اگر تو عالم باشی از همنشینی آنها بهره علمی خواهی برد و بر علم تو افزوده خواهد شد. و اگر جاهل باشی به تو علم می آموزند. و شاید خداوند رحمتی بر آنان فرستد و تو را هم فرا گیرد».<sup>۳</sup>

#### همنشینی با اهل دین و معرفت

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جلسه همنشینی با کسی که به او اعتماد داشته باشم، از یک سال عبادت برای من بهتر است».<sup>۴</sup>
۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «همنشینی با مردم دیندار، شرف دنیا و آخرت است».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی است که امام زین العابدین علیه السلام به فرزندانش می فرمود: «با اهل دین و معرفت همنشینی کنید و اگر چنین همنشینانی نیابید، تنهایی مونس

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۳؛ اعلام الدین، ص ۲۷۲.

۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۷.

۳. کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹۴، ح ۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۵.

۵. همان، ح ۴.

مناسب تر و سالم تری است و اگر ناچار باشید از همنشینی با مردم، با انسان‌های بامروّت نشست و برخاست کنید که آنان در مجالس خود بدگویی نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

### همنشینان بد

#### اصحاب بدعت، احمقان و جاهلان

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با اهل بدعت همنشینی نکنید که در نزد مردم همانند آنها خواهید بود».<sup>۲</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مبادا با احمق همنشین شوی، زیرا هنگامی که از او راضی تری، خطر رنجانیدن و ضررش بیشتر است».<sup>۳</sup>
۳. از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مصاحبت با عالم در زمین آلوده، از همنشینی با جاهل بر روی فرش‌های نیکو بهتر است».<sup>۴</sup>
۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «حکیم‌ترین مردم کسی است که از همنشینی با جاهلان پرهیزد».<sup>۵</sup>

#### زینت‌دهنده گناه و انسان‌های بد

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بدترین همنشینان تو کسی است که معصیت خدا را در نظر تو زینت دهد».<sup>۶</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «همنشینی با بدان، موجب گمان بد بردن در حق نیکان است».<sup>۷</sup>

۱. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۶، ح ۲۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۱۰.

۳. همان، ح ۱۱.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۹، ح ۲.

۵. معانی الأخبار، ص ۱۹۶؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

۶. معانی الأخبار، ص ۱۹۸؛ امالی طوسی، ج ۲، ص ۵۰.

۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۳، ضمن حدیث ۲۰۴.

### توانگران خدانشناس

۱. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «مراقب باش با کسی که منفعت دینی برای تو ندارد همنشینی نکن و در سخن گفتن با وی رغبت نکن.»<sup>۱</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با توانگران همنشینی نکن، زیرا انسان پیش از مجالست با آنان تصوّر می‌کند که خداوند نعمت فراوانی به او داده، اما قبل از برخاستن گمان می‌کند که خدا هیچ نعمتی به او نداده است.»<sup>۲</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «چهار چیز دل را می‌میراند: گناه بعد از گناه، بسیار سخن گفتن با زنان، مجادله کردن با احمق به گونه‌ای که تو گویی و او گوید و به حق بازنگردد، همنشینی با مردگان. پرسیدند: ای رسول خدا، مردگان کیانند؟ فرمود: هر توانگری که خدا را فراموش کند.»<sup>۳</sup>

### فاجر و پست

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای مسلمان سزاوار نیست که با فاجر و احمق و دروغگو برادری کند.»<sup>۴</sup>
۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «همنشینی با سه کس دل را می‌میراند: نشستن با مردم پست، سخن گفتن (زیاد) با زنان، نشستن با توانگران.»<sup>۵</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۵۸، ح ۱۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۱، ح ۵.

۲. امالی صدوق، ص ۲۵۳، ح ۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۵۸؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۲۸، ح ۱۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۳۷۵، ح ۵.

۵. همان، ص ۶۴۱، ح ۸.

دروغگو، فاسق، بخیل، قاطع رحم، متهم

۱. از زین العابدین امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با پنج گروه مصاحبت نکن و هم کلام نشو: دروغگو که با دروغ‌هایش همچون سراب دور را برای تو نزدیک و نزدیک را در نظر تو دور می‌کند.

فاسق که تو را به طعامی و حتی کمتر از آن می‌فروشد.  
بخیل که به هنگام نیاز و اوج احتیاج، کمک مالی به تو نمی‌کند.  
احمق که اگر بخواهد سودی به تو برساند ضرر می‌زند.

قاطع رحم که خداوند متعال در سه جای قرآن او را نفرین کرده است: ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ. ۱ وَ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ. ۲ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾. ۳

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «سزاوارترین مردم به متهم شدن، کسی است که با اهل تهمت همنشین باشد». ۴

۱. ترجمه: «اگر (از این دستورها) رویگردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! آنها کسانی‌اند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوش‌هایشان را کور و چشمانشان را کور کرده است». سوره محمد، آیات ۲۲ و ۲۳.

۲. ترجمه: «آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخرت». سوره رعد، آیه ۲۵.

۳. ترجمه: (فاسقان) کسانی (هستند) که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می‌کنند؛ اینها زیانکارانند». (سوره بقره، آیه ۲۷) کافی، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۴. معانی الأخبار، ص ۱۹۶؛ امالی صدوق، ص ۲۱.

بی‌وفا، ناسپاس، رازدار، قدرشناس علم

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز ضایع می‌شود: محبت به انسان بی‌وفا، نیکی به انسان ناسپاس، آموزش دادن علم به کسی که گوش فرا ندهد، سپردن راز به کسی که رازدار نیست».<sup>۱</sup>

#### همنشینان پدر

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است انسان دوستان پدر را نگاه دارد که نیکی به آنها همانند نیکی به پدر است».<sup>۲</sup>

#### حدّ همنشینی و حقّ آن

۱. در حدیث است که حضرت لقمان به پسرش گفت: با آشنایان زود نزدیک (و خودمانی) نشو که منتهی به جدایی می‌گردد و از آنها نیز دوری نکن که خوار می‌شوی. به کسانی نیکی کن که خواهان نیکی باشند. و همان‌گونه که میان گر و میش دوستی تصوّر نمی‌شود میان نیک‌کردار و بدکردار دوستی نیست. هر کس نزدیک غیر رود حتماً با او مرتبط می‌شود، همان‌گونه که هر کس با شخص بدکردار مصاحبت کند بدی‌های او را فرا می‌گیرد. و هر کس با مردم مجادله و پرخاش کند، دشنام می‌شنود. و هر کس داخل مجالس بد شود به او تهمت می‌زنند. و هر کس با همنشین بد بنشیند از بدی سالم نمی‌ماند. و هر کس زبانش را کنترل نکند همواره پیشیمان می‌شود».<sup>۳</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مؤمنش را بر

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۴۰، ذیل ح ۱۲۸؛ بحارالأنوار، ج ۲، ص ۶۷، ح ۱۰.

۲. بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۵، ح ۲۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، ح ۹.

امری که مورد کراهت و تنفر اوست ببیند و توانایی داشته باشد که مشکل او را حل کند و نکند، در ادای حق برادری خیانت کرده است. و هر که از همنشینی با احمق دست بکشد، به زودی اخلاق نیک او بازمی‌گردد»<sup>۱</sup>.

### مجالس خوب و بد

#### مجالس شایسته

از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «داناان در زمان گذشته می‌گفتند سزاوار است رفت و آمد به یکی از ده منظور باشد: ۱. رفتن به خانه خدا برای ادای حج و عمره. ۲. رفتن به خانه حاکمان متدین که پیروی از آنها متصل به اطاعت خداست و حقشان واجب و نفعشان عظیم و ضرر مخالفت کردن با آنها سخت است. ۳. رفتن به خانه دانشمندانی که از آنها در علوم دین یا دنیا بتوان استفاده کرد. ۴. رفتن به خانه اهل بخشش که اموال خود را به امید ثواب آخرت می‌دهند. ۵. رفتن به خانه بی‌خردان که مردم در حوادث روزگار به آنها محتاج شده و به ایشان پناه می‌برند. ۶. رفتن به خانه اشراف و بزرگان برای طلب عزت و احتیاج به آنان. ۷. رفتن به خانه کسانی که برای مشورت و تقویت عزم و اراده به افکار آنها نیاز است. ۸. رفتن به خانه برادران مؤمن دینی برای ارتباط با آنها واجب و رعایت کردن حق ایشان لازم است. ۹. رفتن به خانه دشمنانی که با مدارا کردن با آنها می‌توان از ضررها و دشمنی‌شان در امان بود. ۱۰. رفتن به خانه جمعی که از دیدار آنها می‌توان آداب حسنه آموخت و با آنها انس گرفت»<sup>۲</sup>.

#### مجالس ناشایست

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام به هنگام شهادت فرمود: «از رفتن به

۱. امالی صدوق، ص ۲۷۰.

۲. خصال، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۲، ح ۱.

مکان‌هایی که محلّ تهمت‌اند اجتناب کن و از شرکت کردن در مجلسی که گمان بد به انسان ببرند بپرهیز که همنشین بد، همنشین خود را فریب می‌دهد.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس خود را در محلّ تهمت قرار دهد، کسی را که به او گمان بد می‌برد سرزنش نکند».<sup>۲</sup>

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از مواضع شک و تهمت بپرهیزید و (بدین روحتی) با مادر خود در میان راه نایستید، زیرا همه کس نمی‌داند که او مادر شماست».<sup>۳</sup>

## ۶ آداب عطسه زدن

اهمّیت عطسه زدن و فلسفه آن

۱. در حدیثی صحیح و معتبر می‌خوانیم که حضرت رضا علیه السلام فرمود: «خمیازه کشیدن از شیطان و عطسه زدن از سوی خداوند جهانیان است».<sup>۴</sup> (خمیازه کشیدن سبب کسالت می‌شود و عطسه زدن مایه نشاط است).

۲. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند نعمت‌های فراوانی بر بنده‌اش ارزانی داشته، ولی بنده به هنگام صحّت بدن و سلامتی اعضا و جوارح، این نعمت‌ها را فراموش کرده و خدا را شکر نمی‌کند. از این رو، خداوند به بادی که در بدنش وجود دارد دستور می‌دهد که جولان پیدا کرده و از بینی‌اش خارج شود (و عطسه کند)، به همین علّت دستور داده شده که در این حال حمد خدا گوید که این حمد، جبران شکر آن نعمت‌های فراموش شده است».<sup>۵</sup>

۱. امالی طوسی، ج ۱، ص ۶.

۲. کافی، ج ۸، ص ۱۳۳، ح ۱۳۷.

۳. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۹.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۵.

۵. همان، ح ۶.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن چیز خوبی است، زیرا انسان را به یاد خدا می اندازد و برای بدن سودمند است».<sup>۱</sup>
۴. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «عطسه زدن بیمار، نشانه عافیت وی و راحتی بدن اوست».<sup>۲</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زند، تا هفت روز از مردن در امان است».<sup>۳</sup>
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «عطسه متعدّد انسان را در برابر پنج بیماری ایمن می کند: خوره، لقوه<sup>۴</sup>، آبریزش چشم، خشونت پره‌های بینی، رویدن مو در چشم».<sup>۵</sup>

#### آداب عطسه زدن

#### ذکر عطسه کننده

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که انسان عطسه زد این ذکر را بگوید: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ**».<sup>۶</sup>
۲. در حدیثی است که امام صادق علیه السلام عطسه کرد، سپس فرمود: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**».<sup>۷</sup>
۳. در حدیثی می خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که در حاجتگاه عطسه

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ذیل حدیث ۱۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۶.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۵۷، ذیل حدیث ۲۳.

۴. «لقوه» یک نوع بیماری است که در چهره انسان پیدا می شود و (بر اثر آن) لب و دهان یافک به طرفی کج می شود (فرهنگ عمید).

۵. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۵.

۶. کافی، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۹.

۷. همان، ص ۶۵۵، ح ۱۴.



- کند، حمد الهی را از قلب خود بگذراند (یعنی آهسته بگوید).<sup>۱</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی در نماز عطسه کند، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.<sup>۲</sup>
۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که بعد از عطسه کردن بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ» به گوش درد و دندان درد مبتلا نشود.<sup>۳</sup>
۶. در حدیثی می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر که عطسه کرد، برای امان از دندان درد و گوش درد، حمد خدا گوید.<sup>۴</sup>
۷. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام عطسه زدن و کشتن حیوانات، صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله لازم است.<sup>۵</sup>

#### ذکر شنونده عطسه

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد او را دعا کنید، هر چند فاصله بسیاری در میان شما باشد.<sup>۶</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر در حال خواندن نماز متوجه عطسه زدن کسی شدی بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، هر چند در میان تو و شخصی که عطسه زده فاصله بسیاری باشد.<sup>۷</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۷۷، ح ۲۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۳، ح ۲ و ۶.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۶۶، ح ۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۶.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴.

۶. کافی، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۲.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۶۶، ح ۳.

۳. در حدیث است که مردی مسیحی عطسه زد، حضرت صادق علیه السلام به او «يَزْحَمُكَ اللَّهُ» گفت.<sup>۱</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «طفل نابالغی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله عطسه زد و گفت: اَلْحَمْدُ لِلَّهِ، حضرت به او فرمود: بَارَكَ اللهُ فِيكَ».<sup>۲</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر که صدای عطسه کسی را بشنود و حمد الهی کند و بر محمد و اهل بیتش صلوات بفرستد، به چشم درد و دندان درد مبتلا نمی شود».<sup>۳</sup>

#### پاسخ عطسه کننده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حقّ مسلمان بر برادر مسلمانش آن است که هنگام ملاقات به او سلام کند و هنگام بیماری از او عیادت کند و در غیاب وی خیرخواه او باشد و هرگاه عطسه زند او را دعا کند. کسی که عطسه زد بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران به او بگویند: «رَحِمَكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللَّهُ وَيُصْلِحُ بِأَلْسِنَتِكُمْ».<sup>۴</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر که عطسه زد بگوید: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ لَا شَرِيكَ لَهُ» و دیگران در جوابش بگویند: «يَزْحَمُكَ اللَّهُ» و او در پاسخ بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ وَ لَنَا».<sup>۵</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مسلمانی عطسه زند و به علتی ساکت بماند (و ذکرش نگوید)، ملائکه از جانب او

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۸.

۲. همان، ص ۶۵۵، ح ۱۲.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۳.

۴. ترجمه: «خداوند شما را هدایت و قلبتان را اصلاح کند». کافی، ج ۲، ص ۶۵۳، ح ۱.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۱۴.

می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و اگر این ذکر را بگویند ملائکه می‌گویند: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ»<sup>۱</sup>.

۴. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی عطسه زد به او بگویند: «يَزُحْمُكُمُ اللَّهُ» و او در جواب بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ يَزُحْمُكُمْ»<sup>۲</sup>.

#### تکرار عطسه

۱. از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: «سه بار عطسه زدن برای بدن مفید است و اگر بیش از سه بار باشد، نشانه بیماری است»<sup>۳</sup>.
۲. از امام باقر عليه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه عطسه تا سه بار تکرار شود برای عطسه‌کننده دعا کن و اگر بیشتر شود او را رها کن»<sup>۴</sup>.

#### حدیث جامع آداب عطسه

از امام باقر عليه السلام روایت شده است که فرمود: «سزاوار است کسی که عطسه زد انگشت شهادت بر روی بینی بگذارد و بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، رَغْمَ أَنْفِي لِلَّهِ رَغْمًا دَاخِرًا صَاغِرًا، غَيْرَ مُسْتَكِنِفٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ»<sup>۵</sup> و چنانچه دیگری عطسه زند تا سه بار یَزُحْمُكَ اللَّهُ بگوید و اگر بیش از سه بار شود شَفَاكَ اللَّهُ بگوید. و اگر عطسه‌زننده مرد مؤمن باشد یَزُحْمُكَ اللَّهُ

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۱۹.

۲. خصال، ج ۲، ص ۴۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۵۷، ح ۲۷؛ مکارم الأخلاق، ص ۳۵۴.

۵. ترجمه: «حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است. و درود خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاکش باد. بینی‌ام برای رضای خدا به عنوان تسلیم بر خاک است، در حالی که از این مطلب استنکاف ندارم و پشیمان نیستم».

و اگر زن باشد عافاك الله و اگر بچه باشد زرعك الله<sup>۱</sup> و اگر بیمار باشد شفاك الله و اگر کافر ذمی باشد هداك الله و اگر پیامبر یا امام باشد صلی الله علیك بگوید و در جواب بگویند: یعفر الله لنا و لكم<sup>۲</sup>.

## ۷] مزاح کردن، خندیدن، سخن درگوشی، رازداری، آداب سخن گفتن آداب سخن گفتن

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس در میان سخن برادر مسلمان خود سخن بگوید، گویی خراشی بر صورت او وارد کرده است»<sup>۳</sup>.
۲. در حدیثی صحیح از امام صادق علیه السلام و در حدیث دیگری از امام کاظم علیه السلام آمده است: «هرگاه سه تن در مجلسی باشند و دو تن از آنان با یکدیگر درگوشی سخن گویند، موجب اندوه و اذیت نفر سوم است»<sup>۴</sup>.

### رازداری مجالس

۱. در چندین حدیث آمده است: مجالس (خصوصی) امانت است<sup>۵</sup>. یعنی آنچه در آن اتفاق افتاده نباید در جای دیگر بیان شود، مگر اینکه علم به رضایت صاحبان آن داشته باشد.
۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «هیچ کس حق ندارد سخنی را که دوستش پنهان داشته نقل کند، مگر اطلاعات و علمی که اظهار آن

۱. ترجمه: «خداوند تو را رشد دهد».

۲. مکارم الأخلاق، ص ۳۵۵.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۶۰، باب فی المناجات، ح ۳.

۴. همان، ح ۱ و ۲.

۵. همان، باب المجالس بالأمانة، ح ۱ و ۲.

لازم باشد، یا ذکر نیکی های آن شخص باشد».<sup>۱</sup>  
 ۳. در حدیثی دیگر فرمود: «مجالس امانت است، مگر مجالسی که در آن خون حرامی ریخته شود، یا به ناموس کسی تجاوز کنند، یا مالی را به ناحق ببرند».<sup>۲</sup>

### مزاح و شوخی کردن

#### اهمیت شوخی کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ مؤمنی نیست، مگر اینکه در وجود او مزاح و شوخ طبعی هست».<sup>۳</sup>  
 ۲. در حدیث است که آن حضرت از کسی پرسید: «مزاح و شوخی شما با یکدیگر در چه حدی است؟» عرض کرد: اندک است. حضرت فرمود: «با یکدیگر مزاح کنید که نشانه خوش اخلاقی است و موجب خوشحالی برادر مؤمن می شود و بسیار اتفاق می افتاد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شخصی مزاح می کرد تا او را شاد گرداند».<sup>۴</sup>  
 ۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که در میان مردم مزاح کند، خداوند او را دوست می دارد؛ البته تا زمانی که سخن خلاف نگوید».<sup>۵</sup>

#### شوخی های ناروا

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زیاد شوخی نکنید که آبروی انسان را می برد».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، باب المجالس بالأمانة، ح ۳ از امام صادق علیه السلام.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۵۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۲.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۱.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۶۳، ح ۴.

۶. همان، ص ۶۶۴، ح ۸.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با کسی که دوستش داری مزاح و مجادله نکن».<sup>۱</sup>
  ۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح نکنید که دشنام کوچک و موجب بروز کینه‌هاست».<sup>۲</sup>
  ۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزاح کردن آبروی انسان را می‌برد و از مهابت مردان می‌کاهد».<sup>۳</sup>
  ۵. در حدیثی دیگر فرمود: «مجادله نکن که خوبی‌هایت را می‌برد و خوش طبعی و شوخی نکن که باعث جرأت (و جسارت) مردم بر تو می‌شود».<sup>۴</sup>
  ۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شوخی نکن که نور ایمان را می‌برد و شخصیت تو را سبک می‌کند».<sup>۵</sup>
- (نکته: با توجه به روایاتی که امر به مزاح می‌کند روشن می‌شود که منظور از روایات بالا، افراط در شوخی و شوخی‌های همراه با بی‌بند و باری است).

### خنده‌های ناروا

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خنده مؤمن باید به صورت تبسم باشد، نه قهقهه».<sup>۶</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خنده زیاد دل را می‌میراند و دین را از بین می‌برد همان‌گونه که آب، نمک را ذوب می‌کند».<sup>۷</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۹.

۲. همان، ح ۱۲.

۳. همان، ص ۶۶۵، ح ۱۶.

۴. همان، ح ۱۷.

۵. همان، ح ۱۹.

۶. همان، ص ۶۶۴، ح ۵.

۷. همان، ح ۶.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «خنده بسیار آبرو را می‌برد».<sup>۱</sup>
۴. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت داوود به حضرت سلیمان گفت: فرزندم، مبادا زیاد خنده کنی که بسیار خندیدن، انسان را در روز قیامت حقیر می‌کند».<sup>۲</sup>
۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خندیدن بی علت (بدون آنکه جنبه معقولی داشته باشد) از نادانی است».<sup>۳</sup>
۶. در حدیثی می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «حضرت یحیی می‌گریست و نمی‌خندید و حضرت عیسی بن مریم می‌خندید و گریه می‌کرد و کار حضرت عیسی بهتر از کار حضرت یحیی بود».<sup>۴</sup>
۷. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «تعجب می‌کنم از کسی که ایمان به جهنم دارد چگونه می‌خندد».<sup>۵</sup>
۸. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «چه بسیار کسانی که خنده آنها در دنیا از روی لهو و لعب است، در روز قیامت گریه بسیار در پی دارند. و چه بسیار کسانی که گریه فراوان آنها در دنیا بر گناهانشان، باعث خوشحالی و خنده آنان در بهشت می‌شود».<sup>۶</sup>

#### قهقهه زدن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «قهقهه زدن به هنگام

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۰ و ۱۱.  
 ۲. قرب الإسناد، ج ۷۲، ح ۲۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۵، ح ۸.  
 ۳. کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۷.  
 ۴. همان، ص ۶۶۵، ح ۲۰.  
 ۵. الجعفریات، ص ۲۳۷.  
 ۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳، ح ۶.

خندیدن از کارهای شیطان است»<sup>۱</sup>.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان فقهه زدی، پس از فراغت از آن بگو: اللَّهُمَّ لَا تَمُقُّنِي»<sup>۲</sup>.

توضیح: از روایات بالا و دیگر احادیث استفاده می شود که مؤمن نباید عبوس باشد، بلکه باید خندان و گشاده رو باشد. و اندکی مزاح کردن اشکالی ندارد، اما شوخی فراوان و خنده بسیار کردن مطلوب نیست و کار سفیهان و بی خردان است.

## ۸ آداب همنشینی و حقوق همنشینان بر یکدیگر

### اهمیت همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با همسایگان خود نیکو مجاورت کن تا مؤمن باشی و با همنشینان خود نیکو مصاحبت کن تا مسلمان باشی»<sup>۳</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که با دوستانش همنشینی نیکو نداشته باشد و با رفقای خود رفاقت نیکو نکند و با کسانی که به او مهربانی کرده اند مهربانی نکند از ما نیست»<sup>۴</sup>.

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با منافق به زبان خوش، مدارا کن. و محبت قلبی ات را برای مؤمنان خالص گردان. حتی اگر یک فرد غیر مسلمان با تو مجالست کرد، با او نیکو مجالست کن»<sup>۵</sup>.

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۱ و ۱۲.

۲. ترجمه: «بار خدایا، بر من خشم نگیر». کافی، ج ۲، ص ۶۶۴، ح ۱۳.

۳. امالی صدوق، ص ۲۰۱، ح ۱۳.

۴. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۸.

۵. امالی مفید، ص ۱۸۵، ح ۱۰.



### حَقِّ مصاحبت

در حدیث است که مفضل می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. فرمود: «چه کسی در مسیر سفر مصاحب و همسفر تو بود؟» عرض کردم: شخصی از برادران مؤمن. فرمود: «چه شد؟» عرض کردم: داخل مدینه شد، ولی جایش را نمی‌دانم. فرمود: «مگر نمی‌دانی کسی که چهل قدم با کسی مصاحبت کند، خداوند در روز قیامت از حَقِّ او سؤال می‌کند؟»<sup>۱</sup>

### پرسش از نام و قبیله

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کسی که برادر مسلمان خود را دوست می‌دارد باید نام او و نام پدر و قبیله و خویشاوندانش را بپرسد که این از جمله حقوق لازم برادری و دوستی است. وگرنه آن دوستی، آشنایی جاهلان خواهد بود»<sup>۲</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ناتوانی در سه چیز است: شخصی برای دیگری طعامی آماده سازد و میهمان تخلف کند و به میهمانی نرود و غذا را نخورد، شخصی با کسی همنشینی کند و معلوم نکند که کیست و از کجاست تا از یکدیگر جدا شوند، کسی که با همسرش پیش از آنکه او آمادگی لازم را پیدا کند آمیزش کند، بلکه باید صبر کند و پس از آمادگی طرفین این کار انجام شود»<sup>۳</sup>.

### ترک مجادله و فراموش کردن کینه

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم منازعه نکنید که کرامت را از بین می‌برد و مروّت را زایل می‌کند. پیوسته جبرئیل نهی می‌کرد از

۱. امالی طوسی، ج ۲، ص ۲۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

مجادله کردن با مردم، همان‌گونه که از شراب خوردن و بت پرستی نهی می‌کرد.<sup>۱</sup>  
 ۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کینه مؤمن در همان مکانی است که نشسته و هنگامی که از برادر دینی‌اش جدا شود، کینه او در سینه‌اش نمی‌ماند. و کینه کافر در تمام عمر همراهش خواهد بود.»<sup>۲</sup>

### رفتار نیکو با همنشین

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حد نیکی اخلاق آن است که با مردم مهربانی کنی و سخن نیک بگویی و با روی خوش با آنها رفتار کنی.»<sup>۳</sup>  
 ۲. در حدیث است که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کن. حضرت فرمود: «با برادر دینی‌ات با روی گشاده ملاقات کن.»<sup>۴</sup>  
 ۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پرده را از میان خود و برادر مؤمن‌ات زیاد برندار که باعث برطرف شدن حیاست.»<sup>۵</sup>

### روش‌های همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «سه چیز است که محبت انسان را برای برادر مسلمان‌ش خالص می‌گرداند: هنگام ملاقات با وی با خوشرویی و خوشحالی رفتار کند، هنگامی که نزد او می‌نشیند برایش جای نشستن بگشاید، به هر نامی که بیشتر دوست دارد او را بخواند.»<sup>۶</sup>

۱. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲. السرائر، ج ۳، ص ۶۳۴.

۳. کافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۴.

۴. همان، ح ۳.

۵. همان، ص ۶۷۲، ح ۵.

۶. همان، ص ۶۴۳، ح ۳.

۲. در حدیثی صحیح از حضرت کاظم علیه السلام می‌خوانیم که فرمود: «هنگامی که شخصی حاضر است با کینه صدایش بزَن و اگر غایب باشد نامش را بگو». <sup>۱</sup> (باید توجه داشت که صدا زدن با کینه در عرف عرب نوعی احترام است، مانند صدا زدن با نام فامیل در عرف ما).

### فواید و آثار همنشینی نیکو

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با مردم مهربانی کن تا تو را دوست بدانند». <sup>۲</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «برخورد خوب و خوش با مردم، کینه را از بین می‌برد». <sup>۳</sup>
۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرو برد، خداوند در دنیا و آخرت بر عزت او می‌افزاید». <sup>۴</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس از صورت برادر مؤمن خود گرد و غبار و خاشاکی برطرف کند، خداوند ده حسنه در نامه عملش می‌نویسد. و هر کس در چهره برادر مؤمن خدا تبسم کند، خداوند برایش حسنه‌ای می‌نویسد». <sup>۵</sup>
۵. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خاشاک و مانند آن را از برادر مؤمن خود دور کند، او در برابر آن عمل بگوید: **أَمَّا طَ اللَّهُ عَنكَ مَا تَكْرَهُهُ**». <sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۲.

۲. همان، ص ۶۴۲، ح ۱.

۳. همان، ص ۱۰۳، ح ۶.

۴. همان، ص ۱۱۰، ح ۵.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۴۰، ح ۴.

۶. ترجمه: «خداوند آنچه را دوست نداری از تو دور کند». خصال، ج ۲، ص ۴۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۳.

۶. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خشمش را فرود برد در حالی که قادر بر انتقام باشد، خداوند متعال در روز قیامت دلش را مملو از آرامش و ایمان می‌کند».<sup>۱</sup>

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز از فضایل اخلاقی دنیا و آخرت محسوب می‌شود: بخشیدن کسی که بر تو ظلم کرده است، پیوند برقرار کردن با کسی که از تو بریده است، بردباری در برابر کسی که با تو بی‌خردی کرده است».<sup>۲</sup>

### اظهار محبت کردن و رعایت عدالت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «اظهار دوستی و مهربانی با مردم، نصف عقل است».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که کسی را دوست داری دوستی‌ات را به او اظهار کن که باعث دوام محبت میان شما می‌شود».<sup>۴</sup>
۳. نیز در روایتی صحیح آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله حتی نگاه خود را در میان اصحابش تقسیم می‌کرد و به یک نفر بیش از دیگری نگاه نمی‌کرد و هرگز پای خود را در حضور اصحاب دراز نمی‌کرد».<sup>۵</sup>

### همنشینان بد

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بدترین امت من

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۱۰، ح ۶ و ۷.

۲. همان، ص ۱۰۷، ح ۳.

۳. همان، ص ۶۴۳، ح ۴ و ۵.

۴. همان، ص ۶۴۴، ح ۲.

۵. همان، ص ۶۷۱، ح ۱.

کسانی اند که مردم از ترس بدی و شرارتشان آنها را گرامی بدارند؛ چنین کسانی از من نیستند»<sup>۱</sup>.

۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که فرمود: «فرزند نامشروع چند نشانه دارد: دشمنی با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، علاقه به زنا، سبک شمردن دین، مردم را در حضورشان آزار دادن»<sup>۲</sup>.

۳. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت شده است که فرمود: «مردم یا مؤمن اند و یا جاهل، مؤمن را نباید اذیت کرد و با جاهل نباید ستیزه جویی کرد، وگرنه مثل او خواهی بود»<sup>۳</sup>.

۴. از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «همین عیب برای انسان بس که از مردم عیوبی ببیند که از آنها نسبت به خودش چشم پوشی کند و مردم را بر چیزی سرزنش کند که خودش توان ترک آن را نداشته باشد و همنشین خود را به چیزی آزار دهد که سودی برای او نداشته باشد»<sup>۴</sup>.

### این گونه سخن نگو

در حدیث است که حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نهی کرد از اینکه کسی بگوید: «لَا وَحَيَاتِكَ وَحَيَاةِ فُلَانٍ»<sup>۵</sup>.

## ۹ فضیلت یاد خدا در مجالس

### اهمیت یاد خدا

۱. در حدیث است که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «به سوی باغ‌های بهشت

۱. خصال، ج ۱، ص ۶۹، ح ۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۷۹، ح ۱.

۲. معانی الأخبار، ص ۴۰۰.

۳. خصال، ج ۱، ص ۸۹، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، ح ۷.

۴. خصال، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۷۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۵۸، ذیل حدیث ۹.

۵. ترجمه: «قسم به جان تو و جان فلانی». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۷.

بشتابید!» پرسیدند: باغ‌های بهشت کدام است؟ فرمود: «مجالس و حلقاتی که در آن یاد خدا شود».<sup>۱</sup>

۲. در چندین حدیث معتبر آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر که در میان غافلان، یاد خدا را زنده کند مانند مجاهدی است که به هنگام گریختن دیگران، در راه خدا جهاد کند و ثواب چنین کسی بهشت است».<sup>۲</sup>

### یاد خدا در همه جا

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خدا را در همه جا یاد کنید که او با شماست».<sup>۳</sup>

۲. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «در تورات اصیل آمده است که حضرت موسی علیه السلام از پروردگار خود پرسید: خداوندا، مجالسی بر من می‌گذرد که تو را گرامی‌تر از آن می‌دانم که در چنان مجالسی ذکر تو را گویم. خداوند فرمود: ای موسی، بردن نام من و ذکر یاد من در هر حالی شایسته است».<sup>۴</sup>

### ذکر پایان مجالس

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ از هیچ مجلسی، هر چند کوتاه، بر نمی‌خاست مگر اینکه بیست و پنج مرتبه استغفار می‌کرد.<sup>۵</sup>

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس دوست دارد در قیامت

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۹۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۰۲، ح ۲.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۰۳، ح ۴۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۵۴، ح ۱۶.

۴. کافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸.

۵. همان، ص ۵۰۴، ح ۴.

- به ثواب کامل دست یابد، هنگام برخاستن از مجلس بگوید: ﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ \* وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ \* وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.<sup>۱</sup>
۳. در روایتی دیگر آمده است که این ذکر، کفاره گناهان آن مجلس است.<sup>۲</sup>
۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که خداوند متعال فرمود: «ای فرزند آدم، در مجالس مردم مرا یاد کن، تا در مجلسی که بهتر از محفل تو باشد تو را یاد کنم».<sup>۳</sup>
۵. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس مرا در محفلی از مجالس مؤمنین یاد کند، من او را در جمع ملائکه یاد می‌کنم».<sup>۴</sup>

### حسرت ترک کردن ذکر خدا

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر مجلسی که نیکوکاران و بدکاران در آن جمع شوند و مجلس تمام شود و برخیزند در حالی که در آن مجلس یاد خدا را نکرده باشند، آن مجلس در روز قیامت باعث حسرت و پشیمانی آنها خواهد بود».<sup>۵</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه گروهی در مجلسی گرد هم آیند و در آن مجلس خدا را یاد نکنند و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستند، آن مجلس در روز قیامت موجب حسرت آنها و وبال گردنشان خواهد بود».<sup>۶</sup>

۱. ترجمه: «منزه است پروردگار تو، پروردگار عزت (وقدرت)، از آنچه آنان توصیف می‌کنند و سلام بر رسولان و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است». (سوره صافات، آیات ۱۸۰ - ۱۸۲)

کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۳، ح ۲۳.

۳. کافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۲.

۴. همان، ح ۱۳.

۵. همان، ص ۴۹۶، ح ۱.

۶. همان، ص ۴۹۷، ح ۵.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که در مجلسی جمع شوند و خدا را ذکر نکنند، آن مجلس در روز قیامت مایه حسرت آنها خواهد شد.»<sup>۱</sup>

## ۱۰ رفتار حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در مجالس

### اهمیت ذکر محمد و آل محمد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ملائکه آسمان نسبت به یک یا چند تن از شیعیان که فضیلت آل محمد را ذکر می کنند نظر دارند، سپس به یکدیگر می گویند: آیا این گروه کوچک را نمی بینید که با تعداد اندکشان و تعداد بسیار دشمنانشان، فضایل آل محمد را ذکر می کنند؟ بعد طایفه دیگری از ملائکه در جوابشان می گویند: این فضل الهی است که به هر کس بخوهد می دهد و خداوند، صاحب فضل بزر است.»<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که امام باقر علیه السلام از میسر پرسید: «شما شیعیان که با یکدیگر خلوت می کنید، آیا آنچه را از علوم اهل بیت علیهم السلام و فضایل آنان بخواید می گویند؟» عرض کرد: آری به خدا قسم. امام فرمود: «والله دوست دارم در چنین مجالسی با شما باشم. به خدا سوگند، بوی شما و نسیم شما را دوست می دارم. بی شک شما بر دین خدا و ملائکه هستید؛ بنابراین، با پرهیز از محرّمات و تلاش برای انجام دادن طاعات و عبادات، برای شفاعت خودتان به ما کمک کنید.»<sup>۳</sup>

۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مجالس خود را به ذکر

۱. کافی، ج ۲، ص ۴۹۶، ح ۱.

۲. همان، ص ۱۸۷، ح ۴.

۳. همان، ح ۵.



فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام زینت دهید<sup>۱</sup> که هفتاد خصلت از خصلت‌های پیامبران در او هست»<sup>۲</sup>.

### فواید ذکر محمد و آل محمد علیهم السلام

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یاد ما یاد خدا و یاد دشمن ما یاد شیطان است»<sup>۳</sup>.

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال فرشتگانی دارد که در زمین گردش می‌کنند. هرگاه بر جماعت و گروهی بگذرند که یاد محمد و آل محمد می‌کنند به یکدیگر می‌گویند: توقف کنید که به هدف خود رسیدیم. سپس می‌نشینند و با آنان در اذکار آن مجلس همراه می‌شوند و پس از پایان جلسه و خروج حاضران، اگر شخصی از آنها بیمار شود ملائکه به عیادت او می‌روند و چون بمیرد در تشییع جنازه‌اش حضور پیدا می‌کنند و اگر گم شود در جست‌وجوی او خواهند بود»<sup>۴</sup>.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ چیز مانند ملاقات و دیدار مؤمنین از یکدیگر به خاطر رضای خدا، شیطان و لشکریان وی را آزرده نمی‌کند. هنگامی که دو مؤمن با یکدیگر ملاقات کرده و خدا را یاد کنند و در پی آن از فضایل ما یاد می‌کنند، هیچ گوستی بر صورت شیطان باقی نمی‌ماند مگر آنکه فرو می‌ریزد، تا آنجا که روحش از شدت ناراحتی به استغاثه و طلب کمک برمی‌آید. و بر اثر آن، ملائکه آسمان‌ها و خازنان بهشت اطلاع پیدا کرده و او را

۱. بشارة المصطفی، ص ۷۳؛ بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۹.

۲. الأنوار اللامعة فی شرح الزیارة الجامعة، ص ۶۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۴۹۶ ذیل حدیث ۲.

۴. همان، ص ۱۸۶، ج ۳.

لعنت می‌کنند. و هیچ ملک مقرّبی باقی نمی‌ماند، مگر اینکه شیطان را نفرین می‌کند، در نتیجه ناامید و محروم و مطرود بر زمین می‌افتد.<sup>۱</sup>

۴. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب رضی الله عنه فضیلت‌هایی قرار داده است که از کثرت و فزونی نمی‌توان آنها را شماره کرد؛ بنابراین، هر کس یک فضیلت از فضایل او را از روی اعتقاد و باور قلبی بیان کند، گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده می‌شود... و هر کس یک فضیلت از فضایل او را بنویسد، تا زمانی که نشانی از آن کتاب باشد ملائکه برای وی استغفار می‌کنند. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت گوش فرا دهد، خداوند گناهان او را که با گوش مرتکب شده، بیامرزد. و هر کس به فضیلتی از فضایل آن حضرت - که نوشته شده - نگاه کند، خداوند گناهانی را که با چشم مرتکب شده، بیامرزد».<sup>۲</sup>

#### همکاران فرشتگان و همکاران شیطان

از امام باقر رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «هرگاه سه تن از مؤمنین یا بیشتر در مکانی جمع شوند، به تعداد آنها فرشتگان نیز اجتماع می‌کنند. اگر آن مؤمنان چیزی از خداوند طلب کنند ملائکه آمین می‌گویند. و چنانچه به خداوند از شرّ چیزی پناه ببرند، ملائکه از خداوند می‌خواهند که آن را از آنها دور کند. و اگر تقاضای حاجتی داشته باشند ملائکه از خداوند می‌خواهند که حاجتشان را برآورده کند. و چنانچه سه تن یا بیشتر از انکارکنندگان حقّ اهل بیت رضی الله عنهم در جایی جمع شوند، ده برابر آنها از شیاطین نیز حاضر می‌شوند، سخنانی که می‌گویند شیاطین همانند آن را تکرار می‌کنند. و اگر بخندند شیاطین با آنها می‌خندند. و اگر

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۷.

۲. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۲۹، ح ۱۰.

دوستان خدا را مذمت کنند با مذمت کنندگان رفیق و دوست می شوند. و اگر مؤمنی همنشین چنین افرادی شود، هنگامی که شروع به مذمت دوستان خدا کند، (باید) از آن مجلس برخیزد و شریک و همنشین شیطان نشود که هیچ کس تاب مقاومت خشم خدا را ندارد و نفرین خدا را هیچ چیز دفع نمی کند. و چنانچه نتواند مجلس را ترک کند، به دل انکار کند و اندکی برخیزد و بازگردد»<sup>۱</sup>.

#### تحصیل و مباحثه علوم اهل بیت علیهم السلام

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس در راه تحصیل علم گام بردارد، خداوند راهی به سوی بهشت برایش می گشاید و بی شک، فرشتگان با کمال خشنودی بال های خود را در مسیر عبور طالب علم می گشایند و تمام ساکنان آسمان و زمین و حتی ماهیان دریا برای وی استغفار می کنند. و فضیلت عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهاردهم بر سایر ستارگان است»<sup>۲</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «أف بر مردمی که هر جمعه کارهای دنیایی را برای یادگیری مسائل دینی خود تعطیل نمی کنند»<sup>۳</sup>.

۳. نیز در روایتی فرمود: «خداوند می فرماید که مذاکره علم در میان بندگان من، دل های مرده را زنده می کند»<sup>۴</sup>.

۴. در سخنی دیگر فرمود: «با یکدیگر مذاکره علمی کرده و حدیث نقل کنید که حدیث، دل ها را جلا می دهد. و بی شک دل ها زنگار می گیرند، همان گونه که

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۴، ح ۱.

۳. همان، ص ۴۰، ح ۵.

۴. همان، ح ۶.

شمشیر زنگ می زند و جلای دل ها به حدیث است»<sup>۱</sup>.  
 ۵. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مذاکره علم، ثواب نماز مقبول را دارد»<sup>۲</sup>.

## ۱۱) مشورت و آداب آن

### اهمیت مشورت

(مقدمه:) در فضیلت و اهتمام مشورت همین بس که خداوند متعال در قرآن مجید پیامبر خود را که عاقل ترین مخلوقات جهان بود، امر به مشورت کرد، آنجا که فرمود:  
 ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾<sup>۳</sup>.  
 ۱. در حدیث است که بسیار اتفاق می افتاد که امام رضا علیه السلام با آن عقل کامل با غلامان سیاه مشورت می کرد و می فرمود: «چه بسا خداوند خیر ما را بر زبان آنها جاری کند»<sup>۴</sup>.  
 ۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که خود را از رأی و نظر دیگران بی نیاز بداند و مشورت نکند، جان خود را به خطر می اندازد»<sup>۵</sup>.

### با چه کسانی مشورت کنیم

۱. در حدیثی می خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «با کسانی که خداترس هستند و برادران مؤمن خود را به مقدار پرهیزگاریشان دوست دارند، مشورت

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۸.

۲. همان، ح ۹.

۳. ترجمه: «و در کارها با آنها مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن».  
 سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۴. محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۳.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۴؛ امالی صدوق، ص ۴۴۷.

کن و از زنان بد پرهیز...»<sup>۱</sup>.

۲. از رسول خدا ﷺ روایت شده است که فرمود: «هر گروهی که با یکدیگر مشورت کنند و در میان آنها کسی باشد که نامش محمّد یا احمد یا حامد یا محمود باشد، بی شک آنچه خیرشان در آن باشد بر آنها آشکار می شود»<sup>۲</sup>.

۳. در احادیث معتبر می خوانیم که: «با عاقل دیندار پرهیزگار مشورت کن و هنگامی که نظری داد (بی دلیل) خلاف آن عمل نکن که نتیجه آن فساد دنیا و آخرت تو می شود»<sup>۳</sup>.

۴. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مشورت شرایط و حدودی دارد که هر کس واجد آن نباشد، ضررهای مشورت برای او بیش از منافع آن خواهد بود: کسی که با او مشورت می کند عاقل و خردمند باشد، آزاد و متدین باشد، برادر و دوست و یار او باشد، او را بر تمام اسرار خود (در موضوع مورد مشورت) باخبر سازد به گونه ای که همان طور که خودش اطلاع دارد مشاور هم خبر داشته باشد، ولی بر مشاور لازم است اسرار او را پنهان کند زیرا اگر (شرط اول را داشته باشد و) عاقل باشد از مشورت با وی سود خواهی برد. و اگر واجد شرط دوم (آزاد و دین دار) باشد تمام تلاش خود را برای خیرخواهی تو به کار خواهد بست. و اگر یار و دوستدار تو باشد (شرط سوم)، هنگامی که راز خود را به او گفتی آن را افشا نمی کند»<sup>۴</sup>.

### وظیفه مشاور

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس برادر مؤمنش با او

۱. امالی صدوق، ص ۳۰۴، ح ۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۰. در مصدر محمّد و حامد وجود ندارد.

۳. محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۴.

۴. همان، ح ۲۸.

مشورت کند و آنچه به مصلحت و خیر اوست نگوید، خداوند عقل و هوشش را زایل می‌کند».<sup>۱</sup>

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بیزارم از کسی که مسلمانی با او مشورت کند و آنچه را که خیر او در آن است به او نگوید».<sup>۲</sup>

### فایده مشورت

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ای علی، کسی که از خداوند طلب خیر کند سرگردان نمی‌ماند. و کسی که در کارها با مردم مشورت کند پشیمان نمی‌شود».<sup>۳</sup>

۲. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که مشورت کند هلاک نمی‌شود».<sup>۴</sup>

### کسانی که نباید با آنها مشورت کرد

۱. در حدیث است که حضرت صادق علیه السلام به عمّار سباباطی فرمود: «اگر می‌خواهی نعمت الهی بر تو استمرار داشته و شخصیت تو کامل و زندگانی‌ات نیکو باشد، در امور خود با مردم پست مشورت نکن».<sup>۵</sup>

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «با افراد ترسو مشورت نکن که راه‌هایی را بر تو تنگ می‌کنند. و از مشورت با افراد بخیل بپرهیز که مانع

۱. محاسن، ص ۶۰۲، ح ۲۷.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۶.

۳. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۹.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۸، باب ۳۴۹، ح ۱.

رسیدن به هدف می‌شوند و با کسانی که حرص دنیا دارند مشورت نکن که بدی‌ها را برای تو زینت می‌دهند»<sup>۱</sup>.

## ۱۲] نامه‌نگاری

### اهمیت نوشتن نامه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مهربانی و دوستی بین برادران دینی، در وطن به دیدار یکدیگر رفتن و در سفر به نامه نوشتن برای یکدیگر است»<sup>۲</sup>.
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «از چگونگی نامه‌نگاری هر کس می‌توان بر میزان عقل و دانایی‌اش استدلال کرد. و از نماینده و پیک هر شخص می‌توان به مقدار فهم و زیرکی او پی برد»<sup>۳</sup>.

### آداب نامه‌نگاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نوشتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را ترک نکن و آن را از سایر چیزهایی که می‌نویسی بهتر بنویس»<sup>۴</sup>.
۲. در حدیثی است که امام هادی علیه السلام در ابتدای نامه می‌نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَذْكَرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»<sup>۵</sup>.
۳. در روایتی موثق می‌خوانیم که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آغاز کردن

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۵۹، باب ۳۵۰، ح ۱.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱.

۳. محاسن، ص ۱۹۵، ح ۲۰.

۴. کافی، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۱.

۵. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. إن شاء الله خدا را به خاطر دارم». تحف العقول، ص ۴۸۳؛

بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۰، ح ۶.

نامه به نام مخاطب، پیش از نام نویسنده چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد. این کار نوعی احترام به طرف مقابل است».<sup>۱</sup>

۴. در حدیث است که امام صادق علیه السلام دستور داد نامه‌ای به جایی بنویسند. هنگامی که نامه آماده شد و به دست آن حضرت دادند فرمود: «چگونه امید به تحقق مضمون نامه دارید، در حالی که در پایان جملات مناسب، *إن شاء الله* نوشته نشده است؟» سپس دستور داد در جاهای مناسب، جمله *إن شاء الله* را بنویسند.<sup>۲</sup>

۵. در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که نامه‌ای برای طلب حاجتی می‌نویسی و دوست داری آن حاجت برآورده شود، با قلم بدون جوهر در بالای ورقه بنویس: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِينَ الْمَخْرُجَ مِمَّا يَكْرَهُونَ وَالرِّزْقَ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُونَ، جَعَلْنَا اللَّهُ وَآيَاكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*».<sup>۳</sup> راوی گوید: هر زمان به این دستور عمل کردم حاجتم برآورده شد.<sup>۴</sup>

#### جواب نامه و روش‌های از بین بردن نامه

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «جواب نامه همچون پاسخ سلام، واجب است».<sup>۵</sup>
۲. در روایتی صحیح آمده است که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: چنانچه در نامه‌هایی که نزد ما جمع می‌شود نام خدا باشد، آیا می‌توان آنها را آتش زد؟

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۵.

۲. همان، ح ۶.

۳. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. بی‌شک خداوند به صابران، راه خروج از آنچه را که دوست ندارند و روزی را از آنجا که گمان ندارند وعده داده است. خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که ترسی (از آینده) ندارند و نسبت به گذشته محزون نمی‌شوند».

۴. کشف الغمته، ج ۲، ص ۶۹۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۰، ح ۸.

۵. کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۲.



فرمود: «نه، بلکه اوّل با آب بشوید (تا نام خدا محو شود، سپس آن را آتش بزیند)».<sup>۱</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «باید کتاب خدا و نام خدا را با پاک‌ترین چیزها محو کرد». و نهی کرد از اینکه قرآن را بسوزانند و با قلم محو کنند (در برخی نسخه‌ها به جای قلم، قدم آمده است).<sup>۲</sup>

۴. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کاغذها را نسوزانید، بلکه محو و پاره کنید».<sup>۳</sup>

۵. در روایتی دیگر آمده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان نامی را که از نام‌های خداست با آب دهان محو کرد؟ فرمود: «باید با پاک‌ترین چیز ممکن آن را محو کرد».<sup>۴</sup>

---

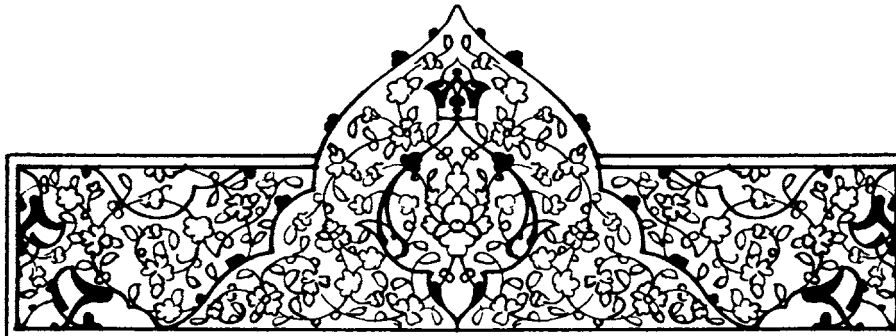
۱. کافی، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۱.

۲. همان، ص ۶۷۴، ح ۴.

۳. همان، ح ۲.

۴. همان، ح ۳.





## فصل دوازدهم:

# آداب وارد شدن و خارج شدن از خانه

۱. خانه گشاده
۲. مذمت بلندمرتبه‌سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه
۳. مجسمه‌سازی و کشیدن نقاشی
۴. آداب فرش کردن خانه
۵. آداب عبادت کردن در خانه
۶. نگهداری حیوانات در خانه
۷. اهمیت دامداری
۸. نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر
۹. نگهداری سگ در خانه
۱۰. آداب خانه خریدن
۱۱. سایر آداب خانه
۱۲. آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه



## ۱] خانۀ گشاده

### خانۀ وسیع

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانۀ وسیع از سعادت انسان است».<sup>۱</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از نشانه‌های سعادت انسان آن است که فرزندش شبیه او باشد و زن خوشروی دیندار و مرکبی راهوار و خانۀ وسیع داشته باشد».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «چهار چیز نشانه سعادت است: زن نیکوکار، خانۀ وسیع، همسایۀ شایسته، مرکب سواری نیکو. و چهار چیز نشانه شقاوت است: همسایۀ بد، زن بد، خانۀ تنگ، مرکب نامناسب».<sup>۳</sup>
۴. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز موجب راحتی و آسایش مؤمن است: خانۀ وسیع که عیب‌ها و امور پنهانی او را از مردم مخفی نگاه دارد، زن شایسته که او را بر امور دنیا و آخرت یاری کند، دختر یا خواهری که با ازدواج کردن، یا با پایان یافتن عمرش از خانۀ او برود».<sup>۴</sup> (اشاره به اینکه

۱. محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۹ و ۲۰ و ۲۱.

۲. قرب الإسناد، ص ۷۹، ح ۲۳۷.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶.

۴. محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۸؛ کافی، ج ۵، ص ۳۲۷، ح ۶؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۸، ح ۲، و ج ۱۰۳، ص ۲۱۷، ح ۵.

دختر نباید خودسرانه از خانه به هر کجا که می خواهد برود).

۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «نیکی زندگانی در وسعت خانه و خدمتکار خوب است».<sup>۱</sup>
۶. در حدیثی دیگر فرمود: «لذت دنیا در وسعت خانه و دوستان فراوان است».<sup>۲</sup>

### خانه کوچک و تنگ

۱. از حضرت باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه تنگ، موجب مشقت و سختی زندگانی است».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «شومی خانه در تنگی آن، بدی همسایگان و عیب های زیاد آن است».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام کاظم علیه السلام خانه ای خرید و به یکی از دوستدارانش فرمود: «خانه تو تنگ است، برو در این خانه ساکن شو!» آن شخص گفت: این خانه را پدرم ساخته است نمی توانم از آن دل بکنم. حضرت فرمود: «اگر پدرت نادان باشد تو هم باید نادان باشی».<sup>۵</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شخصی از انصار از تنگی خانه اش به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد. حضرت فرمود: با صدای بلند از خدا بخواه که به خانه ات وسعت بدهد».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۴.

۲. محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۵.

۳. محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۶.

۴. امالی صدوق، ص ۲۳۹، ح ۷.

۵. محاسن، ص ۶۱۱، ح ۲۷.

۶. محاسن، ص ۶۱۰، ح ۱۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۸.

### مذمت خانه به خانه شدن

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه به خانه شدن (و مرتباً تغییر دادن منزل مسکونی) و خریدن نان از بازار از تلخی زندگانی است».<sup>۱</sup> (در آن زمان مردم نان را برای اطمینان خاطر در خانه خود تهیه می کردند).

### ۲] مذمت بلندمرتبه سازی و تکلف بسیار در ساخت خانه

#### ساختن بنای اضافه بر نیاز

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ساختن هر بنایی که اضافه بر مقدار نیاز باشد، در قیامت وبال صاحب آن خواهد بود».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس اضافه بر نیاز، ساختمانی بسازد در روز قیامت مکلف می شود که اضافه را بر دوش بگیرد».<sup>۳</sup>

#### مجازات کسب پول حرام

۱. در روایتی صحیح و معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از غیر راه حلال مالی به دست آورد، خداوند بناسازی و خاک و آب را بر او مسلط می گرداند، تا آن مال حرام را در آنجا تباه کند».<sup>۴</sup>
۲. از امام هادی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال بر روی زمین مکان هایی قرار داده که آن را «مرحومات» می نامند. خدا دوست می دارد نامش را در آن مکان ها ببرند و او را بخوانند تا دعایشان را اجابت کند. و مکان هایی قرار داده که آن را «منتقمات» می نامند و کسی که مالی از غیر راه حلال کسب کند،

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۱.

۲. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۷.

۳. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۴.

۴. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۱؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۲.

خداوند قطعه‌ای از آن مکان‌ها را بر او مسلط می‌گرداند تا آن مال حرام را در آنجا هزینه کند.<sup>۱</sup>

### بناهای گران‌قیمت و خانه‌های ریایی

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام از در خانه شخصی عبور کرد که خانه‌اش از مصالح گران‌قیمت ساخته شده بود. پرسید: «این خانه کیست؟» گفتند: از فلان مرد مغرور است. سپس به در خانه دیگری رسید که (آن نیز) با مصالح گران‌قیمت ساخته شده بود. فرمود: «این خانه از مغرور غافل دیگری است.»<sup>۲</sup>

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر کس برای ریا و خودنمایی خانه‌ای بسازد که مردم آن را ببینند و در مورد آن گفت‌وگو کنند، در روز قیامت آن خانه را تا هفت طبقه از زمین تبدیل به آتش افروخته‌ای می‌کند و بر گردن او می‌افکنند، سپس او را به جهنم می‌برند. و هیچ چیز او را از خشم و قهر جهنم حفظ نمی‌کند، مگر اینکه در دنیا توبه کرده باشد. پرسیدند: ساختن خانه برای ریا یعنی چه؟ فرمود: اضافه بر نیاز خانه بسازد تا با آن بر همسایگانش غالب شود و بر برادران دینی‌اش فخر و مباهات کند.»<sup>۳</sup>

### ساختن سقف‌های بلند

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند فرشته‌ای را مأمور کرده است که هر کس سقف خانه‌اش را بیشتر از هشت ذراع (چهارمتر) بسازد، به او بگوید: ای فاسق، تا کجا می‌خواهی بروی.»<sup>۴</sup> و در روایت دیگری آمده

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۵.

۲. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۲.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۶۲۸.

۴. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱.



- است: «ای فاسق‌ترین فاسقان تا کجا می‌خواهی بروی».<sup>۱</sup>
۲. در چندین روایت معتبر آمده است: «هر که سقف خانه‌اش را اضافه بر هشت ذراع کند، جنیان و شیاطین در آن خانه جا خوش می‌کنند».<sup>۲</sup>
۳. در روایات می‌خوانیم که: «هر کس ارتفاع خانه‌اش بیش از هشت ذراع باشد، بر سر هشت ذراع، آیه‌الکرسی بنویسد».<sup>۳</sup>
- (انتخاب چهار متر برای سقف هر اتاق برای این است که در آن زمان ارتفاع بیش از آن، نشانه زندگی اشرافی بوده است).
۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که ابو‌خدیجه می‌گوید: در منزل امام صادق علیه‌السلام دیدم که بر دور حجره و در سمت قبله نمازخانه آن حضرت، آیه‌الکرسی نوشته شده بود.<sup>۴</sup>

### ﴿۳﴾ مجسمه‌سازی و کشیدن نقاشی

(مقدمه: ساختن مجسمه حیواناتی که روح دارد، طبق نظر مشهور علما، حرام است و نقاشی کردن چنین حیواناتی بر دیوارها و لباس‌ها کراهت دارد و بعضی معتقد به حرمت آن شده‌اند. و احتیاط آن است که طلاکاری نکنند و مطلقاً نقاشی نکنند، حتی نقاشی درخت و امثال آن، مخصوصاً نقاشی صورت کامل انسان. و اگر مجسمه‌ای ساخته‌اند بهتر است آن را ناقص کنند؛ مثل اینکه چشمش را کور کنند، یا عضوی از اعضایش را محو نمایند.

۱. محاسن، ص ۶۰۸، ح ۷.

۲. همان، ص ۶۰۹، ح ۹ و ۱۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۲۹، ح ۴ و ۷.

۴. محاسن، ص ۶۰۹، ح ۱۳.

## مجسمه‌سازی

۱. در احادیث معتبر آمده است: «هر کس مجسمه‌ای بسازد، در قیامت او را عذاب می‌کنند که به آن مجسمه روح بدمد و قادر بر این کار نخواهد بود».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «در خانه‌ای که مجسمه‌ای در برابر تو باشد نماز نخوان، مگر اینکه چاره‌ای نباشد که در این صورت سر آن مجسمه را قطع کن و نماز بگزار».<sup>۲</sup>

## نقاشی‌های ممنوع

۱. در حدیث است که جبرئیل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد: «ای محمد، پروردگارت سلام می‌رساند و تو را از کشیدن تصویر در خانه نهی می‌کند».<sup>۳</sup>
۲. در احادیث معتبر می‌خوانیم که: «جبرئیل گفت: ما فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ یا تصویر ذی روح، یا ظرفی که در آن بول کرده‌اند باشد، داخل نمی‌شویم».<sup>۴</sup>

## نقاشی‌های مجاز

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام در مورد بالش و فرش که در آن تصویر باشد پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویری که پامال شود و روی آن بنشینند یا راه روند، اشکالی ندارد که در خانه باشد».<sup>۵</sup>
۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر سر نقاشی و تصویر را

۱. محاسن، ص ۶۱۵، ح ۴۲ و ص ۶۱۶، ح ۴۳ و ۴۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱۰.

۲. محاسن، ص ۶۲۰، ح ۵۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۹.

۳. محاسن، ص ۶۱۴، ح ۳۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۶، ح ۱.

۴. محاسن، ص ۶۱۵، ح ۳۹؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۸، ح ۱۲.

۵. کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۶.

تغییر دهند و سایر بدنش به حال خود باشد، مانعی ندارد که در خانه باشد».<sup>۱</sup>  
۳. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام در مورد نقاشی درخت و آفتاب و ماه پرسیدند؟ حضرت فرمود: «تصویر موجودات بی روح اشکالی ندارد».<sup>۲</sup>

## ۴ آداب فرش کردن خانه

فرشی که بدان نیاز است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان فرشی برای خود و فرشی برای زوجه و فرشی برای میهمانش نیاز دارد و اضافه بر آن از شیطان است».<sup>۳</sup>

## فرش جهیزیه همسران

۱. در حدیث است که جمعی به خانه امام سجّاد علیه السلام رفته و بالش‌ها و فرش‌های نفیسی دیدند. عرض کردند: در خانه شما چیزهایی می‌بینیم که خوش نداریم در خانه شما باشد. حضرت فرمود: «ما همسرانی می‌گیریم و مهرشان را می‌پردازیم، آنچه از برای خود می‌خرند از ما نیست (بلکه تعلق به خودشان دارد و آنچه می‌بینید از این قبیل است)».<sup>۴</sup>  
۲. در حدیثی دیگر آمده است که شخصی خدمت امام باقر علیه السلام رسید مشاهده کرد آن حضرت در خانه مزین نشسته که فرش‌های زیبایی در آن گسترده‌اند. روز دیگر خدمت حضرت رسید دید در خانه‌ای نشسته که جز حصیر چیزی در آن نیست و پیراهنی ساده و گشاد پوشیده است (گفت: از آنچه روز گذشته

۱. محاسن، ص ۶۱۹، ح ۵۶؛ کافی، ج ۶، ص ۵۲۷، ح ۸.

۲. محاسن، ص ۶۱۹، ح ۵۴؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۷۹، ح ۶.

۴. همان، ص ۴۷۶، ح ۱.

و امروز دیدم متعجب شدم) حضرت فرمود: «آنچه دیروز دیدی خانه من نبود، بلکه متعلق به همسرم بود و دیروز نوبت او بود».<sup>۱</sup>

### چگونگی فرش

#### فرش حضرات معصومین علیهم السلام

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام در فصل تابستان بر روی حصیر و در زمستان بر روی پلاس<sup>۲</sup> می‌نشست و در خانه لباس گشاد می‌پوشید، اما در بیرون خانه و در برابر مردم، آراسته ظاهر می‌شد.<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی معتبر آمده است: هنگامی که حضرت علی علیه السلام با حضرت فاطمه علیها السلام ازدواج کرد روپوش آنها عبا و فرششان پوست گوسفند و بالششان پوستی بود که داخل آن را از لیف خرما پر کرده بودند.<sup>۴</sup>
۳. در حدیث است که در خانه امام زین العابدین علیه السلام بالش‌ها و نمدهایی بود که در آن صورت‌ها و شکل‌هایی نقش بسته بود و آن حضرت بر روی آن می‌نشست.<sup>۵</sup>

#### فرش ابریشم و فرش‌های دارای نقش

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: آیا می‌توان بر فرش ابریشم خوابید و بر آن تکیه زد و نماز خواند؟ حضرت فرمود: «می‌توانی به زیر پایندازی و بر روی آن بایستی، ولی بر روی آن (بدون مهر) سجده نکن».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۵.

۲. گلیم، فرشی از پشم (که) به رنگ‌های مختلف می‌بافند و پرز ندارد (فرهنگ عمید).

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۲، باب ۴۴، ح ۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۱۱۷.

۴. مکارم الأخلاق، ص ۱۳۱.

۵. کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۴.

۶. همان، ح ۸.

۲. در روایتی صحیح آمده است که شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: استفاده کردن از فرشی که تصویر دارد چگونه است؟ فرمود: «عجم‌ها به چنین فرش‌هایی اهمّیت می‌دهند، ولی ما آن را دوست نداریم».<sup>۱</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیار اتفاق می‌افتد که به هنگام نماز در جلوی من بالشی وجود دارد که در آن عکس پرندگان به تصویر کشیده شده است، بر روی آن چیزی می‌اندازم و مشغول نماز می‌شوم و چندین فرش از شام برای من هدیه آورده‌اند که عکس پرندگان در آن نقش شده است، دستور دادم سرهای آنها را تغییر داده و به صورت درخت درآوردند».<sup>۲</sup>
۴. در روایتی دیگر می‌خوانیم که از آن حضرت پرسیدند: گاه بالش‌هایی برای ما می‌گذارند که در آن تصویری وجود دارد و ما بر روی آن می‌نشینیم چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «آنچه را که فرش کرده و بر روی زمین بگسترند و بر روی آن راه می‌روند اشکالی ندارد، اما تصویری که بر دیوار و تخت نصب می‌شود کراهت دارد».<sup>۳</sup>

## ۵ آداب عبادت کردن در خانه

### محلّ ویژه عبادت

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «حضرت علی علیه السلام در خانه خود اتاقی داشت که جز فرش و شمشیر و قرآن چیز دیگری در آن نبود و در آن نماز می‌خواند».<sup>۴</sup>
۲. نیز در حدیثی موثّق آمده است که فرمود: «حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۷۷، ح ۷.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۸۸ و ۳۲۴.

۴. محاسن، ص ۶۱۲، ح ۲۹.

خانه خود حجره‌ای قرار داده بود که نه کوچک بود و نه بزرگ و از آن به عنوان نمازخانه استفاده می‌کرد. شب هنگام (برای اینکه تنها نباشد) طفلی را با خود به آن حجره می‌برد و در آنجا نماز می‌خواند.<sup>۱</sup>

۳. در روایتی موثق می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام به مسمع نوشت: «دوست دارم که در خانه‌ات نمازخانه‌ای برای خود قرار دهی و دو لباس بلند بیوشی و به نمازخانه‌ات بروی و از خداوند درخواست کنی که تو را از آتش دوزخ آزاد و وارد بهشت کند. و دعای نامشروع و نفرین بر کسی نکن.»<sup>۲</sup>

### فلسفه عبادت در خانه

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خانه‌های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید و آن را همچون گور نسازید، همان‌گونه که یهود و نصاری کردند که نماز را در معابدشان خوانده و خانه‌های خود را معطل می‌گذاشتند، زیرا در خانه‌ای که قرآن بسیار تلاوت شود خیر آن بسیار می‌شود و اهلش به رفاه و نعمت می‌رسند و آن خانه به اهل زمین روشنی می‌دهد.»<sup>۳</sup>

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اهل آسمان خانه‌ای را که مسلمانی در آن قرآن می‌خواند به یکدیگر نشان می‌دهند، همان‌گونه که زمینیان ستارگان آسمان را به یکدیگر نشان می‌دهند.»<sup>۴</sup>

۱. علامه مجلسی در ذیل حدیث مزبور می‌گوید: «از آنجا که مستحب است انسان در خانه تنها نباشد (اگرچه در حال نماز باشد)، حضرت کسی را همراه خود به آن اتاق می‌برد. و علت آنکه کودک به همراه می‌برد این بوده که حمل بر ریا نشود؛ چون ممکن است با بودن افراد بزرگ‌تر چنین حالتی به وجود آید؛ البته در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین چیزی متصور نیست، ولی برای دیگران تذکر محسوب می‌شود». محاسن، ص ۶۱۲، ج ۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲. محاسن، ص ۶۱۲، ج ۳۱.

۳. کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ج ۱.

۴. همان، ج ۲.

۳. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برکت خانه‌ای که در آن قرآن خوانده و خداوند یاد شود، بسیار زیاد می‌گردد. و فرشتگان در چنین خانه‌ای حاضر و شیاطین از آن دور می‌شوند. و چنین خانه‌ای به آسمانیان روشنایی می‌دهد، همان‌گونه که ستارگان آسمان به زمینیان روشنی می‌دهند. و برکت خانه‌ای که در آن قرآن نخوانند و خداوند یاد نشود، کم شده و فرشتگان از آن دوری کرده و شیاطین در آن خانه حاضر می‌شوند».<sup>۱</sup>

## ۶ نگهداری حیوانات در خانه

### فضیلت نگهداری کبوتر

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر از مرغان پیامبران است».<sup>۲</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «کبوتران حرم، نسل چند کبوترند که حضرت اسماعیل علیه السلام نگهداری می‌کرد و با آنها انس می‌گرفت».<sup>۳</sup> بنابراین، مستحب است چند کبوتری که بالشان چیده باشد در خانه نگاه دارید و به آنها انس بگیرید.
۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک جفت کبوتر سرخ در خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود».<sup>۴</sup>
۴. در حدیث است که شخصی به نام عبدالکریم می‌گوید: به خانه امام کاظم علیه السلام رفتم، در آنجا سه کبوتر سبز دیدم. عرض کردم اینها خانه را کثیف می‌کنند. فرمود: «نگاه داشتن اینها در خانه مستحب است».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۳.

۲. همان، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۱.

۳. همان، ح ۳.

۴. همان، ص ۵۴۸، ح ۱۶.

۵. همان، ح ۱۵.

۵. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که راوی گفت آن حضرت را دیدم که برای چند کبوتری که در خانه‌اش بود نان خرد می‌کرد.<sup>۱</sup>

۶. در حدیث است که محمد بن کرامه می‌گوید: یک جفت کبوتر در خانه امام کاظم علیه السلام دیدم. کبوتر نر سبزرنگ بود و نقطه‌های سفید داشت و کبوتر ماده سیاه‌رنگ بود و حضرت برای آنها نان خرد می‌کرد. حضرت فرمود: «اینها در شب حرکت کرده و مونس من اند.»<sup>۲</sup>

### فواید نگهداری کبوتر

۱. در چندین روایت آمده است که: کبوتران خانگی یا کبوتران یاهو<sup>۳</sup>، بسیار یاد خدا می‌کنند و اهل بیت را دوست می‌دارند و دعا می‌کنند که خداوند صاحب خانه را برکت دهد.<sup>۴</sup>

۲. در حدیث است که داوود بن فرقد گوید: در خانه حضرت صادق علیه السلام کبوتر رابعی<sup>۵</sup> دیدم که بسیار می‌خواند. حضرت فرمود: «می‌دانی این کبوتر چه می‌گوید؟» گفتم: نه. فرمود: «بر قاتلان امام حسین علیه السلام نفرین می‌کند؛ بنابراین، آنها را در خانه خود نگاه دارید.»<sup>۶</sup>

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در خانه کبوتر نگاه دارید که دوست داشتنی و دعا کرده حضرت نوح علیه السلام است و هیچ چیز در خانه مانند کبوتر

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۴۸، ح ۱۴.

۲. طب الأئمة، ص ۱۱۱.

۳. «کبوتر یاهو» نوعی از کبوتر است که صدای یاهو می‌دهد (فرهنگ متوسط دهخدا).

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، باب الورشان.

۵. طبق آنچه که در پاورقی کافی، ج ۶، ص ۵۴۱ به نقل از حياة الحيوان نقل شده، «رابعی» پرنده‌ای است که از جفت‌گیری «ورشان» و کبوتر به دنیا می‌آید و شکل عجیبی دارد و طبق آنچه در فرهنگ عمید آمده، ورشان نوعی کبوتر صحرایی تیره رنگ است که روی دمش سفید است.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۴۷، ح ۱۰.



باعث اُنس نمی شود».<sup>۱</sup>

۴. در حدیث است که شخصی به حضرت رسول ﷺ از تنهایی شکایت کرد. حضرت فرمود: «یک جفت کبوتر در خانه نگهداری کن».<sup>۲</sup>
۵. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر بالی که کبوتر می زند باعث نفرت و گریختن شیاطین می شود».<sup>۳</sup>
۶. در چندین حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کبوتر را که به جای دور می فرستند تا سی فرسخ پرواز می کند و از روی دانایی برمی گردد. و مسافتی را که بیش از این می رود از روی دانایی و معرفت نیست، بلکه برای یافتن غذا می آید».<sup>۴</sup>
- (البته باید توجه داشت که نگهداری کبوتر در خانه به معنای کبوتربازی نیست و مرحوم صاحب جواهر در کتاب مشهور فقهی خود نگهداری کبوتر را سه گونه می شمارد: اول نگهداری برای اُنس که می فرماید جایز است. دوم نگهداری برای فال نیک و بد زدن که این کار را مکروه می داند. سوم نگهداری به منظور برد و باخت و می گوید این کار حرام است).<sup>۵</sup>

### نگهداری خروس

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «به خروس ناسزا نگویند که مردم را برای نماز بیدار می کند».<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۴۶، ح ۷.

۲. همان، ح ۶.

۳. همان، ص ۵۴۷، ح ۹.

۴. همان، ص ۵۴۹، باب ارسال الطیر، ح ۱ و ۲.

۵. جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۵۵.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فریاد خروس نماز اوست و بال زدنش، رکوع و سجود».<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خروس سفید یار من و یاور هر مؤمنی است».<sup>۲</sup> (چون از وقت نماز خبر می دهد).

## ۷ اهمّیت دامداری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «گوسفند نگه دارید و شتر نگه ندارید».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «گوسفند خوب مالی است».<sup>۴</sup>
۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده‌ای که یک گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آن گوسفند را به آنها می دهد و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر، یک منزل از ایشان دور شود. و اگر دو گوسفند نگهداری کند خداوند روزی آنها را برساند و روزی اهل خانواده را زیاد کند و پریشانی، دو منزل از ایشان دور شود. و اگر سه گوسفند نگهداری کند خداوند روزی گوسفندان را برساند و روزی اهل خانه را زیاد کند و فقر و پریشانی آنها از ریشه برطرف گردد».<sup>۵</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر خانواده‌ای که گوسفند

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، ح ۶

۲. همان، ح ۴.

۳. محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۵۰؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۱.

۴. محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۴۹؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۶۴۱، ح ۱۵۴؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۴.

شیردهی داشته باشد، هر روز فرشتگان دو بار به آنها گویند: خدا شما را برکت دهد.<sup>۱</sup>

۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خداوند سه برکت فرستاده است: آب و آتش و گوسفند».<sup>۲</sup>

۶. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر خانواده ای که در هر شب سی گوسفند نزد آنها باشد، ملائکه تا صبح از آنها نگهداری می کنند».<sup>۳</sup>

۷. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که گوسفندی را نگاه می دارید خوابگاهشان را پاکیزه و خاک از تنشان پاک کنید».<sup>۴</sup>

۸. در حدیثی دیگر فرمود: «هر مؤمنی که در خانه اش یک بز شیرده داشته باشد، هر روز فرشته ای صبح هنگام او را این گونه دعا کند: «پاک و مطهر باشید، خداوند به شما برکت دهد. احوال شما و نانخورش شما نیکو باد» و اگر دو بز شیرده داشته باشد، هر روز آن فرشته آن دعا را تکرار می کند».<sup>۵</sup>

۹. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول ﷺ به عمه خود فرمود: «چرا در خانه ات برکتی نگهداری نمی کنی؟» عرض کرد: ای رسول خدا، برکت کدام است؟ فرمود: «گوسفندی که شیر دهد». سپس فرمود: «هر کس در خانه اش گوسفند شیرده، یا بز شیرده، یا گاو شیرده داشته باشد، باعث برکت خانه او می شود».<sup>۶</sup>

۱. محاسن، ص ۶۴۳، ح ۱۶۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۵.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۸.

۳. محاسن، ص ۶۴۳، ح ۱۶۱؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۹.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۳.

۵. محاسن، ص ۶۴۰، ح ۱۵۲؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۴، ح ۶.

۶. محاسن، ص ۶۴۱، ح ۱۵۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۵، ح ۷.

## ۸ نگهداری پرندگان و حیوانات دیگر

### پرندگان

#### فاخته<sup>۱</sup>

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که: فاخته‌ای در خانه امام باقر علیه السلام بود. روزی آن حضرت شنید که آن پرنده چیزی می‌خواند. فرمود: «می‌دانید چه می‌گوید؟» گفتند: نه. فرمود: «می‌گوید: فَقَدْ تُكْمُ فَقَدْ تُكْمُ؛ نیست شوید، نابود شوید». سپس فرمود: «ما آن را دور می‌کنیم پیش از آنکه او ما را دور کند».<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که روزی امام صادق علیه السلام به خانه پسرش اسماعیل رفت، مشاهده کرد که فاخته‌ای در قفس کرده و آن حیوان می‌خواند. حضرت به فرزندش فرمود: «فرزندم، چه چیز باعث شده است که این فاخته را نگهداری کنی؟ مگر نمی‌دانی که این حیوان صاحب‌خانه را نفرین می‌کند؟»<sup>۳</sup> (شاید این حیوان منشأ بیماری‌هایی است که آمدن آن در داخل زندگی انسان خطرآفرین باشد).

#### پرستو، زنبور عسل، کرکس، قورباغه

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: روزی حضرت صادق علیه السلام در جایی نشسته بود. شخصی از آنجا عبور کرد در حالی که پرستوی کشته‌ای در دست داشت. حضرت برخاست و آن حیوان را از دست او گرفت و بر زمین زد و فرمود: «آیا عالم شما دستور ذبح این حیوان را داده، یا فقیه شما چنین سفارشی کرده است؟ پدرم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داد که از کشتن شش حیوان نهی کرد: زنبور

۱. «فاخته» پرنده‌ای است خاکی‌رنگ شبیه کبوتر، کمی کوچک‌تر از آن. دور گردنش طوقی سیاه دارد، در عربی نیز فاخته (به کسر خا) گفته می‌شود (فرهنگ عمید).

۲. کافی، ج ۶، ص ۵۵۱، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

عسل، مورچه، قورباغه، هدهد، صرد، پرستو. اما زنبور عسل، از آن رو که پاکیزه می خورد و پاکیزه دفع می کند و این چیزی است که خداوند به او وحی کرده که نه از جن است و نه از انس، آنجا که فرماید: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِۙ ۱﴾ و اما مورچه، زیرا در زمان حضرت سلیمان علیه السلام قحطی شد، آن حضرت همراه یارانش برای طلب باران به خارج شهر رفتند. ناگاه آن حضرت مورچه ای را دید که بر روی پاهای خود ایستاده و دستانش را به سمت آسمان بلند کرده و می گوید: «پروردگارا، ما از جمله مخلوقات تو هستیم و از روزی تو بی نیاز نیستیم، پس به ما روزی بده و ما را به گناهان بی خردان از فرزندان آدم مجازات نکن!» حضرت سلیمان علیه السلام با مشاهده این صحنه به اصحابش گفت: بازگردید که خداوند به سبب دعای دیگران (مورچه) باران می فرستد. و اما قورباغه، هنگامی که نمرود برای سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام آتش افروخت، حیوانات زمین از خداوند اجازه خواستند که آب بر آتش بریزند. خداوند متعال به هیچ یک از آنان جز یک سومشان چنین رخصتی نداد که در نتیجه دوسوم از آنها بر اثر آتش سوخته و یک سومشان باقی ماند. و اما هدهد، از آن رو که دلیل و راهنمای حضرت سلیمان علیه السلام به سوی بلقیس بود. و اما صرد (مرغی که سری بزرگ دارد و گنجشک شکار می کند) از آن رو که راهنمای حضرت آدم علیه السلام از بلاد «سراندیب» تا «جده» بود. و اما پرستو، زیرا... و ذکر تسبیحش سوره حمد است...»<sup>۲</sup>.

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «حرمت پرستو را نگاه دارید که بیش از دیگر پرندگان با انسان انس می گیرد و ذکرش سوره حمد است»<sup>۳</sup>.

۱. ترجمه: «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (والهام غریزی) کرد». سوره نحل، آیه ۶۸.

۲. خصال، ج ۱، ص ۲۹۰، ح ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۵، ح ۲۰.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۲۳، ح ۲.

## هدهد وچکاوک

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «در هر بال هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ؛ خاندان محمد، بهترین مخلوقات خدا هستند».<sup>۱</sup>
۲. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن هدهد پرسیده شد؟ فرمود: «آزارش نرسان و آن را ذبح نکن که مرغ نیکویی است».<sup>۲</sup>
۳. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «گوشت چکاوک را نخورید و به آن دشنام ندهید و آن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا بسیار تسبیح خدا می گوید و تسبیحش چنین است: لَعْنَةُ اللَّهِ مُبْعِضِي آلِ مُحَمَّدٍ».<sup>۳</sup>

## طاووس

۱. در حدیث است که در محضر امام رضا علیه السلام سخن از حُسن طاووس به میان آمد. حضرت فرمود: «حُسن هیچ حیوانی بهتر از خروس سفید نیست، چرا که خروس سفید آوازش خوش تر و برکتش بیشتر و تو را بر وقت نمازها آگاه می کند...».<sup>۴</sup>
۲. در حدیث است که طاووس یمانی خدمت امام صادق علیه السلام رسید. حضرت از او پرسید: «طاووس یمانی تو هستی؟» عرض کرد: آری. فرمود: «طاووس مرغ شومی است، وارد بر هیچ جمعیتی نمی شود، مگر اینکه آنها را آواره می کند».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۲۴، ح ۱.

۲. قرب الإسناد، ص ۲۲۵، ح ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷.

۳. ترجمه: «خداوند دشمنان آل محمد را از رحمت خود دور کند». کافی، ج ۶، ص ۲۲۵، ح ۱.

۴. کافی، ج ۶، ص ۵۵۰، ح ۳.

۵. تنبیه الخواطر، ص ۱۵.

### گنجشک

۱. در حدیث است که سالم خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. هنگامی که نشست جمعی از گنجشک‌ها صدا کردند. حضرت فرمود: «می‌دانی چه می‌گویند؟» عرض کرد: نه. فرمود: «می‌گویند: خداوندا، ما مخلوقاتی از آفریده‌های تو و محتاج روزی تو هستیم، غذا و آب ما را برسان.»<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام سخنانشان را چنین تفسیر کرد: «آنها تسبیح پروردگار می‌گویند و روزیشان را از خدا طلب می‌کنند.»<sup>۲</sup>

### وقت شکار پرندگان

در چندین حدیث آمده است که جوجه پرندگان را (قبل از فراگیری پرواز) شکار نکنید، بلکه اجازه دهید پرواز کنند سپس شکار نمایید. و شب برای شکار به آشیانه مرغان نروید که آنها شب در امانند.<sup>۳</sup>

### کشتن، آتش زدن و شکنجه حیوانات

۱. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مورچه سؤال کردند. حضرت فرمود: «آن را نکشید، مگر اینکه باعث آزار شما شود.»<sup>۴</sup>
۲. در حدیث است که از امام کاظم علیه السلام در مورد کشتن مار پرسیدند. حضرت به نقل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس مار را برای این نکشد که کشتن آن گناه است از من نیست، اما اگر برای این نکشد که حیوانی است که به وی آزاری

۱. بصائر الدرجات، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

۲. الاختصاص، ص ۲۹۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۱۶، ح ۲ و ۳.

۴. قرب الإسناد، ص ۲۲۵، ح ۱۱۴۶ و ۱۱۴۷.

- نرسانیده اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>
۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس مار (خطرناکی) را بکشد گویی کافر (حربی) را کشته است».<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله از کشتن پنج حیوان<sup>۳</sup> نهی کرد: صُرْد (کرکس)<sup>۴</sup> و صَوَام، هدهد، زنبور، مورچه، قورباغه و دستور کشتن چند حیوان را صادر کرد: ... مار، عقرب، سگ درنده».<sup>۵</sup>
۵. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی کرد از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند.<sup>۶</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال زنی را به جرم اینکه گربه‌ای را بسته بود تا از تشنگی مرد، عذاب کرد».<sup>۷</sup>

## ۹ نگهداری سگ در خانه

### کراهت و مجازات نگهداری سگ

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مکروه است مسلمان در خانه‌اش سگ نگه دارد».<sup>۸</sup> (مگر در مواردی که خواهد آمد).
۲. نیز در روایتی موثق فرمود: «هر کس در خانه‌اش سگ نگه دارد، هر روز مقداری از ثواب اعمالش کاسته می‌شود».<sup>۹</sup>

۱. معانی الأخبار، ص ۱۷۳.

۲. الجعفریات، ص ۲۴۵.

۳. قابل ذکر اینکه از کلام دمیری و بیشتر علمای لغت استفاده می‌شود که «صُرْد» و «صوام» یک حیوان است که به ضمیمه چهار حیوان دیگر، پنج حیوان محسوب می‌شوند. (بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۴، ح ۱۹).

۴. «صُرْد» مرغی است بزرگ سر که گنجشک شکار می‌کند و به آن شیرگنجشک نیز می‌گویند (فرهنگ عمید).

۵. خصال، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۶۴، ح ۱۹.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۵.

۷. ثواب الأعمال، ص ۳۲۷، ح ۶.

۸. کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۱.

۹. همان، ح ۲.



### موارد مجاز نگهداری سگ

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ به عده‌ای که خانه‌هایشان از شهر دور بود اجازه داد (که برای حفاظت) سگ نگاه دارند.<sup>۱</sup>
۲. در روایتی صحیح می‌خوانیم که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خیری در (نگهداری) سگ‌ها نیست، مگر سگ شکاری یا سگ گله (و سگ پاسبان)».<sup>۲</sup>
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سگ شکاری را در خانه نگهداری نکن، مگر اینکه بین تو و آن دری باشد که بر روی سگ بسته شود».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی موثق و معتبر آمده است که: حیوانات را به جنگ هم‌دیگر انداختن کار خوبی نیست، مگر سگی که برای شکار حیوانات بفرستند.<sup>۴</sup>
۵. در چندین روایت معتبر آمده است که: هرگاه حیوانی را سگ شکاری تعلیم دیده شکار کند، اگر هنگامی به آن بررسی که هنوز جان در بدن آن را ذبح کن و اگر جان نداشته باشد حلال است؛ مشروط بر اینکه به هنگام فرستادن سگ به سوی شکار، بسم الله گفته باشی و آنچه را حیوانات دیگر یا سگی که برای شکار تعلیم داده نشده شکار کنند، اگر زمانی به آن بررسی که هنوز جان دارد و آن را ذبح کنی حلال است؛ در غیر این صورت حرام است و هر حیوانی را که با تیر (پیکان‌دار یا بی‌پیکان) شکار کنی به گونه‌ای که تیر در بدنش فرو رود، چنانچه هنگامی به او بررسی که جان داشته باشد آن را ذبح کن و اگر جان داده باشد در صورتی که به هنگام انداختن تیر، نام خدا را برده باشی حلال است. و اگر با شمشیر و نیزه و سلاح‌های دیگر (از این قبیل) شکار کرده باشی همین حکم را دارد. و چنانچه با سنگ یا تفنگ یا کمان یا گلوله و سایر چیزهایی که از

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۵۲، ح ۲.

۲. همان، ص ۵۵۳، ح ۱۱.

۳. همان، ص ۵۵۲، ح ۴.

۴. همان، ح ۵.

جنس آهن نیست و شکار بر اثر سنگینی آن چیز از پا بیفتد، چنانچه زمانی به آن بررسی که جان داشته باشد و آن را ذبح کنی حلال است و گرنه حرام است».<sup>۱</sup>

### چیزهایی که حیوانات می فهمند و ما نمی فهمیم

در حدیثی معتبر می خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «از پی شکار نروید که بیم ضرر برای شما می رود و هنگامی که صدای سگ و فریاد الاغ را می شنوید از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببرید، زیرا آنها چیزی می بینند که شما نمی بینید».<sup>۲</sup>

## ۱۰ آداب خانه خریدن

### ولیمه خریدن و ساختن خانه

۱. در احادیث معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس خانه بخرد، مستحب است ولیمه و میهمانی دهد».<sup>۳</sup>
۲. نیز در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «هر کس خانه ای بسازد، گوسفندی چاق قربانی کند و گوشتش را به مردم فقیر نیازمند اطعام کند، سپس این دعا را بخواند: **اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي مَرْدَةَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَ بَارِكْ لِي فِي بَنَائِي**،<sup>۴</sup> آنچه را بخواهد خداوند به او می دهد».<sup>۵</sup>

### آداب چراغ افروختن

۱. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چهار چیز است که

۱. کافی، ج ۶، ص ۲۰۳، ح ۴ و ۵ و ص ۲۰۵، ح ۱۴.

۲. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲ و ۵۸۳، باب ۳۸۵، ح ۲۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۲۸۱، ح ۳.

۴. ترجمه: «بار خدایا، دیوان متمرد و آدمیان نافرمان و شیاطین (رانده شده) را از من دور ساز و این خانه را بر من مبارک گردان».

۵. ثواب الأعمال، ص ۲۲۱.

کسی از آن نفعی نمی‌برد و تباه می‌شود، یکی از آنها روشن کردن چراغ (به هنگام روشنی هوا) در ماهتاب است.<sup>۱</sup>

۲. از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پنج چیز تباه می‌شود: چراغی که هنگام آفتاب روشن کنند نور آن ضایع شده و از روشنایی اش بهره‌ای برده نمی‌شود، بارانی که بر زمین شوره‌زار ببارد تباه شده و از آن نفعی برده نمی‌شود، غذایی که تهیه‌کننده آن خود را به زحمت بیندازد و آن را به کسی دهد که سیر باشد و از آن استفاده نکند، زن زیبا و خوشرویی که عروسش کند و نزد شوهر عینین ببرند، نیکی به شخصی که شکر نکند».<sup>۲</sup>

۳. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «روشن کردن چراغ (اندکی) پیش از غروب آفتاب، پریشانی را برطرف و روزی را فراوان می‌کند».<sup>۳</sup>

۴. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «وارد شدن به خانه تاریک کراهت دارد، مگر اینکه چراغی یا آتشی افروخته باشند».<sup>۴</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که چراغی به داخل خانه می‌آورند این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَ لَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ وَ اجْعَلْ لَنَا نُوراً، إِنَّكَ نُورٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**<sup>۵</sup> و هنگامی که چراغ را خاموش کند بگوید: **اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ**».<sup>۶</sup>

۱. خصال، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۲، ح ۱۰.

۲. امالی طوسی، ج ۱، ص ۲۹۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۳.

۴. همان، ص ۵۳۴، ح ۶.

۵. ترجمه: «بار خدایا، برای ما نوری قرار ده که با آن در بین مردم رفت و آمد کنیم (و دوست را از دشمن بشناسیم) و در روزی که تو را ملاقات می‌کنیم از نور خود ما را محروم نکن و از برای ما (در آن روز) نوری قرار ده، زیرا تو نوری و معبودی جز تو نیست».

۶. ترجمه: «خدایا، ما را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت کن». مکارم الأخلاق، ص ۲۸۸.

## ۱۱) سایر آداب خانه

### مکروهات

#### سکونت در خانه بی‌در و پرده

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خوابیدن در اتاقی که در و پرده ندارد مکروه است».<sup>۱</sup>

#### تنها خوابیدن

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس بر روی قبری ادرار یا مدفوع کند، یا ایستاده ادرار کند، یا در خانه تنها بخوابد، یا با دست آلوده به غذا بخوابد، شیطان بر او مسلط شود و عقلش را بگیرد».<sup>۲</sup>

۲. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که آن حضرت از شخصی پرسید: «در کجا ساکن شده‌ای؟» گفت: در فلان مکان. فرمود: «آیا در آنجا کسی با تو هست؟» گفت: نه. فرمود: «در آن خانه تنها نباش و از آنجا به خانه دیگر برو که شیطان هیچ‌گاه مانند وقتی که انسان در خانه تنهاست بر وی جرأت ندارد».<sup>۳</sup>

#### نگهداری خاکروبه و دستمال آلوده در خانه

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خاکروبه خانه را شب در خانه نگذارید و بیرون بگذارید که شیطان در آن جای می‌گیرد».<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «دستمال گوشت را شب در خانه نگذارید که آن خوابگاه شیطان است. و خاکروبه را در پشت در

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۳، ح ۵.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، ص ۵۳۴، ح ۸.

۴. همان، ص ۵۳۱، ح ۶.

خانه جمع نکنید که آن لانه شیطان است. و هنگامی که به در اتاق می‌رسید بسم الله بگویید که شیطان می‌گریزد و هرگاه وارد اتاق شوید سلام کنید که برکت نازل می‌شود و ملائکه انس می‌گیرند.<sup>۱</sup>

۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «خاکروبه را شب در خانه نگذارید و روز بیرون ببرید که لانه شیطان است».<sup>۲</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «دستمالی که با آن دستانتان را پاک کرده‌اید و آلوده به غذا و چربی است، شب نشسته در خانه نگذارید که خوابگاه شیطان است».<sup>۳</sup>

### نگاه کردن به خانه همسایه

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ نهی کرد از اینکه کسی به خانه همسایه خود نگاه کند.<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «خداوند شش خصلت را برای من نخواست و من آنها را برای امامان از فرزندانم و شیعیان‌شان نمی‌خواهم: بازی کردن با دست و ریش و لباس در حال نماز، دشنام دادن (به‌ویژه با زبان روزه)، منت گذاشتن بعد از صدقه دادن، رفتن به مسجد در حالت جنابت، خندیدن در قبرستان، نگاه کردن از پشت بام به خانه‌های مردم».<sup>۵</sup>

۳. نیز در حدیثی صحیح می‌خوانیم که: روزی حضرت رسول ﷺ در اتاق یکی از همسرانش بود که شخصی از سوراخ در به آن اتاق نگاه کرد. حضرت فرمود: «اگر نزدیک بودم به چشم‌ت آسیب می‌رساندم».<sup>۶</sup>

۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۲۳.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۸.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۲۹.

۵. محاسن، ص ۱۰، ح ۳۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۵۷۵.

۶. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۴، ح ۲۲۶.

## مستحبات خانه‌داری

### جاروب کردن

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «جاروب کردن خانه پریشانی را برطرف می‌کند».<sup>۱</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شستن ظرف‌ها و جارو کردن خانه‌ها (اعم از اتاق‌ها و حیاط) روزی را زیاد می‌کند».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «حیاط خانه‌های خود را جاروب کنید و شبیه برخی بیگانگان از اسلام نشوید که جاروب نمی‌کنند».<sup>۳</sup>

### پاک کردن تار عنکبوت‌ها

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خانه‌های خود را از تار عنکبوت پاک کنید که باقی ماندن آن در خانه باعث فقر و پریشانی می‌شود».<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «تارهای عنکبوت و ماندن خاکروبه در خانه باعث فقر و پریشانی می‌شود».<sup>۵</sup>
۳. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خانه شیطان در خانه‌های شما جایی است که عنکبوت می‌تند».<sup>۶</sup>

### بستن در ظرف آب و غذا و حفاظت از کودکان و چهارپایان

۱. در حدیثی موثق می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «در ظرف‌های آب

۱. محاسن، ص ۶۲۴، ح ۷۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۸.

۲. خصال، ج ۱، ص ۹۳، ح ۶۳؛ بحارالأنوار، ج ۶۴، ص ۴۰۴، ح ۱.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۵.

۴. محاسن، ص ۶۲۴، ح ۷۸.

۵. خصال، ج ۲، ص ۲۷۷؛ بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۶، ح ۶.

۶. کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۱.

و غذا و در خانه‌ها را ببندید که شیطان در بسته و ظرف سر بسته را نمی‌گشاید».<sup>۱</sup>  
 ۲. در حدیثی دیگر فرمود: «ظرف‌های خود را بدون سرپوش نگذارید، زیرا شیطان در ظرف بی سرپوش آب دهان می‌اندازد و از آنچه در آن است می‌خورد».<sup>۲</sup>  
 ۳. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «از چهارپایان، اطفال و یاران خود پس از غروب آفتاب تا هنگام خوابیدن محافظت کنید که در این اوقات شیاطین بر آنها مسلط می‌شوند».<sup>۳</sup>

## ۱۲ آداب وارد شدن و بیرون رفتن از خانه

### آداب وارد شدن به خانه

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت علی علیه السلام فرمود: «هنگامی که انسان می‌خواهد وارد خانه‌اش شود بر اهل خانه سلام کند. و اگر خانواده‌ای ندارد بگوید: السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا و هنگام وارد شدن به خانه سوره توحید بخواند که فقر و پریشانی را برطرف می‌کند».<sup>۴</sup> و هرگاه بخواهد به دنبال کار (مهمی) برود روز پنجشنبه را انتخاب کند و آیات سوره آل عمران از ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ تا ﴿إِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ﴾<sup>۵</sup> و همچنین آیه الكرسي و سوره انا أنزلناه و سوره حمد را بخواند».<sup>۷</sup>  
 ۲. در حدیثی دیگر فرمود: «به هنگام وارد شدن به خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ،

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۲، ح ۱۲.

۲. محاسن، ص ۵۸۴، ح ۷۵.

۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۲۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۶۶، ح ۱.

۵. سوره آل عمران، آیه ۱۹۰.

۶. سوره آل عمران، آیه ۱۹۴.

۷. خصال، ج ۲، ص ۴۱۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۶۶، ح ۱.

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ<sup>۱</sup>، سپس بر اهل خانه سلام کند و اگر کسی در خانه نباشد، پس از این دعا بگوید: السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ الْهَادِيَةِ الْمَهْدِيَّينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ<sup>۲</sup>.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ<sup>۳</sup>، سپس هر یک از سوره‌های حمد و توحید و ناس و فلق و آیه الکرسی را از جانب جلو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین بخواند»<sup>۴</sup>.

### دعای هنگام بیرون رفتن از خانه

۱. در حدیث است که هرگاه امام باقر علیه السلام از خانه خارج می‌شد چنین دعا می‌کرد: «بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»<sup>۵</sup>.

۲. در حدیث است که امام صادق علیه السلام به هنگام بیرون رفتن از خانه چنین دعا می‌کرد: «اللَّهُمَّ بِكَ خَرَجْتُ وَ لَكَ اسَلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَ ارْزُقْنِي فَوْزَهُ وَ فَتْحَهُ وَ نَصْرَهُ وَ طُهْرَهُ وَ هُدَاهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِيهِ. بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي

۱. ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می‌کنم). شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست».

۲. ترجمه: «سلام بر محمد بن عبدالله، خاتم پیامبران، سلام بر امامان هدایت شده هدایت‌کننده، سلام بر ما و بندگان صالح و شایسته خدا». مکارم الأخلاق، ص ۳۴۵.

۳. ترجمه: «به نام خدا به (ذات پاک) خدا (شروع می‌کنم). هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خداوند نیست. بر خدا توکل می‌کنم».

۴. مکارم الأخلاق، ص ۳۴۵.

۵. ترجمه: «به نام خداوند خارج شدم و بر خدا توکل کردم، (و) هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خداوند نیست». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۰.



خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِي فِي خُرُوجِي وَانْفَعْنِي بِهِ»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیثی دیگر می‌خوانیم که آن حضرت فرمود: «هنگام بیرون رفتن از خانه این دعا را بخوان: بِسْمِ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَاتِّمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنِي رَاغِبًا فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>۲</sup>.

۴. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که پدرم (امام کاظم علیه السلام) از خانه بیرون می‌آمد این دعا را می‌خواند: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِي وَقُوَّتِي بَلْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ، مُتَعَرِّضًا لِرِزْقِكَ، فَأَتَيْتَنِي بِهِ فِي عَافِيَةٍ»<sup>۳</sup>.

### فایده دعا خواندن هنگام بیرون رفتن از خانه

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی هنگام بیرون رفتن از

۱. ترجمه: «بار خدایا، به کمک تو خارج شدم و در برابر تو تسلیم هستم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل کردم. بار خدایا، این روز را بر من مبارک گردان و بیروزی و گشایش و یاری و پاکی و هدایت و برکتش را روزی ام کن و شرّ آن و شرّ آنچه در آن است را از من بازگردان. به نام خدا و به ذات (پاک) او (شروع می‌کنم). خداوند بزرگ‌تر از آن است که به وصف آید. و حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. بار خدایا، بیرون آمدم، پس خروج مرا مبارک کن و از این رهگذر سودی عایدم کن». کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۶.

۲. ترجمه: «به نام خدا. بر خدا توکل کردم. آنچه خداوند بخواهد انجام می‌شود. هیچ پناهگاه و قدرتی نیست مگر به ذات خدا. بار خدایا، خیر آنچه را که برای آن خارج شده‌ام از تو می‌خواهم و به تو پناه می‌برم از شرّ آنچه به سوی آن خارج شده‌ام. بار خدایا، فضل و کرمت را بر من بگستران و نعمت خود را بر من تمام کن و مرا بر طاعت خود وادار و مرا نسبت به آنچه در نزد تو است راغب گردان و در راحت و بر آیین خود و آیین رسولت صلی الله علیه و آله بمیران». محاسن، ص ۳۵۱، ح ۳۸؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۵.

۳. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. به حول و قوه الهی خارج شدم، نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه تو ای پروردگار من، در حالی که خواهان روزی تو هستم، آن را با عافیت به من عطا کن». محاسن، ص ۳۵۲، ح ۳۹؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۷.

خانه «بِسْمِ اللَّهِ» بگوید، ملائکه به او می‌گویند: سلامت ماندی. و هنگامی که «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بگوید، فرشتگان گویند: کارهایت انجام شد. و هرگاه «تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ» بگوید، ملائکه گویند: از بلاها ننگه داشته شدی.<sup>۱</sup>

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه نگین انگشترش را به سمت کف دست برگرداند و در آن نظر کند، سپس سوره انا انزلناه را بخواند و در پایان بگوید: آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ<sup>۲</sup> در آن روز چیز ناخوشایندی نبیند.»<sup>۳</sup>

۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند گناهانش را بیامرزد و توبه‌اش را قبول کند و کارهایش را آماده سازد و او را از بدی‌ها و شرور محافظت نماید: اَعُوذُ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ، مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ، الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ، مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ غَيْرِي وَمِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَالْهَوَامِ وَمِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا، أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ.»<sup>۴</sup>

۴. در حدیثی موثق می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس در هنگام بیرون آمدن از خانه این دعا را بخواند، خداوند کارهای دنیا و آخرت او را برآورده سازد: بِسْمِ اللَّهِ. حَسْبِيَ اللَّهُ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ. اَللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ خَيْرَ اُمُورِي كُلِّهَا

۱. قرب الإسناد، ص ۲۰۱؛ ثواب الأعمال، ص ۱۹۵.

۲. ترجمه: «به خداوند یکتا که شریکی ندارد ایمان آوردم. به امور پنهان و آشکار آل محمد (نبی) ایمان آوردم.»

۳. مکارم الأخلاق، ص ۳۲۵.

۴. ترجمه: «پناه می‌برم به آنچه که ملائکه و فرستادگان خداوند به آن پناه می‌برند، از شر این روز جدید، هنگامی که خورشید آن غروب کند باز نمی‌گردد و از شر نفسم و از شر دیگران و از شر شیاطین و از شر دشمنان اولیاء الله و از شر جن و انس و از شر درندگان و گزندگان و از شر ارتکاب گناهان، از تمام بدی‌ها به خداوند پناه می‌برم.» محاسن، ص ۳۵۰، ح ۳۴۰؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۱، ح ۴.

وَاعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الآخِرَةِ».<sup>۱</sup>

۵. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به هنگام بیرون رفتن از خانه ده مرتبه سوره توحید بخواند، پیوسته در حفظ و حمایت پروردگار باشد تا به خانه اش بازگردد».<sup>۲</sup>

۶. در حدیثی دیگر فرمود: «چنانچه انسان وقت بیرون رفتن از خانه الله اکبر بگوید و پس از آن سه مرتبه بِاللهِ أَخْرُجُ وَ بِاللهِ أَدْخُلُ وَ عَلَى اللهِ اتَّوَكَّلُ<sup>۳</sup> بگوید، سپس سه مرتبه این دعا را بخواند: اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ فِيْ وَجْهِ هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ وَ قِنِيْ شَرَّ كُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اَخِذُ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّ رَبِّيْ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ<sup>۴</sup> پیوسته در حفظ الهی باشد، تا زمانی که او را به مکانی که حرکت کرده بود برگرداند».<sup>۵</sup>

۷. در حدیثی صحیح و معتبر می خوانیم که امام رضا علیه السلام فرمود: «هنگامی که از خانه بیرون می روی بگو: بِسْمِ اللهِ اٰمَنْتُ بِاللهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، مَا شَاءَ اللهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ».<sup>۶</sup>

### طلب حاجت کردن

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر زمان برای حلّ مشکلی از خانه بیرون می روی در روز خارج شوید، چراکه در شب مشکلات حل نمی شود».<sup>۷</sup>

۱. ترجمه: «به نام خدا. خدا مرا کافی است. بر خدا توکل کردم. بار خدایا، خیر تمام کارهایم را از تو می خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می برم». محاسن، ص ۳۵۱، ح ۳۷؛ کافی، ج ۲، ص ۵۴۹، ح ۳.

۲. کافی، ج ۲، ص ۵۴۲، ح ۸.

۳. ترجمه: «به کمک خداوند از منزل خارج می شوم و به کمک خداوند به منزل بازمی گردم و بر خداوند توکل می کنم».

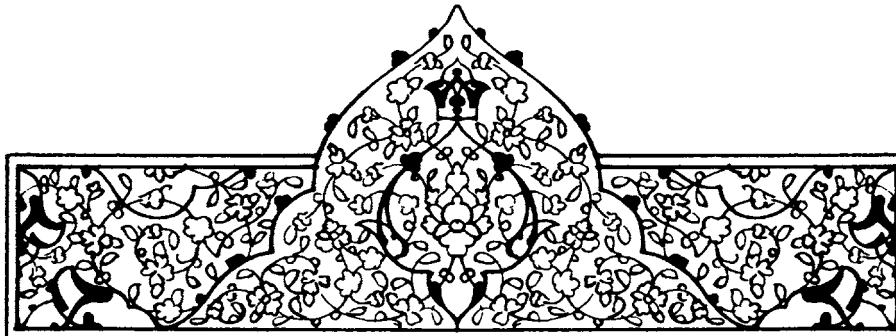
۴. ترجمه: «بار خدایا، درهای خیر را در این مسیر به روی من بگشا و آن را ختم به نیکی کن و مرا از شرّ هر جنبنده ای که زمامش به دست تو است حفظ کن. همانا (امر) پروردگارم بر صراط مستقیم است».

۵. کافی، ج ۲، ص ۵۴۰، ح ۱.

۶. ترجمه: «به نام خدا. به خدا ایمان آوردم، بر او توکل کردم، آنچه او بخواهد می شود، هیچ پناهگاه و قدرتی جز از سوی خدا نیست». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۲.

۷. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۶۶.





## فصل سیزدهم:

# آداب پیاده‌روی، سواری، تجارت، زراعت

۱. سوار شدن چهارپایان
۲. آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان
۳. آداب زین کردن و لجام زدن
۴. دعاها و آداب سواری
۵. آداب پیاده‌روی
۶. بهترین اموال
۷. آداب خریداری و نگهداری حیوانات
۸. بخشی از احوالات و اقسام حیوانات
۹. فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن
۱۰. آداب تجارت
۱۱. فضیلت زراعت و درختکاری
۱۲. آداب زراعت و درختکاری



## ۱] سوار شدن چهارپایان

(مقدمه: با توجه به اینکه بسیاری از مباحث این فصل در عصر ما مورد نیاز مردم نیست و جز در برخی روستاها کاربرد ندارد، از ذکر تمام روایات آن خودداری کرده و به بیان چند روایت کوتاه در هر مورد بسنده می‌کنیم).

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «داشتن چهارپا (مرکب) راهوار از سعادت انسان است».<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از سعادت مؤمن آن است که چهارپایی داشته باشد تا برای نیازهای خود و برطرف کردن حوائج مؤمنین از آن بهره ببرد».<sup>۲</sup>

۳. در روایات معتبر آمده است که: خیر و نیکی تا روز قیامت بر پیشانی اسب‌ها نقش بسته است.<sup>۳</sup>

## ۲] آداب نگهداری و رعایت حقوق چهارپایان

(اشاره: روایات این فصل هر چند در زمان ما مورد نیاز بسیاری از مردم نیست، ولی

۱. محاسن، ص ۶۲۵، ح ۸۷؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۶، ح ۸.

۲. محاسن، ص ۶۲۶، ح ۸۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۳۶، ح ۷.

۳. ثواب الأعمال، ص ۲۲۶، ح ۲.

از آن رو که نشان از گستردگی و جامع‌نگری اسلام و توجه به حقوق حیوانات می‌دهد، قابل ذکر است).

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: «چهارپای (سواری) شش حق بر صاحبش دارد: هنگامی که در جایی فرود می‌آید نخست به علف دادن به او پردازد، هرگاه در مسیر به آب برسد آب را بر آن عرضه کند تا اگر تشنه است بنوشد، بر سر و صورتش تازیانه نزند که حیوان ذکر خدا می‌گوید، به هنگام توقف حیوان بر آن سوار نباشد مگر در جهاد، بیش از توان و قدرتش بر آن بار نکند، به مقدار توانایی‌اش از آن کار بکشد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بر یک چهارپا سه تن با هم سوار نشوند که یکی از آنها ملعون است».<sup>۲</sup>

۳. در احادیث معتبر آمده است که: امام سجّاد علیه السلام با یک شتر بیست بار به حج مشرف شد، ولی یک تازیانه بر آن نزد.<sup>۳</sup>

۴. در احادیث معتبر آمده است که: بر صورت هیچ موجود ذی روح شلاق نزنید که تسبیح پروردگار می‌گوید و هر چیزی حرمتی دارد و حرمت حیوان در صورت آن است.<sup>۴</sup>

۵. در حدیث است که ابوذر غفاری می‌گوید چهارپایان می‌گویند: خداوندا، مالک نیکویی به ما کرامت فرما که با ما مدارا کند و به ما علف و آب دهد و بر ما تعدی نکند.<sup>۵</sup>

۶. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حیوانات از چهار چیز غافل

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷، ح ۸۴۱؛ خصال، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۲۵.

۲. محاسن، ص ۶۲۷، ح ۹۵؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۱۹.

۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۵۵.

۴. محاسن، ص ۶۳۳، ح ۱۱۶.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۸۵۴.



نیستند: پروردگار خود را می‌شناسند، مر را می‌دانند، نر و ماده را می‌شناسند، چراگاه خوب را بلد هستند»<sup>۱</sup>.

### ۳ آداب زین کردن و لجام زدن

۱. در احادیث معتبر آمده است: از جمله نشانه‌های بدی که در آخر الزمان آشکار می‌شود آن است که زنان بر زین (اسب) سوار می‌شوند.<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زین برای زنان، مرکب ملعونی است».<sup>۳</sup>
۳. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «جایز نیست زنان بر زین سوار شوند، مگر در سفر یا به هنگام ضرورت».<sup>۴</sup>

### ۴ دعاها و آداب سواری

#### ادعیه هنگام سوار شدن

۱. از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هرگاه شخصی سوار بر مرکبی (چهارپایی) شود و بسم الله بگوید، فرشته‌ای همسفر پشت سر او سوار شده و او را از خطرهای سفر تا رسیدن به مقصد حفظ می‌کند. و اگر بسم الله نگوید، شیطان پشت سر او سوار شده و او را به خوانندگی تشویق می‌کند. و اگر خوانندگی بلد نباشد به وی سفارش می‌کند آرزوهای باطل محال در سر پیوراند و راننده پیوسته در این آرزوها غوطه‌ور است تا به مقصد برسد».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۹، ح ۹.

۲. مختصر البصائر، ص ۱۴۳.

۳. کافی، ج ۶، ص ۵۴۱، ح ۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۳۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۰، ح ۲.

۵. محاسن، ص ۶۳۴، ح ۱۲۸؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۷.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس به هنگام سوار شدن بگوید: بِسْمِ اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ»<sup>۱</sup>، تا به مقصد برسد خود و مرکبش محفوظ بماند»<sup>۲</sup>.

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هر کس سوار بر مرکب خویش شود و آیه الکرسی بخواند، سپس بگوید: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»<sup>۳</sup>. خداوند به فرشتگان خطاب کند: بنده من می داند که گناهایش را کسی غیر از من نمی آمرزد، شاهد باشید که گناهایش را آمرزیدم»<sup>۴</sup>.

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام سوار شدن بر چهارپایان به یاد خدا باشید و بگویید: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾»<sup>۵</sup>.

## آداب سواری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بر راننده لازم است به

۱. ترجمه: «ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این (همه نعمت‌ها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را هدایت نکرده بود، ما (به اینها) راه نمی یافتیم.» سورة اعراف، آیه ۴۳.
۲. ترجمه: «پاک و منزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخّر ما ساخت، وگرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم.» سورة زخرف، آیات ۱۳ و ۱۴.
۳. محاسن، ص ۶۲۸، ذیل حدیث ۱۰۳؛ کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ذیل حدیث ۱۷.
۴. ترجمه: «طلب مغفرت و آمرزش می کنم از خداوندی که جز او معبود نیست و حتی و قیوم است و به سوی او بازمی گردم. بار خدایا، گناهانم را ببخش و بیامرز، چرا که جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد».
۵. محاسن، ص ۳۵۲، ح ۴۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۷۹۵. در هر دو مصدر به جای آیه الکرسی آیه سُخْره ذکر شده است.
۶. ترجمه آن در پاورقی حدیث دوم همین فصل گذشت. خصال، ج ۲، ص ۴۲۹، ح ۳۳۶؛ بحارالأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

هنگام سوار شدن بر مرکب به پیاده‌هایی که در مسیر او قرار دارند هشدار دهد تا آسیبی به آنها نرسد.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «روزی حضرت علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و جمعی پیاده همراه حضرت حرکت کردند. حضرت فرمود: کاری با من دارید؟ گفتند: نه، ولی می‌خواهیم در رکاب شما باشیم. فرمود: بازگردید که راه رفتن پیاده با سواره باعث غرور سواره و موجب خواری و ذلت پیاده است.»<sup>۲</sup>

۳. نیز در روایتی فرمود: «آیا شرم نمی‌کنید که شما بر روی چهارپای خود خوانندگی کنید و آن حیوان در زیر پای شما تسیح پروردگار خود را می‌گوید!»<sup>۳</sup>

## ۵ آداب پیاده‌روی

### چگونه باید راه رفت؟

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «(بسیار) تند راه رفتن اِبهت مؤمن را از بین می‌برد.»<sup>۴</sup>

۲. در حدیثی معتبر آمده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس بر روی زمین از روی تکبر راه برود، زمین و آنچه بر روی زمین و آنچه در زیر آن است او را نفرین می‌کنند.»<sup>۵</sup>

۳. در روایتی دیگر فرمود: «هرگاه شخصی از مسلمانان به هنگامی که نیازمندی از او تقاضای کمک کند خود را به نشنیدن بزند و از روی تکبر و غرور راه برود، خداوند به عزت خود سوگند خورده که آنها را به وسیله یکدیگر عذاب کند.»<sup>۶</sup>

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۵.

۲. همان، ح ۱۶.

۳. محاسن، ص ۶۲۷، ح ۹۷.

۴. خصال، ج ۱، ص ۶۷، ح ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۲، ح ۵.

۵. ثواب الأعمال، ص ۳۲۴.

۶. بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۲، ح ۷.

## آداب راه رفتن

۱. در حدیثی معتبر آمده است که: حضرت زین العابدین علیه السلام چنان آرام راه می‌رفت که گویی پرنده‌ای بر سر آن حضرت نشسته و بیم دارد پرواز کند. و دست راست آن حضرت بر دست چپش سبقت نمی‌گرفت.<sup>۱</sup>
۲. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زنان باید در کنار راه حرکت کنند و در وسط جاده راه نروند».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «سواره سزاوارتر است در وسط جاده حرکت کند از پیاده و پابرهنه سزاوارتر است در میان راه حرکت کند از کسی که کفش به پا دارد».<sup>۳</sup>
۴. نیز در روایتی فرمود: «هر کس از روی تواضع و فروتنی در سفر و حضر با عصا راه رود، به هر گامی هزار حسنه برایش می‌نویسند و هزار گناه از وی محو می‌کنند و هزار درجه بر درجاتش می‌افزایند».<sup>۴</sup>
۵. در سخنی دیگر فرمود: «عصا به دست گیرید که از سنت‌های پیامبران است و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ، پیر و جوان، عصا به دست می‌گرفتند تا در راه رفتن تکبر نکنند».<sup>۵</sup>
۶. و در گفتاری دیگر فرمود: «عصا به دست گرفتن پریشانی را برطرف و شیطان را دور می‌کند».<sup>۶</sup>

۱. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۲.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۵۹.

۳. همان، ص ۲۵۸.

۴. جامع الأخبار، ص ۱۴۷.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۸.

۶. جامع الأخبار، ص ۱۴۱؛ ثواب الأعمال، ص ۲۲۲.

### سفارش‌های جامع امام صادق علیه السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر عاقل هستی به هر مقصدی که می‌روی نخست نیت خود را درست کن و هدف صحیحی برای حرکت در نظر بگیر و نفس خود را از اهداف نامشروع نهی کن و در مسیر راه، پیوسته در فکر و اندیشه باش و در هر گامی از عجایب خلقت و آفرینش‌های پروردگار عبرت بگیر و در رفتار خویش تکبر و غرور نداشته باش و از چیزی که در دین خدا پسندیده نیست چشم‌پوش و همواره مشغول ذکر خدا باش، زیرا مکان‌هایی که در آن ذکر خدا گفته می‌شود در روز قیامت برای ذکر گوینده شهادت می‌دهند و تا زمانی که وارد بهشت شود برایش استغفار می‌کنند. و در راه با مردم سخن‌نگو که خلاف ادب است و اکثر راه‌ها کمینگاه شیطان است، پس از مکر او غافل نباش. چنان رفتار کن که رفت و بازگشت تو در راه اطاعت خدا باشد. و رفتار تو برای چیزی باشد که موجب خشنودی خداست، چرا که تمام حرکات تو در نامه عمل تو ثبت می‌شود»<sup>۱</sup>.

### ۶ بهترین اموال

۱. در حدیث است که امام صادق علیه السلام فرمود: «از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسیدند: بهترین مال کدام است؟ فرمود: زراعتی که انسان به هنگام برداشت محصول، حق خداوند را از آن بپردازد. عرض کردند: پس از زراعت کدام مال بهتر است؟ فرمود: کسی که چند گوسفند داشته باشد و هر جا که آب و علفی بیابد آنها را بچراند و نمازش را بخواند و زکات مالش را بپردازد. عرض شد: بعد از گوسفند کدام مال بهتر است؟ فرمود: گاو که در صبح و شام شیر می‌دهد. پرسیدند: پس از گاو بهترین مال چیست؟ فرمود: درخت خرما که ریشه در گل فرو برده و در

۱. مصباح الشریعه، ص ۲۴.

خشکسالی و کم آبی میوه دهد. سپس فرمود: درخت خرما سرمایه خوبی است و هر کس (بدون ضرورت) آن را بفروشد، پولش همچون خاکستری است که بر سر کوه بلندی در مسیر تندباد رها شده باشد، مگر اینکه به جای آن، درخت خرما را دیگری بخرد. سپس پرسیدند: بعد از درخت خرما کدام مال بهتر است؟ حضرت سکوت کرد و جوابی نداد. شخص عرض کرد: چرا شتر را نفروم؟ فرمود: شترداری موجب مشقت و سختی و دوری از خانه می شود و هزینه آن سنگین است.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «نُه دهم روزی در تجارت و یک دهم آن در نگهداری گوسفندان است».<sup>۲</sup>

## ۷ آداب خریداری و نگهداری حیوانات

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگام خریدن حیوانات این دعا را بخوانید: **اللَّهُمَّ قَدِّرْ لِي أَطْوَلَ هُنَّ حَيَاةً وَأَكْثَرَهُنَّ مَنَفَعَةً وَخَيْرَهُنَّ عَاقِبَةً**».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هنگام دوشیدن شیر حیوانات، مقداری شیر در پستان حیوان (برای فرزندش) بگذارید، تا زودتر شیر جمع شود زیرا اگر تمام شیر را بدوشید شیر دیرتر جمع می شود».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «خوابگاه گوسفندان را پاکیزه کنید و آنچه را که از بینی آنها می آید تمیز نمایید».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ج ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰، ج ۸۶۵.

۲. خصال، ج ۲، ص ۲۱۲، ج ۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۱۸، ج ۱.

۳. ترجمه: «بار خدایا، حیوانی نصیب من کن که طولانی ترین عمر و بیشترین منفعت و بهترین عاقبت را داشته باشد». محاسن، ص ۶۲۸، ج ۹۹.

۴. معانی الأخبار، ص ۲۸۴.

۵. محاسن، ص ۶۴۲، ج ۱۶۰.

## ۸ بخشی از احوالات و اقسام حیوانات

### سر تنوع و جدایی حیوانات

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «تمام حیوانات وحشی و مرغان و درندگان و سایر مخلوقات پروردگار با یکدیگر زندگی می‌کردند، تا آنکه قاییل برادرش هابیل را کشت. پس در این زمان از یکدیگر نفرت پیدا کردند و گریختند و هر حیوانی به شکل خود درآمد».<sup>۱</sup>

### حیوانات و تسبیح خدا

۱. در احادیث معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ مرغ و حیوانی در دریا و صحرا شکار نمی‌شود، مگر اینکه تسبیح خدا را ترک گوید».<sup>۲</sup>  
 ۲. از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که کرکس فریاد زند می‌گوید: ای فرزند آدم، به هر روشی که بخواهی زندگی کن ولی بدان پایانش مر است».

سپس برای هر یک از پرندگان تسبیح یا نصیحتی بیان کرده، آنگاه حضرت فرمود: هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه او را تسبیحی است همان‌گونه که خداوند فرمود: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ».<sup>۳</sup>

۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۴، باب ۵، ح ۱.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۸۳.

۳. ترجمه: «و هر موجودی تسبیح و حمد او می‌گوید؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید». سوره اسراء، آیه ۴۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۷-۲۹، ح ۸.

## ۹ فضیلت تجارت و طلب رزق حلال کردن

### تجارت و کار و تلاش کردن

#### ارزش و فضیلت تجارت

۱. در چندین روایت می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «تجارت کردن بر عقل (و تدبیر) می‌افزاید و ترک کردن تجارت از عقل (و تدبیر) می‌کاهد».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هر که دنیا را طلب (و تحصیل مال) کند تا دستش را پیش مردم دراز نکند و روزی عیالات خود را وسعت دهد و به همسایگانش احسان کند، صورت او در روز قیامت همچون ماه شب چهاردهم می‌درخشد».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از حال عمر بن مسلم پرسید، گفتند: تجارت را ترک کرده است. حضرت سه مرتبه فرمود: «عمل شیطان است! مگر نمی‌داند که رسول خدا صلی الله علیه و آله تجارت می‌کرد؟ و خداوند متعال فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»<sup>۳</sup> آنان جماعتی بودند که تجارت می‌کردند و به وقتش مشغول نماز می‌شدند. و این بهتر است از کسی که تجارت نکند و به وقتش نماز بخواند».<sup>۴</sup>
۴. در حدیث است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا کنید خداوند به راحتی به من روزی دهد. حضرت فرمود: «من برای تو دعا نمی‌کنم، بلکه چنانکه خداوند به تو دستور داده است برای به دست آوردن روزی تلاش کن».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۸۱، ح ۴ و ص ۱۴۸، ح ۱ و ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۹، ح ۵۰۵ و ۵۰۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱۱.

۳. ترجمه: «مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند». سوره نور، آیه ۳۷.

۴. کافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۸.

۵. همان، ص ۷۸، ح ۳.



### تجارت کردن یا عبادت کردن

۱. در حدیث است که به امام صادق علیه السلام عرض کردند شخصی می‌گوید: در خانه می‌نشینم و نماز می‌خوانم و روزه می‌گیرم و پروردگار خود را عبادت می‌کنم خداوند روزی‌ام را می‌رساند. امام فرمود: «این شخص یکی از سه کسانی است که دعایشان مستجاب نیست».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام از احوال شخصی پرسید، گفتند: نیازمند شده است. حضرت پرسید: «به چه کاری مشغول است؟» گفتند: در خانه نشسته و عبادت می‌کند. حضرت پرسید: «زندگی‌اش چگونه تأمین می‌شود؟» گفتند: برخی برادران مؤمن هزینه‌اش را و خانواده‌اش را تأمین می‌کنند. حضرت فرمود: «کار کسی که روزی او را تأمین می‌کند از عبادت او ارزشمندتر است».<sup>۲</sup>

### سربار مردم نشوید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «از دنیا برای آخرت کمک بگیرید و سربار مردم نشوید».<sup>۳</sup>
۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «هر که هزینه خانواده خود را بر دوش دیگران بیندازد ملعون است».<sup>۴</sup>
۳. در حدیث است که یکی از علمای اهل سنت در روز بسیار گرمی خدمت امام باقر علیه السلام رسید، دید آن حضرت با تکیه بر دو تن از خادمانش راه می‌رود. به

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۷، ج ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۸.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۷۲، ج ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۲۳.

۴. کافی، ج ۴، ص ۱۲، ج ۹، ج ۵، ص ۷۲، ح ۷.

حضرت گفت: شما پیرمردی از بزرگان قریش هستید، مناسب نیست در این شدت گرما برای طلب دنیا از خانه بیرون روید. اگر در این وقت بمیرید چه خواهید کرد؟ حضرت فرمود: «اگر در این حال بمیرم در حال عبادت و اطاعت پروردگار خواهم بود، زیرا کاری می‌کنم تا خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران بی‌نیاز کنم. من از آن می‌ترسم که مرگم فرا رسد و بر معصیت خدا باشم». آن مرد گفت: راست گفتی، می‌خواستم تو را پند دهم، تو به من پند دادی.<sup>۱</sup>

#### طلب کردن دنیا یا آخرت

در حدیث است که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: ما طالب دنیا هستیم و دوست داریم مال دنیا به ما رو کند. حضرت فرمود: «مال دنیا را برای چه می‌خواهی؟» عرض کرد: برای هزینه خود و خانواده و صلۀ رحم و کمک کردن به نیازمندان و تأمین هزینه حج و عمره و مانند آن. حضرت فرمود: «کسب مال برای این امور، طلب کردن دنیا نیست بلکه طلب آخرت است».<sup>۲</sup>

#### استفاده نکردن از بیت‌المال

در روایتی معتبر آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود: «خداوند متعال به حضرت داوود علیه السلام فرمود: اگر از بیت‌المال استفاده نمی‌کردی و به دست خود کسب روزی می‌کردی، بنده نیکوتری بودی. حضرت داوود علیه السلام چهل روز گریست، سپس خداوند به آهن وحی کرد که برای بنده‌ام داوود نرم شو! آهن در دست داوود نرم شد و آن حضرت روزی یک زره با دستان خود می‌ساخت و به

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۳، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۳، ح ۱۵.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۱۰؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲۴.

هزار درهم می‌فروخت، تا آنکه سیصد و شصت زره ساخت و از بیت‌المال بی‌نیاز شد.<sup>۱</sup>

#### توانگری

۱. در چندین حدیث معتبر می‌خوانیم که رسول خدا ﷺ فرمود: «توانگری یار و یاور خوبی برای پرهیز از گناه و معصیت است».<sup>۲</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ثروتی که تو را از ظلم حفظ کند، بهتر از فقری است که تو را وادار بر گناه کند».<sup>۳</sup>

#### وقت تجارت

۱. در حدیث است که امام کاظم علیه السلام به تاجری فرمود: «بامداد به سمت چیزی که موجب عزّت تو است (بازار) حرکت کن».<sup>۴</sup>
  ۲. نیز در احادیث آمده است که: «بامدادان برای طلب روزی بروید».<sup>۵</sup>
- شرح بیشتر را در کتاب عین الحیة<sup>۶</sup> مطالعه فرمایید.

#### کسب روزی حلال

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خیری نیست در کسی که نخواهد مالی از حلال جمع و با آن مال آبروی خود را حفظ و قرض خود را ادا

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸، ح ۳۸۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۱، ح ۱.

۳. همان، ص ۷۲، ح ۱۱.

۴. همان، ص ۱۴۹، ح ۷.

۵. خصال، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۵۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۴۹، ح ۳.

۶. عین الحیة، ص ۲۷۸، لمعة پنجم.

- و به خویشان خود احسان کند».<sup>۱</sup>
۲. از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین آن طلب حلال است».<sup>۲</sup>
۳. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که بر اثر تلاش برای طلب حلال خسته سر بر بالین بگذارد، چون صبح شود آمرزیده است».<sup>۳</sup>
۴. در روایاتی معتبر می خوانیم که حضرت رسول ﷺ در حجّة الوداع به نقل از جبرئیل علیه السلام فرمود: «هیچ جاننداری نمی میرد مگر آنکه رزق و روزی معین شده خود را به طور کامل خورده باشد؛ بنابراین، تقوای الهی پیشه کنید و در طلب روزی زیاده روی نکنید و اگر روزی شما دیر رسید با معصیت خدا آن را طلب نکنید، زیرا خداوند متعال روزی خود را در میان خلق خود به گونه حلال قسمت کرده و روزی حرام به کسی نداده است. پس کسی که از معصیت خدا بپرهیزد و صبر را پیشه خود سازد، روزی او از حلال می رسد. و هر کس پرده دری و عجله کند و از حرام روزی بخورد از روزی حلالش به همان مقدار کم می شود و در روز قیامت به خاطر استفاده کردن از روزی حرام از او حساب می کشند».<sup>۴</sup>

### روزی رسان خداست

۱. در چندین حدیث معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند روزی مؤمنان را (گاه) از جایی که گمان نمی برند می رساند و این بدان است که هرگاه انسان راه روزی را پیدا نکند بسیار دعا می کند».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۲، ح ۵.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۸، ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱۲.

۳. امالی صدوق، ص ۲۸۹، ح ۹.

۴. کافی، ج ۵، ص ۸۰، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱.

۵. کافی، ج ۵، ص ۸۴، ح ۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۱، ح ۳۹۵.

۲. در روایتی دیگر فرمود: «اگر بنده خدا (حتی) در سوراخی باشد، خداوند روزی او را می‌رساند، پس در طلب روزی زیاده‌روی نکنید».<sup>۱</sup>
۳. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که در مغازه را گشودی و کالای خود را برای فروش عرضه کردی، وظیفه خود را انجام داده‌ای و بقیه را به خدا بسپار».<sup>۲</sup>

## ۱۰ آداب تجارت

### فراگیری احکام تجارت و اهمیت آن

۱. در حدیث است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر می‌فرمود: «ای تاجران، اول مسائل و احکام شرعی تجارت را فراگیرید بعد مشغول تجارت شوید». حضرت این جمله را سه بار تکرار کرد. سپس فرمود: «به خدا سوگند، ربا در این امت از جای پای مورچه بر روی سنگ سخت پنهان‌تر است. و قسم دروغ نخورید، به درستی که تاجر فاجر است و فاجر در جهنم، مگر کسی که حق بگیرد و حق بدهد».<sup>۳</sup>
۲. در روایتی دیگر فرمود: «جز کسانی که مسائل خرید و فروش را می‌دانند در بازار نشینند، (زیرا) هر کس بدون اطلاع از مسائل شرعی تجارت کند در ربا فرو می‌رود».<sup>۴</sup>
۳. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «خطرناک‌ترین نقطه زمین بازار است. آنجا میدان شیاطین است. شیطان هر روز صبح پرچم خود را در بازار می‌زند و بر صندلی خود می‌نشیند و فرزندان خود را در آن پخش

۱. کافی، ج ۵، ص ۸۱، ح ۴.

۲. کافی، ج ۵، ص ۷۹، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۰۰، ح ۳۹۴.

۳. کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۵۱۹.

۴. کافی، ج ۵، ص ۱۵۴، ح ۲۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۳.

می‌کند، تا یکی را فریب دهند که از ترازو بکاهد و دیگری کیل و پیمانہ را کم کند، و دیگری ذرع<sup>۱</sup> را بدزدد و دیگری رأس المال و سرمایہ را دروغ بگوید. سپس خطاب به فرزندان‌ش می‌گوید: شما که پدرتان زنده است وظیفہ دارید کسانی را که پدرشان (حضرت آدم) مرده است، رها نکنید و فریب دهید؛ بنابراین، شیطان با اول کسی که وارد بازار می‌شود وارد و با آخرین نفر خارج می‌شود. و بهترین نقطه روی زمین نزد خدا مساجد است. و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که زودتر به مسجد رفته و دیرتر بیرون آید.<sup>۲</sup>

### کارهایی که به هنگام تجارت باید ترک کرد

۱. از رسول اکرم ﷺ روایت شده است که فرمود: «کسی که داد و ستد می‌کند از پنج چیز بپرهیزد: رباخواری، قسم خوردن، پنهان کردن عیب کالا، مدح و ستایش کالایی که می‌فروشد، مذمت چیزی که می‌خرد».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق ﷺ روایت شده است که فرمود: «کسی که مؤمنی را (در معامله) فریب دهد از ما نیست».<sup>۴</sup>
۳. در حدیث است که امام کاظم ﷺ به هشام فرمود: «در تاریکی و زیر سقف، کالای خود را نفروش که (ممکن است) متاع خوب جلوه کند (و عیوب آن مخفی بماند) و این غش در معامله است که حلال نیست».<sup>۵</sup>
۴. در حدیث است که پیامبر ﷺ از آب کردن در شیر نهی کرد.<sup>۶</sup>
۵. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «کسی که خرید

۱. «ذرع» مقیاس اندازه‌گیری طول و عرض اشیاست و کمی بیشتر از یک متر است.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۴، باب السوق، ح ۱.

۳. کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۵.

۴. عیون اخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۲۹، ح ۲۶.

۵. کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۷۰.

۶. کافی، ج ۵، ص ۱۶۰، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۲، ح ۷۷۰.

- و فروش می‌کند، روزی خود را به دست می‌آورد. و کسی که کالای (مورد نیاز مردم) را برای گران شدن نگه می‌دارد ملعون است».<sup>۱</sup>
۶. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که به هنگام خرید و فروش همواره قسم می‌خورد، خداوند در قیامت نظر رحمت به او نمی‌کند».<sup>۲</sup>
۷. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در معاملات قسم نخورید، زیرا هر چند کالا را به فروش می‌رساند اما برکتش را می‌برد».<sup>۳</sup>
۸. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «به استقبال کاروان‌های تجارتي در خارج از شهر نروید، بلکه اجازه دهید وارد شهر شوند و کالاهایشان را به عموم مردم عرضه کنند. و در خرید و فروش، شهرنشین وکیل روستایی و بادیه‌نشین نشود، زیرا خداوند برخی مسلمانان را به سبب برخی دیگر روزی می‌دهد».<sup>۴</sup>
۹. در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس تمام شب برای کسب و کار بیدار باشد و بهره‌چشمانش را از خواب ندهد، کسبش حرام است».<sup>۵</sup>

### آداب تجارت

۱. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام هر روز صبحگاهان تازیانه (کوتاهی) بر دوش خود گذاشته، در بازار کوفه می‌گشت و می‌فرمود: «هنگامی که مشغول خرید و فروش می‌شوید نخست خیر خود را از خداوند طلب کنید و خرید و فروش را به آسانی انجام دهید و کار را بر یکدیگر سخت نگیرید تا برکت پیدا

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۶۵، ح ۶.

۲. همان، ص ۱۶۲، ح ۳.

۳. همان، ح ۴.

۴. همان، ص ۱۶۸، باب التلقی، ح ۱.

۵. بیشتر علما این روایت را حمل بر کراهت کرده‌اند. کافی، ج ۵، ص ۱۲۷، ح ۶؛ تهذیب، ج ۶، ص ۴۲۲، ح ۱۸۰.

کند. با مشتریان مهربانی کنید، صبر و بردباری را زینت خود قرار دهید و از قسم خوردن و دروغ گفتن بپرهیزید و بر مردم ستم نکنید و با مظلومان از در انصاف وارد شوید و به ربا نزدیک نشوید و پیمانۀ و وزن را کامل کنید و از ترازو دزدی نکنید.<sup>۱</sup>

۲. در روایتی دیگر آمده است: «هنگامی که قصد داری به دنبال کاری بروی و آفتاب طلوع کرده و اندکی بلند شده و سرخی شعاعش برطرف شده است، دو رکعت نماز بگزار و در رکعت اول پس از حمد، سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون و پس از سلام نماز این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ، أَلْتَمَسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي، فَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَسَنًا وَاسِعًا، حَلَالًا طَيِّبًا وَأَعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ، غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ، غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَا لِكُنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ، فَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ»<sup>۲</sup>.

### دعای هنگام وارد شدن به بازار

۱. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس صبح و شام به بازار رود و هنگام ورود به بازار بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَخَيْرِ أَهْلِهَا»<sup>۳</sup>.

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۵۱، ح ۳؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۵۱۴.

۲. ترجمه: «بار خدایا، شب را به صبح رساندم در حالی که خواستار فضل تو هستم آن گونه که به من فرمان دادی. پس، از فضل خود روزی نیکو و وسیع و حلال و پاکیزه‌ای روزی‌ام کن و در آنچه روزی‌ام می‌کنی عافیتم ده. (خدایا) به قدرت و توانایی تو صبح کردم نه به قدرت و توانایی خودم و بلکه به قدرت و توانایی تو و از این که بر قدرت و توانایی خودم تکیه کنم به سوی تو بیزار می‌جویم. بار خدایا، برکت امروز را از تو می‌خواهم، پس تمام کارهایم را برای من مبارک بگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان و درود خداوند بر محمد و آل پاکش باد». مکارم الأخلاق، ص ۲۵۶.

۳. ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاهای بازار و (معامله با) بهترین ساکنان آن را طلب می‌کنم».



خداوند متعال به فرشته‌ای مأموریت می‌دهد که تا هنگام بازگشت به خانه‌اش از او و کالایش محافظت کند. و آن فرشته به او گوید: امروز از شرّ این بازار و اهل آن امان یافتی و امروز به امر خداوند، خیر این بازار و اهل آن روزی تو شد. و هنگامی که در مغازه‌اش بنشیند بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَ يَمِينٍ كَاذِبَةٍ.**<sup>۱</sup> و هنگامی که این دعا را بخواند فرشته مأمور محافظت از او و اموالش به وی می‌گوید: بشارت می‌دهم به تو که امروز بهره‌هیچ‌کس در بازار بیشتر از تو نیست، چرا که در جمع‌آوری ثواب‌ها و محو گناهان از دیگران سبقت گرفتی. به زودی آنچه خداوند روزی تو گردانیده به صورت حلال و طیب و مبارک نصیب می‌شود.<sup>۲</sup>

۲. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که فرمود: «هر کس داخل بازار شود و بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْمَأْثَمِ وَ الْمَغْرَمِ**<sup>۳</sup> خداوند به تعداد آنچه در آن بازار است از سخنگو و غیر سخنگو، به او ثواب می‌دهد.<sup>۴</sup>

۳. از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است که فرمود: «هر کس هنگام وارد شدن به بازار بگوید: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ**

۱. ترجمه: «گواهی می‌دهم که معبودی جز الله که یگانه است و شریک ندارد نیست. و گواهی می‌دهم که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و رسول اوست. بار خدایا، از تو روزی حلال و پاکیزه درخواست می‌کنم و به تو پناه می‌برم از اینکه به کسی ستم کنم (یا به من ستم شود) و پناه می‌برم به تو از خرید و فروش زیان‌آور و سوگند دروغ».

۲. کافی، ج ۵، ص ۱۵۵، باب من ذکر الله تعالی فی السوق، ج ۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۵۴۲.

۳. ترجمه: «شهادت می‌دهم معبودی جز الله که یگانه است و شریکی ندارد نیست. و گواهی می‌دهم محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بنده و فرستاده اوست. بار خدایا، از ظلم و گناه و غرامت و خسارت به تو پناه می‌برم».

۴. امالی طوسی، ج ۱، ص ۱۴۴.

الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ<sup>۱</sup>، خداوند به تعداد تمام مخلوقاتش تا قیامت به او ثواب می دهد»<sup>۲</sup>.

۴. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که مردم مشغول دنیا هستند شما در بازار بسیار یاد خدا کنید تا کفاره گناهانتان باشد و باعث افزایش حسنات شما شود و شما را در زمره غافلان ننویسند»<sup>۳</sup> و هر زمان بخواهید اجناس مورد نیاز خود را از بازار تهیه کنید به هنگام وارد شدن به بازار بگویید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةِ خَاسِرَةٍ وَ يَمِينٍ فَاجِرَةٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيِّمِ**<sup>۴</sup>.

### خواندن دعا در بازار

۱. در روایتی صحیح می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که وارد بازار می شوی این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهَا وَ خَيْرِ أَهْلِهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُظْلَمَ أَوْ أُظْلَمَ، أَوْ أُبْغِيَ أَوْ يُبْغَى عَلَيَّ، أَوْ أُعْتَدَى أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ، وَ مِنْ شَرِّ فَسْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ**»<sup>۵</sup>.

۱. ترجمه: «منزه است خداوند. و حمد و ستایش مخصوص اوست. و هیچ معبودی جز الله، که یگانه است و شریکی ندارد، نیست. بزرگی و حکومت و حمد و ستایش از آن اوست. زنده می کند و می میراند، در حالی که او زنده ای است که نمی میرد. کلید تمام خیرات در دست قدرت اوست و او توانا بر همه چیز است».

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۱، ح ۴۲.

۳. خصال، ج ۲، ص ۴۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۲، ح ۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۴۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۷۲، ح ۱. ترجمه مشابه آن گذشت.

۵. ترجمه: «بار خدایا، از تو بهترین کالاها و بهترین فروشندگان بازار را طلب می کنم. و از شرّ و بدی های بازار به تو پناه می برم. بار خدایا، به تو پناه می برم از اینکه ظلم کنم یا مورد ظلم واقع شوم. ستم کنم یا به من ستم شود. به حقوق دیگران تجاوز کنم یا به حقوقم تجاوز شود. بار خدایا، از شرّ شیطان و لشکرانش و از شرّ

۲. نیز در حدیثی صحیح می‌خوانیم که فرمود: «هر کس وارد بازار یا مسجدی شود و یک مرتبه بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ آصِيلاً وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ<sup>۱</sup> این کار برابر با یک حج مقبول است».<sup>۲</sup>

۳. در حدیثی معتبر آمده است که هر کس در بازار بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ» خداوند هزار حسنه برای او می‌نویسد».<sup>۳</sup>

### دعای هنگام خرید و پس از آن

۱. در روایتی صحیح و معتبر می‌خوانیم که امام صادق عليه السلام فرمود: «هنگامی که بخواهی کالا یا چیز دیگری بخری سه مرتبه الله اکبر بگو، سپس سه بار این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، اَلْتَمَسْتُ فِيهِ مِنْ خَيْرِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ خَيْرًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، اَلْتَمَسْتُ فِيهِ مِنْ فَضْلِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ فَضْلًا. اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُهُ، اَلْتَمَسْتُ فِيهِ مِنْ رِزْقِكَ، فَاجْعَلْ لِي فِيهِ رِزْقًا».<sup>۴</sup>

→ بدکاران عرب و عجم به تو پناه می‌برم، و خداوند برای من کافی است و معبودی جز الله نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است». کافی، ج ۵، ص ۱۵۶، ح ۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۲، ح ۳۲.

۱. ترجمه: «شهادت می‌دهم معبودی جز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد. و خداوند بزرگ‌تر از آن است که به وصف درآید. و ستایش فراوان مخصوص اوست. و در هر صبح و شام تسبیح خدا می‌گویم. و هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه قدرت خداوند بزرگ و الامر تبه نیست. و درود خدا بر محمد و آلش باد».

۲. محاسن، ص ۴۰، ح ۴۸؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۴، ح ۵۴۱.

۳. محاسن، ص ۴۰، ح ۴۷. در مصدر هزار هزار حسنه آمده است.

۴. ترجمه: «بار خدایا، آن را خریدم و خیر از سوی تو در آن درخواست می‌کنم. پس در آن خیری برای من قرار ده. بار خدایا، آن را خریدم و فضل تو را در آن درخواست می‌کنم، پس در آن فضلی برای من قرار ده. بار خدایا، آن را خریدم و روزی تو را در آن درخواست می‌کنم، پس روزی مرا در آن قرار ده». کافی، ج ۵، ص ۱۵۶، ح ۱؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۴۵.

۲. نیز در روایتی معتبر می‌خوانیم که فرمود: «هنگامی که بخواهی چیزی بخری این دعا را بخوان: یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا دَائِمُ یا رَوْفُ یا رَحِیْمُ، أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، أَنْ تَقْسِمَ لِي مِنَ التَّجَارَةِ الْيَوْمَ أَعْظَمُهَا رِزْقًا وَأَوْسَعُهَا فَضْلًا وَخَيْرُهَا عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ»<sup>۱</sup>.

۳. در حدیثی دیگر از آن حضرت می‌خوانیم که فرمود: «هر زمان بخواهی مرکبی (چهارپایی) بخری سه مرتبه این دعا را بخوان: اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ عَظِيْمَةً الْبَرَكَةِ، فَاصِلَةَ الْمَنْفَعَةِ، مَيْمُوْنَةَ النَّاصِيَةِ، فَيَسِّرْ لِيْ شِرَائِهَا وَاِنْ كَانَتْ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْنِيْ عَنْهَا اِلَى الَّذِيْ هُوَ خَيْرٌ لِّيْ مِنْهَا، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ وَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ، وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ»<sup>۲</sup>.

۴. در روایتی آمده است: امام رضا علیه السلام بر روی کالایی که می‌خرید می‌نوشت بَرَكَةٌ لَنَا؛ خدایا آن را بر ما مبارک گردان.<sup>۳</sup>

۵. در کتاب فقه الرضا آمده است: «هنگامی که (کالایی خریدی و) بخواهی آن را ببندی و نگاه داری، آیه‌ی الکرسی بخوان و بنویس و در میان آن کالا بگذار و این دعا را نیز به همراه آیه‌ی الکرسی بنویس: وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَعْشَيْنَاهُمْ فَهْمًا لَا يُبْصِرُوْنَ. لَا ضَيْعَةَ عَلَيَّ مَا حَفِظَ اللّٰهُ، فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ»<sup>۴</sup>. اگر این کار را انجام دهی

۱. ترجمه: «ای حیّ قیوم، ای همیشه پایدار، ای مهربان، ای رحیم، به عزّت و قدرتت و به آنچه که علم تو آن را در بر گرفته، از تو می‌خواهم امروز از تجارت بالاترین روزی و وسیع‌ترین فضل و بخشش و بهترین آن را از نظر عاقبت نصیب کنی؛ زیرا چیزی که عاقبت ندارد خیری هم ندارد». کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۳.

۲. ترجمه: «بار خدایا، اگر برکتش زیاد و سودش بسیار و خوش قدم است خریدن آن را بر من آسان گردان، و اگر غیر از این است مرا از آن منصرف و به سوی بهتر از آن هدایت فرما، زیرا تو می‌دانی و من نمی‌دانم، تو توانایی و من توانایی ندارم و تو عالم به اسرار غیب هستی». کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۴.

۳. احتمالاً حضرت این جمله را با انگشت می‌نوشت. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲۵، ح ۵۴۶.

۴. ترجمه: «و در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی؛ و چشمانشان را پوشانده‌ایم؛ لذا

آن کالا از هر بلائی حفظ می‌شود».<sup>۱</sup>

و فرمود: «اگر مال تو تلف شد این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، تَحْكُمُ فِيمَا تَشَاءُ وَتَفْعَلُ مَا تُرِيدُ. اللَّهُمَّ فَذَلِكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ وَبِلَائِكَ. اللَّهُمَّ هُوَ مَالُكَ وَرِزْقُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ، خَوْلْتَنِي حِينَ رَزَقْتَنِي. اللَّهُمَّ فَأَلْهِمْنِي شُكْرَكَ فِيهِ وَالصَّبْرَ عَلَيْهِ حِينَ أُصِيبُ وَأُخَذْتُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَصَيْبْتَ. اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَهُ وَلَا تَنْسِنِي مِنْ خَلْفِهِ فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي إِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ. اللَّهُمَّ أَنَا لَكَ وَبِكَ وَالْإِيكَ وَمِنْكَ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا».<sup>۲</sup>

### با چنین کسانی معامله نکنید

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسانی که کار برایشان بسته شده، معامله نکنید که معامله با آنها برکت ندارد».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «با مردم پست که از دشنام دادن و شنیدن آن پروا ندارند، داد و ستد نکنید».<sup>۴</sup>

→ نمی‌بینند آنچه را که خداوند برای من حفظ کند ضایع نمی‌شود. اگر آنها (آن ظالمان و مفسدان از حق روی بگردانند، نگران نباش) بگو: «خداوند مرا کفایت می‌کند؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ بر او توکل کردم؛ و او پروردگار عرش عظیم است».

۱. فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۰۰.

۲. ترجمه: «بار خدایا، من بنده تو و فرزند بنده و فرزند کنیز توأم. و زمام امر من به دست تو است. آن‌طور که می‌خواهی فرمان می‌دهی و آن‌طور که اراده کنی انجام می‌دهی. بار خدایا، بر قضا و آزمایش نیکویت سپاس. بار خدایا، آن، مال و رزق تو بود و من بنده توأم که به هنگام روزی دادن به من عطا کردی. بار خدایا، شکر خود را به من الهام کن و صبر را به هنگام مصیبت و گرفتن آن. بار خدایا، تو عطا کردی و تو گرفتی. بار خدایا، از پاداش آن مرا محروم نکن و پس از آن، چه در دنیا و چه در آخرت مرا فراموش نکن، زیرا تو بر آن توانایی. بار خدایا، من از برای تو و به سوی تو و از آن توأم و از برای خود مالک هیچ نفع و ضرری نیستم».

۳. کافی، ج ۵، ص ۱۵۷، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۱.

۴. کافی، ج ۵، ص ۱۵۸، ح ۳ و ۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۲.

۳. نیز در روایتی فرمود: «با نوکیسگان معامله نکنید، بلکه با کسانی معامله کنید که در میان مال و نعمت بزر شده باشند».<sup>۱</sup>

### برخی معاملات مکروه

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «برای فرزندان شغل صرافیه در نظر نگیر که صراف (غالباً) از ربا سالم نمی ماند. و او را به کفن فروشی تشویق نکن که کفن فروش آرزوی مردم می کند و از مردم و میر فراوان خوشحال می شود. و سفارش به تجارت گندم و جو نکن که از احتکار و نگهداری به منظور گران شدن آن در امان نیست. و شغل قصابی و سلاخی<sup>۲</sup> برایش انتخاب نکن که رحم از دلش می رود و سنگدل از خدا دور است».<sup>۳</sup>
۲. در احادیث آمده است که: اگر مزد حجامت را اول شرط نکند و آنچه بعد از حجامت به وی می دهند قبول کند، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>
۳. در برخی روایات از بافندگی (به سبک قدیم) نیز نهی شده است.<sup>۵</sup>

### درآمد و اجرت معلّم قرآن

۱. در حدیث است که کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: تعلیم دادن اطفال و کودکان چه حکمی دارد؟ فرمود: «اشکال ندارد، ولی دستمزد نگیرید». عرض کرد: اگر کتاب های شعر و مانند آن بخوانند و از اول اجرت را معین کنم چطور؟ فرمود: «اشکال ندارد، مشروط بر اینکه بچه ها نزد تو برابر باشند و برخی را بر

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۵۸، ح ۵؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۶، باب ۳۰۸، ح ۲.

۲. «سلاخ» پوست کن، کسی که در کشتارگاه حیوانات را پوست می کند (فرهنگ عمید).

۳. کافی، ج ۵، ص ۱۱۴، ح ۴؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۳۰، باب ۳۱۴، ح ۱.

۴. کافی، ج ۵، ص ۱۱۵، ح ۱.

۵. ابن میثم، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۲۴.

برخی دیگر برتری ندهی».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر آمده است که از آن حضرت پرسیدند: برخی می‌گویند کسب معلّم حرام است؟ فرمود: «این دشمنان خدا دروغ می‌گویند تا اطفال مردم قرآن فرا نگیرند. اگر کسی به مقدار دیه فرزند خود را به معلّم بدهد بر وی حلال است، ولی بهتر است اول شرط مزد نکند و هرچه دادند بگیرد».<sup>۲</sup>

### خرید و فروش و دستمزد کتابت قرآن

۱. در احادیث معتبر آمده است: «هنگامی که قرآن می‌فروشید قصد فروش کاغذ و جلد آن را داشته باشید، نه نوشته‌های آن».<sup>۳</sup>

۲. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مزد گرفتن برای نوشتن قرآن مانعی ندارد».<sup>۴</sup>

## ۱۱ فضیلت زراعت و درختکاری

### ارزش و فضیلت زراعت

۱. در حدیث است که علی بن ابی حمزه می‌گوید: حضرت کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین (کشاورزی) خود کار می‌کرد و پاهایش در عرق فرو رفته بود. عرض کردم: فدایت شوم خدمتکاران کجا رفته‌اند که خودتان چنین فعالیت می‌کنید؟ فرمود: «کسی که بهتر از من و پدرم بوده با بیل در زمین کار کرده است». سپس فرمود: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و تمام پدران من با دست خود روی زمین کار کرده‌اند و این کار پیامبران و جانشینان آنان و صالحان است».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۱۲۱، باب کسب المعلم، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

۳. همان، باب بیع المصاحف، ح ۱.

۴. قرب الإسناد، ص ۲۱۲، ح ۱۰۵۴؛ السرائر، ج ۳، ص ۵۷۳.

۵. کافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۱۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۹۸، ح ۳۸۰.

۲. در احادیث معتبر آمده است که: «حضرت علی علیه السلام با بیل روی زمین کار می کرد و مزارع را آباد می ساخت و آن حضرت از زحمت بازو، هزار برده را خرید و آزاد کرد».<sup>۱</sup>
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال شغل زراعت را برای پیامبرانش اختیار کرد، تا از بارش باران کراهت نداشته باشند».<sup>۲</sup>
۴. در روایتی دیگر فرمود: «خداوند روزی پیامبران را در زراعت و شیر حیوانات قرار داد، تا از بارش باران آسمان کراهت نداشته باشند».<sup>۳</sup>
۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «بهترین کارها زراعت است که انسان های خوب و بد از آن می خورند؛ آنچه شخص نیکوکار می خورد برای تو استغفار می کند و آنچه را فاسق می خورد او را نفرین می کند. و حیوانات و مرغان نیز از آن بهره می گیرند».<sup>۴</sup>
۶. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زراعت کنید و درخت بنشانید. به خدا قسم، مردم کاری حلال تر و پاکیزه تر از آن نمی کنند. به خدا سوگند که پس از خروج دجال نیز زراعت و درختکاری خواهید کرد».<sup>۵</sup>
۷. در حدیثی دیگر فرمود: «زراعت کردن کیمیای بزرگ است».<sup>۶</sup>
۸. نیز در روایتی فرمود: «زارعان گنج های مردم هستند، زراعت می کنند و خداوند روزی نیکوی پاکیزه کرامت می کند و در قیامت جایگاه آنها از سایر

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲.

۲. همان، ص ۲۶۰، ح ۱.

۳. همان، ح ۲.

۴. همان، ح ۵.

۵. همان، ح ۳.

۶. همان، ص ۲۶۱، ذیل حدیث ۶.



مردم نیکوتر و منزلتشان از دیگران نزدیک‌تر است و در آن روز آنها را مبارک می‌نامند.<sup>۱</sup>

۹. در حدیث است که امام صادق علیه السلام بر گروهی از زارعان عبور کرد که زمین را شخم می‌زدند. به آنها فرمود: «زراعت کنید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند همان‌گونه که با باران زراعت را می‌رویاند، با باد هم می‌رویاند.»<sup>۲</sup> (بادهایی که حامل بخار آب هستند).

### فضیلت درختکاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شش ویژگی است که انسان مؤمن پس از مرگ هم از آن سود می‌برد: فرزند نیکوکار که برای او استغفار کند، قرآنی که از او بماند و تلاوت شود، چاهی که باقی بماند، درختی که بکارد، آبی که جاری سازد، سنت نیکی که در میان مردم بگذارد و مردم پس از وی به آن عمل کنند.»<sup>۳</sup>

۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله هسته خرما را با آب دهان مبارکش مرطوب می‌کرد و آن را در زمین فرو می‌برد و همان لحظه سبز می‌شد.<sup>۴</sup>

۳. در روایتی معتبر می‌خوانیم که کسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، دید آن حضرت مقدار زیادی هسته خرما بر دوش گرفته و می‌برد. پرسید: اینها چیست؟ فرمود: «إن شاء الله صد هزار درخت خرما است.» سپس آنها را کاشت و حتی یکی از آنها خطا نرفت (و همه آنها بارور شد).<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۶۱، ح ۷.

۲. همان، ص ۲۶۲، ح ۱.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۷؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۹۳، ح ۲.

۴. کافی، ج ۵، ص ۷۴، ح ۲.

۵. همان، ح ۶.

## باغ و باغداری

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که ابی عمرو می‌گوید حضرت صادق علیه السلام را که لباسی گشاد پوشیده بود و بیلی در دست داشت و در باغ خود کار می‌کرد و عرق از پشت مبارکش می‌ریخت، دیدم. عرض کردم: فدایت شوم اجازه بده من کارها را انجام دهم. فرمود: «دوست دارم انسان برای طلب روزی در زیر آفتاب عرق بریزد».<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هیچ‌یک از اموالی که پس از مرگ انسان باقی می‌ماند دشوارتر از طلا نیست». راوی پرسید: چه کند؟ فرمود: «باغ و خانه بخرد».<sup>۲</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «در تورات نوشته شده است که هر کس زمین یا آب بفروشد و در مقابل آن زمین و آب دیگر نخرد، ارزش کار او باطل و از آن سودی نخواهد برد».<sup>۳</sup>

## ۱۲ آداب زراعت و درختکاری

## آداب زراعت

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین آمد تشنه و گرسنه شد. به جبرئیل شکایت کرد. جبرئیل گفت: زراعت کن. آدم علیه السلام گفت: دعایی به من تعلیم کن. جبرئیل گفت: این دعا را بخوان: **اَللّٰهُمَّ اَكْفِنِيْ مَوْنَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُوْنَ الْجَنَّةِ وَ اَلْسِنِيْ الْعَافِيَةَ، حَتّٰى تُهَيِّبَنِي الْمَعِيْشَةَ**».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۷۶، ح ۱۳.

۲. کافی، ج ۵، ص ۹۱، باب شراء العقارات و بيعها، ح ۲؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۰۴، ح ۴۲۹.

۳. کافی، ج ۵، ص ۹۱، ح ۳؛ تهذيب، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۲۷۶.

۴. ترجمه: «بار خدایا، هزینه‌های زندگی‌ام را تأمین و هر ترسی که به خاطر بهشت است از من دور کن و (لباس) عافیت را بر من بیوشان تا زندگی را بر من گوارا کنی». کافی، ج ۵، ص ۲۶۰، ح ۴.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که می‌خواهی زراعت کنی یک مشت از بذر را بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: ﴿أَفْرَعْتُكُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* وَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾<sup>۱</sup> سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَبًّا مُّبَارَكًا وَاَزْرُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ<sup>۲</sup> آن‌گاه بذری که در کف دست داری پاش.»<sup>۳</sup>
۳. نیز در روایتی فرمود: «هنگامی که دانه را می‌پاشی بگو: اَللّٰهُمَّ قَدْ بَدَرْتُ وَ اَنْتَ الزَّارِعُ، فَاجْعَلْهُ حَبًّا مُّتْرَاكِمًا.»<sup>۴</sup>
۴. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «یک قبضه از بذر را در دست بگیر و رو به قبله بایست و سه مرتبه بگو: ﴿اَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾<sup>۵</sup> سپس بگو: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَزْنًا مُّبَارَكًا وَاَزْرُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَ التَّمَامَ وَ اجْعَلْهُ حَبًّا مُّتْرَاكِبًا وَ لَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا اُبْتَغِي وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا مَتَّعْتَنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ، آن‌گاه بذر را پاش.»<sup>۶</sup>

## آداب درختکاری

### دعای هنگام درختکاری

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: به هنگام کاشتن درخت و پاشیدن دانه، جمله «سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ» را بر هر درخت و دانه‌ای بخوان که
- 
۱. ترجمه: «آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟! آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟»  
سوره واقعه، آیات ۶۳ و ۶۴.
۲. ترجمه: «بار خدایا، این بذر را بذر پربرکتی قرار ده و در آن سلامتی را روزی ما گردان.»
۳. کافی، ج ۵، ص ۲۶۲، باب ما يقال عند الزرع والغرس، ح ۱.
۴. ترجمه «بار خدایا، من بذر را پاشیدم، اما زارع حقیقی تو هستی، پس محصول آن را انبوه و فراوان قرار بده.»  
کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۲.
۵. سوره واقعه، آیه ۶۴.
۶. ترجمه: «بار خدایا، این زراعت را زراعت مبارکی گردان و سلامتی و کمال را در آن روزی ما کن و آن را دانه انبوه و فراوان قرار ده و آنچه را می‌طلبم محروم نکن و در آنچه که به من داده‌ای مرا آزمایش (طاعت‌فرسا) نکن، به محمد و خاندان پاکش.» مکارم الأخلاق، ص ۳۵۳.

إن شاء الله خطأ نخواهد کرد.<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در وقت کاشتن درخت و زراعت، بگو: وَمَثَلُ  
كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ  
بِإِذْنِ رَبِّهَا».<sup>۲</sup>

#### بارور کردن درخت خرما و آبیاری درخت سدر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس می خواهد درخت  
خرما خوب میوه دهد و خرمایش نیکو شود، ماهی های کوچک خشک را بگیرد  
و آن را نیمکوب کند و در هر شکوفه ای اندکی بپاشد و بقیه آن را در کیسه  
پاکیزه ای قرار داده، در میان درخت خرما جای دهد».<sup>۳</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس درخت سدر را آب دهد، گویی مؤمن  
تشنه ای را سیراب کرده است».<sup>۴</sup>

#### فلسفه درختان بدون میوه و درمان میوه های کرم زده

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال هیچ درختی  
را نیافرید مگر آنکه میوه داشت و قابل خوردن بود. اما هنگامی که مردم برای  
خداوند فرزند قائل شدند میوه نصف درختان از بین رفت و هنگامی که برای  
خدا شریک قائل شدند درختان خار رویید».<sup>۵</sup>

۱. کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۵.

۲. ترجمه: «مَثَلُ كَلِمَةٍ طَيِّبَةٍ (وگفتار پاکیزه) همانند درخت پاکیزه ای است که ریشه آن (در زمین) ثابت  
و شاخه آن در آسمان است. و هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد». کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۶.

۳. کافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۳.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۶، ح ۴۴.

۵. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۳، باب ۳۷۴، ح ۱.

۲. در حدیث است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «حضرت عیسی علیه السلام از شهری عبور کرد که در میوه‌های آن شهر کرم فراوان بود. آنان به حضرت شکایت کردند. حضرت فرمود: شما که درخت می‌کارید اول خاک می‌ریزید و بعد آن را آب می‌دهید از این رو میوه‌های آن درخت کرم دارد. پس از این، اول آب بدهید سپس خاک بریزید. به این دستور عمل کردند و مشکل حل شد.»<sup>۱</sup>

#### بریدن درخت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «درخت میوه‌دار را هرگز قطع نکنید که عذاب بر شما نازل می‌شود.»<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «بریدن درخت خرما کراهت دارد». پرسیدند: بریدن درختان دیگر چگونه؟ فرمود: «اشکال ندارد». پرسیدند: درخت سدر چگونه؟ فرمود: «بریدن درخت سدر در بیابان خوب نیست زیرا در آنجا کم است، اما در شهر اشکالی ندارد.»<sup>۳</sup>
۳. در حدیث است که از امام رضا علیه السلام پرسیدند: بریدن درخت سدر چگونه است؟ فرمود: «پدرم درخت سدر را برید و به جای آن درخت انگور کاشت.»<sup>۴</sup>

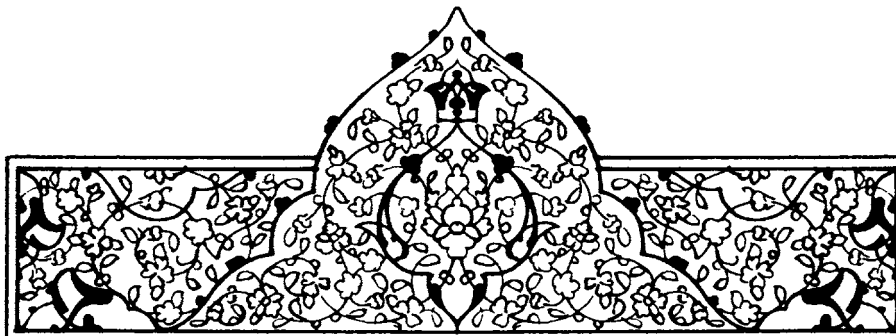
۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۴، باب ۳۷۶، ح ۱.

۲. کافی، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۹.

۳. همان، ح ۸.

۴. همان، ص ۲۶۳، ح ۷.





## فصل چهاردهم:

### آداب سفر

۱. سفر کردن، روزها و ساعت‌های خوب و بد
۲. اموری که نحوست‌های سفر را از بین می‌برد
۳. آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر
۴. آنچه مسافر باید همراه داشته باشد
۵. توشهٔ سفر
۶. آداب معاشرت با همسفر
۷. سایر آداب سفر
۸. آداب راه رفتن و فرود آمدن
۹. دعاهای مسیر راه و منازل
۱۰. آداب سفرهای دریایی و عبور از پل‌ها
۱۱. آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر
۱۲. آداب اسب‌سواری و تیراندازی





## ۱ سفر کردن، روزها و ساعت‌های خوب و بد

### هدف از سفر کردن

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «در حکمت آل داوود نوشته است که هیچ‌کس سفر نکند، مگر برای سه هدف: سفری که توشه آخرت در آن حاصل شود، سفری که موجب گشایش امور زندگی گردد، سفری که برای تفریح و سرگرمی حلال باشد».<sup>۱</sup>

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کنید تا بدن‌های شما سالم شود و جهاد کنید تا به غنایم دنیا و آخرت دست یابید و حج بروید تا بی‌نیاز شوید».<sup>۲</sup>

### سفر کردن به مقدار ضرورت

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سفر قطعه‌ای از عذاب دوزخ است، هنگامی که کارتان در سفر تمام شد زود به سوی خانواده خود بازگردید».<sup>۳</sup>

۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی به سرزمینی سفر می‌کند که جز برف و یخ چیزی در آنجا نیست (برای

۱. محاسن، ص ۳۴۵، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۳.

۲. محاسن، ص ۳۴۵، ح ۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۴.

۳. محاسن، ص ۳۷۷، ح ۱۴۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۸۹۴.

وضوی نماز چه کند؟) حضرت فرمود: «چون مضطرّ است تیمّم کند و دیگر به چنین سرزمینی که دینش در آنجا به خطر می افتد نرود».<sup>۱</sup>

### روزهای نیک برای سفر کردن

۱. در روایتی معتبر می خوانیم که کسی خدمت امام کاظم علیه السلام رسید و عرض کرد: می خواهم به سفر بروم، تقاضا می کنم برای من دعا کنید. امام فرمود: «چه روزی عازم هستی؟» گفت: با توجّه به اینکه روز دوشنبه روز مبارکی است، زیرا حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز متولّد شده، در آن روز سفر را آغاز می کنم. حضرت فرمود: «دروغ می گویند، حضرت رسول صلی الله علیه و آله جمعه متولّد شده و هیچ روزی شوم تر از روز دوشنبه نیست، زیرا در آن روز حضرت رسول وفات کرد و وحی آسمان قطع شد و حقّ ما را غصب کردند. می خواهی به تو خبر دهم از روز سهل و آسانی که خداوند در آن روز آهن را برای حضرت داوود علیه السلام نرم کرد؟» عرض کرد: آری. فرمود: «آن، روز سه شنبه است».<sup>۲</sup>

۲. در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر دارد روز شنبه سفر کند که اگر سنگی در روز شنبه از کوهی حرکت کند خداوند آن را به جای خود بازمی گرداند. و هرگاه کارها بر کسی دشوار شود روز سه شنبه طلب کند که در آن روز آهن برای حضرت داوود علیه السلام نرم شد».<sup>۳</sup>

۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس به منظور ردّ عقیده گروهی که فال بد می زنند چهارشنبه آخر ماه سفر کند، از هر بلائی حفظ می شود و حاجتش روا می گردد».<sup>۴</sup>

۱. کافی، ج ۳، ص ۶۷، ح ۱؛ تهذیب، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۵۵۳.

۲. قرب الإسناد، ص ۲۲۹، ح ۱۱۶۳؛ خصال، ج ۲، ص ۱۴۸، ح ۴۸.

۳. کافی، ج ۸، ص ۱۲۵، ح ۱۰۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۶.

۴. خصال، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۴۳، ح ۴.

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ در روز پنجشنبه به سفر می‌رفت و می‌فرمود: «خدا و رسولش و فرشتگان، روز پنجشنبه را دوست دارند»<sup>۱</sup>.

(این روایات مختلف دلیل بر این است که سفر کردن در همهٔ این چند روز مناسب است).

### روزهای نامیمون برای سفر کردن

۱. در روایتی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «سفر کردن و تلاش برای برطرف کردن نیازها، در پیش از ظهر روز جمعه کراهت دارد زیرا ممکن است از نماز جمعه بازماند. اما پس از نماز از برای تبرک جستن خوب است»<sup>۲</sup>.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «سفر کردن در شب جمعه اشکال ندارد»<sup>۳</sup>.

۳. در برخی روایات آمده است که: «در روز سوم، چهارم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیستم، بیست و چهارم، بیست و پنجم و بیست و ششم ماه، سفر نکن»<sup>۴</sup>.

۴. در روایتی دیگر می‌خوانیم که: «هشتم و بیست و سوم ماه برای سفر کردن خوب نیست»<sup>۵</sup>.

توجه: اگر روزهای ماه با روزهای هفته معارض شود، رعایت روزهای هفته سزاوارتر است<sup>۶</sup>، زیرا احادیث معتبر در مورد ایام هفته بیشتر است.

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۴۰؛ الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۷.

۲. خصال، ج ۲، ص ۱۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۳، ح ۶.

۳. محاسن، ص ۳۴۷، ح ۱۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۳، ح ۷۶۷.

۴. الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۹.

۵. الامان من اخطار الاسفار و الازمان، ص ۲۰.

۶. محاسن، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۴۲.

۵. در روایتی معتبر آمده است: «هر کس زمانی که ماه در برج عقرب است سفر کند، یا ازدواج کند، عاقبت خوبی نخواهد داشت».<sup>۱</sup>

## ۲ اموری که نحوست‌های سفر را از بین می‌برد

### صدقه دادن

۱. در حدیثی صحیح می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «صدقه بده و هر روز که می‌خواهی سفر کن».<sup>۲</sup>

۲. نیز در حدیثی صحیح آمده است که از آن حضرت پرسیدند: آیا سفر کردن در روزی از روزها، مثل چهارشنبه و غیر آن کراهت دارد؟ حضرت فرمود: «سفر خود را با دادن صدقه آغاز کن و هر وقت می‌خواهی سفر کن».<sup>۳</sup>

۳. در روایتی صحیح می‌خوانیم که ابن ابی عمیر می‌گوید: من در علم نجوم مهارت داشتم و طالع را می‌شناختم، بدین رو هنگامی که به علم نجوم می‌نگریستم در برخی ساعت‌ها از برخی کارها کراهت داشتم و از این مطلب به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. امام فرمود: «هر زمان چیزی به دلت افتاد به اول فقیری که برخورد می‌کنی صدقه بده، تا خداوند ضرر آن کار را از تو برطرف کند».<sup>۴</sup>

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در اول روز صدقه دهد، خداوند نحوست آن روز را از او برطرف می‌کند».<sup>۵</sup>

۵. در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که امام زین العابدین علیه السلام می‌خواست به بعضی از مزارع خود برود، سلامتی خود را - به مقدار ممکن - با دادن صدقه از

۱. محاسن، ص ۳۴۷، ح ۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۴۲.

۲. محاسن، ص ۳۴۸، ح ۲۳؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۴.

۳. کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۷۸۲.

۴. محاسن، ص ۳۴۹، ح ۲۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۷۸۳.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۴.

خداوند می‌خريد و صدقه را زمانی می‌داد که پا در رکاب مرکب می‌گذاشت. و هنگامی که خداوند او را به سلامت بازمی‌گرداند، شکر و حمد الهی به جا می‌آورد و به مقدار ممکن صدقه می‌داد.<sup>۱</sup>

### خواندن دعا به هنگام سفر

۱. در روایتی آمده است: «قبل از رفتن به سفر هنگام دادن صدقه این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ سَفَرِي وَ مَا مَعِيَ، فَسَلِّمْ لِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلِ<sup>۲</sup> و بعد از دادن صدقه بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ. لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ. سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ، بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدِمُ بَيْنَ يَدَيَّ نَسْيَانِي وَ عَجَلَتِي. بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا، ذَكَرْتُهُ أَمْ نَسِيْتُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِنَا الْأَرْضَ وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ. اللَّهُمَّ اصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنَّا أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَأْتِيَةِ الْمُتَقَلِّبِ وَ سُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَ نَاصِرِي. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِي فِيهِ وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>۳</sup>.

۱. محاسن، ص ۳۴۸، ح ۲۵؛ کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۷۸۵.

۲. ترجمه: «بار خدایا، با این صدقه سلامتی خود و سلامتی سفرم و آنچه را که با من است خریدم (تضمین کردم). پس خودم و آنچه را که با من است به سلامت بدار و مرا و آنچه را که با من است به شایستگی به مقصد برسان».

۳. ترجمه: «معبودی جز خداوند یگانه نیست که دارای حلم و کرم است. معبودی جز خداوند یگانه نیست،

۲. سید بن طاووس رحمته الله روایت کرده است که هرگاه در وقتی که سفر کردن کراهت دارد بخواهی سفر کنی، قبل از رفتن به سفر سوره حمد، **﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾**، **﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾**، آیه الکرسی، **﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾** و آیه ۱۹۰ سوره آل عمران **﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾**، تا پایان سوره را بخوان، سپس بگو: **اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ وَبِكَ يَطْوُلُ الطَّائِلُ وَلا حَوْلَ لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ وَلا قُوَّةَ يَمْتَاذُهَا دُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِثْرَتِهِ وَسُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاكْفِنِي شَرَّ هَذَا الْيَوْمِ وَضُرَّهُ وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيُمْنَهُ وَاقْضِ لِي فِي مُتَصَرِّفَاتِي بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ وَكِفَايَةِ الطَّاعِيَةِ الْعَوِيَّةِ وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَدِيَّةٍ حَتَّى أَكُونَ فِي جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنَقْمَةٍ وَأَبْدَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِ أَمْنًا وَمِنَ الْعَوَائِقِ فِيهِ يُسْرًا، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَلا يَجَلَّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْعِبَادِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»**<sup>۱</sup>.

→ هموکه والا و بزرگ است. منزّه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار هفت زمین و آنچه در آنها و آنچه در بین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است. و درود بر پیامبران و سپاس از آن خدا که پروردگار جهانیان است و درود و رحمت بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش باد. بار خدایا، در برابر هر ستمگر ستیزه جو و هر شیطان سرکش پناه من باش. به نام خدا داخل و به نام خدا خارج شدم. بار خدایا، من پیش از آنکه در این سفر فراموشی یا شتاب کنم (و بسم الله و ما شاء الله را ترک کنم) بسم الله و ما شاء الله را از پیش می گویم؛ خواه بعداً به یادم بیاید و جبران کنم و خواه فراموش کنم. بار خدایا، تو کمک کننده در کارها و همراه در سفر و جانشین در خانواده ای. بار خدایا، سفر را بر ما آسان و راه را بر ما کوتاه گردان و ما را با پیروی از خود و رسالت در آن مسیر پیش ببر. بار خدایا، امور ما را در وطن به هنگام سفر ما اصلاح کن و آنچه را به ما داده ای مبارک گردان و ما را از عذاب جهنم نگاه دار. بار خدایا، از سختی سفر و پربشانی به هنگام بازگشت و حوادث بد در خانواده و مال و فرزندان به تو پناه می بریم. بار خدایا، تو یار و یاور منی. بار خدایا، دوری و رنج آن را از من جدا کن و در آن یار من باش و در خانواده من با خیر و نیکی جانشین من باش. هیچ پناهگاه و قدرتی نیست مگر به واسطه خدای والا و بزرگ مقام. **«الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۵ و ۲۶»**.

۱. ترجمه: «بار خدایا، هر بزرگی به وسیله تو بزرگی می کند و هر فخرکننده ای به وسیله تو افتخار می کند و هر

←

### کتاب‌های نجوم را بسوزان

در حدیثی آمده است که عبدالملک به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به علم نجوم و طالع بینی سخت معتقد شده‌ام، تا آن پایه که هرگاه بخواهم کاری کنم به طالع خود نظر می‌افکنم، اگر طالع خود را نیک ببینم به سراغ آن کار می‌روم و اگر شرّ باشد آن را ترک می‌کنم. حضرت فرمود: «حاجتت برآورده می‌شود؟» گفت: آری. امام فرمود: «کتاب‌های مربوط به این موضوع را بسوزان».<sup>۱</sup>

### ﴿ ۳ ﴾ آداب غسل کردن و نماز و دعا خواندن به هنگام رفتن به سفر

#### غسل کردن پیش از سفر

در روایتی که سیّد بن طاووس نقل کرده است، بر کسی که قصد سفر دارد مستحبّ است قبل از رفتن به سفر غسل کند و پیش از غسل کردن این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِي صَدْرِي وَ نَوِّرْ بِي قَبْرِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهُورًا وَ حِزْزًا وَ شِفَاءً، مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ وَ سُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَ أَخْذُرُ وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ عِظَامِي وَ دَمِي

→ صاحب قدرتی جز به وسیله تو قدرت ندارد و هیچ قدرتمندی را جز قدرت تو ممتاز نکند. به حقّ برگزیده‌ها از مخلوقات و انتخاب شده‌ها از مردم، محمّد پیامبر صلی الله علیه و آله و عترت و خاندانش علیهم السلام، بر او و بر ایشان درود فرست و شرّ امروز و زبانش را از من برطرف کن و خیر و برکتش را روزی من گردان و در تمام تصرّفات من حُسن عاقبت و رسیدن به محبّت و امنیّت و کفایت در برابر طغیانگر گمراه کننده و هر صاحب قدرتی که قصد اذیت دارد نصیبم کن تا از هر بلا و کینه‌ای در امان باشم. ترس‌ها را به امن و مشکلات را به آسانی مبدّل گردان، تا هیچ‌کس مانع مراد من نشود و آزار هیچ‌کس مرا فرا نگیرد، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و کارها به سوی تو بازمی‌گردد. ای کسی که هیچ چیز مانند او نیست و او شنوا و بیناست. «الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۹.

۱. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۷۵، ح ۷۷۹.

وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَمُخِّي وَعَصْبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنْ مَنِّي. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي إِلَيْكَ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.<sup>۱</sup>

### نماز خواندن پیش از سفر

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هیچ جانشینی برای مسافر در بین خانواده، بهتر از این نیست که به هنگام سفر دو رکعت نماز بگذارد و سپس بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَذُرِّيَّتِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَاتِمَةَ عَمَلِي.<sup>۲</sup>

سید بن طاووس رحمته الله گوید: در رکعت اول ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و در رکعت دوم ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ﴾ را بخوان<sup>۳</sup> و بعد از نماز این دعا را بخوان: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ وَالْغَائِبِ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا فَضْلَكَ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَالْأَمْوَالِ وَالْوَالِدِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ هَذَا التَّوَجُّهُ طَلِبًا لِمَرْضَاتِكَ وَتَقَرُّبًا إِلَيْكَ، فَبَلِّغْنِي مَا أَوْمَلُهُ وَأَرْجُوهُ فِيكَ وَفِي أَوْلِيَائِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۴</sup>

۱. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (آغاز می‌کنم). هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به سبب خدای والا و بزرگ نیست، و بر آیین رسول خدا و راستگویان از جانب خدا هستم. پروردگارا، به وسیله آن قلبم را پاک و سینه‌ام را گشاد و قبرم را نورانی گردان. بار خدایا، آن را برای من نور و پاکیزگی و دعا و شفای از هر درد و آفت و رنج و بدی از آنچه می‌ترسم و برحذر هستم قرار ده. پروردگارا، قلب و اعضا و جوارح و استخوان‌ها و خون و مو و مغز و اعصابم و آنچه را که زمین از من دربر گرفته پاک گردان. بار خدایا، ای پروردگار جهانیان، آن را برای من در روزی که نیاز به تو دارم گواه قرار ده، زیرا تو بر هر چیزی توانا هستی.» الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۰.

۲. ترجمه: «بار خدایا، خود و خانواده و مال و فرزندان و دنیا و آخرت و پایان کارم را به تو می‌سپارم.» محاسن، ص ۳۴۹، ح ۲۹؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۱.

۳. الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۷.

۴. ترجمه: «بار خدایا، امروز خود و خانواده و مال و فرزندان خویش و همراهانم در این سفر، حاضر و غایب از



و اگر بخواهی این دعا را هم بخوان: اللَّهُمَّ خَرَجْتُ فِي وَجْهِ هَذَا، بِإِثْقَةِ مَنِّي لِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءَ يَا وَي بِي إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ أَتَكِلُ عَلَيْهَا وَ لَا حِيلَةَ الْجَأُ إِلَيْهَا، إِلَّا طَلَبَ رِضَاكَ وَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَ تَعَرُّضًا لِثَوَابِكَ وَ سُكُونًا إِلَى حُسْنِ عَائِدَتِكَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي وَجْهِ، مِمَّا أَحَبُّ وَ أَكْرَهُ. اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِي كُلِّ لَأٍ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كِنْفًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفًا مِنْ عَفْوِكَ وَ سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَ تَمَامًا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ جَمَاعًا مِنْ مُعَافَاتِكَ وَ وَفِّقْ لِي فِيهِ يَا رَبِّ جَمِيعَ قَضَائِكَ عَلَيَّ مُوَافَقَةً هَوَايَ وَ حَقِيقَةً عَمَلِي وَ ادْفَعْ عَنِّي مَا أَخْذَرُ وَ مَا لَا أَخْذَرُ عَلَيَّ نَفْسِي، مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي لِأَخْرَتِي وَ دُنْيَايَ، مَعَ مَا أَسْتَلُّكَ أَنْ تُخَلِّفَنِي فِيْمَنْ خَلَّفْتَ وَ رَائِي، مِنْ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ إِخْوَانِي وَ جَمِيعِ حُرَانَتِي، بِأَفْضَلِ مَا تُخَلِّفُ فِيهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، فِي تَخْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ حِفْظِ كُلِّ مَضِيعَةٍ وَ تَمَامِ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ دِفَاعِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ كِفَايَةِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ صَرْفِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ كَمَالِ مَا يَجْمَعُ لِي بِهِ الرِّضَا وَ الشُّرُورَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، ثُمَّ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ، حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ الْيَوْمَ، دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ جَمِيعِ إِخْوَانِي. اللَّهُمَّ احْفَظْ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ عَافِيَةٍ وَ فَضْلٍ»<sup>۱</sup>.

→ آنان را به تو می سپارم. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. خدایا، ما را در رحمت خویش گرد آور و فضل خود را از ما نگیر که ما به سوی تو رغبت داریم. بار خدایا، از رنج سفر و پیریشانی بازگشت و بد دیدن در خانواده و مال و فرزندان در دنیا و آخرت به تو پناه می بریم. بار خدایا، من با این توجه به تو خواهان خشنودی و تقرب به سوی تو هستم، پس مرا به آنچه که آرزوی من است و امیدوار به آن نسبت به تو و دوستان تو هستم برسان، ای مهربان ترین مهربانان». الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۲۸.

۱. ترجمه: «بار خدایا، خارج شده ام در این مسیر در حالی که به غیر تو اعتماد ندارم و امید می نیست که پناهگاهی جز به سوی تو بیابم و نه نیرویی که به آن تکیه کنم و نه چاره ای که به آن پناه برم، مگر درخواست خشنودی و رحمت تو و در پی پاداش و امیدواری به بخشش تو و تو می دانی چه چیز را دوست دارم و چه

←

## دعا خواندن پیش از رفتن به سفر

۱. در روایتی آمده است: هنگامی که حضرت رسول ﷺ آماده حرکت برای سفر می شد چنین دعا می کرد: **اللَّهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اِعْتَصَمْتُ، أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي. اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَا أَهْمُ لَهُ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. اللَّهُمَّ رَوِّدْنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي وَ وَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ.**<sup>۱</sup>

۲. از حضرت علی عليه السلام روایت شده است که فرمود: «هرگاه کسی برای سفر از خانه بیرون می رود بگوید: **اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَالِدِ.**»<sup>۲</sup>

سپس دعاهایی را که هنگام بیرون رفتن از خانه و سوار شدن - در فصل های سابق گذشت - بخواند و آن گاه که سوار شد بگوید: **«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ**

→ چیزی را خوش ندارم. بار خدایا، تقدیر هر بلا و قضای هر سختی را از من دفع کن! گوشه ای از رحمت و احسانی از بخشش تو و گشایشی از روزی تو و کمالی از نعمت تو و عافیت فراوانی را بر من گسترش ده! تقدیرات خود را طبق نیازهای من قرار ده و آنچه را که بر خود بیم دارم یا بیم ندارم، از آن چیزهایی که تو از من داناتری از من دفع کن و آن را خیر و نیکی برای آخرت و دنیای من قرار ده، اضافه بر این، از تو می خواهم که جانشین من باشی در آنچه که از خود (در وطن) به جای گذاردم از فرزندان و خانواده و مال و برادران و هر کسی که اندوه او را می خورم، به بهترین وجهی که نسبت به مؤمنین قائم مقام آنها می شوی، در پوشیدن هر بدی (عورت) و نگهداری هر مال و کامل کردن هر نعمت و دور کردن هر گناه و بازداشتن هر ترس و حفظ از هر بدی و کامل کردن آنچه که خشنودی دنیا و آخرت را برای من در بر خواهد داشت. سپس یاد و سپاس و اطاعت و عبادت خود را روزی من کن، تا تواز من به طور کامل راضی شوی. بار خدایا، من امروز دین و جان و خانواده و مال و فرزندان و همه برادرانم را به تو می سپارم. بار خدایا، حاضر و غایب ما را حفظ کن. خدایا، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خود جای ده و نعمت خود را از ما نگیر و نعمت و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده.»

۱. ترجمه: «بار خدایا، به یاری تو می روم و به تو روی می آورم و به دامن لطف تو چنگ می زنم؛ چون تو پناهگاه و امید من هستی. خداوند، آنچه را در نظر دارم و ندارم و آنچه را تو از من بهتر می دانی، کفایت کن. بار خدایا، توشه ام را تقوا قرار ده و مرا بیمارز و به هر جاکه رو کنم مرا به خیر رهنمون باش.» مکارم الأخلاق، ص ۴۴۶.

۲. ترجمه: «بار خدایا، تو رفیق در سفر و حمل کننده بر مرکب و جانشین در خانواده و مال و فرزندانم هستی.»

وَمَنْ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ. سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنَا بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى خَيْرٍ، بِلَاغًا تَبْلُغُ بِهِ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَمَغْفِرَتِكَ. اللَّهُمَّ لَا ضَيْرَ إِلَّا ضَيْرُكَ وَلَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ وَلَا حَافِظَ غَيْرِكَ.<sup>١</sup>

۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه امام باقر علیه السلام می خواست به سفر برود، خانواده اش را در اتاقی دور جمع می کرد و این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ الْعِدَاةَ نَفْسِي وَمَالِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَالشَّاهِدَةَ مِنَّا وَالغَائِبَةَ. اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَاحْفَظْ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جَوَارِكِ. اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَفَضْلِكَ.<sup>٢</sup>

۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که هرگاه حضرت صادق علیه السلام عزم سفر می کرد، این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَاحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَاعْظِمْ عَافِيَتَنَا.<sup>٣</sup>

۵. در روایت دیگری آمده است که آن حضرت به هنگام رفتن به سفر چنین دعا می کرد: اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَاحْفَظْ مَا مَعِيَ وَبَلِّغْنِي وَبَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ، بِاللَّهِ اسْتَفْتِحْ وَبِاللَّهِ اسْتَنْجِحْ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّوَجَّهُ. اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي كُلَّ حَزُونَةٍ وَذَلِّ لِي

۱. ترجمه: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به اسلام هدایت کرد و به نبوت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر ما منت گذاشت. منزّه است خدایی که این (مرکب) را مسخر ما کرد و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگاران باز می گردیم و حمد و ستایش مخصوص خداوند دو جهان است. بار خدایا، تو حمل کننده بر مرکب و کمک کننده بر کارها هستی. خداوند، ما را به گونه ای به مقصد برسان که به سبب آن به همه خیرات و رحمت و رضوان و مغفرت تو برسیم. بار خدایا، هیچ ضرری جز به اراده تو نیست و هیچ خیری جز از سوی تو نمی باشد و هیچ کس جز تو حافظ ما نیست». خصال، ج ۲، ص ۴۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۲.

۲. ترجمه: «بار خدایا، از آغاز صبح خودم و مال و خانواده و فرزندانم از حاضر و غایب را به تو می سپارم. خداوند، ما را حفظ کن و مراقب ما باش. بار خدایا، ما را در کنار خویش قرار ده! خدایا، نعمتت را از ما سلب نکن و عافیت و فضل خود را نسبت به ما تغییر نده». محاسن، ص ۳۵۰، ج ۳۰؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۳، ح ۲.

۳. ترجمه: «خداوند، راه را بر ما باز کن و مسیر ما را نیکو ساز و عافیت ما را کامل کن». محاسن، ص ۳۵۰، ح ۲۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۷، ح ۷۹۱.

كُلَّ صُعُوبَةٍ وَاعْطَيْنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَاصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ أَكْثَرَ مِمَّا  
أَخْذُرُ فِي عَافِيَةٍ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.<sup>۱</sup>

و این دعا را نیز می خواند: اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَ جَلَّ، بِيَدِهِ أَقْوَاتُ  
الْمَلَائِكَةِ، أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي سَفَرِنَا أَمْنًا وَ إِيمَانًا وَ سَلَامَةً وَ إِسْلَامًا وَ فِقْهًا وَ تَوْفِيقًا  
وَ بَرَكَةً وَ هُدًى وَ شُكْرًا وَ عَافِيَةً وَ مَغْفِرَةً وَ عَزْمًا، لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا.<sup>۲</sup>

۶. نیز در روایتی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس قصد سفر  
دارد هنگامی که در خانه از جای برمی خیزد و قصد حرکت به شهر مقصد می کند  
سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و جانب چپ بخواند، سپس  
آیه الكرسي را هم به همین صورت تلاوت کند، پس از آن بگوید: اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِي  
وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِسَبَاغِكَ الْحَسَنِ  
الْجَمِيلِ».<sup>۳</sup>

۷. سید بن طاووس رحمته الله روایت کرده است که چون بر در خانه بایستد تسبیح  
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و سوره حمد را از پیش رو و سمت راست  
و چپ، سپس آیه الكرسي را به همین صورت تلاوت کند، سپس بگوید: اَللّٰهُمَّ

۱. ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه را که با من است حفظ کن و من و آنچه را که با من است به صورتی نیکو و زیبا  
به مقصد برسان. به کمک خداوند سفر را آغاز می کنم. از خدا یاری می جویم و از او کمک می طلبم. و به  
محمد صلی الله علیه و آله روی می آورم. بار خدایا، هر مشکلی را بر من آسان و هر سختی را هموار گردان و تمام خیر  
و نیکی ها را بیش از آنچه که امید دارم عطا بکن. و تمام شرور و بدی ها را بیش از آنچه که واهمه دارم از من  
دور کن، در حالی که در عافیت باشم. ای مهربان ترین مهربانان». مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
۲. ترجمه: «از خدایی که روزی هر موجود کوچک و بزرگ و روزی فرشتگان به دست اوست، می خواهم که در  
این سفر به ما امنیت و ایمان و سلامت و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت و بخشش  
و اراده عنایت کند و هیچ گناهی را برای ما باقی نگذارد». مکارم الأخلاق، ص ۲۴۶ و ۲۴۷.
۳. ترجمه: «بار خدایا، من و آنچه تعلق به من دارد را حفظ کن. و من و آنچه همراه من است را به سلامت بدار.  
و خود و همراهانم را به بهترین صورت ممکن به مقصد برسان». کافی، ج ۲، ص ۵۴۳، ح ۱۱؛ مکارم  
الأخلاق، ص ۲۴۶.

إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَمَالِي وَمَا خَوَّلْتَنِي، قَدْ وَثِقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي، يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي فِيمَا غَبْتُ عَنْهُ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَبِّبْ لِي الْمُرَادَ وَسَخِّرْ لِي عِبَادَكَ وَبِلَادَكَ وَارْزُقْنِي زِيَارَةَ نَبِيِّكَ وَوَلِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَيْمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَمُدَّنِي مِنْكَ بِالْمَعُونَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَلَا إِلَى غَيْرِي فَأَكْلِلُ وَأَعْطِبُ وَزَوِّدْنِي التَّقْوَى وَاغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ.<sup>۱</sup>

و این دعا را نیز بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَبِاللَّهِ وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَعْنْتُ بِاللَّهِ وَالْجَبَاتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ. رَبِّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَهِي إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَضْرِبُ الشُّوَاءَ إِلَّا أَنْتَ، عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ.<sup>۲</sup>

در روایتی آمده است که هر کس صبح از خانه بیرون آید و دعای بالا را

۱. ترجمه: «بار خدایا، رو به سوی تو آوردم و تو را جانشین خود در مورد اهل و مال و تعهداتی که به من سپرده‌ای قرار دادم. به تو اعتماد کردم پس ناامیدم نکن. ای کسی که ناامید نمی‌کنی شخصی را که به سوی تو آمده و ضایع نمی‌کنی کسی را که به یاد تو است. خداوند، بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا نسبت به آنچه که از آن غفلت کردم حفظ کن و به خود وانگذار، ای مهربان‌ترین مهربانان. بار خدایا، مرا در این سفر به مقصد برسان و اهداف سفر را بر من آسان بگردان و بندگان و شهروان را با من همراه ساز و زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت علی عليه السلام و امامان معصوم از فرزندان علی و تمام اهل بیت عليهم السلام را روزی ام گردان. و در تمام احوال کمک من باش و مرا به خودم یا دیگری وامگذار تا بخورم و به زحمت بیفتم. و تقوا را توشه‌ام کن و در دنیا و آخرت مرا بیمرز. بار خدایا، مرا جزء کسانی قرار ده که بیشترین توجه را به تو دارند.»

۲. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع کردم.) و بر خدا توکل کردم و از خدا کمک جستیم و بر خدا تکیه نمودم و کار خود را به خدا واگذار کردم. پروردگارا، به کتابی که نازل کردی و به پیامبری که فرستادی ایمان آورده‌ام، زیرا جز تو نیکی نیاورد و جز تو بدی را باز ندارد. کسی که در جوار تو است عزیز و سربلند و ثنای تو بزرگ و نام‌های تو مقدس و نعمت‌های تو بزرگ است و معبودی جز تو نیست.»



### همراه داشتن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در سفر

۱. از چیزهایی که باید در سفر به همراه خود داشت، تسبیح تربت امام حسین علیه السلام است. هنگامی که امام صادق علیه السلام به عراق آمد مردم نزد آن حضرت جمع شدند و پرسیدند: می دانیم تربت امام حسین علیه السلام شفای هر دردی است، اما آیا باعث ایمنی از بیم و خوف هم می شود؟ حضرت فرمود: «هرگاه کسی بخواهد از هر بیم در امان باشد، تسبیحی از تربت آن حضرت در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند: **أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ وَ جِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَلَا يُحَاوِلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ، مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ فِي جَنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخَوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ وَ لَاءِ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُخْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدْبَتِي، بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْإِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ، أُولِي مَنْ وَ أَلْوَا وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانِبُوا، فَاعْذِنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ، يَا عَظِيمَ حِجْزَتِ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدْيِعِ**

→ آن دو گفت: «منظور شما (از این کار) چیست؟» گفتند: «ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (قادر بر این کارها نیست)». - موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد و عرض کرد: «پروردگارا، به هر خیر و نیکی که تو بر من فرو فرستی نیازمندم». - ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیاء برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد». هنگامی که موسی نزد او [=شعیب] آمد و سرگذشت خود را برای او شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ستمکار نجات یافتی». - یکی از آن دو (دختر) گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد (و او همین مرد است)». - (شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی؛ و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، (محببتی) از ناحیه تو است؛ من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم؛ و اگر خدا بخواهد مرا از صالحان خواهی یافت». - (موسی) گفت: «(مانعی ندارد)، این قراردادی میان من و تو باشد؛ البته هر کدام از این دو مدت را انجام دهم ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم)؛ و خدا بر آنچه ما می گوئیم گواه است». (سوره قصص، آیات ۲۲-۲۸) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۶، ح ۸۷۶.

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۱ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۲ سپس تسبیح را ببوسد و بر روی هر دو چشم بگذارد و بگوید:  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ  
 وَبِحَقِّ أَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ، اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ  
 وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ ۳ اگر صبح این عمل را به جا آورد تا شب در امان باشد و اگر  
 شب به این دستور عمل کند تا صبح در امان باشد» ۴.

۲. در روایتی دیگر آمده است: هر کس از سلطان یا شخص دیگری بترسد و هنگام خارج شدن از خانه به سفارش بالا عمل کند، از شر او در امان باشد. ۵.

### انگشتر به دست کردن در سفر

در فصل دوم همین کتاب، انگشترهای مناسب سفر بیان شد.

۱. ترجمه: «بار خدایا، در حالی شب را به صبح رساندم که به جوار منیع تو که دست هیچ کس به آن نمی‌رسد و مورد تجاوز واقع نمی‌گردد پناه آورده‌ام. از شر هر ستمگر و هر راهزنی، از تمام کسانی که آفریده‌ای و چیزهای دیگری که خلق کرده‌ای، چه (آنها که) خموش (اند) و چه گویا، (خود را) در سپری از هر چیز ترسناکی (نهادم) با لباسی بافته شده از دوستی خاندان پیامبرت و خود را می‌پوشانم از هر کس که قصد آزارم کند به سنگر محکم اخلاص، با اعتراف به حق آن بزرگواران و تمسک به رشته دوستی ایشان، در حالی که یقین دارم حق مخصوص آنها و نزد آنها و پیش آنها و به وسیله آنهاست. دوست دارم هر کسی را که آنها دوست دارند و دوری می‌جویم از هر کس که آنها از او دوری جویند. پس خدایا به حق آنان مرا از شر هر آنچه از آن می‌ترسم پناه ده! ای خدای بزرگ، من دشمنان را به وسیله خدای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین از خود دور ساختم».

۲. ترجمه: «بی‌شک ما) در پیش روی آنان سدی قرار دادیم و در پشت سرشان سدی و چشمانشان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند». سوره یس، آیه ۹.

۳. ترجمه: «بار خدایا، از تو می‌خواهم به حق این تربت مبارک و به حق جد و پدر و مادر و برادر و فرزندان پاکش که آن را برای هر دردی شفا و برای هر ترسی امان و برای هر بدی وسیله محافظت قرار دهی».

۴. الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۳۳ و ۳۴. در مورد دعای اول فقط اشاره شده که چنین دعایی هست.

۵. همان، ص ۳۴.



### خواندن سوره عبس در سفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس سوره عبس را در کاغذی سفید بنویسد و به هر کجا سفر کند آن را همراه خود ببرد، در آن سفر به جز نیکی نبیند و از خطرهای آن راه محفوظ بماند».<sup>۱</sup>

### به همراه بردن تعویذ در سفر

از جمله تعویذهایی که مناسب سفر است تعویذی است که در روایتی در قبضه شمشیر حضرت رسول صلی الله علیه و آله جاسازی شده بود که به این شرح است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَسْأَلُكَ يَا مَلِكَ الْمَلُوكِ، الْأَوَّلِ، الْقَدِيمِ الْأَبَدِيِّ، الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَحُولُ، أَنْتَ اللَّهُ الْعَظِيمُ، الْكَافِي لِكُلِّ شَيْءٍ، الْمُحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ. اَللّهُمَّ اكْفِنِي بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ، الْوَاحِدِ الْأَحَدِ، الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. وَاجْبُثْ شُرُورَهُمْ وَشُرُورَ الْأَعْدَاءِ كُلِّهِمْ وَسُيُوفِهِمْ وَبَأْسِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ. اَللّهُمَّ اجْبُثْ عَنِّي شَرَّ مَنْ أَرَادَنِي بِحِجَابِكَ الَّذِي اجْتَجَبْتَ بِهِ فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ شَرِّ سِلَاحِهِمْ وَمِنَ الْحَدِيدِ وَمِنْ كُلِّ مَا يَتَخَوَّفُ وَيُحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شِدَّةٍ وَبَلِيَّةٍ وَمِنْ شَرِّ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا».<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۷۶.

۲. ترجمه: «به نام خداوند بخشنده مهربان. یا الله یا الله یا الله، از تو درخواست می‌کنم ای پادشاه پادشاهان، که نخست و قدیم و همیشگی هستی و نابود نمی‌شوی و تغییر نمی‌پذیری. تو آن خدایی هستی که بزرگی و برای هر چیز کافی و بر هر چیز احاطه داری. بار خدایا، به نام بزرگ و یگانه و یکتا و بی‌نیازت که نه کسی از او متولد شده و نه از کسی و برای او مانندی نیست، مرا کفایت کن. خدایا، شرّ آنان و شرّ تمام دشمنان و شمشیرها و هرگونه سلاح آهنین (از ناحیه) آنان را از ما باز دار. خداوند بر همه آنها احاطه دارد. بار خدایا، شرّ کسانی را که قصد بدی به من دارند به حجاب خود که با آن نگاه می‌داری و احدی نسبت به آن نگاه بد  
←

## وسایل سفر پیامبر ﷺ و سفارشات لقمان

۱. در حدیث است که هرگاه حضرت رسول ﷺ به سفر می‌رفت شیشه روغن (برای چرب کردن بدن)، سرمه‌دان، قیچی، آئینه، مسواک، شانه، سوزن، طناب، چیزی که با آن کفش را وصله می‌کنند و نعل حیوان را به همراه می‌برد.<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت لقمان به پسرش گفت: فرزندم، هنگامی که قصد سفر داری شمشیر، کمان، اسب، کفش، عمامه، طناب‌های لازم، ظرف آب، سوزن خیاطی و داروهای مورد نیاز خود و همراهانت را همراه داشته باش.<sup>۲</sup>

۵

 توشه سفر

## اهمیت به همراه بردن توشه سفر

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «آبروی انسان در این است که برای سفر توشه مناسبی بردارد».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی می‌خوانیم که امام زین‌العابدین علیه السلام هرگاه به سفر حج یا عمره می‌رفت از بهترین توشه‌ها - مانند بادام، شکر، قاووت ترش و شیرین - برمی‌داشت و به همراه می‌برد.<sup>۴</sup>

→ نمی‌کند از من بازدار؛ شرّ فاسقان جنّ و انس و شرّ سلاح‌هایشان، به ویژه سلاح‌های آنان و از هر چیز خوفناک و مورد حذر و شرّ هر سختی و بلا و شرّ هر چیزی که توبه آن داناتری و بر (دفع) آن تواناتر، زیرا تو بر هر چیزی توانایی و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و اهل بیتش. «الأمان من اخطار الأسفار والأزمان، ص ۷۶»

۱. مکارم الأخلاق، ص ۳۵.

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۵۲، ح ۴۶۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۸۳۴.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۳۰.

۴. محاسن، ص ۳۶۰، ح ۸۳؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۲، ح ۴۶۸.

### توشه لازم برای سفر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که به سفر می‌روید سفره‌ای با خود ببرید و غذاهای خوب را در آن سفره بگذارید».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «در میان توشه‌ات نان بگذار که باعث برکت می‌شود».<sup>۲</sup>
۳. در حدیث است که امام صادق علیه السلام از یکی از یارانش پرسید: «به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «سفره‌ای (طعام، توشه مسافر) با خود می‌برید؟» عرض کرد: آری. فرمود: «اگر به زیارت قبر پدر یا مادر خود بروید چنین نخواهید کرد». گفتند: پس چه بخوریم؟ فرمود: «نان با شیر یا ماست».<sup>۳</sup> (و در این سفر زیارتی غذای شما ساده باشد).

### اعتدال و میانه‌روی در هزینه‌های سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهترین روش هزینه کردن در نزد خدا میانه‌روی است و خداوند هزینه بسیار را دشمن می‌دارد، مگر در راه حج یا عمره».<sup>۴</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «به من خبر رسیده که عده‌ای چون به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌روند با خود سفره‌ای برمی‌دارند که در میان آن غذاهای مطبوع و گوناگون است؛ اگر به زیارت قبر دوستان خود بروند چنین کاری نمی‌کنند».<sup>۵</sup>

۱. محاسن، ص ۳۶۰، ج ۸۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۶.

۲. محاسن، ص ۳۶۰، ج ۸۴.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۸.

۴. محاسن، ص ۳۵۹، ج ۷۷، مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۵. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۸۲۹.

### مراقبت از توشه سفر

۱. در حدیث است که صفوان از امام صادق علیه السلام پرسید: من خانواده‌ام را همراه خود به حج می‌برم و پول خود را بر کمرم می‌بندم. حضرت فرمود: «اشکالی ندارد. پدرم می‌فرمود: توانایی مسافر در این است که نفقه خود را حفظ کند».<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر آمده است که کسی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دراهمی را که صورت‌هایی در آن نقش کرده‌اند همراه خود دارم و آنها را در همیان می‌گذارم و در حال احرام به کمر می‌بندم، چه حکمی دارد؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». آن پول خرجی تو است و تکیه تو پس از (لطف) خدا بر آن است».<sup>۲</sup>

## ۶ آداب معاشرت با همسفر

### آداب سفر

#### تنها سفر نکن

۱. در چندین حدیث آمده است که هر که تنها سفر کند ملعون است.<sup>۳</sup>
۲. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش کرد: «ای علی، هرگز تنها به مسافرت نرو که شیطان با انسان تنهاست و از دو نفر دورتر است. ای علی، هر که تنها به سفر رود گمراه است و دو نفر که می‌روند دو گمراهند و سه نفر مسافران (در طریق هدایت) اند».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۳۵۸، ج ۷۴.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶.

۳. محاسن، ص ۳۵۶، ج ۵۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۱۰.

۴. محاسن، ص ۳۵۶، ج ۵۶؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۵.

۳. در روایتی دیگر آمده است که کسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید، حضرت از او پرسید: «چه کسی در راه همسفر تو بود؟» عرض کرد: تنها بودم. فرمود: «اگر جلوتر تو را می‌دیدم به تو می‌آموختم که چگونه باید سفر کرد». سپس فرمود: «یک نفر شیطان است دو نفر شیطان‌اند، سه نفر مصاحب‌اند و چهار نفر رفیقان‌اند».<sup>۱</sup>

۴. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام کاظم علیه السلام فرمود: «هر کس به سفر می‌رود بگوید: مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. اَللَّهُمَّ اِنْسُ وَحَشَّتِي وَاعْنِي عَلٰى وَحْدَتِي وَادِّ غَيْبَتِي».<sup>۲</sup>

#### حق همسفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حق مسافر بر همسفرانش آن است که هر زمان بیمار شود سه روز برای او توقّف کنند».<sup>۳</sup>

#### هزینه‌های سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «مستحب است همه همسفران هزینه‌های خود را روی هم بگذارند که این کار باعث خوشنودی خاطر و نیکی اخلاقشان می‌شود».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۳۵۶، ح ۵۸؛ کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۳.

۲. ترجمه: «آنچه را خداوند اراده کند تحقق می‌یابد. هیچ پناهگاه و قدرتی جز به واسطه خدا نیست. بار خدایا، تو مونس تنهایی‌ام باش، بر تنهایی‌ام کمک کن و کمبودهای زمان غیبتم را جبران کن». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱، ح ۸۰۷.

۳. محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۲؛ کافی، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۴.

۴. محاسن، ص ۳۵۹، ح ۷۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۵.

۲. در حدیث است که از امام باقر علیه السلام پرسیدند: گروهی با هم دوست می شوند و در میان آنها غنی و فقیر وجود دارد، آیا غنی می تواند به هزینه های فقیر کمک کند؟ فرمود: «اگر قلباً راضی باشند اشکالی ندارد».<sup>۱</sup>

## همسفران

### اهمیت و تعداد همسفر

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اول همسفر (خوبی) پیدا کن، سپس به سفر برو».<sup>۲</sup>
  ۲. در روایتی دیگر فرمود: «دو نفر با هم همسفر نمی شوند مگر اینکه محبوب ترین آنها نزد خدا کسی است که با رفیقش بیشتر مدارا کند و او ثوابش بیشتر است».<sup>۳</sup>
  ۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بهترین رفیقان و مصاحبان نزد خدا چهار نفرند و هیچ گروهی بیش از هفت نفر نمی شوند مگر اینکه سر و صدایشان بسیار خواهد بود».<sup>۴</sup>
- نکته: از روایات بالا معلوم می شود که حدّاقل همسفر سه نفر و حدّاکثر آنها هفت نفر و بیش از آن مناسب نیست.

### ویژگی های علمی و اخلاقی و مالی همسفر

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی دوستی کن که به

۱. محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۶؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱. روایت مزبور در هر دو مصدر از امام صادق علیه السلام است.

۲. محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۱ و ۶۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۳. محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۱ و ۶۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۱.

۴. کافی، ج ۸، ص ۲۵۱، ح ۴۶۴؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۸۲۰.

- سبب او زینت یابی و با کسی که او به وسیله تو زینت یابد سفر نکن.»<sup>۱</sup>
- یعنی با کسی همسفر شو که علم و کمالات او از تو بیشتر باشد.
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با کسی که فضیلت تو را بر خود نداند آن قدر که تو از فضیلت او بر خود می دانی سفر نکن.»<sup>۲</sup>
۳. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «با مثل خود رفاقت کن و با کسی رفیق نشو که خرج تو را بدهد که موجب خواری و ذلت مؤمن است.»<sup>۳</sup>
۴. در حدیث است که شخصی به نام شهاب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شما می دانید که من انسان توانگر و ثروتمندی هستم و به برادران دینی خود احسان می کنم. گاه با گروهی از آنان در راه مکه رفیق و همسفر شده و برایشان بسیار هزینه می کنم. این کار چه حکمی دارد؟ فرمود: «ای شهاب، چنین کاری نکن زیرا اگر دست به جیب شوی و هزینه کنی و آنها هم بخواهند مانند تو هزینه کنند متضرر می شوند و اگر خرج نکنند باعث خواری آنها می شود؛ پس با کسانی که از نظر مالی مثل تو هستند مسافرت کن.»<sup>۴</sup>
۵. در حدیث است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی با گروهی ثروتمند رفیق و همسفر می شود، آنها سهم خود را از هزینه های سفر می پردازند و این شخص نمی تواند مانند آنها هزینه کند چه حکمی دارد؟ فرمود: «دوست ندارم چنین شخصی خود را خوار کند، پس با کسی رفیق شو که مانند او باشد.»<sup>۵</sup>

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۶.

۲. محاسن، ص ۳۵۷، ح ۶۲؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۵.

۳. کافی، ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۸.

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲، ح ۸۱۷.

۵. محاسن، ص ۳۵۹، ح ۷۹؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۸.

## ۷ سایر آداب سفر

### سفارشات لقمان در مورد سفر و همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «حضرت لقمان به فرزندش نصیحت کرد که در سفر این امور را مراعات کند:

۱. در سفرهای گروهی در مورد کارهای خودت و آنها با ایشان مشورت کن.
۲. در برخورد با آنان بسیار تبسم کن.
۳. در توشه راه و هزینه کردن در میان همسفرانت، کرامت و بزرگواری داشته باش.

۴. هنگامی که تو را به میهمانی دعوت کنند بپذیر.

۵. اگر از تو کمک خواستند آنها را کمک کن.

۶. در سه چیز بر آنها سبقت بگیر: در سکوت بسیار، در نماز فراوان، در سخاوت و جوانمردی نسبت به آنچه با خود همراه داری از توشه و مرکب.

۷. اگر از تو طلب شهادت کردند، یا بر امر حقی بخوانند گواه باشی قبول کن.

۸. هنگامی که با تو مشورت کردند سعی کن نظر خوبی به آنها ارائه دهی.

۹. زود تصمیم نگیر و نظر خود را به آنها نگو، تا در آن اندیشه و تفکر کنی.

۱۰. در هنگام مشورت پاسخ ایشان را نده، تا در آن فکر برخیزی و بنشین و بخوابی و چیزی بخوری و نماز بخوانی و در اثنای این امور فکر و حکمت خود را در مشورت آنها به کارگیری، زیرا هر کس خیرخواهی خود را برای کسی که با او مشورت می کند خالص نگرداند، خداوند عقل و رأی او را می گیرد و امانت را از او برمی دارد.

۱۱. هنگامی که همسفرانت پیاده می روند تو هم با آنها پیاده برو.

۱۲. هنگامی که دوستان همسفر تو کاری انجام می دهند به آنها کمک کن.



۱۳. اگر همسفران تو صدقه یا قرضی می دهند، تو هم همراه آنها این کار را انجام بده.
۱۴. سخن کسی را که از تو بزرگتر است گوش کن.
۱۵. هرگاه همسفرانت کاری از تو می خواهند یا سؤالی می پرسند (حتی الامکان) پاسخ مثبت بده و نه نگو که نه گفتن، نشانه عجز و موجب سرزنش است.
۱۶. هنگامی که در سفر راه را گم کردید و حیران شدید، فرود آیید (وبه راه ادامه ندهید).
۱۷. اگر در مسیری که به سمت محلّ مورد نظر می روید تردید دارید توقّف کنید و با همدیگر مشورت نمایید و مصلحت خویش را بیابید.
۱۸. اگر یک نفر را در بیابان و بین راه دیدید خبر راه را از وی نپرسید که وجود یک انسان تنها در بیابان انسان را به تردید می اندازد که شاید جاسوس دزدان یا شیطان باشد که می خواهد شما را سرگردان کند. و از دو نفر نیز بپرهیزید مگر اینکه نشانه های مثبتی در آنها ببینید که من (شخص غایب) نیستم، زیرا انسان عاقل هنگامی که با چشمان خود به چیزی نظر کند آنچه را حقّ است تشخیص می دهد و حاضر چیزی می بیند که غایب متوجّه آن نمی شود.
۱۹. فرزندم، هنگامی که وقت نماز فرا می رسد آن را تأخیر نینداز و با خواندن به وقت نماز احساس راحتی کن، زیرا نماز بدهی است (که هر چه زودتر ادا کنی سبک بارتر می شوی).
۲۰. نماز را با جماعت به جای آور، هر چند بر سر نیزه باشی.
۲۱. بر روی چهار پا نخواب که به سرعت باعث زخم پشت آن می شود. و این کار انسان های عاقل نیست، مگر اینکه در کجاوه باشی که بر اثر سستی مفاصل

ممکن است انسان بخوابد.

۲۲. هنگامی که به محلّ استراحت نزدیک می‌شوی از مرکب پیاده شو که آن چهارپا یار و یاور تو است و اوّل علف او را بده بعد خودت غذا بخور.
۲۳. هنگام فرود آمدن مکانی را انتخاب کنی که زیباتر و خاکش نرم‌تر و پرگیاه‌تر باشد.
۲۴. هنگامی که فرود آمدی دو رکعت نماز بخوان.
۲۵. چنانچه خواستی قضای حاجت کنی، به جای دوردستی برو.
۲۶. هنگام سوار شدن بر مرکب نیز دو رکعت نماز بخوان.
۲۷. آن‌گاه از آن زمین خداحافظی کن و بر آن زمین و اهل آن سلام کن، زیرا در هر قسمتی از زمین چند فرشته وجود دارد.
۲۸. اگر بتوانی هر غذایی که می‌خوری مقداری از آن را صدقه بده.
۲۹. مادام که سوار هستی کتاب خدا را قرائت کن.
۳۰. به هنگام کار، یاد و تسییح خدا را فراموش نکن.
۳۱. به هنگام تنهایی و بیکاری دعا کن.
۳۲. در اوّل شب راه نرو، بلکه در ابتدای شب فرود آی و در نیمه آخر شب حرکت کن.
۳۳. به هنگام سفر صدایت را بلند نکن.<sup>۱</sup>

### مرّوت در سفر و حضر

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرّوت در حضر (وطن) عبارت است از: قرائت قرآن، همنشینی با علما، تفکّر در فقه و سایر علوم،

۱. محاسن، ص ۳۷۵، ح ۱۴۵؛ کافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۵۴۷.

محافظت بر نماز جماعت. و مرّوت در سفر عبارت است از: هزینه کردن توشه خود، مخالفت نکردن با همسفران، یاد کردن خدا در هنگام بالا رفتن از بلندی‌ها و فرود آمدن از پستی‌ها و ایستادن و نشستن».<sup>۱</sup>

۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «مرّوت در سفر عبارت است از: توشه فراوان برداشتن (که در صورت لزوم به دیگران کمک کند)، پاکیزه گرداندن توشه، بخشش به همسفران، پوشاندن رازهای همسفران، شوخی و مزاح بسیار، البته بدون معصیت و گناه».<sup>۲</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «مرّوت نیست که انسان تمام آنچه را در سفر دیده نقل کند».<sup>۳</sup>

### کمک کردن به مسافران

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس به مؤمن مسافر کمک کند، خداوند متعال هفتاد و سه مشکل از مشکلات دنیوی او را برطرف و او را از اندوه رها می‌کند. و به هنگامی که از شدت احوال قیامت نفس‌های مردم می‌گیرد، خداوند هفتاد غم و شدت را از او برمی‌دارد».<sup>۴</sup>

### توشه سفر

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «توشه مسافر حُدی

۱. خصال، ج ۱، ص ۹۲، ح ۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۶۶، ح ۱.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۵۸.

۳. محاسن، ص ۳۵۸، ح ۷۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۱.

۴. محاسن، ص ۳۶۳، ح ۹۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۸۷۵.

خواندن است.<sup>۱</sup> همچنین خواندن اشعاری که مشتمل بر حرام و باطل نباشد.<sup>۲</sup>

### همراهی با همسفران

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «اگر با گروهی همسفر شدی نگو اینجا توقف کنیم و آنجا توقف نکنیم، زیرا در میان آن گروه کسی هست که این کار را بکند اگر تو اجازه بدهی».<sup>۳</sup>  
(این‌گونه کارها را به دست یک نفر بسپارید تا اختلافی پیدا نشود).

## ۸ آداب راه رفتن و فرود آمدن

### آداب پیاده‌روی در سفر

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «کمر و روی شکم را محکم ببندید، تا پیاده رفتن بر شما آسان شود».<sup>۴</sup>  
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «بر شما باد به حرکت در شب که زمین در شب پیچیده می‌شود».<sup>۵</sup>  
۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «زمین در آخر شب پیچیده می‌شود».<sup>۶</sup> اشاره به اینکه انسان آمادگی زیادی در آن هنگام برای پیمودن راه دارد.

۱. «حَدی» آوازی بود که در سفر می‌خواندند.

۲. محاسن، ص ۳۵۸، ج ۷۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۸۲۳.

۳. محاسن، ص ۳۶۴، ح ۱۰۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۷.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۸۲؛ تهذیب، ج ۵، ص ۱۳، ح ۲۷.

۵. محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۰؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۰، ح ۴۸۹.

۶. محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۲؛ کافی، ج ۸، ص ۲۶۱، ح ۴۹۱.

۴. در حدیثی دیگر فرمود: «حضرت علی علیه السلام هنگامی که عزم سفر داشت، آخر شب حرکت می‌کرد».<sup>۱</sup>
۵. در احادیث معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که از پیاده رفتن خسته شدید تند حرکت کنید که واماندگی را برطرف می‌کند».<sup>۲</sup>

### آداب فرود آمدن

۱. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «زمانی که در شب فرود می‌آیید بر سر راه فرود نیایید. و در درّه‌ها نیز فرود نیایید که محلّ درندگان و مارهاست».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی معتبر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: «در میان درّه‌ها فرود نیایید که مبادا سیلاب بیاید و به شما زبانی برسد».<sup>۴</sup>

### مدارا کردن با مرکب

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند مدارا کردن را دوست می‌دارد و بر آن یاری می‌کند؛ بنابراین، چون بر حیوانات لاغر سوار می‌شوید در منازل توقّف کنید. اگر زمین خشک باشد و گیاهی نداشته باشد تند حرکت کنید و اگر پر گیاه باشد منزل به منزل فرود آید».<sup>۵</sup> (تا حیوان به قدر کافی سیر شود).

۱. محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۱.

۲. محاسن، ص ۳۷۷، ح ۱۵۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۵۸.

۳. محاسن، ص ۳۴۶، ح ۱۰۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۷۸.

۴. محاسن، ص ۳۶۱، ح ۸۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۸۵۹.

۵. محاسن، ص ۳۶۱، ح ۸۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۸۵۷.

## ۹ دعاهای مسیر راه و منازل

### دعاها و اذکار سفر

۱. در حدیثی صحیح می خوانیم که پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هنگام سفر بگو: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِيرِي عِبْرًا وَصَمْتِي تَفْكَرًا وَكَلَامِي ذِكْرًا**»<sup>۱</sup>.
۲. در روایت است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر کس به هنگام عبور از بلندی **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»** و **«اللَّهُ أَكْبَرُ»** بگوید، آنچه در پیش روی اوست تا انتهای زمین، همه آن ذکر را می گویند»<sup>۲</sup>.
۳. سید بن طاووس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ چنین روایت کرده است: هر کس بر تپه یا بلندی یا پلی بالا رود، این ذکر را بگوید: **اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَكَ الشَّرْفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ**<sup>۳</sup>.
۴. در حدیثی صحیح می خوانیم که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سفرها هرگاه در سرایشی قرار می گرفت **«سُبْحَانَ اللَّهِ»** و چون به سربالایی می رسید **«اللَّهُ أَكْبَرُ»** می گفت»<sup>۴</sup>.
۵. در حدیثی معتبر آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هر کس در حال وارد شدن به دره ای **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»** بگوید، خداوند آن دره را برای او از حسنات پر می کند»<sup>۵</sup>.

---

۱. ترجمه: «بار خدایا، سفرم را عبرت و سکوتم را فکر کردن و سخنم را ذکر قرار بده». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۷۹۷؛ الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۰۱.

۲. محاسن، ص ۳۵۳، ح ۴۴.

۳. ترجمه: «خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. خداوند بزرگ تر است از اینکه به وصف آید. هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست و خداوند بزرگ تر از آن است که به وصف آید. و حمد و ستایش مخصوص پروردگار دو جهان است. (خداوند) شرافت از آن تو است و بر هر شرفی برتری داری». الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۰۱.

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱.

۵. محاسن، ص ۳۳، ح ۲۴.

۶. در حدیث است که وقتی حضرت رسول ﷺ به سفر می‌رفت و شب می‌شد این دعا را می‌خواند: **يَا اَرْضُ، رَبِّي وَ رَبُّكَ اللهُ، اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكَ وَ شَرِّ مَا فِيكَ وَ سُوءِ مَا خُلِقَ فِيكَ وَ سُوءِ مَا يَدُبُّ عَلَيْكَ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ اَسَدٍ وَ اَسْوَدٍ وَ مِنْ شَرِّ الْحَيَّةِ وَ الْعَقْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا اَظْلَلْنَ وَ رَبَّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا اَقْلَلْنَ وَ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا ذَرَيْنَ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا اَضَلَلْنَ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسْتَلِكَ خَيْرَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَ خَيْرَ هَذِهِ السَّنَةِ وَ خَيْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَ اَهْلِهِ وَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَ اَهْلِهَا وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي اَخِذْ بِنَاصِيَتِيهَا، اِنَّ رَبِّيَ عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ<sup>۱</sup>.**

۷. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «شیاطین در لابه‌لای محمل‌ها و کجاوه‌ها آمده و شتران را رم می‌دهند. برای دور کردن آنها آیه‌الکرسی بخوانید».<sup>۲</sup>

۸. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در سفر از دزدان یا درندگان بترسد، بر یال اسبش آیه شریفه **«لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى»**<sup>۳</sup> را بنویسد تا زیان آنها به اذن الهی از وی برطرف شود. راوی گوید: من به سفر حج رفتم و در میان بیابان جمعی

۱. ترجمه: «ای زمین، پروردگار من و تو خداست. از شرّ تو و آنچه در تو است و بدی‌هایی که در تو خلق شده و بدی جنبندگانی که بر روی تو حرکت می‌کنند و از شرّ شیران درنده و مار و عقرب گزنده و از شرّ ساکنان این شهر و از شرّ زاینده‌گان و آنچه زاینده‌اند به خدا پناه می‌برم. خداوندا، ای پروردگار آسمان‌های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده‌اند و ای پروردگار زمین‌های هفتگانه و آنچه بر روی آنها قرار دارد و ای پروردگار باده‌ها و آنچه بر آن می‌وزند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می‌کنند، از تو می‌خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و از تو درخواست می‌کنم که خیر امشب و امروز و این ماه و این سال و این شهر و اهل آن و این آبادی و ساکنان آن را نصیب کنی و به تو پناه می‌برم از شرّ آن و شرّ آنچه در آن است و از شرّ هر جنبنده‌ای که سرنوشت آن به دست تو است، بی‌شک (امر) پروردگار من بر صراط مستقیم است».<sup>۱</sup> مکارم الأخلاق، ص ۲۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۱.

۲. محاسن، ص ۳۸۰، ج ۱۵۹.

۳. ترجمه: «(به موسی وحی کردیم...) که نه از تعقیب (فرعونیان) خواهی ترسید و نه از غرق شدن در دریا».<sup>۳</sup> سوره طه، آیه ۷۷.

از دزدان به قافله ما زدند. آیه مزبور را بر یال اسبم نوشتم. به حق خداوندی که حضرت رسول ﷺ را به رسالت فرستاد و حضرت علی علیه السلام را به امامت مشرف گردانید، خداوند آنها را نسبت به من کور کرد و زیانی از آنها به من نرسید.<sup>۱</sup>

#### دعای ایمنی از دشمنان و دزدان

۱. در ادعیه سر آمده است که هرگاه در مسیر سفر از دشمنان و دزدان بترسد این دعا را بخواند: **يَا آخِذًا بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَ السَّابِقَ بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ وَ الْمُنْفَذَ فِيهَا حُكْمُهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلُ قَضَائِهِ لَهَا غَالِبًا، إِنِّي مَكِيدٌ وَ لِقُوَّتِكَ عَلَيَّ مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ، فَإِنْ حُلَّتْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو وَ إِنْ أَسَلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا مَا بِي مِنْ نِعْمَتِكَ، يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ، لَا تَجْعَلْ أَحَدًا مُغَيِّرًا نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ بِسِوَاكَ وَ لَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ رَبِّي وَ قَدْ تَرَى الَّذِي نَزَلَ بِي، فَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ، بِحَقِّ مَا بِهِ اسْتُجِيبَ الدُّعَاءُ، يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ.**<sup>۲</sup>

۲. در حدیث است که حضرت علی علیه السلام برای در امان ماندن از دشمنان این دعا را سفارش کرد: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضِلَّ فِي هُدَاكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقَرَ فِي غِنَاكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضَيِّعَ فِي سَلَامَتِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْلَبَ وَ الْأَمْرُ لَكَ.**<sup>۳</sup>

۱. طب الأئمة، ص ۳۶ و ۳۷ از امام کاظم علیه السلام.

۲. ترجمه: «ای کسی که زمام خلقش را به دست گرفته و قدرتش بر آن پیشی گرفته و حکمش در آن نفوذ دارد. ای خالق آنچه که قدرتش بر آن تعلق گرفته، من در معرض خطر قرار گرفته‌ام و به خاطر توانایی تو در برابر به خطر آفرین به در خانه‌ات آمده‌ام. اگر میان من و آنها حایل شوی این همان چیزی است که می‌خواهم و اگر مرا تسلیم آنان کنی نعمتت را در مورد من تغییر خواهند داد. ای بهترین نعمت‌دهندگان، اجازه نده کسی نعمتت را بر من تغییر دهد. تو پروردگار منی و آنچه را که بر من نازل شده می‌بینی. بین من و شرّ آنان حایل شو، به حق آن کسی که دعا به وسیله او مستجاب می‌شود ای خدا، ای پروردگار جهانیان». الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۱۲.

۳. ترجمه: «بار خدایا، به تو پناه می‌برم که در حکومت تو به من ستم شود. خداوندا، به تو پناه می‌برم که در



## دعای منازل بین راه

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای علی، چون در منزلی فرود آیی بگو: **اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزِلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ** <sup>۱</sup> تا خوبی آن منزل روزی تو شود و شر آن از تو دور شود».<sup>۲</sup>
۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که می خواهد در منزلی فرود آید که ترسی از آن دارد این آیه شریفه را بخواند: **رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا**».<sup>۳</sup>
۳. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول ﷺ فرمود: «هر کس در سفر و منزلی فرود آید که از درندگان بترسد این دعا را بخواند: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سَبْعٍ** <sup>۴</sup> اگر این دعا را بخواند تا زمانی که در آن منزل باشد از شر درندگان در امان است».<sup>۵</sup>
۴. سید بن طاووس روایت کرده است که هرگاه در منزل خود از جانوران زمین خوف داری این دعا را در مکان مورد خوف بخوان که از جمله دعاهای سرّ است: **يَا ذَارِي مَا فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا، لِعِلْمِكَ بِمَا يُكُونُ مِمَّا دَرَأْتَ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى**

→ تیررس هدایت تو گمراه شوم، بار خدایا، به تو پناه می برم که با بی نیازی تو فقیر شوم. بار خدایا، به تو پناه می برم که با سلامتی تو هلاک شوم. بار خدایا، به تو پناه می برم که مغلوب واقع شوم، در حالی که فرمان از برای تو است». **الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان**، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۱. ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور و تو بهترین فرودآورندگان».

۲. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۵، ح ۸۸۷.

۳. ترجمه: «پروردگارا، مرا (در هر کار) با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز و از سوی خود حجّتی یاری کننده برای من قرار ده». (سوره اسراء، آیه ۸۰) محاسن، ص ۳۶۷، ح ۱۱۸.

۴. ترجمه: «گواهی می دهم که معبودی نیست جز الله، که یگانه است و شریک ندارد. حکومت و ستایش مخصوص اوست و خیر و نیکی به دستش و توانا بر هر چیزی است. بار خدایا، از شر درنده ای به تو پناه می برم».

۵. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۸۷۹.

كُلِّ مَنْ دُونَكَ، إِنِّي أَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مِّنَ الضَّرِّ فِي بَدَنِي، مِنْ سَبْعِ أَوْهَامَةٍ  
 أَوْ عَارِضٍ مِّنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، يَا خَالِقَهَا بِقُدْرَتِهِ وَفَاعِلَهَا بِفِطْرِيَّةِ إِدْرَاهَا عَنِّي  
 وَاجْتِزْهَا عَنِّي وَلَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّهَا وَبِأَسْمَاءِ يَا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،  
 حُطَّنِي بِحَيَاتِكَ وَاحْمَنِي بِحِمَايَتِكَ وَاكْفِنِي بِكَفَايَتِكَ إِحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاجْنُبْنِي  
 بِسِتْرِكَ الْوَاقِي مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمٌ»<sup>۱</sup>.

۵. در روایتی معتبر می‌خوانیم که دو برادر خدمت رسول اکرم ﷺ رسیدند و عرض کردند: قصد داریم برای تجارت به شام برویم. حرزی به ما تعلیم ده که در سفر از آن استفاده کنیم. حضرت فرمود: «هنگامی که شب در منزلی فرود می‌آیید و نماز مغرب و عشا می‌خوانید، پس از نماز پهلوی را بر رختخواب گذاشته و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بگویید<sup>۲</sup>، سپس آیه الکرسی بخوانید. با این کار تا صبح محفوظ خواهید ماند». هنگامی که عازم سفر شدند، دزدان به تعقیب آنان پرداختند. شب هنگام که در منزلی فرود آمدند به دستور حضرت عمل کردند و خوابیدند. دزدان غلام خود را به آن منزل فرستادند تا اوضاع را بررسی کند، هنگامی که به آنجا آمد اثری از آن دو نفر ندید، بلکه دو دیوار مشاهده کرد. جریان را به دزدان گفت و آنها هم جز همان چه او مشاهده کرده بود چیزی ندیدند. صبح هنگام به نزد آن دو نفر رفتند و از آنها پرسیدند: شب گذشته کجا بودید؟ گفتند: در همین منزل. دزدان گفتند: ما در پی شما آمدیم، اما جز دو دیوار

۱. ترجمه: «ای آفریننده تمام موجودات زمین، به سبب علمی که به آفریدگانت داری بر غیر خود سلطه داری. (بار خدایا) به خاطر قدرت تو بر هر چیز از وارد شدن زیان در بدنم به تو پناه می‌برم، از درنده و جنبنده و متعرض شونده از بقیة جنبندگان. ای خالق آنها به قدرت خویش و ای آفریننده آنها به آفرینش خود، آنها را از من دور کن و بر من مسلط نکن و از شر آنها مرا رهایی ده! ای خدای والای بزرگ مرا با احاطة خود احاطه کن و به حمایت فرما و از شر (هر ذی شری) کفایت کن و به حفظ خود محفوظ دار و با پوشش نگهدارنده خود از آنچه موجب خوف است مستور فرما، ای رحیم و مهربان» الأمان من الاخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۲۶.

۲. از این روایت استفاده می‌شود که تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام در آن زمان مشهور بوده است.

چیزی نیافتیم. قصه شما چیست؟ آنها دستورالعمل پیامبر ﷺ را بیان کردند. دزدان گفتند: بروید که هیچ دزدی بر شما دست نخواهد یافت.<sup>۱</sup>

۶. سید بن طاووس رحمته الله روایت کرده است: هنگامی که مسافر در منزلی فرود آید بگوید: **اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ**<sup>۲</sup>، سپس دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت پس از حمد هر یک از سوره‌های کوچک را که بخواهد بخواند و بعد بگوید: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَاعِدْنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ اطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَاعِدْنَا مِنْ وَبَاهَا وَحَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا**<sup>۳</sup>، سپس بگوید: **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِمْ أئِمَّةٌ، اتَّوَلَّاهُمْ وَاتَّبَرَّءُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَةِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا صَلَاحًا وَ أَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَ آخِرَهُ نَجَاحًا**<sup>۴</sup>.

۷. شیخ طبرسی رحمته الله می‌گوید: هنگامی که قصد حرکت از استراحتگاه داری دو رکعت نماز بگزار و از خدا طلب محافظت و حمایت کن و با آن مکان و اهل آن وداع کن که در هر مکانی فرشتگانی هستند؛ پس بگو: **السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْحَافِظِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ**<sup>۵</sup>.

۱. محاسن، ص ۳۶۸، ح ۱۲۰؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۶، ح ۳۴.

۲. ترجمه: «بار خدایا، ما را در منزلگاهی پربرکت فرود آور که تو بهترین فرودآورندگان».

۳. ترجمه: «بار خدایا، خیر و برکت این مکان را روزی ماگردان و شر آن را از ما بازدار. بار خدایا، از میوه‌های آن به ما بخوران و از بیماری‌های آن ما را حفظ کن و ما را محبوب اهالی آن گردان و صالحان آن را محبوب مقرر ده».

۴. ترجمه: «شهادت می‌دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست. او یگانه است و شریکی ندارد و محمد بنده و رسول اوست و علی علیه السلام و امامان از فرزندانش امامان (ما) هستند. ولایت ایشان را دارم و از دشمنانشان بیزار می‌جویم. بار خدایا، خیر و نیکی این مکان را از تو می‌خواهم و از شر آن به تو پناه می‌برم. بار خدایا، ابتدای ورود ما را صلاح و راستی و میانه آن را رستگاری و انتهای آن را پیروزی قرار ده».

۵. الأسفار و الأزمان، ص ۱۲۵.

۵. ترجمه: «درو و سلام بر فرشتگان خداوند که وظیفه حفاظت (از ما) را بر عهده دارند. درود و سلام بر ما

## دعا به هنگام رسیدن به مقصد

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که بر شهری مشرف شدی و نگاهت به آن شهر افتاد، این دعا را بخوان: **اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّيَّاحِ وَ مَا ذَرَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ وَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا»<sup>۱</sup>.**

۲. در حدیث است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام فرمود: «هرگاه به شهر یا روستایی وارد شدی و نگاهت بر آنجا افتاد، بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا. اللَّهُمَّ أَطْعِمْنِي مِنْ جَنَاهَا وَ أَعِدْنَا مِنْ وَبَاها وَ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا»<sup>۲</sup>.**

## ۱۰ آداب سفرهای دریایی و عبور از پلها

### سفر دریا

#### حکم سفرهای دریایی

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: «سفر دریایی به منظور تجارت کراهت دارد»<sup>۳</sup>.

→ و بر بندگان شایسته خداوند و رحمت و برکات خدا بر ما و آنان باد». مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۴۰، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۳ و ۲۶۵.

۱. ترجمه: «بار خدایا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده، ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه بر روی آن وجود دارد و ای پروردگار بادهای و آنچه را پراکنده می کند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه می کنند، از تو می خواهم بر محمد و آلش درود فرستی و از تو خیر این آبادی و آنچه در آن است را می خواهم و از شر آن و شر آنچه در آن است به تو پناه می برم». محاسن، ص ۳۷۴، ح ۱۴۳.

۲. ترجمه: «خداوند، خیر و نیکی این آبادی را از تو خواهانم و از شر آن به تو پناه می برم. بار خدایا، از میوه هایش به ما بخوران و از بیماری های آن ما را پناه ده و ما را در نزد اهل آن و نیکان آن را در نزد ما محبوب بگردان». مکارم الأخلاق، ص ۲۶۰.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳۳۳.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کسی که برای تجارت سوار بر کشتی شود، به روش مناسبی طلب روزی نکرده است».<sup>۱</sup>
۳. در روایات معتبر است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از سوار شدن بر کشتی به هنگام تلاطم و هیجان دریا.<sup>۲</sup>
- (این روایات اشاره به زمانی است که کشتی‌ها بادبانی و کوچک و غیر مطمئن بود).

#### آداب ودعای سوار شدن کشتی

۱. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که سوار بر کشتی می‌شوی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَ مُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۳</sup> و چون دریا متلاطم شود بر جانب چپ تکیه و با دست راست به سوی موج اشاره کن و بگو: قِرِّي بِقَرَارِ اللَّهِ وَ اسْكُنِي بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».<sup>۴</sup>
- و در برخی روایات وارد شده است که در وقت اضطراب و تلاطم دریا بگو: «بِسْمِ اللَّهِ، أُسْكُنُ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقَرُّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ أَهْدَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».<sup>۵</sup>

- راوی گوید: من مکرر سوار بر کشتی شدم و در وقت تلاطم امواج دریا به این دستور عمل کردم و تلاطم دریا فرو نشست به گونه‌ای که گویی هرگز متلاطم نبود.<sup>۶</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «انسان هنگام سوار شدن

۱. کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۱۳۳۶.

۲. همان، ح ۱۳۳۵.

۳. ترجمه: «به نام خدا سوار بر آن شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد او کنید، که پروردگارم آمرزنده و مهربان است». سوره هود، آیه ۴۱.

۴. ترجمه: «قرار گیر به قرار خدا و آرام شو به آرامش الهی و هیچ پناهگاه و قدرتی مگر به واسطه خدای والا و بزرگ نیست». کافی، ج ۳، ص ۴۷۱، ح ۵.

۵. شبیه ترجمه سابق است.

۶. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۸۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۳، ح ۲۵.

بر کشتی صد مرتبه الله اکبر بگوید و صد بار صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و صد مرتبه ظالمان آل محمد را به این ترتیب «اللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ» لعنت کند. سپس این دعا را بخواند: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى الصَّادِقِينَ مِنْ آلِهِ. اللَّهُمَّ أَحْسِنْ مَسِيرَنَا وَ عَظِّمْ أُجُورَنَا. اللَّهُمَّ بِكَ انْتَشَرْنَا وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْنَا وَ بِكَ آمَنَّا وَ بِحَبْلِكَ اعْتَصَمْنَا وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا. اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَّتُنَا وَ رَجَائُنَا وَ نَاصِرُنَا، لَا تَحِلَّ بِنَا مَا لَا نُحِبُّ. اللَّهُمَّ بِكَ نَحِلُّ وَ بِكَ نَسِيرُ. اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ اعْظِمْ عَافِيَتَنَا، أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ أَنْتَ الْحَامِلُ فِي الْمَاءِ وَ عَلَى الظُّهْرِ «وَ قَالَ اذْكُبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَ مُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ السَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>. اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرٌ مَنْ وَفَدَ إِلَيْهِ الرَّجَالُ، فَأَنْتَ سَيِّدِي أَكْرَمُ مَزُورٍ وَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَ قَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَ لِكُلِّ وَافِدٍ تَخَفَةً، فَاسْأَلْكَ أَنْ تَجْعَلَ تَخَفَتَكَ إِيَّايَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ اشْكُرْ سَعْيِي وَ ارْحَمْ مَسِيرِي مِنَ أَهْلِي بِغَيْرِ مَنْ مَنَى عَلَيْكَ، بَلْ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ أَنْ جَعَلْتَ لِي سَبِيلًا إِلَى زِيَارَةِ وَلِيِّكَ وَ عَرَّفْتَنِي فَضْلَهُ وَ حَفِظْتَنِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي، حَتَّى بَلَغْتَنِي هَذَا الْمَكَانَ وَ قَدْ رَجَوْتُكَ فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَ ائْتِنَا فَلَا تُخَيِّبْ أَمَلِي وَ اجْعَلْ مَسِيرِي هَذَا كَفَّارَةً لِدُنُوبِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۳</sup>.

۱. سوره هود، آیه ۴۱.

۲. سوره زمر، آیه ۶۷.

۳. ترجمه: «به نام خدا و به ذات (پاک) خدا (شروع می‌کنم). درود بر محمد رسول خدا و بر راستگویان از آتش باد. بار خدایا، مسیر ما را نیکو و مزد ما را بزرگ گردان. بار خدایا، به یاری تو می‌رویم و به تو روی می‌آوریم و به تو ایمان داریم و به ریسمان تو چنگ زدیم و بر تو توکل کردیم. بار خدایا، تو محل اعتماد و امیدواری و باور مایی، آنچه را خوش نداریم بر ما روا مدار، به امید تو بیرون آمده‌ایم و با کمک تو سفر می‌کنیم. بار خدایا، راه را بر ما آسان گردان و عافیت ما را بزرگ بدار که تو جانشین ما در خانواده و مال ما هستی و تو ما را در دریا و خشکی حمل می‌کنی و او (نوح) گفت: «به نام خدا بر کشتی سوار شوید؛ و هنگام حرکت و توقف کشتی یاد

سید بن طاووس گوید: اگر هدفش از سفر، غیر زیارت باشد عبارات را به گونه‌ای تغییر دهد که مناسب سفرش باشد.<sup>۱</sup>

#### دعا به هنگام ترس از غرق شدن

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از غرق شدن بترسد این دعا را بخواند: ﴿بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَ مُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۲</sup> بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup>».
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «کسی که از غرق شدن بترسد بگوید: ﴿اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾<sup>۴</sup> وَ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>۵</sup>».

→ او کنید که پروردگارم آمرزنده و مهربان است. آنها خدا را آن‌گونه که شایسته است نشناخته‌اند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمان‌ها پیچیده در دست اوست. خداوند منزّه و برتر است از شریک‌هایی که برای او می‌پندارند. خدایا، تو بهترین کسی هستی که مردم به سوی او کوچ می‌کنند. تو ای آقای من، بهترین زیارت شده و بهترین مقصدی و برای هر زیارت‌کننده‌ای کرامت و بزرگواری قرار داده‌ای و برای هر واردشونده هدیه‌ای، از تو می‌خواهم که هدیه مرا آزادی از آتش جهنم قرار دهی. تلاش من را جبران کنی و در مسیرم به من رحم کن، در حالی که من متنی بر تو ندارم؛ و تو بر من منت داری که مرا به زیارت ولی خود توفیق دادی و فضیلت او را به من شناساندی و در شب و روز مرا حفظ کردی، تا اینکه مرا به این مکان رساندی. به تو امیدوارم، امید مرا قطع نکن. آرزو مندم، آرزویم را به نومییدی نکشان و این سفر را کفاره گناهانم قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان. «الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴».

۱. الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۰۴.

۲. سوره هود، آیه ۴۱. ترجمه آن در دعای قبل گذشت.

۳. سوره زمر، آیه ۶۷ ترجمه آن در ضمن دعای قبل گذشت. خصال، ج ۲، ص ۴۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۳، ح ۲۴.

۴. ترجمه: «ولیتی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می‌کند». سوره اعراف، آیه ۱۹۶.

۵. ترجمه آن گذشت.

۶. الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۱۰.

## ذکر و دعای عبور کردن از پل

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «بر روی هر پلی شیطانی است، چون به آن نقطه رسیدید بسم الله بگویید تا از شما دور شود».<sup>۱</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هنگامی که بر پل قدم می‌گذارید بگویید: بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ».<sup>۲</sup>

## ۱۱ آداب مشایعت و استقبال کردن از مسافر

### خواندن دعای سفر

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله با مؤمنان وداع می‌کرد می‌فرمود: زَوَّدَكُمْ التَّقْوَىٰ وَوَجَّهَكُمْ إِلَىٰ كُلِّ خَيْرٍ وَقَضَىٰ لَكُمْ كُلَّ حَاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَدُنْيَاكُمْ وَرَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَىٰ سَالِمِينَ».<sup>۳</sup>
۲. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه حضرت رسول صلی الله علیه و آله با مسافری وداع می‌کرد دست او را گرفته، می‌فرمود: أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَةَ وَ أَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَ سَهَّلَ لَكَ الْحُزُونََ وَ قَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَ كَفَاكَ الْأَمَّهُمَّ وَ حَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ، عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ، سِرِّ عَلِيٍّ بِرَكَّةِ اللَّهِ».<sup>۴</sup>

۱. محاسن، ص ۳۷۳، ح ۱۳۸؛ کافی، ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۳.

۲. ترجمه: «به نام خدا. خدایا، شیطان رانده شده را از من دور کن». الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان، ص ۱۰۲.

۳. ترجمه: «خداوند تقوا را توشه سفرتان سازد و شما را به سوی هر خیری رهنمون کند و همه حاجاتتان را برآورده گرداند و دین و دنیای شما را سالم بدارد و شما را به سلامت به سوی خانواده و دوستانتان در حالی که آنها نیز سالم باشند بازگرداند». محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۶؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۵.

۴. ترجمه: «خداوند دوستانت را نیکو قرار دهد و یاری تو را کامل گرداند و سختی را بر تو آسان و دور را بر تو  
←



۳. در روایتی دیگر آمده است که در این وقت می فرمود: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجْهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَزَوَدَكَ التَّقْوَىٰ وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ».<sup>۱</sup>

۴. جمعی برای خدا حافظی خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسیدند، حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَذُنْبُنَاهَا وَنَحْنُ مُذْنِبُونَ وَتَبَسَّنَا وَإِيَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْآخِرَةِ وَالدُّنْيَا وَعَافِنَا وَإِيَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَيْتَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ فِي سَنَتِنَا هَذِهِ وَالْمُسْتَقْبَلَةِ وَعَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَوَلِيَّهُمْ وَاخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا».<sup>۲</sup>

### مشایعت کردن و استقبال از مسافر

۱. در احادیث معتبر آمده است که: «مشایعت کردن و استقبال از مؤمنان مستحب است و برای این منظور، مؤمنین می توانند به مقداری بروند که نمازشان شکسته و روزه آنها افطار شود (به مقدار ۲۱/۵ کیلومتر که مسافت شرعی است)».<sup>۳</sup>

۲. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به کسی

→ نزدیک و مشکلات تو را کفایت و دین و امانت تو را حفظ و پایان کار تو را به خیر کند و تو را به هر خوبی رهنمون سازد. تو را به تقوای الهی سفارش می کنم. تو را به خدا می سپارم. با برکت از سوی خدا حرکت کن». محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۷؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۸۰۶.

۱. ترجمه: «دین و امانت و پایان کار تو را به خدا می سپارم، هر جا که روی می آوری خداوند تو را به کار خوب رهنمون سازد و تقوا را توشه تو قرار دهد و گناهان تو را ببامرزد». محاسن، ص ۳۵۴، ح ۴۹.

۲. ترجمه: «بار خدایا، گناهان ما را ببامرز در حالی که ما گناهکاریم. و ما و آنان را در دنیا و آخرت به گفتار ثابت و پابرجا ثابت قدم گردان و ما و ایشان را از شری که در میان بندگان و در شهرهایت و در این سال و در سال آینده مقدر کرده ای حفظ کن و در یاری خاندان محمد و دوستانش تعجیل کن و دشمنانشان را به زودی رسواگردان». محاسن، ص ۳۵۵، ح ۵۲.

۳. کافی، ج ۴، ص ۱۲۹، ح ۵؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۱۲۹۹.

- که از مکه بازمی‌گشت می‌فرمود: قَبِلَ اللَّهُ مِنْكَ وَ أَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَ غَفَرَ ذَنْبَكَ».<sup>۱</sup>
۳. در حدیث است هنگامی که جعفر طیار از حبشه بازگشت، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را به سینه چسبانید و میان دو چشمش را بوسید. وزمانی که اصحاب حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یکدیگر می‌رسیدند مصافحه می‌کردند. و هنگامی که کسی از آنان از سفر می‌آمد، دیگران دست در گردنش می‌انداختند.<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی دیگر می‌خوانیم: «هر کس دست در گردن حاجی کند، در حالی که هنوز گرد راه را از خود نشسته، گویی حجرالأسود را بوسیده است».<sup>۳</sup>

### سوغاتی آوردن و آداب پس از سفر

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «کسی که از سفر بازمی‌گردد برای خانواده‌اش سوغاتی بیاورد، اگرچه قطعه سنگی باشد».<sup>۴</sup>
۲. در حدیث است که: «هرگاه مسافر از سفر برگشت سزاوار است قبل از هر کاری غسل کند و دو رکعت نماز بخواند، سپس به سجده رود و صد بار شکر الهی را به جا آورد».<sup>۵</sup>
۳. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که بر مسافر مستحب است پس از بازگشت از سفر، برادران مؤمن خود را به میهمانی بخواند.<sup>۶</sup>

۱. ترجمه: «خداوند (اعمال و عبادات تو را) قبول کند و هزینه‌هایی را که در سفر متحمل شدی جایگزین فرماید و گناهانت را ببخشد». کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۸۹۱.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱ و ۲۶۲.

۳. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۸۹۲؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۱.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۹؛ مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶.

۵. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۵۵، ح ۱۹۱۷.

۶. محاسن، ص ۴۱۷، ح ۱۸۱؛ کافی، ج ۶، ص ۲۸۱، ح ۳.

## ۱۲ آداب اسب سواری و تیراندازی

### مسابقات

#### اسب سواری

۱. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول ﷺ به اصحاب خود دستور داد مسابقه اسب سواری برگزار کنند و جایزه آن را از مال خود قرار داد.<sup>۱</sup>
۲. در روایتی دیگر آمده است که بر صد و پنجاه مثقال نقره شرط بندی کردند.<sup>۲</sup>
۳. در روایات معتبر آمده است که حضرت در مسابقه اسب سواری شرکت کردند که مبلغ جایزه آن حدود بیست و یک مثقال نقره بود.<sup>۳</sup>

#### تیراندازی

۱. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «مسابقه اسب سواری و تیراندازی برگزار کنید و اگر مسابقه تیراندازی برگزار کنید آن را بیش از مسابقه اسب سواری دوست می دارم.»<sup>۴</sup>
۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر نوع بازی و سرگرمی و لهوی که مؤمن انجام دهد باطل است، مگر در سه چیز: تعلیم و تربیت اسب (برای مسابقه)، تعلیم و فراگیری تیراندازی، ملاحظه با همسر که اینها باطل نیست. و بی شک هر تیری که در راه خدا انداخته شود، خداوند سه کس را می آمرزد: کسی که آن تیر را ساخته، کسی که آن تیر را به مجاهد رسانده، مجاهدی که از آن تیر استفاده کرده است.»<sup>۵</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۸۸، ح ۲۷۷.

۲. در حدیث آمده است هفت «اوقیه» که هر اوقیه بیست و یک مثقال است و مجموعاً حدود صد و پنجاه مثقال می شود. قرب الإسناد، ص ۱۲۲ ذیل حدیث ۴۵۵.

۳. کافی، ج ۵، ص ۴۹، ح ۷.

۴. همان، ص ۵۰، ح ۱۳.

۵. همان، ذیل حدیث ۱۳.

## شترسواری

۱. در حدیث است که حضرت رسول ﷺ به هنگام بازگشت از جنگ تبوک با اسامه بن زید مسابقه شترسواری گذاشت.<sup>۱</sup>
- توضیح: البتّه روشن است که ساحت مقدّس پیامبر اعظم ﷺ از بازی و مسابقه و شرطبندی پاک و مبرّاست، ولی برای تقویت دین و تشویق مسلمانان به جهاد و دفاع از کیان اسلام و جلوگیری از تسلّط اشرار و کفّار و مشرکان و منافقان بر جان و ناموس و مال مسلمانان و دفع خطر بیگانگان و اثبات مشروعیت مسابقه اسب سواری و تیراندازی این کار را انجام می داد.
۲. در حدیثی معتبر می خوانیم که ملائکه به هنگام شرطبندی از آن محل گریخته و کسانی را که شرطبندی می کنند نفرین می کنند، مگر در مورد مسابقه حیوانات و تیراندازی.<sup>۲</sup>

## کشتی

در حدیثی معتبر می خوانیم که: «شبی حضرت رسول ﷺ در خانه حضرت فاطمه علیها السلام به نوه های عزیز خود فرمود: برخیزید و کشتی بگیرید آنها مشغول کشتی شدند و حضرت فاطمه علیها السلام برای انجام دادن کاری از اتاق بیرون رفت. هنگام بازگشت متوجّه شد که حضرت رسول ﷺ مشغول تشویق امام حسن علیهما السلام است. فاطمه علیها السلام گفت: پدر، کار عجیبی می کنید که بزرگتر را تشویق می کنید. حضرت فرمود: دخترم، جبرئیل مشغول تشویق حسین است و من حسن را تشویق می کنم».<sup>۳</sup>

۱. قرب الإسناد، ص ۱۲۲، ح ۴۵۵.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲، ح ۱۳۶.

۳. امالی صدوق، ص ۴۴۵ و ۴۴۶.

## دفاع و جهاد

۱. در احادیث معتبر آمده است: کسی که برای دفاع از آبرو یا مال خود کشته شود شهید است.<sup>۱</sup>
۲. از حضرت رسول ﷺ روایت شده است که فرمود: «جهاد باعث عزت و بزرگواری فرزندان شما می شود».<sup>۲</sup>
۳. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خداوند متعال جهاد را (با شرایطش) واجب کرده و بزرگ شمرده و آن را عامل یاری گردانیده است. به خدا قسم، دین و دنیا (ی شما) جز با جهاد اصلاح نمی شود».<sup>۳</sup>
۴. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس پیغام جهادکننده را به اهلش برساند، گویی برده‌ای را آزاد کرده و در ثواب جهاد آن رزمنده شریک است».<sup>۴</sup>
۵. در حدیثی معتبر می خوانیم که آن حضرت فرمود: «تمام خیرها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است (به هنگام جهاد با دشمن) و شمشیر اهل حق، کلید بهشت و شمشیر اهل باطل، کلید جهنم است».<sup>۵</sup>
۶. نیز در حدیثی معتبر آمده است که فرمود: «یکی از درهای بهشت 'باب المجاهدین' نام دارد. آنها که در راه خدا جهاد کرده‌اند به سوی آن رفته، آن در به روی آنها گشوده می شود و ملائکه به آنها خوشامد می گویند».<sup>۶</sup>
۷. در حدیثی است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که خبر تجاوز لشکر معاویه به شهر «انبار» را دریافت کرد خطبه‌ای به شرح زیر ایراد فرمود:

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۲، ح ۱ - ۵.

۲. همان، ص ۸، ح ۱۳.

۳. همان، ح ۱۱.

۴. کافی، ج ۵، ص ۸، ح ۹؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۹.

۵. کافی، ج ۵، ص ۲، ح ۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۳۴، ح ۶.

۶. کافی، ج ۵، ص ۲، ح ۲.

«جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زرّه محکم و سپر مطمئن خداوند است. مردمی که از جهاد روی برگردانند خداوند لباس ذلّت بر تن آنها می پوشاند و بلا به آنان هجوم می آورد، کوچک و خوار می شوند، عقل و فهمشان تباه می گردد، و به سبب تضييع جهاد، حقّ آنها پایمال می شود و نشانه های ذلّت در آنها آشکار می گردد و از عدالت محروم می شوند.

آگاه باشید من شب و روز، پنهان و آشکار شما را به مبارزه با این جمعیت (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم: پیش از آنکه با شما بجنگند با آنان نبرد کنید.

به خدا سوگند، هر ملّتی در درون خانه اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد حتماً دلیل خواهد شد (و تنها جمعیتی در نبرد با دشمنان پیروز می شود که به استقبال آنها بشتابد)، ولی شما سستی به خرج دادید و دست از یاری من برداشتید و هر یک به دیگری واگذار کردید، تا آنجا که دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد.

اکنون بشنوید: (یکی از فرماندهان لشکر غارتگر معاویه از) بنی غامد به (شهر مرزی) انبار حمله کرده و نماینده و فرماندار من، حسّان بن حسّان بکری را کشته و سربازان و مرزبانان شما را از آن سرزمین بیرون رانده است.

به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و غیر مسلمانی که جان و مالش در پناه اسلام محفوظ بوده وارد شده و خلخال و دستبند و گردنبد و گوشواره های آنها را از تنشان بیرون آورده است... .

در حالی که هیچ وسیله ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته اند، آنها با غنیمت فراوان برگشته اند، بدون اینکه حتی یک تن از آنها زخمی و یا قطره ای خون از آنها ریخته شود.

اگر بر اثر این حادثه، مسلمانی از روی تأسّف بمیرد سرزنش نخواهد شد و از نظر من سزاوار و به جاست.

شگفتا! شگفتا! به خدا سوگند، این حقیقت قلب انسان را می میراند و اندوه می آفریند که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند و شما در راه حق این چنین پراکنده و متفرّق.

روی شما زشت باد! و همواره غم و غصّه قرینتان باد که شما هدف حملات دشمن قرار گرفته اید. پی در پی به شما حمله می کنند و شما به حمله متقابل دست نمی زنید. با شما می جنگند و شما نمی جنگید. این گونه معصیت خدا می شود و شما (با عمل خود) به آن رضایت می دهید.

هرگاه در ایام تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن دادم، گفتید: اندکی ما را مهلت ده تا سوز گرما فرو نشیند. و اگر در سرمای زمستان این دستور را به شما دادم، گفتید: اکنون هوا فوق العاده سرد است بگذار سوز سرما آرام گیرد. همه این بهانه ها برای فرار از سرما و گرما بود.

شما که از سرما و گرما (وحشت دارید) و می گریزید، به خدا سوگند از شمشیر (دشمن) بیشتر فرار خواهد کرد.

ای کسانی که به مردان می مانید ولی مرد نیستید! ای کودکان صفتان بی خرد! و ای عروسان حجله نشین! (که جز عیش و نوش به چیزی نمی اندیشید) چقدر دوست داشتم که هرگز شما را نمی دیدم و نمی شناختم، همان شناسایی که سرانجام مرا این چنین ملول و ناراحت ساخت. خدا شما را بکشد که این قدر خون به دل من کرده و سینه ام را مملو از خشم ساخته و کاسه های اندوه را جرعه جرعه به من نوشاندید. با سرپیچی و یاری نکردن، طرح های مرا (برای سرکوبی دشمن و ساختن یک جامعه آباد اسلامی) تباه کردید، تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابوطالب مردی است شجاع، ولی از فنون جنگ آگاه نیست... .

خدا خیرشان دهد! آیا هیچ یک از آنها از من با سابقه تر و پیشگام تر در این میدان‌ها بوده است؟ من آن روز گام در میدان نبرد گذاشتم که هنوز بیست سال از عمرم نگذشته بود و هم اکنون از شصت گذشته‌ام، ولی آن که فرمانش را اجرا نکنند، طرح و نقشه‌ای ندارد (و هر اندازه فکر او بلند و نقشه‌اش دقیق باشد هرگز به جایی نمی‌رسد).<sup>۱</sup>

### تحقیقی در مورد مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی

#### جایزه‌دهندگان و جایزه‌گیرندگان

۱. در مسابقات تیراندازی و اسب سواری که شرط‌بندی جایز است، باید جایزه را برای کسی قرار دهند که برنده می‌شود؛ پس اگر برای کسی قرار دهند که عقب مانده جایز نیست.
۲. همچنین جایز نیست برای کسی که در مسابقه شرکت ندارد جایزه قرار داده شود؛ بنابراین، اگر دو تن از تماشاگران در مورد مسابقه اسب‌سواری یا تیراندازی شرط‌بندی کنند جایز نیست.
۳. اگر رئیس حکومت اسلامی از بیت‌المال مسلمین شرط کند که هر کس در مسابقه اسب‌دوانی یا در مسابقه تیراندازی برنده شود فلان مقدار جایزه می‌دهم، این کار جایز است.
۴. همچنین اگر شخص سومی (غیر از رئیس حکومت اسلامی) بگوید: این مبلغ از اموال من برای کسی است که در مسابقه اسب‌سواری یا تیراندازی برنده شود، اشکالی ندارد.
۵. در صورتی که مسابقه‌دهندگان هر کدام مبلغی بگذارند و شرط کنند که هر کس در این مسابقه برنده شد تمام این مبلغ مال او باشد، این کار جایز است.

۱. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، ص ۱۱۷، خطبه ۲۷.



### شرایط مسابقه اسبسواری

- مطابق نظر مشهور علما، در مسابقه اسبسواری ده چیز شرط است:
۱. ابتدا و انتهای مسیر مسابقه معلوم باشد تا هر اسبی که در آن مسیر از همه پیشی گرفت برنده باشد.
  ۲. مقدار و نوع جایزه معلوم و مشخص باشد و هیچ ابهامی نداشته باشد.
  ۳. حیواناتی که قرار است در مسابقه شرکت کنند با دیدن مشخص شوند. البته برخی علما معتقدند که اگر اوصاف و ویژگی‌های آن نیز معین شود کافی است و رؤیت لازم نیست.
  ۴. احتمال بُرد هر یک از حیوانات شرکت‌کننده وجود داشته باشد و به بیان دیگر، همه اسب‌ها در شرایط مساوی باشند؛ بنابراین، اگر اسب بسیار ضعیف و لاغر با اسب بسیار تندرو و قوی مسابقه دهد که معمولاً نمی‌تواند بر آن پیشی بگیرد جایز نیست.
  ۵. حیواناتی که در مسابقه شرکت می‌کنند از یک جنس باشند. مثلاً هر دو اسب یا استر باشند. پس اگر اسب را با استر یا الاغ یا شتر یا فیل بتازانند جایز نیست؛ البته در این شرط اختلاف نظر وجود دارد و نزد فقیر ثابت نیست.
  ۶. طبق نظر مشهور علما هر دو باید همزمان حرکت کنند، پس اگر شرط کنند که یکی زودتر حرکت کند جایز نیست.
  ۷. اسب‌ها باید با سوارکار در مسابقه شرکت کنند، پس اگر بدون سوارکار شرکت کنند جایز نیست.
  ۸. مسافت مسابقه به قدری باشد که قبل از رسیدن به خط پایان، چهارپایان از ادامه دادن مسیر ناتوان نباشند.
  ۹. سوارکاران باید مرد باشند، نه زن.
  ۱۰. هر دو به هنگام تاختن مساوی یکدیگر ایستاده باشند؛ البته در این شرط

اختلاف نظر وجود دارد و اظهر آن است که اگر یکی پیش تر از دیگری ایستاده باشد اشکالی ندارد.

#### نام اسب‌های مسابقه

در لغت عرب برای هر یک از اسب‌هایی که رتبهٔ اوّل تا دهم را کسب کرده‌اند، نام خاصی وجود دارد:

۱. مُجَلَّى: اسبی که مقام اوّل را کسب کرده است.
۲. مُصَلَّى: اسبی که به مقام دوم دست یافته است.
۳. تالی: اسبی که در جایگاه سوم قرار گرفته است.
۴. بارع: اسبی که به مقام چهارم رسیده است.
۵. مُرتاح: اسبی که مقام پنجم را کسب کرده است.
۶. حظّی: اسبی که ششم شده است.
۷. عاطف: اسبی که به مقامی بهتر از هفتمی نرسیده است.
۸. مُؤمِّل: اسبی که حائز رتبهٔ هشتم شده است.
۹. لطیم: اسبی که در جایگاه نهم قرار گرفته است.
۱۰. فِشکِل: اسبی که از همه عقب‌تر بوده است.<sup>۱</sup>

برای مقام‌های اوّل تا نهم می‌توان جایزه قرار داد اما برای اسبی که آخر از همه قرار گرفته جایز نیست. بنابراین، اگر همهٔ اسب‌ها همزمان به خطّ پایان برسند به هیچ‌کدام جایزه‌ای تعلق نمی‌گیرد.

#### شرایط تیراندازی

مسابقات شمشیرزنی و نیزه‌پرانی و تیراندازی، هر سه جایز است و در

۱. علّت نامگذاری اسب‌های دهگانه را به این نام‌ها در کتاب جواهر الکلام (ج ۲۸، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) مطالعه فرمایید.

تیراندازی مطابق نظر مشهور چند چیز شرط است:

۱. از ابتدا مشخص کنند که چند تیر به هدف بخورد برنده است.
۲. نیز مشخص شود تیرهایی که به هدف می‌خورد از میان پرتاب چند تیر باشد (مثلاً بگویند: هر کس پنج تیر از میان ده تیری که پرتاب می‌کند به هدف بزند برنده است).
۳. چگونگی و کیفیت اصابت تیر به نشانه را که شرحش خواهد آمد، مشخص کنند.
۴. مقدار مسافت تیرانداز از نشانه مشخص شود.
۵. اندازه نشانه و محلی که تیر باید به آن موضع اصابت کند نیز مشخص شود.
۶. کمان و تیر هر دو از یک جنس باشد؛ البته فقها در این شرط اختلاف نظر دارند و اقوی آن است که چنین شرطی معتبر نیست. اما اتفاقاً در کار نیست که کمان و تیر معینی را شرط کنند، بلکه بعضی گفته‌اند اگر شرط تعیین نکنند باطل است.
۷. مسابقه به شکل «مبادرت» یا به روش «محاطه» صورت گیرد. منظور از «مبادرت» آن است که شرط کنند هر کس از مجموع بیست تیری که دو تیرانداز پرتاب می‌کنند پنج تیرش به هدف اصابت کند برنده است، پس اگر نفر اول پنج تیر از ده تیر و نفر دوم چهار تیر از ده تیر را به هدف بزند، نفر اول برنده است و اگر هر یک از آنها پنج تیر به هدف بزند هیچ‌کدام برنده نخواهد بود و منظور از «محاطه» آن است که شرط کنند هر کس پنج تیر از دیگری بیشتر به هدف بزند برنده است؛ بنابراین، اگر هر کدام بیست تیر پرتاب کند و نفر اول پانزده تیر به هدف بزند و نفر دوم ده تیر، نفر اول که پنج تیر بیشتر به هدف زده برنده است و اگر یکی چهارده تیر و دیگری ده تیر به هدف بزند هیچ‌کدام برنده نیستند. و احتیاط آن است که از ابتدا مشخص کنند که به کدام یک از دو روش بالا مسابقه خواهند داد تا به فتوای همه فقها صحیح باشد.

## اقسام نشانه‌گیری

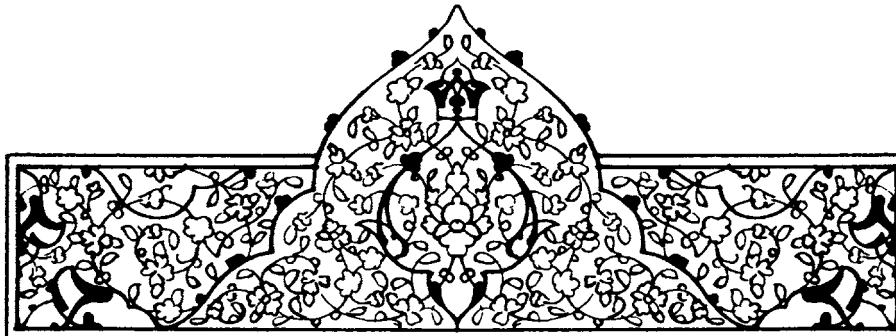
در مسابقه تیراندازی زدن به نشانه انواع و اقسامی دارد:

۱. حابی، یعنی ابتدا تیر به زمین بخورد، سپس کمانه کند و به نشانه اصابت کند.
۲. خاصر، یعنی تیر بر یکی از دو طرف سیبل متصل شود.
۳. خازق، یعنی تیر نشانه را زخمی کند، ولی در آن فرو نرود.
۴. خاسق، منظور از آن این است که نشانه را سوراخ کند و تیر در آن بماند.
۵. مارق، یعنی تیر نشانه را سوراخ کند و از آن عبور نماید.
۶. خارم، بدین شکل که پهلوهای نشانه را بدرد، ولی در میان نشانه فرو نرود.<sup>۱</sup>

با توجه به اقسام ششگانه هدف‌گیری، باید از اول معین کنند که به چه شکلی نشانه را هدف بگیرند و اگر شرط کنند که تیر بر نشانه فرو رود و چنان بزند که تیر نشانه را سوراخ کرده و از سمت دیگر آن عبور کند برنده است. همچنین هر مرحله پست‌تری شرط شود، ولی تیرانداز به شکل بهتری بزند برنده است. اما در صورت عکس (یعنی مرحله عالی‌تر شرط شود و تیرانداز مرحله پایین‌تر را بزند) برنده نخواهد بود.

و احتیاط آن است که در ابتدا صیغه عقد مسابقه جاری شود. یعنی یکی از مسابقه‌دهندگان این عقد را با شرایطی که ذکر شد بر زبان جاری کند و دیگری قبول کند و مستحب است به هنگام تیراندازی و اسب‌سواری هدف فقط بازی و گذراندن وقت نباشد، بلکه هدف ورزش در راه خدا و تقویت دین و ایمان و حمایت از شیعیان در مقابل ظالمان باشد، تا ثوابی عظیم ببرد.

۱. علت نامگذاری اقسام ششگانه هدف‌گیری به نام‌های مزبور را در کتاب جواهر الکلام (ج ۲۸، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) مطالعه فرمایید.



**خاتمه:**

## **برخی آداب متفرقه و فواید سودمند**

۱. آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن ان شاء الله
۲. علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه
۳. عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه
۴. عوامل فقر و غنی
۵. اشعار ممدوح و مذموم
۶. مجازات لواط در دنیا و آخرت
۷. پنجاهای امام صادق علیه السلام
۸. برترین ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله
۹. محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت
۱۰. «مساحقه» (همجنس بازی زنان) و عقوبت شدید آن
۱۱. مسلمانان کافر!
۱۲. مست همچون بت پرست است
۱۳. موسیقی و قمار
۱۴. مناهی النبی صلی الله علیه و آله (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)



## ۱] آغاز کردن هر کار به نام خدا و گفتن ان شاء الله

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «بسیاری از اوقات اتفاق می افتد که برخی شیعیان ما به هنگام شروع کارهایشان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را فراموش می کنند، بدین سبب خداوند متعال آنها را به مشکلی گرفتار می سازد تا متنبه شوند و شکر و ثنای الهی را به جای آورند و با این کار، آن مشکل برطرف و کوتاهی شان بخشوده می شود؛ بنابراین، انسان باید هر کاری را با «بِسْمِ اللَّهِ» آغاز کند»<sup>۱</sup>.

۲. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم علیه السلام را از خوردن میوه درخت ممنوعه بهشتی منع کرد، وی بدون گفتن ان شاء الله گفت: این کار را نخواهم کرد. سپس از آن درخت خورد و از بهشت بیرون رانده شد. بدین رو، خداوند به پیامبرش فرمود: «وَلَا تَقُولَنَّ لشيءٍ اِنِّي فاعِلٌ ذَلِكَ عَدَاً \* اِلَّا اَنْ يَشَاءَ اللهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ اِذَا نَسِيتَ»<sup>۲</sup> یعنی هرگاه ان شاء الله را فراموش کردی هر زمان یادت آمد بگو، اگرچه بعد از یک سال باشد»<sup>۳</sup>.

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۲۲، ج ۷.

۲. ترجمه: «هرگز در مورد کاری نگو: فردا آن را انجام می دهم. مگر اینکه خدا بخواهد و هرگاه فراموش کردی، پروردگارت را به خاطر بیاور». سوره کهف، آیات ۲۳ و ۲۴.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۱۵.

## ۲] علل فراموشی و اسباب تقویت حافظه

۱. در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «نُه عمل موجب غلبه فراموشی می‌شود، از جمله آنها خوردن سیب ترش و خوردن پنیر و گشنیز فراوان و حجامت کردن در گودی پشت گردن است».<sup>۱</sup>
۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «سه چیز باعث تقویت حافظه می‌شود: مسواک کردن، روزه گرفتن، تلاوت قرآن».<sup>۲</sup>

## ۳] عوامل ایجاد و برطرف کردن اندوه

۱. در حدیث است که: «روزی حضرت علی علیه السلام غمگین شد. فرمود: نمی‌دانم به چه علت غمگین شده‌ام، در حالی که در آستانه و درگاه در نشست‌ام و از میان گله گوسفندان عبور نکرده‌ام و زیر جامه را ایستاده نپوشیده‌ام و دست و صورت خود را با لباسم خشک نکرده‌ام».<sup>۳</sup>
۲. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «ده چیز اندوه را برطرف می‌کند: پیاده‌روی، سوارکاری، سر زیر آب بردن، نگاه کردن به سبزه‌زار، غذا خوردن و نوشیدن آب، آمیزش، مسواک زدن، شستن سر با گل خطمی، نگاه کردن به زوجه مقبول، سخن گفتن با افراد باشخصیت».<sup>۴</sup>

## ۴] عوامل فقر و غنی

۱. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «چند چیز باعث فقر و پریشانی و چند چیز موجب توانگری و غنی می‌شود. چیزهایی که باعث فقر

۱. خصال، ج ۲، ص ۱۸۹، ح ۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۹، ح ۱.

۲. سفینة البحار، ج ۴، ص ۳۴۰. ولی به جای صیام (روزه) لبان (کندر) آمده است.

۳. خصال، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۱، ح ۱.

۴. خصال، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۲، ح ۳.



می‌شود: وجود تار عنكبوت در خانه، ادرار کردن در حمام، خوردن چیزی در حال جنابت، خلال کردن با چوب گز، ایستاده شانه کردن، نگهداری خاکروبه در خانه، قسم دروغ، زنا کردن، اظهار حرص کردن، خوابیدن بین نماز مغرب و عشا، خوابیدن پس از نماز صبح و قبل از طلوع آفتاب، دروغ گفتن، بسیار گوش دادن موسیقی، کمک نکردن به مردی که در شب تقاضای کمک می‌کند، زیاده‌روی کردن در مخارج، قطع صلۀ رحم با خویشاوندان.

و آنچه باعث توانگری و بی‌نیازی می‌شود: نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا را با هم خواندن، خواندن تعقیبات بعد از نماز صبح و عصر، صلۀ رحم، جاروب کردن حیاط منزل، کمک مالی به برادر مؤمن، صبحگاهان به طلب روزی رفتن، استغفار بسیار، خیانت نکردن در مال مردم، سخن حق و راست گفتن، تکرار جملات مؤذن به هنگام گفتن اذان، سخن نگفتن در حاجتگاه، حرص نداشتن در طلب دنیا، قدردانی و تشکر از کسی که نعمتی بر گردن انسان دارد، اجتناب از قسم دروغ، وضو گرفتن قبل از غذا، خوردن ریزه‌نان‌هایی که از سفره می‌ریزد، روزی سه مرتبه سبحان الله گفتن. با این کار خداوند هفتاد نوع بلا را دور می‌کند که کمترین آن فقر و پریشانی است.<sup>۱</sup>

(ممکن است منظور از جمع بین صلاتین این باشد که وقتی نماز مغرب را خواند در مسجد بنشیند و مشغول ذکر و دعا و قرآن باشد تا وقت فضیلت نماز عشا برسد، سپس نماز عشا را بخواند، آن‌گونه که برخی اهل تسنن انجام می‌دهند).

## ۵ اشعار ممدوح و مذموم

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در مدح اهل بیت علیهم السلام یک شعر بگوید، خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند».<sup>۲</sup>

۱. خصال، ج ۲، ص ۲۷۶-۲۷۸، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۱۴، ح ۱.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷، ح ۱.

۲. در حدیثی دیگر فرمود: «هر کس در مدح ما اهل بیت بیتی شعر بگوید، از جانب روح القدس تأیید می شود».<sup>۱</sup>
۳. از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر مؤمنی یک بیت شعر در مدح اهل بیت بگوید، خداوند متعال برای او در بهشت شهری بنا کند که بزر تر از هفت برابر دنیا باشد. و هنگامی که وارد آن شهر شود هر ملک مقرب و هر پیامبر مرسلی به دیدن او می آیند».<sup>۲</sup>
۴. در حدیثی معتبر می خوانیم که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شکم کسی پر از چرک باشد بهتر از آن است که پر از شعر باشد».<sup>۳</sup>
- توجه: منظور از شعر در این روایت، اشعار مبتذل و عاشقانه و فسادانگیز و یا اشعار مدح و تملق‌گویی از ستمگران است.

## ۶ مجازات لواط در دنیا و آخرت

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمود: «خواهر و مادر لواط‌دهنده بر لواط‌کننده حرام می شود و در روز قیامت گلوی او را گرفته، به کنار جهنم می کشند تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود، سپس او را در آتش می اندازند و در هر طبقه از طبقات جهنم وی را عذاب می کنند تا به آخرین طبقات جهنم برسد. و لواط از زنا بدتر است، زیرا خداوند متعال هیچ امتی را به خاطر زنا نابود نکرد، ولی به خاطر لواط چند شهر را نابود کرد».<sup>۴</sup>

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۷، ح ۲.

۲. همان، ح ۳.

۳. السرائر، ج ۳، ص ۶۳۳.

۴. فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۷۸.

## ۷ پندهای امام صادق علیه السلام

در حدیث است که شخصی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از حضرت درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود: «اگر خداوند عهده‌دار روزی مردم است، پس غم و غصه برای چیست؟ و اگر روزی‌ات از سوی خدا قسمت شده، پس حرص برای چیست؟ و اگر حساب قیامت حق است، مال‌اندوزی بی حساب برای چیست؟ و اگر آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنی خداوند عوض آن را می‌دهد، پس بخل ورزیدن چه جایگاهی دارد؟ و اگر مجازات خدا به وسیله آتش جهنم است، نافرمانی خدا برای چیست؟ و اگر مر حق است، شادی بیجا برای چیست؟ و اگر همه چیز بر خدا عرضه می‌شود، مکر برای چیست؟ و اگر شیطان دشمن تو است، غفلت از او برای چیست؟ و اگر همه کس باید از صراط عبور کنند، عجب و خودستایی برای چیست؟ و اگر همه چیز به قضا و قدر الهی است، اندوه برای چیست؟ و اگر دنیا فانی است، دل به دنیا بستن برای چیست؟»<sup>۱</sup>

## ۸ برترین‌ها از دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «عابدترین مردم کسی است که آنچه را خدا بر او واجب کرده به‌جا آورد. و سخی‌ترین مردم کسی است که زکات مال خود را پردازد. و زاهدترین مردم کسی است که آنچه را خدا حرام کرده ترک کند. و پرهیزگارترین مردم کسی است که در همه جا حق را بگوید، خواه به نفع او باشد یا به ضرر او. و عادل‌ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می‌پسندد برای مردم هم بپسندد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نپسندد. و زیرک‌ترین مردم کسی است که بیشتر به یاد مر باشد.

۱. امالی صدوق، ص ۷، ح ۵.

و حسودترین مردم کسی است که به زیر خاک رفته و از عقاب الهی ایمن شده و امید ثواب خدا داشته باشد. و غافلترین مردم کسی است که از حوادث و دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد. و قدرتمندترین مردم کسی است که دنیا نزد او ارزشی نداشته باشد. و داناترین مردم کسی است که علم مردم را با دانش خود جمع کند. و شجاعترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند. و باارزشترین مردم کسی است که اعمال نیکش فراوانتر باشد. و کم‌بهاترین مردم کسی است که عملش کمتر باشد. و کم‌لذت‌ترین مردم کسی است که بر مردم حسد ورزد. و ناراحت‌ترین مردم شخصی است که بخل ورزد. و بخیلترین مردم کسی است که به آنچه خداوند بر او واجب کرده، بخل ورزد. و سزاوارترین مردم به حق کسی است که بیشتر به حق عمل کند. و بی‌حرمت‌ترین مردم انسان فاسق است. و فاسق‌ترین مردم پادشاهان ظالم‌اند. و پایین‌ترین مردم از نظر محبوبیت حاکمان ستمگرند. و فقیرترین مردم انسان طمعکار است. و بی‌نیازترین مردم کسی است که اسیر حرص نباشد. و باایمان‌ترین مردم کسی است که اخلاق نیکوتری داشته باشد. و گرامی‌ترین مردم پرهیزگارترین آنهاست. و کسی قدرتش عظیم‌تر است که به سراغ کارهای بیهوده نرود و پرهیزگارترین مردم کسی است که مجادله و منازعه نکند، هر چند حق با او باشد. و بی‌مروت‌ترین مردم شخص دروغ‌گوست. و شقی‌ترین مردم سلاطین ستمکارند و دشمن‌ترین مردم نزد خدا و خلق خدا متکبرانند. و کسی در طاعت الهی تلاش بیشتر کرده است که گناهان را ترک کرده باشد. و داناترین مردم کسی است که از جاهلان بگریزد. و سعادت‌مندترین مردم کسی است که با نیکان معاشرت کند. و عاقل‌ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند. و سزاوارترین مردم به تهمت کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند. و یاغی‌ترین مردم کسی است که شخصی که قصد کشتن او را نداشته به قتل

برساند و کسی که قصد زدن او را نداشته کتک بزند. و سزاوارترین مردم به عفو و بخشایش کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته باشد و آلوده‌ترین مردم به گناه کسی است که در حضور مردم کارهای سفیهانه و در پشت سر آنها غیبت کند. و ذلیل‌ترین مردم کسی است که مردم را خوار کند. و دوراندیش‌ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته‌تر باشد. و بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره‌مند شوند.<sup>۱</sup>

### ۹ محرومان از نظر رحمت پروردگار و بهشت

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال در روز قیامت بر سه گروه با نظر رحمت نمی‌نگرد و اعمالشان را قبول نمی‌کند و آنها را به عذابی دردناک دچار می‌سازد: منافقان (دوچهرگان)، کسانی که از فحش دادن و فحش شنیدن پروا نکنند، کسانی که خود چیزی داشته باشند ولی از مردم تقاضا کنند».<sup>۲</sup>

۲. از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «بهشت بر هر دشنام‌دهنده کم‌حیایی که از آنچه می‌گوید و آنچه درباره‌اش می‌گویند پروا نکند، حرام است».<sup>۳</sup>

۳. در حدیثی دیگر فرمود: «بوی بهشت از پانصد سال راه به مشام می‌رسد، اما عاق والدین و کسی که به ناموس خود بی‌اعتناست آن را استشمام نمی‌کند».<sup>۴</sup>

۱. امالی صدوق، ص ۲۰ و ۲۱، ح ۴.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۶۷.

۳. کافی، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

۴. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۸۱، ح ۱۳۴۳.

**۱۰** مساحقه (همجنس‌بازی زنان) و عقوبت شدید آن

در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «زنان مساحقه‌گر را در روز قیامت حاضر می‌کنند، لباسی از آتش بر اندامشان پوشانده... و آنها را در جهنم می‌اندازند. و اول کسی که این عمل زشت را مرتکب شد از قوم لوط بود».<sup>۱</sup>

**۱۱** مسلمانان کافر!

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «ده گروه از امت من به خدای بزرگ کافرند: قاتل به‌ناحق<sup>۲</sup>، جادوگر، دیوث<sup>۳</sup>، هر که از پشت با زنی زنا کند، هر که با حیوان آمیزش کند، کسی که با محارمش نظیر مادر و خواهر جماع کند، هر که برای فتنه و فساد تلاش کند، کسی که به کفار سلاح بفروشد، هر که زکات مال خود را ندهد، کسی که حج بر او واجب شود و توانایی رفتن به حج را دارد و نرود».<sup>۴</sup> (منظور از کافر در اینجا کفر ایمان نیست، بلکه کفر در عمل است).

**۱۲** مست همچون بت پرست است

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس از شراب مست شود و تا چهل روز پس از آن بمیرد، در پیشگاه خدا همچون بت پرست باشد».<sup>۵</sup>

**۱۳** موسیقی و قمار

۱. در حدیثی معتبر می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس چهل روز در

۱. کافی، ج ۵، ص ۵۵۱ و ۵۵۲، ح ۲.

۲. در نسخه بحار الأنوار به جای «قتال»، «قتات» به معنای «بهتان زن، تهمت زن» آمده است.

۳. مردی که نسبت به رابطه جنسی زن خود با مردان دیگر تعصب و غیرت نداشته باشد. مردی که برای دریافت پول، زن خود را به همخوابگی با مردان دیگر وادار کند (فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۱، ص ۱۴۰۸).

۴. خصال، ج ۲، ص ۲۱۷، ح ۴۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۲۱، ح ۱۸.

۵. بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۲۷؛ قرب الإسناد، ص ۱۵۵.

خانه‌اش طنبور بنوازند، خداوند متعال شیطانی بر وی مسلط می‌کند و هیچ عضوی از اعضای او باقی نمی‌ماند مگر اینکه شیطان بر آن بنشیند و در این صورت حیا از وی رخت برمی‌بندد و نسبت به آنچه می‌گوید و می‌شنود پروا نمی‌کند و غیرت از وی زایل می‌گردد...»<sup>۱</sup>.

۲. از حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «کبوتر در آواز خود بر کسانی که ساز می‌زنند و کنیزان خواننده را نگهداری می‌کنند و عود و نی می‌نوازند نفرین می‌کند»<sup>۲</sup>.

۳. از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس چهل روز در خانه‌اش طنبور، عود، یا یکی دیگر از آلت‌های ساز یا نرد یا شطرنج نگهداری کند، مستحقّ خشم الهی می‌شود. و اگر در این چهل روز بمیرد، فاجر و فاسق از دنیا می‌رود و جای او در جهنّم خواهد بود»<sup>۳</sup>.

۴. در حدیث است که در مورد تفسیر آیه شریفه **﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾**<sup>۴</sup> از امام صادق علیه السلام پرسیدند. فرمود: «منظور از اوثان (بت‌ها) شطرنج و منظور از قول زور (گفتار باطل) غنا و خوانندگی است و نرد از شطرنج بدتر است. اما شطرنج، نگهداری آن کفر، بازی کردن با آن شرک و تعلیم دادنش به دیگران گناه کبیره هلاک‌کننده و سلام کردن بر کسی که با آن بازی می‌کند گناه است. و کسی که دست در صفحه شطرنج بگرداند گویا دست در میان گوشت خوک کرده،... و کسی که با نرد قمار بازی کند مثل کسی است که گوشت خوک خورده و کسی که قمار و برد و باخت مالی کند، گویی دست در میان گوشت و خون خوک گذاشته است. و انگشتر بازی و بازی با تخته‌ای که بر رویش

۱. کافی، ج ۶، ص ۴۳۳، ح ۱۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۸۲.

۴. ترجمه: «از بت‌های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید». سوره حج، آیه ۳۰.

ریگ‌هایی می‌چینند و بازی می‌کنند و امثال آن جایز نیست. و تمام اینها حتی گردوبازی کودکان (که در آن برد و باخت مالی بوده باشد) قمار محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> (آنچه در بالا درباره شطرنج آمد مربوط به زمانی است که جزء آلات قمار محسوب شود و یا با آن برد و باخت مالی کنند).

#### ۱۴] مناهی النبوی ﷺ (آنچه پیامبر از آنها نهی کرد)

در روایتی معتبر می‌خوانیم که حضرت رسول اعظم ﷺ از خوردن در حال جنابت نهی کرد و فرمود: «این کار فقر و پریشانی در پی خواهد داشت». و از گرفتن ناخن با دندان و مسواک کردن در حمام و انداختن آب بینی در مساجد و خوردن نیم‌خورده موش نهی کرد و فرمود: «مساجد را محل رفت و آمد خود قرار ندهید، بدین‌گونه که از دری وارد و از در دیگر خارج شوید، مگر اینکه دو رکعت نماز (تحتیت) در آن بخوانید». و از ادرار کردن زیر درخت میوه‌دار، یا در میان راه نهی کرد. و نهی فرمود از اینکه با دست چپ، یا در حالی که بر پهلو تکیه کرده، چیزی بخورند.

و از گچ کردن بر قبور و نماز خواندن در قبرستان نهی کرد. و فرمود: «هر کس که در فضای باز غسل می‌کند مراقب باشد عورتش آشکار نشود».

و نهی کرد از آب خوردن از کناره دستۀ کوزه که محل اجتماع چرک‌هاست. و از ادرار کردن در آب راکد (ایستاده) که باعث زوال عقل می‌شود نهی کرد. و نهی فرمود از اینکه کسی با یک لنگه نعلین (کفش) راه برود، یا ایستاده نعلین بیوشد.

۱. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱ و ۴۲، ح ۱۳۵.



و از اینکه کسی روبه‌روی خورشید یا ماه ادرار کند نهی کرد و فرمود: «هنگامی که داخل حاجتگاه می‌شوید رو به قبله یا پشت به آن ننشینید». و نهی کرد از گریه بلند و نوحه (شیون) کردن در مصیبت‌ها. و زنان را از رفتن به تشییع جنازه نهی کرد. و نهی کرد از اینکه چیزی از قرآن را با آب دهان محو کنند، یا چیزی از آیات قرآن را با آب دهان بنویسند. و از خواب دروغ نقل کردن (به منظور آزار دادن مردم یا غیر آن) نهی کرد و فرمود: «هر کس چنین کند، خداوند متعال او را در قیامت موظف می‌کند که دانه جوی را گره بزند و او قادر بر این کار نخواهد بود و به همین سبب عذاب می‌شود». و از مجسمه‌سازی نهی کرد و فرمود: «هر کس مجسمه‌ای بسازد، خداوند متعال در روز قیامت به او دستور می‌دهد که در آن مجسمه روح بدمد و قادر نخواهد بود». و نهی فرمود از اینکه حیوانی را به آتش بسوزانند. و از دشنام دادن به خروس نهی کرد، زیرا مردم را برای نماز صبح بیدار می‌کند. و نهی کرد از داخل شدن در معامله دیگران؛ مثل اینکه مؤمنی بخواهد چیزی بفروشد یا بخرد و دیگری بگوید من کالای بهتری دارم از من بخر، یا من این کالا را از تو گران‌تر می‌خرم. از سخن گفتن زیاد به هنگام آمیزش نهی کرد و فرمود: این کار سبب لال شدن فرزند می‌شود. و فرمود: خاکروبه را شب در خانه نگذارید و همان روز بیرون ببرید که شیطان در آن لانه می‌کند.

و از اینکه در شب کسی با دست آلوده به غذا بخوابد نهی کرد که اگر چنین کند و شیطان دیوانه‌اش کند، جز خود کسی را سرزنش نکند.

و نهی کرد از استنجا با سرگین و استخوان.

و از اینکه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون رود نهی کرد که اگر چنین کند تا زمانی که به خانه بازگردد ملائکه آسمان‌ها و هر کس از جنیان و انسان‌ها که بر او بگذرند نفرین‌اش کنند.

و نهی کرد از اینکه زن برای غیر شوهرش خود را زینت کند و اگر چنین کند، بر خداوند لازم است که او را به آتش جهنم بسوزاند.

و نهی فرمود از اینکه زن نزد غیر شوهرش و نامحرمان، بیش از پنج کلمه ضروری سخن بگوید (در آنجا که احتمال انحراف از جاده عفاف می‌رود).

و نهی کرد از اینکه زنی نزد زن دیگر بخوابد و لباس یا ملحفه‌ای در میان آنها نباشد.

و نهی کرد از اینکه زن آنچه در خلوت میان او و شوهرش گذشته را برای زنی دیگر نقل کند.

و نهی فرمود از اینکه کسی با همسر خود رو به قبله آمیزش کند.

و نهی کرد از اینکه در کنار جاده‌ای که محل رفت و آمد است با همسرش آمیزش کند و اگر چنین کند، خدا و ملائکه و همه مردم بر او نفرین کنند.

و از رفتن نزد کسانی که مدعی خبر دادن از آینده هستند، مانند منجمان و کاهنان و رمالان و صوفیان کذاب نهی کرد و فرمود: «هر که نزد اینان برود و آنها را تصدیق کند، از آنچه بر من نازل شده بیزاری جسته است».

و از بازی با نرد و شطرنج و استفاده از طبل و تنبک و طنبور و عود نهی کرد.

و از غیبت کردن و گوش دادن به آن و سخن چینی کردن و گوش دادن به آن نهی کرد و فرمود: «سخن چین وارد بهشت نمی‌شود».

واز رفتن به میهمانی انسان‌های فاسق و قسم دروغ نهی کرد و فرمود: «قسم دروغ، شهرها را ویران می‌سازد». و فرمود: «هر کس برای آنکه مال مسلمانی را ببرد قسم دروغ بخورد، خداوند در قیامت با او در غضب باشد، مگر آنکه توبه کند و مال آن کس را پس بدهد».

واز نشستن بر سر سفره‌ای که بر آن شراب می‌خورند نهی کرد. و نهی کرد از داخل شدن به حمام بدون لنگ و سیلی بر صورت زدن به هنگام مصیبت و سخن گفتنی که انسان را از یاد خدا غافل سازد. و از آشامیدن در ظروف طلا و نقره (و خوردن غذا در آنها) و از فروختن خرما بر روی درخت پیش از آنکه سرخ یا زرد شود نهی کرد. و نهی فرمود از اینکه مردان لباس ابریشمین بپوشند، ولی برای زنان اشکالی ندارد.

و نهی کرد از اینکه رطب را بر درخت به عنوان خرما و انگور را بر درخت به عنوان مویز بفروشند.

واز فروختن آلت نرد و شطرنج نهی کرد.

و نهی فرمود از خریدن و خوراندن شراب و فرمود: «شراب و کسی که درخت انگور را به قصد شراب می‌کارد و آن کس که انگور را برای تهیه شراب می‌فشارد و هر که آن را می‌خورد و آن کس که ساقی می‌شود و هر که آن را می‌فروشد، و کسی که آن را می‌خرد و کسی که پول آن را مصرف می‌کند و آن کس که آن را حمل و نقل می‌کند و کسی که برای او حمل و نقل می‌شود، همه ملعون پروردگارند و فرمود: «هر که شراب بخورد نمازش تا چهل روز قبول نمی‌شود و اگر بمیرد و چیزی از آن در شکمش باشد بر خداوند لازم است که او را مجازات کند».

واز رباخواری و شهادت به ناحق و نوشتن سند ربا نهی کرد. و خداوند

گیرنده، دهنده، نویسنده، و گواه بر رباخواری را نفرین کرده است.  
 و از مصافحه کردن با کفار اهل ذمه و خواندن شعر در مسجد و اعلان گمشده  
 در مسجد نهی کرد.  
 و نهی فرمود از اینکه در مسجد شمشیر را برهنه کنند و نیز چیزی (مانند  
 سنگ) بر صورت جانوران بزنند.  
 و نهی کرد از نگاه به عورت مسلمان و فرمود: «هر کس عمداً به عورت  
 مسلمانی نگاه کند، هفتاد هزار فرشته او را نفرین کنند».  
 و حتی نهی فرمود از اینکه زنی به عورت زنی نگاه کند.  
 و از فوت کردن بر غذا و آب و محلّ سجده نهی کرد.  
 و از نماز خواندن در قبرستان و در راه و آسیاب‌ها و رودخانه‌ها و در محلی که  
 شتران را می‌بندند و بر بام کعبه معظّمه نهی کرد.  
 و از کشتن زنبور عسل و داغ نهادن بر صورت چهارپایان نهی کرد.  
 و از اینکه کسی به غیر خدا قسم بخورد نهی کرد و فرمود: «هر کس به غیر خدا  
 قسم بخورد از رحمت خدا بیزار شده است».  
 و از قسم خوردن به سوره قرآن نهی کرد و فرمود: «هر کس به سوره‌ای از  
 قرآن قسم یاد کند، باید در مقابل هر آیه آن سوره یک کفّاره بدهد، خواه قسم  
 راست باشد یا دروغ». (علما این کفّاره را حمل بر استحباب کرده‌اند).  
 و نهی فرمود از اینکه قسم بخورد و بگوید: به جان تو و جان فلان شخص.  
 و از نشستن جنب در مسجد و برهنه شدن در شب و روز و حجامت کردن در  
 روز چهارشنبه و جمعه نهی کرد.  
 و نهی فرمود از سخن گفتن در روز جمعه هنگامی که خطیب جمعه خطبه  
 می‌خواند که اگر چنین کند ثواب نماز جمعه‌اش کامل نیست.  
 و نهی فرمود از اینکه انگشتر ساخته شده از فلز زرد یا آهن در انگشت کند.

و نهی کرد از اینکه تصویر حیوان در نگین انگشتر باشد.

و از خواندن نماز نافله به هنگام غروب آفتاب و به هنگام ظهر نهی کرد.

و از روزه گرفتن در عید فطر و قربان و سه روز بعد از عید قربان (برای کسانی که در منی هستند) و یوم الشک به نیت ماه رمضان، نهی فرمود.

و نهی کرد از اینکه همانند چهارپایان دهان بر آب بگذارد و بنوشد. و فرمود: «با دستان (تمیز و غیر آلوده خود در کنار چشمه و آنجا که ظرفی نباشد) آب بردارید و بیاشامید که بهترین ظرف‌های شاماست».

و نهی کرد از انداختن آب دهان در چاهی که از آن آب می‌خورند.

و از به کار گرفتن کارگر قبل از تعیین اجرتش نهی کرد.

و نهی کرد از اینکه دو مسلمان با هم قهر کنند و اگر ناچار باشند، بیش از سه روز طول ندهند که هر کس چنین کند سزاوار آتش جهنم است.

و نهی فرمود از اینکه طلا را به طلا و نقره را به نقره با اضافه وزن بفروشند (که ربا محسوب می‌شود).

و از مدح و تمجید مردم در پیش روی آنان نهی کرد.

و فرمود: «هر کس قرآن را فرا گیرد و از روی بی‌اعتنایی فراموش کند، روز قیامت دست‌هایش در گردنش بسته باشد و خداوند به تعداد هر آیه‌ای ماری را بر وی مسلط گرداند، مگر اینکه خداوند او را بیامرزد».

و فرمود: «هر کس قرآن را بیاموزد و پس از آن حرامی بخورد، یا محبت دنیا و زینت دنیا را بر عمل کردن بر قرآن مقدم بدارد، مستحق غضب الهی گردد، مگر اینکه توبه کند. و اگر بدون توبه بمیرد قرآن با او دشمنی کند».

و هر کس با زن مسلمان یا مسیحی یا یهودی یا زرتشتی زنا کند و بی‌توبه بمیرد، خداوند متعال درهای بسیاری از جهنم به قبرش می‌گشاید که حیوانات موذی از جهنم وارد قبرش می‌شود و او تا روز قیامت در آتش می‌سوزد.

و هنگامی که از قبرش مبعوث می شود مردم از بوی متعفن وی اذیت می شوند و همه او را به این کار زشت می شناسند تا به جهنم برود.

و فرمود: «هر کس به خانه مؤمنی نگاه کند تا از اسرار درون خانه اش باخبر شود، خداوند وی را با منافقینی که از عیب های مسلمانان جست و جو می کردند محسور می کند و نمیرد تا خدا او را رسوا سازد مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس به آنچه خداوند روزی وی کرده راضی نباشد و از خدا شکایت کند و صبر نکند، هیچ حسنه ای از او بالا نمی رود (و قبول نمی شود) و خداوند در قیامت از وی خشمگین خواهد بود، مگر اینکه توبه کند».

و فرمود: «هر کس بر زنی ظلم کند و مهرش را نپردازد، نزد خداوند زناکار محسوب می شود و خداوند در قیامت او را سرزنش می کند که من کنیز خود را به مهر مخصوص به عقد تو در آوردم و تو بر پیمان خود وفا نکردی و به آن زن ستم کردی. از حسنات وی بگیری و به جای مهر آن زن به وی بدهی و اگر حسناتش تمام شود خداوند دستور می دهد وی را به جهنم ببرند».

و از کتمان شهادت نهی کرد و فرمود: «هر کس شهادتی نزد او باشد و آن را کتمان کند، خداوند متعال در روز قیامت در حضور مخلوقات، گوشت بدن وی را به خودش می خوراند».

و فرمود: «جبرئیل پیوسته به من در مورد حق همسایگان سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم سهمی از ارث برای آنان قرار خواهد داد...».

و پیوسته مرا به مسواک زدن امر می کرد تا آنکه گمان کردم واجب خواهد شد. و پیوسته مرا به نماز شب سفارش می کرد تا آنجا که گمان کردم نیکان امّتم شب ها نخواهند خوابید».

و فرمود: «هر کس مسلمان تهیدستی را سبک بشمارد، حق خدا را سبک شمرده است و خداوند متعال او را در قیامت سبک می شمارد، مگر آنکه توبه کند. و هر کس مسلمان تهیدستی را گرامی بدارد، خداوند در روز قیامت از وی

راضی و خشنود شود.

و هر کس از ترس خدا از گناه و خواهش نفسانی حرامی خودداری کند، خداوند جهنم را بر او حرام می‌کند و او را از وحشت هولناک روز قیامت در امان نگاه می‌دارد و دو باغ بهشتی که در قرآن مجید<sup>۱</sup> وعده فرموده به او عطا می‌کند. و هر کس دنیا و آخرت بر او عرضه شود و دنیا را بر آخرت ترجیح دهد در قیامت حسنه‌ای که به وسیله آن از جهنم نجات پیدا کند نخواهد داشت. و هر کس آخرت را بر دنیا ترجیح دهد، خداوند از وی خشنود شود و گناهانش را بیامرزد.

و هر کس چشمش را از نگاه به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت دیده‌اش را از آتش پر می‌کند، مگر آنکه توبه کند. و هر کس با زن بیگانه‌ای مصافحه کند، خداوند از وی خشمناک می‌شود. و هر کس زنی را به طور نامشروع در بغل گیرد، او را با شیطانی در یک زنجیر کرده و هر دو را به جهنم می‌برند.

و هر کس مسلمانی را در خرید و فروش فریب دهد از ما نیست و در روز قیامت با یهودیان (ستمکار) محشور می‌شود».

و فرمود: «هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ حسنه‌ای از او قبول نمی‌کند تا آنکه شوهر را از خود راضی سازد، هر چند روزها روزه باشد و شب‌ها به نماز بایستد و برده‌گانی در راه خدا آزاد کرده و بر اسبان جنگی سوار کرده و به جهاد بفرستد، همچنین اگر مردی به زن خود ستم کند. و هر که خشمی از کسی فرو برد که توانایی انتقام از وی را دارد، خداوند ثواب شهید به او کرامت می‌کند».

و از خیانت کردن در اموال مردم نهی کرد و فرمود: «هر کس در امانتی خیانت

۱. سوره الرحمن، آیه ۴۶.

کند و تا قبل از مرگش آن را به اهلش نرساند، مسلمان از دنیا نرفته و خداوند در روز قیامت از او خشمگین باشد.

و هر که در مورد دیگری شهادت به ناحق بدهد، خداوند وی را در پایین ترین نقطه جهنم با منافقان بر زبانش آویزان کند.

و هر کس مال خیانتی را بخرد، گویی خود خیانت کرده است.

و هر کس حق برادر مؤمن خود را حبس کند، خداوند برکت روزی را بر وی حرام می‌کند، مگر اینکه توبه کند.

و هر کس از گناه دیگران باخبر شود و آن را اشاعه دهد، گویی خود مرتکب آن شده است.

و هر کس برادر مسلمانش در رابطه با وامی به او نیازمند باشد و او قادر بر پرداخت باشد و ندهد، خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می‌کند.

و هر کس برای رضای خدا بر اخلاق بد زوجه‌اش صبر کند، خداوند ثواب شاکران را به وی می‌دهد.

و هر زنی که با شوهرش مدارا نکند و با او سازگار نباشد و او را وادار بر کارهایی کند که از قدرتش خارج است، خداوند هیچ حسنه‌ای از او قبول نمی‌کند و در روز قیامت از او خشمگین خواهد بود.

و هر کس برادر مسلمان خود را گرامی دارد، گویی خدا را گرامی داشته است.»

و نهی کرد از اینکه شخصی امام جماعت گروهی شود که به امامت وی راضی نباشند و فرمود: «هر کس با رضایت جمعی، امامت جماعت آنها را بر عهده گیرد و در وقت مناسب حاضر شود و نماز را به خوبی برگزار کند، مانند ثواب آن جمع را می‌برد، بی آنکه از ثواب آنها کاسته شود.

و هر کس برای صلۀ رحم، یا به منظور کمک مالی به نزد یکی از بستگانش برود، خداوند متعال ثواب صد شهید به وی کرامت می‌کند و در مقابل هر قدمی که در این راه برمی‌دارد، چهل هزار حسنه برای او می‌نویسد و چهل هزار گناه از



وی محو می‌کند و چهل هزار درجه بر درجاتش می‌افزاید و چنان باشد که صد سال از برای خدا عبادت کرده باشد.

و هر کس حاجتی از حوائج دنیوی نابینایی را برآورده سازد و برای این کار گام بردارد و تلاش کند، خداوند متعال بیزاری از نفاق و آتش جهنم را روزی اش گرداند و هفتاد حاجت از حاجات دنیوی اش را برآورده کند و پیوسته در رحمت الهی باشد تا بازگردد.

و هر کس بیماری را یک شبانه روز تحمل کند و به عیادت‌کنندگان خود شکایت نکند، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم علیه السلام مبعوث گرداند، تا همچون برقی درخشنده از پل صراط عبور کند.

و هر کس در راه برآورده شدن حاجت بیمار گام بردارد، خواه برآورده شود یا نشود، همانند روزی که از مادر متولد شده از گناهان پاک می‌شود.

یکی از انصار پرسید: اگر آن بیمار از اهل خانه‌اش باشد ثوابش بیشتر است؟ فرمود: «آری». سپس فرمود: «هر کس مشکل و غم و اندوهی از غم‌های دنیوی مؤمنی را برطرف سازد، خداوند متعال هفتاد و دو غم از غم‌های آخرت و هفتاد و دو بلا از بلاهای دنیا را از او دفع کند که آسان‌ترین آنها درد شکم باشد».

و فرمود: «هر شخصی که از وی حقی طلب شود که قادر بر دادن آن باشد و تأخیر کند، هر روز گناه باج‌گیر (عشّار) برای او نوشته می‌شود.

و هر کس به برادر مؤمن خود احسان کند ولی بر وی منت بگذارد، خداوند عملش را حبط و نابود کرده و ثوابی به او نمی‌دهد. خداوند متعال فرماید: «من بهشت را بر منت‌گذارنده و بخیل و سخن‌چین حرام کردم».

و هر کس در راه خدا صدقه‌ای دهد، در مقابل هر درهمی به وزن کوه احد از نعمت‌های بهشتی به او داده می‌شود.

و هر کس واسطه صدقه‌ای به شخص نیازمندی شود، مانند ثواب کسی که آن صدقه را پرداخته به او می‌دهند، بی‌آنکه از ثواب صدقه‌دهنده کاسته شود.

و هر کس از ترس خدا گریه کند، خداوند به هر قطره اشکی که از چشمانش

جاری شود قصری در بهشت به وی می‌دهد که با مروارید و سایر جواهرات تزیین شده باشد، به گونه‌ای که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ کسی خطور نکرده باشد.

و هر کس برای نماز جماعت به سوی مسجد برود، در مقابل هر گامی که برمی‌دارد هفتاد هزار حسنه برایش می‌نویسد و هفتاد هزار درجه بر درجاتش می‌افزاید و اگر در این حال مرگش فرا رسد، خداوند متعال هفتاد هزار فرشته را مأمور می‌کند که در قبر از وی دیدن کنند و در تنهایی مونس او باشند و تا هنگام مبعوث شدن از قبر برایش طلب آمرزش کنند.

و هر کس برای رضای خداوند متعال اذان بگوید، خداوند ثواب فوق‌العاده‌ای برای او می‌نویسد. و هنگامی که مؤذن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» می‌گوید، هفتاد هزار فرشته صلوات می‌فرستند و برایش استغفار می‌کنند و در روز قیامت در سایه عرش الهی باشد تا خداوند از حساب مخلوقات فارغ شود. و ثواب گفتن «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» را چهل هزار فرشته می‌نویسند.

و اگر در نماز جماعت بر صف اول و تکبیر اول محافظت کند و به مسلمانان آزار نرساند، خداوند متعال همانند ثواب مؤذنان، در دنیا و آخرت به او کرامت فرماید.

و فرمود: «هیچ بدی را کوچک نشمرید، هر چند در نظر شما کوچک آید...، زیرا گناه کبیره با استغفار باقی نمی‌ماند. و گناه صغیره باقی نمی‌ماند با اصرار (زیرا هنگامی که بر گناه صغیره اصرار کردی و از آن توبه نکردی کبیره می‌شود)».<sup>۲۱</sup>

۱. امالی شیخ صدوق، مجلس ۶۶، ص ۴۳۳؛ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۱؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۳۳.

۲. این نوشتار - بحمدالله - در ساعت هفت صبح ۱۳۸۶/۱۲/۲۹ و خواندن آن در محضر حضرت استاد در ۱۳۸۸/۳/۱۴ و اصلاحات نهایی آن در ۱۳۸۸/۱۲/۳ به پایان رسید. والحمد لله رب العالمین.

## فهرست منابع

۱. القرآن الکریم، ترجمه آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات امام علی ابن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۹ ش.
۲. الإحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، انتشارات أسوه، تهران، چاپ سوم، ۱۴۲۲ ق.
۳. الإختصاص، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۴. الإستبصار، محمد بن الحسن الطوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.
۵. الأصول من الکافی، محمد بن یعقوب الكلینی، دار صعب و دار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.
۶. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، انتشارات مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۷. اقبال الأعمال، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۸. امالی صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۰ ش.

٩. امالى طوسى، شيخ طوسى، انتشارات دارالثقافة، قم، چاپ اول، ١٤١٤ق.
١٠. امالى مفيد، شيخ مفيد، كنگره شيخ مفيد، قم، چاپ اول، ١٤١٣ق.
١١. امل الأمل، شيخ حرّ عاملى، مكتبة الاندلس، بغداد، چاپ اول، ١٣٨٥ق.
١٢. الأمان من أخطار الأسفار والأزمان، سيّد بن طاووس، مكتبة المفيد، قم، چاپ اول.
١٣. الأنوار الّامعة فى شرح الزيارة الجامعة، السيّد عبدالله الشبّر، مؤسّسة الوفاء، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
١٤. بحار الأنوار، محمّد باقر مجلسى، مؤسّسة الوفاء، بيروت، چاپ سوم، ١٤٠٣ق.
١٥. برگزیده حلية المتّقين، حاج شيخ عبّاس قمى، كانون انتشارات ناصر، قم، چاپ اول، ١٣٧٥ش.
١٦. البرهان فى تفسير القرآن، سيّد هاشم بحراني، مركز الطباعة والنشر فى مؤسّسة البعثة، قم، چاپ اول، ١٤١٦ق.
١٧. بشارة المصطفى، عماد الدين طبرى، چاپ كتابخانه حيدريه، نجف، چاپ اول، ١٣٨٣ق.
١٨. بصائر الدرّجات، محمّد بن حسن بن فروخ صفّار، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
١٩. تاريخ العلامة ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمّد بن خلدون، دارالكتاب اللبنانى و مكتبة المدرسة، بيروت، چاپ اول.
٢٠. تحف العقول، حسن بن على بن الحسين بن شعبة الحرّانى، مؤسّسة النّشر الاسلامى، قم، چاپ هشتم، ١٤٢٩ق.
٢١. التفسير المنسوب إلى الإمام أبي محمّد الحسن بن علىّ العسكري، مؤسّسة الإمام المهدي، چاپ اول، ١٤٠٩ق.

۲۲. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاشی، المكتبة العلمیة الاسلامیة، تهران، چاپ اول، بی تا.
۲۳. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم القمّی، مؤسّسة دارالکتاب، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۴. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش.
۲۵. تفسیر نور الثقلین، علامه حویزی، مؤسّسة مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۶. تنبیه الخواطر (مجموعه ورام)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مكتبة الفقیه، قم، چاپ اول، بی تا.
۲۷. تهذیب الأحکام، محمد بن الحسن بن علی الطوسی، مكتبة الصدوق، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، مكتبة الصدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ق.
۲۹. جامع احادیث الشيعة، حسین طباطبائی بروجردی، چاپ مهر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۰. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۳۱. الجعفریات، (الاشعثیات) محمد بن محمد بن اشعث کوفی، مكتبة نینوی الحدیث، تهران، چاپ اول، بی تا.
۳۲. جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۱م.
۳۳. حلیة المتّقین، علامه مجلسی، تحقیق عبدالمجید شفقت، انتشارات جلوه کمال، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.

۳۴. الخرائج و الجرائح، قطب الدّین راوندی، مؤسّسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. الخصائص الفاطمیّه، محمّد باقر کجوری، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اوّل، ۱۳۸۰ ش.
۳۶. الخصال، محمّد بن علی بن الحسین، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. الخصال، محمد بن علی بن الحسین، با ترجمه: سید احمد فهري زنجانی، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، چاپ اوّل، بی تا.
۳۸. الدروس الشرعیة، محمّد بن مکّی العاملی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. دعائم الإسلام، نعمان بن محمّد تمیمی مغربی، دارالمعارف مصر، چاپ اوّل، ۱۳۸۵ ق.
۴۰. الدعوات، قطب الدّین راوندی، چاپ مدرسه امام مهدی، قم، چاپ اوّل، ۱۴۰۷ ق.
۴۱. رجال کشی، محمّد بن عمر کشی، انتشارات دانشگاه مشهد، چاپ اوّل، ۱۳۴۸ ش.
۴۲. روضة المتّقین، محمّد تقی مجلسی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمّد حسین کوشانپور، قم، چاپ اوّل، بی تا.
۴۳. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محمّد بن منصور بن احمد ابن ادريس حلی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۴۴. سفینه البحار، شیخ عبّاس قمی، دارالأسوة للطباعة والنّشر، ایران، چاپ اوّل، ۱۴۱۴ ق.
۴۵. السنن الكبرى، احمد بن الحسین بن علی البيهقي، دار صادر، بيروت، چاپ اوّل، ۱۳۴۴ ق.

۴۶. شرح نهج البلاغة، میثم بن علی بن میثم البحرانی، مؤسسه النصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۴۷. صحیفه نور، امام خمینی، انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
۴۸. صحیفه الرضا، منسوب به امام رضا علیه السلام، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۴۹. طبّ الائمه علیهم السلام، عبدالله و حسین ابنا بسطام، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
۵۰. عدّة الدّاعی، ابن فهد حلّی، مکتبه وجدانی، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۱. العروة الوثقی، سیّد محمّد کاظم طباطبائی یزدی، المکتبه العلمیة الاسلامیة، تهران، چاپ اول، بی تا.
۵۲. علل الشرایع، شیخ صدوق، انتشارات مکتبه داورى، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۳. عین الحیاة، علامه محمّد باقر مجلسی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی گرگان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۵۴. عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، انتشارات جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۵۵. الفتوحات المکیة، ابن العربی، دار صادر، بیروت، چاپ اول، بی تا.
۵۶. فرحة الغری، سیّد عبدالکریم بن طاووس، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، بی تا.
۵۷. الفروع من الکافی، محمّد کلینی، دارصعب و دارالتعارف، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۱ ق.
۵۸. فرهنگ عمید، حسن عمید، سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۵۰ ش.
۵۹. فرهنگ فارسی، دکتر محمّد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ ش.

۶۰. فرهنگ متوسط دهنخدا، علی اکبر دهنخدا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۶۱. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش؛ آذرنوش، نشر نی، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ ش.
۶۲. فقه الرضا، امام رضا علیه السلام، کنگره امام رضا علیه السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
۶۳. الفقه، سید محمد حسین شیرازی، دارالعلوم، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۶۴. فلاح السائل، سید بن طاووس، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، بی تا.
۶۵. الفوائد الرضویة، حاج شیخ عباس قمی، تحقیق: ناصر بیدهندی، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۶۶. قرب الإسناد، عبدالله بن جعفر الحمیری، مؤسسه الثقافة الاسلامیة لکوشانیور، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۶۷. قصص الانبیاء، قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۶۸. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، انتشارات مرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ق.
۶۹. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین، دار صعب ودارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
۷۰. كشف الغمة فی معرفة الائمة، علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی، انتشارات مكتبة الحیدریه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۷۱. کمال الدین، شیخ صدوق، دارالکتب الاسلامیة، قم، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق.
۷۲. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران حوزه علمیة قم زیر نظر پژوهشکده باقرالعلوم، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.



۷۳. لغت‌نامه، علی اکبر دهخدا، چاپ سیروس، تهران، چاپ اول، ۱۳۳۵ ش.
۷۴. مجله مبلغان (دوماهنامه)؛ معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیّه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۷۵. مجمع البيان، فضل بن الحسن الطبرسی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷۶. مجمع البحرين، شیخ فخرالدین الطریحی، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۷۷. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم، بی تا.
۷۸. مختصر البصائر، الحسن بن سلیمان الحلّی، تحقیق مشتاق المظفر، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۷۹. مختصر تاریخ دمشق، محمد بن مکرم المعروف بابن منظور، دارالفکر، دمشق، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۸۰. مرآة العقول، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۸۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین النوری الطبرسی، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۸۲. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی شاهرودی، مؤسسه البعثه، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۸۳. مشکاة الأنوار، علی بن حسن الطبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۵ ق.
۸۴. المصباح، ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد العاملی الکفعمی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.

٨٥. مصباح الشريعة، منسوب به امام صادق عليه السلام، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٠ ق.
٨٦. مصباح المتهد، شيخ طوسي، مؤسسة فقه الشيعة، بيروت، چاپ اول، ١٤١١ ق.
٨٧. معارف و معاريف، سيد مصطفى حسيني دشتي، مؤسسه فرهنگي آرايه، تهران، چاپ اول، ١٣٨٥ ش.
٨٨. معاني الأخبار، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ١٣٦١ ش.
٨٩. المغني والشرح الكبير، ابني قدامة، دارالفكر، بيروت، چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
٩٠. مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمی، انتشارات دارالفكر، قم، چاپ سوم، ١٣٨٠ ش.
٩١. مفاتيح نوین، آية الله العظمی مكارم شيرازي، مدرسة الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، چاپ سوم، ١٣٨٥ ش.
٩٢. مفتاح الكرامة، سيد محمد جواد حسيني العاملي، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، بي تا.
٩٣. المقنع، شيخ صدوق، مؤسسه امام هادي عليه السلام، قم، چاپ اول، ١٤١٥ ق.
٩٤. مكارم الأخلاق، رضي الدين حسن بن فضل الطبرسي، انتشارات شريف رضي، قم، چاپ اول، ١٤١٢ ق.
٩٥. مناقب آل ابي طالب، محمد بن علي بن شهر آشوب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، چاپ اول، ١٣٧٩ ق.
٩٦. منية المرید، شهيد ثانی، انتشارات دفتر تبليغات، قم، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
٩٧. مهج الدعوات، سيد بن طاووس، انتشارات دار الذخائر، قم، چاپ اول، ١٤١١ ق.

۹۸. مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، سیّد عبدالأعلى موسى سبزواری، مؤسسه المنار، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ ق.
۹۹. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۰۰. نهج البلاغه با ترجمه گویا و شرح فشرده، زیر نظر آیه الله مکارم شیرازی، به قلم محمد رضا آشتیانی و محمد جعفر امامی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دهم، ۱۳۷۵ ش.
۱۰۱. نهج الفصاحة، ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات جاویدان، ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۱۰۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ چهارم، ۱۳۹۱ ق.